

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجموعه مقالات همایش بین‌المللی
ساخت، بازسازی و توسعه عتبات عالیات در گذر تاریخ
۲۹ مهر ماه ۱۴۰۴ - دانشگاه اصفهان
جلد اول: مقالات فارسی

به اهتمام: دکتر اصغر منتظرالقائم

(عضو هیئت علمی گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان و دبیر علمی همایش)

سرشناسه	: همایش بین‌المللی ساخت، بازسازی و توسعه عتبات عالیات در گذر تاریخ (۱۴۰۴: اصفهان)
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ساخت، بازسازی و توسعه عتبات عالیات در گذر تاریخ: ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ - دانشگاه اصفهان/ به اهتمام اصغر منتظرالقائم، [بهنام نصر اصفهانی]؛ سرپرست ویراستاران محبوبه همتیان؛ ویراستاران طناز کرامتیان‌فرد، سمیرا کتابی‌پور، حمیده ضیایی؛ [برای] ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات.
مشخصات نشر	: اصفهان: دانشگاه اصفهان، انتشارات، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: ۳ ج.
فروست	: دانشگاه اصفهان؛ ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴.
شابک	: دوره: ج. ۱: 7-267-110-600-978؛ ج. ۲: 8-260-110-600-978؛ ج. ۳: 5-261-110-600-978-262-110-600
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: ویراستاران جلد سوم: ماجد نجاریان، فاطمه اشراقی، محمدابراهیم اخوان‌دردشتی.
یادداشت	: ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فیبا).
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج. ۱ و ۲. مقالات فارسی. - ج. ۳. مقالات العربیه و الانجلیزیه.
موضوع	: زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- نگهداری و مرمت -- کنکرها Islamic shrines -- Iraq -- Conservation and restoration -- Congresses
شناسه افزوده	: منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۳۷ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: نصر اصفهانی، بهنام، ۱۳۷۳-، گردآورنده
شناسه افزوده	: ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان
شناسه افزوده	: دانشگاه اصفهان. انتشارات
شناسه افزوده	: University of Isfahan. Publishing
رده‌بندی کنگره	: ۲۶۳ BP
رده‌بندی دیویی	: ۷۶۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۲۵۷۶۳۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ساخت، بازسازی و توسعه عتبات عالیات در گذر تاریخ (جلد اول: مقالات فارسی)

به اهتمام: دکتر اصغر منتظرالقائم (عضو هیئت علمی گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان و دبیر علمی همایش)؛ آقای بهنام نصر اصفهانی (دستیار دبیر علمی و مسئول دبیرخانه علمی همایش)
سرپرست ویراستاران مجموعه مقالات فارسی:
دکتر محبوبه همتیان عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان
ویراستاران:

خانم طناز کرامتیان فرد؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان
خانم سمیرا کتابی‌پور دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان
دکتر حمیده ضیایی دکتری زبان و ادبیات فارسی

صفحه آرا: مرتضی جنتیان

ناشر: دانشگاه اصفهان

شمارگان: ۴۵ نسخه

شابک: دوره: 7-267-110-600-978 ؛ ج. ۱: 8-260-110-600-978

سخن ریاست محترم دانشگاه اصفهان

همایش «ساخت، توسعه و بازسازی عتبات عالیات در گذر تاریخ» کوششی برای بررسی علمی بنیادهای فکری و اعتقادی همه‌ی کسانی است که در شکل‌گیری و توسعه این اماکن مقدس نقش‌آفرینی کرده‌اند. عتبات عالیات، به‌ویژه شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا، در طول تاریخ اسلام نقشی بنیادین در شکل‌گیری هویت دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان داشته‌اند. این اماکن مقدس نه تنها مراکز زیارت و معنویت بوده‌اند، بلکه به عنوان کانون‌های علمی و فرهنگی نیز جایگاهی ویژه در تمدن اسلامی داشته‌اند. ایرانیان، در کنار دیگر مسلمانان، طی قرون متمادی سهمی برجسته در توسعه و آبادانی این اماکن ایفا کرده‌اند. حضور عالمان و طلاب ایرانی، تأسیس مدارس و کتابخانه‌ها، ساخت و بازسازی و گسترش بناهای حرم‌ها و هنرهای تزئینی و نیز نذورات و موقوفات گسترده، از جلوه‌های مهم این نقش‌آفرینی به شمار می‌رود. هم‌زمان، مسلمانانی از شبه‌قاره هند، آسیای میانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز با حمایت‌های سیاسی، مالی و اجتماعی خود، در صیانت و اعتلای عتبات عالیات نقش مهمی داشته‌اند. این همایش با رویکردی تاریخی - تحلیلی، به بررسی ابعاد مختلف این همکاری‌ها پرداخته و نشان می‌دهد که ساخت و توسعه عتبات عالیات حاصل همگرایی مسلمانان بوده است. معماری و هنرهای گوناگون باشکوه حرم‌ها، وقف‌نامه‌های متعدد و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی پیرامون این اماکن، بیانگر عمق این تعاملات بوده است. یافته‌های پژوهش‌ها حاکی از آن است که نقش ایرانیان و دیگر مسلمانان در توسعه عتبات نه تنها موجب پایداری این میراث مقدس شده، بلکه الگویی از همبستگی فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام را به نمایش گذاشته است. در بنیاد مدرنیته معاصر مقدس زدایی یک رویه و اصل فکری آنست، عتبات عالیات به عنوان چراغی فرابخش انسان امروز بر سر راه ارتباط با عالم قدس و معنا می‌درخشد و راه تعالی انسان‌ها را برای حضور در پیشگاه حقیقت حیات انسانی می‌گشاید. امروز حفاظت از این اماکن مقدس و حضور عاشقان

اهل بیت در آنها، به معنی بانگی بلند برای بشر امروز و محور مقاومت است تا او را به خودآگاهی و توجه به عالم معنا و قدسی فراخواند. امیدوارم در این همایش فرصت تجدید عهد با حضرات معصومین علیهم السلام فراهم گردد. در پایان از حضور همه نمایندگان اعتبار مقدسه و دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و مهمانان و سخنرانان و مجریان و برگزارکنندگان تشکر و قدردانی می‌نمایم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

رسول رکنی زاده

رئیس دانشگاه اصفهان

و رئیس همایش ساخت و بازسازی و توسعه عتبات عالیات در گذر تاریخ

سخن ریاست محترم ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان

ارادتمندان و محبان حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین در طول تاریخ به شکل گوناگون محبت و ولایت‌پذیری خود را اثبات نموده و همواره کوشیده‌اند در راستای اعتقاد قلبی و عملی به اصل اساسی و زیربنایی امامت، به بهترین وجه ممکن اطاعت و تکریم از امامان معصوم علیه‌السلام به منصفی ظهور درآورده‌اند. دشمنان آزادی و عدالت یعنی سردمداران کفر و شرک و نفاق از این حقیقت‌جویی و از این رابطه تعالی‌بخش احساس خطر نموده و از صدر اسلام تا زمان حال به لطایف‌الحیل کوشیده‌اند با هرچه به تحکیم بسط و توسعه فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام، مخالفت نموده و با آنها به شیوه‌های مختلف تقابل نمایند. این مبارزه و برخورد قهری بعضاً جنبه اعتقادی و فرهنگی داشته و با قلم تحریف به میدان می‌آمده و در بعضی مقاطع هجمه ددمنشانه تخریبی، اعتاب مقدسه را جولانگاه ستوران و چکمه پوشان خود می‌کرده است. تاریخ مشحون از این بیدادگری‌های حق‌ستیزان علیه حق‌مداران و به‌ویژه اولیای عصمت و طهارت بوده است. در این‌سو خوشبختانه مجاهدان همیشه در صحنه در صفوفی منسجم و در بُنیانِ مَرصوص، تجلی‌بخش ایمان راستین به تعالیم حیات‌بخش اسلام ناب محمدی بوده و فرمان روشن الهی را که تکلیف به اطاعت از رسول و ولی امر صلوات الله و سلامه علیهما نموده است را به احسن وجه به نمایش درآورده‌اند.

به فضل الهی در ۱۵۰۰ سالگرد تولد رحمه للعالمین؛ پیامبر رحمت و حکمت حضرت ختمی‌مرتبت محمد مصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) به خلق آثار ارزشمند فکری و تألیف کتب علمی در تبیین ارزش‌های معرفت دینی و نشر حقایق اسلام راستین دست زدند. از سوی دیگر محبان اهل‌بیت اقدامات اجرایی در شکوفایی و عظمت آثار ماندگار معماری و آبادانی حرم‌های مطهر و نورانی اهل‌البیت علیهم‌السلام انجام دادند. در طول تاریخ پرفراز و نشیب تشیع، با چنگ و دندان از اعتاب مقدسه حمایت و حراست کرده‌اند. به دلیل شرایط و موقعیت خاص در عتبات عالیات حرم‌های منور امامان معصوم، اولیای صالح و مقربان درگاه ربوبی به شکرانه الهی و مجاهدت مؤمنان دارای شرایطی مطلوب و تحسین‌برانگیز است.

شیعیان کشورهای مختلف اسلامی از اقصی نقاط جهان و شیعیان ایران در ادوار مختلف به آبادانی اعقاب مقدسه همت گمارده و حتی سلاطین سلسله‌های مختلف ایرانی و غیر ایرانی با انگیزه‌های گوناگون علاوه بر ساخت، مرمت و معماری به توسعه حرم‌های اهل‌البیت علیه‌السلام همت گمارده و این خود تاریخ پرافتخاری است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) و معصومین علیه‌السلام نوید آن را داده بودند. الحمدلله امروز به برکت انقلاب اسلامی ایران این حرکت ولایی سرعت و شتابی زائدالوصف گرفته است و ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات به عنوان هدایتگر این حرکت عظیم مردمی به‌ویژه در دهه اخیر با ایجاد مکان‌های متبرک و مقدسی همچون صحن حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) در جوار مضجع نورانی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و صحن زینب کبری (سلام‌الله علیها) در جوار حرم مطهر سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله حسین (علیه‌السلام) و آثار در دست اقدام دیگری در کاظمین و ... موجب گردیده تا نقش ایرانیان در بسط و توسعه حرم‌های اهل‌البیت (علیهم‌السلام) برجسته و نمایان گردد. جا دارد از برگزارکنندگان علمی و اجرایی همایش در دانشگاه اصفهان به‌ویژه ریاست محترم دانشگاه اصفهان دبیر علمی و اجرایی و همه خدمتگزاران تشکر و قدردانی گردد. همایش تشکر گردد. ان‌شاءالله ذخیره‌ای باشد در روز جزا و بستری شایسته برای گسترش فرهنگ و تمدن نوین اسلامی که در جغرافیای تابناک جبهه مقاومت؛ زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت حضرت بقیه‌الله اعظم (ارواحنا الفداء) گردد. بمنه و کرمه

و من الله توفیق

جعفر عسگری

ریاست ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان

سخن دبیر علمی همایش

الحمد لله رب العالمين وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِينَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ شَكُورٌ

زیارت، خلوتی روحانی است که عاملی در شست و شوی غبار غفلت از زائر می‌شود و با رسیدن به پایگاه امنِ جذبه عشق ملکوتی، روح زائر را به روح مشاهد و مراقد برکت‌آفرین اولیای دین وصل می‌گرداند. چنانچه زائر با حالت شوق به زیارت و مفاهیم آیات و دعاها توجه داشته باشد، در این سیر روحانی و ملاقات با روح مزور، از فیض معنوی زیارت برخوردار و اثرات تربیتی و معرفتی بر وی ظاهر می‌گردد. در این سفر اگر زائر با محبت جلو رود، جذب معشوق می‌گردد؛ آنگاه بی‌اعتنایی و ناز کردن معشوق آغاز می‌گردد و هزاران افکار دنیوی هجوم می‌آورند و دست‌وپاگیر زائر می‌شوند؛ ولی اگر وی مقاومت کند و اصرار در حالت شوق نشان دهد، حالت حضور در برابر خداوند ظهور می‌کند.

زیارت عتبات عالیات از زمان ساخت تاکنون همواره مورد توجه و عنایت مسلمانان و خصوصاً شیعیان جهان بوده است. حرم‌های مطهر ائمه معصومین (ع) در عراق، به‌عنوان نگین‌های تابناک جهان اسلام و قبله‌گاه دل‌های عاشقان و شیفتگان مکتب نورانی اهل بیت (ع)، در طول تاریخ اسلام، کانون عبادی، فرهنگی، رسانه‌ای و مجمع هنرهای اسلامی بوده‌اند. حرم ائمه شیعه با تداوم و تغییر بسیاری در طول تاریخ همراه بوده‌اند و بارها مورد هجوم و تخریب دشمنان قرار گرفته‌اند. با این حال، عشق و ارادت شیعیان به خاندان رسالت باعث شده است تا این اماکن مقدس پس از چندی دوباره مرمت، بازسازی و احیا شوند.

تداوم و تعالی مهندسی فرهنگی عتبات، ارتباط بیشتر جهان اسلام و دو ملت عراق و ایران و مقابله با تحریفات دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) در جنگ رسانه‌ای، نیازمند تبیین علمی، فرهنگ‌سازی و جامعه‌سازی در پرتو تبیین صحیح و عالمانه آن برای آحاد مردم به‌ویژه نسل جوان امروز است. پژوهش‌های علمی و عالمانه که در طول تاریخ، خصوصاً قرون معاصر در مورد عتبات عالیات صورت گرفته است، گواه اهمیت و نگاه ویژه محققین و

پژوهشگران در این زمینه می‌باشد. از این رو دانشگاه اصفهان با محوریت گروه تاریخ و ایران‌شناسی، بنا بر اهمیت موضوع و با یاری خداوند متعال و بر اساس رسالت خود که تعلیم و گسترش پژوهش‌های علمی هدفمند با ابعاد مختلف بین‌رشته‌ای، خصوصاً علوم تاریخی، هنرهای گوناگون، معماری، ادبیات، علوم سیاسی، مردم‌شناسی و معارف اسلامی و شیعه است و به واسطه جایگاه خود در ارتباط بین‌المللی با دانشگاه‌های دیگر کشورها، بر آن شد تا با یاری و همت پژوهشگران مختلف و همکاری و مشارکت ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان و دیگر مراکز علمی داخل و خارج از کشور، همایش بین‌المللی «ساخت، توسعه و بازسازی عتبات در گذر تاریخ» را با هدف بررسی و تبیین ابعاد مختلف این موضوع از منظر تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری برگزار نماید. این همایش فرصتی ارزشمند برای تبادل آرا و نظرات پژوهشگران، هنرمندان، خادمان عتبات عالیات و عموم علاقه‌مندان به تاریخ، هنر و فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) و تجربه سفری معنوی و پربار در دل تاریخ و تمدن شکوهمند اسلامی را فراهم آورد. امید که بتوان در ترویج علمی فرهنگ زیارت و گردشگری مذهبی و بازسازی عتبات عالیات و نیز تعمیق باورهای دینی و مذهبی گامی مؤثر برداشت.

چشم‌انداز و اهداف:

- تعمیق شناخت و آگاهی از تاریخ و فرهنگ عتبات عالیات؛
- تقویت همبستگی و وحدت میان مسلمانان جهان؛
- ترویج فرهنگ زیارت و ارادت به اهل بیت (ع)؛
- تبیین دستاوردها و چالش‌ها در زمینه بازسازی و مرمت بناهای تاریخی؛
- بررسی تحولات تمدنی جهان اسلام با محوریت عتبات عالیات؛
- تبادل نظر و اندیشه میان پژوهشگران و متخصصان حوزه تاریخ، معماری، هنر و فرهنگ اسلامی.

محورهای همایش:

سیاسی - اجتماعی:

- تاریخچه و قدمت عتبات عالیات از نخستین بناها تا دوران معاصر در آینه اسناد و مدارک؛
- نقش حکومت‌ها و کارگزاران جهان اسلام، سلاطین و پادشاهان در عمران، توسعه و

اداره عتبات در طول تاریخ؛

- جایگاه مقاومت اسلامی، مدافعان حرم و سیاست‌های منطقه‌ای در حراست از عتبات عالیات و هویت شیعی؛
- مردم‌شناسی و مردم‌نگاری با تکیه بر جایگاه فرهنگ زیارت، خیرین، موقوفات، نذورات، آداب و رسوم در توسعه عتبات؛
- پیاده‌روی اربعین، موکب‌داری و تأثیرات کمی و کیفی آن بر توسعه و بازسازی عتبات عالیات؛
- مستشرقان و عتبات عالیات.

فرهنگی - هنری:

- نقش ملل اسلامی در تحولات فکری و فرهنگی، انتشار کتب و مجلات در عتبات؛
- جایگاه علما و مراجع دینی در توانمندسازی حوزه‌ها، احیای علوم اسلامی و ترویج فرهنگ زیارت در عتبات؛
- سیر تحول معماری و هنر اسلامی، تکنیک‌ها، مصالح و فناوری‌های مورد استفاده در فرایند بازسازی، مرمت و توسعه عتبات عالیات؛
- نقش هنرمندان و بازتاب رسانه‌ای فعالیت‌های انجام شده در زمینه مرمت و توسعه عتبات عالیات؛
- میراث ملموس و ناملموس عتبات عالیات در آینه موزه‌ها، نسخ خطی، شعر، ادبیات، صنایع دستی و ...

اقتصادی:

- نقش اصناف، بازاریان، تجار و صنعتگران در توسعه و بازسازی عتبات؛
 - تأثیر بازسازی و توسعه عتبات در رونق اقتصادی و توسعه گردشگری مذهبی.
- کمیته علمی همایش بنا بر حکم ریاست محترم دانشگاه و همایش، مبنی بر معین شدن ریاست (دبیر) کمیته، اعضا و مسئول دبیرخانه علمی همایش و دیگر کمیته‌ها از جمله کمیته اجرایی و رسانه‌ای، در اردیبهشت ۱۴۰۳ تشکیل گردید. ابتدا محورهای و بروشور علمی تهیه شد و به کلیه پژوهشگران داخلی و خارجی اعلام گردید (از طریق فیزیکی، مجازی و تلفنی) و سپس در یک بازه زمانی یک‌سال‌ونیمه، بیش از ۲۵۰ مقاله علمی و پژوهشی و آثار هنری توسط پژوهشگران به دبیرخانه همایش ارسال شد که پس از بررسی و انجام داوری مقالات و

آثار هنری در هیئت داوران به شیوه مجلات علمی-پژوهشی ممتاز کشور و با حضور داوران متخصص در زمینه‌های مختلف، بی‌وقفه و با دقت به پایان رسید.

لازم به ذکر است که شیوه داوری به صورت زیر است: ۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سامانه یا ایمیل همایش؛ ۲. بررسی اولیه مقاله توسط مسئول دبیرخانه و دبیر علمی همایش و در صورت مناسب بودن، تعیین داوران و قرارگیری در سیستم داوری؛ ۳. ارسال مقاله برای دو داور به صورت ناشناس (به شیوه مجلات علمی-پژوهشی کشور) در مرحله اول؛ ۴. جمع‌آوری و بررسی نظرات و کامنت‌های داوران پس از مرحله اول؛ ۵. نگارش نامه «نتیجه مرحله اول داوری مقاله» و درخواست انجام اصلاحات پس از تاییدات مرحله چهارم؛ ۶. بررسی مجدد مقاله پس از انجام اصلاحات و ارسال فایل توسط نویسنده؛ ۷. ارسال مقاله برای مرحله دوم داوری پس از تاییدات اولیه؛ ۸. جمع‌آوری نظرات داوری مرحله دوم، بررسی و ارسال برای نویسنده (در صورت نیاز به اصلاح)؛ ۹. ارسال مقاله به همراه فرم‌های داوری و مستندات به کمیته علمی جهت بررسی نهایی پس از انجام و تایید اصلاحات احتمالی؛ ۱۰. اعلام نتیجه نهایی طبق بروشور در فاصله زمانی ۱ الی ۳۱ شهریور ۱۴۰۴؛ ۱۱. نتایج نهایی می‌تواند به صورت‌های زیر باشد: ۱. چاپ در کتاب مقالات؛ ۲. چاپ در مجلات علمی-پژوهشی؛ ۳. مناسب برای سخنرانی و قرارگیری در پنل‌ها؛ ۴. مقاله برتر؛ ۵. رد کامل مقاله.

مقالات برگزیده بر اساس امتیاز داوران به سه دسته تقسیم شدند: چاپ ۶ مقاله فارسی در نشریه علمی-پژوهشی «علم و تمدن در اسلام» مرکز پژوهشی تمدن اسلامی پیامبر اعظم (ص)، چاپ ۶ مقاله فارسی در پژوهشنامه علمی-پژوهشی «تاریخ تشیع» انجمن ایرانی تاریخ اسلام، و باقی مقالات شامل ۴۱ مقاله فارسی و ۳۴ مقاله عربی (۳ مقاله به صورت پوستری و سخنرانی و ۳۱ مقاله در کتاب همایش) و ۱ مقاله انگلیسی نیز در این مجموعه مقالات به چاپ رسید که جمع مقالات پذیرفته شده ۸۸ مقاله علمی-پژوهشی است.

همچنین بنا بر مصوبات دبیرخانه همایش، چهار کتاب علمی-پژوهشی در حوزه عتبات عالیات با عناوین «تبیین تاریخی نقش ایرانیان در نجف اشرف تا قرن هشتم ه.ق» به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی به نویسندگی دکتر اصغر منتظرالقائم، دکتر حیدر الحدراوی و دکتر علی‌اکبر عباسی، و کتاب «نقش مردم استان اصفهان در ساخت، بازسازی و توسعه عتبات عالیات» به نویسندگی دکتر اصغر منتظرالقائم و خانم نعیمه عبداللهی نگاشته شد و به زیور طبع آراسته گردید. همچنین برای گسترش همکاری‌ها بین دبیرخانه علمی همایش و

دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخل و خارج از کشور، تعداد ۱۰ پیش‌نشست علمی-پژوهشی با حضور استادان و دانشمندان داخلی و خارجی برگزار شد که نشان‌دهنده اهمیت علمی و پژوهشی همایش می‌باشد.

وظیفه خود می‌دانیم که از زحمات و همیاری‌های ریاست محترم دانشگاه اصفهان، جناب استاد دکتر رسول رکنی‌زاده؛ ریاست محترم ستاد بازسازی عتبات عالیات اصفهان، جناب آقای جعفر عسگری؛ دبیر اجرایی همایش، جناب آقای دکتر احمد عزیزخانی؛ اعضای کمیته علمی و اجرایی همایش و خصوصاً زحمات ارزشمند جناب آقای بهنام نصر اصفهانی، مسئول دبیرخانه علمی همایش در مدیریت امور دبیرخانه تشکر کنیم. در پایان، لازم می‌دانیم از تمامی دیگر مؤسسات و دانشگاه‌های همکار و تمامی عزیزانی که در برگزاری این همایش یاریگر بودند، کمال تشکر و امتنان را داشته باشیم.

و من الله توفیق

دکتر اصغر منتظرالقائم

دبیر علمی همایش بین‌المللی ساخت، بازسازی و توسعه عتبات عالیات در گذر تاریخ

مهرماه ۱۴۰۴

اعضای کمیته برگزارکننده همایش

استاد دکتر رسول رکنی زاده: ریاست دانشگاه اصفهان و ریاست همایش، استاد گروه فیزیک دانشگاه اصفهان.

دکتر مهدی شاه نوری؛ نماینده ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان در همایش و معاون پژوهشی ستاد

دکتر احمد عزیزخانی؛ قائم مقام رییس همایش و دبیر اجرایی همایش، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان.

استاد دکتر اصغر منتظرالقائم؛ دبیر علمی همایش، استاد گروه تاریخ و ایران شناسی دانشگاه اصفهان.

دکتر ماجد نجاریان؛ دبیر امور بین الملل همایش، استادیار گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمية اصفهان

دکتر محمد ابراهیم اخوان دردشتی؛ معاون دبیر امور بین الملل همایش، استاد همکار جامعه المصطفی العالمية اصفهان

دکتر حسین علی جاسم النوری الموسوی؛ نماینده و هماهنگ کننده کمیته امور بین الملل همایش در کشور عراق

دکتر سید علی اصغر هاشم زاده؛ دبیر تبلیغات و رسانه همایش، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان.

خانم متین سادات اصلاحی؛ مسئول دبیرخانه اجرایی همایش، دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان.

آقای بهنام نصر اصفهانی؛ دستیار دبیر علمی همایش و مسئول دبیرخانه علمی همایش؛ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

اعضای کمیته علمی همایش

- دکتر اصغر منتظرالقائم (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر محمدعلی چلونگر (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر مصطفی پیرمردیان نجف‌آبادی (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر اصغر فروغی ابری (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر علی اکبر جعفری (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر علی اکبر عباسی (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر بهمن زینلی (گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان)
دکتر اصغر قائدان (گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران)
دکتر شکرالله خاکزند (گروه تاریخ دانشگاه شیراز)
دکتر موسی نجفی (گروه تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
دکتر عبدالحسین خسروپناه (گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
دکتر حمید کشیری (پژوهشگر تشیع و مؤسس و رییس آی لوگوس اتریش)
دکتر طاهر بابایی (گروه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر رسول جعفریان (گروه تاریخ دانشگاه تهران)
دکتر حسین عزیزی (گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان)
دکتر محمد سعید نجاتی (گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت)
دکتر احمدرضا خضری (استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران)
دکتر محسن الویری (گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام)
دکتر حمیدرضا مطهری (پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام قم)
دکتر احمد عزیز خانی (گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان)
أ.د عاشور حمود الساعدي (استاد تمام، معاون علمی رئیس دانشگاه الاسراء بغداد)
أ.د دلال عباس (استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه لبنان)
أ.د محسن القزويني (استاد تمام، مؤسس و عضو هیئت علمی دانشگاه اهل‌البیت کربلا)
أ.د عبد الجليل منشد خلف (استاد تمام و رئیس دانشگاه امام کاظم بغداد)
أ.د نجم عبدالحسين نجم (استاد تمام و معاون علمی دانشگاه کربلا)
أ.د نعمه دهش الطائي (استاد تمام و رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه بغداد)

أ.د. عمار عبودی نصار (استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه کوفه)

دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی برگزارکننده و همکار:

دانشگاه اصفهان، ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان، دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان، عتبه علویه، حسینی، عباسیه، کاظمیه، عسکریه، دانشگاه کوفه، دانشگاه اهل بیت کربلا، دانشگاه امام کاظم (ع) عراق، دانشگاه امام صادق (ع) عراق، دانشگاه بغداد، دانشگاه فردوسی مشهد، پژوهشکده حج و زیارت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، انجمن ایرانی تاریخ اسلام شعبه استان اصفهان، دانشگاه معارف قرآن و عترت (علیهم السلام) اصفهان، جامعه المصطفی العالمیه شعبه اصفهان و دیگر مراکز همکار داخلی و خارجی

با تقدیر و تشکر از:

نماینده معزز مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در استان اصفهان و امام جمعه محترم اصفهان؛ حضرت آیت‌الله طباطبائی نژاد

استاندار محترم استان اصفهان؛ جناب آقای دکتر جمالی نژاد
رئیس محترم ستاد بازسازی عتبات عالیات؛ جناب آقای مهندس جلال مآب
نماینده محترم حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی در ایران؛ حضرت آیت‌الله شهرستانی
شهردار محترم کلان‌شهر اصفهان؛ جناب آقای دکتر قاسم‌زاده.
رئیس محترم دانشگاه اصفهان، جناب آقای دکتر رکنی زاده
مسئول محترم دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دانشگاه اصفهان،
جناب آقای دکتر مستأجران

رئیس محترم صدا و سیمای مرکز اصفهان؛ جناب آقای دکتر افشارنیا
رئیس محترم نمایندگی وزارت امور خارجه در اصفهان؛ جناب آقای دکتر دولتیاری.
رئیس محترم ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان؛ جناب آقای عسگری
معاون محترم پژوهشی و فناوری دانشگاه اصفهان؛ جناب آقای دکتر صفاری و کارکنان
خودم معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان

مشاور رییس دانشگاه در امور بین‌الملل و مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی
دانشگاه اصفهان؛ جناب آقای دکتر امیریوسفی و کارشناس محترم دفتر سرکار خانم زارعی

معاون محترم ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان، جناب آقای صادقی
مسئول محترم هماهنگی ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان؛ جناب آقای
ایرانپور و معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان؛
جناب آقای دکتر شاه نوروزی و کارکنان خدوم ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان
مشاور و مدیر کل محترم حوزه استاندار اصفهان؛ جناب آقای دکتر مختاری ملک‌آبادی
مشاور محترم رئیس دانشگاه اصفهان و رئیس محترم دفتر ریاست و روابط عمومی
دانشگاه اصفهان، جناب آقای دکتر رئیسی
رئیس محترم و مجموعه دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع) اصفهان؛ جناب آقای دکتر
حاج کاظمیان.

ریاست محترم و مجموعه پژوهشگاه حج و زیارت قم
ریاست محترم و مجموعه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
ریاست محترم و مجموعه دانشگاه فردوسی مشهد
ریاست محترم و مجموعه دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان
کارشناس ارشد محترم دفتر ریاست دانشگاه اصفهان؛ خانم ظهرابی
رئیس محترم دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان؛ دکتر هاشمیان فر
رئیس محترم اداره انتشارات و مجلات علمی دانشگاه اصفهان؛ جناب آقای دکتر منصوری
و کارکنان محترم اداره انتشارات؛ جناب آقای عودسوزان و جناب آقای نیکبخت و سرکار
خانم رحیم سلمانی
مدیر انتشارات کانون پژوهش اصفهان و صفحه‌آرای کتب، جناب آقای جنتیان
روابط عمومی شهرداری کلان‌شهر اصفهان؛ جناب آقای دکتر معرک نژاد.
رئیس بنیاد حامیان دانشگاه اصفهان جناب آقای دکتر سید محسن قائم فرد
و کلیه مجموعه‌هایی که با کمک مستقیم و غیرمستقیم به برگزاری این همایش وزین و مهم
یاری رسانیدند.

اعضای کمیته داوری مقالات همایش فارسی، عربی و انگلیسی

دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر علی اکبر عباسی، دکتر مرتضی نورائی، دکتر معصومه
گودرزی دستجردی، دکتر میثم شیرکش، دکتر محمدباقر خزائلی، دکتر سید احمد عقیلی، دکتر
احمد عزیزخانی، دکتر سید مسعود شاهمرادی، دکتر آرمان فروهی، خانم متین سادات

اصلاحی، خانم مهشید سادات اصلاحی، دکتر بهمن زینلی، دکتر ابوالفضل حسن آبادی، دکتر نرجس سادات حسینی نصرآبادی، دکتر محمود محمدی، دکتر فاطمه سبک خیز، دکتر مریم سبک خیز، دکتر محمدعلی بصیری، دکتر حسین هرسیج، دکتر اصغر منتظرالقائم، دکتر سید علی اصغر هاشم زاده اصفهانی، دکتر مهران زینلیان دستجردی، دکتر محمدکاظم علیجانی، دکتر ماجد نجاریان، دکتر حمید احمدیان، دکتر مهدی عابدی، دکتر سید محمد موسوی، دکتر سمیه حسنعلیان، دکتر محمدابراهیم اخوان دردشتی، آقای علی نجات بخش، دکتر علی زاهد، دکتر محمد رحیمی، دکتر حمیدرضا وارثی، دکتر مسعود کثیری، دکتر شهاب شهیدانی، دکتر علی کاظمی، دکتر محسن مؤمنی، دکتر عباس برومند اعلم، دکتر اصغر جوانی، دکتر زهرا سلیمانی، دکتر حمید دهقان، دکتر زهرا ماهر، دکتر جهانبخش ثواقب، دکتر علی بنائیان اصفهانی، دکتر فائزه پسندی، آقای بهنام نصر اصفهانی

اعضای شورای ویراستاری و ترجمه همایش

بخش فارسی

سرپرست: دکتر محبوبه همتیان؛ عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. ویراستاران: خانم طنناز کرامتیان فرد؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، خانم سمیرا کتابی پور؛ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، دکتر حمیده ضیایی، دکترای زبان و ادبیات فارسی.

بخش عربی

دکتر فاطمه اشراقی؛ دکترای زبان و ادبیات عرب، دکتر محمد ابراهیم اخوان دردشتی، استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه اصفهان، دکتر ماجد نجاریان؛ استادیار جامعه المصطفی (ص) العالمیه اصفهان، دکتر حمید احمدیان؛ عضو هیئت علمی بازنشسته گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان، آقای مهدی نجات بخش؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان؛ دکتر علی زاهد؛ دکترای زبان و ادبیات عرب

بخش انگلیسی: دکتر سمیه حاجی بابایی، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی؛ دکتر سعید کتابی استاد گروه زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان

فهرست مقالات جلد اول

سخن رئیس محترم دانشگاه اصفهان.....ث
سخن ریاست محترم ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان.....ح
سخن دبیر علمی همایش.....د
اعضای کمیته برگزارکننده همایش.....ش
اعضای کمیته علمی همایش:.....ص
دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی برگزارکننده و همکار:.....ض
اعضای کمیته داوری مقالات همایش فارسی،عربی و انگلیسی.....ط
اعضای شورای ویراستاری و ترجمه همایش.....ظ

مرمت و مطالاسازی حرم مطهر امام علی(ع) در زمان نادرشاه و بازخوانی کتیبه های ترکی ایوان
و گریو گنبد.....۱

علی ابوالقاسمی

ارزیابی و تأثیرگذاری تغییر مدیریت بقاع متبرکه عراق از شکل سنتی به پیشرفته.....۳۰

دکتر محمدعلی بصیری

محمد الخالدی

تاریخ و تحف حرم امیرالمؤمنین (ع) براساس کتاب مشهد الإمام علی فی النجف و ما به من
الهدایا و التتحف نوشته سعاد ماهر.....۶۳

عبدالهادی جابری

مصطفی گوهری فخرآباد

اهمیت خاطرات در مستندسازی حضور ایرانیان در عتبات عالیات: مورد مطالعه: خاطرات
آیت الله آقاجفی قوچانی.....۸۴

ابوالفضل حسن آبادی

مطالعه روابط توسعه گردشگری مذهبی عتبات عالیات و نقش آن در افزایش ژئوپلیتیک شیعه
۱۰۳.....

سیده سمیه حسینی

نرجس سادات حسینی نصرآبادی

آثار فقهی و اصولی و اجتماعی آیت الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و نقش ایشان در حوزه
علمیه نجف اشرف ۱۲۷

حسین حلبیان

نقش فرهنگی عتبات عالیات در مناسبات صفویان و عثمانیان ۱۴۷

محمدباقر خزائیلی

اسنادی از نقش ایرانیان در توسعه فرهنگی عتبات از تأسیس مدرسه تا گزارش هیئت حمل
ضریح حضرت عسگرین به عتبات (۱۳۴۱-۱۳۲۶ ش) ۱۷۰

رحیم روح بخش

تحلیل پیامدهای بهداشتی و امنیتی حملات تروریستی بر زائران عتبات عالیات عراق
(۲۰۱۷-۲۰۰۳) ۲۰۷

مرضیه ریاحی نژاد

نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات در عصر انقلاب اسلامی ۲۳۶

نادعلی ذکاوتمند

بررسی اقدامات ناصرالدین شاه در بازسازی حرم مطهر امامین عسکریین (علیهما السلام) ۲۶۱

حمیدرضا طاهری

لقا نجاریان

اقدامات ناصرالدین شاه قاجار در بازسازی عتبات عالیات جایگاه زیارت عتبات در سیره
عملی و آرای امام خمینی (ره) ۳۰۳

محمد قدرتی شاتوری

جایگاه امام خمینی در پویایی و تقویت حوزه علمیه نجف ۳۲۴

محمد قدرتی شاتوری

نسبت گفتمان شیعی آل بویه با آبادانی عتبات عالیات ۳۴۴

زهراسادات کشاورز

نقش برجسته تحمیدیه در سخن شیخ‌بهای برپایه دلبستگی به خدا و پیامبر(ص) و ارادتمندی
به امامان و مضاجع شریف عتبات عالیات..... ۳۶۷

خدایار مختاری

مهدی وطن‌خواه

تبیین جایگاه هنر خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه در شهر کربلا..... ۳۹۳

اصغر منتظرالقائم

زهرافخمی

نقش حکومت قاجار در بازسازی و عمران حرم امام حسین(ع) و حرم حضرت ابوالفضل(ع)
..... ۴۱۷

امینه مهربابو

زیارت اربعین در پرتو سیر تطور نظریه ولایت فقیه..... ۴۳۶

زینب میرزایی

تحلیلی بر هماهنگی آداب زیارت به‌عنوان سیری کمال‌گرایانه و هستی‌شناسانه با مقایسه
معماری فضای قدسی حرم مطهر امام حسین(ع)..... ۴۶۱

سید مجید هاشمی طغرالجردی

فاطمه کوثر

مرمت و مطالاسازی حرم مطهر امام علی (ع) در زمان نادرشاه و بازخوانی کتیبه‌های ترکی ایوان و گریو گنبد

علی ابوالقاسمی^۱

چکیده

از دیرباز مسلمانان به‌ویژه شیعیان به پاسداشت و تکریم حرمین مطهر ائمه معصومین (ع) توجه می‌کردند. شیعیان در طول تاریخ در تلاش بودند با ساخت و تزیین آرامگاهی مناسب در شأن آن امامان همام عشق و ارادت خود را به خاندان رسالت نشان دهند. در این میان، بارگاه و حرم مطهر امام علی (ع) با توجه به جایگاه والای ایشان در میان مسلمانان و شیعیان اهمیت ویژه‌ای داشته است. به همین منظور، از زمان آشکارشدن مزار مطهر امام علی (ع) تا دوران متأخر دوستداران و عاشقان اهل بیت (ع) به ساخت، ترمیم و بازسازی، توسعه و تزیین حرم مطهر علوی توجه کردند. شاه طهماسب صفوی نخستین شخصی بود که اقدام به ایجاد پوششی از خشت طلا بر گنبد حرم امام رضا (ع) کرد و بعدها شاه عباس نیز کتیبه‌ای مطلا بر گریو آن افزود. پس از آن نادرشاه افشار با تأثیرپذیری از گنبد طلایی امام رضا (ع) دستور به طلاکاری گنبد، ایوان، گلدسته و مناره‌های حرم مطهر علوی داد. موازی با این اقدام کتیبه‌های بسیار زیبایی نیز روی هریک از آنها نصب شد که دو نمونه از این کتیبه‌ها که طولانی‌ترین و بزرگ‌ترین کتیبه‌هاست و یکی بر ایوان یا همان درب اصلی رواق و دیگری بر گریو گنبد نصب شده، به زبان ترکی است. محقق در پژوهش حاضر با رویکرد کتابخانه‌ای-میدانی ضمن توصیف چگونگی بازسازی و طلاکاری حرم علوی و کتیبه‌های ترکی در زمان نادرشاه چرایی این اقدام‌های نادرشاه را به‌عنوان سؤال اصلی این پژوهش مدنظر قرار داده است. نتایج پژوهش نشان داد که نادرشاه برای نشان دادن حسن نیت خود به امامان شیعه، جلب قلب‌های شیعیان و ترویج عقیده خود، یعنی پذیرش مذهب تشیع به‌عنوان رکن پنجم اهل سنت که در لابه‌لای اشعار کتیبه‌ها متبلور است، دستور به بازسازی و مطالاسازی حرم داده است. از طرفی

۱. پژوهشگر مستقل تاریخ ایران (دوران صفویه و افشار)، نیوزلند aliabolghasemi@gmail.com

استفاده از زبان ترکی برای کتیبه‌ها نمودی از مشروعیت ترکمانی است که نادرشاه در تلاش بود در راستای کسب مشروعیت بیشتر برای خود آن را در تقابل با مشروعیت صفوی به کار گیرد.

کلمات کلیدی: حرم علوی، کتیبه، طلاکاری، نادرشاه، ندیم، نشاء

The Restoration and Gilding of the Holy Shrine of Imam Ali (A.S.) under Nader Shah's order, and revision of the Turkish Inscriptions on the Iwan and the Drum of the Dome

Ali abolghasemi¹

ABSTRACT:

The reverence and honoring of the sacred shrines of the infallible Imams has, from ancient times, always been a matter of special attention and care for Muslims, particularly Shiites. Throughout history, Shiites have strived to express their love and devotion to the Prophet's family by building and decorating appropriate tombs for these noble Imams. Among them, the shrine of Imam Ali, due to his high status among both Muslims and Shiites, holds particular significance. Consequently, from the time the holy tomb of Imam Ali was revealed until the later periods, the construction, restoration, expansion, and decoration of his holy shrine has always been a matter of focus for the lovers and devotees of the Ahl al-Bayt. It was for the first time that Shah Tahmasb Safavi initiated the creation of a golden brick covering for the dome of the shrine of Imam Reza and later, Shah Abbas added a gilded inscription to its base. Following this, Nader Shah Afshar, influenced by the golden dome of Imam Reza's shrine, ordered the gilding of the dome, iwan, minarets, and towers of the holy shrine of Imam Ali. Along with this action, many beautiful inscriptions were also installed on each of these structures. Two of these inscriptions, which are the longest and largest, are written in Turkish—one on the iwan and the other on the base of the dome. This

1 Independent researcher, New Zealand, email: aliabolghasemi@gmail.com

research, employing a library-based and fieldwork approach, will not only describe the restoration and gilding of the holy shrine of Imam Ali and the Turkish inscriptions during the time of Nader Shah but will also address the main question of why Nader Shah undertook these actions. The findings of the research suggest that Nader Shah aimed to demonstrate his goodwill towards the Shiite Imams and win the hearts of Shiites, as well as to promote his own belief—that of presenting Shia Islam as the fifth pillar of Sunni Islam, which is reflected in the verses of the inscriptions. On the other hand, the use of the Turkish language for the inscriptions was a symbol of the legitimacy of Nader Shah's Turkoman legitimacy, which he sought to employ as a means of gaining further legitimacy for himself, in contrast to the legitimacy of the Safavids.

Keyword: Imam Ali Shrine, inscription, gilding, Nader Shah, Nadim, Neshaa.

مقدمه

بعد از شهادت امام علی (ع) در بیست و یکم رمضان سال ۴۰ هجری قمری مزار مطهر آن امام همام سال‌ها مخفی بود و تنها برخی فرزندان و اهل بیت امام از آن اطلاع داشتند. بعد از آشکارشدن مزار امام در زمان هارون الرشید به دستور او اولین بنا بر مزار مطهر امام علی (ع) ساخته شد (شیخ مفید، بی‌تا: ۲۵-۲۳ و ۱). اما این بنا مانند حرم امام حسین (ع) به فرمان متوکل عباسی تخریب شد. بعد از آن چندین بار برخی امیران شیعی همچون محمد بن زید معروف به داعی صغیر، پادشاه طبرستان، ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان، حاکم شیعی موصل، عمر بن یحیی، از نقبای سادات علوی، در دوران خلافت عباسی بارگاه و قبه‌ای را برای حرم امام علی (ع) ساختند که عضدالدوله دیلمی، پادشاه دیلمی آل بویه، در سال ۳۶۳ قمری معتبرترین آن را ساخت (آل محبویه، ۱۹۵۸: ۴۴ و ۱). در دوره‌های مغول و جلایر نیز تکمیل و تزئین مراقد مطهر ادامه داشت. در دوران حکومت شیعه‌مذهب صفوی کار بازسازی و توسعه شهرها و ابنیه عتبات عالیات به‌ویژه حرم مطهر امام علی (ع) با شدت بیشتری دنبال شد؛ از جمله شاه اسماعیل بعد از فتح عراق در سال ۹۱۴ قمری و زیارت حریم مطهر امامان معصوم هدایای بسیاری تقدیم و یا وقف آستانه مقدس علوی کرد و برای تأمین آب مناسب اهالی نجف دستور حفر نهری از شط به نجف را صادر کرد (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۰۴ و ۳). شاه عباس نیز بعد از فتح عراق عرب در سال ۱۰۳۲ قمری از یک منزلی پیاده به طرف نجف حرکت کرد و بعد از زیارت مدت ده روز مشغول جاروب‌کشی آن روضه بهشت‌آسا شد و سپس دستور احیای نهر آبی را که در زمان شاه اسماعیل از شط فرات به نجف کشیده شده بود، صادر کرد و آن را تا به کوفه رساند. همچنین، شاه عباس نذرهای بسیاری را وقف آستانه مقدس کرد و متولیان حرم را با هدایایی نواخت (ترکمان، ۱۳۸۷: ۱۰۰۴ و ۳). در سال ۱۰۴۲ قمری و در زمان سلطنت شاه صفی نیز اقدام‌های عمرانی گسترده‌ای در نجف و حرم علوی (ع) انجام گرفت؛ از جمله با حفر نهری آب شط را به دریاچه نجف انتقال دادند، گنبد مبارک را که ترک برداشته بود برداشته شد و گنبدی عالی‌تر طرح انداختند و حرم را برای زیارت بهتر زائران توسعه دادند (ترکمان، ۱۳۱۷: ۹۴). بدین ترتیب ضریح حرم امام علی (ع) همچون نگینی در وسط حرم قرار گرفت و همین امر موجب شد تا زائران بهتر امکان زیارت داشته باشند. بدین ترتیب، فضای زیارتی توسعه یافت. محمدصالح، برادرزاده اسکندر بیگ ترکمان، مؤلف کتاب

عالم‌آرای عباسی تاریخ یکی از اقدام‌های شاه صفی (انتقال آب به نجف اشرف) را به صورت ماده تاریخی این گونه به نظم کشیده است:

سال تاریخ چو پرسیدم از ایشان گفتند آب ما از مدد ساقی کوثر آمد/۱۰۴۲

(ترکمان، ۱۳۱۷: ۹۵).

با از دست رفتن عراق در سال ۱۰۴۸ قمری عراق برای همیشه از کنترل دولت صفوی و ایران خارج شد و دیگر پادشاهان صفوی به زیارت عتبات عالیات مشرف نشدند؛ اما همواره اموال بسیاری وقف حرمین مطهر می‌کردند تا اینکه نادرشاه در راستای کسب مشروعیت اقدام به بازسازی، تزیین و طلاکاری حرم مطهر امام علی (ع) کرد. توجه به بارگاه امام علی به عنوان امام شیعیان و خلیفه چهارم اهل سنت و استفاده از زبان ترکی برای کتیبه‌های اصلی حرم و بازتاب اندیشه‌های نادرشاه در میان اشعار آن نقطه اوج تلفیق مبانی مشروعیت نادرشاه است. محقق در این پژوهش ضمن توصیف چگونگی بازسازی و طلاکاری حرم علوی و کتیبه‌های ترکی در زمان نادرشاه چرایی این اقدام‌های نادرشاه را به عنوان سؤال اصلی این پژوهش مدنظر قرار داده است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه مقاله‌های متعدد و به زبان‌های مختلف درباره بازسازی و توسعه عتبات عالیات در دوره‌های مختلف تاریخ منتشر شده است، تاکنون چنین موضوعی از این منظر در پژوهش‌های هنری، ادبی و تاریخی بررسی نشده است.

مرمت، تزیین حرم و طلاکاری ایوان و گنبد حرم مطهر علوی در زمان نادرشاه

نادرشاه افشار یکی از پادشاهانی است که تلاش بسیاری برای تقریب و اتحاد مذاهب اسلام و رفع نزاع از میانه امت محمدی کرد. یکی از اقدام‌های قابل تقدیر او دستور به بازسازی، تزیین حرم و طلاکاری ایوان و گنبد حرم مطهر امام علی (ع) برای نخستین بار و به تأسی از حرم امام رضا (ع) است. نادرشاه بعد از بازگشت از فتح هندوستان در سال ۱۱۵۳ قمری و کسب غنائم فراوان به پایتختش به مشهد مقدس بازگشت و بعد از زیارت حرم امام رضا (ع) تصمیم گرفت که «گنبد شاه اولیا را که در نجف اشرف است، مانند گنبد امام ثامن ضامن طلا نماید» (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۴). نادرشاه هم‌زمان دستور به مطلاسازی ایوان میرعلیشیر و مناره‌های آن را نیز صادر کرد (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۷۵۲-۷۵۱). نادرشاه، آقاجف قزوینی معمارباشی ایران و ابراهیم خان زرگرباشی را به همراه برخی عمله و به سرکاری محمدحسین بیگ غلام خاصه و به همراه پنجاه هزار تومان اشرفی خالص تمام‌عیار

روانۀ نجف کرد (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۱؛ کشمیری، ۱۹۷۰: ۱۳۱). سپس در نامه‌ای از احمدپاشا، والی عثمانی عراق عرب، درخواست کرد که همکاری‌های لازم را در این خصوص با آنها داشته باشد. کار مطالاسازی صحن و گنبد و مناره‌های حرم مطهر در سال ۱۱۵۵ به اتمام رسید (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۶) و خبر آن در هنگام اقامت نادر در داغستان به او رسید (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۱). اما رسیدن هم‌زمان خبر فتوای شیخ الاسلام عثمانی بر مذهب جعفری و اتهام کفر و زندقه به نادرشاه باعث واکنش نادر به این فتوی و حمله به عراق عرب و موصل در تابستان سال ۱۱۵۶ قمری شد. نادرشاه باوجود برخی فتوحات کوچک موفق به فتح موصل نشد. درنهایت، در اواخر سال ۱۱۵۶ قمری سفیر عثمانی به نزد نادرشاه رسید و ضمن اظهار گلایه از حملات نادر به موصل و عراق عرب مجدد درخواست پذیرش مذهب تشیع را به‌عنوان رکن پنجم اسلام نپذیرفت؛ اما شرایط مصالحه را به اختیار احمدپاشا والی عراق گذاشت (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۳۸۷). نادر به طرف بغداد حرکت کرد و احمدپاشا به گرمی از او استقبال کرد. نادر که پیش از حضور در بغداد مکاتبات خود را با احمدپاشا آغاز کرده بود، توانست حُسن نیت خود را به پاشای بغداد ثابت کند؛ بنابراین اردوی خود را در قراتپه برپا کرد و همراه علمای اهل سنت و تشیع که پیشتر از سراسر ایران و توران در اردو جمع کرده بود، ابتدا به زیارت اماکن مذهبی در بغداد از جمله حرم امام موسی (ع) در کاظمین و بارگاه ابوحنیفه رفت و سپس عازم نجف اشرف شد.^۱ هم‌زمان با حضور نادر در نجف اشرف و در اثر درخواست‌های مکرر او احمدپاشا پذیرفت که نشست میان علمای اهل سنت عثمانی به رهبری سویی و علمای سنی و شیعی ایران در نجف تشکیل شود (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۳۹۴-۳۸۷). نادرشاه در هنگام حضور در نجف اشرف به زیارت بارگاه نورانی امام علی (ع) مشرف و از نزدیک ایوان و گنبد طلاکاری‌شده را مشاهده کرد. به دستور او شاعران قصاید فراوانی در مدح ایوان و گنبد مطلای حرم علوی سرودند که از میان آنها قصیدهٔ ترکی میرزا عبدالرزاق تبریزی جهانشاهی متخلص به نشاء، شاعر، ریاضی‌دان، خطاط و از احفاد سلطان جهانشاه ترکمان به‌صورت کتیبه‌ای در بالای ایوان ورودی حرم و قصیدهٔ ترکی میرزا زکی معروف به ندیم

۱ - نویسندهٔ عالم‌آرای نادری بدون اشاره به کنگرهٔ نجف دلیل رفتن نادرشاه به نجف را نامهٔ نادر به والی بغداد دربارهٔ اتمام طلاکاری ایوان و گنبد حرم مطهر امام علی و قصد نادر برای زیارت حرمین امامان شیعه علیه‌السلام و رؤیت گنبد طلایی می‌داند (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۱).

از ادیبان و رجال سیاسی دورهٔ سلطان حسین صفوی و از ندیمان خاص نادرشاه بر کتیبهٔ گریو گنبد حرم حک و کاشی‌کاری شد (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۷-۹۳۰).

از دیگر اقدام‌های نادرشاه در نجف اختصاص بیست بار فرش به اماکن مقدس، دستور به لایروبی نهر نجف و انتقال آب شط به شهر (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۷۵۲؛ کشمیری، ۱۹۷۰: ۱۳۱)، وقف جواهرها به آستانهٔ مقدس و میناکاری دیوارهای رواق شمالی حرم معروف به ایوان العلما توسط گوهرشاد بیگم همسر نادرشاه بود (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۳۹۵) که کار بازسازی آن تا سال ۱۱۶۰ قمری طول کشید. نادرشاه سپس عازم کربلای معلی و به زیارت امام حسین مشرف شد. نادرشاه سه روز در آن سرزمین مقدس به سر برد و پرده‌ها، قندیل‌ها، جواهرها و فرش‌های تازه به حرم امام حسین بخشید و انعام فراوانی به مجاوران و خدام آنجا داد. سپس دستور داد تا استادان هندی گنبد مبارک امام حسین را به آبگینه حلبی کنده‌کاری کنند «زیر آینه را مینای قرمز نصب نمایند که هرکس ملاحظه نماید به‌جهت سرخی میناکاری، آغشتگی به خون اباعبدالله الحسین را یادآوری باشد و موجب رقت قلوب گردد» (مروی، ۱۳۶۴: ۹۲۴-۹۲۳). رضیه سلطان بیگم، دختر شاه سلطان حسین، دیگر همسر نادر، نیز هزار روپیه معادل هزار تومان «برای تعمیر مسجد جامع پشت سر مبارک تحویل کارکنان حرم داد» (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۳۹۵).^۱

موقعیت و مشخصات گنبد مطلای امام علی (ع) و کتیبهٔ گریوه به زبان ترکی

بنای حرم مطهر امام علی (ع) به‌لحاظ ویژگی‌های معماری که در ساخت آن به کار رفته است، زیبایی کم‌نظیری دارد. این ویژگی‌ها وجه تمایزی بین این بنا با سایر بناهای مشابه ایجاد کرده است. در این بنا ساختمان مزار به‌صورت جزیره‌ای طلایی در حیاط مربع‌شکل صحن قرار گرفته و با داشتن ایوان مرتفع و مناره‌هایی برآمده از کف ترکیبی بسیار شکیل به وجود آورده است. صحن حرم با سه دروازهٔ ورودی که در سه جبههٔ آن قرار دارد، به محوطهٔ بیرون صحن مرتبط می‌شود. دیوارهای مراقع صحن به‌صورت حصاری فضاها را داخلی را محصور کرده و نمای بیرونی دیوارهای صحن در تمامی چهار جبهه پوشیده از تزیینات آجرکاری است که با شیوهٔ معقلی اجرا شده است. گنبد حرم نیز در محیط قاعده‌ای نزدیک به ۵۱ متر و

۱ - مروی زیارت کربلا را پیش از سفر به نجف آورده است که به نظر می‌رسد اشارهٔ استرآبادی صحیح‌تر باشد.

ارتفاعی نزدیک به ۲۲ متر از کف بام قرار دارد و با خشت‌هایی به ابعاد ۲۰ در ۳۰ سانتی‌متر از جنس مس روکش و با لایه‌ای از طلا به ضخامتی نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ میکرون پوشش داده شده است (بهرمان و کردوانی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

از مهم‌ترین و پرکارترین بخش‌های تزئینات حرم، کتیبه‌های گریو گنبد و کتیبه‌های ایوان و یا صحن ورودی اصلی حرم است. کتیبه‌ها در دوران صفوی بیشتر با استفاده از کاشی‌های معرق و یا هفت‌رنگ ساخته می‌شد که از آن جمله می‌توان به کتیبه‌های گنبد مسجدشاه، مدرسه چهارباغ و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان اشاره کرد. برخلاف این موارد گنبد و کتیبه‌های گریو گنبد حرم امام رضا (ع) نخستین بارگاهی است که در زمان صفویه و به دستور شاه طهماسب مطالاسازی شد. اقدامی که نادرشاه دومین بار برای صحن، گنبد و کتیبه‌های حرم امام علی (ع) تکرار کرد. کتیبه‌های گریو گنبد مطالاسازی علوی مشتمل بر سه سطر است که در آن سطر فوقانی و تحتانی به زبان ترکی و سطر میانی سوره شریفه فتح است. هنرمند در زمان نوشتن متن و انتخاب اندازه خطوط ملاحظاتی همچون خوانا بودن کتیبه از فاصله دور و همخوانی با تناسب گنبد را در نظر داشته است. با توجه به این ملاحظات و انتخاب اندازه خطوط، هنرمند فضای کافی برای نوشتن کل سوره شریفه را بر گریو نداشته است؛ بنابراین در کتیبه بخشی از سوره شریفه که حد فاصل بین بسم‌الله تا اوایل آیه دهم سوره است با خط درشت در کتیبه اصلی جای داده و آیات بعد تا اتمام آیه شریفه با خط ریز در پلاک‌های کوچک نصب و در فواصل معین واقع در زیر کتیبه اصلی نوشته شده است. برای نوشتن متن قرآنی کتیبه از شیوه خط ثلث استفاده شده و استاد محمدعلی اصفهانی، خوشنویس مشهور عهد نادری، تحریر آن را برعهده داشته است. خطاط کتیبه نام خود را در آخرین قطعه کتیبه همراه با درج تاریخ اتمام ساخت کتیبه به یادگار آورده است. در این قطعه نام سایر هنرمندان همچون شاملو و محمدعلی تبریزی که در ساخت این کتیبه نقش محوری داشته‌اند، آورده شده است (بهرمان و کردوانی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

متن ترکی کتیبه نیز قصیده طولانی در مدح امام علی (ع)، بنای حرم و بانی این عمل خیر، یعنی نادرشاه و توصیف توانمندی‌های اوست. خط کتیبه ترکی با شیوه نستعلیق، با پهنای قلمی در حدود دو سانتی‌متر و در کمال زیبایی نوشته شده است. خطاط برای افزایش زیبایی کتیبه ابتدا زمینه کتیبه را با استفاده از طرح‌های اسلیمی تزئین و سپس بر زمینه اسلیمی‌ها خطوط را تحریر کرده است. این کتیبه به لحاظ ابعاد، بزرگ‌ترین کتیبه فلزی است که بر گریو گنبد‌های قدیمی نصب شده است. ابعاد کتیبه برابر با ۵۱ متر طول و ۱۴۰ سانتی‌متر عرض

است و در مجموع، از ۸۱۴ قطعه صفحهٔ مسی با ابعاد مختلف تشکیل شده است (بهرمان و کردوانی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

کتیبهٔ گریو گنبد طی سال‌های متمادی در معرض آسیب‌های فراوان طبیعی و انسانی بوده و حتی مورد اصابت گلوله و خمپاره نیز قرار گرفته بود. در دوران صدام حسین نیز تمام ابیات ترکی و فارسی ایوان و گنبد از محل خود خارج شده بود. خوشبختانه در سال‌های اخیر و به دستور حضرت آیت‌الله سیستانی کار تعمیر و جایگزینی اشعار شروع و کار آن به ستاد بازسازی عتبات استان خوزستان واگذار شد که با موفقیت در سال ۱۳۹۸ شمسی به اتمام رسید.

میرزا زکی مشهدی متخلص به ندیم سرایندهٔ قصیدهٔ ترکی کتیبهٔ گنبد مطلای امام‌علی (ع) (دههٔ ۱۰۹۰ - ۱۱۶۳ قمری)

میرزا زکی مشهدی متخلص به ندیم (متوفی ۱۱۶۳ ق) از سیاستمداران و شاعران دوران شاه سلطان حسین صفوی و نادرشاه افشار است. تاریخ تولد ندیم نامعلوم است؛ اما با توجه به اشارهٔ واله داغستانی که با ندیم «کمال ربط و دوستی» داشته است، در زمان تألیف تذکره‌اش در سال ۱۱۶۱ قمری می‌نویسد که «سن ایشان از هفتاد تجاوز نموده است» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۷). به احتمال، تولد ندیم در سال ۱۰۹۰ قمری یا اندکی پیش از آن اتفاق افتاده است. مورخان، ادیبان و تذکره‌نویسان بسیاری در زمان حیات ندیم به شرح حال او اشاره کرده‌اند که خلاصهٔ منابع موجود آن است که اصل آن جناب از مشهد است؛ ولی در اصفهان نشو و نما یافته و در عهد شاه سلطان حسین صفوی در خدمت محمد زمان خان بیگدلی، سپهسالار خراسان و محمدقلی خان بیگدلی، وزیر اعظم دیوان اعلی، عمو و دایی آذربیکدلی، صاحب تذکرهٔ آتشکده، بوده است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۶؛ آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۵). ندیم در حملهٔ افغان‌ها به اصفهان شرکت داشته و در دفاع از شهر فرماندهی گروهی از قزلباشان را برعهده داشته و مدعی است با مجاهدت‌ها و تلاش‌هایش مانع کشته‌شدن بیشتر مردم اصفهان شده است.

نیست نهان بر همه‌کس هست فاش در ره این خلق نمودم تلاش

گر نبیدی سعی من اندر میان زنده نماندی کسی از اصفهان
 جمله ز افغان چو فراری شدند رفته در آن شهر حصاری شدند
 مدت نه ماه گذشت از میان رفت ز مردم همه تاب و توان
 لطف تو یا شاه چو توفیق داد جرات من پای به میدان نهاد
 (مشهدی، ۲۰۱۴: ۵۷).

در ادامه، خطاب به خود می‌گوید:

پیشرو جنگ قزلباش، تو بادیه گرمتر از آتش تو
 (مشهدی، ۲۰۱۴: ۷۱).

گویا در هنگامه جنگ‌ها هم‌زمانش او را تنها گذاشته‌اند و میرزا زکی به‌سختی از مهلکه جان به در می‌برد و سپس از اصفهان به نجف اشرف می‌گریزد و در آنجا در سال ۱۱۳۷ هجری قمری مثنوی موسوم به «درّ نجف» را منظوم می‌کند که شرح ماجراهای حمله افغان‌ها به اصفهان و ایران است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۶). میرزا زکی در اواخر منظومه شاه سلطان حسین را دعا می‌کند و خطاب به شاه نجف می‌گوید:

هست سگ کوی تو سلطان حسین گشته گرفتار درین شور و شین

یا ولی الله خلاصیش ده توبه ز مجموع معاصیش ده

بعد از مدتی میرزا زکی که خانواده‌اش در اصفهان باقی مانده بودند، به اصفهان بازگشتند و مدتی را در لباس درویشی می‌گذراند (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۶ و ۴) تا اینکه با ظهور نادر به منادمت او پیوسته مدت سیزده سال (به احتمال از ۱۱۴۳-۱۱۵۶ ق) از مقربان و مشاوران نزدیک نادرشاه می‌شود (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۶؛ حیرت اکبرآبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۱؛ قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۳؛ مروی، ۱۳۶۴: ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۳، ۴۴۹-۴۴۸، ۴۸۱، ۶۴۳، ۷۴۸). به‌طوری که مروی از او با لقب «مقرب الخاقان» یاد می‌کند (مروی، ۱۳۶۴: ۲۶۶) و به گفته قانع تتوی «کسی بر او در اعزاز، تفوق نداشته و غیر وی به رخصت نشستن در خاص و عام سربلندی نیندوخته بود» (قانع تتوی، ۱۹۷۵: ۸۱۳-۸۱۲). شیخ غلام همدانی نیز

نزدیک به همین مضمون را نقل کرده است و می‌نویسد: «ندیم نزد نادرشاه چنان محبوبیتی داشت که پای کرسی شاه گلیم برای نشستن پهن می‌کردند و روبه‌روی شاه قلیان می‌کشیده است» (مصحفی، ۱۳۶۲: ۶۹).

از مثال‌های دیگری که نشان‌دهنده شأن و جایگاه ندیم در نزد نادرشاه بوده است، می‌توان به تابلو نقاشی شده‌ای اشاره کرد که در آن صحنه‌ای را نشان می‌دهد که نادرشاه با دست راست تاج شاهی را بر سر محمدشاه امپراتور هند می‌گذارد؛ درحالی که دو پسرش نصرالله میرزا و امامقلی میرزا در دو طرف نادر ایستاده‌اند و میرزا زکی نیز در طرف چپ او نشسته است (نام میرزا زکی در تابلو متصل به تصویرش نقش شده است) (قدوسی، ۱۳۳۹: ۶۳۸-۶۳۶). این تابلو در موزه سعدآباد تهران نگهداری می‌شود.



همچنین، به گفته ترتوما، از کشیشان ارمنی حاضر در دشت مغان، در روز مراسم تاج‌گذاری میرزا زکی تاج پادشاهی را بر سر نادر گذاشته است (قدوسی، ۱۳۳۹: ۳۰۸) و سرانجام آنکه نادرشاه نام فرزندش شاه‌رخ را برای ندیم که ماده‌تاریخ آن را «شاه‌رخم» یافته بود، انتخاب کرد (مروی، ۱۳۶۴: ۲۳۹).

ندیم همراه نادرشاه در فتح هندوستان شرکت کرد و به دلیل ارج و قربی که پیش نادر داشته است مانع از قتل عام بیشتر مردم شاه جهان‌آباد می‌شود (خوشگو، ۱۹۵۹: ۲۸۱). گویا همین مسئله باعث محبوبیت و شهرت ندیم در میان هندیان شده است؛ به‌طوری که تذکره‌نویسان

بسیاری شرح حال او را نقل کرده‌اند؛ حتی اشعارش در میان هندیان مشهور بوده است. قانع تتوی مدعی است: «از میرزای نامبرده اشعار بسیاری دیده و شنیده» (قانع تتوی، ۱۹۷۵: ۸۱۳) و مؤلف کتاب لغتنامه بهار عجم برای شواهد ادبی به اشعار ندیم استناد کرده است. به گفته برخی تذکره‌نویسان ندیم هنگام ترک هند دیوانش را به قزلباش خان امید سپرد (خوشگو، ۱۹۵۹: ۲۸۱؛ آرزو، ۱۳۸۵: ۱۶۷۲) و بی‌شک، به دلیل شهرت او از این دیوان نسخه‌برداری و در سرزمین هند منتشر شده است.

ندیم در آخرین حضور نادرشاه در نجف اشرف همراه او بود و قصاید چندی در مدح امام علی (ع) و اتمام طلاکاری صحن و گنبد حرم سرود که یکی از این قصاید در کتیبه‌ای در گریو گنبد حرم مطلا شده است. ندیم در هنگام خروج نادرشاه از نجف به اصرار خواستار اذن شاه و ماندن در نجف اشرف می‌شود که باوجود مخالفت اولیه نادرشاه موافقت می‌کند. محمدکاظم مروی به صورت مبسوط به این مسئله پرداخته است (مروی، ۱۳۶۴: ۹۳۱-۹۳۲). او بعد از ترک اردوی نادرشاه در رمضان ۱۱۵۶ قمری تا هنگام مرگش بقیه عمر خود را در نجف گذرانی و سرانجام در سال ۱۱۶۳ قمری در همان‌جا درگذشت (آذربیدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۵). گفتنی است تاریخ‌های دیگر ذکرشده برای تاریخ وفات ندیم همچون سال ۱۱۴۹ و ۱۱۵۲ قمری که در منابع متأخر ذکر شده، اشتباه است و محل اعتنا نیست (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۱۵ و ۵؛ سلیم بهوپالی، ۱۳۹۰: ۱۰۷۳).

ندیم رجالی سیاسی که پیشه اصلی‌اش سیاست است؛ اما در عین حال شاعری شیفته تشیع، صوفی‌مسلك و مخالف سرسخت فلسفه است و این مسائل به‌وضوح و فراوانی در اشعارش بازتاب می‌یابد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل جدایی ندیم از نادر و اقامت در نجف همین مسائل بود. ندیم که عشق و ارادت بسیاری به اهل بیت (ع) و به‌ویژه امام علی (ع) داشت، ارادتش را در جای‌جای دیوانش و در میان قصاید و غزلیات فراوانش به‌وضوح نشان داده است. در مثنوی در نجف که در سال ۱۱۳۷ قمری سروده به سنت غالب عصر صفوی از خلفای راشدین به نحوی توهین‌آمیز یاد کرده و قوم مهاجم افغان را با کلمات زشت توصیف کرده است. در دوران نادر مجبور شد در قصایدی امام علی (ع) را یار چهارمین خطاب کند (هرچند ندیم در مصرع نخست این بیت و در حق امام علی (ع) به‌زیرکی بیان می‌کند که ابن عمّ و جانشین مصطفی). به نظر می‌رسد ندیم در ابتدای ظهور نادر او را در قامت منجی و رهایی‌بخش مذهب تشیع و ایران از دست افغان‌های سنی‌مذهب دیده است؛ بنابراین به او

پیوسته است؛ اما خودکامگی، خونریزی‌های بی حد و حساب نادر و تغییر رویکرد مذهبی نادرشاه که درصدد پذیرش مذهب تشیع به عنوان رکن پنجم اهل سنت و پذیرش امام علی به عنوان خلیفه چهارم در حال فاصله گرفتن از او بوده است، در هنگام حضور نادر در نجف از او ملتسمانه درخواست ماندن در نجف را می‌کند. اشاره قانع تتوی به اینکه هنگامی که ندیم تاریخ خطبه و سکه نادر را با عبارت «الخير في ماوقع» (۱۱۴۸) شنید گفت: چنین نیست بلکه «لاخير في ماوقع» نیز دلالت بر آن دارد که ندیم از نادرشاه دل خوشی نداشته است (قانع تتوی، ۱۹۷۵: ۸۱۳). ندیم گرایش‌های عارفانه و صوفیانه داشته است

تامشرف شد به درویشی ندیم، القصه دید فیض‌ها از مرشد کامل امیرالمؤمنین

و همچون قاطبه صوفیان، با فلسفه و فلاسفه مخالف بوده و فصلی را در در نجف به رد عقاید ایشان اختصاص داده است. برخی از ابیات او در این بخش یادآور اشعار شیخ بهایی در رد فلسفه و فلسفه‌ورزی است.

رفت حکیم از پی عقل ضعیف از ره خفت ز ره و شد خفیف

رفت پی علت، و معلول مانند شکل هیولی شد و مجهول ماند

نسخه‌ای از دیوان ندیم شامل قصاید، غزلیات و مثنوی به زبان‌های فارسی و ترکی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۸۰ موجود است که تاکنون به چاپ نرسیده است. ابتدا، انتها و برخی اوراق در میان نسخه افتاده است. دیوان ندیم در حدود ۹۳۳۰ بیت است. زبان شعر او ساده، روان و عامه‌فهم است. با اینکه رنگ و بوی از شعر شاعران سبک هندی دارد، مجال زیادی برای مضمون‌سازی نداشته است. واله داغستانی نیز درباره غزلیاتش می‌گوید: «اشعارش مزه‌ای که باید یافت نمی‌شود» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۷-۲۳۶۶).

از آثار ندیم دو مثنوی طولانی او حائز اهمیت است؛ نخست، مثنوی در نجف که شرح ماجراهای حمله افغان‌هاست (ندیم مشهدی، ۲۰۱۴؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۶) که نخستین بار رسول جعفریان در کتاب صفویه در عرصه دین و فرهنگ معرفی کرد. بعد از آن یک‌بار طاهره رحمانی و بار دیگر علی محدث از انتشارات دانشگاه ایسالای سوئد در سال ۱۳۷۹ چاپ و منتشر کردند. این مثنوی در حدود ۱۴۷۰ بیت و در وزن مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی سروده شده است. ندیم در این منظومه وضع اجتماعی مردم ایران و طبقات مختلف

جامعه، فساد رهبران سیاسی و دینی، بهم ریختگی اوضاع اجتماعی، تباه شدن اخلاق و دین مردم و رواج رشوه خواری و ربا خواری را شرح می دهد. دیگری مثنوی تسبیح کربلاست که در حدود ۴۵۷۰ بیت دارد و درباره شهادت حضرت سیدالشهدا و علت اصلی و منشأ آن و به مناسبت بعضی از امور واقعه بعد از رحلت حضرت رسالت ذکر شده است. ندیم در این مثنوی ارادت خویش را به نورالدین گیلانی که پیرمردی در حدود هفتادسال و پیر طریقت بوده تصریح کرده است. درویشی ندیم از ابیاتش آشکار است. تاریخ اتمام آن در سال ۱۱۵۸ قمری و در آخر مثنوی این گونه سروده شده است:

گوید شکر شد در مه عزای حسین نظم تسبیح کربلای حسین

شد سحر چون تمام این محضر گشت تاریخ سال فیض سحر

اشعار ترکی کتیبه گریوه گنبد مطهر امام علی (ع)

شاعر در این قصیده بعد از حمد خدا به توصیف و علو جایگاه حرم مطهر امام علی، شأن امام علی و بانی آن نادرشاه پرداخته است. همچنین، او در بیتی امام علی را خلیفه چهارم یاد کرده است که این مسئله تأثیر سیاست مذهبی نادر را می رساند.

بعده بسم الله الرحمن الرحيم یئنگی سویله بلبل طبع ندیم

وصف و تاریخ تجلی زار طور فاستعین الله فی کل الامور

بو معلی شان سپهر زرنگار بو فلک سامان خورشید اشتهار

تاج دو ولت، زیب فرق فرقدان مابه الربط زمین و آسمان

ربع مسکونیک مقام افضلی بازو عرش مجیدنک هیکلی

کرسی نه آسماننک عرشی دور پرده چشم ملائک فرشی دور

غنچه دل تک، گل گلزار خلد بوی فیضی رونق بازار خلد

بیرسهی سرو ریاض کبریا	قبه نورانی شیر خدا
پایه قدر و شرف معراجی دور	آسمان شان و عزت تاجی دور
دوره سندن چرخ اولوب گردون مدار	شمسه سندن مهر تابان آشکار
آسمان کیم چرخه دوشمیش روزوشب	باشنه هر لحظه دونمک دور سبب
مخزن سرخدا، سرپوشی دور	گوهر مقصود حق، آغوشی دور
وادی ایمن دورور بو بزم نور	روشنی بخش تجلی گاه طور
بو مکان دور ساحل کشتی نوح	بونده بولمیش عالم و آدم فتوح
بو قزل خرمن گل آفاق دور	باغبان خلد اونکا مشتاق دور
مرقد اوزره قبه، بی گفت و شنید	مهر دور یا کوکب بخت سعید
یا که دست قدرت پرودگار	ساخلمیش باشنده چتر زرنگار
قبه سندن ماه قلمش کسب نور	یئر یوزونده آفتاب ائتمیش ظهور
چارسوی عالمه وئرمیش صفا	هر مربع اکلنن خشت طلا
روشن اوندن شمع مهر و ماه ایمیش	نور قنبدیل دل آگاه ایمیش
حقه بو سرطوق صاف زرنشان	بیر سرانگشت شهادت دور عیان
قبه تا سرطوقینه قیلدی علم	گنبد افلاک اولدی پشت خم
ساحت غبرایه دور نور یقین	قبه قبر امیرالمومنین
شاه مردان قدرت پرودگار	شیر یزدان بحر تکمین و وقار

آفتاب مشرق دین مبین	مطلع الانوار رب العالمین
ابن عم و جانشین مصطفی	چارمین چاریار باصفا
قبه سی اوزره طلای زرنگار	نیت بانی سی تک خالص عیار
بو بنا اخلاص دن اولدی متین	چون معیر صدق خالص دور یقین
ال وئروب کیم همت سرشار ایلن	بو طلای ناب دست افشار ایلن
سرور افشار با صدق و صفا	بو معلی گنبدی قیلدی طلا
شاه شاهان صاحب عز و شرف	مخلص کامل دل شاه نجف
نادر دوران شه مالک رقاب	جوهر شمشیری غیرت انتساب
شاه مردان دن گورن فیض نظر	شخص جرات معنی فتح و ظفر
تاج بخش عرصه توران و هند	خسرو ایران خدیو ملک سند
بحر همت، کوه تمکین و وقار	کیم اونونک منسوبی دور هر تاجدار
اول که بیر گردش قلنده چون فلک	تیغی عالمگیر اولور خورشید تک
اول تهمتن تن مثال آفتاب	اولدی تیغیندنک جهانده کامیاب
پادشاه تاجبخش و صاف دل	بو همایون قبه نی قیلدی قزل
چون اساسین گوردی بس خاطرپسند	شخص حیرت اولدی عقل هوشمند
بی تأمل قیلدی حیرت دن سؤال	کای نهال سرکش باغ خیال
کیم دور آیا صاحب عز و شرف	کیم دور بو مخلص شاه نجف

کعبه کوینی معمور ائیلین	شاه مردانک هواداری اولن
بلکه مقدور کیان و جم دگیل	بویله ایش بالقوه حاتم دگل
کیم ائیدوب آقاسینه بو خدمتی	کیمه وئرمیش حق بو عالی همتی
ایکی مصرع ده جواب مستقیم	سؤیلدی تاریخ ایچون طبع ندیم
شاه شاهان زمان نادرقلی ۱۱۵۵.	وئردی توفیقی بو گلزاره گلی
دئدی کی موندن عیان ایستر ظهور	بونکا قایل اولمیوب طبع غیور
یازدیلار تاریخینی خورشید اله	چون فلکده هم به تایید اله
روشن اولسون چشم انجم ماه و مهر	اولدی ثبت شمسه طاق سپهر
سویله دوم آغازینی انجام ایله	بویله دوشدوم فکره ذهن خام ایله
پرتوی بو عالمی آلمیش ابد (۱۱۵۵)	آفتاب گلشن برج اسد

مشخصات ایوان طلا و کتیبه صحن ورودی

ایوان بزرگ طلا در ضلع شرقی حرم مطهر قرار دارد. این ایوان معجزه‌ای از دقت و شاهکار معماری اسلامی و پر از نقش‌ونگار و حکاکی‌های بی‌نظیر است که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. همچنین، ساق مناره‌ها، گلدسته‌ها و سطح وسیع ایوان که ارتفاعی بالغ بر ۴۰ متر و پهنایی نزدیک به ۴۵ متر دارد با خشت‌های طلایی مشابه با خشت گنبد فرش شده است. ایوان، با تراکم بالایی از طلای خالص مطلا شده و در بالای آن مقرنس‌کاری‌های طلایی بزرگی انجام شده است که تقریباً تا یک‌سوم بالایی ایوان ادامه دارد. دو طرف جانبی ایوان پنجره‌های قوسی شکل دارد که با حکاکی‌های برجسته روی نوار میناکاری مزین شده است. در هر طرف نیز دو پنجره وجود دارد. تاریخ طلاکاری در قسمت روبه‌روی بالای ایوان طلا با حروف برجسته حکاکی شده است. در قسمت‌های بالایی ایوان کتیبه‌ای نقش بسته که از کنار

مناره جنوبی آغاز شده است و پس از عبور از فضای داخلی بالای درب رواق به کنار مناره شمالی می‌رسد. این کتیبه مشتمل بر بیست و هشت بیت ترکی است که به فرمان نادرشاه افشار انجام شده و میرزا عبدالرزاق تبریزی جهانشاهی آن را سروده و با خط نستعلیق روی خشت‌های طلایی میناکاری شده است.

میرزا عبدالرزاق جهانشاهی تبریزی متخلص به نشاء (متوفی ۱۱۵۸ ق) و کتیبه صحن ورودی حرم امام علی

میرزا عبدالرزاق جهانشاهی تبریزی متخلص به نشاء^۱ از شاعران سده دوازدهم هجری و همان‌گونه که تذکره‌نویسان (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۲؛ حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ۲۲۶؛ آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۷) و خود شاعر اشاره کرده از احفاد سلطان جهانشاه قراقویونلوی ترکمان است:

بنده‌ای از بندگان شاه شاهانم از آن نشاء می‌خوانند در عالم، جهانشاهی مرا
(نشاء، نسخه خطی: ۴).

در سالی که نامعلوم است در تبریز و از پدری که به گفته خودش طبع شعر داشت، به دنیا آمد. سپس برای تحصیل و تکمیل کمالات به اصفهان مهاجرت کرد و در بیشتر فنون به‌خصوص در ریاضی مهارتی تمام یافت (آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۷). بعد از آن بیشتر در خدمت حکام آذربایجان به سر می‌برد (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ۲۲۶) و به‌احتمال، منظور حزین از حکام آذربایجان، مرتضی قلیخان سعدلو قورچی باشی شاه طهماسب دوم و برادرش محمد قلی‌خان، حاکم چخور سعد، باشد که به گفته واله داغستانی مباشر خدمات کلیه آنها بوده است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۲). حزین لاهیجی و آذر بیگدلی به ملاقات و هم‌صحبتی با او اشاره کرده‌اند (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ۲۲۶؛ آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۷). با قدرت یافتن نادرشاه نشاء به او پیوست و از مصاحبان نزدیکش شد (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۲) و بیت زیر نیز به‌احتمال، به هنگام حضور اردوی نادر در داغستان سروده شده است:

۱ - برخی زندگانی او را با میرزین العابدین نشئه ولد مرحوم میرزا علی‌اکبر مستوفی سرکار خاصه شریفه که معاصر با شاعر مذکور است، خلط کرده‌اند (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۴؛ حیرت اکبرآبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

نشاء بیمار مشو در سفر داغستان نه طبییی نه دوایی نه پرستاری هست

تاریخ دقیق وفات او مشخص نیست. واله داغستانی مؤلف *ریاض الشعرا* (تألیف سال ۱۱۶۱ ق) در این باره می‌نویسد: «شنیده شد در این اوقات فوت شده» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۶۲). آذر بیگدلی مؤلف *تذکره آشکده* (تألیف ۱۱۷۴ ق) نیز بدون اشاره به سال وفاتش فوت او را در تبریز ذکر کرده است؛ اما در نسخه دیگری از این اثر سال ۱۱۵۸ قمری سال وفات نشئه آمده است که به نظر درست می‌رسد (آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۷). برای سال فوت او نقل قول‌های دیگری نظیر ۱۱۲۵، ۱۱۵۲، ۱۱۸۸ و ۱۱۸۰ قمری ذکر شده است که محل اعتبار نیست و با توجه به اشاره حزین لاهیجی، واله داغستانی و آذر بیگدلی که معاصران او بودند به احتمال، سال ۱۱۵۸ قمری سال وفات اوست

نشاء به زبان‌های فارسی و ترکی شعر می‌سرود و تذکره‌نویسان طبع شعری او را ستوده‌اند و آورده‌اند که دیوانی در دو هزار بیت ترتیب داده است. نشاء در خلق مضامین تازه دستی توانا داشته و ابیات جانانه‌ای دارد که نشانه تسلط کامل او در پیروی از سبک هندی است. در خلال غزلیاتش دیده می‌شود که از هر حیث درخور ستایش و آفرین و امتیاز است (طاهری، ۱۳۴۷: ۱۵۹). نشاء از علاقه‌مندان و مقلدان شعر صائب بوده است و در غزلیات خود مکرر از صائب به نیکی یاد می‌کند؛ از جمله در یکی از ابیاتش می‌گوید:

از لاله گرو برده دل نشاء چو صائب تا سوخت به داغ تو محبت جگرم را

(نشاء، نسخه خطی: ۳).

به گفته آذر بیگدلی نیز طبعش موافق و سلیقه صائب تبریزی بوده است (آذر بیگدلی، ۱۳۷۸: ۶۵۷). بنابراین برخی او را صائب ثانی نیز لقب داده‌اند. نسخه‌هایی از دیوان او مرکب از اشعار ترکی و فارسی در مراکز مختلف از جمله در کتابخانه تبریز (ش ۲۶۲۶)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۹۶۸۴ و ش ۲۹۳۵)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ش ۱۴۱۱۲) و در استانبول نگهداری می‌شود.

قصیده میرزا جهانشاهی مزین به کتیبه ورودی صحن امام علی (ع) در بیست و هشت بیت و به زبان ترکی سروده شده است. شاعر در ابیات هشت، نه و ده بیان می‌کند چرخ چهارم نور خود را بر افلاک خلافت می‌تاباند و چار علت برای وجود تخت خلافت ضروری و آخرین آنها

که علت غایی است، اشاره به خلفای اربعه و یا راشدین دارد:
اوکوکب کیم که افلاکِ خلافت ایچره انوارین
سالیپ چرخ چهارم دن زمین اوزره، زمان اوزره
اولورمرآت دیننگ صیقلی دولت بویوزدن دور
قضاتخت خلافت رسمین ائتمیش دورجهان اوزره
وجود تخت اوچون علت گرک ناچار چار اولسون
موخر علت غایی اولور ظاهر عیان اوزره

در بیت شانزدهم نیز می‌گوید امر مذهب ساختن حرم امام علی (ع) به اذن سلطان عثمانی انجام شده است (رضا وئردی اونا سلطان روم، اسکندر ثانی). سپس گفته می‌شود دعای مسلمانان برای حاکمیت سلطان عثمانی واجب است (واجب دیر دعای دولتی اسلامیان اوزره). این بیان در تطابق با اعتقاد اصولی نادرشاه است که سلطان عثمانی را خادم حرمین شریف و خلیفه مسلمانان می‌دانست و خواستار دوستی و اتحاد پایدار با امپراتوری عثمانی بود. در ادامه، متن کتیبه ترکی ایوان حرم مطهر امام علی (ع) نقل می‌شود.

تاریخ مطالاساختن قبه و روضه متبرکه امیرالمؤمنین حسب الامر الاعلی
شه جم حشمت دارا درایت، نادر دوران
که تخت دولت جمشیده وارث دور جهان اوزره
بدخشان لعل و عمان اینجوسین ویرمیش خراجنده
گونش تک حکمی نافذ، متصل دریا و کان اوزره
چکلمز کهکشانک یای تک، نقاش اگر چکسون
مثال قوت بازوی اقبالنک کمان اوزره
بلند اقبال اولان، اعدالری هم سربلند ایلر
مکرر ایلیمیش دشمن لرنک باشین سنان اوزره

عیار خالص اخلاصین ائتدی گون کیمی روشن
 قضا جریان ائدوب، فرمان کمان عز و شان اوزره
 که لازم دور علی ننگ روضه پاکی طلا ائتمک
 منور دور مقام مهر دایم آسمان اوزره
 زهی نام همایون کیم، یازنده کاتب قدرت
 گرک طغرای بسم الله چکسونلر نشان اوزره
 او کوکب کیم که، افلاک خلافت ایچره انوارین
 صالوب چرخ چهارم دن، زمین اوزره زمان اوزره
 اولور مرات دینک صیقلی، دولت بو یوزندور
 قضا تخت خلافت رسمی ائتمیش دور جهان اوزره
 وجود تخت ایچون علت گرک ناچار چار اولسون
 مؤخر علت غایی اولور ظاهر عیان اوزره
 سن اول کامل بهادر گرامی سن که حقّنده
 دیمیش هر جوهری پر قیمت ناقص کمان اوزره
 شها! بی اختیارم مدح شهنشاه دوراننه
 بو یوزدن دور مکرر اییلم جاری زبان اوزره
 دلیل شوکتی بس دور همین نام همایونی
 معانی لفظدن ظاهر اولور لوح بیان اوزره
 دگول دور کهکشان تسخیر ایچون عزم ایلیوب گویا
 کمنده همت والاسین آتمیش آسمان اوزره
 ایدوب ایجاد ایچون صانع بو شاهنشاه دورانین
 حصول مقصدین فرماننه توام جهان اوزره

رضا وئردی اونکا سلطان روم اسکندر ثانی
 که واجب دور دعای دولتی اسلامیان اوزره
 زهی شوکت که گر کفار ایلن عزم ایلسون رزمه
 چکرلر منت شمشیرینی باش اوزره جان اوزره
 صلاح دولتینی ایستین بغداد والی سی
 صالوب اتمامیچون سعی دلانین میان اوزره
 او صاحب جاه کیم ذکر اتسه لر نام گرامی سین
 ایدرلر حمد اسماء ایلن جاری لسان اوزره
 بو خیر امرنک مهیا اولدی چون اسباب اتمامی
 مراد پادشاه تاجبخش کامران اوزره
 زر نابنک عیارین ایتدی اوژ اخلاصی تک شاهه
 معیر نقد جان ایلن معادل امتحان اوزره
 ملایک اولدیلر همدست استادان چابک دست
 طلالدان آسمان ایجاد اولندی آسمان اوزره
 ضریح اوزره منور گنبد خورشید خاصیت
 صانورسن قبه یاقوت احمد دور جنان اوزره
 گؤنگل پرواز ایدوب سر طوق زرینین خیال اییلر
 که آچمیش بال طاوس بهشتی آشیان اوزره
 مؤذن بلبل تسبیح خوان و صحن گلشن دور
 قزل گلدسته سی گلدسته لر باغ جنان اوزره
 تمنای سلاطین دور یوزین سورتکم بو درگاهه
 زهی رفعت که ایسترسدر دوشسون آستان اوزره

دیرکن عقل ظاهرین منکا شول قبه دور گویا
 که اولموش دور طلای نابله زرین جهان اوزره
 جواییم "نشاء" اولدی مصرع تاریخ اتمامه
 ادب بیل، مهر ساکن دور مطاف انس و جن
 اوزره (۱۱۵۶)

نتیجه‌گیری

نادرشاه برای پذیرش و باورپذیر کردن حق سلطنت خویش، کسب مقبولیت بیشتر و مقابله با مشروعیت ریشه‌دار صفوی در میان مردم ایران نیاز به کسب مشروعیت داشت. به همین منظور، دست به برخی اقدام‌ها زد که آنها را می‌توان به دو دسته مذهبی و هویتی تقسیم کرد. نادرشاه از جنبه مذهبی سعی کرد تا مذهب تشیع را که مهم‌ترین منبع کسب مشروعیت صفویان بود به عنوان یک شاخه از اهل سنت بازتعریف کند. نادرشاه در این رویکرد در تلاش بود تا مذهب تشیع ضمن تغییراتی تابع مذهب اهل سنت و به یکی از ارکان پنج‌گانه آن تبدیل شود. از جنبه هویتی نیز نادرشاه در تلاش بود تا یک مفهوم جدید هویتی، یعنی مشروعیت ترکمانی را برای کسب مشروعیت خود عَلم کند. مقدمات این مفهوم در دوران حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو بنا گذاشته شد و از مؤلفه‌های آن تأکید بر ریشه ترکمانی، داشتن نیای مشترک با عثمانی و کاربرد وسیع زبان ترکی است. به نظر می‌رسد بازسازی و مطلق‌سازی حرم مطهر امام‌علی نقطه عطف تلفیق اندیشه‌ها و سیاست‌های نادرشاه برای کسب مشروعیت است. ترکمانان از طرفی، بارگاه مهم‌ترین شخصیت و امام را در مذهب تشیع بازسازی و از طرفی، در قالب اشعاری به زبان ترکی که در دو کتیبه مهم و اصلی حرم نصب شده است، امام‌علی (ع) را به عنوان «چارمین چاریار باصفا» معرفی کردند.

ضمایم



شکل ۱: کتیبه صحن ورودی

در محل فلش قرمز و مشکی بر روی ایوان که از کنار مناره جنوبی آغاز شده است و پس از عبور از فضای داخلی بالای درب رواق به کنار مناره شمالی می‌رسد و این کتیبه شامل ۲۸ بیت شعر ترکی سروده میرزا عبدالرزاق تبریزی جهانشاهی است.

در محل بیضی سیاه‌رنگ سمت راست و بالای درب ورودی مقبره علامه حلی کتیبه‌ای مزین به بیت ذیل از ملاحسن کاشی نصب شده است:

ایران درگهت را بر در خلدبرین می‌دهند آواز طبتم فادخلوها خالدین

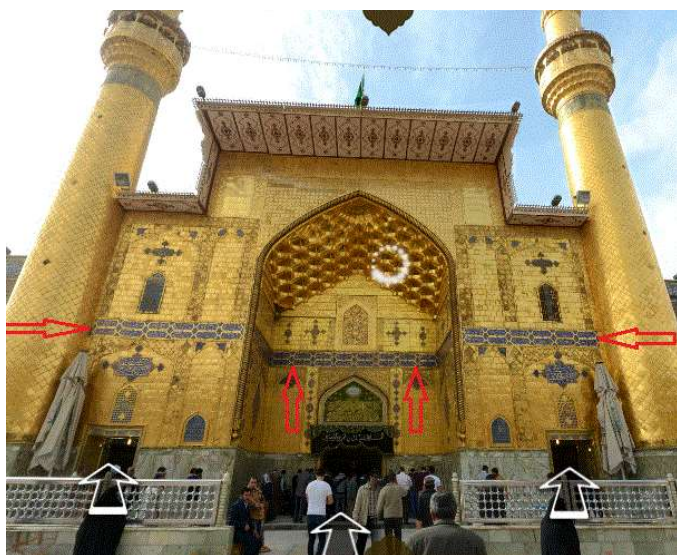
در محل بیضی سیاه‌رنگ سمت چپ در بالای درب ورودی مقبره شیخ مقدس اردبیلی کتیبه‌ای مزین به بیت ذیل از ملاحسن کاشی نصب شده است:

تانجف شد آفتاب دین و دولت رامقام خاک آن دارد شرف بر زمزم و بیت الحرام

در محل دو مستطیل آبی‌رنگ که در دو طرف درب ورودی حرم حضرت علی علیه السلام واقع شده، کتیبه‌ای مزین به قصیده عرفی شیرازی نصب شده است. محمد جعفر اصفهانی خوشنویس این کتیبه‌ها بوده است.



شکل ۲: ورودی صحن ایوان طلا و کتیبه ورودی به زبان ترکی از نمایی نزدیکتر



شکل ۳: ایوان طلایی و کتیبه ترکی از نمایی دیگر



شکل ۴: کتیبه ترکی گریو گنبد مطهر علوی (ع)

منابع

- آذربئیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۷۸). *آتشکده آذر* (تصحیح میرهاشم محدث). تهران: امیرکبیر.
- آرزو، سراج الدین علی خان (۱۳۸۵). *مجمع‌النفایس* (به کوشش محمد سرافراز ظفر). جلد سوم، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- استرابادی، میرزا مهدی خان (۱۳۴۱). *دره نادره* (به اهتمام سید جعفر شهیدی). تهران: دانشگاه تهران.
- استرابادی، میرزامهدی خان (۱۳۷۷). *جهانگشای نادری* (تصحیح عبدالله انوار). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- آل محبوبه، جعفر بن باقر (۱۹۵۸). *ماضی النجف و حاضرها*. نجف: مطبعه‌الاداب.
- بهرمان، علیرضا و کردوانی، لیلی (۱۳۹۳). ارزش‌های تاریخی، هنری و فنی تزیینات طلاکاری عهد نادرشاه افشار در حرم مطهر امام علی (ع) نجف اشرف. *اولین همایش بین‌المللی میاث مشترک ایران و عراق*، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۱۷). *ذیل عالم‌آرای عباسی* (تصحیح سهیلی خوانساری). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۷). *عالم‌آرای عباسی* (با اهتمام و تنظیم ایرج افشار). تهران: امیرکبیر.
- حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابیطالب (۱۳۷۵). *تذکره المعاصرین* (مقدمه، تصحیح و تعلیقات معصومه سالک). تهران: نشر سایه.

- حیرت اکبرآبادی، قیام الدین (۱۳۹۶). *تذکره مقالات الشعرا* (تحقیق علیرضا قزوه). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خوشگو، بندابن داس (۱۹۵۹). *سفینه خوشگو* (تصحیح سید شاه محمد عطاء الرحمن). پنته: دفتر ثالثه.
- سلیم بهوپالی، محمدعلی حسن خان بن صدیق حسن خان (۱۳۹۰). *صبح گلشن* (محصل مجتبی برزآبادی فراهانی). تهران: اوستا فراهانی.
- شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان [بی تا]. *ارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* (ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: انتشارات علمیة اسلامیة.
- طاهری، شهاب [بی تا]. *نشاه مازندرانی*. / *رمغان*، ۳۷ (۳)، ۱۶۱-۱۵۷.
- قانع تتوی، میرعلیشیر (۱۹۷۵). *مقالات الشعرا* (تصحیح سید حسام الدین راشدی). کراچی.
- قدوسی، محمدحسین (۱۳۳۹). *نادرنامه*. مشهد: چاپخانه خراسان.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فوائد الصغویه* (تصحیح، مقدمه و حواشی مریم میراحمدی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کشمیری، عبدالکریم بن خواجه عاقبت محمود (۱۹۷۰). *بیان واقع: سرگذشت احوال نادرشاه* (مصحح کی بی نسیم). لاهور: اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب.
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او باللقب*. تهران: خیام.
- مروی و وزیرمرو، محمدکاظم (۱۳۶۴). *عالم آرای نادری* (به تصحیح و با مقدمه و توضیحات و حواشی و فهرست‌ها محمدامین ریاحی). تهران: زوآر.
- مشهدی، ندیم (۲۰۱۴). *درنجف: منظومه‌ای درباب حمله افغان به ایران* (باتصحیح و توضیح و مقدمه علی محدث). سوئد: اسپالا.
- مصحفی همدانی، شیخ غلام (۱۳۶۲). *عقدثریا* (به اهتمام محمدسرور پاکفر). کابل: مجله خراسان.
- ندیم، میرزا زکی (۱۳۷۹). *درنجف* (تصحیح طاهره رحمانی). مشهد: مرکز خراسان‌شناسی.
- نشئه تبریزی، عبدالرزاق (۱۳۹۸). *دیوان نشئه تبریزی* (به اهتمام اصغر علمی). تبریز: قالان یورد.
- واله داغستانی، علیقلی بن محمدقلی (۱۳۸۴). *تذکره ریاض الشعرا* (مقدمه تصحیح و تحقیق محسن ناجی). تهران: اساطیر.
- دیوان فارسی و ترکی، کتابخانه مجلس ش ۱۴۷۶۱.

- نشاء زین العابدین، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه ۹۶۸۴
- نشئه یا صاحب دوم، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره نسخه ۳۹۴۶
- نشاه تبریزی، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره نسخه ۱۴۱۱۲.
- میرزا زکی ندیم، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره نسخه ۱۰۸۰.

ارزیابی و تأثیرگذاری تغییر مدیریت بقاع متبرکه عراق از شکل سنتی به پیشرفته

دکتر محمدعلی بصیری^۱

محمد الخالدی^۲

چکیده

رشد و توسعه نقطه عطفی در تحولات عتبات است؛ زیرا این مجموعه‌های مذهبی پس از آنکه تا قرن‌های متمادی ساختار سنتی خود را حفظ کرده بود، در سال ۲۰۰۳ از آن ساختار سنتی خود به نهادهایی مدرن و سازمان‌یافته تبدیل شد که براساس اصول مدرن مدیریت نهادهای دولتی اداره می‌شود. این نهادها چنان رشد و توسعه‌ای یافت که از نظر سازماندهی و کارآمدی بر نهادهای دولتی عراق برتری یافته است. در پژوهش حاضر کوشش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا بقاع متبرکه در عراق می‌تواند از شکل سنتی خود به پیشرفته تغییر پیدا کند؟ در پاسخ به پرسش مذکور فرضیه اصلی نیز عبارت است از اینکه عتبات عالیات نقش فعالی در جذب سرمایه‌گذاری و سازمان‌دهی در زمینه‌های آموزشی، کشاورزی و صنعت، برگزاری رویدادهای علمی و جشنواره‌های بزرگ، همایش‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی و نیز مدیریت موفق زیارت‌های میلیونی داشته است؛ بنابراین قادر است از شکل مدیریت سنتی به پیشرفته تغییر کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که نهادهای بزرگ دولتی ناتوان از انجام دادن این تلاش‌ها بوده است؛ بنابراین پروژه‌های انجام‌شده عتبات عالیات را می‌توان در تمامی سطح‌های فکری، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، خدماتی و رسانه‌ای احساس کرد. در این پژوهش از خودمختاری به عنوان چهارچوب نظری و نیز از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در نهایت، محققان در این پژوهش روند تحولی را که پس از سال ۲۰۰۳ میلادی در عتبات عالیات رخ داده است با بهره‌گیری از چارچوب نظری

Basiri@ase.ui.ac.ir
mohalk84@gmail.com

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان
۲. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان

خودمختاری تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

کلمات کلیدی: عراق، عتبات عالیات، عتبه عباسیه، عتبه حسینی، مدیریت سنتی،

مدیریت پیشرفته

Evaluation and effectiveness of changing the management of Iraq's holy sites from traditional to advanced forms

Dr. Mohammad Ali Basiri¹ Mohammad Al-Khalidi ²

Abstract

Growth and development are a turning point in the developments of the shrines. Because these religious complexes, after having maintained their traditional structure for many centuries, on this date (2003) transformed from that traditional structure into modern, organized institutions that are managed based on modern principles of government institution management. These institutions grew and developed to such an extent that they have surpassed the Iraqi government institutions in terms of organization and efficiency. This article will try to answer the question of whether the holy sites in Iraq can change from their traditional form to an advanced one? In response to the aforementioned question, the main hypothesis is that; the shrines of the Holy Land have played an active role in attracting investment and organizing in the fields of education, agriculture and industry and holding scientific events and major festivals, conferences, seminars and training courses, as well as successfully managing pilgrimages of millions, so they are able to change from a traditional to an advanced form of management. The findings of the research show that it can be said that large government institutions

1 Associate Professor of International Relations,, Political Science Dept. University of Isfahan. Basiri@ase.ui.ac.ir

2 PhD student of International Relations, Isfahan University. mohalk84@gmail.com

have been unable to carry out these efforts, so the projects carried out by the Holy Shrines can be felt at all levels of intellectual, economic, social, health, service and media. In this article, autonomy has been used as a theoretical framework. The research method of the article is descriptive-analytical, this research has analyzed the process of change that has occurred in the Holy Shrines after 2003 by using the theoretical framework of autonomy.

Keywords: Iraq, Holy Shrines, Abbasid Shrine, Hussein Shrine, Traditional Management, Advanced Management,

مقدمه

سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی تاریخی و بنیادین در زندگی مردم، سرزمین و سیاست عراق بود؛ زیرا این زمان از طرفی، به عنوان نقطه شروع یا پایانی برای بسیاری از مسائل مهم و سرنوشت ساز در عراق است و از طرف دیگر، پس از خروج عراق از معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها تغییر این معادلات و مفاهیم توازن در منطقه و جهان شکل گرفته است، شامل تغییر شکل و روش حکمرانی و اداره امور داخلی عراق می‌شود. عتبات مقدس نیز از این تحولی که در تمامی ساختارهای این کشور رخ داده به دور نبوده است.

می‌توان چنین گفت که مرجعیت شیعه بعد از سال ۲۵۶ ق در بغداد شکل گرفت. این زمان آغاز عصر محدثانی چون کلینی و سپس عصر فقهای مجتهدی مانند ابن جنید، ابن ابی عقیل و شیخ مفید است. این امر ادامه داشت تا اینکه در سال ۴۴۷ ق سلجوقیان وارد بغداد شدند. آنها خوی بادیه‌نشینی و تعصب فراوانی داشتند؛ بنابراین به مرجع شیعیان آن زمان محمد بن حسن طوسی حمله کردند و کتابخانه او، کتابخانه جندی شاپور و کرسی تدریس کلامی او را به آتش کشیدند. آنان با توجه به تعصب مذهبی خود اقدام‌های وحشیانه‌ای انجام دادند که در نتیجه آن، شیخ طوسی مجبور به ترک بغداد و اقامت در شهر نجف شد. او در آنجا رهبری مذهبی و علمی شیعیان جهان را تشکیل داد. وی در طول دوازده سال اقامت خود در نجف معارف شیعه از قبیل کتب تفسیری، روایی، فقهی، اصولی، کلام، عرفان و... را باز تدوین کرد. او تا زمان مرگش در سال ۴۶۰ ق در آنجا نقش مرجع را داشت (الحسینی، ۲۰۱۹: ۱۴۸).

بنابراین همان‌طور که اشاره شد شهر نجف اشرف به عنوان مقبره‌ای برای یک شخصیت بزرگ و پس از آن به یک زیارتگاه مقدس مردم تبدیل و سپس شهر دانشی شد که در رواق‌های آن تدوین، تألیف، تدریس، نقد دانش و تولید آن رشد کرد و اولین ادبیات برای تشیع نوشته شد. سپس علاوه بر وظایف مذکور به عنوان مقرر نائب امام که مرجع عام شیعیان است، متمایز شد و از این شهر دستورهای عمومی و خاص پیروان مکتب شیعه امامیه صادر می‌شد. پس شهر نجف زیارتگاه و پس از آن حوزه مطالعه و پژوهش و بعد از آن مقر تصمیم‌گیری‌های مرجعیت شده است.

پس از سال ۲۰۰۳ یعنی سقوط صدام، عتبات عالیات مبدأ فعال مرجعیت شد. برای

آگاهی یافتن بر واقعیت عتبات ضروری است که بر تغییرات داخلی و خارجی مرتبط با آن، توصیف عتبات به عنوان یک نهاد مستقل و ارتباط آن با سایر آستانه‌ها و دولت و اثر آن بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی آگاهی یافت.

همچنین، لازم است تا با میزان توانمندی‌های اداره عتبات عالیات برای تدوین و اتخاذ تصمیمات مناسب برای خدمت‌رسانی به زائران (متناسب با زائرانی که از سراسر جهان به عتبات عالیات می‌آیند) آشنا شد و به دنبال آن وسایل سلامت و امنیت را برای تضمین سلامت زائران فراهم کرد. همچنین، لازم است برای جلوگیری از ورود آفت فساد به نهادها و مؤسسه‌های مختلف عتبات روش‌های کنترلی سختی اتخاذ کرد.

قداستی که عتبات عالیات دارد، از مبانی و اصول شرعی متعددی سرچشمه می‌گیرد. یکبار از قرآن کریم نشئت گرفته است. آنجا که متون شریف قرآن بارها بر قداست عتبات و حقوق اهل بیت و صفات آنها از قبیل حق اطاعت و ولایت، حق محبت به آنها، حق دعا کردن برای آنها و حق بالابردن منزلت و جایگاهشان تأکید شده است. بار دیگر آنچه در سنت شریف پیامبر و سخنان معصومین علیهم السلام آمده که آن روضه‌های منوره را بزرگ داشته و حقوق آنها را از قبر رسول اکرم تا قبور خاندان پاکش بیان داشته‌اند. عتبات عالیات و بقاع متبرکه عراق پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ شاهد فعالیت فزاینده‌ای بوده است. این فعالیت سال به سال افزایش و گسترش یافته و جنبه‌های مختلفی را دربر گرفته است (المرعشی، ۱۴۰۲: ۱).

عتبات عالیات نقش فعالی در جذب سرمایه‌گذاری در زمینه‌های آموزشی، کشاورزی و صنعت و برگزاری رویدادهای علمی و جشنواره‌های بزرگ، همایش‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی و نیز مدیریت موفق زیارت‌های میلیونی داشت. جامعه عراق این تلاش‌های انجام‌شده عتبات را لمس کرده است. می‌توان گفت نهادهای بزرگ دولتی ناتوان از انجام دادن این تلاش‌هاست؛ بنابراین محققان در این پژوهش پروژه‌های انجام‌شده عتبات عالیات را در تمامی سطح‌های فکری، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، خدماتی و رسانه‌ای با استفاده از چارچوب نظری خودمختاری بررسی خواهند کرد. تحلیل اصلی این مقاله مبتنی بر ارزیابی و تأثیرگذاری تغییر مدیریت بقاع متبرکه عراق از شکل سنتی به پیشرفته است.

چارچوب نظری خودمختاری

نظریه خودمختاری یک نظریه کلان درباره انگیزه و شخصیت انسان است که به گرایش‌های رشد ذاتی افراد و نیازهای روانی- ذاتی افراد مربوط می‌شود و یکی از پیامدهای جدید نظریه خودشکوفایی مزلو است. این نظریه اعلام می‌دارد افراد گرایش فطری ابرازکردن تمایلات و به کار بردن استعدادها، قابلیت‌ها و غلبه‌کردن بر چالش‌ها دارند. تمرکز فرد بر انگیزش درونی به خودمختاری کمک می‌کند؛ به این صورت که فرد به‌خاطر علاقه و چالش خود فعالیت نه به‌خاطر پاداش بیرونی آن را انجام می‌دهد.

مفهوم خودمختاری ممکن است از نظر محدودکردن آنها به یک تعریف جامع و یکپارچه با مفهوم منطقه‌گرایی تفاوتی نداشته باشد؛ زیرا این دو مفهوم با سیستم‌های داخلی دولت در ارتباط هستند و این سیستم‌ها منطقه‌ای شدن را به‌عنوان روشی برای تقسیم ارضی و خودمختاری را به‌عنوان مکانیزمی برای اعطای استقلال کیفی به یک اقلیم در انجام دادن امور تحت کنترل برخی از سازمان‌های دولتی اتخاذ می‌کنند (عواضة، ۱۹۸۳: ۸۳).

روش‌های هر دولتی به‌طور جداگانه در به‌کارگیری این مدل‌ها بسته به شرایط سیاسی آن دولت و انگیزه اصلی توسلش به آن متفاوت است؛ مانند حضور گروه‌های جدایی‌طلب که امنیت و وحدت (منطقه‌گرایی) دولت را تهدید می‌کنند یا به این دلیل که کشوری استعماری تلقی می‌شود که می‌خواهد اقلیمی را از وابستگی خود به آن (خودمختاری) خلاص کند (عواضة، ۱۹۸۳: ۸۳).

خودمختاری (autonomy = self government) نظام سیاسی و حقوقی است که در آن حکمرانی در چارچوب یک اقلیم و تجمع جمعیتی خاص محدود به حاکمیت است. دولت‌هایی که خودگردانند اختیارهای محدودی دارند. خواه این محدودیت ناشی از دلیلی خارج از آن دولت‌ها باشد؛ مانند تسلط یک دولت بر یک نهاد سیاسی یا به‌دلیل تبعیت آن از یک مرجع مرکزی در چارچوب یک توافق قانونی و قانون اساسی (وظایف دولت را مشخص و موافقت مرجع مرکزی را جلب می‌کند) باشد. این نظام به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های سیاسی برای شرایط برخی از ملت‌های مستعمره یا به‌عنوان راه‌حل عملی برای برخی موارد استفاده می‌شود؛ زیرا شرایط مردم یا اقلیت‌هایی با ریشه‌های فرهنگی و تمدنی متمایز در ایالت‌های فدرال را در نظر می‌گرفت؛ بنابراین محققان در این پژوهش براساس قانون اساسی عراق در این زمینه روی

انتخاب چارچوبی برای اداره عتبات عالیات کار عمل می‌کنند تا بتوانند آن را به شیوه‌ای که طرف‌های بازی سیاسی در عراق آرزوی آن را دارند، اجرا کنند.

تعریف لغوی عتبات مقدس

عتبات در لغت مفرد عتبه و آن آستانه در است که پا بر آن می‌گذارند. گفته شده که آستانه بالایی است. الوار بالایی را حاجب گویند. عتبه الوار پایینی در است. جمع آن عتبات است. آن را آستانه در می‌نامند؛ زیرا نسبت به مکان پست و مسطح ارتفاع دارد. همچنین، به پله و نیز محل‌های پله‌گونه در کوه که برای صعود است، عتبه اطلاق می‌شود (ابن‌منظور، ۱۹۹۹: ۶۷).

مردم در عرف لفظ عتبه را به کار می‌برند و به دلیل موقعیت رفیعشان آن را بر ابواب قصرها و پادشاهان و رؤسای قبایل به کار می‌بندند؛ زیرا درگاه آنان حاجت نیازمندان با عطا و بخشش برآورده می‌شود و هرکه صاحب حاجتی باشد به درگاه خانه آنان می‌رود و آن را می‌گیرد و آستانه خانه آنان را می‌بوسد تا حاجتش برآورده شود (البغدادي، ۲۳۳ ق: ۴۳). اما کلمه مقدس در لغت از قدس و قداست و تقدیس به معنای تطهیر و تنزیه از عیب و نقص گرفته شده است و ارض مقدس به معنای سرزمین مبارک و مقدس به معنای مکان مقدس، بیت مقدس (حرم مقدس شریف)، سرزمین مقدس و مبارک است. مقدس، یعنی مبارک، سرزمین مقدس و مطهر و منزّه. همان‌گونه که در سخن خداوند تعالی آمده است: «و نحن نسبح بحمدك و نقس لك» (الحموي، ۲۰۰۶: ۲۸۷).

بر این اساس، عبارت‌های تقدیس، قدس، قدوس و مقدس همه به یک معنا آمده که عبارت است از تنزیه، طهارت و برکت و آن به معنای سرزمین مبارکی که احترامش واجب است و سبب آن، شرف و بزرگی شخصیتی است که از عیوب سخن و رفتار، پاک و منزّه است. این تعبیه‌ها قابل حمل بر عتبات مقدس است؛ زیرا مقصود از تقدیس عتبات ابراز معنای کمالی است که مطهر و پاک‌کننده است که انسان با آن از گناهان طاهر می‌شود و دیگر آنکه این مکان مبارک است (الحموي، ۲۰۰۶: ۲۵۹).

سال ۲۰۰۳ عتبات مقدس عراق شاهد جرقه تحولی بود؛ زیرا نظام اداری و حقوقی عتبات مقدس در این تاریخ تأسیس شد که با هدف‌های تعیین شده مرجعیت هماهنگ بود. همچنین، اداره عتبات از این تاریخ به بعد به شکلی شایسته و هماهنگ با توسعه و پیشرفتی بود که

عتبات عالیات به خود دیده است. نیاز به سازماندهی هریک از این عتبات را به سمت یافتن یک سیستم داخلی متناسب با داده‌های مرحله جدید سوق داد. این پیشرفت سیستم قانون‌گذاری کشور عراق را به سمت جایگزینی قوانین قدیمی که دولت‌های قبلی وضع کرده بودند با قوانین دیگری که انعطاف‌پذیرتر بود، هدایت کرد. هدف از این کار سازگاری با واقعیت جدیدی بود که این نهادها شاهد آن بود.

تعریف اصطلاحی عتبات مقدس

عتبات این‌گونه تعریف شده است: «مکان‌های مرتبط با اعمال عبادی و مرتبط با خداوند متعال و اعمال اولیا و مکان‌هایی که در آنها معجزات مختلف و وقایع مهم تاریخ مقدس رخ می‌دهد. به این ترتیب، برای مؤمنانی که به زیارت آن مکان‌ها می‌روند مورد احترام قرار می‌گیرد». همچنین، در تعریف عتبات گفته شده: «تمامی عتبات مقدسه، مساجد، مسجدجامع‌ها، کنیسه‌ها، معابد، هر مکانی که برای عبادت قومی یا طائفه‌ای یا ملتی اختصاص یافته است» (الحرالعاملی، ۲۰۰۶: ۱۱۵).

عتبات مقدس به اماکن متبرکه‌ای اطلاق می‌شود که شامل اجساد مطهر شش معصوم در عراق است و حرم حضرت عباس علیه‌السلام نیز به آن اضافه می‌شود. این تعریف در قانون اداره عتبات عالیات و مزارهای مقدس شیعه (به شماره ۱۹، سال ۲۰۰۵ هم‌اکنون نیز اجرایی است) آمده است. بر طبق ماده ۲ آن «عتبات مقدسه بناهایی هستند که مراقد ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و بناهای وابسته به آنها در نجف، کربلا، کاظمین و سامرا را در خود گنجانده است. حرم عباس علیه‌السلام در کربلا نیز به آنها ملحق می‌شود» (فاضل، ۲۰۱۵: ۳۷).

به‌طور کلی، می‌توان گفت که عتبات مقدس عبارت است از «بناهای موجود که شامل موضع قبر مطهر امام معصوم علیه‌السلام که بر فراز آن، گنبد شریف و اطراف آن، تأسیسات و ساختمان‌های منتهی به حصارها قرار دارد» علاوه بر آن، هرگونه توسعه دیگر در خارج از حصارها اعم از امامزاده‌ها، زیارتگاه‌ها، تأسیسات و ساختمان‌های متعلق به آن (هرچقدر که مساحت آنها گسترده باشد) شامل عتبات مقدس خواهد شد (الخلیلی، ۱۹۸۷: ۴۱).

اصطلاح عتبات مقدس از زمان تأسیس دولت عراق در سیستم قانون‌گذاری عراق وارد شده است؛ اما قادر به توضیح این اصطلاح در سطح مطلوب نبوده است. نظام عتبات مقدس در سال ۵۰ (نسخ‌شده) به تعریف حرم اشاره کرده است: «عتبات مقدسه شامل قبور ائمه

(علیهم السلام) به همراه دیوارهای صحن در نجف، کربلا، کاظمین و سامراست و حرم حضرت عباس (علیه السلام) در کربلا و سرداب امام زمان در سامرا به آن ملحق می شود» (الوقائع العراقية، ۱۹۵۰ قانون رقم ۴۲: ۳۴).

این قانون با قانون دیگری جایگزین شد. در قانون عتبات مقدس به شماره (۲۵) مصوب سال ۱۹۶۶ (نسخ شده) به این اصطلاح اشاره شده بود؛ اما در آن تعریف نشده بود و نسبت به اساسنامه عتبات مقدس به شماره (۲۱) مصوب سال ۱۹۶۹ این گونه تعریف شده است: «عتبات مقدسه شامل ضریح ائمه (علیهم السلام) به همراه دیوارهای صحن در حرم علوی در نجف، دو حرم مقدس در کربلا، حرم کاظمین در بغداد و حرم عسکری در سامرا و مرقد های ائمه آل بیت که تابع آن روضه ها و حرم های مقدسه است چه داخل حصارهای روضه و چه خارج از آنها» (الوقائع العراقية، ۱۹۶۹، رقم ۷۰: ۱۹). اما قانون اداره عتبات و زیارتگاه های شریف شیعه به شماره (۱۹) سال ۲۰۰۵ عتبات مقدس را این گونه تعریف کرده است: «بناهایی که مراقد ائمه اهل بیت علیهم السلام و ساختمان های وابسته به آنها را در نجف و کربلا و کاظمین و سامرا در خود گنجانده است که مرقد حضرت عباس علیه السلام در کربلا نیز به آنها ملحق می شود» (الوقائع العراقية، ۲۰۰۵: ۵۷). به طور کلی، می توان گفت که عتبات مقدس نهادهای دینی و تمدنی است که یک شخصیت معنوی را در خود جای داده است و با تأیید و اشراف مرجع عالی اداره می شود. عتبات شامل بقاع مطهری است که پیرامون مرقد مقدس بوده است که به همراه تمامی توابع آنها بنا خواهند شد.

واژگان «عتبات مقدس» و «عتبات عالیات» هر دو به مکان های مقدس و زیارتی در عراق (به ویژه شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا) اطلاق می شوند؛ اما تفاوت هایی در کاربرد، بار معنایی و بافت تاریخی آنها وجود دارد که پرداختن به آنها برای روشن سازی ذهن خوانندگان ضروری است.

تفاوت در کاربرد جغرافیایی

عتبات عالیات: این واژه بیشتر در ایران رایج است و در متون رسمی و عامیانه ایرانیان برای اشاره به زیارتگاه های مقدس شیعه در عراق به کار می رود. کلمه «عالیات» در اینجا به معنای «والا» یا «رفیع المقام» است و بر شأن و مقام بالای این مکان ها تأکید دارد.

عتبات مقدس: این اصطلاح بیشتر در عراق کاربرد دارد و بر قداست این مکان ها تمرکز

دارد. واژه «مقدس» از «قدس» گرفته شده و نشان‌دهنده طهارت و قداست مکان است.

تفاوت در بافت تاریخی و سیاسی

در متون تاریخی ایرانی از دوران صفویه به بعد واژه «عتبات عالیات» به‌عنوان نشانه‌ای از ارادت شیعیان ایرانی به اهل بیت و زیارتگاه‌هایشان در عراق استفاده می‌شده است. در متون سیاسی و دیپلماتیک معاصر به‌ویژه در تعاملات میان ایران و عراق گاه از هر دو واژه استفاده می‌شود؛ اما واژه «عتبات عالیات» رایج‌تر است و در متون اداری جمهوری اسلامی ایران بیشتر به کار می‌رود.

در حوزه مدیریت و سازمان‌دهی زیارت‌ها

نهادهایی در ایران مانند «سازمان حج و زیارت» یا «کمیته اعزام به عتبات عالیات» از واژه «عالیات» استفاده می‌کنند. این نشان می‌دهد که این واژه در ادبیات رسمی مدیریتی ایران تثبیت شده است.

نهادهایی در عراق مانند «دیوان وقف شیعی» بیشتر از عبارت «العتبات المقدسة» استفاده می‌کنند که نشانه تقویت گفتمان دینی محلی و تأکید بر قداست.

جایگاه فقهی عتبات عالیات

برای شناخت بیشتر جایگاه فقهی و آگاهی بیشتر بر شرایط آن باید در دو جنبه مهم جست‌وجو کرد: اول اینکه این آستانه‌ها را مسجدهایی باید دانست که احکام فقهی و شرعی مسجدها بر آنها واقع می‌شود و دوم اینکه آنها را باید موقوفه‌ای دانست که احکام وقف شرعی بر محتویات و ممتلكات آنها اعمال می‌شود. در ادامه، برای درک بیشتر دیدگاه فقهی با توضیح کافی دو نمونه فوق بیان می‌شود.

مسجدشمردن عتبات عالیات

فقه‌ها قائل به اطلاق احکام فقهی مسجدها بر عتبات مقدس هستند؛ مانند لزوم احترام به آنها و عدم هتک حرمت آنها، استحباب رفتن به سمت آن مکان‌ها، ورود به آنها با طهارت و نماز خواندن در آنها، نهی از ماندن در آنها برای کسی که در حال جنابت یا حیض است و بیزاری از خرید و فروش در آنها. فقه‌ها با عنایت به انطباق امور مذکور بر مشاهد مقدس و بر طبیعت

فقهی این اماکن استدلال کرده‌اند.

حرمت ماندن جنب یا ورود او به خانه پیامبران و ائمه علیهم‌السلام؛
حرمت نجاست مشاهد و وجوب ازاله نجاست از آن اماکن همان‌گونه که در مسجدها نیز
وجود دارد؛

حرمت ورود کافران به مسجدالحرام (السهلانی، ۲۰۰۸: ۱۳۷).
با توجه به آنچه ذکر شد، بقاع متبرکه از نظر طهارت، ثواب، اعتکاف و سایر امور عبادی و
سلوکی مشمول احکام مسجدها هستند.

وقف شمردن عتبات مقدس

میراث روایی حاکی از آن است که عتبات مقدس موقوفات شرعی است که احکام وقف بر
آنها جاری است. در ادامه، تعدادی از روایات خواهد آمد که صحت مطالب فوق را تأیید
می‌کند (السهلانی، ۲۰۰۸: ۱۳۸).

تغییر بنیادین مکانیسم‌های مدیریت عتبات

پیشتر در قسمت قبل به سازوکار اداره عتبات عالیات قبل از سال ۲۰۰۳ اشاره شد و اینکه
چگونه کلیدار که منصوب دولت و کارمند مسئول در برابر او بود، به متولی شرعی تبدیل شد که
مرجعیت عالی تعیین او را تعیین می‌کند و مورد تأیید همه مراجع است. قانون (۱۹) در سال
۲۰۰۵ میلادی مرجع دینی شیعه را این‌گونه تعریف می‌کند: «او فقیهی است که در بین فقیهان
نجف اشرف اکثر شیعیان عراق در تقلید به او مراجعه می‌کنند».

عتبات عالیات پس از سقوط رژیم بعث شاهد تغییرات بنیادین بود. این واقعیت جدید
اداره عتبات عالیات را همان‌گونه که پیشتر ذکر شد به دست مراجع تقلید برگرداند. آنان وظیفه
نظارت بر عتبات را داشتند. پس از آنها، کسانی که از سوی ایشان به‌طور مستقیم مجاز به
مدیریت بودند، متولیان شرعی بودند (تولیت‌ها).

قانونی برای این عتبات به نام قانون اداره عتبات عالیات و زیارتگاه‌های شیعی مقدس به
شماره ۱۹ سال ۲۰۰۵ وضع شده است که در ماده چهارم خود اختیار تعیین تولیت‌های آن
عتبات را به رئیس دیوان وقف شیعی داده است؛ البته مشروط به تأیید مرجعیت عالی است
که بیشتر عراقی‌ها به او مراجعه می‌کنند (الوقائع العراقية، ۲۰۰۵، ق ۱۹: ۹۷).

قبل از تصویب این قانون به‌ویژه در سه ماه اول پس از حدوداً 2003/4/9 تولیت عتبات، نماینده مرجعیت عالی دینی در کربلای مقدس بود که یک کمیته اداری در هر عتبه قائم‌مقام او در امور اجرایی است. پس از آن نزدیک به سه سال متعاقب متصدی امر یک کمیته سه جانبه بود که مرجع عالی‌قدر در شهر مقدس نجف مأموریت می‌یافت. این کمیته وظیفه تولیت شرعی هر دو عتبه حسینی و عباسیه را برعهده دارد. همچنین، ازطرف خود در هر عتبه نمایندگانی را به‌عنوان مدیران اجرایی برنامه‌های توسعه‌ای و اداری خود به نام ناظر منصوب می‌کند.

ورود عتبات عالیات به زمینه‌های پژوهشی علمی و دانشگاهی

باوجود اهمیت مؤسسه‌های علمی وابسته به دولت عراق و قدمت آنها که برخی از آنها از نیم قرن گذشته است، نسبت به عمر کوتاه مؤسسه‌های عتبات و باوجود مدرن بودن و عمر کوتاه خود موفقیت و حضور خود را درحوزه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند به اثبات رسانده است. عرصه پژوهش‌های علمی و دانشگاهی یکی از حوزه‌هایی بود که عتبات در آن سرآمد شد؛ زیرا عتبات عالیات به‌ویژه عتبه حسینی و عباسی موفق به تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و تخصصی شدند که به شاخه‌های مختلف علوم می‌پردازند.

تخصص‌های علمی در این دانشگاه‌ها بسیار متنوع و دانشکده‌های پزشکی افتتاح شده است که بیمارستان‌ها و مؤسسه‌های پزشکی را که عتبات عالیات تأسیس کرده است، تحت پوشش قرار می‌دهند. همچنین، بیمارستان‌ها و مؤسسه‌های پزشکی دولتی و دانشکده‌های داروسازی، دندانپزشکی و آنالیز پاتولوژیک بسیاری را افتتاح کردند. همان‌گونه که رئیس اداره آموزش دانشگاه در عتبه حسینی (برای مرکز بین‌المللی رسانه) بیان کرده است، سود مالی هدف اصلی تأسیس این دانشگاه‌ها نبوده است؛ برای مثال، دانشگاه‌های عتبه امام حسین علیه‌السلام در سال تحصیلی 2022 نزدیک به ۶ میلیارد دینار در دو دانشگاه الزهرا و وارث‌الانبیاء برای دانش آموزان نیازمند، فرزندان شهدا و سایر اقشار هزینه کرده است. اداره آموزش دانشگاهی وابسته به عتبه حسینی نیز با امضای تفاهم‌نامه‌های علمی ازطریق دانشگاه‌های معتبر جهان با هدف توسعه واقعیت آموزشی، ارتقای کادر تدریس و توسعه مهارت‌های دانشجویان پیگیر یادگیری تجربی یا آموزشی جهانی بوده است.

تنها سال 2022 شاهد دستیابی به تعداد زیادی از تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی بودیم که با تفاهم‌نامه‌ای که با دانشگاه میلان ایتالیا منعقد شد، شروع شد. این تفاهم‌نامه میان گروه زبان

عربی دانشگاه میلان با گروه زبان عربی دانشگاه الزهرا (بانوان) بسته شد. همچنین، این تفاهم‌نامه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد به مراحل پیشرفته و توسعه‌ای رسیده است. گفت‌وگوها در این باره، دیدارهای متقابل بین معاونت آموزشی دانشگاه و دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای گذاشتن سنگ بنا و توافقات اصلی آغاز شد و اکنون در آستانه اجرای طرح مبادله استاد و دانشجو بین دو دانشگاه هستیم.

در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود و به این دانشگاه‌ها و دانشکده‌های وابسته به آنها اشاره می‌شود. رژیم سابق عراق در سال ۲۰۰۳ سقوط کرد. سیاست‌های این رژیم در بی‌توجهی و افت شدید سطح آموزشی در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها در تمامی عرصه‌های آنها تأثیر داشت که منجر به افت سطح‌های علمی و آموزشی در این دو بخش مهم شد. در اینجا درباره این دو بخش مهم این واقعیت صحبت خواهد شد که عتبات عالیات چگونه مانع این افت شدید در مدرسه‌ها و دانشگاه شدن و در آنها سرمایه‌گذاری کرد و برای ماندگاری آنها در راستای خدمت به منافع عمومی کار را در آن دو بخش گسترش داد. مهم‌ترین کاری که این مؤسسه‌های تازه‌تأسیس (عتبات) انجام داده است، افتتاح مؤسسه‌های آموزشی، دانشگاه‌های تخصصی، مؤسسه‌ها و مراکز تحقیقاتی است که مهم‌ترین آنها به تفصیل مطرح می‌شود.

دانشگاه الکفیل

دانشگاهی که در نجف اشرف تأسیس شد تا به بنای زیرساخت‌های علمی عراق، تربیت انسان، توسعه جامعه و خدمات انسانی در جامعه کمک کند. هدف از تأسیس این دانشگاه در موارد زیر منعکس است: یادگیری و آموزش، پژوهش با فراهم کردن محیط علمی و پژوهشی که توانایی‌ها را برمی‌انگیزد، کادر آموزشی واجد شرایط و توانمند و برنامه‌های درسی سازگار با الزامات بازار کار و متناسب با عمق میراث، تمدن و مذهب جامعه عراق با بهره‌مندی از فضای جدید عراق که مؤسسه‌های آموزشی را تشویق و از آزادی علم و اندیشه حمایت می‌کند.

پس از تلاش‌های همگانی شخصیت‌هایی با صلاحیت علمی عراق و نیز با کار نهادی دانشگاهی، مؤسسه خیریه نجف و و جمعی از استادان دانشگاه در استان نجف اشرف این دانشگاه را در تاریخ ۲۰۰۳/۱/۱۰ تأسیس کردند و به تأیید وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی عراق رسید (الموقع الرسمي لجامعة الکفیل، ۲۰۲۲: ۱).

دانشگاه الکفیل در حال حاضر شامل پنج دانشکده (دانشکده حقوق، دانشکده فنی

مهندسی، دانشکده فناوری‌های پزشکی و بهداشت، دانشکده دندان‌پزشکی و دانشکده داروسازی) است. این دانشگاه براساس مقررات وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی عراق مدرک لیسانس اعطا می‌کند. دانش‌آموختگان این دانشگاه حق ادامه تحصیلات تکمیلی خود را در داخل و خارج از عراق دارند. همچنین، حق دارند مدارک دانشگاهی خود را برای فرصت‌های شغلی در بخش دولتی و خصوصی به کار گیرند.

تولیت عتبه عباسیه پروژه دانشگاه الکفیل را عهده‌دار شد. هدف آنها تلاش برای دستیابی به موارد زیر بود: ارتقای سطح آموزش در عراق، همگام‌شدن با پیشرفت‌های سریع در زمینه علم، رفع نیازهای جامعه با توجه به سازوکارهای مختلف (ازجمله: توسعه برنامه‌های درسی و مطالعاتی، ارائه صلاحیت‌های علمی واجد شرایط تدریس، تجهیز کلاس‌ها، آزمایشگاه‌ها و لوازم آنها به جدیدترین تجهیزات مدرن و ممتاز از نظر کمی و کیفی، توجه به جنبه‌های پژوهش علمی). علاوه بر به کارگیری توانایی استادان و دانشجویان در تحقیقات و مطالعات علمی، نظری و کاربردی در سطح‌های مقدماتی و پیشرفته در این دانشگاه، آموزش و بسیج علمی بر اساس مبانی آینده‌پژوهشی که با تحولات روز منطبق است در آن جریان دارد. همچنین کسب تخصص فنی و حرفه‌ای بالا، بهره‌گیری علمی و آکادمیک از این تخصص‌ها بر اساس دیدگاه روش‌شناختی پیشرفته می‌باشد.

این دانشگاه در پی آن است که یکی از بهترین مؤسسه‌های دانشگاهی شناخته‌شده در جایگاه خود باشد و استانداردهای بین‌المللی در زمینه آموزش، استفاده از دانش و تحقیقات علمی و خدمات اجتماعی را محقق کند تا به توسعه انسانی همه‌جانبه و پایدار دست یابد و تجسم ارزش‌های ملی و اسلامی باشد. این دانشگاه در تلاش است تا جنبه‌های مختلف دانش و معرفت را ارتقا دهد تا یک محیط علمی متمایز را ایجاد کند که قادر به ساختن نسل جدیدی باشد که بتواند خود را با عرصه‌های مختلفی آشنا کند و به ساختن جامعه کمک کند. همچنین، با در دسترس قرار دادن جو علمی متمایز که قادر به توانمندسازی نسل‌ها در خلاقیت علمی و دانشی است، مشوقی برای یک رنسانس در جامعه باشد. این دانشگاه به دنبال ارائه برنامه‌های علمی متنوع در زمینه‌های مختلف است تا نسل‌هایی را دانش‌آموخته کند که با فرهنگ خلاقیت در محیط کار که حامل دانش، ارزش‌های حرفه‌ای و اخلاقی است، متمایز شود (الموقع الرسمي لجامعة الکفیل، ۲۰۲۲: ۱).

دانشگاه العمید

العمید یک دانشگاه خصوصی مدرن در عراق است که در سال ۲۰۱۷ تأسیس شده است. این دانشگاه در شهر مقدس کربلا واقع شده و شامل ۴ دانشکده است: دانشکده پزشکی، دانشکده دندانپزشکی، دانشکده پرستاری و دانشکده داروسازی. همچنین، شامل بخش‌های خوابگاهی برای دختران در مجموعه خود است. این دانشگاه با قدمت تاریخی خود یک دانشگاه مدرن است؛ اما در مدت زمان بی‌سابقه‌ای توانسته است یک مجموعه علمی موفق باشد. این دانشگاه یکی از مؤسسه‌های وابسته به عتبه عباسیه است.

العمید امکانات علمی را در اختیار پژوهشگران و دانشجویان قرار می‌دهد و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا سطح علمی دانشجویان را بهبود ببخشید و ارتقا دهد، فرآیندهای آموزشی و تربیتی را مطابق با استانداردهای روز بین‌المللی توسعه دهد و جامعه و جنبه‌های معرفتی آن را با نتایج تحقیقات علمی و پژوهش‌های قوی و مقاله‌های علمی تخصصی همگام کند.

العمید اولین دانشگاهی بود که دانشکده‌های پزشکی خصوصی را تأسیس کرد. این درحالی است که دانشکده پزشکی دانشگاه العمید اولین دانشکده پزشکی خصوصی در عراق است که زیرنظر تولیت حرم مطهر عباس (ع) اداره می‌شود. این دانشگاه با تأمین کادر پزشکی مؤسسه‌های بهداشتی وابسته به عتبه عباسیه تلاش می‌کند تا کمبود نیروی پزشکی در مؤسسه‌های پزشکی دولتی را جبران کند.

دانشگاه وارث‌الانبیا

دانشگاه وارث‌الانبیا یک نهاد علمی دانشگاهی است که وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی عراق آن را به رسمیت شناخته است. هدف این دانشگاه عبارت است از: آماده‌سازی کادرهای انسانی واجد شرایط و متخصص در تمامی رشته‌های مختلف دانش برای رفع نیازهای جامعه، الزامات توسعه، مسئولیت اجتماعی و تعامل با جامعه و میل صادقانه به تقدیم افراد با صلاحیتی به جامعه که برتری علمی و اخلاقی دارند و به دور از هرگونه ملاحظات مالی یا تجاری، خدمات علمی و پژوهشی برجسته‌ای ارائه می‌دهند.

این دانشگاه یک مؤسسه مستقل وابسته به عتبه حسینیّه است که اداره آموزش دانشگاهی

آن را اداره می‌کند. افتتاح این دانشگاه با چهار دانشکده (مدیریت و اقتصاد، فنی، حقوق و پرستاری) در تاریخ 2017/9/21 رسماً اعلام شد. سپس ریاست دانشگاه میراث‌الانیا با حمایت همه‌جانبه عتبه حسینی موافقت رسمی وزیر را به‌منظور ایجاد دانشکده پزشکی برای سال تحصیلی 2021-2022 به دست آورد.

این دانشگاه شامل دانشکده‌ها و گروه‌های زیر است:

دانشکده مهندسی عمران؛

دانشکده مدیریت و اقتصاد؛

دانشکده حقوق؛

دانشکده پرستاری؛

دانشکده پزشکی.

دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها) ویژه دختران

دانشگاه دخترانه الزهرا یک دانشگاه خصوصی عراقی برای دختران است که در استان کربلا واقع شده است. این دانشگاه در سال 2019 تأسیس شده و تابع عتبه حسینی است که اولین دانشگاه دخترانه عراق است. این دانشگاه در حال حاضر شامل سه دانشکده است:

• دانشکده داروسازی؛

• دانشکده فناوری‌های پزشکی و بهداشتی؛

• دانشکده تعلیم و تربیت.

دانشگاه الزهرا (ع) تنها برای دختران عراق و اولین دانشگاه دخترانه عراق است که وابسته به گروه آموزش دانشگاهی عتبه حسینه است. این دانشگاه در سال 2019 تأسیس شد و شامل سه دانشکده داروسازی، دانشکده فناوری‌های پزشکی و بهداشتی و دانشکده تعلیم و تربیت است. افتتاح این دانشگاه یکی از اقدام‌هایی بود که عتبه حسینی با هدف تقویت بُعد آکادمیک و علمی و جنبه‌های اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی در سطح کشور آغاز کرد. هدف از این اقدام ارائه تخصص‌های زنان به مؤسسه‌های پزشکی مطابق با نیازهای بازار کار است که نیاز به حضور گروه مذکور در دانشکده‌های دانشگاه را برانگیخت.

مجله‌های وابسته به عتبه حسینه

ورود عتبات عالیات به عرصه دانشگاهی یک جهش خاص و ویژه در روند نشر دانشگاهی است. عتبات عالیات در کربلا و ادارات آن با مجله‌هایی که چاپ می‌کنند، اعم از علمی-پژوهشی و ... نقش عمده‌ای در حمایت از جنبش انتشارات دانشگاهی در عراق داشته‌اند. این امر به دلیل خدمات بزرگی است که این مجله‌ها به محققان ارائه می‌دهند، ازجمله: انتشار رایگان، پاداش‌های مالی به محققانی که تحقیقات خود را در این مجله‌ها منتشر می‌کنند. همچنین، به دلیل اعتماد متقابل بین محققان و مؤسسه‌هایی است که برون‌دادهای علمی را منتشر می‌کنند. سبب دیگر، وجود یک مجموعه مستشاری و هیئت تحریریه معتبر است که از محلی به منطقه‌ای و سپس جهانی مبدل گشته است؛ زیرا در داخل آنها نام‌هایی از عراق، مصر، لبنان، سوریه، عمان، ایران، ایالات متحده و سایر ملیت‌ها وجود دارد که بر کیفیت پژوهش منتشرشده، متانت مطالب علمی و منظم بودن انتشار آن بازتاب مثبت داشته است.

مجله‌های عتبات عالیات به دلیل شهرت خوب عتبات مقدس در محافل مردمی، به‌خاطر اعتبار و بی‌طرفی مطالبی که منتشر می‌کنند و دوری از مسائل فرقه‌ای، تعصب و حزب‌گرایی، به دلیل امکانات مادی و معنوی و مراکز وابسته به آن که در سراسر جهان گسترش یافته و توزیع رایگان بیشتر محصولات خود و یا به قیمت‌های بسیار نمادین به دورترین محدوده‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی رسیده است؛ بنابراین علاوه‌بر همگام‌شدن با توسعه و به روز شدن با ارائه محصولات علمی در وبسایت‌ها به‌صورت رایگان و به روش‌های مدرن، در دسترس و آسان برای همگان قابل دسترسی است.

موضوع‌ها، اهتمام‌ها و تخصص‌های مجله‌های عتبات عالیات متنوع است؛ زیرا همه رشته‌های دانشگاهی را دربرمی‌گیرد. برخی از آنها مربوط به مطالعات و پژوهش‌های انسانی است که به شاخه‌های زبان و ادبیات عربی، تاریخ، جغرافیا، علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و سایر تخصص‌های علمی تقسیم می‌شود. این موضوع‌ها نیز به عناوین کوچک‌تری تقسیم می‌شود تا تمام جنبه‌های مختلف زندگی را دربرگیرد. برخی از آنها به مسائل مذهبی، سیاسی و اقتصادی جامعه و برخی از آنها به امور زنان، اطفال و دیگر موضوع‌های مهم می‌پردازد و این به این معناست که آنها در یک تخصص کار نمی‌کنند، بلکه در همه علوم و مطالعات به زبان‌های خارجی فعالیت دارند.

مهم‌ترین چیزی که مطبوعات عتبات عالیات را در کربلا متمایز می‌کند، فراگیربودن آن است؛ یعنی هیچ جزئیاتی از مسائل زندگی را از قلم نینداخته است. تعداد آنها ۲۰ مجله و در

همه موضوع هاست. مجله‌های صادر از عتبه عباسیه ۳۶ مجله و روزنامه‌ها ۴ نمونه است.

نقش مجله‌های عتبه حسینیّه در انتشارات دانشگاهی

در شرایط کنونی عراق نقش مجله‌ها و مطبوعات در انتشارات دانشگاهی بسیار پررنگ و ارزنده توصیف می‌شود؛ زیرا این مجله‌ها هستند که می‌توانند آثار علمی را به مخاطبان خویش آن هم دانشگاهیان عرضه کنند و نیز می‌توانند به شرایط گوناگون از جمله مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عراق بپردازند.

مجله علمی-پژوهشی المصباح

فصلنامه علمی- پژوهشی در زمینه مطالعات و تحقیقات قرآنی است که دارالقرآن الکریم در حرم مطهر حسینی منتشر کرد. موضوع‌های آن عبارت است از: تحقیقات علمی اصیل، متون تحقیق شده، پاسخ‌های انتقادی و ارائه و معرفی تألیفات قرآنی. قوانین چاپ در آن با هیچ مجله علمی - پژوهشی تفاوتی ندارد، بلکه پژوهش‌ها را به صورت رایگان منتشر می‌کند. ضمن اینکه به محقق که مقاله‌اش در یک شماره از مجله منتشر شده باشد، حق الزحمه پرداخت می‌کند (مجله المصباح، ۲۰۱۰: ۳).

مجله علمی-پژوهشی دواة

فصلنامه علمی- پژوهشی دواة مرتبط با پژوهش‌ها و مطالعات زبانی و تربیتی و با هدف ارتقای فکری و شناختی جامعه است که داراللغة العربیة در عتبه مطهر حسینی منتشر کرد (مجله الدواة، ۱۴۳۶: ۴).

مجله علمی - پژوهشی السبط

این فصلنامه علمی - پژوهشی است که به نشر میراث تمدنی و فرهنگی اسلام اهتمام دارد. مرکز کربلاء للدراسات و البحوث وابسته به عتبه مقدس حسینیّه این مجله را منتشر کرد. مجله السبط در رشته‌های مختلف علوم انسانی (زبان و ادبیات عربی، تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، گردشگری، روان‌شناسی و بقیه علوم اجتماعی که درباره میراث تمدنی و فرهنگی اسلام تحقیق می‌شود) پذیرای پژوهش‌ها و تحقیقات است. این مجله در پی آن

است که مرجعی علمی برای حفظ میراث و هویت اسلامی باشد (مجله السبط، ۲۰۱۵: ۳). این مجله مانند سایر مجله‌هایی که عتبات عالیات از آن حمایت می‌کند، با انتشار رایگان پژوهش‌ها از پژوهشگران نیز حمایت و به پژوهشگران برای برون‌دادهای علمی‌شان حق‌الزحمه اعطا می‌کند.

مجله المبین

فصلنامه‌ای است که در آن علوم کتاب «نهج البلاغه» و سیره امام علی علیه‌السلام بررسی می‌شود. مؤسسه علوم نهج البلاغه در عتبه مقدس حسینیّه این مجله را صادر می‌کند. وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی این مجله را تأیید کرده و جزء مجله‌های علمی طبقه‌بندی شده است. مجله المبین اولین مجله علمی در جهان اسلام است که مختص به علوم کتاب نهج البلاغه و سیره امام علی علیه‌السلام است (مجله المبین، ۲۰۱۶: ۳).

مجله‌های علمی - پژوهشی عتبه عباسیه

مجله‌های علمی و پژوهشی عتبه عباسیه نیز در روند مسائل علمی نقش بارزی دارد. همان‌گونه که از نامش پیداست این مجله‌ها در مسائل تحقیقاتی و مطالعاتی در علوم انسانی فعالیت‌های گسترده‌ای را دارد که می‌توان به چند نمونه از آنها اشاره کرد.

مجله علمی- پژوهشی العمید

العمید يك فصلنامه علمی- پژوهشی در زمینه تحقیقات و مطالعات انسانی است که مرکز بین‌المللی العمید در عتبه عباسیه صادر کرده و وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی عراق تأیید کرده است؛ بنابراین برای ارتقا علمی مورد تأیید است. ضوابط چاپ در این مجله با هیچ مجله علمی- پژوهشی دیگری تفاوت ندارد، بلکه مقاله‌ها را به‌صورت رایگان منتشر و به نویسندگان حق‌الزحمه و نیز و یک نسخه رایگان از مجله‌ای که مقاله او در آن چاپ شده است به تقدیم می‌کند (مجله العمید، ۲۰۱۲: ۵).

مجله علمی - پژوهشی تراث کربلا

تراث کربلا فصلنامه‌ای علمی- پژوهشی است که در آن میراث کربلا را بررسی می‌کند و

مرکز تراث کربلا - اداره امور فکری و فرهنگی عتبه عباسیه آن را منتشر می‌کند. این مجله به پنج بخش (اجتماعی، علمی، ادبی و هنری که بعداً لغو شد و تاریخی) تقسیم شده است. شیوه‌نامه چاپ در آن با دیگر مجله‌های علمی - پژوهشی معتبر تفاوتی ندارد. جزء اینکه پژوهش‌ها را به صورت رایگان منتشر و به محقق حق الزحمه و یک نسخه از مجله‌ای که مقاله او در آن چاپ شده است به نویسنده تقدیم می‌کند (مجله تراث کربلا، ۱۴: ۲۰۱۶: ۷).

مجله علمی- پژوهشی الباهر

الباهر مجله‌ای علمی- پژوهشی است که به تحقیقات و مطالعات علمی می‌پردازد؛ یعنی مربوط به علوم کاربردی و مهندسی است. مرکز بین‌المللی تحقیقات و مطالعات العمید وابسته به عتبه عباسیه این مجله را صادر کرده است (مجله الباهر، ۱۴۳۵: ۲).

مجله تراث حله

تراث حله فصلنامه‌ای علمی- پژوهشی است که به مطالعه و پژوهش درباره میراث حله می‌پردازد. این مجله در اداره امور فکری و معارف اسلامی و انسانی، مرکز تراث حله وابسته به عتبه عباسیه، منتشر می‌شود (مجله تراث الحله، ۲۰۱۶: ۵).

مجله علمی- پژوهشی تسلیم

تسلیم فصلنامه‌ای علمی- پژوهشی است که مختص به علوم زبان و ادبیات عربی بوده است و مرکز بین‌المللی تحقیقات و مطالعات العمید وابسته به عتبه عباسیه آن را صادر کرد. هدف این مرکز حفظ و صیانت از زبان عربی است (مجله التسليم، ۲۰۱۵: ۷).

مرکز اسلامی مطالعات استراتژیک

این مرکز در ماه شعبان سال ۱۴۳۴ ق در نجف اشرف تأسیس شد. این نهاد وابسته به عتبه مطهر حضرت عباس (ع) بوده است و در حوزه راهبرد دینی فعالیت می‌کند. هدف این مرکز تدوین طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی در حوزه دینی و فرهنگی با تکیه برگزشته، مطالعه زمان حال و آینده‌نگری برای بهبود وضعیت موجود و مقابله با خطرهایی که احتمال وقوع آن نزدیک است، می‌باشد.

بخش‌های مرکز

- ۱- کتابخانه: کتابخانه تخصصی حاوی مهم‌ترین تألیف‌ها و نشریه‌های اخیر در زمینه‌های علمی مورد اهتمام مرکز تأسیس شده است؛
- ۲- گروه شرق‌شناسی: با هدف نظارت بر جنبش شرق‌شناسی تأسیس شده است؛
- ۳- گروه کلام و عقاید: علم کلام و عقاید ستون فقرات حوزه مطالعات دینی است؛ زیرا وظیفه دفاع از عقیده و ابطال شبهات مطرح‌شده را برعهده دارد؛
- ۴- بخش نظارت: این بخش به نظارت بر رسانه‌های تصویری و چاپی می‌پردازد؛
- ۵- بخش اندیشه معاصر؛
- ۶- گروه غرب‌شناسی؛
- ۷- کانال العقیده: کانالی تحت وب با نام کانال العقیده است که به بررسی و جواب‌دهی به شبهات باقی‌مانده در اذهان می‌پردازد؛
- ۸- وب‌سایت: وب‌سایتی تخصصی است که فعالیت مرکز را منعکس می‌کند و حاوی فصل‌های مختلفی در زمینه‌های معرفتی است که مرکز با ارائه محصولات فکری خود و محصولات سایر محققان این عرصه‌های معرفتی را بررسی می‌کند.

ورود عتبات به عرصه توسعه بخش سلامت

عراق پس از سقوط رژیم سابق در سال ۲۰۰۳ حوادث مختلفی را پشت سر گذاشت. اقدام‌های تروریستی و خرابکارانه در کنار تنش‌ها و بی‌ثباتی سیاسی و وخامت اوضاع امنیتی که به سهم خود منجر به کمبود شدید خدمات بهداشتی شد. در کنار این موارد و نیز با توجه به افزایش روزافزون جمعیت در کشور به خصوص در زمان احیا و گرامیداشت مناسبات دینی و زیارت‌های میلیونی همه این موارد دلیل مهمی برای افزایش نیاز به توسعه بخش سلامت در کشور به طور عام و در شهرهای مذهبی به طور خاص بوده است. وخامت این بخش به دلیل ضعف امکانات بود. مؤسسه‌های بهداشتی بیشترین اثرگذاری را در ارائه خدمات بهداشتی به شهروندان عراقی و مردم شهر مقدس کربلا و زائران این شهر از استان‌های دیگر و خارج از عراق داشتند.

از این منظر، این عتبات به‌ویژه دو عتبه عباسی و حسینی مسئولیت توسعه این بخش و

پیشبرد آن را برعهده گرفتند. تا اینکه شهرهای نجف و کربلا علاوه بر آنکه شهرهای مذهبی هستند که میلیون‌ها نفر برای زیارت به آنجا می‌آیند، به شهرهایی تبدیل شدند که هزاران نفر برای معالجه و بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و درمانی مؤسسه‌های بهداشتی و بیمارستان‌های وابسته به این عتبات به آن می‌روند.

مهم‌ترین مؤسسه‌های بهداشتی و درمانی که عتبات عالیات آن را تأسیس کرده است. خدماتی که آنها ارائه می‌دهند در ادامه، بررسی می‌شود.

بیمارستان السفیر

این بیمارستان در تاریخ 2010/8/10 تأسیس شد. بیمارستان السفیر یک بیمارستان تخصصی جراحی و ارولوژی است. عتبه حسینه این بیمارستان را راه‌اندازی کرد و همچنان این عتبه حامی این پروژه است. با هماهنگی اداره بهداشت کربلا که نماینده وزارت بهداشت عراق است، مدیریت این بیمارستان کار می‌کند؛ بنابراین از نظر اداری و فنی به وزارت بهداشت عراق وابسته شده است؛ اما از نظر پشتیبانی، انتساب و مرجع وابسته به عتبه حسینه است. این بیمارستان یکی از پروژه‌های بی‌نظیر در عراق است؛ زیرا اداره آن مشترک بین دو طرف است که در ابتدا به‌عنوان یک مرکز اورژانس و یک مرکز پزشکی شروع به کار کرده است. پس از آن، بیمارستان موافقت وزارت بهداشت را به‌عنوان یک بیمارستان با ظرفیت ۵۰ تخت، ۲ اتاق عمل، اورژانس و متعلقات آن دریافت کرد. پرسنل بیمارستان نقش بسیار زیادی در مراسم مذهبی که در شهر مقدس کربلا برگزار می‌شود، دارد. همچنین، مجاورت با حرم ابا عبدالله الحسین (ع) با ارائه خدمات بسیار زیاد به زائرینی که برای زیارت مشرف می‌شوند، آن را متمایز کرده است. بسیاری از زائران برای معاینه و درمان به این بیمارستان مراجعه می‌کنند.

بیمارستان زین العابدین (ع)

این بیمارستان در سال 2016 با ظرفیت ۱۲۰ تخت تأسیس شد. هدف از تأسیس آن کاهش بار سفر و افزایش هزینه‌های بیمار برای انجام دادن عمل در خارج از کشور و جلوگیری از خروج ارز به خارج از عراق و خرج کردن آن در کشورهای دیگر برای ارائه خدمات پزشکی است. عتبه حسینی با این اقدام تلاش کرد تا متخصصان پزشکی بسیار ماهر را از خارج از

عراق برای ارائه خدمات خود به بیماران عراقی حتی بیمارانی که در زیارت‌های میلیونی به کربلای معلی وارد می‌شوند، جذب کند (الموقع الرسمي لمستشفى زين العابدين، ۲۰۲۲). این بیمارستان شامل بخش‌های ویژه برای زنان و زایمان، سایر بخش‌های مرتبط به بینی و حنجره، جراحی چشم، جراحی پلاستیک برای جراحات‌های قهرمانان مجروح حشدالشعبی و نیروهای امنیتی، شکستگی‌ها، جراحی کاتتریزاسیون قلب و جراحی قلب کودکان است. همچنین، بخش‌های ویژه‌ای برای جراحی اورولوژی با استفاده از لیزر وجود دارد. کار برای ایجاد مراکز ویژه پیوند کلیه از جمله مصنوعی و پیوند قلب با کادر پزشکی عراق و با همکاری کادرهای متخصص خارج از عراق در حال انجام است.

بیمارستان الکفیل

در سال ۲۰۱۵ عتبه عباسیه با افتتاح بیمارستان تخصصی الکفیل با ظرفیت ۲۰۰ تخت زیر نظر اداره پروژه‌های مهندسی عتبه عباسیه ابتکار عمل را برای ارائه خدمات پزشکی به شهروندان برعهده گرفت. عتبه عباسیه درصدد بود تا پروژه‌هایی به کشور و استان کربلا را ارائه کند؛ زیرا خدمات عمومی را به‌ویژه درحوزه سلامت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد. این بخش شاهد کمبود شدید خدمات در استان کربلا به‌طور خاص و در بقیه استان‌های عراق به‌طور کلی است. هدف از این پروژه ارائه خدمات پزشکی به شهروندان عراقی با آوردن پزشکانی از خارج از عراق با تخصص عالی در پزشکی است. بیمارستان تخصصی الکفیل در کربلا با خدمات مختلف پزشکی و بهداشتی (مطابق با استانداردهای سیستم کیفیت بین‌المللی است) مراقبت‌های ویژه‌ای را به بیماران خود ارائه می‌کند (الموقع الرسمي الکفیل، ۲۰۲۲: ۱).

بیمارستان‌های وابسته به عتبه حسینی و عباسیه در سراسر عراق

- ۱- بیمارستان امام زین‌العابدین (ع)؛
- ۲- اورژانس امام زین‌العابدین (ع)؛
- ۳- مرکز سرطان امام حسین (ع).

طرح‌های اقتصادی عتبات عالیات

سیاست‌های نادرست و سردرگمی دولت عراق ناشی از کمبود تجربه و فساد است که پس از سال ۲۰۰۳ کشور را ویران کرده است؛ بنابراین رویای رهایی از کابوس واردات و تکیه بر یک منبع واحد برای بودجه عراق به یکی از آرزوهای مردم عراق تبدیل شده است که در آن مردم آرزوی داشتن برنامه‌های اقتصادی و محصول بومی را از تولید فرزندان خود دارند. این امر بدون رهبری حکیم که بینش درست و واقعی به امور داشته باشد، محقق نمی‌شود. از این منظر، مرجعیت عالی به امور عمومی پس از ناکامی دولت بیشترین تأثیر را در موفقیت نهادهای وابسته به آن داشته است؛ بنابراین اصطلاح (Remontada) با توجه به اصطلاح قدیمی اسپانیایی که به معنای بهبودی پس از مصیبت و بازگشت به عرصه است، به مؤسسه‌هایی اطلاق می‌شود که پس از سال ۲۰۰۳ شکل گرفته و بازسازی شده و یا مؤسسه‌های مشابه عتبات عالیات که زیر نظارت مرجعیت عالی عراق ساخته شده است.

مرجعیت دینی به‌طور عام و عتبات مقدس به‌طور خاص آنگونه که پس از سال ۲۰۰۳ شاهد بود، در عراق به‌ویژه در صحنه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و مذهبی نقش عمده‌ای را شاهد نبود. مدیر دفتر مرجعیت عالی عراق در لبنان حاج حامد خفّاق با تأکید بر نقش مرجعیت می‌گوید: «مقام مرجعیت عالی از زمان سقوط رژیم قبلی در آوریل ۲۰۰۳ تاکنون نقش‌های متفاوتی داشته‌اند» (الخفاف، ۲۰۱۹: ۱).

دلیل نقش ضعیف مرجعیت دینی در سطح سیاسی و اقتصادی قبل از سال ۲۰۰۳ به ماهیت نظام سیاسی و نظام اقتصادی برمی‌گردد که در آن حکومت استبداد به لحاظ سیاسی حاکم بود که منجر به حاشیه‌راندن و طرد قاطع هر گروه، قشر یا طبقه‌ای از جمله مرجع دینی شد که به نظر او تهدیدی برای جایگاه قدرت بودند.

در سطح اقتصادی نیز همین گونه است، جایی که نظام سوسیالیستی عراق که دولت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اختیارات کامل داشت؛ بنابراین دولت مالک، رهبر و موتور اصلی فعالیت اقتصادی در عراق بود؛ این بدان معناست که بخش خصوصی به‌طور عام و عتبات عالیات به‌طور خاص وجود و حضور نداشت، مگر به‌صورت ثانوی و فرعی؛ اما بعد از سال ۲۰۰۳ مرجعیت دینی به‌طور عام و عتبات

عالیات به طور خاص نقش برجسته و چشمگیری را شاهد بودند که این نقش بسته به صحنه اعم از سیاسی یا اقتصادی در مقاطعی بین حامی و در مقاطع دیگر بین رقیب متفاوت بود. در این میان، نقش حمایت مختص صحنه سیاسی و نقش رقابت مختص صحنه اقتصادی بود (الخفاف، ۲۰۱۹: ۱).

از سال ۲۰۰۳ و پس از فروپاشی نهادهای دولتی به دلیل جنگ، بقایای اقتصاد خسته از جنگ عراق متلاشی و عبارت «ساخت عراق» همراه با آن ناپدید شد. عبارتی که پس از ورود عتبات عالیات در عرصه صنعت و سرمایه‌گذاری در آن دوباره در بازارها ظاهر شد. پروژه‌هایی که دو عتبه عباسیه و حسینییه ایجاد شده به شرح زیر است؛ البته به‌خاطر فراوانی و شاخه‌های مختلف آن مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود.

بخشی از دستاوردها و پروژه‌های عتبه حسینی

۱- چاپ و نشر پنج میلیون جلد کتاب در سال ۲۰۱۹ توسط دارالورث به‌منظور توزیع در مدرسه‌های استان‌های مختلف برای مقاطع ابتدایی و راهنمایی با عناوین مختلف با تکنولوژی روز؛

۲- پروژه عظیم ساخت (فرودگاه بین‌المللی کربلا) براساس آخرین استانداردهای بین‌المللی؛

۳- پروژه تسهیلات سیار پیشرفته بهداشتی به شماره (۱۰۹) برای خدمت‌رسانی به زائران در بازدیدهای میلیونی؛

۴- پروژه‌ها و دستاوردهای دیگری در عتبه حسینی قابل دیده می‌شود که به دلیل حجم بالای مطالب از ذکر آن خوداری می‌شود.

بخشی از پروژه‌های عتبه عباسیه

۱- طراحی، ساخت و تجهیز بیمارستان تخصصی الکفیل در کربلا؛

۲- مجتمع مسکونی العباس (ع) با ۸۲۹ منزل دارای مدرسه‌ها، مراکز خرید، درمانگاه، مسجد، زیرساخت‌ها و خیابان‌ها؛

۳- پروژه گاراژ الکفیل برای نگهداری و خدمات؛

۴- طرح تأسیس مجتمع بانوان با عنوان العفاف برای خرید محصولات عتبه؛

ورود عتبات علیات به عرصه کشاورزی

پس از سال ۲۰۰۳ در نتیجه سیاست‌های نادرست که منجر به ورود محصولات کشاورزی خارجی از همسایگان عراق به بازارهای محلی شد و به دلیل بی‌حمایتی دولت از بخش کشاورزی و سیاست‌های اشتباه اتخاذ شده در مدیریت این بخش باعث شد که تعداد زیادی از کشاورزان این حرفه را رها و مناطق بزرگ کشاورزی را به پروژه‌های سرمایه‌گذاری غیر زراعت تبدیل کنند و یا آنها را بفروشند. این‌گونه بازارهای عراق از محلی برای فروش محصولات داخلی به محلی برای فروش محصولات وارداتی تبدیل شد. روزبه‌روز نیاز عراق به مواد غذایی به‌ویژه میوه‌ها و سبزیجات که بیشتر آنها از کشورهای همسایه وارد می‌شود، افزایش می‌یابد.

تحقیقات نشان می‌دهد که عراق پس از سال ۲۰۰۳ به‌طور کلی به اقتصاد نفت وابسته شد و صنعت و کشاورزی را رها کرد؛ زیرا زمین‌ها در معرض بی‌توجهی شدید دولت و کشاورزان، بحران آب و تبدیل شدن به مناطق مسکونی قرار گرفت؛ با این حال جهت‌گیری عتبات عالیات در عراق برای ایجاد مزارع عظیم نقطه آغازی برای تکیه بر تولیدات کشاورزی بومی و ارائه محصولات کشاورزی ملی شد که از نظر کیفیت ممتاز است. همچنین، عتبات گوشت را با قیمت یارانه‌ای تأمین کرد (الشریفی، ۲۰۲۳: ۱).

آغاز ورود عتبات به عرصه کشاورزی در سال ۲۰۰۹ بود. عتبه حسینی شهر در این سال نمونه کشاورزی امام حسین (ع) را تأسیس کرد. این شهر در مساحتی به وسعت ۱۰۰۰ هکتار در مسیر جاده ارتباطی بین دو استان نجف و کربلا واقع شده است؛ برای مثال، مزرعه امام حسین (ع) وابسته به عتبه حسینی امروز بخش بزرگی از محصولات تابستانی و زمستانی را تأمین می‌کند. محصولات این مزرعه مانند گوجه‌فرنگی، خیار، فلفل از همه نوع، گوجه گیلانی و بادمجان در طول سال موجود است. همچنین، مزارع عتبه حسینی برای افزایش ظرفیت تولید و تولید محصولات منطبق با نظام سلامت بازار از تکنولوژی‌های روز و روش‌های پیشرفته استفاده کرده است؛ برای مثال، عتبه حسینی برای رفع مشکل آب مزرعه امام حسین (ع) از

ماشین آلات و ابزارهای خاصی با مشخصات و معیارهای بین المللی و همراه با گواهی ایزو استفاده کرده است؛ به گونه ای که به شکل کامل از چاه ها و آبپاش های مرکز محور متحرک و آبپاش های ثابت در مساحت ۹۰۰ هکتار استفاده کرده است.

عتبه حسینه برای تأسیس شهر کشاورزی ابا الاحرار نیز تلاش کرده است. این شهر کشاورزی در مساحتی بالغ بر ۵۵۰۰ هکتار برای کشت محصولات علوفه ای ایجاد شده است. از این محصولات برای تأمین علوفه گله های گوسفند که تعداد آنها بیش از ۵ هزار رأس می رسد و نیز برای گاوهایی که تعداد آنها بیش از یک هزار رأس است، استفاده می شود (الموسوی، ۲۰۲۰: ۲).

عتبات مقدس با هدف تولید فراوان محصولات کشاورزی محلی، تأمین امنیت غذایی شهروندان، به کارگیری نیروی کار و بهره برداری از مناطق وسیع بیابانی شهر با استفاده از فناوری های نوین در کشاورزی و آبیاری اقدام به ایجاد طرح های توسعه کشاورزی و خدمات رسانی کرده است. از جمله پروژه های تولید دام در شهر امام حسین (ع) می توان به چند نمونه به طور خلاصه اشاره کرد: ۱- پروژه پرورش گوساله گوشتی؛ ۲- پروژه پرورش گوسفند؛ ۳- پروژه پرورش طیور گوشتی و غیره.

نتیجه گیری

پس از تعریف لغوی و اصطلاحی عتبات مقدس، جایگاه فقهی آنها و موقوفات به طور کلی، وضعیت حقوقی و اداری عتبات در عراق پیش و پس از سال ۲۰۰۳ و سازوکارهای حقوقی و اداری که کارکرد این مجموعه ها را در عراق سامان می بخشد، مباحث به دنبال پاسخگویی به این سؤال مطرح شد که آیا عتبات مقدس در عراق می تواند از ساختار سنتی خود خارج و به نهادهای مدرن تبدیل شود؟ پس از آن با فرض اینکه این نهادها بعد از تبدیل شدن به نهادهای مدرن، خودمختار اداره خواهد شد، به تفصیل درباره نظریه خودگردانی (خودمختاری) بحث شد. برای پاسخ به سؤال و اثبات فرضیه مقاله روند تحول عتبات تحلیل و ورود عتبات به بسیاری از زمینه ها و از همه مهم تر در عرصه تحقیقات علمی، صنعتی، کشاورزی و خدمات بررسی شد.

ورود عتبات عالیات به مسائل خدمات عمومی پس از آن رخ داد که این بخش در نتیجه اقدام‌های نادرست دولت یا اشتغال دولت به مسائل امنیتی دچار بی‌توجهی شد که این مسئله منجر به دو امر اساسی شد: اولین نمونه، فروپاشی تقریباً کامل زیرساخت‌های خدماتی کشور بود؛ دوم، دست عتبات عالیات برای پرکردن خلأهای موجود در بخش خدمات باز شد. این امر باعث شد تا عتبات گام‌های جدی در راستای تغییر از ساختار سنتی و شناخته‌شده خود به‌سوی نهادهای مدرن، پیشرفته و روبه رشد بردارد. براساس نظریه خودمختاری عتبات توانست به این خودمختاری دست یابد؛ زیرا این تحول و دگرگونی در فعالیت‌های گسترده‌ای که در این پژوهش تحلیل شد، قابل مشاهده است. از طرف دیگر، عتبات عالیات به‌عنوان یکی از معتبرترین پایگاه‌های اعتقادی و مذهبی در این راستا موفقیت‌های زیادی کسب کرده است؛ بنابراین عتبات عالیات توانسته در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، کشاورزی و... گام‌های جدی را برای عبور از ساختار و بافت‌های سنتی به ساختارهای مدرن و پیشرفته بردارد که این امر را در حرکات و روندهای ذکرشده به‌طور کامل، می‌توان ملاحظه کرد.

منابع

- ابن منظور (۲۰۱۱). تهذیب الخواص من درر الغواص (تحقیق د. احمد وهبة رضوان). القاهرة: دار النشر لجامعات.
- ابن منظور (۱۹۹۹). لسان العرب. مطبعة جامعة بغداد.
- البغدادي، أبو زكريا يحيى بن معين بن عون بن زياد بن بسطام بن عبد الرحمن المري بالولاء (۲۳۳ ق). من كلام أبي زكريا يحيى بن معين في الرجال (رواية طهمان) (المحقق: د. أحمد محمد نور سيف). دمشق: دار المأمون للتراث.
- البصيصي، صلاح (۲۰۰۷). الحماية القانونية للمقدسات الدينية: كلية القانون جامعة الكوفة. دار الاداب جامعة الكوفة.

- البهادلي (٢٠١٢). منى جمعة: النظام القانوني للعتبات المقدسة في العراق كلية الحقوق. جامعة النهرين.
- الحرالعالمي، محمد بن الحسن (٢٠٠٦). وسائل الشيعة في تحصيل مسائل الشريعة (ج ١٤). اواب المزار و مايناسبه، باب استحباب الزيارة.
- الحسيني، محمد ابن علي (٢٠١٩). فضل الكوفة و فضل اهلها، منشورات الامتنة العامة لمسجد الكوفة و المزارات الملحقة بها.
- الحموي، ياقوت بن عبد الله الرومي البغدادي شهاب الدين أبو عبد الله، معجم البلدان (٢٠٠٦). دار صادر.
- الخفاف، حامد (٢٠١٩). دور المرجعية في المشهد الديني و السياسي. وكالة شفقنا. <https://www.sistani.org/>
- الخليلي، جعفر (١٩٧٨). موسوعة العتبات. مؤسسة الاعلامي للمطبوعات.
- السهلاني، حيدر (٢٠٠٨). فقه العتبات المقدسة. العتبة العلوية المقدسة.
- الشريفي، فارس، مدينة سيد الشهداء الزراعية، الموقع الرسمي للعتبة الحسينية. ٢٠٢٣/٥/٩. <https://imamhussain.org/2003>
- الشكري، علي حسين (٢٠١٦). دراسة في الحقوق و الحريات العامة. جامعة الكوفة: دار الاداب.
- المرعشي، حسن رضی (٢٠٢٢). لقاء اجراه الباحث مع ايه الله حسن رضي المرعشي. استاذ البحث الخارجي في حوزة النجف العلمية.
- الموسوي، حسين (٢٠٢٠). هكذا تحولت الصحراء الى ارض خضراء. الموقع الرسمي للعتبة الحسينية.
- الموقع الرسمي لجامعة الكفيل تمت زيارته في ٢٠٢٢/٢/٢١ <https://alkafeel.edu.iq>
- الموقع الرسمي لجامعة العميد تمت زيارته في ٢٠٢٢/٢/٢٨ <https://alameed.edu.iq>
- الموقع الرسمي لجامعة وارث تمت زيارته في ٢٠٢٢/٨/٣ <https://uowa.edu.iq>
- الموقع الرسمي لجامعة الزهراء تمت زيارته في ٢٠٢٢/٨/٥ <https://alzahraa.university>
- الموقع الرسمي لمستشفى زين العابدين تم زيارته في ٢٠٢٢/١٢/٤ <https://zainalabidenhospital.org>
- الموقع الرسمي لمستشفى الكفيل تمت زيارته في ٢٠٢٢/١٢/٢٦ <https://kh.iq>
- الموقع الرسمي لمستشفى السفير تمت زيارة الموقع في ٢٠٢٢/١٢/٤

<https://imamhussain.org/arabic/36529> ٢٠٢٢

- النظام الداخلي للعتبة العلوية، المقر بتاريخ ٢٠٠٦/٦/٩.
- النظام الداخلي للعتبة العلوية المقر في عام ٢٠٠٦.
- النظام الداخلي للعتبة الحسينية المقر في عام ٢٠٠٧.
- النظام الداخلي للعتبة الكاظمية المقر في عام ٢٠١٤.
- الوقائع العراقية، القانون رقم ١٩، دار الوثائق العراقية، ٢٠٠٥.
- الوقائع العراقية، القانون رقم ٤٢ لسنة ١٩٥٠، ص ٣٤.
- الوقائع العراقية، القانون رقم ٦٩ لسنة ١٩٦٩، ص ٧٠.
- الوقائع العراقية، القانون رقم ١٩ لسنة ٢٠٠٥، ص ٥٧.
- زيارة قام بها الباحث لمستشفى الكفيل في ٢٠٢٢/١٢/٢٦.
- زيارة ميدانية للمستشفى زين العابدين قام بها الباحث للمستشفى في ٢٠٢٢/١٢/٥.
- زيارة ميدانية قام بها الباحث لجامعة الكفيل في ٢٠٢٢/١٢/١٨.
- زيارة ميدانية قام بها الباحث و التقى بها بمدير ادارة التعليم الجامعي في العتبة الحسينية الدكتور حيدر النعمي في ٢٠٢٢/٨/٢٣.
- زيارة ميدانية قام بها الباحث و التقى بها برئيس قسم التربية و التعليم الجامعي في العتبة العباسية الدكتور عباس رشيد ٢٠٢٢/٨/٢٥.
- زيارة قام بها الباحث الى مطابع العتبة العباسية و الحسينية في ٢٠٢٢/٣/٢٠.
- عبدالهادي، قاسم (٢٠١٥). مدينة الامام الحسين الزراعية تجربة محلية ساهمت بتطوير الثروات الحيوانية و الزراعية في كربلاء.
- عواضة، حسن محمد (١٩٨٣). الادارة المحلية و تطبيقاتها في الدول العربية، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع. بيروت.
- فاضل، احمد (٢٠١٥). الحماية الدستورية لحرية ممارسة الشعائر الدينية في العراق. بيروت.
- مجله الباهر، ١٤٣٥، ص ٢-٤.
- مجلة المصباح، العدد الأول، ربيع ٢٠١٠/١٤٣١، صص ١-٩.
- مجلة دواة، العدد الثاني و السادس، محرم ١٤٣٦ / تشرين الثاني ٢٠١٤، و تشرين الثاني ٢٠١٦، ص ١-٢.
- مجلة السبب، العدد (١٠٢)، حزيران ٢٠١٥ و كانون الأول ٢٠١٥.

- مجلة المبین، العدد الأول، ١٤٣٧/٢٠١٦، صص ١-١١.
- مجلة العمید، العدد الاول، رمضان ١٤٣٣ / أيلول ٢٠١٢، صص ١-٥.
- مجلة العمید، العدد (١)، رمضان ١٤٣٣ / أيلول ٢٠١٢ / ٢٠١٦، صص ١-٦.
- مجلة تراث كربلاء، العدد (١،٢)، صفر ١٤٣٥-١٤٣٦ / اب ٢٠١٤، صص ١-٩.
- مجلة تراث الحلة، العدد الأول، شعبان ١٤٣٦ / حزيران ٢٠١٦، صص ١-٧.
- مجلة التسليم، العدد الأول، حزيران ٢٠١٥، صص ١-٨.

تاریخ و تُحَف حرم امیرالمؤمنین (ع) براساس کتاب مشهد الإمام علی فی النجف و ما به من الهدایا و التُّحَف نوشته سعاد ماهر

عبدالهادی جابری^۱

مصطفی گوهری فخرآباد^۲

چکیده

کتاب مشهد الإمام علی فی النجف و ما به من الهدایا و التُّحَف نوشته سعاد ماهر یک مطالعه تاریخی و باستان‌شناسی مفصل از حرم امام علی بن ابی‌طالب (ع) در نجف اشرف است. این کتاب چندین جنبه مهم را پوشش می‌دهد؛ از جمله یک مرور کلی بر شهر نجف را ارائه می‌دهد، تاریخ و جغرافیای آن را قبل و بعد از اسلام دنبال می‌کند و این مکان مقدس را در زمینه تاریخی و تمدنی خود قرار می‌دهد. در این کتاب تحولات حرم امام علی (ع) در طول اعصار دنبال می‌شود و بر تغییرات و پیشرفت‌هایی که در طول زمان اتفاق افتاده، تمرکز شده است. نویسنده کتاب یک توصیف معماری مفصل از حرم فعلی ارائه می‌دهد و به خواننده اجازه می‌دهد تا یک تصویر ذهنی واضح از طراحی و ساختار آن شکل دهد. همچنین، در این کتاب به‌طور خاص، روی هدایا و تُحَف نادر اهداشده به حرم در طول قرن‌ها به همراه توصیف و تحلیل دقیق هر قطعه همراه با عکس‌ها و تصاویر تمرکز شده است. نویسنده بر اهمیت معنوی عمیق حرم برای مسلمانان شیعه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هدایا و تُحَف گران‌بها احساسات عشق و فداکاری به امام علی و اهل بیت او را منعکس می‌کند.

کلمات کلیدی: حرم امام علی (ع)، هدایا و تُحَف، تاریخ نجف، معماری و هنر

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده

مستول) Hadi.aljabri1992@ gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

gohari-fa@um.ac.ir

**The history and tahif of the shrine of Amir al-Mu'minin
(a.s.) based on the book Mashhad al-Imam Ali fi al-Najaf and
we give me gifts and tahif written by Soad Maher**

Hadi ALJaberi¹, Mostafa Gohari Fakhrabad²

Abstract

The book Mashhad al-Imam Ali fi al-Najaf and what are the gifts and treasures given to him by Dr. Suad Maher is a detailed historical and archaeological study of the shrine of Imam Ali ibn Abi Talib (AS) in Najaf Ashraf. The book covers several important aspects, including an overview of the city of Najaf, tracing its history and geography before and after Islam, and placing this holy place in its historical and civilizational context. The book traces the development of the shrine of Imam Ali (AS) throughout the ages, focusing on the changes and developments it has witnessed over time. The book provides a detailed architectural description of the current shrine, allowing the reader to form a clear mental picture of its design and structure. The book focuses in particular on the rare gifts and treasures donated to the shrine over the centuries, with a detailed description and analysis of each piece, accompanied by photographs and illustrations. The book emphasizes the

1 Department of of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology, University Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad., Iran,(Corresponding Author) E-mail: Hadi.aljabri1992@ gmail.com

2 Department of of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology, University Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad., Iran, E-mail:gohari-fa@um.ac.ir

deep spiritual significance of the shrine for Shia Muslims and shows how precious gifts and offerings reflect feelings of love and devotion towards Imam Ali and his Ahl al-Bayt.

Keywords: Shrine of Imam Ali (AS), gifts and offerings, history of Najaf, architecture and art.

مقدمه

سعاد ماهر، نویسنده کتاب *الإمام علي في النجف و ما به من الهدايا و التَّحَف*، پژوهشگر سنی مصری است که ردپایی روشن در زمینه باستان‌شناسی و تاریخ اسلام از خود به جای گذاشته است. او تلاش‌های خود را وقف مطالعه مکان‌های باستانی مهم اسلامی به‌ویژه آنهایی که مربوط به اهل بیت است، کرده است. پژوهش‌های او با دقت و روش‌شناسی علمی متمایز شده است؛ زیرا او بر منابع تاریخی و شواهد مادی تکیه کرده که به آثار او اعتبار و ارزش علمی زیادی بخشیده است. اشتیاق او به این زمینه در کتابش که در آن آثار و تحف موجود در حرم امام علی بن ابی‌طالب (ع) در نجف اشرف بررسی شده است، آشکار می‌شود. این کتاب که حاصل یک پژوهش بی‌وقفه ده‌ساله است، علاقه عمیق او را به میراث اسلامی و نیز تمایل او را برای ارائه آن به جهان برجسته می‌کند. این اثر و دیگر آثار او به غنای منابع فرهنگی و هنری اسلامی کمک کرده است. گفتنی است که نویسنده به تقسیم‌بندی دقیق فصل‌ها پایبند نبوده است، بلکه ارائه‌ای منسجم و درهم تنیده از اطلاعات مربوط به امام علی (ع)، شهر و حرم او را ارائه کرده است. همچنین، با تمرکز ویژه روی تحف و هدایایی که در حرم نگهداری می‌شود، این کتاب سهم ارزشمندی در مطالعه تاریخ معماری اسلامی و هنر اسلامی دارد و مرجع مهمی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ شهر نجف اشرف و جایگاه مذهبی و فرهنگی آن است.

مروری کلی بر کتاب

کتاب مشهد الإمام علي في النجف و ما به من الهدايا و التَّحَف نوشته سعاد ماهر، یک مطالعه تاریخی و باستان‌شناسی عمیق از حرم امام علی بن ابی‌طالب (ع) در نجف اشرف است. این کتاب حاصل تلاش‌های طاقت‌فرسایی است که ده سال تحقیق و کاوش را دربر می‌گیرد (از سال 1958 آغاز شد). نویسنده در این مدت با همکاری گروهی از کارشناسان و مسئولان به بررسی و مستندسازی هدایا و تحف گران‌بهایی که در طول اعصار به حرم اهدا شده است، پرداخت.

اهمیت کتاب مذکور در این است که اولین مطالعه علمی جامع درباره حرم امام علی (ع) است. این کتاب نه تنها به توصیف هدایا و تحف محدود نمی‌شود، به تاریخ حرم و شهر نجف

اشرف از منظر جغرافیایی، تاریخی و تمدنی نیز می‌پردازد. همچنین، کتاب شامل یک مطالعه معماری مفصل از حرم است که درک عمیق‌تری از تحول آن در طول اعصار را برای خواننده فراهم می‌کند. ارزش این کتاب در اتخاذ یک روش علمی دقیق آشکار می‌شود. نویسنده براساس مجموعه‌ای گسترده از منابع و مراجع از جمله کتاب‌ها و نسخه‌های خطی تاریخی علاوه بر شهادت کارشناسان و فقها به تحقیق پرداخته است. همچنین، او بر مستندسازی هر قطعه اطلاعات و تحفه با عکس‌ها و تصاویر تأکید داشته است که اعتبار و ارزش علمی کتاب را افزایش می‌دهد.

این کتاب یک مرجع اساسی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ هنر و معماری اسلامی است؛ زیرا نگاهی بی‌نظیر به مجموعه‌ای نادر از تَحَف و هدایایی ارائه می‌دهد که ذوق و ظرافت تمدن اسلامی را در طول اعصار منعکس می‌کند. همچنین، نویسنده کتاب بر جایگاه امام علی در قلب مسلمانان و عشق و احترامی که برای او قائل هستند با هدایای ارزشمندی که به حرم او اهدا شده است، تأکید می‌کند.

کتاب به صورت سنتی تقسیم نشده است؛ اما هر باب را می‌توان به عنوان یک فصل در نظر گرفت. بر این اساس، فصل‌های کتاب عبارت است از:

باب اول: درباره امام علی (ع) (نام، کنیه، دوران کودکی، ویژگی‌ها، اسلام آوردن، فرهنگ، شعر، بلاغت، خلافت، و شهادت ایشان)؛

باب دوم: تاریخ شهر نجف اشرف؛

باب سوم: تاریخ حرم در طول اعصار؛

باب چهارم: توصیف معماری حرم فعلی، تَحَف و هدایا در حرم امام علی (ع).

در نهایت، نویسنده تَحَف و آثار موجود در حرم را بررسی و تحلیل کرده و برای هر نوع فصلی خاص اختصاص داده است. برای تکمیل اطلاعات هر تحفه با تصویر و نقاشی مستند شده است.

۱- تاریخچه حرم

۱-۱- اقدام‌های آل‌بویه در حرم امیرالمؤمنین (ع) (عمارت اول حرم مطهر)

به نوشته سعاد ماهر اهمیت نجف اشرف به عنوان یک شهر پس از آشکارشدن حرم مطهر و

پنهان ماندن طولانی مدت آن افزایش یافت؛ به طوری که عمارت‌ها و ساختمان‌ها در اطراف حرم شریف در سال (۱۷۰ هجری / ۷۶۸ م) شکل گرفتند. برخی از علویان و شیعیان خاص در نجف اشرف ساکن شدند و سپس محدوده شهر با افزایش ساختمان‌ها و عمارت‌ها گسترش یافت و سهم زیادی از آبادانی را به خود اختصاص داد؛ به طوری که قرن چهارم هجری به پایان نرسید. مگر اینکه در نجف هزار و نهصد نفر از سادات و علویان زندگی می‌کردند. این تعداد علاوه بر پیروان و شیعیان آنها بود و هنگامی که آل بویه به قدرت رسیدند، آنها اولین عمارت بزرگ را برای حرم شریف بنا کردند و در کنار آن مسجدها و خانه‌هایی را برای کسانی که در نزدیکی نجف اشرف زندگی می‌کردند، ساختند و برای آنها پول و هدایای گران‌بهای زیادی خرج و امنیت و ثبات را برای آنها فراهم کردند و به مردم آن با احترام و تکریم می‌نگریستند (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

عمارتی که عضدالدوله دیلمی بنا کرد، همان‌طور که جعفر آل محبوبه توصیف می‌کند، از زیباترین عمارت‌ها و از بهترین کارهایی است که دست انسان در آن زمان به آن رسیده است. او پول زیادی برای آن خرج کرد و معماران، نجاران و کارگران را از مناطق مختلف به آنجا آورد. هنگامی که عضدالدوله از حرم شریف بازدید کرد، درهم‌ها را بین ساکنان نجف توزیع و دوازده هزار درهم به صندوق اهدا کرد. عمارتی که آل بویه بنا کردند شامل یک ضریح مربع شکل بود که گنبدی بر فراز آن قرار داشت و یکی از درهای گنبد به مسجد باز می‌شد و سقفی پوشیده و چهار در نیز داشت. این توصیف مفصل و تا حد زیادی دقیق از حرم ما را به تاریخ معماری اسلامی بازمی‌گرداند تا بررسی کنیم که آیا ساخت گنبد روی مقبره‌ها در دوره آل بویه، یعنی در قرن چهارم هجری به‌ویژه در عراق رایج بوده است یا خیر (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۳۱). نجف در دوران جلایریان و ایلخانیان به درجه بزرگی از پیشرفت و شکوفایی تمدنی و اقتصادی در قرون هفتم و هشتم هجری رسید. آنها پول و تلاش زیادی را برای ساخت مدرسه‌ها، مسجدها و خانقاه‌ها صرف، نهرها را به‌سوی آن حفر و آذوقه و معاش ساکنان آن را تأمین کردند. همان‌گونه که آل بویه انجام داده بودند.

۲-۱- اقدام‌های خیریه مغولان در نجف اشرف

پس از حمله مغول به خلافت اسلامی مرحله جدیدی از تاریخ جهان اسلام آغاز شد. در تاریخ مغول آمده است که پس از مرگ هولاکو در سال ۱۲۶۵ میلادی پسرش اباقا جانشین او

در حکومت شد و مورخ علاءالدین برادر رشیدالدین وزیر هولاکو را به حکومت بغداد گماشت. در دوران او وضعیت اقتصادی در بغداد و عراق رونق یافت که این امر با پروژه‌های عمرانی بسیاری که او انجام داد، مانند حفر یک کانال جدید از رود فرات که از نجف اشرف و کوفه می‌گذرد، محقق شد. این کانال تا به امروز باقی مانده و شاخه غربی فعلی فرات است. پس از آن نجف اشرف دوره‌ها و وضعیت‌های متفاوتی را از نظر افزایش و کاهش جمعیت، مهاجرت به آن، سکونت در آن و ترک آن بسته به شرایط داشت (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

۳-۱- اقدام‌های خیریه صفویان در نجف اشرف در طی قرن‌های دهم و یازدهم هجری

در آغاز قرن دهم هجری شاه اسماعیل صفوی بغداد را تصرف کرد و بیشتر عراق تحت سلطه ایران قرار گرفت. سپس عراق به قلمرو سلطنت جدید شیعه وارد شد. شاه اسماعیل به سرعت برای زیارت اماکن مقدس آمد، از نجف بازدید و یکی از رودخانه‌های نزدیک آن را اصلاح کرد که به نام او نام‌گذاری شد و در آن زمان به رودخانه شاه معروف بود. این رودخانه همان رودی است که شاه اسماعیل دستور حفر آن را از فرات داد و آب آن را با یک کانال ویژه که در زیر زمین تا نجف امتداد داشت، به دلیل ارتفاع موقعیت آن از سطح رود فرات منتقل کرد. در این دوره که عراق تحت حاکمیت صفویان بود و دوره بین سال‌های (۱۵۰۷-۱۵۲۴ م) را در برمی‌گیرد، یک دوره رونق اقتصادی و آرامش نسبی بود؛ به طوری که بازرگانان ایرانی به شهرهای اماکن مقدس مانند بغداد، نجف اشرف و کربلای معلی سرازیر شدند. نفوذ مذهبی صفویان حتی قبایل سرکش را نیز به سوی آنها جذب کرد؛ اما این رشد اقتصادی دیری نپایید که در سال (۱۵۲۴ م) سلطان سلیمان قانونی عراق را از صفویان باز پس گرفت (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

عمارت هفتم که روی مشهد مطهر بنا شده و تا به امروز پابرجاست، تاریخ آن به شاه صفی، نوه شاه عباس اول (شاه عباس بزرگ) که توانست زمام حکومت در ایران را به دست بگیرد، بازمی‌گردد. دولت صفوی اولین سلسله‌ای است که در دوران آن مذهب شیعه به مذهب رسمی دولت از جمله عراق که بیشتر آن تحت سلطه ایران بود، تبدیل شد. می‌بینیم که حرم‌های ائمه (ع) مورد توجه، مراقبت و احترام صفویان شیعه و عثمانی‌های سنی مذهب بوده است و آثار معماری و تحف و نفایسی که در خزانه‌های آن حرم‌ها به ویژه حرم امام علی (ع) در نجف اشرف وجود دارد، بهترین گواه بر این مدعاست (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۷).

آب فرات به زمین نجف اشرف در زمان شاه صفی در سال (۱۰۴۲ هـ / ۱۶۱۵ م) آورده شد. هنگامی که او به زیارت قبه منوره و آن مرقد مطهر آمد، متوجه برخی نواقص در ساختمان حرم شد. پس به وزیرش میرزا تقی مازندرانی دستور داد تا آن مکان‌های شریف را تعمیر کند. او مهندسان و معماران را به نجف آورد و سال‌ها در آنجا مشغول این کار بودند و معدن سنگی با خلوص و کیفیت بسیار بالا در اطراف نجف یافتند و از آن به مقدار نیاز استفاده کردند. محمدحسین کتابدار نجفی نسب‌شناس در روایتی اشاره می‌کند که می‌گوید: «عمارت موجود در حال حاضر، یعنی در سال (۱۰۹۵ هـ / ۱۶۸۳ م)، عمارت سلطان مرحوم شاه صفی، یکی از سلاطین صفوی است. عمارتی عظیم و باشکوه، اما بیشتر آن به‌صورت نیمه‌کاره باقی مانده است» (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

اختلافی بین مورخان و مردم نجف وجود دارد که جعفر محبوبه نیز از نظر مردم حمایت می‌کند. آیا شاه عباس اول قبل از شاه صفی حرم را ساخته است؟ یا اینکه اشتباهی بین شاه عباس اول و شاه عباس دوم که گفته می‌شود عمارتی را که پدرش صفی آغاز کرده بود، تکمیل کرده، رخ داده است؟ پس از تحقیق و بررسی دقیق آشکار شد که دیوار بیرونی و آنچه در آن از رواق‌ها و ایوان‌ها در طبقه اول و طبقه دوم وجود دارد، به عمارت شاه صفی بازمی‌گردد و نه به شاه عباس دوم صفوی.

۴-۱- اقدام‌های خیریه نادرشاه در مشهد نجف اشرف

نادرشاه در اواسط قرن دوازدهم هجری در صحنه رویدادهای سیاسی عراق و ایران ظاهر شد و نجف اشرف در هر مناسبتی مورد توجه او بود. او چندین بار بین سال‌های ۱۷۳۱ - ۱۷۴۶ میلادی با دولت عثمانی درگیر جنگ شد و بغداد و موصل را برای مدت طولانی محاصره کرد. هدف او از این درگیری‌ها رسیدن و تسلط بر نجف و کربلا و به رسمیت شناختن مذهب جعفری به‌عنوان مذهب پنجم، علاوه‌بر چهار مذهب اهل سنت بود. او خواستار به رسمیت شناختن این مذهب و واگذاری نجف و کربلا به‌طور خاص از دولت عثمانی شد. او هدایایی را به اماکن مقدس در کربلا، نجف و سامرا تقدیم کرد و دستور داد تا گنبد، ایوان و مناره‌های نجف اشرف در سال ۱۷۴۲ میلادی طلاکاری شود که کار روی آنها تا سال ۱۷۴۳ میلادی به پایان نرسید. نادرشاه هزینه زیادی را صرف پوشش گنبد با طلا کرد و همسرش، گوهرشاد بیگم، دستور داد دیوار حرم را بازسازی کنند و صد هزار نادری برای آن هزینه کرد.

همچنین، او یک بخوردان مرصع با سنگ‌های قیمتی و یک ظرف از طلای خالص را برای سوزاندن بخور در روضه علویه اهدا کرد (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

در تاریخ نادری آمده است که نادرشاه به طلاکاری گنبد مبارک دستور داد و صفحات طلایی قرار داده شد و خادمان آستان ملوکیه به بهترین نحو از دستور او اطاعت کردند. پس به طلاکاری گنبد مطهر به بهترین نحو پرداختند و حساب آنچه را در این پروژه خرج شده بود، محاسبه کردند که به پنجاه هزار تومان رسید. هر تومان معادل ده هزار دینار و هر دینار شش درهم بود و این بدان معناست که هزینه طلاکاری گنبد از بیرون به ۵۰ میلیون دینار رسید. خوشبختانه، تاریخ این عمارت بزرگ هنوز روی نمای ایوان طلایی با حروف طلایی ثبت شده است که در آن آمده است: «الحمد لله، طلاکاری این گنبد منور و روضه مطهر توسط خاقان اعظم و سلطان سلاطین افخم، ابوالمظفر مؤید به تأیید ملک قاهر، سلطان نادر - خداوند ملک او را پایدار بدارد و سلطنت و نیکی و عدل و احسان او را بر جهانیان ارزانی دارد، انجام شد. خداوند دولتش را جاودانه بدارد. سال ۱۰۵۶ هـ» (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

۵-۱- درهای حرم امیرالمؤمنین (ع)

حرم شریف شش درب دارد. دو تا از آنها در سمت غربی، در نزدیکی سر امام علی (ع) قرار دارد؛ اما به رواقی که حرم را از سمت غرب احاطه کرده است، راه ندارد؛ زیرا پشت آنها یک پنجره از جنس برنج زرد قرار داده شده است. دو درب دیگر در سمت مقابل، یعنی شرقی قرار دارد و هر چهار در از نقره و طلا ساخته شده است. در سمت شمالی، درب پنجم از جنس برنج زرد است و درب ششم در سمت جنوبی قرار دارد. در سال ۱۳۶۶ هجری قمری/ ۱۹۴۶ میلادی دو درب سمت غربی برداشته شد و در سمت شمالی به جای در برنجی قرار گرفت.

در اول در وسط ایوان طلایی واقع شده و به رواقی که ضریح شریف را احاطه کرده است، منتهی می‌شود. این در هدیه‌ای از حاج محمدحسین خان اصفهانی، صدراعظم در سال ۱۲۱۹ هجری قمری / ۱۸۰۴ میلادی است. در سال ۱۳۷۳ هجری قمری/ ۱۹۵۳ میلادی این در با در دیگری از جنس طلای خالص و مرصع با سنگ‌های قیمتی جایگزین شد و تزئینات آن با میناکاری‌های رنگارنگ زیبا شده است. درحقیقت، ساخت چنین دری علاوه بر ارزش مادی آن نشان‌دهنده پیشرفت هنرهای کاربردی در ایران در عصر مدرن است؛ زیرا آن را می‌توان یک شاهکار از هنرهای تزئینی و کاربردی در قرن بیستم دانست (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۶۶-۱۶۷).

لطفعلی خان زند دو درب دوم و سوم واقع در سمت شرقی را در سمت راست به حرم اهدا کرد. روی آن نوشته شده است: «الا بامر الله عز و جل، پس به سجده وارد در شوید». همچنین، روی دو لنگه در ابیاتی از شعر نوشته شده است؛ اما درب سوم که در سمت چپ در قسمت شرقی قرار دارد، ناصرالدین شاه قاجار در سال (۱۲۸۷ هـ / ۱۸۷۰ م) به حرم شریف اهدا کرد. دو درب دوم و سوم برداشته و با دو درب طلایی در سال ۱۳۷۶ هجری قمری / ۱۹۵۶ میلادی جایگزین شد. حاج محمد تقی اتفاق تهرانی هزینه این کار را پرداخت. در بالای یکی از درب‌ها این متن نوشته شده است: «پیامبر خدا (ص) فرمود: من شهر دانش هستم و علی درب آن است» حق با علی و علی با حق است. دوست داشتن علی سپر است. او تقسیم‌کننده جهنم و بهشت است. همچنین، روی قابی که هر دو درب را احاطه کرده است، ابیاتی از شعر فارسی همراه با تاریخ نوشته شده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

۵-۱-۱- درب بزرگ

این درب در ضلع شرقی دیوار حرم واقع شده و درب اصلی ورودی به روضه حیدریه است. این درب روبه‌روی بازار معروف نجف که به بازار بزرگ نیز شهرت دارد، قرار گرفته و هم‌سطح خیابان است و برای ورود به صحن حرم نیازی به بالا رفتن از پله نیست. در مقابل این ورودی فضایی وسیع وجود دارد که از دو طرف با ستون‌های پشتیبان احاطه شده و حدود ۱/۳۰ متر از بازار خارجی بیرون زده است. درب شرقی، معروف به درب بزرگ، یک سند تاریخی مهم است که می‌توان برای شناخت تعمیرات و بازسازی‌های انجام‌شده در حرم پس از اوایل دوره صفویه به آن اعتماد کرد. در نمای داخلی درب و روی ستون سمت چپ آن کاشی‌هایی با نوشته‌های قرآنی به رنگ زرد روی زمینه آبی تیره وجود دارد که تاریخ ۱۱۹۸ هجری قمری / ۱۷۸۳ میلادی را نشان می‌دهد. در انتهای نوشته نام خطاط (محمدرضا) حک شده است. در زیر این کاشی‌های حاوی نوشته‌های قرآنی کاشی‌های دیگری وجود دارد که در سبک تزئین و شیوه خط با آنها متفاوت است. نوشته‌ها در اینجا به رنگ سفید روی زمینه آبی و زرد و شامل احادیث نبوی و برخی از سخنان امام علی (ع) و حکمت‌های معروف ایشان است که تاریخ ۱۲۳۴ هجری قمری / ۱۸۱۸ میلادی را نشان می‌دهد. سپس نام کسی که این تعمیر و اضافه را انجام داده و هزینه آن را پرداخت کرده است، یعنی حاج عبدالحسین بهادرخان ذکر شده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۳).

روی درب شرقی ساعتی وجود دارد که وزیر ایرانی، امین السلطان، در سال ۱۳۰۵ هجری قمری/ ۱۸۸۷ میلادی دستور ارسال آن را داده است. این تاریخ به صورت حروف ابجد در شعری که در وصف ساعت سروده شده، ذکر شده است. یکی از ثروتمندان تبریز در سال ۱۳۲۳ هجری قمری/ ۱۹۰۵ میلادی چهار گوشه ساعت و گنبد بالای آن را با کاشی‌های از جنس طلای خالص تزئین کرده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

۲-۵-۱- درب مسلم بن عقیل

این درب در ضلع شرقی دیوار بیرونی و در سمت راست درب بزرگ شرقی (نسبت به کسی که وارد صحن حرم می‌شود) قرار دارد. این درب یکی از درب‌های اصلی نیست و امروزه به نام درب مسلم بن عقیل شناخته می‌شود. کسی که از این درب خارج می‌شود، به محله خیاط‌ها (قیسریه) می‌رسد. در اسناد قدیمی آمده است که این قیسریه جایگزین مهمان‌خانه‌ای شده است که در دوره صفویه ساخته شده بود و به نام «شیلان» شناخته می‌شد. هنگامی که ساختمان‌های آن فرسوده شد، ملا یوسف آن را در سال ۱۲۵۲ هجری قمری/ ۱۸۳۶ میلادی از شیخ صاحب خریداری و آن را به یک قیسریه تبدیل و این درب را برای آن باز کرد. در گذشته، در محل این درب یک سقاخانه وجود داشت. امروزه مردم نجف این درب را به نام درب مسلم بن عقیل می‌شناسند؛ اما نویسندگان در منابع قدیمی یا جدید هیچ مبنایی را برای این نام‌گذاری پیدا نکرده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

۶-۱- ساختمان‌های معروف و مجاور دیوار حرم از سمت بیرونی

۱-۶-۱- مسجد عمران بن شاهین

این مسجد قدیمی‌ترین مسجد نجف است که در قرن چهارم هجری ساخته شده است. گفته می‌شود دلیل ساخت آن این بوده است که عمران بن شاهین علیه سلطان عضدالدوله شورش و لشکرکشی کرد؛ اما عضدالدوله به سرعت شورش او را سرکوب کرد و بر او و قلمروش (بطائح) تسلط یافت. در آن زمان عمران نذر کرد که اگر سلطان او را ببخشد، رواقی در نجف بسازد. او از فرصت زیارت عضدالدوله از حرم علوی استفاده کرد و خود را به او رساند و از او طلب

بخشش کرد. عمران به نذرش وفا کرد و دو رواق در نجف و کربلا ساخت. آن رواق در نزدیکی ضلع شمالی حرم علوی قرار داشت و وسعت آن به اندازه امروزی نبود. هنگامی که شاه عباس اول صحن و روضه شریف را ساخت، بخشی از رواق این مسجد را تخریب و آن را به صحن اضافه کرد. سپس شاه صفی خانه‌های مجاور صحن را از دو ضلع شرقی و جنوبی تخریب و آنها را به صحن اضافه کرد و به این ترتیب، صحن از سه طرف گسترش یافت و ساختمان امروزی شکل گرفت. جعفر محبوبه به آنچه در کتاب *ماضی النجف و حاضرها* آمده است، اشاره می‌کند و می‌گوید که در منابع قدیمی ذکر نشده که عمران مسجدی ساخته است، بلکه تقریباً همه آنها بر این باور هستند که او رواقی ساخته است و به کتیبه یادبودی که هنوز روی درب مسجد در دالان درب طوسی نصب شده است، استناد می‌کند (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

۲-۶-۱- مسجد الرأس

این مسجد در ضلع غربی دیوار بیرونی حرم واقع شده است. پیش از این ذکر شد که تاریخ ساخت آن قبل از بازسازی فعلی به دوران ایلخانیان بازمی‌گردد. همان‌طور که محراب قدیمی ساخته شده از کاشی‌های لعابدار با درخشش فلزی نشان می‌دهد. ساختمان فعلی مسجد چندین بار بازسازی و مرمت شده است. یک‌بار در زمان شاه عباس اول و آخرین بار در زمان سلطان نادرشاه، زمانی که او گنبد و دو مناره حرم علوی را در سال ۱۱۵۶ هجری قمری / ۱۷۴۳ میلادی بازسازی کرد. در کتاب *تاریخ نادری* آمده است که رضیه سلطان بیگم، دختر خاقان مرحوم شاه سلطان حسین، بیست هزار نادری برای ساخت مسجد جامعی که در کنار سر مبارک (حرم امام علی) قرار دارد، اهدا کرد (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

۳-۶-۱- ایوان العلما

این ایوان در ضلع شمالی دیوار بیرونی حرم واقع شده است و به دلیل تعداد زیاد علمایی که در آن دفن شده‌اند، به این نام شناخته می‌شود. در گذشته به نام «مقام العلما» معروف بود؛ زیرا شیعیان پارسا و پرهیزگار مشتاق بودند که در نجف اشرف دفن شوند و چه بهتر که این دفن در کنار حرم مطهر علوی باشد. این ایوان در چارچوب بازسازی بزرگی که در دوره صفویه برای حرم علوی انجام شد، بازسازی و سپس چندین بار مرمت شد که مهم‌ترین آنها بازسازی سلطان نادرشاه بود که آثار آن هنوز در حرم باقی مانده است. کاشی‌های لعابدار این ایوان یک سند

تاریخی مهم است؛ زیرا علاوه بر اینکه تاریخ بازسازی را در خود دارد، شامل شعری نیز است که نام همه امامان را دربرمی‌گیرد و با نام نویسنده آن، کمال‌الدین حسین گلستان و تاریخ آن، سال ۱۱۶۰ هجری قمری/ ۱۷۴۷ میلادی امضا شده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

۴-۶-۱- صحن حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام

پس از دیوار بیرونی صحنی قرار دارد که ضریح شریف را از تمام جهات احاطه کرده است. به‌جزه ضلع غربی که سایبان بلندی با یک طاق نیم‌دایره بزرگ در وسط آن را می‌پوشاند. پیشتر دربی در این سایبان وجود داشت که به رواق باز می‌شد؛ اما اکنون این درب برداشته و جای آن بسته شده است. صحن بسیار وسیع و مساحت آن حدود هشت هزار متر مربع است. کف صحن در گذشته بسیار پایین‌تر از سطح فعلی بود. همچنین، پر از قبرها و محراب‌هایی بود که به‌وضوح روی زمین دیده می‌شد؛ به طوری که راه‌رفتن در بسیاری از قسمت‌های آن دشوار بود. کف صحن حرم تا اوایل قرن سیزدهم هجری (سال ۱۲۰۶ هـ/ ۱۷۹۱ م) به همین شکل باقی ماند تا اینکه زمین آن هموار و سرداب‌هایی حفر شد که بسیاری از قبرها به آنجا منتقل شد. سپس کف با کاشی‌های مرمر پوشانده شد. تاریخ بازسازی صحن در یک قصیده عربی و یک قصیده فارسی که روی کاشی‌های لعابدار نوشته، ثبت شده است. این کاشی‌ها هنوز دو طرف درب بزرگ شرقی را می‌پوشاند. همچنین، نام مرد خیری که هزینه این کار خیر را پرداخت و هزینه‌های بازسازی را برعهده گرفت، یعنی «میر خیرالله ایرانی» در قصیده عربی آمده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

جزی «میر خیر الله» خیراً إلهه	کما جل فی الدارین منه جزاؤه
فقد کان تعظیم الشعائر دأبه	وفی کل ما یرضی الإله اعتناؤه
توعر حیناً صحن روضة حیدر	فسواه سهلاً للمشاة فناؤه

۶-۱-۵- ضریح

ساختمان ضریح شریف تقریباً در وسط صحن قرار دارد که ساختمانی مربع شکل و قبر شریف را احاطه کرده و به نام «روضه مقدس» است. طول هر ضلع آن سیزده متر است. بر فراز

ساختمان مربع شکل ضریح دو گنبد قرار دارد. یکی از آنها گنبد بیرونی است که بیضی شکل و نوک تیز، ضخامت دیوارهای آن ۸۰ سانتی متر، ارتفاع آن از سطح ضریح ۴۲ متر، قطر آن ۱۶ متر و محیط آن ۵۰ متر است. گنبد داخلی تقریباً دایره ای شکل، ضخامت دیوارهای آن ۶۰ سانتی متر، قطر آن ۱۲ متر و ارتفاع آن از سطح ضریح ۳۵ متر است. در ساخت هر دو گنبد از آجر استفاده شده است و گفته می شود که تعداد آجرهای به کار رفته به ۱۳ هزار عدد می رسد. همچنین، از اسطراب برای تعیین ارتفاع گنبدها در سال ۱۳۶۷ هجری قمری/ ۱۹۴۷ میلادی توسط شیخ مرتضی گیلانی استفاده شده است.

مهندس مصری محمد مدبولی خضر درباره ساختمان گنبدهای داخلی و خارجی می گوید که آنها با رباط هایی از جنس چوب در بخش های مختلف و با فاصله از یکدیگر بهم متصل شده است. همچنین، این رباط های چوبی با استفاده از گچ به ساختمان ها متصل شده است. بدون اینکه عایقی برای محافظت چوب از پوسیدگی وجود داشته باشد. گنبد روی گردنی بلند به ارتفاع ۱۲ متر قرار دارد که در آن دوازده پنجره برای نورگیری و تهویه ضریح تعبیه شده است. گنبد به نوبه خود روی چهار طاق استوار است: ناحیه انتقال از مربع به دایره که گردن روی آن قرار دارد و از سه مقرنس تشکیل شده است: مقرنس میانی که در گوشه مربع قرار دارد، قاعده آن به سمت پایین و رأس آن به سمت بالاست؛ درحالی که قاعده دو مقرنس کناری که در گوشه های طاق های کناری قرار دارد، به سمت بالا و رأس آنها به سمت پایین است. چنین سبکی در معماری اسلامی تا قرن دهم هجری دیده نشده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

تزئین بناها با آینه از نوآوری های هنر آریانی در اواخر قرن هجدهم میلادی است که تا قرن بیستم ادامه یافت. گفته می شود که شاه ایران، محمدرضا پهلوی، دستور تزئین گردن ضریح مطهر با آینه را داده و هزینه آن حدود ۱۲ هزار دینار بوده است. طرح آینه ها را هنرمند ایرانی، حسین کیانفر، طراحی کرده و معمار ایرانی، حاج سعید، آن را اجرا کرده است. تاریخ این آینه ها در دو بیت شعر که در کنار آینه ها به زبان فارسی و با امضای محمدرضا پهلوی نوشته شده، ثبت شده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

کاری نه سرای شهریاری کردم

گرد حرمت آینه کاری کردم

در بیش رخت آینه داری کردم

تا جلوه حق ببینم از طلعت تو

قبر شریف در وسط گنبد قرار دارد که روی آن صندوقی از جنس چوب ساج هندی قرار داده شده که با صدف، عاج، آبنوس و انواع دیگری از چوب‌های رنگارنگ تزئین و به یک اثر هنری نفیس تبدیل شده است. همچنین، روی صندوق نوشته‌های عربی متنوعی با سبک‌های مختلف حکاکی شده است. در بالای صندوق نواری پهن با خط ثلث وجود دارد که شامل سوره دهر به‌طور کامل است که سی و یک آیه دارد. پس از آن، نوشته‌هایی با خط کوفی گلداز روی زمینه برگدار وجود دارد که شامل احادیث نبوی به‌ویژه آنهایی که درباره امام علی (ع) و فرزندان ایشان از امامان (ع) گفته شده، است. در پایین صندوق نواری با خط فارسی و نستعلیق وجود دارد که در آن نام سازنده، خطاط و اهداکننده ذکر شده است و متن آن به شرح زیر است: «توفیق یافت و موفق شد به اتمام این صندوق عالی، خالصانه برای رضای خداوند متعال و اخلاص به ولی او و اولیای او، سگ آستان علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام، محمد بن جعفر بن محمد صادق زند، خداوند تأییدش را مستدام بدارد، در سال ۱۲۰۲ هجری قمری/ ۱۷۸۷ میلادی» و در انتهای این متن آمده است: «بنده خاکسار محمد نجار شیرازی و آن را نوشت محمد بن علاءالدین محمد حسنی در سال ۱۱۹۸ هجری قمری/ ۱۷۸۳ میلادی» (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

۶-۶-۱- مناره‌ها

از جمله بخش‌های مهم و برجسته در حرم امام علی (ع) دو مناره در دو طرف ایوان طارمه است که درمقابل رواق شرقی روضه شریف قرار دارد. ارتفاع ایوانی که درمقابل ضریح قرار دارد، از سطح صحن حدود ۳۳ متر و عرض آن ۲۰ متر است. در دو طرف این ایوان پایه‌های دو مناره قرار دارد که به شکل چندضلعی و محیط هرکدام هشت متر است. ارتفاع مناره ۳۵ متر و قطر آن دو و نیم متر است. گفته می‌شود که هر مناره با چهار هزار صفحه از طلای خالص به اندازه آجر پوشیده شده است. اگرچه تاریخ ساخت مناره‌ها به‌طور دقیق مشخص نیست، بدون شک از سبک صفوی است؛ یعنی به دوران شاه عباس بازمی‌گردد؛ بنابراین بخشی از ساختار اصلی بناست. مناره‌ها از جمله بخش‌هایی بود که در بازسازی سلطان نادرشاه در سال ۱۱۵۶ هجری قمری / ۱۷۴۷ میلادی به آنها توجه شد. یکی از کارهایی که او هنگام زیارت نجف انجام داد، دستور برداشتن کاشی‌هایی بود که گنبد، مناره‌ها و ایوان را می‌پوشاند و جایگزینی آنها با صفحات و کاشی‌هایی از جنس طلای خالص بود. او برای این کار هزینه‌های

هنگفتی صرف کرد؛ به طوری که ضرب المثلی درباره اسراف او ساخته شد: «تبذیر نادرشاه در نجف» در سال ۱۲۳۶ هجری قمری / ۱۸۲۰ میلادی ترک و انحرافی در برخی از قسمت‌های مناره‌ها ایجاد شد و برخی از صفحات طلایی سقوط کرد؛ بنابراین محمدحسین خان اصفهانی، وزیر فتحعلی شاه، دستور تعمیر آنها را داد (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

۲- آثار و هدایای ارزشمند در حرم امام علی (ع)

قدیمی‌ترین این هدایا و یادگارها به قرن چهارم هجری، یعنی دوران آل بویه، بازمی‌گردد. عضدالدوله دیلمی در سال ۳۶۵ هجری قمری / ۹۷۵ میلادی پوششی را برای قبر امیرالمؤمنین اهدا کرد که با وجود پیشرفت‌های ماشینی در قرن بیستم هنوز هم یک شاهکار هنری درزمینه بافندگی، گلدوزی و تزئین است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

۲-۱- قندیل‌های طلایی

۲-۱-۱- چهار قندیل طلایی

ارتفاع هرکدام ۳۲ سانتی‌متر و قطر هرکدام ۴۸ سانتی‌متر، قطر پایه ۳۱ سانتی‌متر و قطر سر آن ۲۷ سانتی‌متر است. هر قندیل شش طغرا دارد که به آن «طرّه» نیز می‌گویند. هر طغرا شامل هشت سنگ قیمتی است که در وسط آن یک زمرد قرار دارد و هر طغرا با یک گل مینا که با یک زمرد بزرگ تزئین شده و دوازده یاقوت آن را احاطه کرده، آراسته شده است. بالای هر طغرا سه مروارید به همراه دوازده زمرد سبز قرار دارد. سر و پایه قندیل با جواهرهای نادری که عقل را متحیر می‌کند، تزئین شده و سلطان حسین صفوی نیز اهدا کرده است. همچنین، قندیل‌های طلایی دیگری وجود دارد که با سنگ‌های قیمتی متنوع و با اندازه‌های مختلف تزئین شده و زینب بیگم، دختر شاه طهماسب صفوی دوم، در سال ۱۲۰۸ هجری قمری / ۱۷۹۳ میلادی اهدا کرده است. ارتفاع آنها ۵۸ سانتی‌متر، محیط میانی ۱۰۰ سانتی‌متر، محیط گنبد کوچک بالایی ۲۸ سانتی‌متر، محیط گنبد بزرگ ۴۸ سانتی‌متر و محیط پایه پایینی ۴۴ سانتی‌متر و وزن آنها ۱۴۳۲ مثقال طلای خالص است (ماهر، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

۲-۱-۲- بخوردان طلایی

نادرشاه در سال ۱۱۵۶ هجری قمری/ ۱۷۴۳ میلادی اهدا است. این بخوردان هشت ضلعی است و یک سرپوش کروی مشبک دارد که با سنگ‌های قیمتی مختلف تزئین شده است. هر مربع بخوردان قابی از ده سنگ الماس، چهار سنگ زمرد و یک سنگ یاقوت بزرگ دارد که مجموعه‌ای از الماس‌ها آن را احاطه کرده است. این بخوردان یک شاهکار هنری که وزن آن ۵، ۱۴۶۹ مثقال است.

۲-۱-۳- قندیل طلایی کوچک

این قندیل با سنگ‌های قیمتی تزئین شده و یکی از همسران شاه عباس صفوی به همراه چندین قندیل طلایی دیگر که آنها نیز با سنگ‌های قیمتی تزئین شده، اهدا کرده است.

۲-۱-۴- قندیل

این قندیل مشبک و شش ضلعی و با سنگ‌های قیمتی تزئین شده است. سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۲ هجری قمری/ ۱۷۰۰ میلادی این قندیل را اهدا کرده است.

۲-۱-۵- گردنبند طلایی

این گردنبند که به شکل مدال و با مینای سبز تزئین شده است، سه سنگ یاقوت بزرگ دارد که در وسط آنها یک الماس بزرگ شش ضلعی قرار دارد. در پایین آن یک لوح نیم‌دایره‌ای از مینای آبی وجود دارد که روی آن نوشته شده است: «بنده شاه ولایت سلطان حسین، سال ۱۱۱۲ هـ» و در پایین آن عبارت «بالله المحمود» حک شده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

۲-۱-۶- بازوبند حرز

پنج سنگ قیمتی دارد که نادرشاه اهدا کرده است. یک الماس سفید بزرگ بیضی شکل، یک الماس به رنگ سرخ، یک زمرد آبی و یک یاقوت قرمز نیز در آن قرار دارد (ماهر، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

۷-۱-۲- دو جفت پرده مخمل

این پرده‌ها قلاب‌دوزی و با مروارید گلدوزی و حاشیه‌های آنها با ابیاتی از شعر فارسی تزئین شده است. ناصرالدین شاه قاجار و مادرش این پرده‌ها را اهدا کرده‌اند. همچنین، این پرده‌ها با برخی سنگ‌های قیمتی و در پایین هرکدام با نشان ملی ایران تزئین شده است. در وسط آنها عبارت «لا فتی الا علی» نوشته و علاوه بر این، با نخ‌های نقره‌ای نیز تزئین شده است. این پرده‌ها یک شاهکار هنری است. به‌خصوص اینکه با دست (نه با ماشین) دوخته شده است.

۸-۱-۲- یک فرش (قالی)

طول آن ۳/۹۰ متر و عرض آن ۱/۸۱ متر است. رنگ آن زرد و زمینه آن نقره‌ای است. این فرش در ایران ساخته شده است و سه مربع دارد که در آنها سه محراب قرار دارد و روی آنها نوشته شده است: «عباس، سگ این آستان، وقف‌کننده است». چهار طرف آن طرح درخت و بوته دارد که شاه عباس صفوی بزرگ اهدا کرده است. فرش‌های شاه عباس از گران‌ترین فرش‌های جهان و ارزش هرکدام حدود یک میلیون دینار است.

۹-۱-۲- هشت قطعه فرش نفیس ایرانی

ویژگی‌های آنها با فرش قبلی تفاوتی ندارد و شاه عباس صفوی اهدا کرده است. این فرش‌ها در اندازه‌های مختلف و با زمینه زرد تیره و روشن است و با گل‌های رنگارنگ و دایره‌های شش‌ضلعی در وسط، زمینه طرح‌دار و درخت و بوته با رنگ‌های مختلف تزئین شده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

۱۰-۱-۲- تاج طلایی

درون فانوس نقره‌ای شامل دوازده گل رز است. در هرکدام شش قطعه الماس یک زمرد بزرگ را دربرگرفته است و دو زمرد بزرگ در یک طرف بالا و پایین زیر پر قرار دارد. این تاج متعلق به یکی از پادشاهان بوده است و عمامه‌ای که بر فراز تاج طلایی قرار دارد با مرواریدهایی تزئین شده که شاهدخت «تاج النساء بیگم» در سال ۱۲۸۷ هجری قمری/۱۸۷۰ میلادی اهدا کرده است.

۱۱-۱-۲- خنجر فارسی

طول آن چهل سانتی متر است. روی تیغه نوشته شده «وقف شاه تهماسب حاکم لرستان در سال ۱۲۶۹ هجری». روی دسته یک یاقوت بزرگ و در دو طرف آن دو زمرد سبز روی یک قطعه طلا قرار دارد. همچنین، دو سکه طلا وجود دارد و غلاف با طلا حکاکی شده است و بر آن تصاویر فارسی وجود دارد.

۱۲-۱-۲- تاج طلایی

در وسط آن یک سنگ لعل مستطیل شکل قرار دارد و قطر دایره پایین تاج ۹ سانتی متر و ارتفاع آن ۳۰ سانتی متر است. این تاج به طور کامل با الماس هایی در اندازه های مختلف و زمرد های کوچک تزئین شده و در پایین آن ۱۴ مروارید آویزان است. در انتهای آن چهار زمرد و یک لعل آویزان است که ناصرالدین شاه قاجار اهدا کرده است. این تاج درون یک جعبه میناکاری شده با طلا قرار دارد و تاریخ آن به سال ۱۲۷۲ هجری قمری/ ۱۸۵۵ میلادی بازمی گردد (ماهر، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

۱۳-۱-۲- تاج ایرانی کوچک

این تاج با الماس تزئین شده و در زیر آن اشعاری به زبان فارسی نوشته شده است. این تاج در یک جعبه نقره ای قرار دارد.

۱۴-۱-۲- قرآن کریم

شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۱ هجری قمری/ ۱۵۱۵ میلادی این قرآن مزین و طلاکاری شده را اهدا کرده است (ماهر، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

۲-۱-۱۵- جامه عضدالدوله آل بویه

این جامه از جنس ابریشم و دیبای زربفت و از مهم ترین آثار موجود در حرم مطهر است. این جامه نمادی از هنر گلدوزی است و روی صندوق قدیمی که پادشاه عضدالدوله آل بویه اهدا کرده بود، قرار می گرفت (ماهر، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

نتیجه‌گیری

سعاد ماهر نویسنده فقید مصری که در حدود ۶۰ سال پیش از نجف اشرف و مرقد مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) دیدن کرد، با توجه به دانش وسیع خود در زمینه تاریخ و باستان‌شناسی شروع به یک توصیف عمیق و گسترده از شهر نجف به‌خصوص حرم حضرت امیرالمؤمنین (ع) کرد. اهمیت کتاب بدان سبب است که طی این مدت بازسازی‌های متعددی در حرم امام علی (ع) انجام و شکل قدیمی تزئینات حرم بسیار عوض شده است؛ از این رو کتاب حاضر یکی از بهترین منابع برای آگاهی از وضعیت قدیم حرم است. به‌ویژه آنکه تصاویری متعددی از حرم همراه با توصیف‌های دقیق نویسنده است؛ از این رو به نظر می‌رسد ترجمه کتاب به زبان فارسی می‌تواند جای خالی پژوهش‌های فارسی را درباره وضعیت قدیم حرم امام پر کند.

منابع

- ماهر، سعاد (۱۳۸۸). مشهد الإمام علي في النجف و ما به من الهدايا و التحف. قاهره: دارالمعارف.

اهمیت خاطرات در مستندسازی حضور ایرانیان در عتبات عالیات: مورد مطالعه: خاطرات آیت‌الله آقاجانی قوچانی

ابوالفضل حسن‌آبادی^۱

چکیده

دوره قاجاریه رستاخیز نگارش کتاب‌های خاطرات در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که کتاب‌های زیادی مانند خاطرات حاج سیاح، خاطرات عین‌الدوله، خاطرات اعتمادالسلطنه در این دوره نوشته شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی خاطرات آقا نجفی قوچانی در کتاب سیاحت شرق در دوره قاجاریه است که با طرح موضوع‌هایی درباره تعریف خاطره‌نگاری و انواع آن، سفرنامه‌های نگاشته‌شده ایرانیان درباره عتبات عالیات و جنبه‌های مختلف ارزش خاطرات کتاب سیاحت شرق تلاش می‌شود تا با نگاه ویژه به دوران اقامت بیست‌ساله او در عراق موضوع‌هایی مانند وضعیت معیشتی طلاب، تیپ‌شناسی شخصیت طلاب ایرانی در عراق، مراجع تقلید در نجف، روابط درون‌گروهی ایرانیان، اقدام‌های علمی و فرهنگی، وقایع مختلف مانند مشروطه، جنگ جهانی اول و رقابت حکومت‌های بزرگ در منطقه بررسی شود. روش پژوهش توصیفی و کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان داد که خاطرات آقا نجفی قوچانی از معدود خاطرات ایرانیان است که با بینشی عمیق به جزئیات زندگی ایرانیان در عراق و به‌خصوص نجف اشرف پرداخته است. حضور ایشان به‌عنوان طلبه در نجف، ازدواج با ساکنان بومی، قلم دقیق و در عین حال انتقادی، علاقه‌مندی به مسائل سیاسی و اجتماعی و روابط نزدیکی با آخوند خراسانی باعث شده تا محتوای گردآوری‌شده اهمیت زیادی در مستندسازی جایگاه ایرانیان در عتبات به‌ویژه نجف داشته باشد.

کلمات کلیدی: آقاجانی قوچانی، خاطره‌نگاری، نجف اشرف، عراق، قاجاریه

The Importance of Memories in Documenting the Presence of Iranians in the Holy Shrines (Case Study: Memories of Ayatollah Agha Najafi Quchani)

Abolfazl Hassanabadi¹

Abstract

The Qajar period was the renaissance of writing memoirs in various political, social, and cultural fields, and many books such as the memoirs of Haj Sayyah, the memoirs of Ain al-Dawla, and the memoirs of Etemad al-Saltaneh were written during this period. The purpose of this article is to address the memoirs of Agha Najafi Ghochani in the book "Traveling to the East" during the Qajar period, and to raise issues about the definition of memoir writing and its types, travelogues written by Iranians about the holy shrines, and various aspects of the value of the memoirs. An attempt is made to examine, with a special focus on his twenty-year stay in Iraq, issues such as the living conditions of the students, the personality typology of Iranian students in Iraq, references to imitation in Najaf, intra-group relations among Iranians, scientific and cultural activities, various events such as the Constitutional Treaty, World War I, and the competition between major governments in the region. The research method is descriptive and library. The research findings show that the memoirs of Agha Najafi Quchani are among the few Iranian memoirs that have dealt with the details of Iranian life in Iraq, especially Najaf Ashraf, with deep insight. His presence as a student in Najaf, his marriage to local residents, his precise yet critical writing

1 - Expert at the Islamic Research Foundation, Responsible
Author: ahasanabady1@yahoo.com

style, his interest in political and social issues, and his close relationship with the Khorasani cleric have made the collected content of great importance in documenting the position of Iranians in the holy places, especially Najaf.

Keywords: Aqanjefi Ghochani, Memoirs, Najaf Ashraf, Iraq, Qajar Dynasty

مقدمه

خاطره‌نویسی، سنتی دیرینه در میان ایرانیان است و سابقه آن را به قبل از اسلام می‌رسد. افراد با انگیزه‌های مختلفی مانند ثبت شرح حال و مستندسازی نقش خود در وقایع و حوادث و علاقه‌مندی به باقی‌ماندن اطلاعات اقدام به نگارش اثر در قالب‌های مختلف کرده‌اند. در دوره قاجاریه به خاطره‌نگاری، وقایع‌نگاری روزانه و تمایل به بازگویی واقعیت‌های شخصی به دلیل رویارویی ایرانیان با غرب و آشنایی با فرهنگ و ادب اروپایی‌ها توجه ویژه‌ای شد. آفانجفی قوچانی از شخصیت‌های تأثیرگذار خراسان در اوایل دوره پهلوی است که ابعاد شخصیتش از جنبه‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی درخور بررسی است. بیشتر شناخت ما از او و اقدام‌هایش برگرفته از سیاحت شرق و غرب است. چنانچه بینش سیاسی او را در کتاب *برگی از تاریخ معاصر ایران* و بخشی از کتاب *سیاحت شرق و بینش مذهبی* را از کتاب *سیاحت غرب، شرح دعای صباح* و بخشی از کتاب *سیاحت شرق* می‌توان بررسی کرد. او در شمار اولین روحانیونی است که خاطرات خود را در دوره قاجاریه در زمینه تحصیل و عتبات عالیات تألیف کرده و یکی از بهترین آثار را در زمینه سیاحت ارواح در آخرت در قالب سیاحت غرب نوشته است. همچنین، او اولین و تنها شاگرد آخوند خراسانی است که اقدام به جمع‌آوری تلگرافات مربوط به آخوند کرده و یک منبع مهم پژوهشی از خود به یادگار گذاشته است.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که درباره جایگاه و تأثیر ایرانیان بر عتبات پژوهش‌های موردی مختلفی مانند دادفر (۱۳۸۹) *تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات؛ نورائی و معینی* (۱۳۹۶) *بررسی مسائل و مشکلات زوار ایرانی در زیارت عتبات عالیات در فاصله سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ق*؛ حاجیان‌پور و شجاعی نسب (۱۴۰۰) *عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی از آغاز دوره قاجار تا پایان عصر ناصری* (۱۲۱۰-۱۳۱۲ ق) - (۱۷۹۵-۱۸۹۶ م)؛ شهسواری (۱۴۰۰) *بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت اجتماعی اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات: ازدواج و خدمت سربازی* انجام شده است. این درحالی است که در پژوهش حاضر موضوع خاطره‌نگاری و سفرنامه‌نویسی درباره عتبات مدنظر بوده است؛ برای مثال، مقاله کتاب‌شناسی «سفرنامه‌ها و خاطرات ایرانیان از عتبات عالیات» درباره طبقات مختلف اجتماعی است که به عتبات سفر کرده‌اند و

شرح خاطرات خود را در قالب سفرنامه نوشته‌اند. اباذری در این پژوهش تعداد ۱۰۶ سفرنامه را نام برده و برای هرکدام توضیحات مختصری داده است که چهارده سفرنامه مربوط به دوره قاجار است (نصراصفهانی، ۱۳۹۴). گزارش سفرکارگزار/آستان قدس رضوی به عتبات عالیات از میرزا داود است که شرح سفر خود را در مسیر زیارتی مشهد تا عربستان نوشته و در بین راه عتبات به عراق را نیز توجه کرده است (گلی زواره، ۱۳۹۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مجموعه مقالات دو کنگره برگزار شده با عنوان «کیمیای جان» (شاکری، ۱۳۸۴) و «آیت‌الله سید محمد حسن آقا نجفی قوچانی» (نوروزیان و همکاران، ۱۳۹۳) به کتاب سیاحت شرق و ارزش‌های ادبی و تاریخی و سبک خاطره‌نگاری آن پرداخته شده است که می‌توان «به‌گذری و نظری بر ساختار ادبی و هنری سیاحت شرق و غرب» (غلامی، ۱۳۸۴)، «نکاتی چند درباره سیاحت شرق» (جابانی، ۱۳۸۴)، «نیم‌نگاهی به شیوه نگارش آیت‌الله آقانجفی قوچانی در سیاحت شرق» (حیدری، ۱۳۸۴) از مجموعه مقالات کنگره اول و ساختارشناسی و سبک‌شناسی کتاب سیاحت شرق (حسن آبادی، ۱۳۹۳) و آیا سیاحت شرق اثری ادبی است (ارجی، ۱۳۹۳) اشاره کرد. ارزش این مقاله از آن روست که تاکنون در بررسی خاطرات آقا نجفی به اهمیت اطلاعات آن درباره عتبات کمتر توجه شده است.

روش پژوهش کتابخانه‌ای بوده است. در پژوهش حاضر با استخراج اطلاعات خاطرات آقانجفی در نجف که در سیاحت شرق آمده و نیز با دسته‌بندی اطلاعات در ذیل اهمیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی و با تکیه بر مردم‌نگاری اجتماعی سعی شده است به جنبه‌های مختلف اهمیت خاطرات او پرداخته شود.

مهم‌ترین سؤال‌های پژوهش حاضر عبارت است از جایگاه کتاب سیاحت شرق آقا نجفی در بین این آثار در کجاست؟ کتاب او چه سبکی از نگارش را دربرمی‌گیرد؟ آیا خودنوشت است و یا سفرنامه‌نویسی است و یا ترکیبی از هر دو؟ اهمیت خاطره‌نگاری و سفرنامه‌های ایرانیان در دوره قاجار چیست؟ جنبه‌های مختلف ارزش اطلاعات کتاب در مستندسازی جایگاه ایرانیان در عتبات کدام است؟

خاطره‌نگاری و اهمیت آن

واژه «خاطره» ریشه در کلمه فرانسوی «mémoire» دارد که به معنای «حافظه» یا «یادآوری» است. خاطره‌نویسی روایتی شخصی است که نویسنده در آن جنبه خاصی از زندگی خود را به

تصویر می‌کشد و بازتابی شخصی از وقایعی است که نویسنده آنها را به خاطر می‌آورد. زندگینامه معمولاً کل زندگی فرد را از تولد تا زمان نگارش پوشش می‌دهد و روایتی منسجم از وقایع مهم زندگی او ارائه می‌کند. این روایت به دنبال پاسخ به پرسش‌های اساسی مانند «چه کسی»، «چه چیزی»، «کجا»، «چه زمانی» و «چرا» در هر مرحله از زندگی است. نویسنده در خاطرات اغلب به احساسات، افکار و برداشت‌های شخصی خود از آن لحظات می‌پردازد و کمتر به دنبال ارائه یک روایت جامع و زمانی از کل زندگی است. روایت‌های خودزندگی‌نامه‌ای اغلب در میانه یا انتهای زندگی نوشته می‌شود و خطی داستانی می‌سازد که از کودکی تا اکنون روایت کشیده می‌شود. خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی زمانی در یک جامعه رواج می‌یابد که من فردی و جمعی در یک جامعه هویت یافته و نوعی خودآگاهی در جامعه شکل گرفته باشد (کمری، ۱۳۸۳: ۷۶).

خاطرات خودنوشت یکی از مرسوم‌ترین و مهم‌ترین اشکال تاریخ‌نگاری خاطره‌نگاری است. در خاطرات خودنوشت فرد خود می‌نویسد و چاپ می‌کند و میزان تصرف در اطلاعات به عهده خود اوست. سه عامل انگیزه، زمینه و پایگاه اجتماعی بر نوع نوشتن خاطرات تأثیر دارد. در متن خودنگاشت موضوع‌هایی مانند میزان ارجاعات و اتکای متن به صاحب خاطره، بررسی تغییر و تحولات فردی در دوره‌های مختلف، تأثیر شخصیت راوی بر متن، متن‌شناسی خاطره، قلم در زمان بیان خاطره، جایگاه فرد و تجربه‌های بعد از اتفاق افتادن خاطره در نوع و شکل آن اهمیت دارد. خاطره‌نگاری فردی با خودشناسی، خودفهمی و شخصیت‌سازی فردی ارتباط نزدیک دارد. رویکرد در خاطره‌نگاری شخصی در نگارش خودنوشت کمتر اهمیت دارد؛ زیرا به خاطره‌نویسی غیرهدفمند بیشتر ارتباط پیدا می‌کند. کسی که خاطره خود را می‌نویسد از روش و نگاه فردی خود پیروی می‌کند (کمره‌ای، ۱۳۹۴: ۷۰). آن چیزی را که فرد به عنوان خاطره در ذهن خود نگهداری کرده است و سپس به صورت متن مکتوب درمی‌آورد، برداشت شخصی فرد از وقایع و حوادث با توجه به شخصیت و برداشت‌هایش است (عباسی، ۱۴۰۰: ۱۴۲). خاطرات ویژگی‌های مختلفی را مانند صمیمیت زبان در خاطره‌نویسی، برجستگی حوادث در خاطره‌نویسی، واقع‌گرایی در خاطره‌نویسی، همدردی، همراهی، روانی و روشنی در خاطره‌نویسی، داشتن ابتدا و انتها، خلاصه و یا تفصیلی بودن، انگیزه و دلایل نگارش، موضوع محور و یا حادثه محور بودن، زمان خاطره‌نویسی و سبک نگارش دارد. مؤلفه‌های خاطره‌نویسی تحت تأثیر هریک از این ویژگی‌ها ساختار مختلفی دارد. خاطرات برحسب زمان

نگارش به روزنوشت، دیرنوشت، فردنگارش‌کننده به خودنوشت و یا دیگرنوشت، برحسب کلیات به موضوع نوشت و زندگینامه‌نوشت تقسیم می‌شود. بیشتر خاطرات نگارش‌شده در دوره معاصر ترکیبی از ویژگی‌های ذکرشده است که تحت‌تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۸).

زندگینامه‌نویسی و خاطره‌نگاری در غرب سابقه‌ای طولانی دارد. اعتراف‌های قدیس آگوستینوس (قرن چهارم میلادی) کهن‌ترین خاطره‌نگاشته‌ای است که آوازه جهانی دارد. اوج رویکرد غرب به زندگینامه‌نویسی و خود سرگذشت‌نگاری و نیز پیدایی زندگینامه به‌صورت رمان به دوره رنسانس و انقلاب صنعتی و رواج اومانیزم بازمی‌گردد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۸۵). خاطره‌نویسی سنتی دیرینه در میان ایرانیان است که سابقه آن به قبل از اسلام می‌رسد. اغلب مؤلفانی که در سده میانه بعد از اسلام اقدام به خاطره‌نویسی کرده اند با هدف تأثیرگذاری بر خواننده بوده است و کمتر به سیر تحول و تکامل شخصی خود پرداخته‌اند و منظور اصلی آنها از توصیف شرح حال و ارائه تجربه‌های شخصی دادن قدرت انتخاب به خوانندگان با محوریت مسائل اخلاقی بوده است (فراگنر، ۱۳۷۷: ۱۳). خاطره‌نویسی از سبک‌های جدید تاریخ‌نگاری دوره معاصر است که از عهد ناصرالدین شاه قاجار با خاطره‌نویسی خود او از سفرهایش و بعضی از شاهزادگان و بزرگان مرسوم شد. ۴۲ کتاب با محتوای خاطره‌نگاری در دوره قاجار نگارش شده است. تأثیرپذیری از افکار جدید اروپایی و انقلاب مشروطه دو عامل اصلی در نگارش کتاب‌های خاطره بوده است (فصیحی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۸). شکل‌گیری خاطره‌نگاری در دوره ناصری و بعد از آن را می‌توان روش رسمی و مخفی در ثبت وقایع جاری با دید انتقادی و با صراحت شجاعت‌آمیز در ارائه اطلاعات دانست که دربرگیرنده اطلاعات فردی و اجتماعی با در نظر گرفتن مصالح شخصی و در عین حال، نیازهای اجتماعی است (عباسی، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۹). از این ۴۲ خاطره ۱۵ خاطره قبل از مشروطه بوده است که ۷ خاطره به صورت روزانه، دو خاطره تک‌موضوعی و شش خاطره کلی است. از ۲۷ خاطره بعد از مشروطه نیز یازده خاطره به صورت روزانه، چهار خاطره سالیانه و ده خاطره نیز موضوعی است (فصیحی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۹؛ عباسی، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۹). هرچند پایگاه اجتماعی این افراد مختلف است، از میان مردم عادی نیز نوشته‌ای موجود نیست.

در تاریخ ایران مردم و طبقات اجتماعی فرودست نتوانسته‌اند وارد جرگه خاطره‌نگاران شوند. به همین دلیل، نماینده‌ای نداشته و اطلاعات مرتبط با این قشر کمتر در کتاب‌ها نمود

داشته است. هرچند این خاطرات در بررسی تحولات اجتماعی اهمیت دارد (دهقان، ۱۳۸۶: ۷۹). وضعیت عامه مردم در خاطرات دوره قاجار کم و بیش نمود دارد. چنانچه عزیزالسلطان گزارش‌های میدانی از وضعیت اجتماعی مردم را در تهران آورده است (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۲۰۳۶/۳-۲۰۳۸). اما این گزارش‌ها نگاه بالا به پایین و فقط گزارشی دارد. کتاب سیاحت شرق را می‌توان یکی از معدود خاطراتی دانست که دربردارنده اطلاعات زیادی از مردم عادی، نحوه زندگی و تفکر آنها و می‌توان گفت که نماینده سبک خاطره‌نگاری مردم عادی دوره قاجار است.

سفرنامه‌های ایرانیان به عتبات در عراق

از روزگاران قدیم زائران بسیاری از ایرانیان به زیارت عتبات عالیات مشرف شده‌اند که برخی از این زائران به‌خصوص در دوره قاجار اقدام به ثبت و ضبط شنیده‌ها و دیده‌های خود کرده‌اند. به همین دلیل، سفرنامه‌ها و خاطرات بسیاری تاکنون تدوین و چاپ شده است. برخی از این سفرنامه‌ها را صاحب‌منصبان، تجار یا علما و افراد ناشناس تدوین کرده‌اند. این سفرنامه‌ها توجه خود را به انعکاس مسائل بیرونی و وقایع تاریخی کرده و بیشتر حکم ارائه کارنامه‌ای از سفر فرد با رویکرد مثبت را دارد و کمتر به احوالات درونی و سیر تکامل شخصی و اخلاقی فرد و انتقاد توجه دارد.

بیشتر این سفرنامه‌ها شرح خاطرات سفر نویسندگان آنهاست که در قالب روزنگاری و یا شرح کلی خاطرات نوشته شده است و برخی از این مسافرت‌ها فقط برای زیارت از عتبات در عراق و برخی در مسیر مسافرتی به حج و زیارت است. پایگاه اجتماعی نگارندگان متفاوت بوده است، از روحانی گرفته تا پادشاه و رجال درباری را دربرمی‌گیرد. مدت زمان ماندگاری افراد محدود است و البته به‌تبع هدف، نوع مسافرت و میزان ماندگاری اطلاعات متفاوتی را ارائه می‌دهد. از این سفرنامه‌ها می‌توان به سکینه سلطان و قارالدوله روزنامه سفر عتبات و مکه ۱۳۱۷ ق (جعفریان و کیانی، ۱۳۸۸) و سفرنامه میرزا داوود وزیر وظایف (۱۳۷۹) اشاره کرد (نصراصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۲۱۴).

آقا نجفی و کتاب سیاحت شرق

سید محمدحسن مشهور به آقانجفی قوچانی در سال ۱۲۹۵ قمری شمسی در روستای

خسرویه متولد شد و بعد از تحصیل درحوزه های مشهد و اصفهان در سال ۱۳۱۸ (۲۳ سالگی) به نجف اشرف رفت. آشنایی او با آخوند سبب ماندن وی در نجف و آغاز مرحله ای از زندگی او شد که بر دیدگاه ها و تمایلات فکری وی تا آخر عمر تأثیر گذاشت. آقا نجفی در سال ۱۳۳۸ ق نجف را ترک و تصمیم به اقامت در قوچان گرفت و تا زمان فوت در نهم اردیبهشت ۱۳۲۲ در این شهر ماند (امان پورقرایی، ۱۳۷۳: ۱۷۲).

کتاب سیاحت شرق در شش فصل کلی نگارش یافته است که فصل پنجم و ششم مرتبط با خاطرات آقا نجفی در نجف است که در پژوهش حاضر بیشتر بررسی می شود. آقا نجفی در فصل اول به مباحثی مانند زندگی کودکی و به مکتب رفتن، آغاز زندگی طلبگی وی در قوچان و مشهد و برخی اطلاعات درباره حوزه علمیه آن پرداخته است (۸۰-۸۱). فصل دوم به ترک حوزه علمیه مشهد و رفتن به اصفهان به همراه وقایع بین راه اختصاص دارد (۸۱-۱۵۷). ورود به اصفهان و شرح حال استادان و نحوه گذران زندگی و درنهایت، رفتن به سوی نجف از مهم ترین موضوع های فصل سوم است (۱۵۸-۲۶۷). در فصل چهارم به طور مفصل درباره منزل های بین راهی بین اصفهان تا کربلا، ورود به نجف و مشکلات اولیه برای گذران زندگی و مباحث اجتماعی مانند مریضی ها توضیحاتی داده است (۱۵۹-۳۹۳). موضوع های مرتبط با نحوه ازدواج، وقایع سیاسی رخ داده در نجف مانند حمله انگلیسی ها و سختگیری های دولت عثمانی و مشکلات اقتصادی مردم از مباحث فصل پنجم است (۳۹۴-۵۱۹) و درنهایت، در فصل ششم به شروع جنگ جهانی اول، روابط سیاسی بین دولت انگلیس با عثمانی و و اثرهای آن بر زندگی روزانه مردم نجف تا ترک نجف و عزیمت به ایران می پردازد (۵۲۰-۶۸۴).

کتاب سیاحت شرق در سنجش نسبی با آثار مشابه زمان خود نشان دهنده جایگاه ویژه آن است؛ درحالی که نگاه انتقادی به زمان خود دارد، در عین حال محتوای اخلاقی تری نیز دارد. آقا نجفی هرچند صراحت کلام و زبان تندى در بیان برخی انتقادها دارد، تیزی زبانش گریبان دولت و مردم را نمی گیرد و بیشتر از هم سلکان خود که با آنها در ارتباط است، گله می کند (حسن آبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۹). این روحیه که ناشی از کرامت اخلاقی اوست محتوای خاطراتش را باتوجه به نوع گفتار و پایگاه اجتماعی در دوره قاجاریه برجسته کرده است. سبک نگارش و هدف نویسنده کتاب یادآور خاطرات دوره های میانه در ایران است و از جهتی می توان آن را با

سفرنامه ناصرخسرو مقایسه کرد. خوانش محتوای کتاب نشان می‌دهد که نویسنده بیشتر از آنکه علاقه‌ای به بیان داستان زندگی و شرح فعالیت‌های خود داشته باشد در پی ارائه تصویری آرمانی از جامعه در ورای مباحث اخلاقی و فلسفی موجود در کتاب سیاحت شرق است. این اثر به لحاظ رعایت سبک نگارش متناسب با شرایط واجد ارزش است و در عین حال، از نظر عدم تأثیرگذاری پایگاه اجتماعی نویسنده در زمان نوشتن اهمیت دارد. نویسنده در عین حالی که رسالت علمی و پایگاه اجتماعی خود را در نظر می‌گیرد، نیم‌نگاهی نیز به قلم و زبان خاطرات در زمان وقوع دارد و سعی می‌کند تا افراط و تفریطی در شکل و نوع نگارش پیش نیاید. ترکیب محتوایی و چینش اطلاعات سیاحت شرق قضاوت واحد را به آن سخت می‌کند. به کار رفتن ۱۴۶ آیه در کتاب و روایات و احادیث و ضرب‌المثل‌ها قضاوت را دشوار می‌کند (غلامعلی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۰۲). سیاحت شرق یکی از منابع مهم برای روایت داستان زندگی مردم عادی و طلب‌آب ایرانی در نجف است. استفاده از اصطلاحات محلی در متن کتاب (جابانی، ۱۳۸۴: ۲۳۷) و کاربرد زبان ادبی که گاهی با گفتاری عامیانه غنابخشی می‌شود (حیدری، ۱۳۸۴: ۲۷۷). آیا این یک اثر تاریخی است؟ آیا یک کتاب با ماهیت مذهبی است و یا ساختار جغرافیایی دارد؟ محتوای سیاحت شرق آن‌چنان درهم آمیخته که به سختی می‌توان هویت واحدی را در نظر گرفت و یا نسبت به اخلاق و روحیاتش قضاوت کرد. کتاب ماهیتی تاریخی-مذهبی با ساختاری اجتماعی، ادبی و طنزگونه دارد. تصویرسازی‌های آقا نجفی خلّاقانه و در نوع خود در بین دیگر آثار قاجار درخور تأمل است. این تصویرسازی در کتاب سیاحت غرب به اوج خود می‌رسد (غلامی، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

اهمیت اطلاعات کتاب و جنبه‌های آن در مستندسازی جایگاه ایرانیان در عتبات

همان‌طور که گفته شد، خاطرات آقا نجفی مهم‌ترین خاطرات یک ایرانی در دوره قاجار است که به مدت بیست سال در شهر نجف زندگی کرده و پیوسته با دیگر شهرها مانند کربلا، کاظمین و سامرا و مشاهد متبرکه عراق در رفت‌وآمده بوده است. این مسئله در کنار ازدواج با مردم بومی امکان زیست اجتماعی را فراهم کرده و اطلاعات باارزشی را از طبقات مختلف در اختیارش گذاشته است که او نیز به فراخور موضوع در قسمت‌های مختلف کتاب سیاحت شرق با تسلط به هجو و طنز و با کاربرد آیات و روایات عمق فهم و سوادش را در کنار جسارت و صراحت به نمایش گذاشته است. مهم‌ترین جنبه‌های اطلاعاتی عبارت است از:

جنبه‌های اجتماعی

بیشتر اطلاعات باقی‌مانده از ایرانیان در خاطرات و سفرنامه‌ها گذرا و در چهارچوب محدودهٔ زمانی و مکانی سفر آنها بوده است که با وجود اهمیت دربردارندهٔ داده‌های عمیق اجتماعی و لایه‌های زیرین روابط انسانی نیست. یک خاطره‌نگار اجتماعی باید جزئی از بافت و محیط اجتماعی باشد و با هوشیاری و توانمندی در ثبت و ضبط گفته‌ها و دیده‌های خود تلاش کند.

این امر در خاطرات آقا نجفی به‌خوبی به چشم می‌خورد. خاطره‌نگاری به‌علت ماهیت روایت‌گونه ارتباط مستقیمی با تاریخ اجتماعی و اقتصادی دارد. کتاب سیاحت شرق درون‌مایه‌ای غنی از وقایع اجتماعی و اقتصادی دارد و به‌علت حضور نویسنده در بطن جامعه تصویری از طبقات مختلف جامعهٔ نجف را در مدت زمان بیست‌سالهٔ حضور ارائه می‌دهد. موضوع‌هایی مانند توجه به وضعیت نجف در زمان مشروطه (قوچانی، ۱۳۶۲: ۴۳۰-۴۳۸)، ارتباط بین جمعیت شهری و بادیه‌نشین در نجف (قوچانی، ۱۳۶۲: ۴۶۱)، تعامل بین خانواده و روابط زن و شوهر به‌عنوان نهاد خانواده در نجف در بخش‌های زیادی از گفت‌وگوی او و خانمش به‌خصوص در زمان بیان مشکلات اقتصادی مشخص است (قوچانی، ۱۳۶۲: ۵۴۱ و ۴۴۵-۴۵۲). تردد بین کربلا و نجف و یا نجف و کوفه و مشکلات و حواشی آن (قوچانی، ۱۳۶۲: ۴۶۷)، بیماری‌های عمومی و واگیردار در نجف، برف تاریخی در کربلا (قوچانی، ۱۳۶۲: ۴۸۹)، داستان قرنطینه (قوچانی، ۱۳۶۲: ۴۹۵-۵۲۰)، موضوع قرائت‌خانهٔ طلاب (قوچانی، ۱۳۶۲: ۵۲۳)، توجه به گروه‌های مختلف (پاسبان‌های شهر نجف کرمانشاهی بود) (قوچانی، ۱۳۶۲: ۵۸۲)، گذران زندگی مردم در زمان محاصرهٔ نجف توسط انگلیسی‌ها و مسائل و مشکلات (قوچانی، ۱۳۶۲: ۵۸۰-۵۹۲)، روابط ایرانی‌ها و عراقی‌ها در زمان محاصرهٔ نجف (قوچانی، ۱۳۶۲: ۵۸۰-۶۱۰) از این دست مطالب است.

ورود مظاهر جدید تمدنی به عتبات عالیات، تقابل سنت و مدرنیته و واکنش طبقات مختلف از جمله علما و طلاب، بحث ورود ماشین (قوچانی، ۱۳۶۲: ۶۲۹-۶۳۰)، تأثیر تمدن و پول بر اعراب و تأثیر آن در نجف (قوچانی، ۱۳۶۲: ۶۶۶) از جمله موضوع‌هایی که آقا نجفی به آن توجه کرده است. گاهی برخی رفتارهای تحجّرآمیز او را آزار می‌داد که در جاهای مختلفی به آن اشاره کرده است. «هزار سال است که از اسلامیت شما می‌گذرد که باید به

درجات عالیۀ انسانیت رسیده باشید. معذرت می‌خواهید که عقلمان به چشمان است که هر خر و گاوی همین‌طور است. پر کجا رفت ترقیات شما» (قوچانی، ۱۳۶۲: ۶۱۹).

از دیگر اطلاعات خوب کتاب سیاحت شرق دربارهٔ عتبات مسیرهای مسافرتی زوَّار و مجاوران در عتبات و مشاهد متبرکه است؛ مانند: مسیر مسافرتی به نجف از اصفهان و منزلگاه‌ها، گذران روزانۀ کاروان‌های عتبات، غذاخوردن، حمام‌رفتن، نحوهٔ تعامل طبقات مختلف اجتماعی با یکدیگر، محل اتصال کاروان‌های زیارتی از مکان‌های مختلف، گذران عمر طبقات مختلف در مسیر زیارت، توضیح مسیر زیارت مانند مسیر خانقین، شهبان به یعقوبیه و اسامی کاروانسراها و میزان مسافتی که معمولاً در روز طی می‌شد، میزان ماندگاری کاروان‌ها در کاظمین، آداب ورود به عتبات و کربلا و ترتیب انجام امور (قوچانی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۵۰). آقا نجفی در روایت سفر خود با طلبۀ قوچانی و جامی از نجف به کربلا، بغداد به کاظمین و سامرا و مشاهد متبرکه موضوع‌هایی چون تغییر در مسیر زیارت، زندگی مردم بومی و تعامل آنها با زوَّار ایرانی (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۸۰-۳۹۸)، سنخ‌شناسی ایرانیان ساکن در عتبات و به‌ویژه در نجف و رفتار آنها با بومیان، اعتقادهای مردم بومی نجف مانند داستان خری که در نجف شل شده بود و اعتقاد زن‌ها به او (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۹۷)، اشارهٔ مختصری به زندگی مرفه برخی از ایرانیان در نجف و دستگاه یخ‌سازی در خانهٔ برخی ایرانیان که در جای دیگر نبود (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۶۹)، مریضی‌های واگیردار در نجف و واکنش مردم و طلباب (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۱۸) و فوت را برای خواننده به تصویر می‌کشد.

طلباب ایرانی غریب در نجف، منزل‌های وقفی مخصوص طلب در نجف، نحوهٔ برخورد عثمانی‌ها با ایرانیان و داستان قرنطینه در کربلا و نجف و مشکلات زوَّار و مجاوران ایرانی (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۰۰-۳۰۱)، قرنطینهٔ ایرانی در عتبات توسط عثمانی و گذران زندگی در اردوگاه‌های قرنطینهٔ ایرانی و عرب‌ها باهم (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۰۳-۳۰۵)، شروع جنگ جهانی اول و اثر آن بر ادارهٔ امور توسط عثمانی‌ها و امور جاری نجف و زندگی مردم از جمله خودش که با کمک خانم خود به دوختن عرقچین روی آورده بود و مشکلات تأمین آب نجف برای ایرانی‌ها از دیگر موضوع‌های مطرح در کتاب است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۲۶-۳۲۷).

آقا نجفی تصویری از تأثیر انگلیسی‌ها بر شهر نجف و زندگی ایرانیانی‌های مقیم آن ارائه می‌دهد که در نوع مهم است. حضور انگلیسی‌ها باعث ایجاد رفاه و پولدارشدن اعراب بادیه شد. این امر باعث ورود عرب‌ها به نجف و درس‌خواندن برخی شد که بر مسکن و کتاب تأثیر

مستقیم گذاشت و فضای زندگی را در نجف دگرگون کرد.

«فوج فوج دسته‌دسته از عرب‌هایی که غالب آن طراده‌چی و یا خرکار بودند، به نجف ورود می‌کردند. با عبا و عمامه جهت درس خواندن ... بالجمله از این پابره‌نه‌های بیابانگرد دسته‌دسته آمدند و به این لباس داخل شدند. احتمال می‌رفت این حرکت آنها به تحریک دشمنان اهل علم بوده است. قیمت کتاب جواهر از ۲۰ تومان به ۶۰ تومان و خانه از دویست لیره به چهارصد لیره رسید؛ اما چون نتوانستند خود را با شرایط شهرنشینی وفق دهند، کم‌کم نجف را ترک کردند. اجاره خانه نجفی از دو لیره به هشت لیره رسیده است» (قوچانی، ۱۳۹۷: ۴۰۷-۴۰۸).

نظرهای آقا نجفی به اقتصاد زیارت عتبات درخور تأمل است. حساب و کتاب او درباره میزان هزینه‌کرد زوآر و کشیدن خط آهن و تأثیر آن بر درآمد و اقتصاد در نوع خود جالب توجه است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). او اعتقاد به کاروکسب داشت و رفاه و درآمد را لازم می‌دانست. در بحث کشت تریاک در قوچان و از بین رفتن صنعت نوقان‌داری نگاه علت و معلولی داشت. راجع به قیمت‌ها و تأمین نیازمندی‌ها و قیمت آن در نجف در جاهای متعددی بحث می‌کرد و بر تأثیر مظاهر جدید تمدن مانند ماشین، قطار بر رفاه و پیشرفت اقتصادی تأکید داشت. از محتوای برخی گزارش‌های او در نجف می‌توان به وضعیت بازار و تجارت، میزان درآمد و هزینه‌کرد خانوارها و تأثیر وقایع مختلف بر آن اطلاعاتی به دست آورد.

جنبه سیاسی

از نظر اطلاعات سیاسی نیز مشرب فکری او درخور تأمل است. مشروطه محملی و فرصتی برای افکار و دیدگاه‌های آزاداندیشی اوست. علاقه‌مندی او به مشروطه را نمی‌توان با برخی از روحانیون مشروطه هم‌عصر مقایسه کرد؛ زیرا ریشه در افکار و آرزوهایی دارد که از جوانی همراه او بوده است. در کتاب سیاحت شرق کم‌وبیش اشارتی به وقایع سیاسی مختلف دارد. از نام کتاب پیداست که او علاقه و عشق وافر به استاد برجسته خود آخوند ملا محمدکاظم خراسانی داشته است. تنوع اسناد آورده‌شده در کتاب مانند نامه‌ها، تلگراف‌ها و استفتائات نشانگر میزان نزدیکی او به آخوند و دسترسی به اسناد است. از دیگر موضوع‌های سیاسی که در کتاب سیاحت شرق در زمان حضور در نجف آورده شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- شعر سیاسی درباره روسیه (قوچانی، ۱۳۹۷: ۴۷۷-۴۷۸).

خبر آمد که ایران پایمال است زیر پنجه خرس شمال است
بهانه آورد شوسـتر نباشد وطنـتان را وطن پرور نباشد

- خروج آخوند در ذی حجه ۱۳۲۹ ق برای مقابله با روس‌ها (قوچانی، ۱۳۹۷: ۴۷۹-۴۸۰).

- انعکاس توپ‌بندی حرم در نجف و تأثیر آن در طبقات مختلف به‌خصوص جامعه مذهبی؛

- مجالس تعزیه و تعزیه‌خوانی برپا شد. دعای فرج زیاد شد. گاهی که حوصله تنگ می‌شد، چون و چرایی با حضرت حجت می‌نمودیم (قوچانی، ۱۳۹۷: ۴۸۳-۴۸۵).

- یادداشت‌های آقا نجفی از جنگ جهانی اول (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۲۱-۵۲۲).

- نگاه سیاسی به آلمان که نماد نگاه گروهی از طلاب است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۶۱).

- تصرف نجف توسط عرب‌ها و ورود عشایر به نجف (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۶۴-۵۶۲).

- داستان یهودیان بغداد و غذاپختن آنها برای انگلیسی‌ها (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۶۸).

- حضور عثمانی‌ها در عتبات عالیات و سیاست‌های آنها در قبال آلمان و انگلیس که در

جاهای مختلفی درباره آن بحث کرده است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۶۶-۵۶۸).

- محاصره نجف توسط انگلیسی‌ها (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۸۴-۵۹۰).

آقا نجفی در گزارش کامل خود از محاصره نجف به مباحثی مانند دلایل اولیه محاصره

نجف، نحوه سنگربندی در نجف، رجال مؤثر در زمان محاصره و واکنش علمای نجف به آن

پرداخته است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۸۴-۶۱۰).

اهمیت مذهبی

آقا نجفی در طول تحصیل خود سه حوزه مهم آن عصر، یعنی حوزه مشهد، اصفهان و نجف را از نزدیک دیده است. علاقه‌مندی وی به یادگیری مباحث جدید و درکنار آن بی‌پروایی در قضاوت باعث ارائه گزارش‌های دقیق و تازه درباره برخی از بزرگان حوزه شده است که کمتر در جای دیگر می‌توان مشاهده کرد. این خاطرات یکی از منابع غنی برای زندگی طلاب ایرانی به‌عنوان مهم‌ترین گروه غیربومی در نجف و استادان و مراجع تقلید است. گزارش‌هایی که آقا

نجفی از وضعیت حوزه نجف می‌دهد نیز درخور تأمل است. او از افرادی سخن می‌گوید که لباس روحانیت را وسیله کسب خود قرار داده بودند (قوچانی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۶۵). او از نحوه اخذ وجوهات با برخی روحانیان نجف از زوآر ایرانی که به نجف می‌آمدند، مطالبی ذکر می‌کند که تأسف بار است. سپس در ادامه می‌نویسد:

«آن صاحب‌مسلك‌هایی که شمرده شد، غالباً نفهم‌ها و درس‌نخوان‌ها بودند و اما درس‌خوان‌ها که من با آنها محشور بودم، اغلب أغراض منتشره آنها در تحت قدر مشترک واحد سر بهم می‌آورد که دنیا بود و من ندیدم کسی را که لله زحمت بکشد و یا برای آن که عمل کند و یا برای لذت خود علم که داعی من این آخری بود» (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۷۱). به دیدگاه‌های آقا نجفی درباره نهاد روحانیت به آنچه ذکر شد، بسنده نمی‌شود. او به رؤسای این نهاد نیز بدبین است. در یکی از بحث‌هایی که با یکی از روحانیان دارد، می‌گوید:

«باوجود پنج شش نفر از پیرمردهای کنه‌کار قدیمی از مراجع تقلید ده پانزده نفر از فضلا [و] تلامذه مرحوم آخوند خراسانی را دیدم که تلاش‌ها و سعی‌ها داشته و دارند که مرتبه افتا و تقلید را دارا شوند که سهم امام و وجوه دیگر به او برسد و اسم او شهرت بگیرد و بدیهی است که باوجود این پیرمردها برای نوچه‌ها امر صاف نگردد. پس باید آنها را از آن مقام شامخ بیندازند یا به مذمت و تهمت و افترا و غیبت و یا به نفرین و ختم مردن آنها را گرفتن و اگر نشد، در ابقای آنها با خدا معارضه نمودن و چون‌وچرا نمودن و کافرشدن و این خیلی همت است» (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۰۹-۵۱۰).

در کتاب سیاحت شرق ضمن بحث با یکی از دوستان خود درباره علمای سوء به تأثیرپذیری عالمان از مقلدان خود در صدور فتوا اشاره شده است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۱۵). گاهی انتقاد او متوجه روحانیون بزرگ می‌شود و درباره آیه الله یزدی بدون ذکر نام اشارهای تند در زمینه اخلاق و روحيات وی می‌کند (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۵۱-۳۵۵).

علاوه بر مراجع یکی از بهترین منابع برای بررسی زندگی طلاب ایرانی در نجف، وضعیت معیشتی، محل‌های اقامت، نحوه درس‌خواندن و چگونگی انتخاب استاد، تیپ‌شناسی طلاب و اختلاف‌های بین آنها در اواخر دوره قاجاریه کتاب سیاحت شرق است. صراحت لهجه، نگاه طنز و بیان انتقادی باعث شده است تا اطلاعات آورده‌شده درباره طلاب ارزش زیادی داشته باشد. «القصة، در آن سه چهار ماه اول از همه جهت بی بی شده بودم. فقط سرما نبود. بی‌مأوایی، بی‌پوشاکی، بی‌خوراکی و بی‌انسی نصف خود بی‌همزبانی» (قوچانی، ۱۳۹۷:

۳۰۴). آخوند خراسانی در اختلاف بین طلاب برای گرفتن حجره در مدرسه جدید از وضعیت طلاب ایرانی در نجف و قوم‌شناسی آنها مانند طلاب خراسانی، ترک و یا اصفهانی و نحوه تعامل آنها با طلاب خارجی و نحوه شهریه گرفتن طلاب و مبلغ آن، تفاوت طلاب مجرد و متأهل و طنز بین طلاب اطلاعات خوبی می‌دهد (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۳۰-۳۳۳).

حضور دولت‌های بیگانه مانند انگلیسی‌ها در عتبات و تأثیر آن بر وضعیت مذهبی مانند تقسیم کردن پول موقوفات توسط انگلیسی‌ها (قوچانی، ۱۳۹۷: ۵۷۷-۵۸۲)، چگونگی واکنش نشان دادن علما و طلاب و دسته‌بندی آن در ذیل تمایلات سیاسی مورد توجه آقا نجفی بوده است. در کنار توصیف مسئله به نوعی درس اخلاق و فلسفه نیز می‌دهد و در گفت‌وگو با طلاب و یا همدرسان خود به فراوانی سواد خود را به رخ آنها می‌کشد. به نظر می‌رسد او در ورای شرح وقایع به دنبال بیان مباحث اخلاقی در زندگی روزمره به تناسب شخصیت مخاطبان خود نیز است و نقد وضعیت اجتماعی و عوام مردم را نیز می‌کند (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۱۳-۳۱۶). داستان معقول‌نخواندن طلبه ترشیزی و تلاش آخوند برای متقاعد کردن او نقد مخالفان فلسفه و اهمیت آن است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۲۴-۳۲۶). مباحثه او با شیخ رشتی در قرائت‌خانه نجف درباره وضعیت روز و به رخ کشیدن سواد خود و در عین حال انتقاد از سبک زندگی برخی از علماست (قوچانی، ۱۳۹۷: ۳۳۷-۳۴۳).

در روابط بین طلاب ایرانی به نوعی زندگی علمی و اجتماعی طلاب در نجف، تعداد مدرسه‌ها، اختلاف بین طلاب ایرانی با هندی و کشمیری، نحوه ساخته شدن مدرسه‌ها و بانیان آن مانند ساخته شدن مدرسه‌ها توسط یک تاجر ترک از خراسان در نجف (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۰۴)، اختلاف بین طلاب مناطق مختلف ایران در نجف، شکل و نحوه ساخت مدرسه توسط آخوند خراسانی (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۱۰)، استادان ایرانی نجف، شیوه تدریس و دروسی که آنها تدریس می‌کردند؛ مانند تدریس معقول محمد باقر اصطهباناتی^۱ (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۱۰-۲۱۴)، نحوه تقریر آخوند خراسانی و سید محمدباقر درچه‌ای (قوچانی، ۱۳۹۷: ۱۸۳) اهمیت

۱ - محمدباقر اصطهباناتی (درگذشت: ۱۳۲۶ ق) ملقب به شهید رابع از عالمان شیعه بود. او پس از پایان تحصیلات در نجف به شیراز برگشت و به دلیل طرفداری از مشروطه در شیراز کشته شد. از مهم‌ترین تأثیرگذاری‌های او در حوزه نجف تدریس فلسفه بود که با شیوه صدایی به تدریس پرداخت (امین، ۱۴۰۳: ۱۸۷/۹).

دارد؛ برای مثال، اطلاعاتی که از محمدباقر اصطهباناتی درباره شیوه و منش زندگی، نحوه مطرح شدن در نجف، گفت‌وگوی دو طرفه آن در موقعیت‌های مختلف و نحوه برگشتن به ایران می‌دهد، در شرح حال رسمی او نیامده است (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰-۲۳۲).

مریضی‌های واگیردار در نجف و واکنش مردم و طلبا (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۱۸)، فوت طلبا ایرانی غریب در نجف، منزل‌های وقفی مخصوص طلبا در نجف، مخارج طلبا و حسب و کتاب آنها و ریز مخارج (قوچانی، ۱۳۹۷: ۲۳۶) از دیگر مطالب درخور تأمل است.

نتیجه‌گیری

خاطرات به‌عنوان یکی از منابع باارزش تاریخی از جنبه‌های مختلفی درخور بررسی است. خاطرات بیست‌ساله آقا نجفی در عتبات عالیات که در کتاب سیاحت شرق آمده است، نمونه قابل اعتنایی از خاطرات یک ایرانی است که مدت بیست‌سال را دربرمی‌گیرد. خاطرات آقا نجفی از عتبات ویژگی‌هایی دارد که اثر او را از دیگران ممتاز می‌کند. این کتاب خودنوشتی از خاطرات بیست‌سال زندگی یک ایرانی در عتبات و به‌ویژه در نجف است. فردی که در عتبات ازدواج کرده است و به‌تبع پایگاه روحانی خود ضمن آنکه با مردم عادی و بومی ارتباط نزدیک دارد با طلبا و روحانیان ایرانی نیز آشناست و اطلاعاتی از زندگی شخصی و شیوه گذران آنها می‌دهد که در جای دیگری از این زوایه نمی‌توان مشاهده کرد. لحن آقا نجفی آمیخته با انتقاد، طنز و با رویکرد موضوع‌محوری و خودنگاشتی و دربرگیرنده اطلاعاتی است که کمتر در منابع رسمی و روایی آمده است. علاوه بر آن، نگاه انتقادی و بیان صریح آقا نجفی در اظهارنظرهای او در موقعیت‌های مختلف داده‌هایی را ارائه می‌دهد که دیگر نویسندگان از بیان آن خودداری و یا در لفافه ذکر می‌کنند. این‌گونه خاطرات اگر شناسایی و بررسی شود، می‌تواند در بازسازی روابط فرهنگی ایران و عراق و نقش ایرانیان در عتبات عالیات تأثیرگذار باشد.

منابع

- امین، سید محسن (۱۴۰۳). *عیان‌الشیعة* (تحقیق: سید حسن امین). بیروت: دار التعارف.
- امانپور قرائی، ایرج (۱۳۷۳). *نگاهی به زندگی آقاجنقی قوچانی و مزارش. فصلنامه مشکوه*، (۴۹)، ۱۷۱-۱۸۶.
- جابانی، محمد (۱۳۸۴). نکاتی چند درباره سیاحت شرق. *مجموعه مقالات کنگره آقا نجفی*

- قوچانی، بنیاد فرهنگی آیت‌الله آقاجانی قوچانی.
- جوادزاده، علیرضا (۱۳۸۳). تأملاتی درباره دو کتاب تاریخی *از آقا نجفی قوچانی فصلنامه آموزه*، (۴)، ۳۵۱-۴۰۸.
 - حاجیان‌پور، حمید و شجاعی‌نسب، بهمن (۱۴۰۰). نقش علمای ایرانی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی از آغاز دوره قاجار تا پایان عصر ناصری (۱۲۱۰-۱۳۱۲ ق) - (۱۷۹۵-۱۸۹۶ م). *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، (۱۸)، ۱۴۰-۱۶۸.
 - حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳). ساختارشناسی و محتوایشناسی کتاب سیاحت شرق. *مجموعه مقالات همایش ملی آیت‌الله سید محمد حسن آقا نجفی*.
 - حیدری، علی (۱۳۸۴). نیم‌نگاهی به شیوه نگارش آیت‌الله آقاجانی قوچانی در سیاحت شرق. *مجموعه مقالات کنگره آقا نجفی قوچانی*، بنیاد فرهنگی آیت‌الله آقا نجفی قوچانی.
 - دهقان، احمد (۱۳۸۶). خاک و خاطره. تهران: صنوبر.
 - شاکری، رمضانعلی (۱۳۸۴). *کیمیای جسم و جان: مجموعه مقالات علمی کنگره آیت‌الله آقا نجفی قوچانی (ره)*. مشهد: بنیاد فرهنگی آیت‌الله آقا نجفی قوچانی.
 - شهسواری، ثریا (۱۳۸۷). بازتاب اجرای قوانین عثمانی در عراق بر وضعیت اجتماعی اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات: ازدواج و خدمت سربازی. *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، (۱)، ۱۸۷-۲۰۵.
 - عباسی، سمیه (۱۳۸۸). تحول خاطره‌نویسی و جایگاه آن در دوره قاجار [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا].
 - عباسی، سمیه (۱۴۰۰). نسبت خاطره‌نگاری با امر واقع. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، (۲۷)، ۱۳۱-۱۵۱.
 - عزیزالسلطان، غلامعلی (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیجک ثانی* (به کوشش محسن میرزایی). تهران: زریاب.
 - غلامعلی‌پور، غلامعلی (۱۳۸۴). ابعاد علمی حکیم آیت‌الله آقاجانی قوچانی. *مجموعه مقالات کنگره آقاجانی قوچانی*، بنیاد فرهنگی آیه الله آقا نجفی قوچانی.
 - غلامی، تیمور (۱۳۸۴). گذری و نظری بر ساختار ادبی و هنری سیاحت شرق و غرب. *مجموعه مقالات کنگره آقا نجفی قوچانی*، بنیاد فرهنگی آیه الله آقا نجفی قوچانی.
 - فصیحی، سیمین و عباسی، سمیه (۱۳۹۴). تحول «من‌فردی» و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری نوین ایران (با تکیه بر خاطره‌نگاری عصر قاجار). *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، (۱۵)، ۸۷-۱۱۴.
 - قوچانی، آقا نجفی (۱۳۸۷). *برگی از تاریخ معاصر: حیات الاسلام فی احوال آیه الملک العلام*

- (به تصحیح ر.ع. شاکری). تهران: نشر هفت.
- قوچانی، آقا نجفی (۱۳۶۲). سیاحت شرق (تصحیح رمضانعلی شاکری). تهران: امیر کبیر.
 - کمره‌ای، علیرضا (۱۳۸۴). پرسمان یاد. تهران: حوزه هنری سوره.
 - کمره‌ای، علیرضا (۱۳۸۳). با یاد خاطره. تهران: انتشارات سوره.
 - فراگنر، رابرت (۱۳۷۷). خاطرات نویسی ایرانیان (ترجمه مجید جلیلوند رضایی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - گلی‌زواره، غلامرضا (۱۳۹۹). گزارش سفر کارگزار آستان قدس رضوی از عتبات عالیات. فصلنامه فرهنگ زیارت، (۴۴)، ۱۲۵-۱۷۷.
 - نصرافهانی، اباذر (۱۳۹۴). کتاب‌شناسی سفرنامه‌ها و خاطرات ایرانیان از عتبات عالیات. فصلنامه زیارت، (۲۳)، ۱۸۳.

مطالعه روابط توسعه گردشگری مذهبی عتبات عالیات و نقش آن در افزایش ژئوپلیتیک شیعه

سیده سمیه حسینی^۱

نرجس سادات حسینی نصرآبادی^۲

چکیده

گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین اشکال گردشگری است که تأثیرهای اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی عمیقی بر روابط بین کشورها دارد. ادبیات مربوط به گردشگری مذهبی در فرهنگ اسلامی دیدگاه‌ها، آداب و رسوم، باورها و اعمال مختلفی را به تصویر می‌کشد. در این میان، میراث دینی می‌تواند به عنوان انتقال‌دهنده ارزش‌های دیرینه مرتبط با هویت یک قلمرو عمل کند و روابط بین گردشگری و مذهب را به طور فزاینده‌ای به یکدیگر نزدیک کند. در پژوهش حاضر این موضوع بررسی شده است که زائران عتبات عالیات (به عنوان نمایندگان فرهنگی و مذهبی شیعه) علاوه بر اینکه نقش مهمی به عنوان یک گردشگر در توسعه شهرهای زیارتی و نواحی مرزی دارند، با انجام دادن فریضه و عبادت به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویت زوایای ژئوپلیتیک شیعه تأثیر حائز اهمیتی نیز دارند. این پژوهش از نظر ماهیت و نوع «بنیادی» و از نظر روش «توصیفی - تحلیلی» است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از نرم‌افزارهایی مانند Smart Art برای ترسیم شکل و نمودار به منظور درک بهتر مفاهیم استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حضور مسلمانان به ویژه شیعیان در عتبات عالیات علاوه بر

۱. استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، ایران hosseini@geo.ui.ac.ir

۲. استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، ایران hosseini.n@geo.ui.ac.ir

(نویسنده مسئول)

تقویت پیوندهای فرهنگی و مذهبی بین شیعیان در کشورهای مختلف با تکیه بر تأثیرهای سیاسی ناشی از افزایش تعداد زائران در این فضای جغرافیایی از قاره آسیا بر افزایش قدرت شیعه نقش مهمی دارند؛ بنابراین با توجه به اهمیت روزافزون گردشگری مذهبی در تقویت هویت شیعه و تأثیرهای آن بر روابط بین‌المللی باید چالش‌ها و فرصت‌ها بررسی و زمینه‌ها و زیرساخت‌ها برای جذب گردشگران بیشتر مهیا شود. در این زمینه، پیشنهادهایی ارائه شده است که می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان گردشگری کمک کند تا با درک بهتر از روابط پیچیده میان زائران و سیاست‌های منطقه‌ای استراتژی‌های مؤثری را برای توسعه پایدار گردشگری مذهبی و تقویت دیپلماسی فرهنگی طراحی کنند.

کلمات کلیدی: عتبات عالیات، گردشگری، ژئوپلیتیک، شیعه

Studying the Relationships of Religious Tourism Development to Holy Shrines and Its Role in the Rise of Shiite Geopolitics

Seyyede Somayeh Hossini¹, Narjessadat Hosseini Nasrabadi²

ABSTRACT

Religious tourism is one of the oldest forms of tourism that has profound socio-cultural and economic impacts on relations between countries. The literature on religious tourism in Islamic culture depicts various perspectives, customs, beliefs and practices. Meanwhile, religious heritage can act as a transmitter of ancient values related to the identity of a territory and increasingly bring the relationship between tourism and religion closer. This article examines the issue that pilgrims to holy shrines (as Shiite cultural and religious representatives) in addition to playing an important role as tourists in the development of pilgrimage cities and border areas, have an important impact on strengthening Shiite geopolitical angles by performing their duties and worship directly and indirectly. This research is "fundamental" in nature and type and "descriptive-analytical" in terms of method. The method of data collection is library and software such as Smart Art has been used to draw shapes and diagrams for a better understanding of concepts.

The results of the study show that the presence of Muslims, especially Shiites, in the holy shrines, in addition to strengthening

1. Assistant Professor, Faculty of Geographical Sciences and Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran. ss.hosseini@geo.ui.ac.ir

2. Assistant Professor, Faculty of Geographical Sciences and Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran n.hosseini.n@geo.ui.ac.ir (Corresponding Author)

cultural and religious ties between Shiites in different countries, plays an important role in increasing Shiite power, relying on the political effects resulting from the increase in the number of pilgrims in this geographical space from the Asian continent. Therefore, given the increasing importance of religious tourism in strengthening Shiite identity and its effects on international relations, challenges and opportunities should be examined and the grounds and infrastructure should be prepared to attract more tourists. In this regard, suggestions have been made that can help policymakers and tourism planners to design effective strategies for the sustainable development of religious tourism and strengthening cultural diplomacy by better understanding the complex relationships between pilgrims and regional policies.

Keywords: Atabat, Tourism, Geopolitics, Shia

مقدمه

گردشگری (مفهومی چندبُعدی با اشکال مختلف) به عنوان کانالی مؤثر برای یادگیری و تجربه فرهنگ‌های مختلف در سراسر جهان، درک تاریخ و میراث غنی کشورها در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا، یکی از قدیمی‌ترین اشکال گردشگری، گردشگری مذهبی است (Rinschede, 1992, P. 51). سالانه حدود ۶۰۰ میلیون سفر مذهبی ملی و بین‌المللی در جهان انجام می‌شود. گردشگری مذهبی به عنوان بخش مهمی از گردشگری جهانی (جنبه مهمی از فرهنگ اسلامی) ریشه عمیقی در اعمال مذهبی مسلمانان دارد (Han et al., 2019, P. 160). نوع گردشگری اصطلاحات مرتبط زیادی را (Abdullah et al., 2020) مانند گردشگری معنوی و زیارت را دارد. یکی از انگیزه‌های اساسی برای گردشگری مذهبی، جست‌وجوی رشد معنوی است (Kim et al., 2020, P. 158) که در درجه اول معنویت و ایمان آن را هدایت و به عنوان یک محرک اقتصادی اصلی گردشگران زیادی را از سراسر جهان به اماکن مذهبی جذب می‌کند (AULRaj et al., 2015, P. 103). بنابراین تجربه معنوی، هویت فرهنگی و زیارت جنبه‌های کلیدی گردشگری مذهبی هستند (Ohlan & Ohlan, 2024, P. 800). زیارت جایگاه ویژه‌ای در ادبیات گردشگری و سفر دارد و یکی از قدیمی‌ترین اشکال تحرک انسانی و اولین نوع از تحرک گردشگری است که هزاران سال پیش به وجود آمد (Coleman, 2004, P. 52). گردشگری زیارتی به عنوان یک سفر مذهبی بنیادی با هدف تحریک توسعه معنوی ریشه‌دار در فرهنگ شناخته می‌شود (Timothy & Olsen, 2006). اگرچه این امر به صورت فردی تجربه می‌شود، اغلب به صورت گروهی نیز (حج) در زمان‌های مشخصی از سال انجام می‌شود. زیارت شیعیان به عتبات عالیات باعث جابه جایی ده‌ها میلیون نفر در یک زمان و ایجاد مزیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شود (Terzidou et al., 2018, P. 54).

بارزترین ارتباط بین گردشگری و مذهب هزاران بنای مقدس است که مورد توجه و بازدید گردشگران قرار می‌گیرد. مکان‌های مقدس و زیارتگاه‌ها اغلب مراکز تجاری مهم و بازارهای پر جنب‌وجوش هستند. جایی که کالاها و خدمات معنوی فروخته می‌شود. درآمد حاصل از گردشگران علاوه بر کمک به تأمین مالی حفظ و نگهداری این اماکن مقدس منبعی برای ایجاد شغل و توسعه کسب‌وکار است که منجر به توسعه کلی منطقه می‌شود (Luz, 2020).

گردشگری اسلامی توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده و یک حوزه نویدبخش برای

مطالعات آینده است. در بیشتر پژوهش های مربوط به گردشگری مذهبی در اسلام درباره زیارت، بازدید از زیارتگاه ها و قبرهای پیامبران و علمای اسلامی بحث شده است (Ariffin, 2020, P. 9).

تعداد چشمگیری از اندیشمندان بر این نکته اذعان دارند که گردشگری اسلامی پتانسیل اقتصادی و حتی سیاسی چشمگیری دارد و شامل جنبه های فرهنگی است (Khalilov, 2023; Ladki & Mazeh, 2017, P. 4) که نمی توان آنها را نادیده گرفت. برخی از پژوهشگران نیز به برآورد کردن نیازهای معنوی یا مادی گردشگران اشاره کرده اند (Rusli & Nurdin, 2022). آنها مزایای معنوی (Almuhri & Alsawafi, 2017; Heidari, 2018)، مزایای عاطفی (Patwardha, 2018) و تجربه مذهبی (Fattah & Eddy, 2018) را به عنوان محرک های اصلی گردشگری مذهبی اسلامی برجسته کرده اند. برخی محققان انگیزه زیارت را به دو دسته انگیزه های بیرونی و درونی تقسیم کرده اند. انگیزه های بیرونی شامل به دست آوردن امنیت، جایگاه و انگیزه های بیرونی شامل سلامتی، بهزیستی روحی و روان شناختی است (Qurashi, 2017, P. 89). تعداد کمی از محققان نیز نگرانی هایی را درباره کالایی شدن گردشگری اسلامی مطرح (Collins-Kreiner, 2020) و مطالعات سیاست ها و ابتکارهای انجام شده را برای تسهیل سفر و زیارت روان برجسته کرده اند.

در این میان در رشته های مختلف علوم انسانی و اجتماعی از جمله جغرافی و گردشگری طیفی از موضوع های متنوع بررسی شده است (Collins-Kreiner, 2020). اصول اسلام بر مناظر مذهبی خاورمیانه، بخش های بزرگی از آسیا، شمال آفریقا و جنوب اقیانوس آرام تسلط دارد. مذهب به طور عام در سیاست و پیوند با قدرت در زمره مطالعات ژئوپلیتیک قرار گرفته است. پیامدهای نهادی و ژئوپلیتیکی سفرهای زیارتی و به طور خاص پیامدهای گردشگری با تأکید بر نقش زائران عتبات عالیات نیز در ژئوپلیتیک فرهنگی (ژئوکالچر) درخور بررسی است.

محققان در پژوهش حاضر ارتباط معنویت و گردشگری را در عتبات با هدف افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعه با استفاده از یک رویکرد کیفی انجام داده اند. در این مطالعه گردآوری داده ها مبتنی بر مبانی نظری و مطالعات کتابخانه ای است. فرضیه های اصلی پژوهش عبارت است از «بازسازی عتبات از حیث جذب شرایط گردشگر بیشتر به عنوان یکی از شاخص های پایدار و

عناصر نمادین مذهب شیعه از چه جایگاهی در وزن ژئوپلیتیکی و منابع قدرت شیعیان برخوردار است؟» در این زمینه پژوهش‌های کمی انجام شده است؛ البته به‌طور خاص، پژوهش در هر حوزه جداگانه وجود دارد؛ ولی در برقرارکردن رابطه متقابل بین دو متغیر «افرایش گردشگر» و «بالا بردن وزن ژئوپلیتیک شیعه» پژوهش خاصی صورت نگرفته است.

گردشگری مذهبی

اولین مطالعات درباره سفر با انگیزه مذهبی در مجله‌های مختلف گردشگری در دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد (Cohen, 1974). براساس تکامل زیارت‌ها در جهات مختلف مذهبی، گونه‌شناسی برای گردشگری مذهبی توسعه داده شد (Nolan & Nolan, 1989). ارتباط بین گردشگری و زیارت در سال ۱۹۶۹ در ادبیات معرفی شد که در آن زیارت به‌عنوان قدیمی‌ترین شکل این نوع گردشگری توصیف شد (Smith, 1992, P. 15).

Nolan & Nolan شناخته‌شده‌ترین طبقه‌بندی جاذبه‌های گردشگری مذهبی را ارائه و طبقه‌بندی منابع گردشگری مذهبی را براساس سه نوع هم‌پوشانی پیشنهاد کردند. مکان‌های زیارتی، جاذبه‌های گردشگری مذهبی و مکان‌هایی که جشن‌های مذهبی در آنها برگزار می‌شود. تمایز بین زیارتگاه‌های زیارتی و جاذبه‌های گردشگری مذهبی در این واقعیت نهفته است که اولی‌ها کانون مسیرهای زیارتی هستند و ارزش گردشگری محدودی دارند؛ درحالی که در دومی‌ها گردشگران و مؤمنان بازدید می‌کنند؛ اما مکان‌های زیارتی نیستند.



شکل ۱: طبقه‌بندی منابع گردشگری مذهبی براساس نظریه Nolan & Nolan

گردشگری مذهبی شامل سفر به اماکن مذهبی برای زیارت، عبادت یا شرکت در جشنواره‌ها و رویدادهای مذهبی است Vukonić دیدگاه مشابهی را در این زمینه ارائه کرده است. او گردشگری مذهبی را شامل سه عنصر می‌داند: زیارت (شامل بازدیدهای مداوم فردی یا گروهی از اماکن مقدس)، رویدادهای بزرگ که در سالگردها یا مناسبت‌های مذهبی مهم برگزار می‌شود و تورهایی به اماکن و اشیا مذهبی مهم به‌عنوان بخشی از برنامه سفر توریستی صرف نظر از زمان سفر. این شکل از گردشگری در اشکال مختلف به افراد اجازه می‌دهد تا با میراث فرهنگی یک دین ارتباط برقرار کنند (Hong Li et al., 2021). گردشگری مذهبی کوتاه‌مدت شامل گشت‌وگذار در مراکز زیارتی نزدیک یا کنفرانس‌های مذهبی است. گردشگری مذهبی بلندمدت مستلزم بازدید از اماکن یا کنفرانس‌های زیارتی ملی و بین‌المللی است که چندین روز یا هفته طول می‌کشد. اشکال سازمانی گردشگری مذهبی را می‌توان براساس ویژگی‌های مشخصی مانند تعداد شرکت‌کنندگان، گزینه‌های حمل‌ونقل، سفرهای فصلی و ساختار اجتماعی تشخیص داد (Rinschede, 1992).

به‌تازگی، سازمان جهانی گردشگری و کمیسیون سفر اروپا (2018) به اصطلاح «گردشگری مذهبی» اهمیت فزاینده‌ای داده و به آن تأکید کرده است. در چارچوب جامعه علمی مدرن گردشگری مذهبی مدرن را می‌توان به دو نوع اصلی تقسیم کرد: یکی زیارت و دیگری گشت‌وگذارهای فکری-آموزشی. دسته اصلی دوم دو شاخه دارد. این گشت‌وگذارهای فکری-آموزشی مبتنی بر دو ویژگی گردشگران است: دانش علمی و بازدید از رویدادهای مذهبی (Ijaz, 2021). بنابراین گردشگری مذهبی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای پیشبرد فرهنگ، ایمان و گردشگری عمل می‌کند. مفهومی که با سه بُعد انگیزشی مشخص می‌شود. اولین بُعد مربوط به انگیزه معنوی- مذهبی، دومی مربوط به انگیزه فرهنگی-آموزشی و سومی مربوط به انگیزه معنوی-آرامش است. درک و تمایز این ابعاد انگیزشی به درک عمیق‌تر گردشگری مذهبی معاصر کمک می‌کند و می‌تواند به‌هم مرتبط باشد؛ برای مثال، در گردشگری که فرهنگ و تاریخ دین بررسی می‌شود، نه‌تنها با تمایل به آموزش انگیزه می‌گیرد، ممکن است جنبه معنوی-آرامش این تجربه را نیز جست‌وجو کند. همچنین، ممکن است تمایل مذهبی داشته باشد. برعکس، گردشگری که به‌شدت به دین گرایش دارد، با تمایل به یک تجربه عمیق معنوی-مذهبی انگیزه می‌شود. تنوع انگیزه‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی خواسته‌های معاصر و انتظارات گردشگران از تجربه آنهاست. برخلاف گذشته گردشگری مذهبی معاصر به‌شکلی مدرن‌تر و

پیچیده‌تر تبدیل شده است.

گردشگری مذهبی در جهان اسلام به لحاظ مقیاس مکانی طیف متنوعی از مقصدها را از محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در برمی‌گیرد. عتبات عالیات را می‌توان در زمره قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گونه‌های گردشگری در جهان اسلام محسوب کرد؛ بنابراین گردشگران عتبات عالیات با یک هدف مشخص وارد کربلا نمی‌شوند و هرکدام از نظر توجه به افکار خود گردشگری را انجام می‌دهند.

ژئوپلیتیک شیعه

روابط متقابل کشورها از دید علوم سیاسی، یعنی روابطی که در سیستم بین‌المللی شکل می‌گیرد؛ اما روابط ژئوپلیتیکی روابطی است که بین کشورها، دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شود. ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنهاست (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷). تیلور جغرافیا را یک عامل دائمی می‌داند که تمام تقکرهای استراتژیک باید درباره آن باشد. ژئوپلیتیک را می‌توان توزیع جغرافیایی قدرت تعریف کرد (مسعودی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹۲). به طور خلاصه، عزتی ژئوپلیتیک را دانشی می‌داند که در آن نقش عوامل جغرافیایی در سیاست بررسی می‌شود؛ بنابراین رویکرد ژئوپلیتیک با تفاوت مراتب بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا بر وقایع سیاسی و تاریخی است (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۷). در این راستا، مبحث علایق ژئوپلیتیک درخور تأمل است که عبارت است از: مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری، تجانس داشته و به لحاظ کارکردی، تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور است. تعلق ژئوپلیتیکی به نوعی زیربنای علایق، هدف‌ها و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی است که به مثابه عامل قدرت و یا فرصت و یا با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا ماهیت کارکردی دارند؛ زیرا آنها تأمین‌کننده احتیاج‌های کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، تکنولوژیکی، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی هستند و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد (علمدار و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۶). در حوزه تعلقات ژئوپلیتیک کشورهای مسلمان مؤلفه شیعه اهمیت فراوانی دارد. شیعه به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و

امامت بلافصل امام علی (ع) اعتقاد دارند و بر این عقیده هستند که امام وصی و جانشین پیامبر اسلام با نصّ شرعی تعیین می‌شود و امامت علی (ع) و دیگر امامان شیعه نیز با نصّ شرعی ثابت شده است. شیعیان از نظر جغرافیایی در منطقه خلیج فارس قرار دارند و نسبت به دیگر گروه‌های مسلمان در اقلیت هستند (احمدی و حسینی، ۱۳۹۵: ۶). توال مذهب شیعه را به عنوان موضوعی در نظر گرفته است که ماهیت ژئوپلیتیک دارد و نقطه ثقل جغرافیایی شیعیان را که بر روابط قدرت در سطح جهان تأثیر گذار است، مجموعه کشورهای خاورمیانه از گذشته تاکنون و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی این کشورها می‌داند. اسلام شیعی با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی ارائه‌دهنده یک ایدئولوژی اسلامی برای تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی است که برخلاف وعده ایدئولوژی‌های مادی نمی‌تواند هدف‌های مادی گروهی را دربر بگیرد. بلکه مبتنی بر هدف‌های اخروی تمام جامعه بشری است.

بر این اساس، عوامل فرهنگی و اعتقادی به عنوان مؤلفه‌های مهم ژئوپلیتیک هستند که در آن توجه به نقش شخصیت‌های مذهبی در صحنه سیاسی ژئوپلیتیک شیعیان اهمیت می‌یابد؛ با این حال این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوگنومیک مورد توجه قدرت‌های جهانی است. همان‌طور که در دوران‌های اسلامی مورد توجه خلفا و پادشاهان اموی و عباسی بوده است. آنها اندیشه‌ای را دنبال می‌کنند که ادعای جهانی دارد. جوامع شیعی را می‌توان از نظر اثرگذاری بر تحولات بین‌المللی به سه دسته تقسیم‌بندی کرد که در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۲: تقسیم‌بندی جوامع شیعه

عنصر سیاست در شکل‌گیری هرگونه رابطه بین بازیگران در قالب بازیگر سیاسی یا اراده‌ای که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز اقدام‌ها و کنش‌هایی که بازیگر انجام می‌دهند، پدیدار می‌شود.

زیارتگاه‌های امامان شیعه از طرفی، موجب افزایش وزن ژئوپلیتیکی شیعه با اقدام‌ها و راهکارهای مذهبی و از طرف دیگر، موجبات رشد و پایداری شیعه از دوران ائمه بزرگوار فراهم شده است. بدین ترتیب، اصطلاح عتبات عالیات و ژئوپلیتیک شیعه به ادبیات علمی جهان وارد می‌شود؛ زیرا تشریح‌کننده حضور شیعیان و قدرت آنها در یک محدوده جغرافیایی است. در این میان، سیاست‌هایی با آنها به کار گرفته می‌شود تا حضور خود را در جهان پررنگ‌تر کنند. ژئوپلیتیک شیعه دانش مدیریت سرزمین‌ها، جوامع و سازمان‌ها با خاستگاه اندیشه‌ها و سیاست‌های شیعی ولایی‌محور و عدالت‌جو در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی برای ساماندهی مناسبات و روابط سیاسی به‌منظور استفاده بهینه از توان‌ها و ظرفیت‌های خدادادی درحوزه فضایی و جغرافیایی است.

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و نوع، بنیادی است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. شیوه گردآوری اطلاعات، آرشیوی (کتابخانه‌ای-اینترنتی) است. دراین راستا، از نرم‌افزارهایی مانند Smart Art برای ترسیم شکل و نمودار به‌منظور درک بهتر مفاهیم استفاده می‌شود.

عتبات عالیات یا عتبات اصطلاحی است که شیعیان دوازده‌امامی آن را برای اشاره به آرامگاه‌های امامان خود در عراق به کار می‌برند. این آرامگاه‌ها در شهرهای کربلا، نجف، سامرا و کاظمین قرار دارند. «عتبه» در لغت به معنای «آستانه درب» و جمع آن عتبات است که در اصطلاح به مشاهد متبرکه اطلاق می‌شود؛ اما بدین جهت به این اماکن «عالیات» می‌گویند که دربردارنده اجساد پاک‌ترین و برترین انسان‌ها هستند؛ درنتیجه اطلاق «عتبات عالیات» به حرم امامان دفن‌شده در عراق اختصاص ندارد و مانعی ندارد که بر مزار دیگر ائمه نیز اطلاق شود. گرچه امروزه نام «عتبات عالیات» تداعی‌کننده بارگاه امامان مدفون در عراق است. بارگاه حضرت علی (ع) در نجف اشرف، امام حسین (ع) در کربلای معلی، امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) در کاظمین، امام رضا (ع) در مشهد و امام‌هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در سامرا است. مقدس‌ترین شهرهای عراق، نجف اشرف و کربلاست. در کربلا تربتی است که اجساد پاک شهیدان عاشورا و به‌ویژه سرور آنان و سید جوانان اهل بهشت

اباعبدالله الحسین علیه السلام و برادر باوفا و بزرگوارش ابوالفضل العباس را در خود جای داده است. تاریخ شهر کربلا در دوران اسلامی از هنگام شهادت امام حسین علیه السلام آغاز می شود و تاکنون این شهر همواره در جان و روح شیعیان و مؤمنان بوده و روزبه روز بر آبادانی و وسعت آن افزوده شده است (ایمانی خوشخو و بد، ۱۳۹۵: ۱۳۷).



شکل ۳: نقشه عتبات عالیات

توسعه گردشگری مذهبی عتبات عالیات و نقش آن در افزایش ژئوپلیتیک شیعه

حس مذهبی به یک مکان مجموعه ای خاص از اندیشه ها را خلق می کند؛ درحالی که کاربردهای توریستی نوع متفاوتی از فضا را تولید می کند. این تفاوت درحین همزمانی فرصت های فراوانی را برای تلفیق و همگرایی مکان ها ارائه می دهد. امری مقدس برای زائر (امر معنوی)، زیبایی شناختی و کالایی برای گردشگران (امر مادی).

با اینکه صنعت گردشگری در دنیا یکی از منابع مهم درآمد و از عوامل مؤثر در تبادلات فرهنگی جهانی است و در مقام گسترده ترین صنعت خدماتی جهان جایگاه ویژه ای دارد (کاظمی، ۱۳۸۹)، کشورهای مذهبی تا به حال سهم بایسته ای از این صنعت بزرگ نداشته اند؛ ولی پیش بینی می شود با تکمیلی در مدیریت مکان های مذهبی و اقتصادانگاری به پتانسیل های موجود، سالانه به چندین میلیون گردشگر در سال دست یابند.

رفتار گردشگران و آرمان‌های آنها مستقیم یا غیرمستقیم نشان‌دهنده آن چیزی است که در زندگی مردم، برداشت‌هایشان، هویت طبقاتی یا گروهی و خواسته‌های اجتماعی آنها مهم و معنادار است. سبک‌های گردشگری ممکن است شاخص‌های اصلی تغییرات بنیادی باشد که در نهادهای محدودکننده‌تر دنیای روزمره نهفته است؛ زیرا گردشگری بخش کوتاهی از زندگی یک فرد است که در آن احساس می‌کند، در خیال‌پردازی‌های خود و در بهبود فیزیکی و فرهنگی افق‌های خود را آزاد می‌کند. مقاصد گردشگری به دلیل تصاویر اولیه‌ای که در ذهن افراد ایجاد می‌کنند مورد بازدید قرار می‌گیرند. مفهوم برند مقصد به عنوان یک دارایی مهم در راستای توسعه شهر و ابزاری اثربخش برای تمایز، بهبود جایگاه و افزایش نفوذ و اعتبار شهر انگاشته می‌شود (بیات و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۷).

رضایت گردشگران یکی از عوامل کلیدی در موفقیت، ثبات و پیشرفت هدف‌های یک مقصد گردشگری است. در این راستا، وجود مؤلفه‌های اثرگذار برای ایجاد محیطی امن برای گردشگران نقش کلیدی در افزایش رضایتمندی آنها از سفر به یک مقصد گردشگری دارد. پژوهشگران معتقد هستند که رضایت گردشگران از یک مقصد به هفت عامل مهم بستگی دارد که شهرهای مذهبی عراق و عتبات عالیات از آن مستثنی نیستند. این عوامل شامل:

برقراری نظم و امنیت فردی و عمومی؛

کیفیت پذیرایی و مهمان‌نوازی؛

دسترسی با داده‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی؛

تسهیلگری؛

همکاری و تشریک مساعی؛

سلامت محیطی و رعایت جوانب بهداشتی؛

رشد و پیشرفت سازه‌های زیرساختی.

بنابراین وجود شاخص‌های رضایتمندی به‌طور مستقیم با عملکرد شهر مذهبی و موفقیت آن در تحقق هدف‌های مأموریتی پیوند دارد. تجربه‌های ناخوشایند گردشگران می‌تواند رضایتمندی آنها را از مدیریت مقصد گردشگری کاهش دهد؛ اما در صورتی که مدیریت بهینه با اتخاذ تدابیر و شیوه‌های کارآمد در زمینه پیشگیری، مقابله و کنترل متغیرهای مؤثر عملکرد خوبی ارائه دهد، می‌تواند با ارتقای رضایتمندی گردشگران مذهبی (زائران) تصویری مطمئن از وجه عمومی عتبات را به عنوان برجسته‌ترین مقصد گردشگری مذهبی در منطقه خاورمیانه و

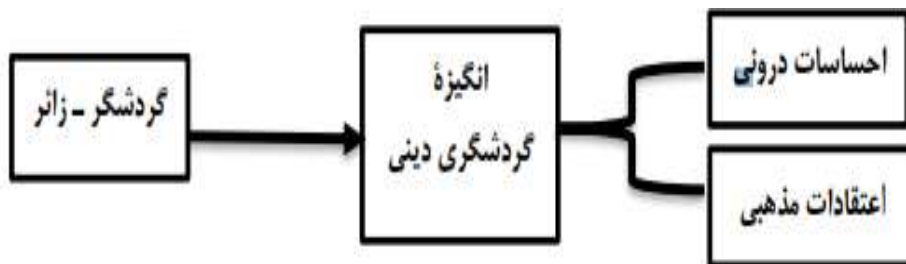
درنهایت، در جهان به لحاظ جذب گردشگر داخلی و خارجی در ذهن گردشگران ترسیم کند. بر این اساس، رضایتمندی آنها در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و زیست‌محیطی و به مثابه آن تعداد گردشگران افزایش پیدا می‌کند. این افزایش سایر ابعاد قدرت در شهرهای مذهبی عراق نقش حائز اهمیتی دارد؛ زیرا درنهایت، روابط ژئوپلیتیکی بین کشورها، دولت‌ها و بازیگران سیاسی را برپایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار خواهد کرد.

خودآگاهی شیعی و احیای مکتب سیاسی شیعه در جهان اسلام و تلاش آن برای کسب عدالت اجتماعی و سیاسی در دوره‌های مختلف از تاریخ اسلام با شیوه‌های مختلف در قالب جنبش‌ها و قیام‌های اجتماعی در کشورهای اسلامی وجود داشته است؛ بنابراین شیعیان از یکسو با دارا بودن آموزه‌های دینی و تحت‌تأثیر نهضت امامان (ع) و اسطوره‌های خود انگیزه‌های انقلابی و عدالت‌گرایانه‌ای دارند و از سویی دیگر، به دلیل شرایط تبعیض‌آمیز سیاسی- اجتماعی در ساختار قدرت، زمینه‌های بازتولید هویت جمعی آنان و تحول‌خواهی برای تغییر شرایط موجود به وضعیت مطلوب در میان آنان وجود دارد (جاودانی مقدم و نصوحیان، ۱۳۸۸: ۷۱). به‌طوری که امروزه شیعیان و مسلمانان به کربلا و به‌ویژه مکان مقدس بین‌الحرمین (آرامگاه مقدس امام حسین (ع) در آن قرار دارد) توجه کرده‌اند و این یک کد ژئوپلیتیک برای افزایش قدرت شیعه است؛ بنابراین در عصر جهانی‌شدن، فرآیند مستمر هم‌گرایی جهانی به شکلی است که الگوهای کنش‌های متقابل همواره در حال بازتولید بوده است و این امر ایجاد چارچوبی از محدودیت‌ها و فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌کند که کشورها و دولت‌ها باید خود را با آن سازگار کنند. ارزیابی علمی، تحلیل و تبیین چالش‌ها، فرصت‌ها، آسیب‌ها و تهدیدها مبتنی بر نگرشی واقع‌بینانه ضرورتی انکارناپذیر است که هر کشور باید الگوی رفتاری خود را مبتنی بر آن تدوین و پیگیری کند و این امر مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را موظف می‌کند که در راستای تدوین الگوی گذار به مرحله نوین پیشرفت به واقعیت‌های موقعیت سرزمینی با رویکرد استراتژی ژئوپلیتیک بپردازد؛ زیرا هم‌اکنون بیش از هر زمان دیگری به تحرک دیپلماتیک و برنامه استراتژیک نیاز دارد. با توجه به مطالبی که بیان شد، محققان در این مطالعه به دنبال کشف و برقراری یک تعامل جدید و سازنده بین دو پدیده «توسعه گردشگری» «افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعه» از راه یک فضای جغرافیایی مقدس و مذهبی بودند. به عبارتی، صنایع گردشگری و آنهایی که به دنبال موفقیت در کمک به ارتقا سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندی هستند، نیاز دارند که خطر تصمیماتشان را کاهش دهند.

يك روش براي كاهش اين خطر با تشخيص و درك واضح تر رویدادها و محیط آینده است. يكي از مهم‌ترین اين رویدادها در صنعت گردشگري هر کشور میزان تقاضا براي يك محصول يا مقصد گردشگري است. فعاليت گردشگري شامل مصرف مکان‌ها و سازگاری آنها برای سازگاری با گردشگری توسط سیستم‌های واسطه‌گری، تفسیر، بازنمایی و دگرگونی است. عاملان صنعت گردشگری باید به صورت نمادین قابل تشخيص باشند و دیالکتیکی بین آنچه امن و راحت و آنچه ناشناخته و شگفت‌آور است، حفظ کنند؛ از این رو آنها نیاز به اشکال و محتوای مناسب دارند.

گفتنی است که توجه داشته باشیم، فضا (الگوهای فضایی یا روابط فضایی) ابزار اصلی قدرت است. کربلا و نجف به عنوان مقدس‌ترین شهرهای عراق می‌توانند به عنوان فضایی قدرتمند از حیث جذب گردشگر باشند. فضای مذهبی می‌تواند در نقش پارادایم و کانون اصلی ژئوپلیتیکی انگاشته شود و تصویری بنیادین از این علم را متصور کند و با ابعاد مختلف زندگی جوامع انسانی نظیر فرآیندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعی درآمیخته شود. فضا و تنوع و دگرگونی‌های آن در به‌کارگیری خط و مشی یا سیاست از جمله موارد مهمی است (جونز و همکاران، ۱۳۸۶). به عبارتی، انسان‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود در زمینه‌های مختلف مشغول تغییر فضا می‌شوند که این تغییرات تحت عامل آمایش فضایی تنظیم، مدیریت و کنترل می‌شود. درحقیقت، سیاست و ایدئولوژی به عنوان فرآیند و فضای جغرافیایی به عنوان فرم و بستر همواره با یکدیگر رابطه متقابل دارند. در اینجا می‌توان بیان کرد فضای مطالعاتی در این مطالعه شهرهای مذهبی عراق در نظر گرفته می‌شود. در این میان، گردشگری به عنوان یک سیاست یا خط و مشی تا قدرت شیعه افزایش می‌یابد؛ بنابراین توان تصمیم‌گیری، اجرا و جایگاه سازمان‌های سیاسی و صاحبان قدرت در سلسله مراتب اجتماعی در ایجاد تغییرات فضایی بسیار تعیین‌کننده است (هیوز، ۱۳۶۹) و شیوه‌های حاکمیت و اقتدار سیاسی در فضا نمود عینی می‌یابد و قدرت سیاسی می‌تواند در فضایی که اشغال می‌کند، بازنمایی شود (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰). شهر به‌ویژه شهرهای مذهبی مانند کربلا و نجف و ... همواره با سیاست در ارتباط بوده‌اند. شهر به عنوان یکی از فضاهاى اصلی در جغرافیا، بستر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های مختلف تجلیگاه رقابت بین بازیگران سیاسی است.

در این راستا، شهرهای مذهبی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد قدرت و افزایش و تداوم آن داشته باشند. شهری مانند کربلا که همه‌ساله تعداد زیادی از زائران را جذب خود می‌کند، می‌تواند در اجرای سیاست‌های حکومتی در کشور عراق و همسایگان داشته و ابزار افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعه نقش مهمی داشته باشد. زائران با رفتن به مناطق مذهبی علاوه‌بر پرتاب سکوهای گردشگری، نماد عینی در جلوه‌گرشدن شاخص‌های ژئوپلیتیک برای بالابردن قدرت فضایی و مکانی شیعیان و به‌دنبال آن ارزش‌های شیعه هستند. عتبات با داشتن وجه محبوب و بارز در افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعه بسیار مؤثر عمل کرده است. این مبحث در شکل زیر نمایه می‌شود.



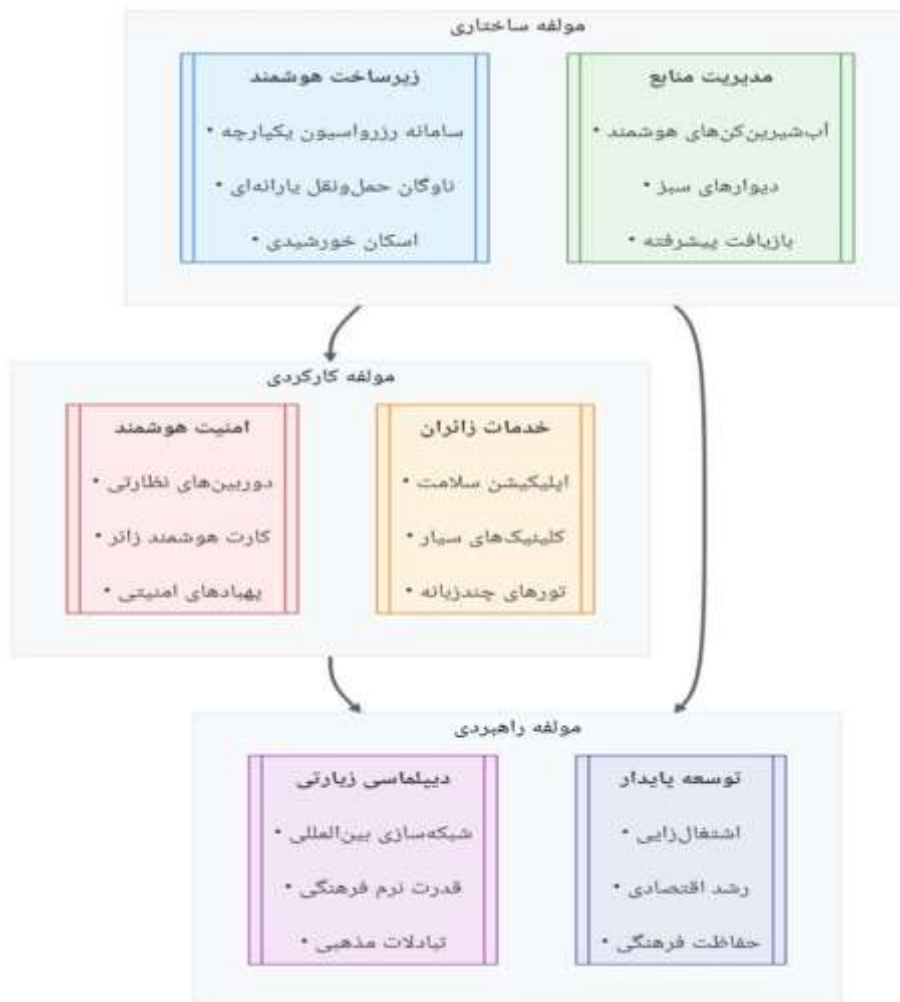
شکل ۴: الگوی انگیزشی قصد سفر دینی (منبع: ایمانی خوشخو و بد، ۱۳۹۵)

بر این اساس، وجود شاخص‌های رضایتمندی به‌طور مستقیم با عملکرد شهر مذهبی و موفقیت آن در تحقق هدف‌های مأموریتی پیوند دارد و حضور گردشگران در شهرهای مذهبی موجب‌ات افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعه را فراهم می‌کند. زائران در وهله اول برای انجام دادن مراسم مذهبی و در وهله دوم به‌عنوان یک گردشگر در پی مقاصد گردشگری خود هستند؛ بنابراین باید راهکارهایی ارائه و برنامه‌هایی تدوین و سیاست‌هایی اجرا شود تا باعث افزایش گردشگران و ایجاد انگیزه گردشگری عتبات عالیات شود. این خود از طرفی، باعث بالابردن وجه مذهبی و فرهنگی و به‌دنبال آن افزایش قدرت شهر مذهبی و عتبات و از طرف دیگر، باعث افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعه و قدرت شیعیان در جهان اسلام و در جهان بیشتر از گذشته می‌شود.

به‌طور کلی، باید گفت صنعت گردشگری در دنیا یکی از منابع مهم درآمد و از عوامل مؤثر در تبادلات فرهنگی جهانی است و در مقام گسترده‌ترین صنعت خدماتی

جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. در تحقیقات مبتنی بر رفتار در گردشگری بر تحلیل ادراک‌ها، نگرش‌ها، ترجیحات، انگیزش‌ها، رضایت گردشگر از مکان‌های گوناگون گردشگری تمرکز می‌شود. این دیدگاه از مطالعه در راستای اطلاع‌رسانی به برنامه‌ریزان گردشگری کمک می‌کند تا درباره فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی که گردشگران ترجیح می‌دهند، اطلاعات کسب کنند. انگیزه یکی از مهم‌ترین متغیرها برای توضیح رفتار مسافرتی در نظر گرفته شده است. فهم شاخص‌های انگیزشی که به تصمیم‌های سفر و رفتار مصرفی منجر می‌شود برای گردشگری حیاتی است.

از آنجا که موضوع محوری این پژوهش بازسازی عتبات برای جذب گردشگران بیشتر با هدف افزایش قدرت شیعیان در جهان است، باید توجه داشت که کنش‌های دین‌مدارانه گردشگران به زائران و گردشگران شباهت دارد. می‌توان گفت هدف زائر از مسافرت فقط انجام دادن امور دینی است؛ ولی گردشگر مذهبی ضمن انجام دادن زیارت و شرکت در مراسم دینی از مکان‌های دیگر اعم از مقدس و دنیوی نیز دیدن می‌کند؛ بنابراین گردشگری دینی را می‌توان گونه‌ای سفر قلمداد کرد که حدفصل بین زیارت و گردشگری قرار دارد. درباره مراسم زیارت امام حسین می‌توان گفت، چنین کنش جمعیت را علاوه بر اینکه می‌توان یکی از انواع گردشگری دینی به حساب آورد، می‌توان سفری زیارتی نیز قلمداد کرد؛ زیرا این انگیزه‌ها و رفتارهای مسافران است که مشخص می‌کند سفر آنها زیارتی یا گردشگری دینی است و در بین مشارکت‌کنندگان در رویداد گردشگران مذهبی می‌توان افرادی را یافت که انگیزه‌ها و رفتارهایشان به زائر و یا گردشگر دینی شبیه است. به‌طور کلی، برای رسیدن به هدف اصلی که توسعه دیدگاه شیعه و قدرت ژئوپلیتیکی شیعیان در منطقه و جهان است، باید به یکسری مؤلفه‌های و شاخص‌های اساسی توجه داشت که در شکل ۵ به آنها اشاره شده است.



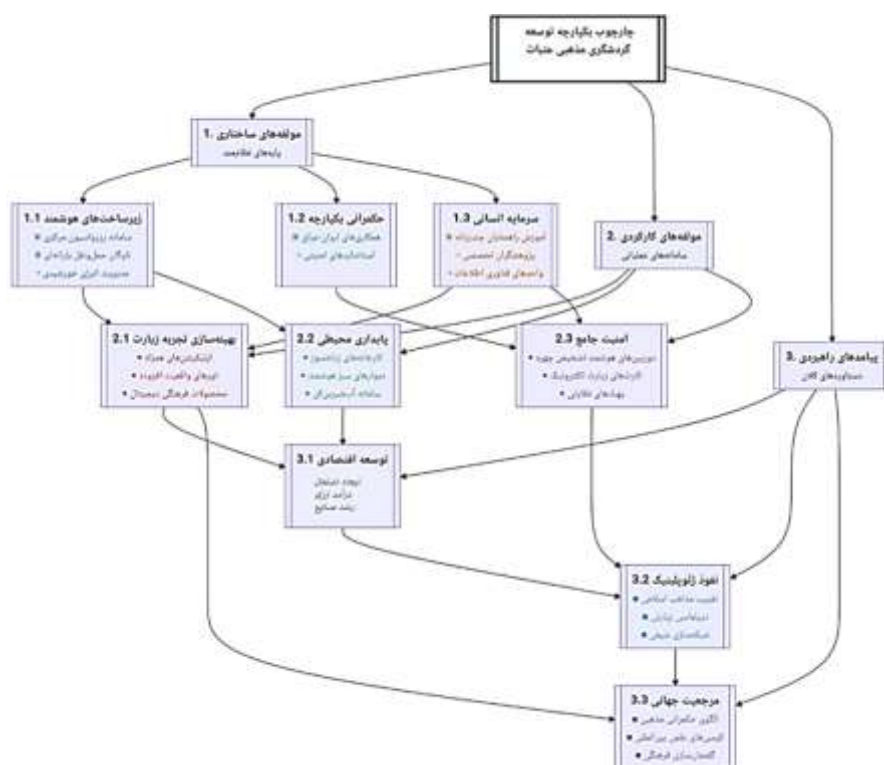
شکل ۵: مؤلفه‌های توسعه گردشگری مذهبی عتبات عالیات و نقش آن در افزایش ژئوپلیتیک شیعه

نتیجه‌گیری

زائران عتبات عالیات علاوه بر انجام دادن فریضه و عبادت به صورت مستقیم و غیرمستقیم به عنوان یک گردشگر در توسعه شهرهای زیارتی و نواحی مرزی و در تقویت زوایای ژئوپلیتیک شیعه نقش مهمی دارند. زائران در طول سفر خود نه تنها به عنوان زائر، به عنوان یک گردشگر هم محسوب می‌شوند. حضور سالانه مسلمانان به ویژه شیعیان در پیاده‌روی اربعین علاوه بر پررنگ شدن نقش عتبات در افزایش قدرت و ژئوپلیتیک شیعه در رشد ابعاد گردشگری و ایجاد زمینه‌های توسعه گردشگری مذهبی در این محدوده از قاره آسیا نقش مهمی دارد؛ بنابراین در تحقیقات و مطالعات مبتنی بر رفتار در گردشگری بر تحلیل ادراک‌ها، نگرش‌ها، ترجیحات، انگیزش‌ها، رضایت گردشگر از مکان‌های گوناگون گردشگری تمرکز می‌شود. این دیدگاه از مطالعه در راستای اطلاع‌رسانی به برنامه‌ریزان گردشگری کمک می‌کند تا درباره فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی که گردشگران ترجیح می‌دهند، اطلاعات کسب کنند. انگیزه یکی از مهم‌ترین متغیرها برای توضیح رفتار مسافرتی در نظر گرفته شده است. فهم شاخص‌های انگیزشی که به تصمیم‌های سفر و رفتار مصرفی منجر می‌شود برای گردشگری حیاتی است. از آنجا که موضوع محوری این پژوهش تأثیر گردشگری بر افزایش وزن و قدرت شیعه است، باید به بازسازی عتبات برای افزایش تعداد زائران توجه داشت که کنش‌های دین‌مدارانه گردشگران به زائران و گردشگران شباهت دارد. می‌توان گفت هدف زائر از مسافرت فقط انجام دادن امور دینی است؛ ولی گردشگر مذهبی ضمن انجام دادن زیارت و شرکت در مراسم دینی از مکان‌های دیگر اعم از مقدس و دنیوی نیز دیدن می‌کند؛ بنابراین گردشگری دینی را می‌توان گونه‌ای سفر قلمداد کرد که حدفاصل بین زیارت و گردشگری قرار دارد. درباره مراسم اربعین می‌توان گفت چنین کنش جمعیت را علاوه بر اینکه می‌توان یکی از انواع گردشگری دینی به حساب آورد، می‌توان سفری زیارتی نیز قلمداد کرد؛ زیرا این انگیزه‌ها و رفتارهای مسافران است که مشخص می‌کند سفر آنها زیارتی یا گردشگری دینی است. در این میان، ناخودآگاه یک حس خاصی بین مسلمانان در سفر به عتبات ایجاد می‌شود که رنگ اتحاد دارد و این امر در افزایش سایر ابعاد قدرت در شهرهای مذهبی عراق و قدرت شیعه که عتبات نماد بارز آن است، اهمیت بسزایی دارد.

در این راستا، به ارائه مدلی راهبردی برای افزایش قدرت و نفوذ شیعه با رویکردی

ژئوپلیتیکی با توجه به راهکارهای توسعه و پیشبرد گردشگری مذهبی عتبات عالیات پرداخته می‌شود. در این مدل به دو دسته مؤلفه توجه می‌شود که شامل مؤلفه‌های ساختاری و مؤلفه‌های کارکردی است و هرکدام شامل زیرگروه‌های است که توجه به آنها می‌تواند رسیدن به هدف‌های نهایی را تسهیل کند (شکل ۶).



شکل ۶: مدل راهبردی در نفوذ ژئوپلیتیک شیعه با رویکرد توسعه و پیشبرد گردشگری مذهبی عتبات عالیات

منابع

- افشردی، محمدحسین و اکبری، حسین (۱۳۹۲). تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی. *آفاق/منیت*، ۶ (۲۰)، ۴۵-۷۰.
- احمدی، سیدعباس و حسینی، نرجس (۱۳۹۵). وضعیت ژئوپلیتیک شیعه در عصر جهانی‌شدن.

- فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵ (۲)، ۱-۲۴.
- ایمانی خوشخو، محمدحسین و بد، مهدیه (۱۳۹۵). گونه‌شناسی زائران کربلا براساس هدف و انگیزه از سفر: مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین. فصلنامه گردشگری و توسعه، ۵ (۹)، ۱۳۷-۱۵۵.
 - بیات، ناصر؛ داودی دهاقانی، ابراهیم و حیدریگی، علی (۱۴۰۲). شیوه‌های ارتقای رضایت گردشگران مذهبی از خدمات پلیس در شهر مشهد. مجله گردشگری شهری، ۱۰ (۴)، ۳۷-۵۳. <https://doi.org/10.22059/JUT.2023.343560.1042>
 - تانکیس، فرن (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه‌های اجتماعی (ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی). تهران: دانشگاه تهران.
 - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
 - جاودانی مقدم، مهدی و نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۸). نقش انقلاب اسلامی در هویت‌یابی جمعی شیعیان. فصلنامه خط اول، ۹ (۹)، ۹۹-۱۱۲.
 - جونز، مارتین؛ جونز، رایس و وودز، مایکل (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی (ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - خلیل‌آبادی، حسن (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شهری. تهران: نشر پژوهشی نوآوران شریف.
 - کاظمی، مهدی (۱۳۸۹). مدیریت گردشگری. تهران: انتشارات سمت.
 - علمدار، اسماعیل؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا و احمدی، سیروس (۱۴۰۳). تبیین مؤلفه‌های علایق ژئوپلیتیکی در روابط خارجی ایران و ترکیه. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲۰ (۱)، ۵۶-۱۳۶۱۳۴۱۳۲۶. <https://doi.org/10.22034/igq.2024.15401326-56>
 - مسعودی‌پور، حسین؛ کریمی‌فرد، حسین؛ یوسفی، بهرام و اکبرزاده، فریدون (۱۳۹۸). ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۶). دانش سیاسی، ۱۱ (۲)، ۵۱۴-۴۸۹.
 - هیوز، هنری استیورات (۱۳۶۹). آگاهی و جامعه (ترجمه عزت‌الله فولادوند). تهران: انتشارات انقلاب اسلام.

References

- Abdullah, A. A., Awang, M. D., & Abdullah, N. (2020). Islamic tourism: The characteristics concept and principles. *KnE Social Sciences*, 4(9), 196-215.
- Abror, A., Patrisia, D., Trinanda, O., Omar, M. W., & Wardi, Y. (2021). Antecedents of word

- of mouth in Muslim-friendly tourism marketing: The role of religiosity. *Journal Of Islamic Marketing*, 12(4), 882–899. <https://doi.org/10.1108/JIMA-01-2020-0006>
- Almuhrzi, H. M., & Alsawafi, A. M. (2017). Muslim perspectives on spiritual and religious travel beyond Hajj: Toward understanding motivations for Umrah travel in Oman. *Tourism Management Perspectives*, 24, 235–242. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2017.07.016>
 - Ariffin, A. A. M. (2020). Core dimensions of Islamic hotel service: Towards their promotion in the Global Marketplace. *International Journal Of Religious Tourism And Pilgrimage*, 8(3), 9. <https://doi.org/10.21427/h1q8-t445>.
 - AULRaj, R., Griffin, K., & Blackwell, R. (2015). *Motivations for religious tourism pilgrimage festivals and events: In religious tourism and pilgrimage management: An international perspective*.
 - Cohen, E. (1974). The sociology of tourism: Approaches issues and findings. *Annu. Rev Sociol*, 10, 373–392.
 - Coleman, S. (2004). *Pilgrimage to England's Nazareth: Landscapes of myth and memory at Walsingham Intersecting journeys: The anthropology of pilgrimage and tourism* (E. Badone, & S. R. Roseman, Eds.).
 - Collins-Kreiner, N. (2020). A review of research into religion and tourism launching the annals of tourism research curated collection on religion and tourism. *Annals Of Tourism Research*, 82, 102892. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2020.102892>
 - Egresi, I. O., & Kara, F. (2018). Residents attitudes to tourists visiting their mosques: A case study from Istanbul Turkey. *Journal Of Tourism And Cultural Change*, 16(1), 1–21. <https://doi.org/10.1080/14766825.2016.1192182>
 - Fattah, A. A., & Eddy-U, M. (2018). Existential authenticity in Bedouin tourism: International tourists. *Ethnic Groups At The Beginning Of The 21st Century*, 323(20), 13.
 - Han, H., Al-Ansi, A., Olya, H. G., & Kim, W. (2019). Exploring halal-friendly destination attributes in South Korea: Perceptions and behaviors of Muslim travelers toward a non-Muslim destination. *Tourism Management*, 71, 151–164. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2018.10.010>
 - Heidari, A., Yazdani, H. R., Saghafi, F., & Jalilvand, M. R. (2018). The perspective of religious and spiritual tourism research: A systematic mapping study. *Journal Of Islamic Marketing*, 9(4), 747–798. <https://doi.org/10.1108/JIMA-02-2017-0015>
 - Ijaz, A. (2021). *Types of religious tourism: In global development of religious tourism*. IGI Global: Hershey, PA, USA,
 - Khalilov, S. (2023). *Competitive environment and the concept of sustainability in the national tourism sector*. In International Scientific And Practical Conference Of Students And Young Scientists Sustainable Development: Problems Analysis Prospects, Poland.

- Kim, B., Kim, S., & King, B. (2020). Religious tourism studies: Evolution, progress and future prospects. *Tourism Recreation Research*, 45(2), 185–203. <https://doi.org/10.1080/02508281.2019.1664084>
- Ladki, S. M., & Mazeh, R. A. (2017). Comparative pricing analysis of Mecca's religious tourism. *International Journal Of Religious Tourism And Pilgrimage*, 5(1), 4.
- Luz, N. (2020). Pilgrimage and religious tourism in Islam. *Annals Of Tourism Research*, 82, 102915. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2020.102915>
- Nikjoo, A., Razavizadeh, N., & Di Giovine, M. A. (2021). What draws Shia Muslims to an insecure pilgrimage? The Iranian journey to Arbaeen, Iraq during the presence of ISIS. *Journal Of Tourism And Cultural Change*, 19(5), 606–627. <https://doi.org/10.1080/14766825.2020.1797062>
- Nolan, M. L., & Nolan, S. (1989). *Christian pilgrimage in modern western Europe*. Chapel Hill, NC: University of North Carolina Press.
- Nolan, M.L., & Nolan, S. (1992). Religious sites as tourism attractions in Europe. *Ann Tour Res*, 19, 68–78.
- Ohlan, R., & Ohlan, A. (2024). Religious tourism scholarship: Current state and future research directions. *Journal Of Islamic Marketing*, 15(3), 800–818. <https://doi.org/10.1108/JIMA-05-2023-0152>
- Patwardhan, V., Ribeiro, M. A., Woosnam, K. M., Payini, V., & Mallya, J. (2020). Visitors loyalty to religious tourism destinations: Considering place attachment, emotional experience and religious affiliation. *Tourism Management Perspectives*, 36, 100737. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2020.100737>
- Qurashi, J. (2017). Commodification of Islamic religious tourism: From spiritual to touristic experience. *International Journal Of Religious Tourism And Pilgrimage*, 5(1), 89–104.
- Rinschede, G. (1992). Forms of religious tourism. *Annals of Tourism Research*, 19(1), 51–67. [https://doi.org/10.1016/0160-7383\(92\)90106-Y](https://doi.org/10.1016/0160-7383(92)90106-Y)
- Rinschede, G. (1992). Forms of religious tourism. *Annals Of Tourism Research*, 19(1), 51–67. [https://doi.org/10.1016/0160-7383\(92\)90106-Y](https://doi.org/10.1016/0160-7383(92)90106-Y)
- Rusli, R., & Nurdin, N. (2022). Understanding Indonesia millennial ulama online knowledge acquisition and use in daily fatwa making habits. *Education And Information Technologies*, 27(3), 4117–4140. <https://doi.org/10.1007/s10639-021-10779-7>
- Smith, V.L. (1992). The quest in guest. *Ann Tour Res*, 19, 1–17.
- Terzidou, M., Scarles, C., & Saunders, M. N. (2018). The complexities of religious tourism motivations: Sacred places, vows and visions. *Annals Of Tourism Research*, 70, 54–65. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2018.02.011>
- Timothy, D.J., Olsen, D.H. (2006). *Tourism religion and spiritual journeys*. Routledge:

London, UK.

- Vukonić, B. (2006). *Sacred places and tourism in the Roman Catholic tradition: In tourism religion and spiritual journeys* (J.T. Dallen, & D.H. Olsen. Eds.). Routledge: Abingdon, UK.
- Zarkada, A. K., Kashif, M., & Zainab, Z. (2025). The structure and content of the religious tourism destination image construct: An exploratory netnography of travelers reviews of Makkah and Medina. *Journal Of Islamic Marketing*, 16(3), 689–712. <https://doi.org/10.1108/JIMA-06-2024-0229>

آثار فقهی و اصولی و اجتماعی آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و نقش ایشان در حوزه علمیة نجف اشرف

حسین حلبیان^۱

چکیده

پژوهش حاضر در مقام بیان برخی آثار علمی و اجتماعی مرحوم آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی است که از مراجع تقلید شیعه در نجف اشرف بوده‌اند و با تألیف کتاب *عروة الوثقی* به «صاحب عروه» معروف هستند و در حیات و رونق علم و حوزه علمیة نجف اشرف نیز کوشیده‌اند. علمای ایرانی بسیاری در عتبات عالیات عراق نقش‌آفرینی علمی و اجتماعی و شاگردپروری کرده‌اند که محقق در این پژوهش به زندگانی علمی و اجتماعی جناب صاحب عروه توجه دارد و فهرستی از آثار و شاگردان ایشان را فراهم آورده است. هدف از پژوهش حاضر معرفی نقش صاحب عروه بر حوزه علمیة و به تبع نقش ایشان در برجسته‌سازی عتبات در زمان زعامت ایشان است. در این میان، نقش علما در گسترش فرهنگ زیارت، حفاظت و بازسازی از عتبات بسیار حائز اهمیت بوده است.

کلمات کلیدی: سید یزدی، صاحب عروه، آثار، شاگردان، نقش اجتماعی و سیاسی

۱. استاد درس خارج حوزه علمیة قم.

مقدمه

ایرانیان در رشد و بالندگی حوزه‌های علمی عراق و سامان اجتماعی آن نقش پررنگی داشته‌اند و همچنان نیز دارند. شاهد بر این مطلب از جناب شیخ طوسی که به‌عنوان پایه‌گذار حوزه علمی نجف اشرف است تاکنون که آیت‌الله سید علی سیستانی نقش بسیار مثبتی در حفظ و اداره عراق و حوزه علمی دارد. مرحوم آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی یکی از فقهای است که با آگاهی بخشی، خدمات علمی و اجتماعی و پرورش شاگردان در عتبات، ایران و حوزه‌های علمی مؤثر بوده است. در این پژوهش تا حدودی شخصیت، آثار، خدمات و شاگردان ایشان معرفی خواهد شد.

زندگینامه علمی

از تأسیس حوزه علمی نجف اشرف هزار سال می‌گذرد که در این مطالعه زندگی یکی از استوانه‌های علمی و اجتماعی حوزه علمی نجف اشرف، یعنی آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی بررسی می‌شود.

در سیره سیاسی و اجتماعی و شرح حال ایشان کتاب‌ها و مقاله‌های چشمگیری نوشته شده است.^۱ صاحب عروه متولد حدود ۱۲۵۳ و متوفای ۱۳۳۷ هجری قمری است.^۲ اصل ایشان از کسنویه در نزدیکی یزد است (تهرانی، ۱۴۳۰ ق: ۱۷ و ۷۱). ایشان از یزد به اصفهان و سپس به نجف می‌روند. به گفته اعیان‌الشیعه «سید محمدکاظم فرزند سید عبدالعظیم طباطبائی یزدی در یزد مبادی علوم را فراگرفته و سپس به اصفهان آمده. در درس آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر نجفی، فرزند شیخ محمدتقی، صاحب هدایة المسترشدين و نیز در درس حاجی محمدجعفر آاده‌ای شرکت می‌کند و سپس به همراه فرزندان حاج شیخ محمدباقر، یعنی شیخ محمدتقی مشهور به آقانجفی و شیخ محمدحسین صاحب تفسیر مجدالبیان و شیخ

۱. از جمله کتاب فراتر از روش‌آزمون و خطا نوشته مرحوم آقای شیخ علی ابوالحسنی مندر است که مفصل به زندگانی و موضع‌گیری‌های سیاسی اجتماعی ایشان پرداخته است.

کتاب السید محمدکاظم الیزدی سیره و أوصاء علی مرجعیه و مواقفه و وثائقه السیاسیه اثر آقای کامل سلمان الجبوری که در بیش از ۸۰۰ صفحه به چاپ رسیده است.

۲. مراجعه کنید به مقدمه کتاب اجتماع الأمر والنهی تألیف مرحوم سید طباطبائی یزدی به تحقیق اینجانب صفحه ۵ تا ۱۶ که شرح حال و زندگینامه خوبی از مرحوم سید آنجا آورده‌ام.

محمدعلی به نجف می‌روند و در نجف بر شیخ مهدی فرزند شیخ علی فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و نیز شیخ راضی نجفی و نیز جناب میرزای بزرگ شیرازی حاضر می‌شوند» (امین، ۱۴۰۳ ق، ۱۰: ۴۳).

آورده‌اند: «عمده تحصیلش در اصفهان نزد صاحب روضات و صاحب مبانی و حاج شیخ محمدباقر ابن شیخ محمد تقی اصفهانی بوده، سپس به نجف اشرف هجرت کرده و آنجا به حوزه درس مرحوم شیخ راضی ابن شیخ محمد نجفی و آیت‌الله مجدد حاج میرزا محمدحسن شیرازی حاضر و پس از فوت سید مجدد به افاده و تدریس پرداخته. لیلًا و نهارًا مشغول افاضه و استفاضه بوده. آنی را غفلت نداشته است. بالأخص در تحقیق علم فقه نهایت کوشش و جدیت را به کار برده تا مجتهدی فحل و فقیهی بارع و بی همال گردید و بالأخره ریاست کبری و زعامت عظمای شیعه به او مفوض و مسلم شد» (روضاتی، ۱۳۹۶: ۱۹۵ و ۱۹۶).

در کثرت سعی و مطالعه صاحب عروه آورده شده است که هفت بار در کتاب *جواهر الکلام* از اول طهارت تا آخر دیات نظر کرده‌اند (اعلمی، ۱۴۳۲ ق: ۲۱۰).

به نوشته مرحوم معلم حبیب‌آبادی «شهرت و ریاستی مهم پیدا کرد و الحق از جهت جامعیت وی در فقه جای آن را داشت و علمای بزرگ فیض مجلس مقدس او را غنیمت عظیم دانسته و در تدریس فقه حوزه‌ای مشحون به محققین برایش برپا شده» (معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۶۴، ۴: ۱۳۲۱).

آثار علمی صاحب عروه

اجتماع الأمر والنهی (تهرانی، بی‌تا، ۱: ۲۶۸)

تألیف این کتاب در ۱۳۰۰ قمری پایان یافته و چاپ نیز شده است. به تازگی با تحقیق اینجانب نیز در سال ۱۴۰۰ شمسی در قم به چاپ رسید. این کتاب در بیت جناب خیر الحاج آقای حاج آقا مصطفی حلبیان تحقیق شده و در قم با منشورات الخوئی به اهتمام حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی صدرايي خوئی به چاپ رسیده است. قبل از اینجانب نیز کتاب با

۱. عبارت عربی ایشان چنین است: «السید کاظم الیزدی صاحب العروة الوثقی فی الفقه المتداول بأیدی الطلاب الیوم. عالم فاضل جلیل متبحر فقیه. سمعت من أستاذی الشیخ محمد تقی القمشی الإصفهانی الساکن بالنجف الأشرف قال: سمعت من جناب السید یقول: نظرت فی الجواهر من أول الطهارة إلى آخر الدیات سبع مرّات».

تصحیح جناب حجة الاسلام و المسلمین محسن احمدی تهرانی منتشر شده است.

بستان نیا

این رساله در کنگره مرحوم سید در سال ۱۳۹۱ شمسی همراه با *الكلم الجامعة والحکم النافعة* و نیز *الصحيفة الكاظمية* در کتابی با عنوان سه رساله چاپ شده است (تهرانی، بی تا، ۳: ۱۰۸؛ طباطبائی یزدی، ۱۳۹۱: ۱۷).

تكملة العروة الوثقى (ملحقات العروة الوثقى) (امینی، ۱۳۸۵: ۳۳۵).

مرحوم سید محسن امین نقل کرده است که آیت الله سید محسن حکیم تعلیقاتی بر آن دارد (امین، ۱۴۰۳ ق، ۹: ۵۷).

حاشیه فرائد الاصول (حلبیان، ۱۳۹۶: ۲۳۸ و ۲۳۹).

حاشیه المکاسب (تهرانی، بی تا، ۶: ۲۲۰).

برخی فضلا بر این حاشیه نیز تعلیقاتی نگاشته اند (تهرانی، بی تا، ۱۱: ۴۸).

حاشیه بر فقه علامه مجلسی

حاشیه بر تبصرة المتعلمین

به تازگی به اهتمام استاد سید مصطفی محقق داماد حاشیه مرحوم سید و جناب شیخ محمدحسین کاشف الغطاء بر تبصرة چاپ شده است. استاد محقق داماد بیان کرده اند: «جناب کاشف الغطاء هم بر متن علامه حاشیه دارد و هم در مواردی که نقدی بر نظر سید طباطبائی داشته به آن نیز حاشیه زده است» (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۲۵). همچنین، آیت الله علامه شیخ محمدرضا غراوی نیز بر حواشی سید مطالبی نگاشته اند که با عنوان *إزالة الغواشي في مدرک الحواشي* با تحقیق جناب شیخ رافد غراوی به چاپ رسیده است.

حاشیه بر مناسک حج حاج شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی

حاشیه بر صراط النجاة حاج شیخ مرتضی انصاری

حاشیه بر نجات العباد فی يوم المعاد صاحب جواهر (مشار، ۱۳۴۰: ۲۹۹).

حاشیه بر نخبه حاجی کلباسی

حاشیه بر انیس التجار ملا مهدی نراقی

حاشیه بر رساله سید علی موسوی قزوینی

سید علی علوی قزوینی در مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۹۱ چاپ کرده است.

حاشیه بر جامع عباسی

انتشارات جامعه مدرسین قم به همراه جامع عباسی منتشر کرد.

حاشیه بر مجمع المسائل میرزای شیرازی بزرگ (تهرانی، بی‌تا، ۲۰: ۲۹ و ۳۰، ۴۳ و ۴۴).

رساله فی حکم الظن فی الصلاة و بیان کیفیة صلاة الاحتیاط (تهرانی، بی‌تا، ۸: ۲۸۳).

شروط صحّة الشرط

تقریر آیت‌الله سید محمدباقر درجه‌ای که با تحقیق اینجانب در مجله تراثنا چاپ شده است (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۳: ۱۲۰).^۱

رساله ذخیره الصالحین

با حواشی آیت‌الله سید محمد حجت کوهکمری چاپ شده است.

رسالة في منجزات المريض (تهرانی، بی‌تا، ۲۳: ۱۸).

کتاب التعارض (تهرانی، بی‌تا، ۴: ۲۰۴).

میرزا ابوالقاسم انصاری تلخیص شده است (انصاری، ۱۳۶۳ ق: ۶۷).

سؤال و جواب

در دو جلد چاپ شده است.

الصحيفة الكاظمية (تهرانی، بی‌تا، ۱۵: ۲۳).

العروة الوثقى (تهرانی، بی‌تا، ۱۵: ۲۵۲).

در مطبعة دارالسلام بغداد به سال ۱۳۲۸ قمری چاپ شده است.

منتخب الرسائل

آقا سید ابوالقاسم اصفهانی گراوری کرده است^۱ (تهرانی، بی‌تا، ۲۲: ۴۰۵).

الكلم الجامعة والحكم النافعة (تهرانی، بی‌تا، ۱۸: ۱۲۶).

مجال الأفكار لأرباب الأنظار

سید ابراهیم شریفی در عتبة مقدسه عباسیه چاپ کرده است.

همچنین، جناب سید محمد طباطبایی یزدی بیان داشته است: مرحوم والد ما سید عبدالعزیز طباطبایی در یادداشت‌های خود آورده‌اند: «حجة الإسلام و المسلمین آقای سید مصطفی مهدوی هرسثانی اصفهانی گفت در نزد شیخ مرتضی طالقانی در مدرسه سید در نجف درس می‌خواندم. ایشان می‌فرمودند: من هر وقت کتاب لازم داشتم از کتابخانه شخصی سید به عاریت می‌گرفتم و هیچ کتابی در معقول یا در منقول نگرفتم از ایشان إلا اینکه ایشان بر گرداگرد صفحاتش حاشیه نوشته بود؛ از جمله فصول و قوانین» (طباطبائی یزدی، ۱۳۹۵:

۱. برای شرح حال ایشان رک: مهدوی، سید مصلح الدین، اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۳۲۷.

(۱۲).

آقا بزرگ تهرانی از استادان ایشان در علوم عربی شیخ حسن اردکانی را برشمرده اند.^۱ به توفیق الهی اجازه روایت و تصدیق اجتهاد اینجانب با دو واسطه به مرحوم صاحب عروه می‌رسد.

جناب آقای علی‌اکبر زمانی‌نژاد در کتاب سه رساله از صفحه ۲۰۵ تا ۲۸۲ در مقاله‌ای با عنوان «کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی حضرت آیه‌الله العظمی سید محمدکاظم طباطبائی یزدی رحمه الله» به طور مفصل به آثار مرحوم سید پرداخته است.

فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی صاحب عروه

مرحوم آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی نقش مهمی در اداره حوزه علمیه نجف اشرف داشتند و از آثار باقی‌مانده از ایشان مدرسه جناب سید طباطبائی یزدی در نجف است. از حرم مطهر در شارع‌الرسول که حرکت کنیم پس از طی مسافت کوتاهی در سمت راست کوچه‌ای است که مدرسه جناب سید در آن قرار دارد.

مدرسه سید یزدی در نجف اشرف

از آثار باقی‌مانده از ایشان مدرسه جناب سید طباطبائی یزدی در نجف است. از حرم مطهر در شارع‌الرسول که حرکت کنیم پس از طی مسافت کوتاهی در سمت راست کوچه‌ای است که مدرسه جناب سید در آن قرار دارد. از جمله ساکنان و محصلان آن مدرسه اشاره می‌شود به:

۱. شیخ مرتضی طالقانی؛^۲
۲. شیخ حسن علی محمدی بجنوردی^۳ (آقا بزرگ ایشان را از حافظان قرآن یاد کرده است)؛
۳. شیخ محمد بروجردی نجفی.^۴

۱. رک: تهرانی، محمدمحسن، طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۳، ص ۳۷۸.

۲. رک: تهرانی، محمدمحسن، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۷، ص ۲۳۹.

۳. رک: تهرانی، محمدمحسن، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۴. رک: تهرانی، محمدمحسن، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۱۷، ص ۲۳۹.

شرح حال سیاسی و اهتمام مرحوم سید به حفظ و حراست از اسلام و مسلمانان خود فرصتی می‌خواهد که اکنون در مقام بیان آن نیستیم و فقط به فتوای دفاع ایشان اشاره می‌شود.

حکم جهاد سید صاحب عروه در جنگ جهانی اول بر ضد تجاوز متفقین به کشورهای اسلامی

آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی مدافع احکام و شریعت و عزت اسلام و مسلمانان بوده اند و در این کار مشی و سیره و نظری داشته‌اند و طبق صلاحدید خود عمل کرده یا دست از عمل کشیده‌اند. سیاست، عرصه انتخاب‌های متفاوت و آرا مختلف است.

از فعالیت‌های سیاسی مرحوم سید یزدی این است که در واقعه هجوم متفقین به کشور اسلامی فتوای دفاع صادر می‌کنند.^۱ در قسمتی از این حکم آمده است: «ألا وقد رفرف الخطر على أوطان المسلمين ونفوسهم وأموالهم وأعراضهم فيجب على العشائر الساكنين في الثغور وغيرها حفظ حدودهم والدفاع عن بيضة الإسلام بكل ما يتمكنون. والله هو الناصر والمعين والمؤيد للمسلمين».

شاگردان برجسته صاحب عروه

شاگردان سید محمدکاظم طباطبائی یزدی بسیار است؛ بنابراین فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- محمدحسن انصاری بوشهری (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۳: ۲۵۸).
- میرزا علی ایروانی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۱۴۰).
- سید جعفر بحرالعلوم (تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۳: ۲۸۱).
- شیخ غلامعلی بهبهانی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۲۸۷).
- شیخ محمدحسین فرزند شیخ محمدرضا فرزند حاج علی تبریزی.^۲

۱. رک: أبوالحسنی، علی، فراتر از روش آزمون و خطا، ص ۶۲۹.

۲. یادداشت‌های استاد عبدالحسین جواهرکلام.

- شیخ علی اصغر تویسرکانی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۲۳۴).
- شیخ محمدرضا تهرانی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۳: ۳۲۵).
- شیخ محمدمحسن آقابزرگ تهرانی (حرزالدین، ۱۴۰۵، ۲: ۱۸۶).
- شیخ عبدالصاحب جواهری فرزند شیخ حسن فرزند صاحب جواهر (جواهر کلام، ۱۴۱۰ ق: ۲۰).
- شیخ عبدالرسول جواهری فرزند شیخ شریف فرزند عبدالحسین فرزند صاحب جواهر (جواهر کلام، ۱۴۱۰ ق: ۲۰).
- شیخ محمدحسن جواهری فرزند شیخ احمد فرزند شیخ عبدالحسین فرزند صاحب جواهر (جواهر کلام، ۱۴۱۰ ق: ۳۲).
- شیخ محمدرضا فرزند ملا علی جرقویه‌ای (تقریرات درس فقه آیه‌الله سید طباطبائی یزدی را نیز نوشته است) (مهدوی، ۱۳۸۴، ۲: ۶۲۷ و ۶۲۸).
- شیخ محمد حرزالدین صاحب معارف الرجال (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۶).
- سید مهدی حسینی شیرازی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۳: ۱۶۶).
- علی اکبر خوانساری (تهرانی، بی‌تا، ۲۲: ۲۴۴).
- شیخ موسی دعیبل (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۳: ۷۷).
- حاج ملا حسن دولت‌آبادی (مهدوی، ۱۳۸۴، ۱: ۲۰۷).
- شیخ عباسقلی رازی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۳۶).
- شیخ جواد رشتی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۱: ۲۱۳).
- شیخ عبدالحسین رشتی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۴۸).
- سید اسماعیل ریزی (مهدوی، ۱۳۸۶، ۱: ۵۸۷).
- شیخ محمد مهدی سبط الشیخ انصاری (تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۷: ۴۷۰).
- سید عبدالحسین شرف الدین (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۵۱).
- سید احمد صفائی خوانساری (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۱: ۱۱۰).
- سید مشکور طالقانی (تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۷: ۳۶۷).
- شیخ هادی طُرفی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۳: ۲۳۵).

- سید علی طباطبائی تبریزی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۲۲۰).
- سید محمد مهدی علوی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۴: ۱۰۳).
- سید محمدرضا فرزند سید محمدعلی علوی بختیاری (تقریراتی از درس صاحب عروه دارد) (علمی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۷۹ و ۲۸۰).
- شیخ محمدرضا غراوی نجفی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۳: ۲۸۶؛ غراوی، ۱۴۴۲ ق، ۲۹).
- شیخ محمدرضا فرقانی جرقویه‌ای (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۳: ۳۳۷).
- شیخ فضلعلی قزوینی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۳۰۵).
- شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۲۷۲).
- شیخ احمد کاشف الغطاء (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۱: ۸۸).
- شیخ مرتضی کاشف الغطاء (تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۷: ۳۴۶).
- شیخ هادی کاشف الغطاء (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۳: ۲۴۵).
- حاج شیخ محمدعلی کرمانی (مهدوی، ۱۳۸۴، ۱: ۵۳۴ و ۵۳۵).
- سید محمدهادی کشمیری رضوی (تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۷: ۵۳۷).
- میرزا ابوالهدی کلباسی (مهدوی، ۱۳۸۶، ۱: ۳۶۹).
- سید محمدعلی مازندرانی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۴: ۱۹).
- شیخ مهدی مازندرانی مدفون در قبرستان شیخان قم
- شیخ علی مانع (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۱۳۴).
- شیخ منصور مختصر (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۳: ۲۵).
- شهید سید حسن مدرس (مهدوی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۸۳ و ۴۸۴).
- حاج میرزا محمدحسین مدرس کهنگی (تقریرات فقهی از درس صاحب عروه هم برای ایشان برشمرده‌اند) (مهدوی، ۱۳۸۴، ۱: ۵۳۱).
- شیخ محمدحسن مظفر (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۲۴۶).
- سید محمدباقر موسوی درچه‌ای^۱
- سید محمدحسین موسوی دزفولی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۲۶۷).
- سید علی مدد موسوی قائنی (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ۲: ۱۴۵).

۱. رک: موسوی درچه‌ای، سید محمدباقر، میزان الفقاهة، ج ۱۲، پاورقی ص ۴۱.

- آقا سید عبدالله ثقة الإسلام میر محمدصادقی (میرمحمدصادقی، ۱۴۳۲ ق: ۴۷).
 - شیخ نورالدین واعظی (تقریرات صاحب عروه در بحث غنا را نوشته است) (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۴: ۲۲۳).
 - سید علی نجف آبادی (نجفی، ۱۴۳۷ ق: ۱۴۷).
 - شیخ جمال‌الدین نجفی مسجدشاهی (مهدوی، ۱۳۶۷، ۳: ۷۰).
 - شیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی (صاحب کتاب وقایة الأذهان) (مهدوی، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۶۲۰ و ۶۲۱).
 - شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی (مهدوی، ۱۳۶۷، ۳: ۱۷۲). صاحب کتاب الأرائک فی أصول الفقه که با تحقیق برادر عزیزم جناب حجة الإسلام و المسلمین حاج آقا احمد حلبیان حفظه الله به چاپ رسیده است.
 - شیخ میرزا مجدالدین علی نراقی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۱۷۶).
 - شیخ احمد نهاوندی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۳: ۱۲۰؛ جواهر کلام، ۱۳۸۲، ۱: ۳۹۲).
 - شیخ محمد نهاوندی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۳: ۴۳).
 - شیخ علی‌اکبر یزدی (حسینی اشکوری، ۱۴۳۹ ق، ۲: ۲۴۵).
 - شیخ عبدالرسول یزدی (تهرانی، بی‌تا، ۱۱: ۴۸؛ مجتهد یزدی، ۱۴۳۹ ق: ۵۱۸).
 - میرزا مهدی اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۴۰ ق: ۱۹).
 - محمدحسن عالم نجف آبادی (جوادی، ۱۴۰۲، ۴۵).
 - سید فاضل خلخالی^۱
 - سید احمد خوانساری^۲
 - سید ابو القاسم زنجانی^۳ (در مسجد خیاط‌ها نماز می‌خوانده است).
- در این زمینه فهرست‌های دیگری هم جمع آمده است که می‌توان به آنها مراجعه و بررسی

۱. رک: شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۴۴۳.

۲. رک: جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، ج ۱، ص ۳۲۳. آقای حاج محمدتقی انصاریان در مرجع متقین به شرح حال آیت‌الله خوانساری به‌طور مفصل پرداخته‌اند.

۳. جناب آقای حجة الاسلام سید عطا احمدی بیان می‌کردند.

کرد.^۱

جایگاه کتاب العروة الوثقی

از آثار مرحوم سید طباطبائی یزدی کتاب *العروة الوثقی* است که به دلیل تألیف این کتاب ایشان را به اسم صاحب عروه می‌خوانند. کتاب مهمی در فقه است که حواشی متعددی از فقهای نام‌آور شیعه بر آن موجود است.^۲

این کتاب به بیان مرحوم آقابزرگ تهرانی مشتمل بر ۳۲۶۰ مسئله فقهی است و کتاب‌های طهارت، صلات، صوم، زکات، خمس، حج و نکاح در آن آمده است (تهرانی، ۱۴۳۰ ق، ۱۷: ۳۴۶). کتاب عروه با عنوان *غایة القصوى* ترجمه به فارسی و در آن بیان شده است: «از کتاب طهارت تا اواخر احکام اموات ترجمه حاج شیخ عباس قمی و بقیه تا آخر کتاب خمس ترجمه ابوالقاسم موسوی اصفهانی است».^۴

فقه‌ها به کتاب عروه و ترجمه‌اش با عنوان *غایة القصوى* توجه کرده‌اند و بر اصل کتاب و ترجمه آن حواشی نگاشته‌اند.^۵ همچنین، در آن بزرگانی را یاد کرده‌اند که بر *غایة القصوى* حاشیه زده‌اند؛ از جمله: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی،^۶ میرزا جواد ملکی تبریزی.^۷

۱. رک: مجتهدی، سید محمد، وحیده مقدم، شاگردان علامه سید محمدکاظم طباطبائی یزدی رحمه الله، شناخت نامه حضرت آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، ص ۱۱۱ تا ۱۳۴.

۲. جناب آقای علی‌اکبر زمانی‌نژاد در مقاله‌ای با عنوان «تراز/جتهاد در پرتو عروه» در مجله فقه شماره ۷۳، ص ۲۶۵ تا ۳۰۰ به این کتاب و برخی کتاب‌های مرتبط با آن پرداخته‌اند.

۳. رک: تهرانی، محمدحسن، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، ج ۱۵، ص ۲۵۲.

۴. رک: مشار، خان بابا، *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*، ج ۳، ص ۳۶۰۹ و ۳۶۱۰.

۵. رک: کتاب سه رساله، ص ۲۹۵ تا ۳۲۵ که در دو مقاله جناب آقای علی‌اکبر زمانی‌نژاد به معرفی کتاب *غایة القصوى* و چند حاشیه بر آن پرداخته‌اند.

۶. رک: سه رساله، ص ۳۰۹.

۷. رک: موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج ۸، ص ۴۹۹.

شرح‌های مهمی نیز بر کتاب عروه نوشته شده است؛ مانند:

۱- مستمسک العروة الوثقی از آیت‌الله سید محسن حکیم^۱

کتابی است که چاپ‌های متعدّد دارد و در سال‌های اخیر با تحقیق جناب آقای سید محمد قاضی چاپ شده است. در این تحقیق آقایان سید صادق قاضی، سید محمد خلخالی و شیخ محمد مشکور ایشان را یاری کرده‌اند. شکر الله سعيهم؛

۲- مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی از آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی^۲

۳- مدارک العروة^۳

این کتاب در ۳۰ جلد از آقای شیخ علی پناه اشتهاوردی است که انتشارات اسوه چاپ کرده است؛

همچنین، کتاب عروه مدار درس‌های خارج اعلامی مثل آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی نیز بوده که تقریرات دروس القاشده ایشان خود گنجینه‌ای در فقه استدلالی است؛ مانند:

۱- مدارک العروة الوثقی (فقه الشیعة) که تقریرات درس آیه الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی است که توسط شاگرد ایشان آیه الله سید محمد مهدی موسوی خلخالی گرد آمده است؛^۴

۲- التنقیح فی شرح العروة الوثقی تقریری دیگر از دروس آیه الله خوئی گرد آمده توسط آیه‌الله میرزا علی غروی^۵

۳- مستند العروة الوثقی از دروس آیه الله خوئی که توسط آقای آیه الله شیخ مرتضی

۱. رک: تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۶۹، و ج ۲۱، ص ۱۴.

۲. رک: امین، سید حسن، مستدرکات أعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۵۹.

۳. رک: مشار، خان بابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۴، ص ۵۵۶.

۴. رک: تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴۰.

۵. رک: رفاعی، عبد الجبار، معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص ۴۷۹.

بروجردی تقریر شده؛^۱

۴- معتمد العروة الوثقی از دروس آیه الله خوئی که توسط آیه الله سید رضا موسوی خلخالی تقریر شده است.

توجه و عنایات بزرگان به شرح و تحشیۀ عروه مسلم است^۲ و کتاب شناسی شرح ها و حواشی عروه خود بحث مستقلی است که در این پژوهش نمی گنجد. مؤسسۀ نور نیز نرم افزاری با نام عروة النور تهیه کرده که در آن برخی شرح ها و حواشی عروه در دسترس است. با روشن شدن میزان اهتمام به کتاب عروه و حاشیه بر آن اهمیت اصول صاحب عروه که در شکل گیری چنین آرا و فتاوایی دخیل است نیز بر اهل رأی روشن خواهد شد. این کتاب محور بسیاری از درس های خارج اعلام امامیه است و شناسایی نظرهای اصولی ایشان در مباحث الفاظ در تحلیل و تحشیۀ این اثر گرانقدر فقهی می تواند اثر مطلوبی داشته باشد.

این کتاب تتمات و ملحقاتی نیز دارد که به چاپ رسیده است. آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطا نیز از وصایای مرحوم سید نصر این تتمه های کتاب عروه را یاد کرده است.^۳ مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه نقل کرده که آیت الله سید محسن حکیم تعلیقاتی بر ملحقات عروه دارند.^۴

جناب استاد سید مصطفی محقق داماد درباره عروه بیان داشته اند: «کتاب عروة الوثقی شایع ترین مجموعه فتوایی به زبان عربی در میان فقهای متأخر تا زمان حاضر و مهم ترین و

۱. رک: رفاعی، عبدالجبار، معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص ۵۴۲.

۲. رک: باقری افشار، پوران، معرفی حواشی، شروح و تعلیقات بر عروة الوثقی، فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲۰۷ تا ۲۲۶. همچنین، آقای ناصرالدین انصاری قمی نیز در این رابطه فهرستی فراهم آورده است.

۳. کاشف الغطا، محمدحسین، عقود حیاتی، ص ۱۱۷: «و فی لیلة الثامن و عشرين من رجب مقارب طلوع الفجر انتقل إلى رحمة الله و كان من جملة وصایاه إعطاء الخبز للطلاب ثلاثة أشهر، وطبع تتمات العروة الوثقی و إن زاد المال يطبع السؤال والجواب وإعطاء العبادات والحجّ المقيّدة في دفتره، فأنجزنا بتوفيقه تعالى جميع ما أراد».

۴. رک: امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۵۷.

مشهورترین تألیف طباطبائی است. در زمان حیات ایشان بخش‌هایی که چاپ و انتشار یافت شامل ابواب فقهی زیر بود: (۱) اجتهاد و تقلید؛ (۲) طهارت؛ (۳) صلات؛ (۴) زکات؛ (۵) خمس؛ (۶) صوم؛ (۷) حج؛ (۸) اجاره؛ (۹) مضاربه؛ (۱۰) ضمان؛ (۱۱) نکاح؛ (۱۲) وصیت.^۱

ایشان ملحقات عروه را نیز مشتمل بر ابواب فقهی (۱) ربا؛ (۲) عدد؛ (۳) وکالت؛ (۴) هبه؛ (۵) وقف؛ (۶) قضاء بیان کرده‌اند.^۲

البته باید توجه داشت که عروه فقط فتوا نیست و گاهی به مبانی و اصول نیز در آن پرداخته شده است.

در این سال‌ها مؤلف گرانقدر جناب آقای حجة الإسلام و المسلمین شیخ رضا قربانیان در حال تدوین رساله آموزشی *عروة الوثقی* هستند که تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است.

نتیجه‌گیری

جناب صاحب عروه از فقهای برجسته در قرن‌های متأخر بوده‌اند که از طرفی با حفظ کیان تشیع و گسترش فرهنگ ضد استبدادی توانسته بودند انسجام مذهب تشیع را در زمان خود حفظ کنند و از طرفی، بر حفظ و نگهداری و بازسازی عتبات عالیات کوشیدند. حوزه دینی ایشان در نجف اشرف از بهترین حوزه‌های دینی زمان خودشان بوده است. همین حوزه و ساخت مدرسه‌ای در کنار حرم مطهر حضرت علی علیه‌السلام و مبارزه‌های سیاسی ایشان کمک کرده بود که حرم مطهر و اطراف آن اهمیت بسیاری پیدا کند. مردم خواهرناخواه بر بازسازی و احیای اطراف حرم بسیار می‌کوشیدند و جناب سید یزدی با تألیف کتاب عروه نقش بسزایی در گسترش علم و طرازبودن نجف اشرف در بحث علمی داشتند از این دستاورد ایشان نباید غافل شد؛ زیرا مبنای علمی پسا ایشان است. نقش این کتاب در رونق بحث‌های علمی نجف اشرف و به تبع رونق نجف اشرف و رونق‌گرفتن هرچه بیشتر عتبات ستودنی است.

منابع

- ابوالحسنی منذر، علی (۱۳۸۹). *فرا‌تر از روش آزمون و خطا*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

۱. محقق داماد، سید مصطفی، مکتب اجتهادی سید طباطبائی یزدی، ص ۴۳.

۲. همان.

- معاصر ایران، چاپ دوم.
- اصفهانی، میرزا مهدی (۱۴۴۰ ق). *ابواب الهدی*. قم: مؤسسة معارف أهل البيت عليهم السلام.
- اعلمی، محمدحسین (۱۴۳۲). *منار الهدی فی الأنساب* (تحقیق: أحمد حائری أسدی). کربلاء: نشر مكتبة العلامة ابن فهد الحلّی، چاپ دوم.
- امین، سید حسن (۱۴۰۸ ق). *مستدرکات أعيان الشيعة*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ ق). *أعيان الشيعة* (تحقیق: سید حسن امین). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
- امینی، محمدهادی (۱۳۸۵ ق). *معجم المطبوعات النجفیه*. نجف اشرف: مطبعة الآداب، چاپ اول.
- انصاری، محمدجعفر (۱۳۶۳ ق). *کتاب الدراية فی شرح الکفایة*. تهران: انتشارات کتابخانه صدر، چاپ اول.
- باقری افشار، پوران (۱۳۹۶). معرفی حواشی، شروح و تعلیقات بر عروة الوثقی. *فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق*، (۹ و ۱۰)، ۲۰۷-۲۲۶.
- تهرانی، محمدمحسن [بی تا]. *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*. بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۳۰ ق). *طبقات أعلام الشيعة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جبوری، کامل سلمان (۱۳۸۵). *السید محمدکاظم الیزدی سیرته و أضواء علی مرجعیه ومواقفه ووثائقه السیاسیة*. قم: منشورات ذوی القربی، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۸ ق). *موسوعة مؤلفی الإمامیة*. قم: مجمع الفکر الإسلامی، چاپ اول.
- جوادی، اسدالله (۱۴۰۲). *فروغ مغرب* (به کوشش: محمود فروزبخش). اصفهان: [بی نا]، چاپ اول.
- جواهرکلام، عبدالحسین (۱۳۸۲). *تربت پاکان قم*. قم: انتشارات انصاریان، چاپ اول.
- جواهرکلام، عبدالحسین (۱۴۱۰). *النجم الزاهر فی أعلام آل الجواهر*. قم: [بی نا]، چاپ اول.
- حرزالدین، محمد (۱۴۰۵ ق). *معارف الرجال*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- حسینی اشکوری، سید احمد (۱۴۳۹ ق). *تراجم الرجال*. کربلاء: عتبة عباسیه، چاپ چهارم.
- حلبیان، حسین (۱۳۹۶). *نگاهی به آثار و برخی نظریات اصولی آیت الله سید محمدکاظم طباطبائی یزدی*. *فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق*، (۹ و ۱۰)، ۲۲۷-۲۴۰.
- رفاعی، عبدالجبار (۱۴۱۴ ق). *معجم المطبوعات العربیة فی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

- روضاتی، سید محمدعلی (۱۳۹۶). زندگانی حضرت آیت‌الله چهارسوقی. قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، چاپ اول.
- رفیع پور، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). تمسک به عام در شبهه مصداقیه مخصص از دیدگاه صاحب عروه. فصلنامه فقه اهل بیت علیهم السلام، (۷۲)، ۱۴۹-۱۳۶.
- زمانی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۲). شناخت‌نامه آیت‌الله العظمی السید محمدکاظم الطباطبائی الیزدی. قم: نشر دانش حوزه، چاپ اول.
- شریف رازی، محمد (۱۳۵۳). گنجینه دانشمندان، تهران: چاپ اسلامی.
- طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۰). اجتماع الامر و النهی (تحقیق: حسین حلبیان). قم: انتشارات خوئی، چاپ اول.
- _____ [بی‌تا]. تکملة العروة الوثقی. قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
- _____ (۱۴۳۲ ق). حاشیه فرائد الأصول (تقریر: محمدابراهیم یزدی نجفی و تحقیق: صادق سیبویه و محمدحسین اشراف). قم: مؤسسه الخوئی الإسلامية، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۱۰ ق). حاشیه المکاسب. قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۰ ق). رسالة فی حکم الظن فی الصلاة. قم: اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۴۳ ق). رسالة فی شروط صحّة الشرط (تقریر سید محمدباقر موسوی درچه‌ای و تحقیق حسین حلبیان). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- _____ (۱۳۷۵). سؤال و جواب (تحقیق سید مصطفی محقق داماد و سید محمود مدنی بجستانی و سید حسن وحدتی شبیری). ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۲). سؤال و جواب (تحقیق رضا استادی). ج ۲، قم: نشر خدادادی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۱). سه رساله (به کوشش: علی‌اکبر زمانی‌نژاد). قم: نشر خدادادی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۹ ق). العروة الوثقی (با حواشی عده‌ای از فقهاء) (طبع قدیم) و تصحیح سید هدایت الله مسترحمی. تهران: المكتبة العلمية الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۹ ق). العروة الوثقی (با حواشی عده‌ای از فقهاء و تحقیق احمد محسنی سبزواری). قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.

- _____ (۱۴۲۶ ق). کتاب *التعارض* (تحقیق حلمی عبدالرؤوف السنان). قم: انتشارات مدین، چاپ اول.
- _____ (۱۴۴۴ ق). *مجال الأفكار لأرباب الأنظار* (تحقیق سید ابراهیم شریفی). عتبه مقدسه عباسیه.
- _____ (۱۴۳۱ ق). *منجزات المريض*. قم: مؤسسه فقه الثقلین، چاپ اول.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۹۸). *تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین* (با حاشیه سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و محمدحسین کاشف الغطاء و به اهتمام سید مصطفی محقق داماد، همکاران تحقیق داود مصباح فاضل، قاسم نورانی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی با همکاری نشر سخن، چاپ اول.
- علمی اردبیلی، علی (۱۳۹۲). *محقق نائینی مجدد مربی و مؤسس*. قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- غراوی، شیخ محمدرضا (۱۴۴۳ ق). *إزالة الغواشي في مدرک الحواشي* (تحقیق رافد الغراوی، تقدیم أحمد الحلّی). دیوانیه: مکتبه نصیحه الضالّ، چاپ اول.
- غراوی، رافد (۱۴۴۲ ق). *روض العطاء في حياة الشيخ محمدرضا المعطاء*. دیوانیه: مکتبه نصیحه الضالّ، چاپ اول.
- قربانیان، رضا (۱۴۰۳). *رسالة آموزشی تجميع عروة الوثقى*. اصفهان: نور الحیات، چاپ دوم.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۳۳). *عقود حیاتی* (تحقیق امیر کاشف الغطاء). نجف اشرف: منشورات مدرسه و مکتبه کاشف الغطاء العامّة.
- مجتهد یزدی، عبد الرسول (۱۴۳۹). *نور السبل* (تحقیق مهدی مهریزی و علی صدرائی خوئی). قم: نشر سهل، چاپ اول.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۷). *مکتب اجتهادی سید طباطبائی یزدی در فقه معاملات*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی با همکاری نشر سخن، چاپ اول.
- مشار، خان بابا (۱۳۵۰). *فهرست کتاب های چاپی فارسی*. تهران، [بی نا]، چاپ اول.
- مشار، خان بابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۰ ش.
- معلم حبیب آبادی، محمدعلی (۱۳۶۴). *مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار* (تحقیق سید محمدعلی روضاتی). اصفهان: نفائس مخطوطات، چاپ اول.
- موسوی درجه ای، سید محمدباقر (۱۴۳۹). *میزان الفقاهة* (به کوشش سید صادق حسینی اشکوری). قم: مجمع الذخائر الإسلامية، چاپ اول.
- مهدوی، سید مصلح الدین (۱۳۸۶). *اعلام اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری

اصفهان.

- _____ (۱۳۸۴). *دانشمندان و بزرگان اصفهان* (تحقیق رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان). اصفهان: انتشارات گلدسته، چاپ اول.
- _____ (۱۳۶۷). *تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر*. قم: خیام، چاپ اول.
- میر محمدصادقی، سید عبدالله (۱۴۳۲ ق). *ارشاد المسلمین در احوال اولاد امیرالمؤمنین*. شیکاگو: The Open School، چاپ اول.
- نجفی، مهدی (۱۴۰۴). *الأرائک فی أصول الفقه* (تحقیق احمد حلبیان). تهران: چتر دانش.
- نجفی، هادی (۱۴۳۷ ق). *طریق الوصول إلى أخبار آل الرسول علیهم السلام*. قم: دارالتفسیر، چاپ اول.

نقش فرهنگی عتبات عالیات در مناسبات صفویان و عثمانیان

محمدباقر خزائیلی^۱

چکیده

در طول اعصار، شهرهای زیارتی عراق نقش مهمی در صیانت از حقانیت مذهب تشیع داشته است. این مراکز مقدس همچون قلعه‌هایی مستحکم پشتوانه‌ای اعتقادی و معنوی برای پیروان اهل بیت (ع)، محل اجتماع شیعیان و خاستگاه حوزه‌های علمیّه نخستین بوده است؛ از همین رو گسترش آیین تشیع در میان قبایل کوچ‌نشین بلاد عراق، ایران، آسیای صغیر و حتی سرزمین‌های تابع دولت عثمانی را نمی‌توان بی‌ارتباط با فعالیت مبلّغان، خطبا و علمای شیعی دانست.

در این میان، دولت صفوی که بنای دیانت خود را بر محبت اهل بیت (ع) نهاده بود، کوشید تا با ارج نهادن بر جایگاه عتبات و تقویت ارتباط عاطفی و مذهبی مردم با این مشاهد مشرّف نفوذ معنوی و فرهنگی خویش را بگستراند و آن را دست‌مایه اقتدار سیاسی خویش کند. درمقابل، دولت عثمانی که پایبند به مذهب تسنّن بود، نمی‌توانست به فعالیت‌های مذهبی و اعتقادی صفویان بی‌تفاوت بماند. واکنش‌های گاه متضاد این دولت از احترام و مراقبت از آستان‌های مقدس گرفته تا آزار و تبعید شیعیان و کارشکنی در راه زیارت زائران ایرانی همه حکایت از نوعی رقابت فرهنگی و سیاسی میان دوقدرت مسلمان دارد. محقق درپژوهش حاضر باطرح این پرسش بنیادین که عتبات عالیات چه نقشی درروابط فرهنگی و مذهبی میان دو دولت عثمانی و صفوی داشته است، درپی آن است تا بر این فرضیه تأکید کند که دولت

صفوی از رهگذر تقویت پیوندهای فرهنگی و مذهبی درصدد تحکیم نفوذ خویش در عراق بود. حال آنکه دولت عثمانی با اعمال محدودیت برزائران تلاش کرد تا از بسط فرهنگ شیعی و نفوذ ایرانیان در این سرزمین جلوگیری کند. این پژوهش بر بنیاد مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع تاریخی است. در نهایت، نتایج نشان داد که این رقابت فرهنگی و مذهبی بین دودولت باوجود سلطهٔ سیاسی عثمانی بر عتبات در پیاده‌سازی هدف‌های خودتوفیقی حاصل نکرده‌اند.

کلمات کلیدی: عتبات عالیات، دولت صفوی، دولت عثمانی، روابط فرهنگی

The cultural role of the Holy Shrines in Safavid–Ottoman relations

Mohammad Bagher Khazaili¹

Abstract

Throughout the ages, the pilgrimage cities of Iraq have played an important role in preserving the legitimacy of the Shiite religion. These holy centers, like fortified fortresses, have been a doctrinal and spiritual support for the followers of the Ahl al-Bayt (a.s.), a gathering place for Shiites, and the origin of the first seminaries. Therefore, the spread of Shiite religion among the nomadic tribes of Iraq, Iran, Asia Minor, and even the territories under the Ottoman Empire cannot be considered unrelated to the activities of Shiite missionaries, preachers, and scholars.

Meanwhile, the Safavid government, which had founded its religion on the love of the Ahl al-Bayt (a.s.), tried to expand its spiritual and cultural influence and make it the basis of its political authority by honoring the status of the shrines and strengthening the emotional and religious connection of the people with these venerable sights. In contrast, the Ottoman government, which adhered to the Sunni religion, could not remain indifferent to the religious and ideological activities of the Safavids. The sometimes-contradictory reactions of this government, from respecting and caring for the holy shrines to persecuting and exiling Shiites and obstructing the pilgrimage of Iranian pilgrims, all indicate a kind of cultural and political competition between the two Muslim

1 Mohammad Bagher Khazaili, PhD in History, University Lecturer, Isfahan, Iran.

powers. By raising the fundamental question of what role the holy shrines played in the cultural and religious relations between the Ottoman and Safavid governments, the present study seeks to emphasize the hypothesis that the Safavid government, by strengthening cultural and religious ties, sought to consolidate its influence in Iraq, while the Ottoman government, by imposing restrictions on pilgrims, attempted to prevent the expansion of Shiite culture and Iranian influence in this land. This research is based on library studies and historical sources and has concluded that in this cultural and religious competition between the two states, the Ottomans have achieved political dominance over the shrines, but have not succeeded in implementing their goals.

Keywords: Shrines of the Holy See, Safavid State, Ottoman State, Cultural Relations

مقدمه

بدون تردید، شهرهای زیارتی یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش مذهب در جهان اسلام هستند. چنانچه اماکن مقدس از جمله شهرهای زیارتی عراق نقش مهمی در حفظ وحدت و حمایت از ادعای شیعیان مبنی بر حقانیت مذهب تشیع داشته و همواره در طول تاریخ پشتوانه اعتقادی و معنوی محکمی برای آنان بوده است؛ از این رو این شهرها محور و کانونی برای اجتماع شیعیان و شکل‌گیری نخستین حوزه‌های علمیه آنها و مهم‌تر از آن امتدادبخش مبارزه‌های آنها علیه دشمنان و مخالفان خویش بوده است. بی‌دلیل نیست که پدیده اختیار مذهب تشیع و گسترش آن در میان مسلمانان و به‌ویژه قبایل کوچ‌نشین در عراق عرب، ایران، آسیای صغیر و خاک امپراتوری عثمانی نتیجه مستقیم فعالیت مبلغان و خطبای شیعه‌ای بوده است که از شهرهای مقدس، نجف، کربلا، سامرا و کاظمین به‌سوی آنها می‌رفتند. درمقابل نیز شهرهای زیارتی مکه و مدینه نیز نقش مهمی در استحکام جهان اسلام داشتند و در طول دوره صفویان از آنجایی که این مکان‌ها زیر سیطره دولت عثمانی بود، برای ایرانیان شیعه نیز اهمیت زیادی داشت.

دولت صفوی که هسته اصلی معنویت تشیع را حبّ اهل بیت (ع) می‌دانست با توسعه و تکریم جایگاه آنان در نزد شیعیان در راستای گسترش مذهب و فرهنگ شیعه به‌نفع خود می‌کوشید. از سوی دیگر، دولت عثمانی سنی‌مذهب نیز نمی‌توانست به صفویان و اعتقادهای مذهبی آنان بی‌تفاوت باشد و ناگزیر به واکنش بود. این واکنش و احترام و تجلیل به ائمه اطهار و آستان‌های مقدس عراق استفاده از همان شیوه‌های اعتقادی صفویان تا شکنجه و تبعید شیعیان، اذیت و آزار زائران و ممانعت از زیارت این مکان‌ها بود. بر این اساس، در این نوشتار با طرح این سؤال که نقش فرهنگی عتبات عالیات چه اهمیتی در روابط ایران و عثمانی دارد، نقش فرهنگی و مذهبی عتبات عالیات در روابط دو دولت مسلمان سنی‌مذهب عثمانی و شیعی‌مذهب صفوی با توجه به تعصبات شدید مذهبی در نزد دو دولت بررسی خواهد شد. موضوع پژوهش از این زاویه در نوع خود بدیع است.

پیشینه پژوهش

بیاتی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه اقتصادی عتبات عالیات در

روابط ایران و عثمانی در دوره صفوی» انجام دادند. در این مطالعه جایگاه اقتصادی عتبات عالیات میان دو دولت صفویه و عثمانی بررسی و بازتاب آن در روابط سیاسی دو کشور ایران و عثمانی ارزیابی شد. در این مقوله درباره سه رکن اساسی بحث شده است: ۱- زیارت عتبات (زوار)؛ ۲- موقوفات؛ ۳- دفن اموات. تفاوت این نوشتار با پژوهش حاضر در این است که در این مطالعه جایگاه فرهنگی عتبات در مناسبات صفویان و عثمانیان بررسی شده است.

ایزدی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «شاهان صفوی و زیارت» انجام داد. در این پژوهش شاهان صفوی به دلیل مشروعیت بخشی به حکومت خود اقدام به رسمیت دادن مذهب تشیع کردند و به زیارت به عنوان یکی از مراسم مهم تشیع دوازده امامی توجه ویژه ای نشان دادند و به سفرهای زیارتی متعددی رفتند. بخشی از منابع این پژوهش می تواند در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گیرد.

فاطمه (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «نگرشی بر اماکن مقدسه و متبرکه و آداب زیارت از نگاه سیاحان اروپایی دوره قاجار (۱۳۴۴ - ۱۲۱۰ ق)» انجام داد.

در این پژوهش سفرنامه ها نقش مهمی در شناساندن آداب دینی داشته است تا جایی که می توان آنها را نوعی کتاب راهنمای زائران تلقی کرد. این سفرنامه ها نمودهای مشخصی از جنبه های مختلف زندگی و جامعه ایران را انعکاس داده است. رویکرد این پژوهش تمدنی است؛ اما رویکرد پژوهش حاضر فرهنگی بوده و عتبات از زاویه توجه صفویه و عثمانی بررسی شده است.

نقش عتبات عالیات در گسترش مذهب تشیع

شهرهای زیارتی عراق به عنوان مظهر و نماد عالم تشیع همواره نقش و جایگاه مهمی در حفظ حیات و گسترش مذهب تشیع در طول تاریخ داشته است تا آنجا که می توان نقش و اهمیت آنها را در ردیف کلیسای روم در آیین مسیحیت و کعبه در دین اسلام قرار داد. از این شهرها به عنوان کعبه دوم شیعیان نام برده شده است/ هرچند پیشینه اهمیت و تأثیرگذاری این آستانه های مقدس بر حفظ و گسترش مذهب شیعه بسیار فراتر از عصر صفوی بوده است، پاره ای از این عوامل در این زمان سبب شد تا این عتبات مقدس جلوه و درخشندگی بیشتری پیدا کند و از هر نظر به اوج شکوه و عظمت تاریخی خویش دست یابد. پیوندهای قومی و

قبیله‌ای که از گذشته میان دو سرزمین ایران و عراق برقرار بوده است با تأسیس حکومت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و با ادعای سلاطین صفوی مبنی بر انتساب امام موسی کاظم (ع) به شیعیان نزدیکی و پیوند معنوی دو سرزمین کهن بیشتر و از سوی دیگر ایجاد نوعی نژاد عربی برای سلاطین صفوی سبب مشروعیت و محبوبیت حکومت آنان در عراق عرب شد (الخلیلی، ۱۴۰۷: ۲۱۴).

نخستین سلاطین صفوی که در راستای هدف‌های سیاسی و نظامی خود مذهب را وسیله قرار داده بودند از هیچ اقدامی برای گسترش مذهبی تشیع خودداری نمی‌کردند. قلع و قمع اهل تسنن، تخریب مقبره‌های ابوحنیفه و عبدالقادر گیلانی در مقابل ترغیب و تشویق سفرهای زیارتی، تخصیص مبالغ هنگفت برای صرف در مرقد‌های ائمه در نجف، کربلا، سامرا، کاظمین و حمایت و دعوت از علمای شیعه، بخشش و انعام به شیعیان و متولیان و مجاوران اماکن مقدس، برپایی مراسم عزاداری در ماه‌های رمضان و محرم، فرستادن داعیان به نواحی مختلف و تعیین مقام‌های اداری و مذهبی برای حفظ منافع سیاسی و مذهبی دولت همه در راستای گسترش مذهبی تشیع در ایران و عراق عرب صورت می‌گرفت تا سدی در برابر ترکان سنی‌مذهب باشد.

شاه اسماعیل اول پس از فتح عراق عرب (۹۱۴ ق) و پیش از تسلط کامل بر امور به زیارت عتبات شتافت و از توسل و تمسک به ائمه و اظهار خشوع و خضوع در برابر آنها نهایت بهره‌برداری را کرد. این شهرهای زیارتی مکمل و پشتیبان معنوی محکمی برای شاه صفوی در راستای گسترش دادن و رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع بودند. با این تفاوت که شاه قزلباش در بسیاری از شهرهای سنی‌نشین با سر نیزه و ایجاد ترس و وحشت مردم را مجبور به پذیرش مذهب تازه خود می‌کرد؛ ولی عتبات با بهره‌مندی از جاذبه‌های معنوی و اتکای بر مشروعیت و حقانیت ذاتی خویش نقش مؤثری در اشاعه و گسترش آیین تشیع داشت.

هرچند به زودی این شهرها پس از مرگ اسماعیل اول از قلمرو صفوی متزعزع و به خاک عثمانی ضمیمه شد، سیاست مذهبی دولت صفوی تغییر نکرد و شاه طهماسب متعصب با کمک روحانیت شیعه نهایت تلاش خود را در راستای گسترش مذهبی تشیع کرد. حداقل تفاوت ممکن این بود که فرهنگ عامه مردم ایران جای عتبات را عتبه مطهر مشهدالرضا گرفته بود و امواجی که تا آن زمان از غرب به شرق می‌آمد با تبلیغ و توسعه بسیار آستانه امام رضا (ع) در زمان شاه عباس اول از شرق تا غرب حرکت می‌کرد. با وجود این، اماکن

مقدس سرزمین عراق در رأس همه آن عتبه امیرالمؤمنین در نجف هرگز جایگاه و اهمیت خود را در حمایت از شیعیان، حفظ روند روبه رشد مذهب تشیع نه تنها در عراق و ایران، در هند، افغانستان و خاک امپراتوری عثمانی از دست نداد (نوایی، ۱۳۶۳: ۳۲).

درمقابل، سلاطین حنفی مذهب عثمانی که در راستای هدف‌های سیاسی خود ایدئولوژی ضد مذهب تشیع را درپیش گرفته بودند، می‌کوشیدند تا با تجلیل و عظمت‌بخشیدن به قبرهای بزرگان اهل تسنن به‌ویژه ابوحنیفه امام اعظم آن را درمقابل عتبات قرار دهند؛ اما تمامی فاتحانی که قدم به خاک عراق می‌گذاشتند و پاشاهایی که ازطرف باب عالی به حکومت عراق منصوب می‌شدند، حرمت و احترام خاصی برای نجف اشرف قائل بودند و همه‌جانبه احتیاط مقام او را که نزد تمامی مسلمانان عزیز و مقدس بود، رعایت می‌کردند.

سلطان مراد چهارم که دشمن بزرگ شیعیان و باعث هتک حرمت آستانه امام موسی کاظم (ع) شده بود، دربرابر آستانه امام علی (ع) در نجف اشرف و به احترام آن حضرت با پای برهنه وارد آن عتبه شد. به غیر از امیرالمؤمنین در نجف عامل دیگری هم در این شهر به رشد مذهب تشیع کمک می‌کرد و آن حوزه علمیه شیعیان در این شهر بود که البته وجود خود آن هم به آرامگاه حضرت علی (ع) در این شهر باز می‌گشت. شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی عالم و مجتهد بزرگ جهان تشیع در سال ۴۴۸ قمری درپی تسلط سلاجقه بر بغداد و آزار شیعیان برای برخورداری از امنیت و کاستن از فشارهای موجود شبانه از بغداد به نجف هجرت و حوزه علمیه شیعیان را در این شهر پایه‌گذاری کرد و به‌دنبال او بسیاری از داوطلبان طلاب شیعه به این شهر سرازیر و عامل مهم در بارورکردن دانش اسلامی شیعیان در سایر نقاط شدند (نجفی، ۱۳۸۹: ۳۷). با تشکیل دولت صفوی حوزه علمیه مورد حمایت و توجه شاهان صفوی به‌خصوص شاه عباس اول قرارگرفت و از قدرت و نفوذ بسیاری برخوردار شد و انعکاس آن به سراسر جهان اسلام رسید.

شاه عباس اول در سال ۱۰۳۲ قمری فاتحانه وارد عراق شد و چون قصد داشت عراق را به یک سرزمین یکدست شیعی تبدیل کند در تعظیم و تکریم عتبات شیعی بسیار کوشش کرد. شیعیان مورد محبت و عنایت شاه بزرگ قرار داشتند؛ حتی در ماه مبارک رمضان کل شیعیان ممالک از تکالیف دیوانی معاف شدند (ترکمان، ۱۳۷۱: ۳/ ۱۱۰۴).

اما هیچ‌چیز به‌اندازه خدمات و تلاش‌های علما و متولیان اماکن مقدس که در زیر حمایت شاهان صفوی آزادی عمل داشتند و از تقیه خارج شده بودند در گسترش مذهب تشیع در این

برهه از زمان مؤثر نبود. هرچند درنهایت، کشتارهای سلطان مراد چهارم (۱۰۴۸ ق) از شیعیان و زائران اماکن مقدس در عراق سبب تحکیم حکومت عثمانی در عراق و تسلط استیلای اهل سنت بر امور شد و شیعیان بار دیگر به تقیّه روی آوردند، همچنان مذهب تشیع در این سرزمین حفظ و شهرهای مقدس عراق که محل سکونت شیعیان بود به مرکز مقاومت و آشوب شیعیان علیه سران ترک تبدیل شد (نوایی، ۱۳۶۳: ۳۲-۳۳).

سفرهای شاهان صفوی به عتبات عالیات

مشروعیت‌بخشیدن به مذهب حاکم همواره یکی از دغدغه‌های دولت‌ها بوده است. چنانچه در طول تاریخ بیشترین سلاطین و حکام مسلمان که قدم به سرزمین عراق نهادند در راستای توجیه اقدام‌های جاه‌طلبانه و ستمگرانه خود و مشروعیت‌بخشیدن به حکومت خودکامه عامیانه خویش کوشیده‌اند تا با زیارت از اماکن مقدس اعتقادهای مذهبی خویش را آشکار کنند. در این میان، شاهان صفوی که خود را از نسل امام موسی کاظم (ع) معرفی کردند، مذهب تشیع را برگزیدند و رهبری دینی و سیاسی را با هم آمیخته بودند، بیش از همه در هر فرصتی به زیارت عتبات می‌شتافتند و از زیارت این اماکن و اعمال مذهبی خاص آنها فایده بردند.

در بررسی سفرهای زیارتی شاهان صفوی اولویت با زیارت مشهد امام‌رضا (ع) بود که به‌طور تقریبی، در میان تمامی شاهان صفوی عمومیت داشته است؛ اما تنها چهار تن از آنها بود که با تردید به زیارت اماکن مقدس عراق مشرف شده‌اند. نخست سفر شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار سلسله صفوی که به‌دنبال سفرهای نظامی خود به عراق در جمادی‌الآخر سال ۹۱۴ قمری و به بهانه زیارت از این شهرها انجام گرفت. او به‌سرعت به زیارت آستانه حرم مطهر امام‌حسین (ع) در کربلا شتافت و به مناجات و دعا پرداخت. شاه اسماعیل یک شب در حرم مطهر امام‌حسین (ع) معتکف شد و تمامی کجاوران و زوّار آن حضرت را مورد لطف و بخشش قرار دادند. پس از آنجا عزم زیارت عتبه مقدس امام‌علی (ع) در نجف کرد و حاجت‌ها و مراد خود را از آن جناب مسئلت کرد. شاه اسماعیل در بازگشت از بغداد به زیارت آستانه کاظمین (علیه‌السلام) مشرف شد و آنگاه به‌سوی سامرا رفت و به فیض زیارت مرقد‌های مطهر فرزندان پیامبر اکرم (ص)، امام علی‌النقی و امام حسن‌العسکری‌الزکی (ع) سعادت یافت (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۵/۴). پس از فوت شاه اسماعیل اول (۹۳۰ ق) مدت ده سال دیگر، این شهرها جزئی از سرزمین ایران بود. طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) که پادشاهی متدین و متعصب در امور مذهبی بود در گسترش امور دینی سعی بسیار می‌کرد. در

سال‌های نخستین سلطنت خود به علت مشکلات داخلی و خارجی فرصت زیادی برای پرداختن به زیارت نداشت. سفرهای زیارتی او به خراسان (۹۳۴ ق) و (۹۳۹ ق) به دنبال لشکرکشی نظامی او به شرق علیه ازبکان صورت گرفت. در غرب نیز او یکبار در سال‌های نخستین سلطنت خود ناگزیر به لشکرکشی به عراق عرب شد. شاه طهماسب در سال (۹۳۵ ق) برای سرکوب شورش ذوالفقار خان، حاکم بغداد، وارد این شهر شد و پس از نظم‌بخشیدن به امور با «احترام زیارت مشهد مقدس کاظمه فی راقدها الف سلام سلام و تحیه بسته، بعد از استسعاد بدان سعادت مراجعت فرمودند» (الحسینی قمی، ۱/ ۱۹۰) و هرچند شاه طهماسب در این سفر نظامی خود به عراق قصد زیارت عتبات را نداشت و به علت مشکلات داخلی و خارجی مجبور بود تا هرچه سریع‌تر به ایران بازگردد، به احتمال، در این سفر نظامی موفق به زیارت اعتاب مقدس عراق شد.

مؤلف عالم آرای شاه طهماسب می‌نویسد:

«شاه دین پناه پس از تسخیر عراق عرب و زیارت حضرات رایات آفتاب اشراق به اطراف عراق عجم برافراخت» (عالم آرای شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۶۵).

پس از شاه طهماسب نوبت به شاه عباس اول بزرگ‌ترین پادشاه صفوی بود تا از زیارت‌های مکرر و پرآوازه خود بر آستان مقدس امام‌رضا (ع) در شمال شرق ایران و هم‌جوار با مرزهای ازبکان سنی‌مذهب و اماکن مقدس عراق و هم‌جوار با دولت عثمانی نهایت بهره‌برداری سیاسی، فرهنگی و اعتقادی را کند.

شاه عباس اول در آغاز سال ۱۰۳۳ قمری نیت زیارت از آستانه حضرت علی (ع) در نجف را بهانه فتح عراق عرب قرار داد و موفق شد. او در مدت توقف در بغداد برای تسلط به اوضاع مرتب به زیارت مراقد کاظمین می‌رفت و به زیارت سامرا نیز مستعد شد. یک ماه پس از آن روی توجه به زیارت نجف اشرف آورد و در تمام مسیر اشتیاق و شیفتگی بی‌نظیر خود را به این امام همام به نمایش گذاشت که مورخان عصر صفوی به‌طور مفصل آن را شرح کرده‌اند.

شاه با نهایت احترام و اشتیاق در یک منزلی حرم از اسب پایین آمد و با گام‌هایی سرشار از اخلاص و ارادت مسیر را به سوی حرم مطهر طی کرد. او با شور و ذوق فراوان به زیارت خاک آستان مقدس نائل شد و به مدت ده روز با دعا و زیارت در این مکان مقدس به عبادت پرداخت. همچنین، در این مدت به خدمت و نظافت روضه منوره مشغول بود و در ساماندهی

و نظم آن مکان مقدس کوشید (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۰۰۵).

شاه در ایام توقف ده روزه خویش در ارض نجف اشرف مراتب خشوع و فروتنی وافر در پیشگاه آن امام همام را آشکار کردند. تمامی خدام و مجاوران روضه مقدس، مستحفظان، ضعفا و اهالی آن خطه مبارک را بر قدر مرتبت هریک با انعام، نذر ها و صدقه ها مورد تفضل و عنایت شاهانه قرار دادند. پس از آن، رخت سفر بربست. مُحَرِّم حَرِّم ارض اقدس کربلا، حائر مطهر حضرت شاه شهید، سلاله ائمه هدی و خامس آل عبا شد و عزیمت طواف آن روضه ملائکه مطاف را کردند (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۰۰۵).

زیارت شاه عباس از این اماکن مقدس یادآور زیارت جد او شاه اسماعیل اول است. او از هیچ چیز در این زمینه کوتاهی نکرد و پس از گذراندن نوروز سال ۱۰۳۲ قمری. در آستانه امام حسین (ع) در کربلا بار دیگر به نجف رفت و دوباره برای زیارت ماه رجب به کربلا بازگشت (ترکمان، ۱۳۷۱: ۱۱۱۰).

شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) چهارمین و آخرین پادشاه صفوی است که موفق به زیارت عتبات شد. او شَمّ سیاسی و نظامی جدّ خویش را نداشت. وارث سرزمینی شد که در اوج قدرت بود و بر سراسر عراق عرب حکومت می کرد. شاه صفی پس از سه سال جلوس بر تخت سلطنت (۱۰۴۱ ق) به قصد یاری رساندن به سپاهیان مستقر در عراق عرب در برابر تعرض ترکان عثمانی وارد بغداد و به زیارت عتبات مشرف شد. او در آغاز سال نو در کربلا بود. «... ایام نوروز بهجت افروز را در آن بقعه بهشت آسا گذرانیده و خدام عزم طواف عالی مقام و سنده آن مراقد ملک احترام و ارباب فقر و حاجات را بصلات و نوازشات و تصدقات خوشدل فرموده و از آنجا عزم طواف مرقد مطهر حضرت شاه ولایت مصدوقه کریمه انما ولیکم الله متوجه نجف اشرف گشته بدان سعادت عظمی مشرف گردیدند» (ترکمان، ۱۳۷۱: ۸۰).

شاه صفی در بغداد نیز از اعتاب مقدس کاظمین و سامرا زیارت کرد و به ویژه ساکنان شهر سامرا را مورد لطف خویش قرار داد. با وجود این، شاه صفی نتوانست شهرهای مقدس عراق را به عنوان ایالاتی از سرزمین ایران حفظ کند. او در سال ۱۰۴۸ قمری تن به عهدنامه ای سپرد که طی آن سراسر خاک عراق از ایران جدا و به امپراتوری عثمانی ضمیمه شد و پس از آن دیگر هیچ یک از شاهان صفوی به خاک عراق سفر نکردند و موفق به زیارت این اماکن مقدس نشدند.

به این ترتیب، سفرهای زیارتی شاهان صفوی که از آغاز تأسیس این سلسله آغاز شده بود،

در نتیجه پویایی و تحرک بی‌نظیر شاه عباس اول به اوج خود رسید. شاه عباس اول ضمن آنکه خود مرتب به زیارت اماکن مقدس ایران به‌ویژه عتبه مطهر امام‌رضا (ع) می‌رفت، دیگران را نیز به این امر تشویق می‌کرد. او بود که فرهنگ زیارت را در جامعه شیعه ایران احیا و رایج کرد و به این طریق سبب جنبش و پویایی مذهب تشیع، بهبود وضع عالمان دینی، رونق اقتصادی و تجاری شهرهای مذهبی، گسترش سنت وقف، بهبود راه‌ها و ساخت کاروانسرا شد. سفرهای زیارتی او با پای پیاده به حرم امام‌رضا (ع) مشهور است. هرچند بیشتر سفرهای زیارتی او در غرب و شرق با انگیزه‌های نظامی و برای دفع معاندان ترک و ازبک در این مناطق همراه بوده است، بیشتر آنها جلوه و شکوه مذهبی بر خود گرفته است. پس از فوت شاه عباس به‌علت کاهش فعالیت‌های نظامی انگیزه سفرهای زیارتی هم کم شد و خوشگذرانی در حرمسرا در کنار رکود اقتصادی کشور تا حد زیادی از میزان سفرهای زیارتی کاست.

سلاطین عثمانی و زیارت عتبات عالیات

سلطان سلیمان (۹۲۶-۹۷۴ ق) اولین امپراتور عثمانی بود که در سال ۹۴۱ قمری موفق به فتح عراق عرب شد و از آن پس همواره ادعای مالکیت بر خاک عراق را کرد و منازعاتی پی‌درپی با دولت صفوی بر سر این ناحیه و سرانجام، با پیروزی نهایی عثمانی به یکی از ایالت امپراتوری ترک تبدیل شد.

در این لشکرکشی نصوص مطراقچی سلطان را همراهی می‌کرد که گزارشی از این سفر را همراه با تصاویر شهرها و اماکن مقدس به تصویر کشیده که بخش چشمگیری از آن مربوط به عراق و زیارتگاه‌های واقع در شهرهای بغداد، حله، کربلا، نجف و کوفه است و به نظر می‌رسد شامل بیشتر زیارتگاه‌ها می‌شود (خامه‌یار، ۱۳۹۷).

سلطان سلیمان چهار روز پس از ورود به بغداد به گردش در شهر پرداخت و عتبه کاظمین را بازدید و زیارت کرد و ساکنان و مجاوران حرم مورد لطف و بخشش قرار گرفتند. به دستور سلطان از خزانه بغداد به خدام حرم هدایایی پرداخت شد. بازسازی آرامگاه امامان هفتم و نهم شیعیان که شاه اسماعیل صفوی آغاز کرده بود، همچنان ادامه یافت و نواقص باقی‌مانده آن تکمیل شد (العزاوی، ۱۹۳۹: ۳۴-۳۵).

پس از آن سلطان بزرگ عازم فرات وسطی برای زیارت قبرهای شهدای کربلا شد. سلطان سلیمان آستان مطهر امام‌حسین (ع) را با نهایت احترام و فروتنی زیارت کرد و دستور

بازسازی حرم مطهر را که به علت طغیان رودخانه فرات دچار آسیب و خسارت بسیار شده بود، داد. همچنین، کانال حسینیّه را بازسازی کرد و آب را به شهر رساند که سبب شادی و شکرگزاری شیعیان کربلا و رونق اقتصادی در شهر شد (لانگریک، ۱۳۷۸: ۵۴).

سپس با شوق فراوان و تشریفات بسیار عازم زیارت نجف اشرف شد. وقتی قبه منور را از چهار فرسخی دید، از اسب پیاده شد. یکی از فرماندهان علت پیاده شدن را از او پرسید، جواب داد: «وقتی چشمانم به قبه حضرت افتاد، اعضای بدنم لرزید. به قسمی که نتوانستم روی اسب بمانم» (کلیدار، ۱۳۷۷: ۱۸۹).

سلطان برای جلب قلوب ساکنان شهرهای شیعه‌نشین عراق به آنان محبت و بخشش بسیار کرد و پس از آن به بغداد بازگشت. او در بغداد از مقبره ابوحنیفه، امام اهل سنت و عبدالقادر گیلانی زیارت کرد. هنگامی که سلطان مقبره ابوحنیفه را بازدید کرد از آن جزء ویران‌های باقی‌نمانده بود؛ زیرا روافض ایرانی آن را نبش قبر کرده بودند و تا آنجا که توان داشتند آن را خراب و معدوم‌الاثر کرده بودند؛ بنابراین احیا و بازسازی مقبره ابوحنیفه در رأس برنامه و هدف‌های سلطان در بغداد قرار گرفت. رویداد معجزه‌آسا یافت شدن سالم جسد ابوحنیفه توسط متولی آرامگاه او با تبلیغات و هیجان بسیار همراه بود و سبب شادی و قدرت معنوی و دنیوی اهل تسنن عراق شد. «هیچ‌کدام از امور مذهبی به اندازه یافتن و احیای مقبره ابوحنیفه بنیان‌گذار یکی از چهار شاخه متعلق به اهل سنت او را به خود مشغول و خسته نکرد» (لانگریک، ۱۳۷۸: ۵۳).

سلطان سلیمان دستور بازسازی و تعمیر مقبره ابوحنیفه را داد و در همان محل گنبدی بر افراشت و در پهلوی آن مسجدی بزرگ احداث کرد و برای آنکه حنفی‌مذهبان بتوانند به آسانی مقبره پیشوای خود را زیارت کنند، دارالضیافه‌ای را برای استراحت و آسایش زائران تهیه کرد (هامر پورگشتال، ۱۳۶۷: ۲/ ۱۳۳۵ - ۱۳۲۴).

به ظاهر، سلطان سلیمان تمایل داشته است تا معتقدان پیروان مذهب ابوحنیفه را به خصوص از خاک عثمانی عازم زیارت او به بغداد و درمقابل سنت زیارت در مذهب تشیع و در برابر انبوه زائران ایرانی از کربلا، کاظمین و نجف مقابله به مثل کند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که هدف واقعی سلطان سلیمان از زیارت اماکن مقدس دوگانه شیعه و سنی چه بود؟

در پاسخ به این سؤال باید اذعان کرد، تشریفات زیارتی و توسل و تمسک مذهبی سلطان

بزرگ از اماکن مقدس شیعیان به‌ویژه آستانه حضرت علی در نجف اگر بیش از شاه اسماعیل نبود، کمتر از او هم نبود. سلطان سلیمان می‌دانست که غاصبانه قد در سرزمینی نهاده است که پیش از او شاهی شیعه‌مذهب با نژادی منصوب به امامان شیعه و با نفوذ مذهبی و مشروعیت بسیار حکومت می‌کرد. این نقش و اهمیت این اماکن مقدس در ایجاد موازنه قدرت و نفوذ و دوام حکومت در عراق عرب بود که سلطان بزرگ ترک را ناگزیر می‌کرد که به اعتبار مقدس عراق توجه کند. سلطان سلیمان برای تثبیت اساس فرمانروایی خویش در عراق عرب بود که به آنان تقرب می‌جست. همان‌طور که محقق تاریخ کربلا معتقد است دلیل این میزان توجه به عتبات به این دلیل بود که این شهرها تأثیر شگرفی بر وزن و قدرت دول اسلامی در شرق داشتند و نفوذ آنها در اذهان و خاطره‌ها بسیار عمیق و ماندگار بود. همچنین، حکومت و سلطنت در این سرزمین‌ها به‌شدت به اعتبار و موقعیت عتبات وابسته بود (کلیددار، ۱۳۷۷: ۱۹۱).

سلطان مراد چهارم (۱۰۳۳ ق) حدود یک قرن پس از آن ناچار شد تا بار دیگر در رأس قشونی عظیم و تلفات جانی و مالی بسیار قدم به خاک عراق بگذارد. این‌درحالی بود که خاطره شکست سیاسی و فرهنگی امپراتور بزرگ را فراموش نکرده و شاید به این علت بود که سیاست مذهبی دیگری را در پیش گرفته بود. سلطان در ۱۲ رمضان ۱۰۴۸ قمری از آستانه غارت‌زده امام‌کاظم (ع) دیدار کرد و بدون اهمیت از کنار آن گذشت (الخلیلی، ۱۴۰۷: ۲۴۱-۲۴۹).

به‌ظاهر، این عتبه کاظمین بود که باید تاوان اقداهای ایرانیان را در آرامگاه ابوحنیفه و عبدالقادر گیلانی پس می‌داد. پس از آن سلطان مراد، کربلا و آستانه امام حسین (ع) را زیارت کرد (کلیددار، ۱۳۷۷: ۳۸) و سرانجام در نجف و در برابر آستانه امام علی (ع) سر تعظیم فرود آورد؛ اما هرگز رویه آزادی و سرکوب شیعیان را کنار ننهاده و به این ترتیب، توانست پایه‌های حکومت امپراتوری عثمانی را در این سرزمین مستحکم کند.

زیارت عتبات عالیات

زیارت به‌معنای دیدار و قصد و هدف چیزی را کردن است که به‌عنوان یک سنت محترم و ارزشمند در میان مسلمانان شناخته می‌شود و همواره امامان و پیشوایان دینی به آن تأکید و سفارش کرده‌اند. این تأکید به‌ویژه در زمان‌هایی که برای دیدار یکی از برترین و منتخب‌ترین

بندگان خداوند منظور شده، شدیدتر و برای آن پاداش زیادی تعیین شده است (ابن قولویه، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۴). به همین دلیل، سنت زیارت از عتبات عالیات که مقبره‌های نوادگان پیامبر اسلام (ص) است، به‌ویژه در میان مسلمانان و به‌خصوص شیعیان محبوبیت و رونق خاصی دارد و حتی مخالفت دولت‌ها نیز نتوانسته تأثیر زیادی بر اهمیت آن داشته باشد.

با وجود این، رواج و رونق سنت زیارت بستگی به عوامل چند از جمله وجود امنیت، امکانات و توانایی اقتصادی، شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر جوامع دارد و به این سبب پس از تهاجم مغولان و پس از امیر تیمور و آن همه ویرانی و کشتار به‌نوعی فراموشی شد. تشکیل دولت صفوی و رسمیت‌یافتن مذهب تشیع در میان مردم ایران در کنار رشد و توسعه اقتصادی و سرزندگی و پویایی دین و دولت در عصر شاه عباس اول سبب احیا و رواج سنت زیارت در این زمان شد. کاروان‌های زیارتی از سراسر ایران به حرکت درمی‌آمدند؛ اما مقصد بیشتر آنها زیارت امام رضا (ع) در خراسان بود؛ زیرا از یکسو عراق عرب در تسلط ترکان عثمانی بود و سفر به این شهرها خطرهای جانی و مالی زیادی داشت و از سوی دیگر، دولت صفوی و شخص شاه عباس اول موافق خروج ارز از کشور نبود.

تاورنیه که پس از تسلط سلطان مراد چهارم به عراق عرب سفر کرده است، می‌نویسد: «اگرچه ایرانی‌ها علی را خیلی محترم می‌شمارند، اما به‌ندرت به زیارت قبر او می‌آیند؛ زیرا که برای وصول به آن ناچار باید از بغداد عبور نمایند؛ چون بغداد در تصرف خواندگار است، در آنجا از هریک از زوآر هشت پیاستر دریافت می‌نمودند و این فقره مخالف میل شاه عباس بود که رعایای او به ترک‌ها باج بدهند. به این جهت، توجه ایرانی‌ها را از زیارت قبر علی (ع) به طرف مشهد معطوف کرد» (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۱۶۴).

دولت مردان صفوی و در رأس همه آنها شاه عباس اول کوشید تا زیارت مرقد مطهر امام هشتم شیعیان در خراسان را در سطح عام گسترش دهد و حتی آن را برای شیعیان برابر با سفر حرمین الشریفین قرار دهد. به این سبب توسعه و آبادانی آستانه مطهر و فراهم‌کردن امکانات رفاهی زوآر آن حضرت را در برنامه‌های مذهبی- فرهنگی خویش قرار داد. او با وقف بسیاری از اموال خود به حرم امام رضا (ع) به‌ویژه وقف کتابخانه شریفه آنچه مصاحف و متن عربی و علمی بود از فقه و تفسیر و حدیث و امثال کوشید تا بسیاری از علما را به سکونت در جوار آن حضرت تشویق کند (ترکمان، ۱۳۷۱: ۷۶۱/۳).

شاه عباس قصد داشت که به‌طور کامل مانع سفر به عتبات شود؛ زیرا هرچند این سفرها

به لحاظ اقتصادی زیان آور بود، به لحاظ فرهنگی و مذهبی به نفع حکومت شیعی بود. ورود کاروانی بزرگ با زائرائی شیفته و اندوهناک همراه با تعداد زیادی کجاوه که در آن زنان و سالمندان و بیمارانی به امید شفا آمده بودند و معمولاً تعدادی تابوت که اجساد را از مسافت های دور و هزینه های بسیار برای دفن در یکی از اعقاب مقدس حمل می کردند هر انسانی را تحت تأثیر قرار می داد و با سر و صدای بسیاری همراه بود. در حقیقت، تأثیر معنوی این سفرهای زیارتی بسیار بود؛ از این رو دولت صفوی در بیشتر مواقع در عهد نامه ها و قراردادهایی که با دولت عثمانی منعقد می کرد آن را لحاظ می کرد. این زائران پس از بازگشت به ایران مورد احترام هموطنان خود قرار می گرفتند و به آنها لقب «کیلائی» یا «کربلائی»، یعنی کسی که موفق به زیارت کربلا شده است، می دادند (وردی، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۶۹).

این القاب در کنار القاب متداولی چون «حاجی» و «مشتی» مخفف «مشهدی»، یعنی کسی که به زیارت امام رضا (ع) مشرف شده بود، قرار گرفت. بالاتر از همه لقب نجفی بود که بیانگر سواد و دانش فرد در فقه تشیع بود و برای کسانی به کار می رفت که در این شهر تحصیل می کردند و برای فرد صاحب مقام اجتماعی و شأن دینی خاصی ایجاد می کردند. لقب «کاظمی» برای ساکنان و غلامی این شهر و لقب «حائری» برای طلاب و عالمان شهر کربلا به کار می رفت (واثق، ۱۴۳۶: ۱۴۵).

هرچند نمی توان نظریه مورخان غربی را پذیرفت، این نوع زیارتگاه ها به طور نظری تراز با زیارت حرمین الشریفین شده و در ذهن عامه حتی برتر از آن زیارت است و این امر در نتیجه یک سلسله ارزش های سنتی و دین دارانه است که بیان خود را در امر زیارت به خصوص زیارت مشهد پیدا کرده است (هیلبراند، ۱۳۸۰: ۳۳۳). اما این خود می تواند نشان دهنده اهمیت مسئله باشد.

شاه عباس اول پس از فتح عراق عرب کوشید تا زمینه زیارت عتبات عالیات را توسعه بخشد. او کاروانسرای بزرگ نزدیک صحن مقدس امام علی (ع) در نجف بنا کرد و محل طبخ غذا و پذیرایی و خوابگاه را برای زوار قرار داد و ایرانیان را نیز تشویق به زیارت این اماکن کرد تا از این راه بتواند رسالت اعتقادی و سیاسی و اجتماعی خود را انجام دهد.

در اواخر عصر صفوی معتبرترین کتاب در شرح راهنمایی زائران به اماکن مقدس اسلامی به زبان فارسی تألیف شد. کتاب *تحفه الزائرين* یا *هدیه ای برای زائران* تألیف محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰ - ۱۱۳۷ ق) روحانی و مجتهد بزرگ زمان شاه سلطان حسین صفوی است

(دونالدسون، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

این کتاب شامل یک مقدمه در آداب سفر و دوازده باب است. باب چهارم در بیان فضیلت نجف اشرف و کوفه و آب فرات، باب پنجم در بیان فضایل زیارت سیدالشهدا حسین بن علی (ع) و شامل چند فصل است (مجلسی، ۱۲۷۴: ۱۲۹). علامه محمد باقر مجلسی در این کتاب به نقل از ائمه اطهار زیارت امام حسین (ع) را بر هر مرد و زن واجب می‌داند و ۱۶ زیارت برای آن حضرت ذکر می‌کند. باب نهم و دهم کتاب به ترتیب شامل بیان فضیلت مشهد کاظمین و عسکری علیهم‌السلام است.

درمقابل، دولت عثمانی همیشه از توسعه دامنۀ تشیع در عراق نگران بود؛ زیرا مذهب تشیع باعث نفوذ واقعی و پیوند تنگاتنگ عراق با حکومت صفوی می‌شد و به هر نحو می‌کوشید تا مانع آن شود. به همین علت، زائران عتبات مورد خشم سلطان و حکام ترک در عراق قرار داشتند. هرچند در عهدنامه‌های صلح میان دو دولت عثمانی و صفوی فراهم آوردن امنیت و آسایش حجاج و زائران ایرانی را به عراق کنترل می‌شد، آنها از پراکنده شدن زائران در میان مردم جلوگیری و ایام اقامت آنها را در مکان زیارت محدود می‌کردند (درینگیل، ۱۳۸۴: ۲۱). با وجود این، دولت عثمانی در مبارزه با تشیع و جلوگیری از ارزش و احترام عتبات موفقیتهایی به دست نیاورد؛ زیرا زائران ایرانی تحت هر شرایطی به عراق سفر می‌کردند و رسالت اعتقادی خود را تا حد امکان به انجام می‌رساندند.

دفن اموات در عتبات عالیات

دفن اموات در جوار ائمه اطهار و بزرگان اسلام یکی از آمال مسلمانان است که در روایات بسیاری فضایل بسیار برای آن بیان شده است. به خصوص نجف اشرف که وادی اسلام و آرامگاه پیامبران بزرگ الهی است و شیعیان معتقد هستند که برای خاک نجف فضیلت‌های بی‌شماری است و از مهم‌ترین آنها برداشته شدن عذاب قبر و حساب خواستن دو فرشته نگیر و منکر برای افرادی است که در آن دفن شده‌اند.

بعد از تأسیس حکومت صفوی در ایران و در پی هدف‌های سیاسی و فرهنگی آنها اعتقادهای شیعی در سطح جامعه گسترش یافت. از عقاید مورد حمایت علمای عصر صفوی مسئله فضیلت و تقدس خاک عتبات عالیات بود. علامه محمدتقی مجلسی از روحانیون منتقد عصر صفوی در این زمینه معتقد است: «چون نقل به ارض مقدسه خوب است، پس خوب

است که شیعیان امیرالمؤمنین که شیعیان نقل کنند، مردگان خود را به ارض مقدسه اهل بیت که آن نجف و کربلای معلا و سایر اماکن شریفه باشد» (جعفریان، ۱۳۹۷: ۳/۱۰۷). کمپفر جهانگرد اروپایی که از نزدیک شاهد احترام و تجلیل شیعیان به خاک عتبات بود، می‌نویسد:

«زائران ایرانی قطعاتی از تربت علی را با خود می‌آورند و در نماز از آن استفاده می‌کنند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۷۸).

انتقال اجسد به سرداب‌ها، گورستان‌های خانوادگی و قبرستان‌های نزدیک آستانه ائمه اطهار علیهم‌السلام ابتدا در میان پادشاهان، علما و بزرگان دولتی و حکومتی متداول بود و پس از عصر صفوی در میان عامه مردم به‌ویژه ثروتمندان متداول شد. به‌خصوص در نجف اشرف و مکان‌های مقدس شیعیان در ایران عراق.

متأسفانه گاه هدف‌های سیاسی و ناکامی‌های نظامی بر این سنت مذهبی و اعتقادی که کم و بیش نزد همه مسلمانان مطرح بود، سایه می‌افکند و آن را تحت شعاع خود قرار می‌دهد؛ برای مثال، خسروپاشا، صدراعظم عثمانی، پس از شکست از سپاه قزلباش در سال ۱۰۴۰ قمری چون شنید سنجاق بیک اسکوتاری به سربازان خود وصیت کرده است که در صورت کشته‌شدن او را در کاظمین نزد قبر امام موسی (ع) دفن کنند، حکم کرد گردن او را بزنند و گفت: «اگر او شیعه نبود این وصیت را نمی‌کرد» (پورگشتال، ۱۹۴۰: ۳).

هرچند در زمان اختلاف‌ها و جنگ‌ها، امکان فرستادن جسد‌ها به کشور عراق ممکن نبود، در زمان حکمرانی پادشاهان به نظر می‌رسد اجساد به‌دلیل وجود منافع اقتصادی به این کشور فرستاده می‌شد و تفاوتی هم در جنسیت اجساد وجود نداشت؛ البته با گذشت زمان و در انتهای عصر صفوی مکان‌های دیگری به‌جز نجف اشرف مانند کربلا مورد استقبال مردم برای دفن اجساد قرار گرفت.

احتمال دفن محمد خدابنده بیش از سایر شاهان صفوی در عتبات وجود دارد. او در سال ۱۰۰۳ بعد از زمان بسیاری خانه‌نشینی در دولتخانه قزوین معالجه نشد و در نهایت، از دنیا رفت و در آستانه امامزاده حسین قزوین دفن و سپس به عتبات عالیات عراق برای تدفین در کنار بارگاه امام حسین (ع) فرستاده شد (هدایت، ۱۳۸۰: ۶۶۹۴-۶۶۹۳).

شاه طهماسب و شاه عباس اول دو پادشاه صفوی بودند که داستان‌ها و شایعاتی درباره دفن آنان در عتبات عالیات وجود دارد. شاه طهماسب که در مشهد مقدس دفن بود به دستور

عبدالمؤمن خان پادشاه ازبکان نبش قبر شد؛ اما جسد او حفظ و به دستور شاه عباس اول طی تشریفات مفصلی نعش مبارک پادشاه مرحوم را به کربلا فرستاده شد (منجم، ۱۳۶۶: ۱۵۲).

درباره اصل این واقعه تردیدی وجود ندارد؛ اما درباره اینکه تا چه حد آن جسد متعلق به شاه طهماسب بوده است، جای تردید است؛ زیرا این واقعه به حدی مورد بهره‌برداری سیاسی، فرهنگی و مذهبی شاه عباس اول قرار گرفت که تنها به صورت یک معجزه درآمد و فقط می‌توان آن را با کشف سالم جسد ابوحنیفه پس از ورود فاتحانه سلطان سلیمان به عراق در سال ۹۴۱ قمری مقایسه کرد. سومین فرد از این سلسله شاه عباس اول است که جمعی از بزرگان گفتند که جنازه او را از فرح‌آباد مازنداران که در آنجا از دنیا رفت در سنه هزار و سی و هشت در نجف اشرف حمل کردند و در رواق مطهر حضرت امیر تحت قبه عتبه مقدس درب حرم مطهر سمت پایین پی مبارک دفن شد (خراسانی، بی‌تا: ۱۷۶).

بعدها بعضی از محققان ایرانی و عرب همچون مؤلف موسوعات العتبات المقدسه و موسوعه النجف الاشرف این نظریه را پذیرفتند (الدجیلی، ۱۴۱۳: ۱۳۶). اما این آرزوی شاه عباس اول بود که به احتمال زیاد تحقق نیافت.

هرچند امانت‌گذاشتن اجساد و سپس انتقال آن به یکی از اعتبار مقدس در زمان صفوی امری متداول بود و درباره عباس اول هم قصد بر همین امر بوده است، به احتمال، به علت شدت گرفتن آتش جنگ میان دو دولت صفوی و عثمانی آن هم بی‌درنگ پس از فوت شاه عباس اول و سرانجام، انتزاع عراق عرب از ایران و نیز به علت نفرت و کینه سران دولتی و نظامی ترک از شاه عباس اول انجام این امر غیرممکن بوده و هیچ‌گاه عملی نشده است.

از منجم یزدی نقل شده است که «جسد شاه در حرم منوره حضرت معصومه دفن گردید» (منجم، ۱۳۶۶: ۷۹). پس از شاه صفی دیگر شاهان صفوی در آستانه حضرت معصومه دفن شدند.

همچنین، نقل شده است که بسیاری از بزرگان و علما عصر صفوی در عتبات مقدس مدفون هستند؛ از آن جمله علی بن حسین عبدالعال کرکی معروف به محقق ثانی و محقق کرکی از اهالی جبل عامل لبنان است که در زمان خودش یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین در مذهب تشیع بوده است. او پس از هجرت به نجف و کسب فیض از محضر علمای آن دیار و ترویج مذهب شیعه به ایران بازگشت؛ اما در اواخر عمر خود به نجف عزیمت کرد و در

همان‌جا از دنیا رفت و دفن شد (حسینی قمی، ۲۴۶-۲۴۷).

از دیگر علمای بزرگ و نام‌آور شیعی که در نجف اشرف مدفون است به محمد باقر استرآبادی معروف به میرداماد عالم و فیلسوف بزرگ عصر صفوی می‌توان اشاره کرد که نزد شاه عباس اول بسیار منزلت بالایی داشت. او در دوره پادشاهی شاه صفی مابین کربلا و نجف از دنیا رفت و جنازه او به دستور شاه صفی به نجف اشرف انتقال داده و مدفون شد (غفاری، ۱۳۴۳: ۳۹). اما انتقال اجساد به عتبات با تسلط اهل سنت (بعد از دنیا رفتن شاه عباس اول) بسیار کاهش یافت. شاردن تاریخ‌نگری که در زمان شاه سلیمان صفوی از ایران دیدن کرده است، در این زمینه می‌نویسد: «ایرانیان در انتخاب مکان برای تدفین پادشاهان خود شهرهای قم، کاشان، مشهد و اردبیل را به سایر شهرها ترجیح می‌دهند» (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۲۹). همان‌طور که دیده می‌شود، در این فهرست نامی از نجف و کربلا دیده نمی‌شود. اودر ادامه اشاره می‌کند که «شیعیان به امام رضا بیش از دیگر ائمه احترام قائل هستند و همواره نام او را بر زبان می‌آورند. دفن شدن در جوار او را نیز آمرزش می‌دانند؛ چراکه دیدگاه عمومی این است که هرکس در کنار معصوم یا یکی از اولیای دین دفن شود، تحت حمایت او قرار دارد» (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۲۸).

نتیجه‌گیری

توسعه فرهنگی در عتبات عالیات به مثابه گسترش قدرت صفوی و عثمانی در منطقه عراق بود. به همین دلیل، در سیاست‌های فرهنگی هر دو کشور تلاش برای نفوذ فرهنگی و توسعه سیاسی در این منطقه به خوبی قابل مشاهده است. دولت صفوی در راستای قلوب شیعیان و کسب حمایت آنها، برقراری پیوندهای ریشه‌دار میان سرزمین و تاریخ عراق با اعتقادهای ملت ایران، گسترش مذهب تشیع و زیر فشار قراردادن دولت عثمانی و تبلیغ فرهنگ تشیع در این سرزمین از هیچ اقدام فرهنگی فروگذار نکرد. درمقابل، دولت عثمانی همیشه از توسعه تشیع در عراق نگران بود؛ زیرا مذهب تشیع باعث پیوند تنگاتنگ عراق با حکومت صفوی می‌شد؛ بنابراین سلطان و حکام عثمانی به هر نحو می‌کوشیدند مانع این توسعه شوند؛ ازجمله بر زائران سخت می‌گرفتند. هرچند در عهدنامه‌های صلح میان دو دولت عثمانی و صفوی درباره فراهم آوردن امنیت و آسایش زائران ایرانی به عراق توافق کرده بودند، آنها از پراکنده شدن زائران میان مردم جلوگیری می‌کردند؛ اما دولت عثمانی در مبارزه با تشیع و جلوگیری از احترام یافتن عتبات موفقیتهایی به دست نیاوردند؛ زیرا زائران ایرانی تحت هر شرایطی به عراق

سفر می‌کردند و رسالت اعتقادی خود را به انجام می‌رساندند.

فهرست منابع

- ابن قولویه قمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر (۱۳۸۴). *کامل الزیارات* (ترجمه سید محمد جواد ذهنی). تهران: پیام حق.
- بی‌نا (۱۳۷۳). *عالم‌آرای صفوی* (به کوشش یدالله شکری). تهران: مؤسسه اطلاعات.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۶). *سفرنامه* (ترجمه ابوتراب نوری). اصفهان: تأیید، چاپ دوم.
- ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۷۱). *ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی* (تصحیح سهیلی خوانساری). تهران: اسلامیه.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۷). *آثار اسلامی مکه و مدینه*. قم: مشعر.
- خامه‌یار، احمد (۱۳۹۷). *زیارتگاه‌های عراق در آینه کتاب بیان منازل سفر عراقین*. فصلنامه فرهنگ زیارت، ۹۹ (۳۶)، ۱۲۵-۱۵۴.
- خراسانی، محمدحاشم [بی‌تا]. *منتخب التواریخ*. تهران: نشر کتابفروشی علمیه اسلامی.
- الخلیلی، جعفر (۱۴۰۷). *موسوعات العتبات المقدسه*. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- خواندمیر، غیاث الدین همام (۱۳۳۳). *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*. ج ۴، تهران: خیام.
- الدجیلی، جعفر هادی (۱۴۱۳). *موسوعة النجف الاشرف*. بیروت: دارالضواء.
- درینگیل، سلیم (۱۳۸۴). *مبارزه با تشیع در عراق در دوران عبدالحمید دوم* (ترجمه نصرالله صالحی). *نامه تاریخ پژوهان*، (۲)، ۱۱-۳۳.
- دونالدسون، دوایت (۱۳۸۳). *کربلا مهم‌ترین زیارتگاه شیعی* (ترجمه عباس احمدوند). فصلنامه تاریخ اسلام، ۵ (۱۹)، ۱۵۳.
- شاردن، ژان (۱۳۷۴). *سفرنامه* (ترجمه اقبال یغمایی). تهران: توس.
- العزاوی، عباس (۱۹۳۹). *تاریخ العراق بین احتلالین*، ج ۷، بغداد: مطبعة الفضيحة الاهلیه.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). *تاریخ جهان‌آرا*. تهران: حافظ.
- کلیددار، عبدالجواد (۱۳۷۷). *تاریخ کربلا و حائر حسین* (ترجمه محمد صدر هاشمی). اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه* (ترجمه کیکاووس جهانداری). تهران: انتشارات خوارزمی.
- کمونه الحسینی، سیدعبدالرزاق (۱۳۸۷). *مشاهر العترة الطاهرة اعیان الصحابه و التابعین*. نجف: الاداب.
- لانگریک، استیون همزلی (۱۳۷۸). *تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۵۰ - ۱۹۰۰*

- (ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی). مشهد: آستان مقدس رضوی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۲۷۴). تحفه الزائر. تهران: کارخانه کربلایی محمد قلی و کربلایی محمد حسن.
- منجم یزدی، ملاجلال الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال (به کوشش سیف الله وحیدنیا). تهران: انتشارات وحید.
- نجفی، فرشاد (۱۳۸۹). تاریخ ایران و جهان در ارتباطات اجتماعی. تهران: فرهیختگان.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۳). اسناد و مکاتبات ایران از سال ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ همراه با یادداشت‌های تفصیلی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هامر پورگشتال، یوزف فون (۱۳۶۷). تاریخ امپراتوری عثمانی (ترجمه میرزا زکی علی آبادی). تهران: زرین.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰). روضه الصفا (تصحیح جمشید کیانفر). تهران: اساطیر.
- هیلنبراند، رابرت (۱۳۸۰). تاریخ ایران کمبریج (ترجمه یعقوب آژند). جامی.
- واثقی، حسن (۱۴۳۶). المکاتبات المکیه. تهران: نشر دانش حوزه.
- وردی، علی (۱۳۶۹). لمحات الاجتماع من تاریخ العراق. بغداد: مطبعة الارشاد.

اسنادی از نقش ایرانیان در توسعه فرهنگی عتبات از تأسیس مدرسه تا گزارش هیئت حمل ضریح حضرت عسگرین به عتبات (۱۳۴۱-۱۳۲۶ ش)

رحیم روح بخش^۱

چکیده

شهرهای شیعی عثمانی و عراق در منطقه بین‌النهرین نه تنها از لحاظ زیارت و تجارت برای ایرانیان جذابیت داشت، طالبان علوم دینی نیز مشتاق بودند تا در حوزه‌های علمی بزرگ نجف، کربلا و ... تحصیل کنند؛ به طوری که این حضور در یک سده اخیر و در پی جدایی عراق از عثمانی گسترش یافت. حضور انبوه ایرانیان در عراق زمینه‌ساز برخی مبادلات فرهنگی میان دو کشور شد. برخی از اقدام‌های ایرانیان مقیم عتبات در تحکیم این تعامل تأثیر ویژه‌ای داشت که از آن جمله می‌توان به تأسیس نهادها و مراکز اداری دولتی در عتبات، ایجاد مدرسه‌های ملی، فعالیت‌های عمرانی برای بازسازی عتبات، اقامت مراجع و علمای ایرانی در عتبات و رفت‌وآمد آنان به ایران، حمایت علمای نجف از مبارزه‌های مردم ایران، ارتباطات تجاری بازرگانان و ... اشاره کرد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی و با بهره‌برداری از منابع اسنادی تدوین یافته است. نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباط فرهنگی ایران و عتبات را می‌توان در دوره سلطنت پهلوی دوم (دو دهه نخست) در دو لایه تعریف کرد: نخست در لایه نهاد مرجعیت (با محوریت آیت‌الله‌العظمی بروجردی) و دوم در لایه دولت (با محوریت دولت علی‌امینی) که هر دو این نهادها با عنایت به جایگاه خود نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش روابط فرهنگی ایران با عراق (با محوریت عتبات) داشتند.

کلمات کلیدی: ایران، عراق، عتبات، ارتباطات فرهنگی، مرجعیت

۱. عضو هیئت‌مدیره انجمن ایرانی تاریخ، پژوهشگر آزاد، مسئول مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
roohbakhsh1965@yahoo.com

**Documents of the Role of Iranians in the Cultural
Development of the Shrines From the Establishment of the
School to the Report of the Committee for the Transport of the
Shrine of Hazrat Asgarin to the Shrines(1947-1962)**

Author: Rahim roohbak¹

Abstract:

The Shiite Ottoman cities – and later Iraq – in the Mesopotamian region were not only attractive to Iranians in terms of pilgrimage and trade, but also eager students of religious sciences were eager to study in the great seminaries of Najaf, Karbala, etc. This presence expanded in the last century, following Iraq's separation from the Ottoman Empire. The large presence of Iranians in Iraq paved the way for some cultural exchanges between the two countries. Some of the actions of Iranians residing in the shrines had a special impact on strengthening this interaction, including the establishment of government institutions and administrative centers in the shrines, the creation of national schools, development activities to reconstruct the shrines, the residence of Iranian religious authorities and scholars in the shrines and their travel to Iran, the support of Najaf scholars for the struggles of the Iranian people, the business connections of merchants, etc.

This article is written in a descriptive manner and using documentary sources. The article's findings indicate that the cultural connection

1. Corresponding Author: roohbakhsh1965@yahoo.com

between Iran and the shrines can be defined in two layers during the second Pahlavi dynasty (the first two decades): First, at the level of the Marja'iyat institution (centered on Grand Ayatollah Boroujerdi) and second, at the level of the government (centered on the government of Ali Amini). Given their respective positions, both of these institutions played a decisive role in expanding Iran's cultural relations with Iraq (centered on the shrines).

Keywords: Iran, Iraq, shrines, cultural connections, Marja'iyat.

مقدمه

فضای باز سیاسی کشور در پی سقوط رضاشاه به خصوص در سال‌های نخست سلطنت محمدرضا شاه باعث شد که نیروهای مذهبی همچون سایر گروه‌های مرجع بیش از پیش گام در عرصه اجتماع بگذارند و با ایجاد تشکّل‌ها و هیئت‌های مذهبی به جریان‌های سیاسی و فرهنگی کشور توجه کنند. بررسی وقایع آن سال‌ها حاکی است که در دهه بیست جریان مذهبی در قالب سه رویکرد در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور نمود و بروز یافت. یکی جریان مبارز و تأثیرگذار آیت‌الله کاشانی و طرفدارانش است که در پیوند با جریان ملی‌گرای مصدق پیروزی بزرگ ملی‌شدن نفت را رقم زد. این جریان بعد از قیام سی‌ام تیر ۱۳۳۱ با دولت مصدق دچار اختلاف شد و بعد از کودتا نیز به اغما رفت. گروه دوم، جریان فدائیان اسلام است که به رهبری سید مجتبی نواب صفوی بود. او نقش تعیین‌کننده‌ای در ملی‌شدن نفت داشت که با دولت مصدق دچار اختلاف شد. سپس بعد از کودتا با اعدام نواب و چند تن از یارانش از عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حذف شد. گفتنی است سید مجتبی نواب صفوی در ترور رزم‌آرا، نخست وزیر مخالف ملی‌شدن نفت، نقش داشت. در چنین شرایطی مرجعیت با محوریت آیت‌الله‌العظمی بروجردی به محوری برای تعاملات مذهبی ایران و عراق تبدیل شد.

نقش آیت‌الله بروجردی

از سه جریان مذهبی تأثیرگذار در خلال تحولات دهه بیست و سی عصر پهلوی دوم جریان مذهبی با محوریت مرجعیت بود که موفق شد با تدابیر خاصی خود را از کوران حوادث نجات دهد. این جریان به رهبری آیت‌الله‌العظمی سید حسین بروجردی، مرجع اعلم تقلید و زعیم حوزه علمیه قم و توده‌های گسترده مقلدان ایشان، بود که با عنایت به رویکرد خاص خود سعی کرد به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی توجه کند و با اعمال فشار به دولت‌های وقت به مقابله با نفوذ و تبلیغات مخالفان مذهبی در عرصه‌های مختلف برآید.

در توضیح مختصر شکل‌گیری و تداوم فعالیت این جریان باید خاطر نشان کرد که بنیان‌گذاری یا به تعبیر دقیق‌تر، احیای حوزه علمیه قم مدتی پیش از سلطنت رضاشاه با آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری صورت گرفت. دوره زعامت و ریاست ایشان با فراز و

نشیب‌های فراوانی همراه بود. شیخ عبدالکریم با تدبیر و احتیاط فراوان موفق شد تا زمان وفاتش در سال ۱۳۱۵ هـ. ش حوزه قم را اداره و رونق بخشد. بعد از آن مرحوم، مراجع ثلاث آیات خوانساری، حجت و صدر مدیریت مشترک حوزه علمیه قم را عهده‌دار شدند و تا زمان عزیمت آیت‌الله بروجردی به قم در سال ۱۳۲۳ امورات آن را سامان بخشیدند.

آیت‌الله بروجردی در جایگاه مرجع تقلید اعلم از سال ۱۳۲۵ ریاست حوزه قم و به تدریج زعامت شیعیان را به عهده گرفت. سپس با حمایت بازاریان به خصوص دریافت وجوه فراوان شرعی امورات حوزه‌های شهرستان‌های کشور و حتی نجف را نیز عهده‌دار شد. این امر بر تمرکز مرجعیت در ایران و تعامل مطلوب آن با نظام سیاسی تأثیر ویژه‌ای گذاشت؛ به طوری که بروجردی در تمام دوران مرجعیت خود به صورت مدافع سرسخت شریعت در قبال حکومت ظاهر شد و از همین روی، به تدریج استقبال از طلبگی در دهه سی گسترش یافت. در این راستا، ارتباط وی با سایر مراجع تقلید، علمای برجسته و سایر روحانیون داخل و خارج کشور نیز گسترش یافت. درباره تعامل آیت‌الله بروجردی با عتبات اعم از مراجع، علما و طلاب دهها سند در مراکز آرشیوی تهران وجود دارد که نگارنده مجموعه آنها را در قالب یک کتاب اسنادی به چاپ رسانده است (روح‌بخش، ۱۳۹۷). در اینجا به مناسبت موضوع بحث پژوهش حاضر فهرست اسناد مرتبط ارائه می‌شود.

سند شماره ۱: گزارشاتی از ارسال پیام مکتوب علمای نجف: آیات‌الله اصفهانی، نائینی و شیرازی توسط آقایان: حاج آقا حسین بروجردی و شیخ احمدشاهرودی در حمایت از مطالبات علمای مهاجر اصفهان به قم در خصوص لغو نظام اجباری- ۷/ ۹/ ۱۳۰۶

سند شماره ۳۸: درخواست اهالی شهرهای قم، ملایر، خرم‌آباد، نهاوند، الشتر و همدان جهت خودداری آیت‌الله بروجردی از عزیمت به نجف در اعتراض به تعلل هیئت حاکمه جهت تدوین قوانینی برای جلوگیری از تبلیغات بهائیان- ۱۳۳۴/۷/۲۸

سند شماره ۴۵: بازتاب پرداخت شهریه به طلاب کربلا و نجف توسط آیت‌الله بروجردی در حوزه‌های علمیه عتبات عالیات- ۱۳۳۶/۱۱/۲۴

۱- تذکر: شماره اسناد درج شده براساس شماره اسناد کتاب «آیت‌الله العظمی بروجردی به روایت اسناد» جهت تسریع در بازیابی اسناد مذکور در کتاب آمده است. ضمناً از این کتاب چاپ دومی هم با همین عنوان توسط «انتشارات سفیر اردهال» در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

- سند شماره ۶۹: دیدار و مذاکره سفیر عراق در تهران با آیت الله بروجردی-۱۳۳۸/۵/۱۶
- سند شماره ۹۲: دیدار سفیر عراق در تهران با آیت الله بروجردی-۱۳۳۹/۵/۱۶
- سند شماره ۹۳: گزارش هایی از شهرهای مختلف درخصوص جایگاه آیت الله حکیم به عنوان جانشین آیت الله بروجردی-۱۳۳۹/۶/۸
- سند شماره ۱۱۲: گزارش سفیر ایران در بغداد درخصوص بازتاب مخابره تلگراف تسلیت رحلت آیت الله بروجردی از سوی محمدرضا شاه به آیت الله حکیم-۱۳۴۰/۱/۱۲
- سند شماره ۱۱۳: تلگراف تسلیت «جمعیت مؤلفین عراق» به آیت الله حکیم به مناسبت رحلت آیت الله بروجردی-۱۳۴۰/۱/۲۷
- سند شماره ۱۱۴: تقدیر آیت الله حکیم از نخست وزیر علی امینی در پی احوال پرسی از کسالت ایشان-۱۳۴۰/۳/۱۶
- سند شماره ۱۱۵: گزارش سفیر ایران در بغداد از برگزاری مجالس ترحیم رحلت آیت الله بروجردی در برخی شهرهای عراق-۱۳۴۰/۱/۱۲
- سند شماره ۱۳۰: دیدار سرکنسولگری ایران در کربلا با مراجع مقیم نجف و مخالفت آیت الله حکیم با اصلاحات ارضی-۱۳۴۰/۱۱/۱۳

نقش علی امینی

علی امینی نخست وزیر را می توان متعلق به نسل سیاستمداران کهنه کار و مستقل دانست که به شرایط مذهبی جامعه و طبقات اجتماعی سنتی اشراف داشت. برحسب همین شناخت بود که وی به چگونگی برخورد با رهبران مذهبی مدبرانه عمل کرد؛ به طوری که موفق شد طرح بزرگ اصلاحات ارضی را اجرایی کند. او که به چگونگی تعامل با نیروهای مذهبی واقف بود، به فراست از این ظرفیت بهره برداری کرد و با تبلیغات فراوان در مجالس و محافل مختلف برنامه های اصلاحی خود را پیش برد. نخست وزیران دهه سی از مصدق تا امینی شامل زاهدی، اقبال، علاء و شریف امامی و برخی درباریان نظیر صدرالاشراف، قائم مقام رفیع و... را می توان متعلق به نسل سیاستمدارانی دانست که به شرایط اجتماعی و جایگاه عناصر مرجع جامعه وقوف داشتند و رویکرد مداراگرایانه آنان روند تعاملی حاکمیت را با حوزه قم در دهه سی فراهم کرد؛ البته امینی در این میان یک استثنا بود.

دوران چهارده ماهه نخست وزیری دکتر علی امینی (اردیبهشت ۱۳۴۰ الی تیر ۱۳۴۱) با

اتفاق‌های چندی در عرصه مواجهه با نیروهای سیاسی و مذهبی از آن جمله اجرای اصلاحات ارضی، انحلال مجلس بیستم، تبعات رحلت آیت‌الله بروجردی، تشدید فعالیت‌های جبهه ملی، واقعه حمله به دانشگاه تهران در بهمن ۱۳۴۰ و ... همراه بود. نکته درخور تأمل اینکه امینی با فراست از برخی از این بحران‌ها عبور کرد. نوع مواجهه امینی با نیروهای مذهبی به‌خصوص مراجع تقلید قم و حتی تعامل وی با علمای برجسته در تهران نشان داد که وی به درک شرایط تاریخی جامعه و جایگاه نیروهای مذهبی با آگاهی عمل می‌کند.

یک مقایسه کلی از میزان مکاتبات و تلگرافات مخابره‌شده نیروهای مذهبی به‌خصوص علما با دولت در دوران نخست‌وزیری امینی حاکی از این است که این دوره از منظر تعاملات دولت-روحانیت یک مقطع مهم است. به نظر می‌رسد، با عنایت به رویکرد اصلاحی امینی و ازجمله بازداشت برخی مقامات عمده متخلف، اقدام‌ها و اصلاحات او مورد استقبال عمومی قرار گرفت. در این میان، نیروهای مذهبی از نخست‌وزیری وی با حسن‌ظن برخورد و بیشتر از اصلاحات وی حمایت کردند؛ به‌طوری‌که در این دوره تعاملات دستگاه نخست‌وزیری با علما رونق بسزایی یافت. بخش عمده‌ای از این تعامل به استقلال و اصالت شخصیت خود امینی بستگی داشت. وی در خاطراتش نقل می‌کند: «خانواده من از چند نسل پیش مورد توجه روحانیون بودند و خود من چنان رابطه حسنه‌ای با روحانیون داشتم که بعضی مخالفین به طعنه می‌گفتند که دکتر امینی آخوندباز است» (توکلی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). وی با ریشه و تبار قاجاری به یک خانواده اشرافی سنتی تعلق داشت که پیوندهای مذهبی مستحکمی با علما داشتند. مادر بزرگ امینی، فخرالدوله، بنا به پیشنهاد فلسفی واعظ شهیر نه‌تنها قطعه زمینی وسیع خویش را برای احداث مسجدی در خیابان فخرآباد واقع در دروازه شمیران وقف کرد، هزینه‌های مالی آن را نیز تقبل کرد. بعد از اتمام کار ساخت «مسجد فخرالدوله»، نامبرده چهار شب و خود دکتر امینی یک شب از ماه محرم را در مسجد حضور می‌یافتند (روحانی، ۱۳۷۶: ۲۰۰). نقل است خود امینی نیز مدتی از دوره نوجوانی خویش را به درس طلبگی پرداخته بود؛ بنابراین همواره مجذوب زی و زندگی ساده طلاب در حجره‌ها بود (امینی، ۱۳۸۶: ۳۷۲).

با این مقدمه‌ها امینی به رویکردی مداراجویانه با مراجع و علما دست زد. وی که حدود یک ماه بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ به نخست‌وزیری منصوب شد، در صدد برآمد با مراجع و علمای برجسته ارتباط برقرار کند. برای این منظور یکی از علمای تهران را به‌عنوان مشاور مذهبی خود انتخاب کرد. امری که در هیچ‌یک از دولت‌های دیگر رخ نداده

بود. این انتخاب، استقبال علمای تهران از جمله بهاءالدین نوری را دربرداشت (آرشیو مرکز اسناد، سند ۴۲۴۴۷). همچنین، علمای نجف با آیت‌الله حاج آقا حسین کفایی، فرزند آخوند خراسانی از رهبران مشروطه، با به کار بردن تعبیر «دولت اسلامی» برای دولت امینی از این انتخاب تقدیر کردند (آرشیو مرکز اسناد، سند ۴۲۴۴۷). امینی در پاسخ خود ابراز امیدواری کرد: «امیدوارم با توجه به مساعدت آقایان علما که راهنمای مسلمین و بالخصوص شیعه اثنی عشر می‌باشند و با تبلیغ مبلغین و خطبا اسلام بتوانیم مردم را با یک ایمان کامل و راسخی که اساس حفظ استقلال مملکت و بقا کشور است، مجهز نماییم» (آرشیو مرکز اسناد، سند ۴۱۴۹۲).

مکاتبات و گزارش‌هایی از این نوع نشان می‌دهد که تعامل دولت با سطح‌های مختلف علما و روحانیون اعم از اهل منبر و محراب، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه با مخابره تلگراف به مناسبت‌های مختلف جریان داشت؛ به‌طوری که فضایی از حسن نظر و تعامل نزدیک بین دولت امینی و نیروهای مذهبی حاصل شده بود؛ اما در این میان اجرای قانون اصلاحات ارضی امینی واکنش برخی مراجع و علمای برجسته را برانگیخت. چنانکه گذشت، آغاز نخست‌وزیری امینی حدود یک ماه بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، از مخالفان اصلی اصلاحات ارضی، در اردیبهشت ۱۳۴۰ بود؛ بنابراین امینی در صدد برآمد تصویب و اجرای اصلاحات ارضی را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد. این اقدام منجر به واکنش آیت‌الله حکیم از مراجع مقیم نجف شد. آیت‌الله حکیم با استناد به اصل حرمت مالکیت در اسلام و تعهد هیئت حاکمه به پایبندی به شریعت براساس قانون اساسی به این اقدام تذکر داد (روحانی، ۱۳۷۴: ۲۴-۲۲).

بر این اساس، امینی را می‌توان متعلق به نسل سیاست‌مداران کهنه‌کار و مستقل دانست که به شرایط مذهبی جامعه و طبقات اجتماعی سنتی اشراف داشت. برحسب همین شناخت بود که وی به چگونگی برخورد با رهبران مذهبی مدبرانه عمل کرد؛ به‌طوری که موفق شد طرح بزرگ اصلاحات ارضی را اجرایی کند. او که به چگونگی تعامل با نیروهای مذهبی واقف بود، به فراست از این ظرفیت بهره‌برداری لازم را کرد و با تدبیر و تبلیغات متعدد در مجالس و محافل مختلف برنامه‌های اصلاحی خود را پیش برد.

البته به‌جزء امینی برخی از نخست‌وزیران دیگر این دوره نظیر قوام‌السلطنه و مصدق نیز همان ویژگی را داشتند و موفق شدند تعاملی مطلوب با مراجع و علما ایجاد کنند. خوشبختانه

مجموعه زیادی از اسناد مکاتبات امینی و برخی دیگر از نخست وزیران با مراجع و علمای قم و نجف باقی مانده است. در این پژوهش متن تعدادی از اسناد و مکتوبات مربوط از دوره صدارت قوام السلطنه، ۱۳۲۶ الی نخست‌وزیری اسدالله علم ۱۳۴۱، به شرح پیوست ارائه می‌شود. این اسناد در سه موضوع کلی به شرح ذیل است.

الف) اسناد درخواست تذکره (گذرنامه): مجموعه اسناد موضوع مذکور از سند شماره ۱ الی سند شماره ۴ به شرح موضوعی ذیل است:

سند شماره ۱: مصوبه هیئت وزیران مبنی بر صدور گذرنامه خاص زیارتی برای زوار حج و عتبات عالیات

سند شماره ۲: درخواست آیت‌الله بهبهانی^۱ جهت صدور گذرنامه برای اکبر صلواتی به منظور زیارت عتبات

سند شماره ۳: درخواست عباسقلی بازرگان^۲ جهت صدور گذرنامه سفر به عتبات عالیات
سند شماره ۴: درخواست اتخاذ تسهیلات و احترامات لازم برای آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی در سفر به عتبات

ویژگی مشترک این مجموعه تمهیدهای لازم برای تسهیل سفر زیارتی به عتبات است. چنانکه موضوع اسناد نشان می‌دهد، صدور گذرنامه خاص زیارتی در اواخر دوره نخست‌وزیری قوام به تصویب هیئت دولت رسیده است تا تسهیلات لازم برای تسریع در اعزام زائران عتبات فراهم شود. این مجموعه اسناد شامل قبل از دوره مصدق (سال ۱۳۳۰) می‌شود.

ب) مجموعه سوم اسنادی این نوشتار شامل یک گزارش تفصیلی: هیئت کاروان ضریح حضرت عسگرین از حمل ضریح در شهرهای مختلف ایران و عراق (سند شماره ۵)، بهمن ۱۳۴۰ دوره نخست‌وزیری علی امینی، است. جزئیات دقیق اعضای هیئت از استقبال توده‌های مؤمنان از ضریح و اعضا هیئت در گزارش آمده است.

ج) مجموعه چهارم (سند شماره ۶) گزارشی از هیئت اعزامی از سوی دفتر نخست‌وزیری، دوره اسدالله علم، به عراق برای شرکت در مراسم جشن افتتاحیه مدرسه ایرانی «جامعه‌النجف» و دیدار هیئت مذکور با مراجع تقلید مقیم نجف است. گفتنی است که مدرسه جامعه‌النجف،

۱ - ایشان فرزند آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی از رهبران مشروطه بود.

۲ - وی پدر مهندس مهدی بازرگان اولین نخست‌وزیر بعد از انقلاب اسلامی است.

به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مدارس مدرن ایرانی دوره متأخر در عراق اهمیت ویژه‌ای داشت. سید محمد کلانتر، یکی از نوگرایان عرصه آموزش در نجف، با سرمایه حاج محمد اتفاق، از تجار ایرانی این مدرسه را در اواخر پاییز ۱۳۴۱ هـ. ش تأسیس کرد. مدرسه با ۲۰۸ اتاق و نیز با کتابخانه‌ای به مساحت ۲۲۵ متر در دو طبقه ساخته شد. این مدرسه مسجدی نیز به همین مساحت داشت که علاوه بر اقامه نماز برخی درس‌ها نیز در آنجا تدریس می‌شد. مدرسه چندین سالن نیز داشت؛ به‌طوری که بهترین مدرسه نجف از نظر امکانات تلقی می‌شد. (گزارشی درباره جامعه‌النجف، ۱۳۴۱). مجموعه اسناد و گزارش‌های دهگانه این سند مهم بیانگر تبادل فرهنگی ایران و عراق از یکسو و تداوم پیوندهای مذهبی دو کشور در بستر نظام آموزشی از سوی دیگر است. با این توضیحات متن کامل اسناد به شرح ذیل ارائه می‌شود:

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر اسناد دو حوزه کنشگری در ایران، یعنی جریان مرجعیت با محوریت آیت‌الله بروجردی و هیئت حاکمه با محوریت دولت امینی با حوزه نجف و علمای آن بررسی شد. دوره مرجعیت آیت‌الله العظمی بروجردی (از ۱۳۲۵ الی ۱۳۴۰) را می‌توان به‌عنوان انتقال مرجعیت از نجف به قم تلقی کرد. از این بابت با عنایت به دوران طولانی استقرار مرجعیت در عتبات و انتقال آن به ایران نوع مواجهه آیت‌الله بروجردی با حوزه نجف، مراجع، علما و طلاب آن می‌توانست حائز اهمیت ویژه باشد. درمجموع، اسناد آیت‌الله بروجردی در این دوره در سه موضوع به‌طور مشخص مهم است:

۱- پرداخت شهریه طلاب حوزه‌های علمیه عتبات توسط ایشان

با انتقال مرجعیت از نجف به قم وجوه شرعی مؤمنان و مقلدان مرجعیت از نجف به قم جاری شد. از آن جمله انبوه بازاریان از جمله تجار تهران وجوه خود را به آیت‌الله بروجردی پرداختند که این امر زمینه حمایت‌های ایشان را از حوزه‌ها، علما و طلاب فراهم کرد. از آن جمله شهریه طلاب، بسیاری از حوزه‌های علمیه کشور و حتی عراق را متقبل شد؛

۲- جایگاه حوزه نجف به‌عنوان ملجأ و مأمن مراجع و علمای شیعه

از دیرباز به‌خصوص در دوره قاجار مراجع و علمای برجسته ایرانی با استقرار در نجف

(خارج از سلطه و سیطره نظام سیاسی حکام قاجار) موفق شدند برخی مبارزه‌های سیاسی بر هیئت حاکمه قاجار نظیر جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و ... را رهبری کنند تا اینکه با انتقال مرجعیت از نجف به قم در دوره پهلوی هرگاه هیئت حاکمه در قبال مطالبات مرجعیت کوتاهی می‌کرد، مراجع از جمله آیت‌الله بروجردی با تهدید مهاجرت به عتبات افکار عمومی را بسیج و هیئت حاکمه را وادار به پاسخگویی می‌کرد؛

۳- نکته درخور توجه اینکه هیئت حاکمه ایران (محمدرضا شاه) به دنبال رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ پیام تسلیت خود را به آیت‌الله حکیم از مراجع مقیم نجف ارسال کرد. این اقدام به معنای آن بود که مرجعیت دوره جدید در ایران مستقر نخواهد بود، بلکه مرجعیت نجف (آیت‌الله حکیم) از نظر هیئت حاکمه رسمیت دارد. پیام مشخص بود. نظام سیاسی تحمل حضور و نقش‌آفرینی مرجعیت مستقر در ایران را ندارد. بعدها هم امام خمینی به عنوان یک مرجع تقلید با هیئت حاکمه به مبارزه پرداخت و به تبعید در نجف محکوم شد. در این میان، نجف مأمن مراجع و علما بود؛ اما حوزه دوم کنشگری با عتبات مربوط به نظام سیاسی به خصوص دولت‌های عصر محمدرضا شاه به‌ویژه دوره نخست‌وزیری علی امینی است. امینی نخست‌وزیر را می‌توان متعلق به نسل سیاست‌مداران مستقل دانست که توانست تعامل مطلوبی با نیروهای مذهبی از جمله مراجع تقلید و علمای برجسته در تهران و قم برقرار کند. این تعامل در گام بعدی با حوزه علمیه نجف به خصوص مراجع تقلید آنجا گسترش یافت. دوران نخست‌وزیری امینی مدت کوتاهی بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی (۱۰ فروردین ۱۳۴۰) شروع و چهارده ماه پرفراز و نشیب ادامه یافت.

مجموعه اسناد ارائه شده درباره تعامل امینی با عتبات را می‌توان به چهار دسته شامل دو دسته عمده درخواست تذکر (گذرنامه) برای زیارت عتبات و اسناد هیئت کاروان ضریح حضرت عسکرین درباره حمل ضریح در شهرهای مسیر ایران و عراق تقسیم کرد.

اما مهم‌ترین مجموعه اسنادی ارائه شده در این نوشتار گزارش هیئت اعزامی از سوی دفتر نخست‌وزیری به عراق برای شرکت در مراسم جشن افتتاحیه مدرسه ایرانی «جامعه‌النجف» است که هیئت مذکور بعد از این مراسم به دیدار مراجع مقیم نجف نائل و گزارش اسنادی مهمی راجع به گفت‌وگوها و مواضع آنها ارائه شده است. مجموعه اسناد حاکی از تعاملی گسترده و مؤثر بین هیئت حاکمه با حوزه نجف و مراجع و علمای آن است. تعاملی که در کوتاه‌مدتی بعد به دنبال شروع نهضت امام خمینی و نقش‌آفرینی گسترده مراجع و علمای ایران و مراجع

عتبات به سردی گرایید.

متن اسناد

سند شماره ۱

مصوبه هیئت وزیران مبنی بر صدور گذرنامه خاص زیارتی برای زوّار حج و عتبات عالیات

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: عهد و امور حقوقي

مجلس شوراي ملي

نظر به اینکه هر سال در موقع زیارتی عده زیادی از زوّار به شهربانی‌های مربوطه مراجعه کرده درخواست گذرنامه می‌نمایند و به واسطه ازدحام فوق‌العاده زوّار در مواقع معینه زیارتی و اشکالات صدور گذرنامه عادی، شهربانی‌های مربوطه دچار اشکال می‌گردند، علی‌هذا به‌منظور ایجاد تسهیلات در صدور گذرنامه و جلوگیری از ازدحام فوق‌العاده زوّار و عدم سوءاستفاده از گذرنامه‌های عادی در نظر گرفته شده است که گذرنامه‌های مخصوصی با فرم و شکل ساده‌تری به اسم گذرنامه زیارتی تهیه و در دسترس عموم شهربانی‌های کشور گذارده شود تا بتوانند در تمام مدت سال در موقع مراجعه زوّار به صدور گذرنامه مبادرت ورزند و چون اقسام گذرنامه در فصل دوم ماده ششم قانون گذرنامه مصوبه ۲۰ دی ماه ۱۳۱۱ تصریح گردیده و از گذرنامه زیارتی قیدی نشده است، پیشنهاد می‌شود که به ماده ششم قانون گذرنامه بند ۵ به‌ترتیب زیر اضافه شود.

بند ۵- گذرنامه زیارتی که برای زیارت اعتبار مقدسه داده می‌شود اعتبار آن تا یکسال از تاریخ صدور بوده و دارنده آن می‌تواند فقط یکبار برای زیارت به خارج از ایران مسافرت کند و قیمت آن سیصد ریال است.

وزیر امور خارجه

سند شماره ۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: گذرنامه و تابعیت

شماره: ۷/۶۲۷۷/۳۰۷۹۸

تاریخ: ۱۳۲۶/۸/۱۴

نخست‌وزیری

بازگشت به مرقومه شماره ۱۳۸۲۰ مورخه ۱۳۲۶/۷/۱۱ راجع به تنظیم گذرنامه زیارتی اینک طرح لایحه قانونی برای الحاق بند ۵ به ماده ششم قانون گذرنامه جهت تصویب مجلس شورای ملی به پیوست تقدیم می‌گردد.

از طرف وزیر امور خارجه [امضا، ناخوانا]

[حاشیه پایین:] این نامه از تاریخ ۱۳۲۶/۸/۱۸ کجا بوده و چرا نسبت به آن تاکنون اقدامی به عمل نیامده است. ۱۳۲۷/۱/۱۵

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۶۹۴۲

تاریخ: ۱۳۲۶/۸/۱۸

سند شماره ۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره: گذرنامه و تابعیت

هیئت وزیران در جلسه مورخه تصویب نمودند که به ماده ششم فصل دوم قانون گذرنامه راجع به اقسام گذرنامه به شرح زیر اضافه شود.

«بند ۵ - گذرنامه زیارتی که برای زیارت اعتبار مقدسه و حج داده می‌شود اعتبار آن یکسال از تاریخ صدور و دارنده آن می‌تواند فقط یکبار برای زیارت و یا حج به خارج از ایران مسافرت کند».

پس از افتتاح مجلس شورای ملی لایحه آن برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم

خواهد گردید.

سند شماره ۲

درخواست آیت الله بهبهانی جهت صدور گذرنامه برای اکبر صلواتی به منظور زیارت عتبات

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

بازرسی مخصوص

شماره عمومی: ۳۱۵۹/۲، تاریخ پاکنویس: ۱۳۲۸/۳/۱۶، تاریخ ثبت: ۱۳۲۸/۳/۲۱

اداره کل شهربانی

آقای اکبر صلواتی به عللی تقاضای گذرنامه جهت عزیمت به عتبات عالیات را نموده است.

دستور فرمایید نسبت به انجام تقاضای نامبرده اقدام نمایند.

نخست وزیر

[امضای پیش نویس:] امیر پناهی ۱۳۲۸/۳/۱۵

[حاشیه پایین:] به امضای جناب آقای نخست وزیر صادر شد. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۲/۱

هو

به عرض می رسد

با تقدیم دعاگوئی مصدع است

مشهدی اکبر صلواتی همه ساله در این موقع با عیال خود عتبات عالیات مشرف می شود و این مرسوم همه ساله است که استثنائاً مقام ریاست وزرا هم به صدور تذکره متعهد متمنی است امر فرمایید تذکره ایشان با عیال ایشان صادر شود. موجب مزید تشکر است زیاده عرضی نیست.

الاحقر محمد بهبهانی

سند شماره ۳

درخواست عباسقلی بازرگان جهت صدور گذرنامه سفر به عتبات عالیات

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

بازرسی مخصوص

شماره: ۱۱۰۶۱/۲، تاریخ ثبت: ۱۳۲۸/۱۱/۲۳

شهربانی کل کشور

عین نامه^۱ آقای حاج عباسقلی بازرگان حسب الامر برای اقدام مقتضی به ضمیمه ارسال می شود.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

سند شماره ۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: دفتر کل، تاریخ: ۱۳۲۸/۱۱/۲۴، شماره: ۴۴۰۳۳

ریاست کل دفتر نخست وزیر

عطف به شماره ۱۱۰۶۱/۲ متضمن عین نامه آقای حاجی عباسقلی بازرگان طبق امریه شماره ۱۱۳۰۴ - ۱۳۲۸/۹/۲۳ جناب نخست وزیر امر شده تذکره داده شود متمنی است تصریح فرمایید که اگر باید تذکره داده شود ابلاغ فرمایند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ سهیلی

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:] سابقه. ۱۳۲۸/۱۱/۲۵

[حاشیه پایین، دوم:] برای آقای ضرغام فر فرستاده شود.

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۲۸/۱۱/۲۵، شماره: ۱۱۱۳۱/۴

۱. تذکر: متن نامه در داخل پرونده موجود نمی باشد.

سند شماره ۳/۲

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شهربانی کل کشور

معطوفاً به نامه شماره ۴۴۰۳۳ - ۱۳۲۸/۱۱/۲۴ خواهشمند است دستور فرمایید همان طور که طی نامه شماره ۱۱۰۶۱/۲ دستور داده شده گذرنامه صادر نمایند.
رئیس کل دفتر نخست وزیر

[حاشیه پایین:] آقای بهار، جناب آقای نخست وزیر فرموده اند در این باب توصیه شود هر وقت تقاضایی می رسد عیناً به شهربانی کل فرستاده می شود بدون دستور صریح شخصاً توجه خواهید فرمود که جواب مراجعین داده شود. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۴

درخواست اتخاذ تسهیلات و احترامات لازم برای آیت الله سید عبدالهادی شیرازی در سفر
به عتبات

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۱۳۴۱۸، تلگراف: به کرمانشاه، تاریخ ثبت: ۱۳۳۱/۷/۲۱

استانداری

حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالهادی شیرازی عازم تشریف به عتبات عالیات هستند دستور فرمایید تسهیلات و احترامات لازمه درمورد معظم له معمول دارند.

نخست وزیر

رونوشت برای استحضار حضرت آیت الله آقای بهبهانی فرستاده شود.

نخست وزیر

[امضای پیش نویس:] فرید

سند شماره ۵

گزارش هیئت کاروان ضریح حضرت عسگرین از حمل ضریح در شهرهای مختلف ایران
و عراق و همچنین دیدار هیئت با مراجع تقلید در نجف

[شیر و خورشید]

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

بغداد

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۱۲، شماره: ۱۱۴۵۸

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران، بغداد

با استجازه قبلی از آن مقام محترم روز چهارشنبه ۴۰/۱۱/۴ همراه عده‌ای از ایرانیان مقیم کربلا و همچنین محترمین عراقی (۳۵) اتومبیل برای استقبال از ضریح و درهای طلای حرم مطهر سامرا به بغداد عزیمت و ساعت ۱۲ ظهر مستقیماً به طرف یعقوبه حرکت نمود و در آنجا تا ساعت ۶ بعدازظهر منتظر ورود ضریح بوده و چون خبری نشد به خانقین و از آنجا به ندریه عزیمت و در آنجا به سایر مستقبّلین که بیش از ۱۵۰ اتومبیل می شدند ملحق ساعت ۱۲ شب ضریح و حاملین آن به همراهی جناب آقای سفیرکبیر شاهنشاهی در عراق و استاندار که تا قصر شیرین به استقبال رفته بودند در میان ابراز احساسات شدید اهالی خانقین و استقبال‌کنندگان وارد خانقین گردید و پس از صرف شام قرار شد به بغداد حرکت نموده روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح از بغداد جدید که بیرون شهر بغداد است مجدداً به منظور ورود به بغداد استقبال به عمل آید. ساعت مقرر نیز در محل مذکور حاضر و به معیت مستقبّلین که از بغداد - کاظمین - کربلا - نجف اشرف - حله و دیوانیه و سایر نقاط عراق باخبر شده و آمده بودند از محل میدان سرباز گمنام و خیابان سعدون که مرکز نمایندگی‌های بازرگانی خارجی و شرکت‌های هواپیمایی است وارد شاهرگ و پر فعالیت‌ترین خیابان‌های بغداد شارع الرشید شده از راه اعظمیه وارد کاظمین گردید، عبور هیئت حاملین ضریح و مستقبّلین و کامیون‌های حامل ضریح که چند درب طلا از ضریح‌ها را نیز بالای کامیون به معرض نمایش گذاشته بودند چنان شوق عجیب و غریبی به مردم پایتخت عراق دست داده بود که تمام مردم مسیر این خیابان‌ها را از دو طرف و حتی از داخل خیابان گرفته علاوه‌بر اینکه عبور و مرور روزمره بغداد در آن ساعات که متجاوز از پنج ساعت طول کشید کاملاً متوقف بود اصولاً عبور هیئت ضریح

به سختی انجام می شد. در تمام این راه که طول آن کمتر از ۲۰ کیلومتر بود مردم هیئت و ضریح را با ایمانی عمیق و شوقی عجیب استقبال نموده صدای صلوات و دعا به ایران و شاهنشاه ایران و ملت ایران تمام راه را پر کرده بود و ابراز احساسات و هوراکشیدن آنان در تاریخ عراق بی نظیر و تمام افراد از زن و مرد خرد و کلان ایرانی و عرب و کُرد و ترک همه با خلوص نیت و اعتقاد و یقین تجلیل و خرسندی می نمودند، عده زیادی نیز گلاب و عده زیادی نقل و شیرینی روی کامیون های حامل ضریح و مستقبلین می پاشیدند و همین طور مردم اتومبیل های حامل ضریح را با پای پیاده در تمام این راه احاطه کرده و می خواستند

اتومبیل و محصولات آن را روی دست بردارند مقارن ساعت ۳ بعد از ظهر هیئت حاملین ضریح در میان احساسات و همان طوری که هزاران هزار مردم اطراف آن را حلقه زنجیر نموده و خود را برای تبرک به آن می رسانیدند وارد کاظمین علیه السلام گردید. درب صحن مطهر، جمعیت زیاد دیگری از زن و مرد ایستاده با هلله ممتد و فریادهای زنده باد ایران، زنده باد شاهنشاه ایران، منصور و مؤید باد ملت متدین ایران و فریادهای گوشخراش شادی بخش دیگر مردم که هر کدام طوری اظهار احساسات می نمود کامیون ها، درب صحن متوقف و تا بعد از نیمه شب مردم از محصولات کامیون زیاد و دین و تبرک نموده شیرینی بر آنها پخش می نمودند. در کاظمین، حسینیه حاج بمانعلی یزدی ناهار و شام آبرومندی تهیه شده بود که از حاملین و اکثر مستقبلین پذیرایی به عمل آمد. روز جمعه ساعت ۸/۳۰ صبح هیئت حاملین ضریح و کامیون های مربوطه و هیئت مستقبلین که دیگر حد و حصر تعداد اتومبیل های آنان از امکان محاسبه خارج بود به طرف سامرا به حرکت درآمدند. راه سامرا که به موازات راه آهن بغداد ترکیه آسفالت شده از قدیم بنان به درخواست ساکنین بین این راه قبل از جنگ اول جهانی مسافت زیادی با شهرها فاصله دارد و شهرهای بین راه غالباً ۲۰ کیلوتر با جاده دور است و با هوای سرد آن روز و احتمال باران گمان نمی رفت کسی در این راه دیده شود خصوصاً که اغلب ساکنین از اهل تسنن می باشند؛ لیکن برخلاف آنچه متوقع بود در دو قسمت این راه در قسمت دجیل و بلد عده زیادی از مردم پیر و جوان و زن و مرد روی جاده طاق نصرت زده و در عرض راه در بیابان که هوای سردی نیز می وزید، منتظر ورود و کسب فیض دیدار ضریح و تجلیل از هیئت حامل آن بودند. یک عده پرچم های مختلف ملی و مذهبی به دست گرفته و عده دیگری کف زنان و خیرمقدم گویان اظهار احساسات نموده دعا به ایران و شاه و دولت ایران می نمودند. این اشخاص قسمی با پای پیاده و قسمی با اتومبیل از قرا و قصبات دوردست از

صبح زود به کنار خیابان مسیر راه سامرا آمده بودند و تا بعد از ظهر استقامت نموده و با دیدن این عمل نیکوکارانه مشعوف و محفوظ شدند.

در مدرسه مرحوم آیت الله حاجی میرزا حسن شیرازی در سامرا که برای دومین مرتبه امسال جشنی برای تولد حضرت ولی عصر عجل الله فرجه ترتیب داده بودند جشن را به خاطر ورود ضریح مطهر به روز ورود ضریح موکول و عده کثیری از اهالی سامرا و کمک متدینین بغداد، کاظمین، نجف و کربلا جشن باشکوه تری برپا و امانی نیز در صدر مجلس برای هیئت حاملین ضریح و دعوت ناهار مفصلی فراهم نموده بودند. ضریح مطهر که با کامیون های حامل آن در میان ابراز احساسات شدید و بی حد و حصر و غیرقابل توصیف مردم در نزدیکی صحن سامرا متوقف گردید و جناب آقای سفیر کبیر شاهنشاهی ایران در بغداد وارد محل جشن شدند و هزاران مردم حاضر در جشن متوجه شدند که جناب آقای آرام نماینده ایران و شاهنشاه و ملت ایران در میان آنان قرار گرفته اند با شوق و شغف هرچه تمام تر و کف زدن شدید و اظهار احساسات بی نظیر سرور و شادمانی خود را برای نماینده ایران منعکس نمودند و همگی به ایران و شاهنشاه محبوب و ارکان دولت و ملت ایران دعا نمودند. پس از افتتاح جشن با تلاوت کلام الله مجید و اشعار و خطابه های مختص به حضرت خاتم الائمّه علیه السلام و تجلیل و تقدیر از اعمال خیریه و تعظیم ایرانیان از شعائر اسلامی آقای سید محمد افضل اصفهانی ریاست هیئت حاملین ضریح نطقی ایراد نمودند که ابتدا از شاهنشاه معظم و دولت دکتر امینی و جناب آقای آرام سفیر کبیر شاهنشاهی در عراق که وسایل تسهیل حمل ضریح و مسافرت هیئت همراهان را فراهم فرموده اند، اظهار نهایت امتنان و تشکر نموده. سپس به تسهیلاتی که آقای سرلشکر عبدالکریم قاسم نخست وزیر عراق برای ورود و رسانیدن آن به سامرا فراهم نموده اند، تشکر نمودند که نطق ایشان مواجه با کف زدن شدید قرار گرفت و فوراً یکی از خطبا عین متن آن را ترجمه نمودند و در پایان به وسیله یکی از خطبا دعای مخصوصی به ذات اقدس اعلی حضرت همایونی و دولت شاهنشاهی و ملت مسلمان ایران اجرا گردید و بعد به تدریج مردم سامرا را ترک می گفتند.

استقبال از این ضریح استقبالی که می توان گفت از ایران و تجلیلی که پایتخت عراق و شهرهای دیگر آن از هیئت ایرانی و ضریح به عمل آمد تاریخ عراق تاکنون چنین وضعیتی را به یاد نداشته و در کلیه محافل مطلع اعتاب مقدسه اقدامات مجدّانه و کوشش و جدیت سفارت کبرای شاهنشاهی را که در ایجاد حسن تفاهم و فراهم آوردن وضع فعلی و زمینه و

موقعیت مناسب برای حمل ضریح و فعالیت مخصوصی که برای عبور و مرور ضریح در ساعات روز در پایتخت و راه سامرا ترتیب دادند، امکان تجلیل بیشتر و لایق را فراهم نمودند. خاصه اینکه قبلاً نیز مرتب مردم از موعد حمل و وصول آن مطلع می فرمودند عموماً با نظر تحسین و تقدیر از سفارت کبرای شاهنشاه معظم ایران که مظهر قدرت و نقطه اتکا و اعتماد شیعیان جهان است خوشوقت و دعاگو می باشند.

کفیل سرکنسولگری

ابراهیم زرین قلم [امضا]

سند شماره ۵/۱

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

هیئت کاروان ضریح مطهر حضرت عسگرین طی گزارش پیوست ضمن تشریح و توصیف مراسم استقبال و بدرقه مفصلی که در طول راه چه در خاک ایران و چه در خاک عراق از طرف مقامات مربوطه نسبت به ضریح مطهر به عمل آمده است از پذیرایی های صمیمانه و گرم جناب آقای دکتر صاحب قلم استاندار استان پنجم و جناب آقای سفیر کبیر ایران در بغداد و همچنین، مقامات عراقی تمجید و سپاسگزاری نموده و به عرض رسانیده است که در حال حاضر کارگزاران اصفهانی مشغول نصب ضریح مطهر می باشند و تا عید نوروز خاتمه خواهد یافت و استدعا کرده اند که در صورت اقتضا ترتیبی اتخاذ شود که مراسم پرده برداری از ضریح مطهر به دست مبارک شاهنشاه عظیم الشان که یگانه پادشاه شیعه اثنی عشری و صاحب مذهب جعفری می باشند، انجام گیرد. در غیر این صورت، حضرت اشرف شخصاً در این مراسم شرکت نمایند.

[حاشیه پایین:] مراتب تشکر و قدردانی را از همراهان دولت چه در کرمانشاه و چه در

بغداد بنویسید.

[امضا، ناخوانا] ۱۳۴۰/۱۱/۲۰

سند شماره ۵/۲

تاریخ: ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۰

بغداد،

جناب اشرف آقای نخست وزیر محبوب

پس از تقدیم مراسم ادب به شرف عرض می‌رساند روز دوشنبه دوم بهمن ماه جاری که مصادف با میلاد مسعود حضرت قائم (ع) بود پس از تحصیل اجازه از آن مقام منیع از زاویه مقدسه با کاروانی که دارای دو دستگاه اتومبیل حامل ضریح مطهر و سه دستگاه اتوبوس و پنج دستگاه اتومبیل سواری که همراهان را دربرداشت با تجلیل خاصی پس از عبور از خیابان‌های تهران در مرکز کشور به صوب عراق عرب عزیمت در طول راه از طرف ساکنین قرا و قصبات و بخش‌ها و شهرستان‌ها و مراکز استان با استقبال غیرقابل وصفی مواجه و نسبت به بندگان اعلیٰ حضرت اقدس شهرباری و آن صدراعظم محبوب به قدری ابراز احساسات می‌گردید که اشک شوق در دیدگان آنان و مشایعین نمایان بود. از طرف آقایان فرمانداران قزوین و همدان و کرمانشاه و رؤسای شهربانی و سایر ادارات جمعاً تمام وسائل استقبال و بدرقه به نحو بسیار مطلوبی آماده بود. مخصوصاً تیمسار سرتیپ دولتشاهی ریاست شهربانی استان پنجم از شصت کیلومتری کرمانشاه و جناب دکتر صاحب قلم استاندار رؤف و مهربان استان پنجم و فرماندهی سپاه و سایر تیمساران و سرکاران افسران ارشد ارتش و شهربانی در شهرستان کرمانشاه نهایت پذیرایی گرمی از کاروان به عمل آمد و معظم له ابلاغ فرمودند از طرف کشور دوست و برادر عراق عرب جماعت فوق العاده تا مرز (خانقین) به استقبال آمده و منتظر ورود کاروان می‌باشند. تسریع بیشتری در عزیمت گردد؛ درحالی که در تمام طول راه مواجه به ازدحام مستقبلین و اراز احساسات می‌گردیدیم. ساعت ده شب پنجشنبه پنجم بهمن ماه وارد قصر شیرین شده ملاحظه گردید جناب سفیر کبیر ایران به اتفاق متصدیان کنسولگری‌های بغداد و کربلا و استاندار یا که از جمله استان‌های کشور عراق می‌باشد و جمعی از معاریف و زعمای قبائل و شیوخ و بازرگانان عراق و رؤسای ادارات شهربانی و غیره خانقین برای استقبال از کاروان تشریف فرما شده پس از انجام تشریفات گمرکی به معیت آقایان عظام باجلال خاصی که لازمه ضریح مطهر بود، وارد خانقین پس از مدتی توقف و پذیرایی مفصل غیرقابل وصفی که از طرف مأمورین و اهالی کشور دوست و برادر عراق به عمل آمد، روز پنجشنبه پنجم بهمن ماه درحالی که بغداد از جهت ازدحام مستقبلین و مشایعین تقریباً به حال تعطیل عمومی درآمد بود پس از قریب چهار ساعت و نیم عبور از داخل شهر سه

بعد از ظهر وارد کاظمین علیهم السلام شده و شب جمعه را استراحت صبح روز بعد با استقبال نظیر روز قبل به سمت سامرا کاروان حرکت و در ساعت دو بعد از ظهر وارد و ضریح مطهر تقدیم امامین همامین عسگریین گردید. در شهر سامرا و در طول راه با همان کیفیت گذشته به اضافه اجتماع عظیم شهر سامرا تحت سرپرستی قائم مقام و رئیس شهربانی و سایر ادارات مجلس ضیافتی از طرف آقای حاج علی کهربائی بازرگان خرازی اصفهانی الاصل و عراقی المسکن فراهم گردیده بود که متجاوز از چندین هزار نفر اطعام گردیدند. از روز شنبه هفتم بهمن ماه ضریح مطهر و دربهایی تهیه شده کلاً از ماشین ها خارج و وسائل نصب فراهم و اینک کارگران اصفهانی سازندگان ضریح مطهر و درب ها کلاً مشغول نصب بوده و به طوری که پیش بینی می شود تا عید نوروز عملیات نصب خاتمه و در همان موقع پس از ختام طی تشریفات خاصی پرده برداری خواهد گردید. از آنجایی که در جهان فقط شخص اول مملکت ایران محمدرضا شاه پهلوی خدالله ملکه و سلطانه یگانه پادشاه شیعه اثنی عشری و صاحب مذهب جعفری می باشند بسیار به موقع و مناسب است که از پیشگاه بندگان و وسیله آن صدراعظم استدعا شود که پرده برداری از ضریح مطهر امامین عسگریین تقدیمی ایرانیان به آستان قدس آنان وسیله مقام عظیم و ارجمند پادشاه در صورت اقتضا انجام گردد و هرگاه مقتضیات ایجاب ننماید، به موقع است، استدعا گردد آن مقام منیع که از خاندان دین و مزید آل طهارت می باشید این افتخار را به ایرانیان عطا فرمایید. به قرار مسموع زعیم عبدالکریم قاسم صدراعظم و قائد کبیر کشور جمهوری عراق عرب در موقع پرده برداری حضور بهم خواهد رسانید. در این مورد اراده سنیه ملوکانه و تشخیص خردمندانه آن نخست وزیر محبوب حاکم است و پس از خاتمه یادآور می گردد که کنسول کشور جمهوری عراق عرب در کرمانشاه تا چند فرسخ خارج شهرستان کرمانشاه استقبال و تا خانقین از جمله بدرقه کنندگان بودند. این بنده و کاروان زبان شکرگزاری از این همه محبت و عواطف بی شائبه هموطنان و برادران عراقی که جمله در اثر عنایت خاصه آن مقام منیع فراهم گردیده نداشته و عاجز از شرح مثال می باشیم و پاسخ این همه احساسات را برعهده آن یگانه رادمرد واگذار می نمایم شرح تفصیل و مبسوط را جناب آقای کنی بازرس نخست وزیری که در حقیقت سرپرستی کاروان را به عهده داشتند و به طوری که لازم و شایسته بود از عهده وظائف به نحو مطلوب برآمده اند که شایان تقدیر من جمیع الجهات می باشد. به عرض خواهند رسانید و خودمان را وظیفه دار می دانیم که از الطاف بیکران جناب سفیر کبیر شاهنشاهی در بغداد و افسران عالی رتبه سفارت خانه و

کنسولگری‌های شاهنشاهی ایران در عراق عرب سپاسگزاری و استدعا نمایم از مقام معظم ارجمند معظم له و سایر افسران و کارکنان تحت سرپرستی جناب ایشان تقدیر شایسته مقام شامخ آن جناب بشود.

با تقدیم احترامات لازمه

از طرف هیئت کاروان ضریح مطهر حضرت عسگرین

سید محمدافضل [امضا]

عباسعلی اسلامی [امضا]

علی اکبر گرامی [امضا]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۴۰۲۱۹

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۱۹

سند شماره ۶

گزارشی از اعزام هیئت نخست‌وزیری به عراق جهت شرکت در مراسم افتتاحیه

مدرسه ایرانی «جامعه‌النجف» و دیدار هیئت مذکور با مراجع تقلید

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

آقای علی کمالوند از طرف نخست‌وزیری در مراسم افتتاح دانشگاه اسلامی (جامعه‌النجف) واقع در نجف اشرف شرکت نموده و گزارش داده است که خیلی قابل ملاحظه می‌باشد. رونوشت گزارش مزبور به پیوست ایفاد می‌گردد. دستور فرمایید در آن قسمت مربوط به تقاضای حضرت آیت‌اله آقایان حکیم و خوئی می‌باشد مطالعات و اقدامات لازم بعمل آورند.

نخست‌وزیر

اسداله علم [امضا]

[مهر:] صادر شود

سند شماره ۶/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به عرض مبارک عالی می‌رساند

در اجرای امریه ۴۳۲۰۸، ۱۳۴۱/۹/۲۶ برای شرکت در مراسم افتتاح دانشگاه اسلامی (جامعه النجف) روز جمعه سیام آذرماه به اتفاق آقای محمد غروی به بغداد عزیمت و از طرف اعضا سفارت شاهنشاهی مورد استقبال قرار گرفت. روز یکشنبه سرکنسول شاهنشاهی در کربلا برای آشنایی اینجانب با استاندار و شهردار و سایر شخصیت‌های دولتی و غیردولتی عراقی و ایرانی ضیافتی به ناهار ترتیب داد که در محیط بسیار گرم و دوستانه‌ای برگزار شد. متولّی حرم حضرت ابوالفضل هم روز سه شنبه ناهار در هتل کربلا دعوتی نمود که استاندار و رئیس شهربانی و رئیس سازمان امنیت استان کربلا و نجف و سرکنسول ایران و عده‌ای دیگر از شخصیت‌های ایرانی و عراقی در آن شرکت داشتند.

نظر آقای کاردار و آقای سرکنسول شاهنشاهی این بود که چنانچه از آقایان مراجع تقلید دیدنی به عمل آید، حسن اثر بسیار خواهد داشت. روی این نظر کنسولگری ترتیب ملاقات با آقایان حکیم. خوئی. شاهرودی و زنجانی را داد. در ملاقات‌هایی که با هریک از آقایان به عمل آمد چون مسبوق به وعده قبلی بود، عده زیادی از علما و روحانیون حضور داشتند (فقط آقای زنجانی تنها بود). مذاکرات مجلس چون جمعی حضور داشتند صورت کنفرانس پیدا کرده بود. اظهارات بنده در اطراف علاقه شاهنشاه و جناب آقای نخست‌وزیر نسبت به تعظیم شعائر مذهبی بوده و مأموریت خود را دلیل بر این ابراز علاقه دانستم. آقایان هم در جواب هریک کم‌وبیش مطالبی در تأیید شاهنشاه و جناب آقای نخست‌وزیر بیان کردند. ضمناً آقایان حکیم و خوئی تقاضاهایی از جناب آقای نخست‌وزیر به این شرح نمودند.

۱- آقای حکیم اظهار کردند به جناب آقای نخست‌وزیر از جانب من سلام بسیار برسانید و عرض کنید شیعیانی که به عربستان سعودی برای زیارت می‌روند در اثر نبودن کنسولگری ایران در مدینه دچار مشکلاتی می‌شوند. ظاهراً از طرف وزارت خارجه هم مطالعات برای تأسیس کنسولگری در مدینه به عمل آمده است. خوبست جناب آقای نخست‌وزیر دستور فرمایند در انجام این کار تسریع شود و دیگر اینکه قرار بوده است جای آبرومندی برای

هیئت امیرالحاج که هر سال از ایران می‌آید، ساخته شود و گویا زمین آن هم در نظر گرفته شده و اعتبارش هم تأمین گردیده است. از طرف جناب آقای نخست‌وزیر دستوری برای تسریع در انجام کار صادر شود.

۲- آقای خوئی اظهار کردند از طرف من به جناب آقای نخست‌وزیر سلام برسانید و دو مطلب را به عرض معظم‌له برسانید. یکی اینکه شنیده می‌شد در مهمانی‌های سفارت ایران در عراق مشروبات الکلی صرف می‌شود و این کار در محیط مذهبی عراق سوءانعکاس دارد. تقاضا داشتند از این کار ممانعت به عمل آید (این موضوع را آهسته و درگوشی به بنده گفتند و متذکر شدند نخواستیم این مطلب در مجلس علناً گفته شود). دیگر اینکه در کشور سعودی زائرین شیعه را کافر تلقی می‌کنند و برای آنها تضيیقاتی فراهم می‌نمایند. خوبست دولت ایران برای رفع این مشکل اقداماتی بنماید و مؤتمری از کشورهای اسلامی تشکیل شود و در آن اصول اسلام بدون وارد شدن به چگونگی فرق مختلف آن توجیه گردد و حدودی برای تمیز بین مسلمان و غیرمسلمان تعیین گردد که دول اسلامی ملزم به رعایت آن باشند.

در خاتمه هریک از جلسات ملاقات با حضرات آقایان بنده با صدای بلند اظهار می‌کردم. برای سلامت اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه ایران تنها پادشاه شیعه دنیا و جناب آقای علم نخست‌وزیر کشور شیعه ایران التماس دعا دارم و آقایان هم تأیید می‌کردند و با گرمی دعا می‌نمودند. مخصوصاً نام اعلی‌حضرت همایون را با احترامات شایسته‌ای ادا می‌کردند. این ملاقات‌ها فوق‌العاده خوب برگزار شد و انعکاس بسیار عالی در نجف و کربلا و بغداد پیدا کرد. مراسم افتتاح دانشگاه اسلامی (جامعه‌النجف) عصر دوشنبه سوم دیماه با حضور جمعیتی بین شش تا هشت هزار نفر برگزار گردید. در بین جمعیت شخصیت‌های عراقی و ایرانی از طبقات مختلف بسیار بودند و متینگ عمومی بسیار بزرگی بود. در برنامه سخنرانی قرار بود که بنده نطقی ایراد نموده و قرآن و کتاب‌های اهدایی جناب آقای نخست‌وزیر را با مراسمی تسلیم نمایم. روز قبل از افتتاح متن نطق اینجانب با مشورت سرکنسول تهیه و به متصدی جشن داده شد. مأمورین سازمان امنیت عراق برای کنترل نطق‌ها مراجعه نموده. ترجمه نطق اینجانب را گرفته و با ایراد آن مخالفت کرده بودند. بعداً در اثر فعالیت آقای صیقل سرکنسول شاهنشاهی در کربلا و ملاقات و مذاکره ایشان با استاندار و رئیس سازمان امنیت استان موافقت گرفته شد. بعد از نطق‌هایی که به عربی ایراد گردید، بنده نطقی به فارسی ایراد نمودم

که متن آن به پیوست تقدیم می‌گردد. در موقع سخنرانی وقتی که بنده نام اعلی حضرت همایون شاهنشاه را به زبان آوردم جمعیت به‌طور غیرمنتظره‌ای شروع به ابراز احساسات شدید و دست‌زدن ممتد نمود و بعد از یک دست‌زدن طولانی به سبک مخصوص دست‌های مقطع و کوتاه می‌زدند و این ابراز احساسات آن‌قدر ادامه یافت که وقتی بنده خواستم دنباله صحبت را بگیرم، رشته سخن و ربط جمله ازهم گسیخته شده بود. در خاتمه صحبت هم قرآن مجید را با مراسم بسیار جالبی به متولی مدرسه تسلیم کردم و در طول مدت اجرای مراسم مردم بلاانقطاع دست می‌زدند و ابراز احساسات می‌کردند.

به قراری که مسئولین سفارت شاهنشاهی و افراد دیگری از خارج اظهار می‌کردند چنین امری در محیط نجف و کشور عراق سابقه نداشته است که در چنین متینگ بزرگی با حضور جمعیتی به این زیادی از پادشاه و رئیس دولت یک کشور خارجی به این طرز تجلیل و تکریم به عمل آید و به این میزان ابراز احساسات بشود. نکته جالبی که بیشتر به اهمیت موضوع افزوده بود، این بود که در طی تمام سخنرانی‌ها مطلقاً اسمی از عبدالکریم قاسم برده نشد و آن وقت نام شاهنشاه و نخست‌وزیر ایران با چنان وضعی از طرف مردم مورد استقبال قرار گرفت.

نظر به اینکه در فراهم‌نمودن زمینه ایراد این سخنرانی آقای صیقل سرکنسول شاهنشاهی در کربلا مساعی و اهتمام بسیار نمود، استدعا دارد اجازه فرمایند از طرف مقام معظم جناب آقای نخست‌وزیر از ایشان کتباً تقدیر شود.

در خاتمه به استحضار خاطر عالی می‌رساند تعداد زواری ایرانی که از طریق قاچاق بدون گذرنامه به عراق می‌روند خیلی زیاد شده و اسباب زحمت کنسولگری شاهنشاهی گردیده؛ به‌طوری که سرکنسول شاهنشاهی در کربلا اظهار می‌کرد تعداد آنها در یک ماه اخیر به ۲۲۰ نفر رسیده است و قطعاً این موضوع برای پرستیژ مملکت خوب نیست.

مراتب معروض گردید تا به هر نحو که امر می‌فرمایند اقدام شود.

چاکر علی کمالوند [امضا]، ۱۳۴۱/۱۰/۱۲

[حاشیه بالا:] آقای کمالوند، ملاحظه شد، متشکرم خیلی قابل ملاحظه است. رونوشت به دفتر مخصوص شاهنشاهی تقدیم شد. به وزارت خارجه ارسال دارید. کما اینکه دستور دادم به مراجع معظم نامه تشکرآمیز نوشته شود و از کاردار و کنسول [ناخوانا]

اسداله علم [امضا]، ۱۳۴۱/۱۰/۱۲

سند شماره ۶/۲

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۷، شماره: ۴۵۱۱۰

حضور محترم حضرت آیت الله آقای شیخ عبدالکریم زنجانی دامت برکاته
از ابراز لطفی که نسبت به آقای علی کمالوند نماینده نخست وزیر مبذول فرموده‌اید،
متشکرم. از خداوند متعال سلامت وجود مبارک و مزید توفیق عالی را خواستارم.
نخست وزیر، اسداله اعلم

[مهر] صادر شود

سند شماره ۶/۳

نخست وزیر

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای سیدمحسن حکیم دامت برکاته
عرض می‌شود از تفقد و عنایتی که نسبت به آقای علی کمالوند نماینده نخست وزیری
مبذول فرموده‌اند، نهایت متشکر و ممنونم. در باب موضوعاتی که پیغام فرموده بودید دستور
دادم مطالعات لازم و اقدام مقتضی معمول دارند. سلامت وجود مبارک و مزید توفیق حضرت
آیت الله العظمی را در ارشاد شیعیان جهان از خداوند متعال خواستارم.
نخست وزیر، اسداله اعلم

سند شماره ۶/۴

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۸، شماره: ۴۵۱۱۲

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمود شاهرودی دامت برکاته العالیه
بدینوسیله زحمت افزا می‌شود از لطف و عنایتی که نسبت به آقای علی کمالوند نماینده
نخست وزیری مبذول فرموده‌اید نهایت امتنان و سپاسگزاری دارم. از خداوند متعال بقا
سلامت و مزید توفیقات عالی را در ارشاد شیعیان جهان خواستارم.

نخست‌وزیر، اسداله اعلم

[مهر] صادر شود

سند شماره ۶/۵

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۱۸، شماره: ۴۵۱۱۴

محضر محترم حضرت آیت‌الله آقای سیدابوالقاسم الموسوی الخوئی دامت برکاته العالیه ضمن استعلام از سلامتی وجود محترم از لطف و عنایتی که نسبت به آقای علی کمالوند نماینده نخست‌وزیری مبذول فرموده بودیدی، بی‌نهایت متشکرم. درباب موضوعاتی که پیغام فرموده بودید، دستور دادم، مطالعات لازم و اقدام مقتضی معمول دارند. مزید توفیقات عالی را در ارشاد شیعیان جهان از خداوند متعال مسئلت می‌دارم.

نخست‌وزیر، اسداله اعلم

[مهر] صادر شود

سند شماره ۶/۶

وزارت امور خارجه

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۱۷، شماره: ۷۱۲۶، اداره اول سیاسی

جناب آقای نخست‌وزیر

رونوشت گزارش شماره ۸۷ مورخ ۱۳۴۱/۱۰/۸ سرکنسولگری شاهنشاهی در کربلا راجع به مراسم افتتاح مدرسه «جامعه النجف» به انضمام یک نسخه از آیین‌نامه مدرسه مذکور و دو قطعه عکس از مراسم فوق‌الذکر جهت استحضار تلوا تقدیم می‌گردد.

[امضا وزیر امور خارجه،

عباس آرام]

[حاشیه بالا:] با وجود اینکه جناب آقای کمالوند گزارش مسافرت خود را به جناب آقای نخست‌وزیر داده‌اند، بد نیست معظم له این گزارش را ملاحظه فرماید. آقای صیقل مأمور زبردستی است که در تنظیم گزارش‌ها روحیه کسانی که گزارش‌های او را باید بخوانند، در نظر

می‌گیرد و به این منظور گاهگاهی واقعیات را فدای تأثیرات خویش که گزارش‌های او را در نظر خواننده خواهد کرد، می‌نماید چون آقای کمالوند شاهد آن مراسم بوده‌اند خوب است ایشان هم این گزارش را ببیند و اگر حدس بنده درست بود، به عرض جناب آقای نخست‌وزیر برسد. به‌طور خلاصه اگر مراسم به این صورتی که تشریح شد، انجام گرفته باشد جای افتخار و سرافرازی است.

۳۰ دی ۴۱ انتظام

[حاشیه پایین:] ملاحظه شد متشکرم ۱۳۴۱/۱۲/۸

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۵۳۱۸/۴

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۱۷

سند شماره ۶/۷

[شیر و خورشید]

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

کربلا-حله- دیوانیه

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۸، شماره: ۸۷

وزارت امور خارجه

جناب آقای کمالوند مدیرکل نخست وزیری که به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست وزیر برای شرکت در جشن افتتاح مدرسه جامعه‌النجف که از طرف آقای حاج محمدتقی اتفاق بازرگان نیکوکار ایرانی در نجف اشرف بنا شده، اعزام گردیده بودند به اتفاق آقای غروی نماینده وزارت فرهنگ، مقارن ظهر یکشنبه دوم دی‌ماه به کربلا وارد و برای تجلیل از آقایان مزبور ضیافت ناهار مجللی در عمارت سرکنسولگری ترتیب داده بود که از آقای استاندار کربلا و شهردار و آقایان کلیددارهای حرمین شریفین و آقای حاج محمدتقی اتفاق و رئیس دبیرستان حسینی ایرانیان در کربلا نیز دعوت کرده و همگی حضور داشتند و با آقایان آشنا شدند. بعد از ظهر هم به بازدید مدرسه حسینی ایرانی پرداخته و از کلاس‌ها دیدن نمودند و شب را در سرکنسولگری شاهنشاهی بیتوته کردند.

صبح روز دوشنبه سوم دی ماه به اتفاق آقایان به نجف اشرف حرکت و پس از تشریف به آستان ملک پاسبان حضرت امیرمؤمنان علیه السلام طبق اظهار تمایلی که آقایان کمالوند و غروی نموده بودند، ابتدا به ملاقات آیت الله آقا سیدمحسن حکیم رفتیم. آقای کمالوند سلام و مراتب احوالپرسی جناب آقای نخست وزیر را به آقای حکیم ابلاغ و ایشان هم ضمن اهدا سلام و اظهارتشکر به وجود مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه اسلام پناه دعای مخصوص کردند و مراتب تشکر خود را از جناب آقای نخست وزیر و اولیای دولت در اقدامی که برای رفاه حال مردم به عمل می آورند، اظهار و مخصوصاً از اقدامی که برای عدم اجرای تصوینامه مربوط به انتخابات شهرداری ها و انتخاب بانوان به عمل آورده اند اظهار امتنان نموده و ضمن تشکر از اجابت تقاضای ایشان در تأسیس کنسولگری شاهنشاهی در مدینه منوره و ساختمان آسایشگاه حجاج ایرانی در آن شهر خواهش کردند که زودتر این دو موضوع عملی شود که در موسم حج آینده آماده باشد. آقای کمالوند هم وعده دادند مراتب را به عرض جناب آقای نخست وزیر برسانند.

بعد چون آیت اله خوئی به واسطه کسالت به کاظمین رفته بودند و آیت اله شاهرودی هم مجلس روضه داشتند به ملاقات آیت الله آقاشیخ عبدالکریم زنجانی رفتند. آقای زنجانی که از دعاگویان اعلی حضرت همایون شاهنشاه و هواخواه دولت هستند، شرح مفصلي از مراتب عدالت و دینداری و رأفت اعلی حضرت همایونی بیان داشتند و متذکر شدند، چند سال قبل که حضور مبارک ملوکانه شرفیابی حاصل کردم، فرمودند موقعی که در سوئیس تحصیل می فرمودند برای ادا نماز دچار تردید در تعیین قبله شدند و در حیرت بودند چگونه فریضة نماز را بدون دانستن قبله به جا آورند و اگر به این علت نماز نخوانند، چطور شکرانه نعمتهایی را که خداوند متعال به معظم له عطا فرموده ادا نمایند و بالاخره به آن جهتی که احتمال می رفت قبله باشد، نماز گذارند و از آقای زنجانی سؤال فرموده بودند که آیا نماز من صحیح بود یا نه؟ آیت اله زنجانی هم صحت نماز معظم له را تأیید نمودند.

این جملات را آقای زنجانی با یک حرارت و ایمان صادقانه ای ادا می فرمودند و می گفتند ما به داشتن چنین پادشاه مسلمان و باایمانی افتخار و مباهات می کنیم و همه مسلمانان بایستی ایشان را تأیید پشتیبانی نمایند. سپس از صدور تصویبنامه مربوط به القای موضوع انتخاب زنان در انجمن های شهرداری ابراز خوشوقتی کردند. بعد هم مطالبی راجع به مبارزه شدید به مرام کمونیستی و جلوگیری از فساد اخلاق و نمایش برخی فیلم های منافی اخلاق تذکراتی به

آنان کمالوند دادند تا به عرض جناب آقای نخست‌وزیر برسانند. از ایشان اظهار تشکر کرده و آقای کمالوند هم وعده دادند پیام‌های ایشان را به جناب آقای نخست‌وزیر گزارش دهند.

سپس به ملاقات آیت‌الله آقاسید محمود شاهرودی رفتند. ایشان هم ابتدا به وجود مبارک اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه دعای فراوان نموده و موفقیت و مزید عزت و شوکت مقام شامخ سلطنت مسلمان ایران را خواستار و در مقابل عده زیادی از طلاب و اهل علم که در محضرشان حضور داشتند، اظهار نمودند تمام تعالیم اسلامی به ما امر می‌کند که از سلاطین و اولیای امور اطاعت کنیم. مخصوصاً اگر پادشاه مسلمان و رؤف و عادل چون اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه کنونی داشته باشیم و خداوند متعال صریحاً در قرآن کریم فرموده‌اند «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» و هرکس از این دستور خداوندی، یعنی اطاعت اولیای امور سرپیچی کند، خلاف دستور خداوند متعال و تعالیم اسلامی رفتار نموده است.

سپس به منزل مرحوم آیت‌الله سیدعبداله‌ادی شیرازی رفته و از فرزندان آن مرحوم آقایان سیدمحمدعلی و سیدابراهیم دلجوئی و مراتب تسلیت جناب آقای نخست‌وزیر را به آنان ابلاغ کردند و آنها هم به وجود مبارک اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه و خاندان جلیل سلطنت دعای فراوان کرده. موفقیت جناب آقای نخست‌وزیر را در خدمت به مردم خواستار شدند. بعد از انجام این ملاقات‌ها به بازدید دبیرستان علوی ایرانیان در نجف و بعد هم به تماشای کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که به همت یکی از علمای ایرانی موسوم به آقای شیخ عبدالحسین امینی احداث گردید و دارای ۱۵۰ هزار جلد کتاب و نسخ خطی بسیار نفیسی است، رفتند.

چون ساعت پنج بعداز ظهر همان روز (دوشنبه سوم دی‌مان ۱۳۴۱) وقت شروع جشن افتتاح مدرسه جامعه‌النجف معین شده بود، آقای کمالوند نماینده جناب آقای نخست‌وزیر و آقای غروی نماینده وزارت فرهنگ و بنده به آنجا رفتیم و قبلاً شاه‌نشین مدرسه را برای جلوس جناب آقای دکتر مشایخ فریدنی وزیر مختار و کاردار شاهنشاهی که سمت نمایندگی جناب آقای وزیر امور خارجه را هم در جشن مزبور داشتند و نمایندگان جناب آقای نخست‌وزیر و وزارت فرهنگ و کارمندان عالی‌رتبه سفارت کبرای شاهنشاهی انتساب نموده و مأموریتی گماشته شده بودند که مانع ورود اشخاص متفرقه به آنجا بشوند. در همان هنگام نیز جناب آقای دکتر مشایخ فریدنی و همراهان وارد و همگی مورد احترام مردم قرار گرفتند.

این قسمت را نیز لزوماً به عرض می‌رساند که جناب آقای دکتر مشایخ فریدونی وزیر

مختار و کاردار شاهنشاهی در نتیجه حُسن سلوک و فضایل اخلاقی و تبحر در ادبیات عربی یک احترام خاصی در میان آقایان علما اعلام و اهل علم دارند که همه با نظر احترام به ایشان می‌نگرند.

برنامه جشن طوری تنظیم شده بود که فقط مدیر اداری مدرسه نطقی دائر به تاریخچه بنای جامعه‌النصف ایراد و هفت تن از شعرا و خطبای مذهبی نجف اشعاری راجع به مبعث حضرت رسول اکرم (ص) که مصادف با آن شب بود و اهمیت تاریخی و علمی و مذهبی شهر نجف و تأثیر بنای چنین مدرسه‌ای در حوزه علمیه آنجا ایراد شود و هیچ‌گونه ذکر از سرلشکر عبدالکریم قاسم و رجال عراقی و سایر کشورهای اسلامی به میان نیاید و جزء به زبان عربی هم به زبان دیگری صحبتی نشود. چون جناب آقای کمالوند به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست‌وزیر ایران در جشن مزبور حضور بهم رسانده و یک جلد کلام‌الله مجید و یک دوره «تفسیر ابوالفتح رازی» و کتاب «مأموریت برای وطن» تألیف ذات مقدس همایونی را برای کتابخانه جامعه‌النصف هدیه و ارمغان آورده بودند و لازم بود نطقی به زبان فارسی از طرف ایشان ایراد شود.

قبلاً با متصدیان جشن راجع به این مطلب مذاکره نمودم؛ ولی همه متفقاً خواهش کردند چون قبلاً تصمیم گرفته شده که هیچ‌کس خارج از موضوعی که در فوق بدان اشاره شد، نطقی ایراد ننماید، ایشان هم اظهاری نکنند و آنان سیدمحمد کلانتر مدیر اداری مدرسه در نطق افتتاحیه خود اشاره‌ای به آمدن ایشان و اهدا کلام‌الله مجید و تفسیر ابوالفتح رازی بنمایند و چون این عمل برای بنده ناگوار بود که در جشن افتتاح یک مؤسسه عظیمی که کلیه هزینه آن از طرف یک بازرگان ایرانی پرداخت شده، نامی از اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه بزرگ اسلام پناه ایران برده نشود، در مقام اقدام برآمده و پس از آنکه جشن افتتاح شد، نزد استاندار کربلا که در آنجا حاضر بود رفتم و به ایشان گفتم، اگر موافقت بفرمایید در خاتمه جشن، جناب آقای کمالوند چند کلمه‌ای به فارسی ایراد و مأموریت خود را به اطلاع حضار برسانند، موجب امتنان مخصوص خواهد بود. ایشان هم پس از مذاکره با رئیس سازمان امنیت نجف موافقت خود را اظهار و حضوراً موضوع را به مدیر اداری مدرسه ابلاغ نمودند و پس از خاتمه قصائد، آقای کمالوند به میز خطابه رفته و نطقی را که رونوشت آن به پیوست تقدیم می‌شود (ضمیمه ۱) ایراد کردند و همین که نام اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه را به زبان آوردند، چنان احساسات پرشور و بی‌نظیری از طرف حاضرین که بیش از پنج هزار نفر می‌شدند، بروز کرد و با کف‌زدن‌هایی

ممتدی که نسبت به هیچ‌یک از ناطقین ابراز نگردیده بود، اظهار مسرت و خوشوقتی کردند که موجب اعجاب همه حضار و تا اندازه‌ای نگرانی مأمورین انتظامی گردید که در مجلسی که به هیچ وجه نامی از رئیس دولت عراق نبرده‌اند چگونه مردم چنین احساسات پرشور و بی‌سابقه‌ای را ابراز می‌دارند و ممکن است برای آنها اسباب زحمتی تولید کند؛ چون کلام‌الله مجید اهدائی جناب آقای نخست‌وزیر و سایر کتب را قبلاً با یکی از کارمندان سرکنسولگری به نزدیک میز خطابه فرستاده بودم تا موقع اهدا آنها را در دسترس آقای کمالوند قرار دهند، همین که نطق ایشان به پایان رسید و کلام‌الله مجید را اهدا کردند، مجدداً مردم با کف‌زدن ممتد که در حدود پنج دقیقه طول کشید، چنان شور و شعفی به خرج دادند و مجدداً نسبت به اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه ابراز احساسات کردند که خود اهالی نجف می‌گفتند به هیچ وجه سابقه ندارد اهالی نجف این‌طور نسبت به شخصیتی ابراز احساسات نموده باشند؛ چون قبلاً فکر نموده بودم اگر نطق آقای کمالوند در اول یا اواسط جشن ایراد شود، ممکن است ازطرف مأمورین محلی کسانی را برانگیزند که نطق‌هایی هم به‌نفع زمامداران عراق بنمایند؛ از این رو نطق ایشان برای ختم مجلس قرار داده شد و به‌عنوان «حسن خاتمه» یا «مسک الختام» تلقی گردید و بدین جهت پس از خاتمه نطق ایشان مراسم جشن افتتاح خاتمه یافته و مردم متفرق شدند و مجالی برای نطق دیگری باقی نماند و باید عرض کنم که نطق آقای کمالوند بی‌اندازه مؤثر واقع گردید و خود مردم می‌گفتند اگر دولت ایران مبالغه‌گزافی خرج می‌کردند امکان نداشت چنین تظاهرات بی‌شائبه و خالصانه‌ای نسبت به ایران ابراز شود. این را هم باید عرض کنم که تمام این اقدامات بدون تظاهر و به کلی زیر پرده انجام گرفت و بدون اینکه کسی متوجه اقدامات نماینده ایران بشود، جامه عمل پوشید.

اخلاق عالی و متانت و رزانت آقای کمالوند نیز خیلی مؤثر بود و می‌توانم به جرئت به عرض برسانم که ایشان با نهایت شایستگی و برازندگی نمایندگی و مأموریت خود را به نحو احسن انجام دادند و همه آقایان از این حسن انتخاب ابراز مسرت و خوشوقتی می‌کردند. آقای غروی هم الحق و الانصاف در ملاقات با آقایان علما آنچه لازم بود از توجهات مخصوص اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه نسبت به روحانیون و ترویج شاعری اسلامی داد سخن می‌دادند [می‌گفتند] و مأموریت خود را کماهو حقه با موفقیت به پایان رسانیدند.

عکس‌هایی که در موقع ایراد نطق آقای کمالوند و اهدا کلام‌الله مجید و سایر کتب برداشته

شده به پیوست تقدیم می‌شود (ضمیمه ۲)

پس از خاتمه جشن مقارن ساعت یازده بعدازظهر همان روز مجدداً به کربلا مراجعت و در سرکنسولگری اقامت نمودند. روز سه‌شنبه 4 دی‌ماه که مصادف با روز مبعث بود آقای سیدبدرالدین ضیاءالدین کلیددار حضرت ابوالفضل علیه‌السلام که نسبت به اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه بندگی و ارادت خاصی دارند به افتخار هیئت اعزامی ایران ضیافت ناهار بسیار مجللی در مهمانخانه جدیدالتأسیس کربلا برپا نمود و از بنده و استاندار و کلیه رؤسای ادارات محلی و علما و اشراف دعوت کرده بودند. در مجلس مزبور تمام صحبت در زمینه ترقیاتی که تحت راهنمایی خردمندان شاهنشاه معظم و محبوب ما نصیب کشور گردیده دور می‌زد و آقای سالم عبدالرزاق استاندار کربلا که فدویت خاصی نسبت به ذات مبارک همایونی دارد از پیش‌بینی‌های مدیرانه و خردمندانه اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه در توزیع املاک سلطنتی بین کشاورزان اظهار مسرت و شادمانی می‌کرد و به حاضرین می‌گفت استقرار و امنیت و سعادت ایران مرغون همین اقدامات و پیش‌بینی‌های مدبرانه معظم له می‌باشد.

اینک لزوماً مختصری از ساختمان مدرسه جامعه‌النصف را برای استحضار خاطر محترم ذیلاً به عرض می‌رساند:

نصف اشرف از سال ۴۴۸ هجری که ابوجعفر محمدبن حسن طوسی معروف به «شیخ الطائفه» در آنجا رحل اقامت افکند و حوزه علمی شیعیه را تأسیس نمود، تاکنون مرکز تعلیمات شیعیه بوده و اکثر علمای شیعیه در آنجا تحصیل کرده و در اثر وجود مرقد مطهر حضرت مولای متقیان علی علیه‌السلام همه روزه بر رونق و شوکت آن افزوده می‌شود. و در نتیجه کثرت طلاب علوم دینی و عدم وجود مدارس کافی طوری شده است که در هریک از حجره‌های کوچک دو یا سه نفر طلبه اقامت دارند.

آقای حاج محمدتقی اتفاق که از بازرگانان نیکنام و خیر و عالی‌نظر تهران هستند در هفت سال قبل، یعنی سال 1334 برای اینکه نام نیکی از خود به یادگار گذارند در مقام ساختمان مدرسه‌ای با اسلوب جدید برای تحصیل طلاب علوم دینی در نصف اشرف برآمدند و قطعه زمینی به مساحت پنج هزار متر مربع در خارج شهر در منطقه بسیار خوش آب‌وهوایی در راه کوفه خریداری و سنگ اساسی آن را بنا نهادند. ساختمان جامعه‌النصف که مدت هفت سال طول کشیده، روی زمینی به مساحت ۲۶۰۰ متر مربع بنا شده و مرکب از چهار طبقه است.

۱- طبقه زیرزمینی که دارای سالن‌های وسیعی برای اقامت در فصل تابستان و انبار و آشپزخانه و سالن کنفرانس تابستانی می‌باشد؛

۲- سه طبقات دیگر بالای آن دارای ۲۲۸ اتاق خواب و اقامت طلاب است که هر اتاق دارای یک گنجینه لباس و قفسه‌بندی‌های کتاب و مجهز به رختخواب و بادزن برقی است و بین هر دسته از اتاق‌ها یک سالن بزرگی که دارای بادزن‌های برقی سقفی و چراغ‌های نیون است، قرار دارد. در هر گوشه از ابعاد چهارگانه طبقه‌های سه‌گانه عمارت وسایل صحنی جدید که عبارت از پنج حمام و شش دستشویی دارای آب گرم و سرد و پنج مستراح است، وجود دارد.

در وسط عمارت حیاطی به مساحت ۷۲۰ مترمربع ساخته شده که وسط آن استخر آب‌نمای مجللی از کاشی‌های بلوری سفید و فواره‌های زیبا قرار گرفته و دور استخر گل‌کاری شده و نرده‌ای آهنین آن را از حیاط مجزا می‌کند.

نمای خارجی عمارت و همچنین، کتیبه‌های بین طبقات آن همه با کاشی‌های بسیار زیبایی ساخت ایران که روی آنها آیاتی از کلام‌الله مجید و احادیث شریفه نبوی و کلمات قصار ائمه اطهار نوشته شده تزیین گردیده که رونق خاصی به این بنا می‌دهد. در عمارت مزبور مسجد بزرگ و کتابخانه وسیعی بنا شده است که همه‌گونه وسایل آسایش در آنها قرار گرفته و راحت طلاب پیش‌بینی شده است.

هزینه خرید زمین و ساختمان مدرسه وسایل موجوده آن بالغ بر ۲۰۰ هزار دینار عراقی، یعنی مساوی ۶۵ میلیون ریال ایرانی شده است که آقای حاج محمدتقی اتفاق از کیسه فتوت خود آن را برداشته‌اند.

یک نسخه از نشریه مربوط به ساختمان جامعه‌النصف که به عربی منتشر شده به پیوست تقدیم می‌گردد.

سرکنسول، عباس صیقل

سند شماره ۶/۸

[شیر و خورشید]

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

کر بلا- حله- دیوانیه

ضمیمه شماره (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضار محترم

افتخار دارم که به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست‌وزیر دولت شاهنشاهی ایران در جشن فرخنده افتتاح جامعه‌النصف شرکت نمایم.

جناب آقای نخست‌وزیر که همواره به پیروی از منویات اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه به ترویج شعائر دینی و احترام به حضرات آقایان علما اعلام و پیشوایان عالی‌قدر مذهبی علاقه مخصوصی دارند، مایل بودند شخصاً به عتبه‌بوسی آستان مقدس مولی‌الموحدین شرکت در این جشن فرخنده حضور به هم رسانند؛ ولی متأسفانه به علت گرفتاری‌های گوناگون و تراکم امور نتوانستند به این آرزو جامه عمل پوشند و این افتخار را به اینجانب محول فرمودند.

امیدوارم که این مؤسسه بزرگ علمی که به همت والای رادمرد نیکوکار، آقای حاج محمدتقی اتفاق بنا شده، پیوسته مرکز خدمات بزرگ علمی و اخلاقی نسبت به عالم اسلام بوده و هزاران مجتهد عالی‌قدر در این مؤسسه تربیت شوند.

جناب آقای نخست‌وزیر برای یادبود افتتاح این دانشگاه بزرگ اسلامی و به منظور تحرك و تبیین يك جلد کلام‌الله مجید و يك دوره تفسیر ابوالفتوح رازی به کتابخانه جامعه‌النصف اهدا فرموده‌اند که تقدیم می‌نمایم و توفیق آقایان محترم را از خداوند متعال خواستارم.

سند شماره ۶/۹

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

مدرسه جامعه‌النصف

آقای حاج محمدتقی اتفاق همت والای جنابعالی در تأسیس دانشگاه اسلامی (جامعه‌النصف) که یادگار فرخنده‌ای از ایران و ایرانی در نجف اشرف می‌باشد، شایان تحسین و تقدیر است. از خداوند متعال برای شما توفیق خدمت بیشتری خواستارم.

نخست‌وزیر، اسداله علم

منابع

- امینی، ایرج (۱۳۸۶). *بر بال بحران: زندگی سیاسی علی/امینی*. تهران: نشر ماهی.
- توکلی، یعقوب (۱۳۹۰). *خاطرات علی/امینی (به کوشش یعقوب توکلی)*. تهران: حوزه هنری، چاپ دوم.
- روحانی، حمید (۱۳۷۴). *اسناد انقلاب اسلامی (ج ۱)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی، حمید (۱۳۷۶). *خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روح بخش، رحیم (۱۳۹۷). *آیت الله العظمی بروجردی به روایت اسناد*. قم: نشر مؤرخ.
- [بی‌نا] (۱۳۴۱). *گزارشی دربارهٔ جامعه النجف. ماهنامهٔ مکتب اسلام، ۲ (۴)*.
- آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری، شمارهٔ بازیابی سند: ۴۴۸۵۶، ۴۲۴۴۷، ۴۱۴۹۲

تحلیل پیامدهای بهداشتی و امنیتی حملات تروریستی بر زائران عتبات عالیات عراق (۲۰۱۷-۲۰۰۳)

مرضیه ریاحی نژاد^۱

چکیده

در این پژوهش بین‌رشته‌ای با به‌کارگیری روش‌شناسی ترکیبی (کیفی-توصیفی) و با استناد به چارچوب نظری «امنیت انسانی» و «اقتصاد سیاسی سلامت» پیامدهای چندبعدی حملات تروریستی به‌عنوان بحران‌های انسان‌ساخت در محیط‌های مذهبی به‌صورت نظام‌مند بررسی می‌شود. محقق در پژوهش حاضر با تمرکز بر حرم‌های مقدس عتبات عالیات عراق (نجف اشرف، کربلای معلی، سامرا و کاظمین) در دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۷ میلادی از طریق تحلیل محتوای اسناد رسمی و منابع کتابخانه‌ای معتبر داده‌های لازم را گردآوری کرده است. یافته‌ها نشان داد که این حملات با ایجاد اختلال در نظام‌های حیاتی سلامت و امنیت چالش‌های سه‌گانه‌ای (شامل الف) تهدید امنیت جسمانی و روانی زائران؛ ب) فشار ساختاری بر زیرساخت‌های درمانی؛ ج) نقض حقوق بنیادین بشری در دسترسی به خدمات سلامت ایجاد کرده است. محقق در پژوهش حاضر سعی کرده است تا نقاط ضعف و قوت نظام پاسخگویی به بحران را تحلیل و سپس چارچوب مفهومی نوینی را با عنوان «امنیت سلامت در محیط‌های مذهبی» ارائه دهد و درنهایت، سه سطح مداخله‌ای شامل آمادگی بیمارستان‌ها (خرد)، ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای (میانی) و تدوین پروتکل‌های بین‌المللی (کلان) را پیشنهاد کند. این مطالعه با تأکید بر ویژگی‌های بی‌نظیر اماکن مقدس الگویی کاربردی را برای مدیریت بحران در سایر مناطق مذهبی جهان اسلام عرضه می‌کند.

کلمات کلیدی: عتبات عالیات، تروریسم، سلامت، مدیریت بحران، داعش، امنیت زیارتی

Analysis of the Health and Security Consequences of Terrorist Attacks on Pilgrims to the Holy Shrines of Iraq (Atabāt Āliyāt) (2003–2017)

Marziyeh RiahiNezhad¹

ABSTRACT:

This interdisciplinary study employs a mixed-methodology (qualitative–descriptive) approach, grounded in the theoretical frameworks of "Human Security" and "Political Economy of Health," to systematically examine the multidimensional consequences of terrorist attacks as man-made crises in religious settings. Focusing on the sacred shrines of the Holy Atabāt Āliyāt in Iraq (Najaf Ashraf, Karbalā' al-Mu'allā, Samarra, and Kāẓimayn) during the 2003–2017 period, the research gathered necessary data through content analysis of official documents and reputable library sources. Findings indicate that these attacks, by disrupting vital health and security systems, created a triple challenge including: a) threats to the physical and psychological security of pilgrims, b) structural pressure on healthcare infrastructure, and c) violation of fundamental human rights regarding access to health services. This study aimed to analyze the strengths and weaknesses of the crisis response system and proposes a novel conceptual framework termed "Health Security in Religious Environments." This framework suggests three levels of intervention: hospital preparedness (micro-level),

1. PhD Student in History of the Islamic Revolution at the University of Isfahan.
tbsm128@gmail.com

establishing regional networks (meso-level), and developing international protocols (macro-level). Emphasizing the unique characteristics of holy sites, this study offers a practical model for crisis management in other religious areas within the Muslim world.

Keywords: Holy Shrines, Terrorism, Health, Crisis Management, ISIS, Pilgrimage Security

مقدمه

عتبات عالیات عراق، نجف اشرف، کربلا، سامرا و کاظمین به عنوان مهم ترین مراکز مذهبی جهان اسلام و مقصد زیارت (بیشتر برای شیعیان) نقش تعیین کننده ای در شکل دهی هویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع شیعی عراق دارند. این فضاهاى مقدس به دلیل تراکم جمعیت، ارتباط عمیق با نمادهای دینی و حضور هزاران زائر در دوره های زمانی مختلف همواره در معرض تهدیدهای امنیتی و بحران های بهداشتی بوده است. از دوران پس از سقوط رژیم بعثی در سال ۲۰۰۳ میلادی تا چهره سازی های اخیر مبارزه با تروریسم (از جمله ظهور و گسترش گروه های افراطی مانند القاعده و داعش و پیامدهای آنها) حملات تروریستی نه تنها جان و سلامت زائران را تهدید کرده است، کارکردهای خدمات بهداشتی و زیرساخت های سلامت را نیز به چالش کشیده است. شواهدی از گزارش های حقوق بشری، منابع خبری و داده های بهداشتی نشان می دهد که انفجارهای انتحاری، کارگزاری های بمب گذاری شده در ایام مذهبی و خشونت های فرقه ای به طور مداوم بار روانی، فیزیکی و اقتصادی را بر جامعه زیارتی اعمال کرده است. این وقایع به ویژه در فضاهاى با تراکم جمعیت زیاد منجر به فشار بر ظرفیت های اورژانس و خدمات بهداشتی، کاهش دسترسی به مراقبت های غیراضطراری و اختلال در اکوسیستم سلامت محلی و ملی شده است

(HRW, 2011; UNAMI, 2008; WHO, 2015; Hussain, 2016; Pollack, 2015).

با وجود این، رویکردهای پژوهشی پیشین به طور روشن به تحلیل سیاستی و عملی پاسخ به این بحران ها در چارچوبی منسجم از نظر نظری و روش شناختی نپرداخته اند. محقق در این پژوهش در پی پرکردن این خلأ با ارائه یک چارچوب مفهومی عملی با عنوان «امنیت سلامت در محیط های مذهبی» است که سه سطح مداخله ای را برای تاب آوری سلامت در فضاهاى زیارتی پیشنهاد می دهد: خرد (آمادگی بیمارستان ها)، میانی (شبکه های سلامت منطقه ای) و کلان (پروتکل های بین المللی با همکاری های منطقه ای و جهانی).

با توجه به اهمیت زمینه تاریخی و ریشه های بحران برای فهم پویایی های تاریخی که به شکل گیری بحران های سلامت امنیتی پس از سال ۲۰۰۳ انجامید، لازم است زمینه های قبل از این تاریخ نیز مرور شود. در دوره های پیشین، جنگ های منطقه ای و فشارهای سیاسی-اقتصادی بر عراق از جمله جنگ ایران-عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و سقوط عراق در آغاز دهه ۱۹۹۰

به دلیل تحریم‌های شدید سازمان ملل به شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی اقتصادی شکننده منجر شد که توان پاسخ‌دهی به بحران‌های سلامت را کاهش می‌داد. از منظر زیربناهای سلامت و خدمات پزشکی در این دوره کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بهداشتی، خاموشی‌های خدماتی و کاهش کارایی سیستم سلامت مشاهده می‌شود. در ادامه، این زمینه به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای تاریخی که موجب تقویت آسیب‌پذیری در مواجهه با بحران‌های امنیتی-سلامتی در سال‌های پس از ۲۰۰۳ شد، تحلیل می‌شود (Hashim, 2006; Jabar, 2003; Marr, 2012).

هدف این پژوهش تحلیل جامع پیامدهای بهداشتی و امنیتی حملات تروریستی بر زائران و ساکنان عتبات عالیات عراق در بازه زمانی ۲۰۰۳-۲۰۱۷ همراه با ارائه یک چارچوب عملی - نظری برای بهبود تاب‌آوری سلامت در فضاهای مذهبی است. پرسش‌های کلیدی به قرار زیر است: الف) چه پیامدهای بهداشتی و روانی بر مردم محلی و زائران در این بازه زمانی رخ داده است؟ ب) چگونه ظرفیت‌های اورژانسی و خدمات سلامت عمومی در مواجهه با این حملات زیر فشار قرار گرفته است و چه شکاف‌هایی در پاسخ‌رسانی وجود دارد؟ ج) چه سیاست‌ها و مداخلاتی در سطح خرد، میانی و کلان می‌تواند تاب‌آوری سلامت را در محیط‌های زیارتی تقویت و چگونه می‌تواند مدل «امنیت سلامت در محیط‌های مذهبی» را در به‌کارگیری سایر فضاهای زیارتی جهان اسلام تسهیل کند؟

در چارچوب نظری و رویکرد پژوهش این مطالعه از ترکیب دو منظر نظری اصلی استفاده شده است: امنیت انسانی و اقتصاد سیاسی سلامت. امنیت انسانی به‌عنوان حفاظت از جان، سلامت و حقوق افراد در مقابل تهدیدهای امنیتی و بحران‌ها و اقتصاد سیاسی سلامت به‌عنوان روشی برای فهم نحوه تخصیص منابع سلامت، تصمیم‌گیری‌های سیاستی و سازوکارهای پاسخ به بحران در شرایط بی‌ثباتی سیاسی امنیتی. این دو چارچوب به‌طور هم‌زمان به تحلیل چندبعدی از آسیب‌پذیری سیستم سلامت و سازوکارهای پاسخ به حملات تروریستی در فضاهای مذهبی و تعیین جهت‌گیری سیاستی کمک می‌کنند. ارزیابی منابع ادبیات نیز از منظر تروریسم در عراق، نمادسازی بیرونی و درون‌زا در فضاهای مقدس و اثرهای بهداشت عمومی و حقوق بشر دنبال می‌شود تا چارچوب مفهومی پژوهش را تقویت کند (Fishman, 2008; Hassner, 2009; Gerges, 2018; Bunzel, 2015; HRW, 2011; UNAMI, 2008; WHO, 2015).

در این پژوهش از رویکرد کیفی توصیفی با استفاده از تحلیل محتوای اسناد رسمی،

گزارش‌های حقوق بشری، داده‌های سازمان‌های بین‌المللی و پوشش خبری معتبر استفاده و داده‌های تاریخی هنجاری و گزارش‌های میدانی مربوط به عتبات عالیات در دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۷ بررسی شده است. در این پژوهش داده‌ها و رویکرد چندرشته‌ای به کار گرفته می‌شود تا اعتبار داده‌ها تقویت شود و بتوان سه سطح اثرگذاری اصلی را برای مدل سه‌سطحی «امنیت سلامت در محیط‌های مذهبی» تبیین کرد؛ از جمله ۱- خرد: آمادگی و پاسخ در سطح بیمارستان‌ها؛ ۲- میانی: شبکه‌های سلامت منطقه‌ای؛ ۳- کلان: پروتکل‌های بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای-جهانی.

عتبات عالیات: واژه‌شناسی، جغرافیا، امنیت و سلامت زائران

واژه «عتبات عالیات» در لغت به معنای درگاه و آستانه است و در حال حاضر به مجموعه‌ای از شش درگاه مقدس در چهار شهر نجف، کربلا، سامرا و کاظمین اطلاق می‌شود. این اماکن فراتر از نقش مذهبی خود به مثابه نمادهای تاریخی-دینی واجد اهمیت ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز هستند. از منظر نظریه «امنیت‌سازی» این مکان‌ها فقط شهرهایی مذهبی نیستند، بلکه «شهرهای شبکه‌ای» (Networked Cities) هستند که در بستر اقتصاد سیاسی زیارت، نمادگرایی مذهبی و نزاع هویتی عمل می‌کنند. امنیت و سلامت زائران در این اماکن نه تنها به مدیریت امنیتی وابسته است، به پایداری زیرساخت‌های بهداشتی نیز پیوند خورده است (Peyravi et al., 2020).

نجف اشرف: مرکز معنوی و گره ژئوپلیتیک

نجف اشرف در حاشیه غربی فلات عراق و حدود ۱۶۰ کیلومتری جنوب غربی بغداد واقع شده است و با جاده‌های اصلی در دسترس است. این شهر در ارتفاع حدود ۷۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد و در مختصات ۳۱°۵۹' شمالی و ۴۴°۱۹' شرقی جای گرفته است (مقدس، ۱۳۸۸). نام «نجف» در عربی به معنای زمین مرتفعی است که آب آن را فرامی‌گیرد. نجف به دلیل موقعیت طبیعی‌اش همواره به عنوان پناهگاهی برای شیعیان شناخته شده و توسعه حوزه علمی را امکان‌پذیر کرده است. این جغرافیا در دوران معاصر به عاملی برای آسیب‌پذیری بدل شده است؛ زیرا جاده‌های منتهی به نجف که شریان‌های اصلی انتقال زائران است، به فضاهای غیر ایمن (Unsecured Spaces) بدل شده است. نجف از منظر امنیت‌سازی

با گروه‌های تکفیری نه به‌عنوان یک شهر، بلکه به‌عنوان نماد «هژمونی شیعه» بازنمایی می‌شود و در نتیجه، حمله به آن مشروعیت می‌یابد. تهدید امنیتی این شهر به‌طور مستقیم سلامت جسمی و روانی زائران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌ویژه با اضطراب، دسترسی محدود به خدمات درمانی و خطر حملات ناگهانی.

کربلا: تراکم زیارت و پارادوکس امنیتی

نام «کربلا» در منابع به زمین نرم و سست اشاره دارد (عمادزاده، بی‌تا). این شهر مقدس با وجود حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) سالانه میلیون‌ها زائر را میزبانی می‌کند و به یکی از مهم‌ترین قطب‌های مذهبی جهان اسلام بدل شده است. تراکم جمعیت در ایام عاشورا و اربعین کربلا را به «مگا-ایونت» دائمی بدل کرده است. این تراکم امنیت و سلامت زائران را به‌طور هم‌زمان در معرض تهدید قرار می‌دهد؛ زیرا هر حمله تروریستی علاوه بر جان زائران معیشت شهر را نیز هدف می‌گیرد. همچنین، تراکم انسانی خطر شیوع بیماری‌های واگیر را افزایش می‌دهد و سلامت عمومی را به چالش می‌کشد (Moulaei et al., 2024).

سامرا: گذرگاه هویتی و چالش‌های امنیتی

سامرا در ۱۲۵ کیلومتری شمال بغداد و در کرانه شرقی دجله واقع شده است. این شهر در قرن نهم میلادی به‌عنوان پایتخت عباسیان شکوفا شد (حموی، ۱۹۹۵). وجود حرم عسکرین (امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام) جایگاه ویژه‌ای به این شهر در جهان شیعه داده است؛ اما موقعیت سامرا در «مثلث سنی» و مجاورت با مناطق زیر نفوذ گروه‌های تکفیری آن را به کانونی از نزاع‌های هویتی و امنیتی بدل کرده است. حمله به گنبد طلایی حرم در سال ۲۰۰۶ (Wikipedia, 2006; Time, 2014) و حملات بعدی در سال ۲۰۰۷ (Wikipedia,) ۲۰۰۷ را باید نمونه‌ای از «خشونت نمادین» دانست که سلامت جسمی و روانی زائران را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داد. همچنین، حمله انتحاری سال ۲۰۱۱ در ایستگاه اتوبوس سامرا که منجر به کشته‌شدن ۴۸ و زخمی‌شدن بیش از ۸۰ نفر شد، نشان‌دهنده تداوم این آسیب‌پذیری است (Wikipedia, 2011).

کاظمین: جزیره‌ای مقدس در دل بغداد

کاظمین در غرب دجله و در نزدیکی محله‌های سنی‌نشین بغداد قرار دارد. این شهر مقدس که میزبان حرم امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) است، در نتیجه توسعه شتابان شهری بخشی از پایتخت عراق است. نزدیکی به مرکز قدرت امنیتی از یکسو فرصت بیشتری را برای حفاظت فراهم می‌آورد؛ اما از سوی دیگر، کاظمین را به خط مقدم درگیری‌های فرقه‌ای بدل کرده است. این شهر پس از سقوط صدام بارها هدف بمب‌گذاری‌های انتحاری و حملات تروریستی قرار گرفت. این شرایط سلامت جسمی زائران (در اثر تهدید مستقیم) و سلامت روانی آنان را (به دلیل اضطراب ناشی از تهدید) به شدت متأثر کرده است.

وضعیت شیعیان عراق در دوران بعث

شیعیان عراق که بیشتر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، در طول حاکمیت حزب بعث (1968-2003 م) با سیاست‌های سرکوب‌گرانه و تبعیض‌آمیز نظام‌مند مواجه بودند. این سیاست‌ها که ریشه در ایدئولوژی پان‌عربیسم و سکولاریسم افراطی داشت، در عمل، به حذف و کنترل نمادها و نهادهای دینی شیعه منجر شد (Hadad, 2001, P. 45). محدودیت‌های حکومتی بر آیین‌های مذهبی به‌ویژه در مناسبت‌هایی چون محرم نه تنها فاصله‌ای عمیق میان نهادهای دینی و دولت ایجاد کرد، اعتماد جامعه شیعی به کارکردهای امنیتی و بهداشتی حکومت را به تدریج فرسایش داد. این امر از منظر جامعه‌شناسی سلامت اهمیت دارد؛ زیرا کمبود اعتماد نهادی می‌تواند ظرفیت‌های تاب‌آوری اجتماعی و توان دولت را برای مدیریت بحران‌های بهداشتی-امنیتی تضعیف کند. رژیم بعث به رهبری صدام حسین با تصویب قوانین محدودکننده فعالیت‌های مذهبی شیعیان را زیر کنترل شدید قرار داد. براساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل (1993) برگزاری مراسم عزاداری محرم و دیگر آیین‌های شیعی ممنوع اعلام شد و اماکن مذهبی به‌طور مداوم زیر نظارت نیروهای امنیتی قرار داشت. چنین محدودیت‌هایی منابع انسانی و زیرساخت‌های دینی را تضعیف کرد و در نتیجه، ظرفیت حمایتی جامعه در حوزه سلامت عمومی نیز آسیب دید. این فشارها در سطح ساختاری به انقطاعی پایدار میان جامعه و دولت منجر شد که پیامدهای آن در دوره‌های بعدی به‌ویژه در فاصله 2003 تا 2017 به شکل آسیب‌پذیری ویژه زیارت‌های مذهبی در برابر بحران‌های امنیتی و بهداشتی نمایان شد.

(Amnesty International, 1993).

یکی از بارزترین مصادیق این سیاست‌ها اخراج دسته‌جمعی شیعیان ایرانی تبار در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۹ میلادی بود. در واکنش به انقلاب اسلامی ایران و در چارچوب سیاست‌های امنیتی رژیم بعث حدود ۲۰۰ هزار نفر از شیعیان با پیشینه ایرانی از عراق اخراج شدند (Marr, 2004, P. 156). بسیاری از این افراد که نسل‌ها در عراق زندگی کرده بودند، به شکل غیرانسانی از خانه و دارایی‌هایشان محروم و در مناطق مرزی رها شدند (Tripp, 2007, P. 234). این رویداد موجب فرسایش سرمایه انسانی و فروپاشی بخشی از شبکه‌های اجتماعی-حوزوی شد. شبکه‌هایی که می‌توانستند در دوره‌های بحران نقش مهمی در حمایت اجتماعی و سلامت داشته باشند. سرکوب قیام شیعیان در سال ۱۹۹۱ میلادی (انتفاضه شعبانیه) یکی دیگر از نمونه‌های خشونت سازمان‌یافته علیه این جمعیت بود. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۳۰۰ هزار نفر در این واقعه کشته شدند (Human Rights Watch, 2011). علاوه بر کشتار گسترده رژیم به تخریب عمدی حرم‌های مقدس در نجف و کربلا دست زد (Wiley, 1992, P. 78). این اقدام نه تنها به لحاظ مذهبی و نمادین ضربه‌ای سنگین به جامعه شیعه وارد کرد، پیامدهای عمیقی بر اعتماد عمومی به حفاظت دولتی و کارآمدی حکومت در حوزه مدیریت بحران داشت. عاملی که در دوره پس از ۲۰۰۳ میلادی تأثیر مستقیمی بر پاسخ به حملات تروریستی و حفاظت از سلامت زائران برجای گذاشت.

سیاست‌های سرکوب‌گرانه از منظر جامعه‌شناختی پیامدهایی چندلایه داشت:

الف) تعمیق شکاف اجتماعی و سیاسی میان اقلیت حاکم سنی و اکثریت شیعه؛

ب) محرومیت نظام‌مند شیعیان از دستیابی به پُست‌های حساس دولتی و امنیتی؛

ج) تبعیض آشکار در توزیع منابع ملی و خدمات عمومی.

ریشه‌های این سیاست‌ها را می‌توان در دو عامل اصلی جست‌وجو کرد: نخست، نگرانی حکومت بعث از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان عراق؛ دوم، ماهیت قوم‌گرایانه و اقتدارگرایانه رژیم که بر سلطه یک اقلیت خاص استوار بود. در مجموع، این مجموعه سیاست‌ها نه تنها به سرکوب هویت دینی-اجتماعی بیشتر جمعیت عراق منجر شد، ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی جامعه را برای تاب‌آوری در برابر بحران‌های آینده نیز تضعیف کرد.

تعریف‌های تروریسم و چارچوب نظری برای سلامت زیارتی

مفهوم تروریسم ریشه‌ای تاریخی دارد که به معنای ایجاد ترس و وحشت است. واژه «ترور» از لاتین گرفته شده است و معادل‌هایی در زبان‌های دیگر مانند «tras» در سانسکریت به معنای لرزیدن و «triasti» در روسی به معنای تکان دادن دارد. این واژه‌ها همگی در حوزه معنایی ترس و اضطراب قرار می‌گیرد. پسوند ایسم «ism» در تروریسم برخلاف کاربرد آن در اصطلاحات سیاسی ایدئولوژیک نظیر لیبرالیسم یا سوسیالیسم بیشتر بر ماهیت نظام‌مند خشونت و تولید آگاهانه هراس دلالت دارد (Schmid, 2023). ادبیات علمی تعریف‌های گوناگونی از تروریسم ارائه داده است. در بخش مهمی از این تعریف‌ها بر «سوءاستفاده از قدرت» تأکید شده است؛ درحالی که به بُعد روان‌شناختی، یعنی «ایجاد ترس» کمتر توجه شده است. مارتا کرنشاو در سال 1985 میلادی نشان داد که کارایی سیاسی تروریسم به‌طور عمده ناشی از تأثیر روانی خشونت بر مخاطبان است (Crenshaw, 1985). در این معنا، تروریسم را باید بیش از آنکه فقط کنشی خشونت‌آمیز بدانیم، باید فرآیندی ارتباطی و نمادین برای القای وحشت و تضعیف اراده اجتماعی دانست.

تعریف تروریسم بسته به زاویه نگاه متفاوت است. انقلابی‌هایی چون نیکلاس موروزوف در قرن نوزدهم آن را ابزار رهایی از سلطه می‌دانست. رسانه‌ها بیشتر به جلوه‌های عینی آن مانند گروگان‌گیری و بمب‌گذاری تأکید می‌کنند. دولت‌ها نیز بسته به مصالح سیاسی تعریف خاص خود را دارند؛ برای مثال، قانون تروریسم بریتانیا (2000) آن را «استفاده از خشونت برای تأثیرگذاری سیاسی یا ایجاد رعب عمومی» توصیف می‌کند. در سطح بین‌المللی با وجود تلاش‌های گسترده سازمان ملل هنوز به تعریفی جامع و توافق‌شده دست نیافته است؛ اما پژوهشگران کوشیده‌اند چارچوبی علمی ارائه دهند؛ برای مثال، اشمید تروریسم را «خشونت برنامه‌ریزی‌شده برای ایجاد ترس و تأثیرگذاری سیاسی» تعریف کرده است (Schmid, 2023).

رویکرد روان‌شناختی به تروریسم تلاش می‌کند به چرایی شکل‌گیری رفتارهای تروریستی بپردازد. جف ویکتروف (2005) در مقاله خود با عنوان «The Mind of the Terrorist» یادآور می‌شود که کمبود داده‌های جامع مانع شناخت دقیق شخصیت تروریست‌هاست. او تأکید می‌کند که تروریسم یک پدیده چندعاملی است؛ اما توجه به ابعاد روانی می‌تواند به کاهش آن کمک کند. از این منظر، تروریسم تنها یک تهدید امنیتی نیست، بلکه پیامدهای مهمی برای

سلامت روان فردی و اجتماعی دارد.

در عراق پس از سقوط رژیم بعث (2003) نوع خاصی از تروریسم فرقه‌ای ظهور کرد که ویژگی‌های متمایزی داشت. رشد گروه‌های تکفیری مانند القاعدهٔ عراق (Fishman, 2008) و سپس داعش (Bunzel, 2015) همراه با به‌کارگیری خشونت نمادین علیه اماکن مذهبی (Hassner, 2009) نمونهٔ بارز این روند بود. حملات مکرر به عتبات عالیات در نجف، کربلا، سامرا و کاظمین چند هدف داشت: از یکسو، نمادهای هویت شیعی را هدف قرار می‌دادند؛ از سوی دیگر، تلاش داشتند با ایجاد رعب و ناامنی حضور زائران را محدود کنند و درنهایت، با بی‌ثبات‌سازی فضا اقتدار دولت مرکزی را تضعیف کنند.

برای تحلیل تأثیر این حملات بر زیارت و سلامت زائران می‌توان از دو چارچوب نظری استفاده کرد. نخست، رویکرد امنیت انسانی است که بر حفاظت از جان و سلامت زائران و صیانت از حقوق آنان در برابر خشونت‌های تروریستی تأکید دارد؛ دوم، رویکرد اقتصاد سیاسی سلامت است که نشان می‌دهد چگونه نحوهٔ توزیع منابع، سیاست‌گذاری بحران و اولویت‌بندی بودجهٔ سلامت میزان تاب‌آوری نظام بهداشت را در شرایط ناامنی شکل می‌دهد.

بر مبنای این چارچوب‌ها می‌توان مدلی سه‌سطحی را برای سلامت زیارتی ترسیم کرد:

- در سطح خرد: دسترسی زائران به خدمات درمانی فوری، اورژانس‌ها و مراقبت از سلامت روان اهمیت می‌یابد؛
 - در سطح میانی: تاب‌آوری شبکه‌های بهداشت منطقه‌ای و مدیریت بحران در مسیرهای زیارتی مطرح است؛
 - در سطح کلان: سیاست‌گذاری ملی، همکاری‌های بین‌المللی و التزام به استانداردهای حقوق بشری در حفاظت از فضاهاى مقدس نقش‌آفرین می‌شود.
- بررسی‌های سازمان جهانی بهداشت (WHO, 2015) نشان می‌دهد که حملات تروریستی در عراق فشارهای شدیدی را بر نظام سلامت این کشور وارد کرده است. کمبود منابع درمانی، اختلال در ارائهٔ خدمات اولیه و افزایش اختلالات روانی در میان زائران و ساکنان مناطق زیارتی بخشی از پیامدهای پایدار این خشونت‌ها بوده است. این وضعیت نشان می‌دهد که تروریسم تنها یک مسئلهٔ امنیتی یا سیاسی نیست، پیامدهای عمیقی بر سلامت عمومی و تاب‌آوری اجتماعی جوامع دینی نیز دارد.

جنگ‌ها و تأثیرهای ساختاری آنها بر وضعیت عراق

در چهار دهه اخیر عراق با وجود فرصت‌های بازسازی و توسعه با مجموعه‌ای از جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی مواجه بوده است که به‌طور عمیقی بنیان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را تغییر داده است. این رویدادها تنها با تلفات انسانی و خسارت‌های اقتصادی سنجیده نمی‌شود، به شکل‌گیری و گسترش رفتارهای معنادار تروریستی و خطرهای سلامت عمومی-زیارتی نیز منجر شده است. سه رویداد اصلی که به‌عنوان محورهای تحلیل در این مقاله مدنظر است عبارت است از: ۱- جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸ م)؛ ۲- جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱ م)؛ ۳- حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام حسین (۲۰۰۳ م). این سه درگیری هریک به‌نوعی زمینه‌ساز بازتوزیع منابع، بازتعریف نهادهای اصلی و باززنده‌سازی یا تضعیف ظرفیت‌های دولت-ملت عراق شد و به‌طور مستقیم، به پیامدهای بهداشتی-امنیتی زیارت‌ها و سلامت عمومی جامعه شیعیان و ساکنان عراق انجامید.

بحث مفهومی و نظری

این جنگ‌ها به‌طور هم‌زمان، با فشارهای بین‌المللی، تحریم‌ها و تغییرات در ساختارهای اقتصادی-انرژی کشور درخور بررسی است. براساس رویکردهای امنیت انسانی و اقتصاد سیاسی سلامت هرگونه اختلال در امنیت و مدیریت بحران به‌طور غیرمستقیم، می‌تواند دسترسی به خدمات سلامت را مخدوش کند و تاب‌آوری سلامت جمعیت را کاهش دهد؛ درنتیجه تحلیل سه سطحی (خرد، میانی، کلان) برای فهم پیامدهای این جنگ‌ها در فضاهای زیارتی و سلامت عمومی ضروری است.

جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸ م)

جنگ ایران و عراق به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین و مخرب‌ترین جنگ‌های متعارف قرن بیستم پیامدهای عمیقی بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عراق برجای گذاشت. این جنگ نه‌تنها باعث تلفات انسانی گسترده شد، زیرساخت‌های حیاتی در مناطق جنوبی و مرکزی عراق را نیز به‌شدت تخریب کرد (Hiro, 1991, P. 304). این جنگ منجر به کشته‌شدن حدود ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر از دو طرف شد (Karsh, 2002, P. 254). شهرهای مرزی مانند بصره، العماره و النجف به‌دلیل بمباران‌های مداوم با کمبود شدید امکانات پزشکی مواجه

شد (Tripp, 2007, P. 231). بصره به عنوان مهم‌ترین شهر جنوبی عراق بیش از ۶۰ درصد از ساختمان‌های مسکونی و صنعتی خود را از دست داد (Cordesman, 2003, P. 112). حملات ایران به پالایشگاه‌های نفت الزبیر و البکر صادرات نفت عراق را تا ۵۰ درصد کاهش داد (Yaphe, 1990). سیستم‌های آبیاری و کشاورزی در مناطق مرزی به شدت آسیب دید که منجر به کاهش تولید محصولات غذایی شد. جنگ باعث افزایش قدرت نظامیان و حزب بعث در عراق شد و زمینه را برای ظهور دیکتاتوری صدام حسین فراهم کرد (Marr, 2012, P. 165). مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق به دلیل نزدیکی به جبهه‌های جنگ زیر کنترل شدید امنیتی قرار گرفت (Jabar, 2003, P. 89).

در ذکر ماهیت و بازتاب‌های ساختاری درگیری طولانی مدت با هزینه‌های بشری و اقتصادی عظیم، شکاف‌های نهادی و بازتوزیع قدرت در سطح دولت ملت را عمیق‌تر کرد. اثرهای این جنگ بر سرمایه انسانی، زیرساخت‌های سلامت و بودجه ملی، افزایش فشار بر نظام سلامت ملی، تخریب زیرساخت‌ها و کاهش ظرفیت پاسخ‌رسانی به بحران‌های بهداشتی بازتاب گسترده‌ای داشت. همچنین، این جنگ شاهد تضعیف اعتماد به نهادهای دولتی در ارائه خدمات پایه سلامت و مدیریت بحران بوده است.

جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱ م)

پس از اینکه رژیم صدام حسین در اوت ۱۹۹۰ میلادی کویت را اشغال کرد، شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌های متعدد (از جمله قطعنامه‌های ۶۶۰، ۶۶۱ و ۶۷۸) اقدام عراق را محکوم کرد و به این کشور مهلت داد تا از کویت خارج شود. با امتناع صدام حسین از عقب‌نشینی ائتلافی بین‌المللی متشکل از ۳۵ کشور به رهبری ایالات متحده آمریکا در ژانویه ۱۹۹۱ میلادی عملیات نظامی علیه عراق را آغاز کرد. این جنگ که به نام «عملیات طوفان صحرا» شناخته می‌شود، تنها ۴۲ روز طول کشید؛ اما تأثیرهای مخربی بر عراق گذاشت (Freedman & Karsh, 1993, P. 275). پس از این عملیات زیرساخت‌های اقتصادی، انرژی و درمانی عراق دچار بحران شد.

در بیان ماهیت و بازتاب‌های ساختاری، تحولات ژئوپلیتیک پس از پایان جنگ، تشدید تحریم‌های اقتصادی و کاهش شدید درآمدهای نفتی کل ساختار اقتصاد امنیت عراق را زیر فشار قرار داد. همچنین، در بحث پیامدهای بهداشتی باید به کاهش دسترسی به دارو،

تجهیزات پزشکی و خدمات بهداشتی همراه با فشارهای انسانی و مهاجرت/تبعیض‌های داخلی اشاره کرد. این دوره هم‌زمان با تشدید بحران‌های انسانی و بهداشت عمومی در مناطق بود.

حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳ م)

حمله آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ میلادی به‌عنوان نقطه عطفی در روابط بین‌الملل قرن بیست و یکم پیامدهای ژئوپلیتیک عمیقی برجای گذاشت. این مداخله نظامی که با عنوان «جنگ علیه تروریسم» و با ادعای نابودی سلاح‌های کشتار جمعی توجیه شد، در عمل، منجر به تغییر رژیم سیاسی و فروپاشی ساختارهای حکومتی عراق شد. براساس پژوهش‌های آکادمیک (Jervis, 2005) تصمیم آمریکا مبتنی بر ارزیابی‌های نادرست اطلاعاتی و اغراض ایدئولوژیک نئومحافظه‌کارانه بود. پیامدهای این حمله را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد: در سطح داخلی، اشغال عراق و سیاست‌های شتابزده حذف بعثی‌ها (De-Baathification) منجر به فروپاشی نهادهای امنیتی و اداری شد که نتیجه آن ایجاد خلأ قدرت و گسترش خشونت‌های فرقه‌ای بود (Dodge, 2012)؛ در سطح منطقه‌ای، این مداخله توازن قوا را به‌نفع ایران تغییر داد و موجبات تقرب شیعیان را در خاورمیانه فراهم آورد (Nasr, 2006)؛ در سطح بین‌المللی، این حمله اعتبار آمریکا را به‌عنوان قدرت هژمونیک تضعیف و موازنه قدرت جهانی را دگرگون کرد (Walt, 2005). از دیدگاه نظریه روابط بین‌الملل، این رویداد نمونه بارزی از «جنگ پیشدستانه» (Preemptive War) بود که پیامدهای آن نه‌تنها ثبات منطقه را مخدوش کرد، الگویی را برای مداخلات بعدی قدرت‌های بزرگ ایجاد کرد.

ماهیت و بازتاب‌های ساختاری

فروپاشی سریع نهادهای حاکمیت، خلأ امنیتی، بروز گروه‌های شبه‌نظامی و ظهور بخش‌های ثالث در ارائه خدمات اجتماعی و بهداشتی. از دید ساختاری، بازتعریف قدرت سیاسی و بازتوزیع کامل منابع عمومی رخ داد.

پیامدهای سلامت و امنیت

فروپاشی سیستم‌های بهداشتی و بهداشتی-بحرانی، افزایش فقر و نابرابری در دسترسی به خدمات سلامت، گسترش ناامنی روانی و جابه‌جایی‌های جمعی که فشار بر خدمات سلامت

منطقه‌ای و ملی را افزایش داد. این دوره به‌وضوح نشان داد چگونه نبود پاسخ یکپارچه سلامت-امنیت می‌تواند به افزایش آسیب‌پذیری زائران و ساکنان زیارتی منجر شود.

پیامدهای انسانی و ساختاری جنگ‌ها بر عراق

پیامدهای کلان و سیاستی- ساختار سیاسی

تضعیف یا بازتوزیع نهادهای حاکمیتی، کاهش مشروعیت دولت و افزایش بی‌ثباتی سیاسی که به‌تدریج به تداوم ناامنی و کاهش کارایی خدمات عمومی منجر شد.

اقتصاد و زیرساخت

اختلال در تولید، توزیع و بازسازی زیرساخت‌های کلیدی (نظیر آب، برق، حمل‌ونقل)، کاهش سرمایه‌گذاری در بهداشت و آموزش و افزایش بدهی‌های ملی.

سلامت عمومی و تاب‌آوری

کاهش دسترسی به خدمات سلامت، افزایش بیماری‌های واگیر و غیر واگیر، اختلال در پاسخ‌های اضطراری و بهداشت روانی جمعی.

مهاجرت و جمعیت

جابجایی‌های درون‌کشوری و بین‌المللی، شکل‌دهی به جمعیت‌های پناه‌جو و پناهنده که فشار بیشتری بر سیستم‌های بهداشتی منطقه‌ای و ملی وارد کرد.

ظهور تروریسم در عراق و حملات آن به عتبات عالیات

حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی نقطه عطفی در تاریخ معاصر این کشور بود. اگرچه این تهاجم به سقوط رژیم بعث و پایان حکومت صدام حسین منجر شد، پیامدهای آن بسیار فراتر از تغییر نظام سیاسی بود. فروپاشی ساختارهای امنیتی، انحلال ارتش و نیروهای انتظامی و طراحی نادرست نظام سیاسی جدید زمینه را برای خلأ قدرت و بی‌ثباتی عمیق فراهم کرد (Pollack, 2015). این شرایط بستر مناسبی را برای رشد جریان‌های افراطی چون القاعده عراق و بعدها داعش ایجاد کرد. گروه‌هایی که توانستند از شکاف‌های اجتماعی و

سیاسی موجود بیشترین بهره‌برداری را بکنند. پس از سال ۲۰۰۳ میلادی دولت شیعه‌گرایی حمایت‌شده آمریکا با اتخاذ سیاست‌های تبعیض‌آمیز در قبال جمعیت سنی بی‌اعتمادی و نارضایتی گسترده‌ای را برانگیخت. حذف نظام‌مند سنی‌ها از عرصه سیاسی و برخوردهای امنیتی خشن موجب شد که بسیاری از آنان جذب گروه‌های افراطی شوند. تحلیلگران بر این باور هستند که داعش محصول مستقیم این سیاست‌ها بود و برخی مقام‌های آمریکایی نیز بعدها به این خطا اذعان کردند (Hussain, 2016). تروریسم فرقه‌ای در عراق برخلاف تروریسم کلاسیک ماهیتی آشکارا، مذهبی و نمادین یافت. ایدئولوژی تکفیری ابومصعب الزرقاوی (Gerges, 2018) به همراه خلأ امنیتی پس از سقوط صدام (Haddad, 2020) و میراث تبعیض‌آمیز رژیم بعث (Al-Tamimi, 2019) سه ستون اصلی این نوع خشونت را شکل دادند. نتیجه آن بود که اماکن مقدس شیعه و به‌ویژه عتبات عالیات در نجف، کربلا، سامرا و کاظمین به هدف‌های اصلی حملات تبدیل شدند. این انتخاب به‌طور کامل، حساب‌شده بود. از یکسو، باعث ضربه به نمادهای هویت مذهبی شیعیان شد و از سوی دیگر، هراس و بی‌ثباتی سیاسی را در سطح ملی ایجاد کرد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که گروه‌های تروریستی در فاصله سال‌های پس از ۲۰۰۳ میلادی دست‌کم ۷۸ حمله سازمان‌یافته علیه زائران و اماکن مقدس شیعی انجام داده‌اند (Iraq Body Count, 2015). تنها در حملات سال ۲۰۰۷ میلادی به کربلا ۲۶۳ نفر کشته شدند (UNAMI, 2008). برآوردها حاکی از آن است که حدود ۴۵ درصد کل قربانیان غیرنظامی را زائران تشکیل می‌دادند (HRW, 2011). این روند پیامدهای گسترده‌ای بر جامعه عراق گذاشت: کاهش حدود ۴۰ درصدی حضور زائران بین‌المللی (Iraqi Ministry of Tourism, 2007)، شکل‌گیری گردان‌های حفاظتی مردمی برای حمایت از زائران و اماکن مذهبی (Al-Tamimi, 2019) و تقویت گفتمان قربانی‌بودن شیعیان در فضای سیاسی و اجتماعی (Haddad, 2020). شواهد اسنادی نیز نشان می‌دهد که داعش برای حمله به مراسم زیارتی به‌ویژه در ایام اربعین شیوه‌نامه‌های ویژه صادر کرده بود (Warrick, 2015). انتخاب چنین زمان‌هایی که میلیون‌ها زائر در عراق گرد هم می‌آیند، نشان می‌دهد که این حملات فقط عملیاتی نظامی نبود، بلکه واجد ابعاد روانی و نمادشناختی عمیقی بود. هدف اصلی ایجاد رعب گسترده، تضعیف تاب‌آوری اجتماعی و فشار بر دولت مرکزی برای نشان‌دادن ناتوانی در حفظ امنیت بود. در بُعد سلامت امنیت نیز این حملات پیامدهای چشمگیری داشت. فشار بر زیرساخت‌های

درمانی، کمبود خدمات اورژانسی و افزایش بحران‌های روانی در میان زائران و ساکنان مناطق مقدس تصویری از تروریسم به مثابه تهدیدی چندلایه برای امنیت انسانی ترسیم می‌کند. این حملات براساس گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی منجر به افزایش پایدار اختلالات روانی و کاهش دسترسی به خدمات سلامت در مناطق زیارتی شد (WHO, 2015).

به‌طور کلی، تروریسم فرقه‌ای در عراق پس از سال 2003 میلادی تنها به معنای خشونت کور نبود، بخشی از پروژه‌ای سیاسی-ایدئولوژیک برای بازتعریف موازنه قدرت، تضعیف دولت مرکزی و ضربه به انسجام اجتماعی بود. حملات به عتبات عالیات نمادی روشن از این استراتژی بود. جایی که خشونت مذهبی با پیامدهای امنیتی، سیاسی و بهداشتی گره خورد و عراق را وارد چرخه‌ای طولانی از ناامنی و بحران انسانی کرد.

قاچاق انسان پس از حمله آمریکا به عراق و پیامدهای آن بر سلامت و امنیت زیارت

پس از حمله ایالات متحده به عراق در سال 2003 میلادی و فروپاشی ساختارهای حکومتی و امنیتی عراق وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی گسترده شد که نه تنها زمینه‌ساز ظهور گروه‌های تروریستی بود، بستر مناسبی را برای گسترش پدیده قاچاق انسان نیز فراهم کرد. در گزارش‌های بین‌المللی تصریح شده است که برخی پیمانکاران خارجی و بازیگران غیرحکومتی در شرایط پس از اشغال از خلأهای حقوقی و نهادی برای بهره‌کشی و قاچاق انسان استفاده کرده‌اند (U.S. Department of State, 2015). این روند بعدها با تسلط گروه داعش در بخش‌هایی از عراق ابعاد تازه‌ای یافت؛ به گونه‌ای که قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان نه تنها ابزار مالی این گروه‌ها بود، کارکردی روانی و تروریستی برای ایجاد رعب و کنترل اجتماعی نیز داشت (UNODC, 2018).

هرچند قاچاق انسان در زمره جرائم سازمان‌یافته طبقه‌بندی می‌شود، در بستر عراق پس از سال 2003 میلادی می‌توان آن را در پیوند با تروریسم و خشونت ساختاری تحلیل کرد. این پدیده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر «سلامت زیارتی» و «امنیت زیارتی» اثرگذار بوده است. در سطح خرد، قاچاق و تهدید زائران به‌ویژه زنان و کودکان به اضطراب روانی، محدودشدن دسترسی به خدمات بهداشتی و افزایش آسیب‌پذیری فردی انجامید. در سطح میانی، فشار مضاعفی بر شبکه‌های خدمات سلامت و مدیریت بحران در شهرهای زیارتی مانند نجف و کربلا وارد شد و ظرفیت‌های محلی را در پاسخگویی به بحران‌ها تضعیف کرد. در سطح کلان،

قاچاق انسان به عنوان بخشی از ناامنی ساختاری، مشروعیت دولت عراق و توان آن را در حفاظت از حقوق زائران و اماکن مقدس رد و همکاری‌های بین‌المللی را در حوزه امنیت و بهداشت زیارت ضروری کرد. در این چارچوب، قاچاق انسان را باید نه فقط به عنوان یک معضل جنایی، به مثابه تهدیدی چندلایه بر سلامت و امنیت زیارتی تحلیل کرد. این تهدید نشان می‌دهد که مدیریت امنیت زیارت در عراق فقط به مقابله با تروریسم مسلحانه محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم بازنگری در سیاست‌های سلامت عمومی، تقویت سازوکارهای حقوقی-امنیتی و همکاری‌های بین‌المللی برای پیشگیری و مقابله با بهره‌کشی انسانی نیز است.

حملات تروریستی به عتبات عالیات و پیامدهای سلامت و امنیت زیارتی: تحلیلی چندسطحی

پس از سقوط رژیم بعث در عراق شهرهای مقدس شیعیان به ویژه سامرا، کربلا، نجف و مسیرهای پیاده‌روی اربعین به کانون حملات تروریستی و فجایع انسانی تبدیل شد. این حملات نه تنها تهدید مستقیم برای جان زائران بود، پیامدهای گسترده و بلندمدتی بر «سلامت جسمی، روانی و امنیت زیارتی» ایجاد کرد. تحلیل این رخدادها نشان می‌دهد که خشونت سازمان‌یافته بر فضاهای مقدس ابعادی چندسطحی و هم‌پوشان با زیرساخت‌های سلامت، روان و امنیت اجتماعی دارد.

۱- حملات مستقیم به اماکن مقدس

الف) حرم امامین عسکریین (سامرا، ۲۰۰۶): انفجار گنبد طلایی حرم منجر به مرگ نگهبانان و زخمی شدن بسیاری از زائران شد. آسیب‌های جسمی شامل ترومای شدید، پارگی پرده گوش و آسیب ریوی بود. همچنین، این حمله باعث بروز اختلال استرس پس از سانحه و اضطراب شدید در میان بازماندگان و جامعه محلی شد.

ب) حرم امیرالمؤمنین علی (نجف، ۲۰۰۵): حمله انتحاری خودروی بمب‌گذاری شده با کشته شدن ۸۵ نفر فشار بر بیمارستان‌ها و محدود شدن دسترسی به خدمات اورژانسی را تشدید کرد.

۲- بمب‌گذاری‌های زنجیره‌ای بر زائران

الف) کربلا و نجف (2004-2005): انفجارهای عاشورای 2004 با ۱۷۸ کشته و بیش از ۵۰۰ زخمی نخستین نمونه هدف‌گیری سازمان‌یافته زائران شیعه پسادام بود.

ب) مسیرهای اربعین و ظهور داعش (2013-2017): مسیر نجف-کربلا به‌ویژه شهرهای میان‌راه هدف بمب‌های کنار جاده‌ای، حملات انتحاری و خودروهای بمب‌گذاری شده قرار گرفت. حملات مرگبار در مناطق «مسیب» (2014) و «الهنديه» (2016) بیشتر زائران غیرعراقی را هدف گرفتند.

۳- فجایع ناشی از ازدحام و ناامنی ساختاری

الف) پل الائمه، بغداد (2005): ازدحام جمعیت در مراسم مذهبی و شایعات حمله انتحاری موجب کشته‌شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر و زخمی‌شدن صدها نفر شد. این حادثه نمایانگر ضعف مدیریت جمعیت، کمبود هماهنگی امنیتی و آسیب‌پذیری سیستم‌های اورژانسی است.

تحلیل پیامدهای حملات تروریستی بر سلامت و امنیت زیارتی در عتبات عالیات

حملات تروریستی بر عتبات عالیات به‌ویژه در سال‌های 2004 تا 2017 پیامدهای گسترده و چندسطحی بر سلامت جسمی، روانی و امنیت زیارتی داشته است. این حملات شامل بمب‌گذاری‌های انتحاری، خودروهای انفجاری و بمب‌های کنار جاده‌ای بوده که منجر به سوختگی‌های شدید، آسیب‌های ترکش، ضربه مغزی، شکستگی‌های گسترده و قطع عضو شده است. بیشتر مراکز درمانی محلی فاقد تجهیزات تخصصی برای مدیریت این نوع آسیب‌های گسترده بودند و ظرفیت پایین اورژانس‌ها و تأخیر در پاسخ سریع مرگ و میر و شدت آسیب‌ها را تشدید کرده است.

الف) سطح خرد: اثرهای مستقیم بر زائران

در سطح فردی، زائران قربانیان مستقیم انفجارها و ازدحام‌ها بوده‌اند. آسیب‌ها شامل جراحات جسمی پیچیده که نیازمند مداخلات جراحی هم‌زمان ارتوپدی، مغز و اعصاب و ترمیم فک و صورت بوده است. اختلالات روانی بلندمدت مانند اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، افسردگی و اضطراب مزمن که بسیاری از بازماندگان را تحت تأثیر قرار داده است.

محدودیت دسترسی به خدمات درمانی و اورژانسی به‌ویژه در مناطقی که انتقال مصدومان با وسایل شخصی انجام شد و بیمارستان‌ها با کمبود دارو، خون و تجهیزات مواجه بودند.

ب) سطح میانی: فشار بر سیستم‌های درمانی و زیرساخت‌های بهداشتی

حملات تروریستی ظرفیت سیستم‌های درمانی را زیر فشار شدید قرار داده است. اشغال بیمارستان‌ها و مراکز درمانی توسط مجروحان حادثه که موجب تأخیر در ارائه خدمات پزشکی روزمره مانند جراحی‌های غیراضطراری، زایمان و درمان بیماران مزمن شد. ضعف هماهنگی اورژانس‌ها و نبود سیستم فرماندهی واحد در شرایط بحران که مدیریت زخمی‌ها و کاهش تلفات را دشوار کرده است. تشدید بحران‌های بهداشتی محیطی از جمله آلودگی آب و خاک، افزایش بیماری‌های واگیر و سوءتغذیه در جامعه که وضعیت سلامت عمومی را تضعیف کرده است.

ج) سطح کلان: اثرهای امنیتی و سیاست‌گذاری

در سطح کلان، حملات تروریستی نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در سیاست‌ها و چارچوب‌های امنیت زیارت است.

ضرورت توسعه سیاست‌های تاب‌آوری سلامت زیارتی که با امنیت و حقوق بشر هم‌راستا باشد.

برای حفاظت از فضاهاى مقدس و ایجاد چارچوب‌های جامع به‌منظور مدیریت بحران‌های جمعیتی و حملات تروریستی هماهنگی بین‌المللی برقرار شود. زیرساخت‌های پایدار و انعطاف‌پذیر اورژانس طراحی و به زائران آموزش لازم داده شود و سپس تاب‌آوری روانی آنها ارتقای یابد.

د) نمونه‌های بالینی و پیامدهای چندسیستمی

تصاویر بالینی و گزارش‌های میدانی از حملات سامرا نشان می‌دهند که «ترکش‌ها و موج انفجار» موجب آسیب هم‌زمان چندسیستمی می‌شود که نیازمند مداخلات ترکیبی ارتوپدی، جراحی مغز و اعصاب و ترمیم فک و صورت است.

شکستگی‌ها و آسیب‌های اندام فوقانی ناشی از سقوط یا انفجار نیازمند بررسی‌های تکمیلی برای جلوگیری از عوارض طولانی‌مدت و ناتوانی دائمی است.

سلامت روان زائران در مواجهه با حملات تروریستی: شکاف شواهد و الزامات مداخله

با آنکه ادبیات موجود دربارهٔ عتبات عالیات عراق (2017-2003) بیشتر بر امنیت فیزیکی و ظرفیت‌های بیمارستانی متمرکز است، شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد بار اختلال‌های روانی در جمعیت‌های درگیر جنگ و خشونت سازمان‌یافته به‌طور معناداری بالاست و بی‌توجهی به آن کارآمدی پاسخ‌های درمانی را در سطح خرد، میانی و کلان تضعیف می‌کند. مطابق فراتحلیل سازمان جهانی بهداشت شیوع «هر اختلال روانی» (افسردگی، اضطراب، PTSD، اختلال دوقطبی و اسکیزوفرنیا) در جمعیت‌های در معرض جنگ طی ۱۰ سال گذشته حدود ۲۲/۱٪ است و نزدیک به ۹٪ با اختلال‌های متوسط تا شدید زندگی می‌کنند (Charlson et al., 2019, P. 241). این برآوردها که اکنون مبنای راهنمایی‌های رسمی WHO نیز است، نشان می‌دهد حتی در نبود جراحت فیزیکی بار نامرئی ناتوانی روانی می‌تواند مسیر درمان و بازتوانی را به‌طور پایدار مختل کند (WHO, 2019).

در بستر عراق پس‌اصدام پیمایش ملی سلامت روان (IMHS) تصویری مقدماتی از زمینهٔ میزبان ارائه می‌کند؛ از جمله شیوع زیاد اختلال‌های اضطرابی و خلقی، مواجههٔ گسترده با رویدادهای ترومازا و هم‌پوشانی با مشکلات اجتماعی-اقتصادی. این یافته‌ها هرچند پیش از اوج‌گرفتن تروریسم فرقه‌ای و داعش ثبت شده است، به‌خوبی نشان می‌دهد جمعیت میزبان زیارت در شروع دورهٔ مطالعه نیز آسیب‌پذیر بوده است (Alhasnawi et al., 2009, P. 102). بنابراین افزودن شوک‌های تروریستی به محیط‌های پر ازدحام مذهبی (اربعین) محتمل است که بُعد روانی بحران را تشدید کند و «سلامت زیارتی» را به‌مثابهٔ کالبد-روان یکپارچه به چالش بکشد.

از منظر سازوکار چهار مسیر کلیدی سلامت روان زائران را تهدید می‌کند:

۱- تروماهای مستقیم ناشی از انفجار، صحنه‌های مرگ و جراحت و تجربهٔ تهدید قریب‌الوقوع که با الگوهای PTSD، کابوس، اجتناب، بیش‌هوشیاری و نشانه‌های برانگیختگی پایدار بروز می‌کند؛

۲- تروماهای غیرمستقیم و استرس مزمن که شامل شایعات حمله، هشدارهای امنیتی و

نااطمینانی به عزیزان در محیط‌های شلوغ است و به اضطراب فراگیر و اختلال‌های سازگاری می‌انجامد؛

۳- عوارض جمعیتی ازدحام (استمپیدها، بسته‌شدن گلوگاه‌ها، تأخیرهای طولانی، قطع دسترسی به آب/غذا/استراحتگاه) که با درماندگی، پرخاشگری موقعیتی و فرسودگی روانی همراه می‌شود؛

۴- اختلال در خدمات سلامت روان که به‌علت تمرکز منابع بر تروماهای جسمی، امنیت‌محور شدن تصمیم‌ها و گسست ارجاع به مراقبت‌های پیگیری است.

مرورهای نظام‌مند در حوزه بلایا نشان می‌دهد پس از وقایع جمعیتی نشانگان PTSD و افسردگی به‌طور معناداری افزایش می‌یابد و عوامل «ویژۀ رویداد» (شدت تهدید، ازدحام، دسترسی به حمایت) تفاوت‌های شیوع را توضیح می‌دهد (Goldmann & Galea, 2014, P. 509; North & Pfefferbaum, 2013, P. 175).

این الگو در گردهمایی‌های عظیم مذهبی اهمیتی مضاعف می‌یابد. شیوه‌نامه‌های «بهداشت عمومی در گردهمایی‌های انبوه» تأکید می‌کند که مؤلفه سلامت روان باید از مرحله برنامه‌ریزی تا اجرا و بازتوانی (همسنگ کنترل عفونت و تروما) لحاظ شود. وجود نقشه ارجاع روان‌پزشکی/روان‌شناسی، نقاط «کمک‌های اولیه روانی» نزدیک مسیرهای پرتردد، پروتکل‌های ارتباطی برای مقابله با شایعات و وحشت جمعی و تیم‌های سیار برای غربالگری کوتاه مبتنی بر نشانگان (WHO, 2015; WHO EMRO, 2015).

پیشنهاد مداخله‌ای همسو با مدل سه‌سطحی (خرد/میانی/کلان)

سطح خرد (درمانگاه و بیمارستان)

استقرار «ایستگاه‌های کمک‌های اولیه روانی» (PFA) در مجاورت تریاژ جسمی، آموزش مختصر تیم‌های اورژانس و داوطلبان در PFA و شناسایی علائم هشدار خودکشی/سایکوز، استفاده از ابزارهای کوتاه غربالگری و مسیر ارجاع سریع برای موارد متوسط تا شدید، ادغام بسته mhGAP-Humanitarian در اورژانس‌ها برای آغاز درمان مبتنی بر شواهد در افسردگی، اضطراب (WHO, 2011; WHO, 2016).

سطح میانی (شبکه‌های منطقه‌ای)

تشکیل «خوشه سلامت روان و حمایت‌های روانی-اجتماعی» با حضور دانشگاه‌های عراق، هلال احمر، عتبات و NGO ها برای استانداردسازی آموزش، همگام‌سازی پیام‌رسانی بحران، تبادل داده‌های نشانگانی و ارجاع برون‌استانی، پایش پسا رویداد (۴-۶ هفته) برای شناسایی موارد پایدار/پیچیده و جلوگیری از مزمن شدن علائم (IASC, 2007).

سطح کلان (پروتکل‌های ملی-بین‌المللی)

گنجاندن «سلامت روان زیارتی» ذیل چارچوب ملی گردهمایی‌های انبوه، پیش‌بینی فهرست دارویی و نیروی انسانی سلامت روان در بسته‌های آمادگی اربعین، پروتکل ارتباط ریسکی (Risk Communication) برای مهار شایعه و کاهش هراس جمعی و همسوسازی با برآورد بار اختلال‌ها در جمعیت‌های درگیر منازعه (۲۲٪) برای برنامه‌ریزی ظرفیت (Charlson et al., 2019; WHO, 2019).

گروه‌های اولویت‌دار شامل مجروحان با تروماهای چندسیستمی، زنان (به‌ویژه در معرض خشونت مبتنی بر جنسیت)، سالمندان تنها، کودکان و نوجوانان دورمانده از همراه و زائران خارجی با موانع زبانی هستند. برای این گروه‌ها بسته‌های مداخله‌ای کم‌هزینه و مقیاس‌پذیر (PFA)، (جلسات کوتاه CBT گروهی، مداخلات مبتنی بر مواجهه تدریجی و پیگیری تلفنی) اثربخشی و امکان‌پذیری بیشتری در محیط‌های با منابع محدود دارد (WHO, 2016; IASC, 2007).

پایش و شواخص ارزیابی باید از ابتدا طراحی شود: الف) میزان غربالگری انجام‌شده در نقاط خدمات؛ ب) درصد ارجاع مؤثر به سطح بالاتر ظرف ۷۲ ساعت؛ ج) تکمیل دوره درمان کوتاه‌مدت ۴-۶ جلسه؛ د) کاهش میانگین نمره علائم در پیگیری ۴ هفته‌ای؛ هـ) زمان پاسخ تیم‌های PFA در رخدادهای جمعی.

چنین معماری داده‌ای هم با راهنماهای WHO برای گردهمایی‌های انبوه سازگار است و هم به ادغام سلامت روان در «امنیت سلامت در محیط‌های مذهبی» عینیت عملی می‌بخشد. خلاصه آنکه در منطق «امنیت انسانی» سلامت روان زائران نه یک مؤلفه فرعی، بلکه شاخصی برای موفقیت یا شکست کل نظام پاسخگویی است. پذیرش بار واقعی اختلال‌های روانی

(۲۲٪) و طراحی مسیرهای قابل اجرا در سه سطح مداخله، فاصله میان پاسخ فقط امنیتی/جسمی را با «امنیت سلامت زیارتی» پر می‌کند و احتمال پایداری پیامدهای مثبت مداخلات را افزایش می‌دهد.

سلامت زائران در عتبات عالیات

زیارت عتبات به‌ویژه در اربعین یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهان است که بار سنگینی بر سیستم بهداشتی و امنیتی وارد می‌کند (Peyravi et al., 2020). مطالعات نشان داده است که زائران در مسیر نجف کربلا با مشکلات شایعی مانند بیماری‌های گوارشی، عفونت‌های تنفسی و آسیب‌های اسکلتی عضلانی روبه‌رو هستند (Moulaei et al., 2024). در مراسم اربعین 2022 تنها در بیمارستان میدانی احسان بیش از ۱۹,۸۰۰ زائر مراجعه کردند که بیش از نیمی از آنان به دلیل گاستروآنتریت (اسهال و استفراغ) بستری شدند (Shafigh et al., 2023).

همچنین، رخدادهایی چون نشت گاز کلر در یکی از تصفیه‌خانه‌های مسیر نجف کربلا در سال 2025 که منجر به مسمومیت تنفسی بیش از ۶۰۰ زائر شد (Al Jazeera, 2025; IQNA, 2025)، اهمیت توجه به «امنیت زیستی» را نیز یادآور می‌شود.

چهار شهر نجف، کربلا، سامرا و کاظمین را باید اجزای یک ساختار شبکه‌ای دانست که در آن امنیت و سلامت به‌شدت درهم‌تنیده است. آسیب به یک گره از این شبکه (سامرا) کل سیستم زیارتی را متأثر می‌کند. از منظر سیاست‌گذاری، راهبرد یکپارچه‌ای که امنیت فیزیکی، سلامت جسمی و روانی زائران و نیز پایداری اقتصادی را هم‌زمان در نظر بگیرد، ضروری است. اقدام‌هایی همچون ایجاد کریدورهای امنیتی-سلامتی، ایمن‌سازی محیط زیستی در سامرا و هماهنگی بین امنیت و بهداشت در کاظمین و بغداد از جمله گام‌های کلیدی در این مسیر است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حملات تروریستی به عتبات عالیات در عراق به‌ویژه از دوره فروپاشی رژیم بعث تا دوران پس‌اداعش تنها رویدادهایی امنیتی و نظامی نیست، بلکه به‌مثابه فاجعه‌های چندلایه با پیامدهای انسانی، اجتماعی، روانی، درمانی و نمادین درخور بررسی است. پیامدهای این حملات فراتر از آسیب‌های جسمی مستقیم و طیفی گسترده از

اختلالات روانی بلندمدت، فشار بر نظام‌های درمانی و ناتوانی ساختاری را در مدیریت بحران در پی داشته است.

در سطح خرد و فردی، زائران و ساکنان با خطرهای جسمی ناشی از انفجارها و بمب‌گذاری‌ها، آسیب‌های چندسیستمی، اختلالات روانی مانند PTSD و اضطراب مزمن مواجه بوده‌اند. در سطح میانی و سازمانی، حملات تروریستی موجب فشار شدید بر بیمارستان‌ها و اورژانس‌ها شده و ظرفیت پاسخ به بحران را محدود کرده است. پراکندگی منابع، کمبود تجهیزات تخصصی و کمبود سامانه یکپارچه مدیریت بحران از چالش‌های کلیدی این سطح است. در سطح کلان و سیاستی، این حملات ضرورت بازنگری در چارچوب‌های امنیت زیارت و هماهنگی بین‌المللی را برای حفاظت از فضاهای مقدس و ارتقای تاب‌آوری ساختاری نظام سلامت برجسته می‌کند. منابع گزارش می‌دهد که پیامدهای چندسیستمی حملات تروریستی شامل ترکیب آسیب‌های جسمی، فشار روانی، فلج زیرساخت‌های درمانی و محدودیت در خدمات عمومی است. این وضعیت به وضوح نشان می‌دهد که مواجهه با تروریسم زیارتی نیازمند رویکردی چندبُعدی و هم‌راستا با اصول حقوق بشر، حکمرانی سلامت و مدیریت بحران است؛ حتی مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی هرچند در برخی مقاطع توانسته است خلأهای امدادی را کاهش دهد، به دلیل کمبود انسجام نهادی، محدودیت‌های امنیتی و فرهنگی و نبود چارچوب همکاری بلندمدت در دستیابی به پاسخ‌دهی جامع ناکافی بوده است.

از منظر علمی و سیاست‌گذاری، این یافته‌ها نشان می‌دهد که حملات تروریستی به عتبات عالیات نه تنها خسارت فوری ایجاد می‌کند، آزمونی جدی برای ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای در زمینه تاب‌آوری اجتماعی، عدالت درمانی و حکمرانی سلامت در شرایط بحران است. طراحی سیاست‌های سلامت زیارتی و امنیت زیارت باید مبتنی بر تحلیل چندسطحی و شامل اقدام‌های زیر باشد:

۱- تقویت زیرساخت‌های درمانی و اورژانسی با تمرکز بر تجهیزات تخصصی، داروها و نیروی انسانی آموزش‌دیده؛

۲- آموزش روانی و آماده‌سازی زائران برای مدیریت بحران، کاهش اضطراب و ارتقای تاب‌آوری فردی و جمعی؛

۳- توسعه چارچوب‌های امنیتی و حقوقی بین‌المللی برای حمایت از زائران و حفاظت از فضاهای مقدس.

به طور خلاصه، مواجهه با تروریسم زیارتی باید یک رویکرد سیستمی و چندسطحی داشته باشد که پیامدهای انسانی، اجتماعی و نهادی را به صورت همزمان تحلیل و مدیریت کند. این پژوهش با ارائه شواهد میدانی و تحلیلی مسیر مناسبی را برای پژوهش‌های آینده در حوزه امنیت زیارت، روان‌شناسی تروما و سیاست‌گذاری سلامت در شرایط بحران فراهم می‌آورد و ضرورت یک بازنگری استراتژیک را در نظام‌های سلامت و امنیت زیارت به طور واضح برجسته می‌کند.

منابع

- تبرائیان، صفالدین (۱۳۹۱). *انتفاضة شعبانیه*. تهران: مؤسسه فرهنگی و مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عمادزاده، حسین [بی‌تا]. *تاریخ جغرافیای کربلای معلی*. بی‌جا.
- مراد، نادیا و کراجسکی، جنا (۱۳۹۷). *آخرین دختر* (مترجم شکیرا چوپانی). تهران: کوله پشتی.
- مقدس، احسان (۱۳۸۸). *راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی عراق*. معشر.

References

- Al-Hamawi, Y., & Ibn, A. (1995). *Mujam al-buldan* (F. Sezgin, Ed.). Frankfurt: Institute for the history of Arabic-Islamic science.
- Alhasnawi, S., Sadik, S., Rasheed, M., Baban, A., Al-Alak, M. M., Othman, A. Y., & Kessler, R. C. (2009). The Iraq mental health survey (IMHS): Findings overview. *World Psychiatry*, 8(2), 97–109. <https://doi.org/10.1002/j.2051-5545.2009.tb00220.x>
- Al-Hussaini al-Shahristani, A. A. (1966). *Al-Imam al-Husayn wa Ahl Baytihi*. Najaf: Matba'at al-Adab.
- Allawi, A. A. (2007). *The occupation of Iraq: Winning the war losing the peace*. New Haven, CT: Yale university press.
- Alnasrawi, A. (1994). The economy of Iraq: Oil wars destruction of development and prospects 1950–2010. *Arab Studies Quarterly*, 16(4), 1–14.
- Al-Tamimi, N. (2019). *The popular mobilization forces and Iraq's state-building*. London: Routledge.
- Al-Tamimi, N. (2020). The evolution of Iraq's popular mobilization forces. *Middle East Journal*, 74(2), 189–208.
- Bunzel, C. (2015). *From paper state to caliphate: The ideology of the Islamic State*. Washington, DC: Brookings institution.
- Charlson, F., Van Ommeren, M., Flaxman, A., Cornett, J., Whiteford, H., & Saxena, S.

- (2019). New WHO prevalence estimates of mental disorders in conflict settings: A systematic review and meta-analysis. *The Lancet*, 394(10194), 240–248. <https://doi.org/10.1016/S0140-6736%2819%2930934-1>
- Combating Terrorism Center at West Point. (2016). ISIS documents on targeting Shia Muslims. *CTC Sentinel*, 9(3), 1–15.
 - Cordesman, A. H. (2003). *The Iraq war: Strategy tactics and military lessons*. Washington, DC: CSIS.
 - Dodge, T. (2012). *Iraq: From war to a new authoritarianism*. London: Routledge.
 - Fishman, B. (2008). Using the mistakes of al-Qaeda's franchises to undermine its strategies. *Annals Of The American Academy Of Political And Social Science*, 618(1), 46–54.
 - Freedman, L., & Karsh, E. (1993). *The Gulf conflict 1990–1991: Diplomacy and war in the new world order*. Princeton university press.
 - Gerges, F. A. (2018). *ISIS: A history*. Princeton university press.
 - Goldmann, E., & Galea, S. (2014). Mental health consequences of disasters. *Annual Review Of Public Health*, 35, 169–183. <https://doi.org/10.1146/annurev-publhealth-032013-182435>
 - Haddad, F. (2011). *Sectarianism in Iraq: Antagonistic visions of unity*. New York: Columbia university press.
 - Haddad, F. (2019). The language of sectarianism in Iraq. *International Journal Of Middle East Studies*, 51(2), 219–235.
 - Haddad, F. (2020). *Sectarianism in Iraq: Antagonistic visions of unity* (2nd ed.). Oxford university press.
 - Hassner, R. E. (2009). *War on sacred grounds*. Cornell university press.
 - Hiro, D. (1991). *The longest war: The Iran–Iraq military conflict*. Routledge.
 - Hoffman, B. (2006). *Inside terrorism* (Revised ed.). Columbia university press.
 - Human Rights Watch. (2011). *At a crossroads: Human rights in Iraq eight years after the US-led invasion* (Report No. E1111).
 - Hussain, D. (2016). ISIS: The unintended consequences of the U.S. war on Iraq. *Foreign Policy Journal*.
 - Inter-Agency Standing Committee (IASC). (2007). *IASC guidelines on mental health and psychosocial support in emergency settings*. Geneva: IASC.
 - Iraq Body Count. (2015). *Documented civilian deaths from violence in Iraq: 2003–2015*.
 - Iraqi Ministry of Tourism and Antiquities. (2007). *Annual statistical report on religious tourism 2006–2007*.
 - Jabar, F. A. (2003). *The Shi'ite movement in Iraq*. London: Saqi Books.
 - Jervis, R. (2005). Why the bush doctrine cannot be sustained. *Political Science Quarterly*, 120(3), 351–377.
 - Karsh, E. (2002). *The Iran–Iraq war: 1980–1988*. Osprey publishing.
 - Marr, P. (2004). *The modern history of Iraq*. Westview press.
 - Marr, P. (2012). *The modern history of Iraq* (4th ed.). Westview press.

- Nasr, V. R. (2006). *The Shia revival: How conflicts within Islam will shape the future*. W. Norton & Company.
- North, C. S., & Pfefferbaum, B. (2013). Mental health response to community disasters: A systematic review. *JAMA*, 310(5), 507–518. <https://doi.org/10.1001/jama.2013.107799>
- Packer, G. (2005). *The assassins' gate: America in Iraq*. Farrar: Straus and Giroux.
- Pape, R. A. (2005). *Dying to win: The strategic logic of suicide terrorism*. Random House.
- Pollack, K. (2015). *U.S. policy toward a turbulent Middle East*. Brookings institution press.
- Ricks, T. E. (2006). *Fiasco: The american military adventure in Iraq*. Penguin press.
- Roman, E. S. (2010). De-Baathification in Iraq: An interim assessment. *Middle East Journal*, 64(3), 361–381.
- Schmid, A. P. (2011). *The definition of terrorism*. In the routledge handbook of terrorism research.
- Tripp, C. (2007). *A history of Iraq* (3rd ed.). Cambridge university press.
- United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI). (2008). *Human rights report: 1 January–30 June 2008*.
- Victoroff, J. (2005). The mind of terrorism. *Journal Of Conflict Resolution*, 49(1), 3–42.
- Walt, S. M. (2005). Taming american power. *Foreign Affairs*, 84(5), 105–120.
- WHO Iraq Health Assessment. (2006).
- World Health Organization. (2011). *Psychological first aid: Guide for field workers*. Geneva: WHO. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/44615>
- World Health Organization. (2015). *Public health for mass gatherings: Key considerations*. Geneva: WHO. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/162109>
- World Health Organization. (2016). *mhGAP humanitarian intervention guide (mhGAP-HIG): Clinical management of mental neurological and substance use conditions in humanitarian emergencies*. Geneva: WHO. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/250239>
- Yaphe, J. S. (1990). Iraq: The economic sanctions and the war. *Middle East Journal*, 44(1), 51–63.

نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات در عصر انقلاب اسلامی

نادعلی ذکاوت‌مندا^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام شده است. بازسازی این اماکن مقدس از مهم‌ترین اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی مذهبی، فرهنگی و اجتماعی و نماد همبستگی شیعیان در منطقه است. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی و منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ایرانیان در چهار محور اصلی در بازسازی عتبات عالیات مشارکت داشته‌اند: تأمین مالی و پشتیبانی‌های مردمی، اعزام نیروهای متخصص (معماران و مهندسان)، توسعه زیرساخت‌های رفاهی و اقدام‌های فرهنگی-اجتماعی. از مهم‌ترین پروژه‌های اجرا شده می‌توان به ساخت و توسعه صحن حضرت زهرا (س) در نجف، صحن عقيله بنی هاشم زینب (س) در کربلا، بازسازی مرقده امامین عسکریین (ع) در سامرا و توسعه صحن کاظمیه در کاظمین اشاره کرد که هریک علاوه بر جنبه عمرانی ابعاد فرهنگی، هنری و مذهبی دارد. این اقدام‌ها نه تنها موجب حفظ و احیای میراث اسلامی-ایرانی شده، در افزایش امنیت زائران، مقابله با جریان‌های افراطی و تحکیم روابط فرهنگی ایران و عراق تأثیرگذار بوده است. نتایج نشان داد که بازسازی عتبات عالیات پس از انقلاب اسلامی فقط یک اقدام عمرانی نیست، بلکه حرکتی راهبردی در تقویت هویت شیعی، توسعه روابط دیپلماتیک، گسترش گردشگری مذهبی و تعمیق پیوندهای ملت‌های دو کشور است.

کلمات کلیدی: بازسازی عتبات عالیات، نقش ایرانیان، انقلاب اسلامی، هویت شیعی،

دیپلماسی مذهبی

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر

Zekavat1347@gmail.com

نصف‌آباد، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

The Role of Iranians in the Reconstruction of the Holy Shrines during the Islamic Revolution Era

Nad Ali Zakaavatmand¹

Abstract

This study aims to examine the role of Iranians in the reconstruction of the holy shrines (Atabat-e-Aliyat) after the victory of the Islamic Revolution. The restoration of these sacred sites is regarded as one of the most significant initiatives of the Islamic Republic of Iran in the spheres of religious, cultural, and social diplomacy, and serves as a symbol of Shiite solidarity in the region. The research adopts a qualitative method, relying on document analysis and library resources. Findings indicate that Iranians have contributed to the reconstruction of the holy shrines in four key areas: financial support through public donations, deployment of specialized personnel (architects and engineers), development of welfare infrastructure, and cultural-social initiatives. Among the most notable projects are the construction and expansion of the Sahn of Lady Fatimah al-Zahra (peace be upon her) in Najaf, the Sahn Aqilat Bani Hashim Zaynab (peace be upon her) in Karbala, the restoration of the shrine of the two Imams al-Askariyyin (peace be upon them) in Samarra, and the development of the Sahn Kazimiyyah in Kadhimayn—each of which, beyond its architectural aspects, holds significant cultural, artistic, and religious dimensions. These efforts have not only preserved and revitalized the Islamic-Iranian heritage but have also enhanced pilgrim

1. The Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Law and Islamic Studies, Theology, Islamic Azad University, Najafabad, Iran E-mail: Zekavat1347@gmail.com

security, countered extremist movements, and strengthened cultural relations between Iran and Iraq. The study concludes that the post-revolution reconstruction of the holy shrines is not merely an infrastructural undertaking but a strategic move to reinforce Shiite identity, expand diplomatic relations, promote religious tourism, and deepen the bonds between the peoples of the two nations.

Keywords: Reconstruction of the Holy Shrines, Role of Iranians, Islamic Revolution, Shiite Identity, Religious Diplomacy, Iran–Iraq Cooperation

مقدمه

عتبات عالیات شامل حرم‌های مطهر امام‌علی (ع) در نجف، امام‌حسین (ع) در کربلا، امام موسی‌کاظم (ع)، امام محمدتقی (ع) در کاظمین و امام حسن عسکری (ع) در سامراست که همواره کانون هویت دینی و مذهبی شیعیان و پیوند عمیق فرهنگی میان ایران و عراق بوده است (کسروی، ۱۳۱۹: ۷۵). از دیرباز این اماکن مقدس نه تنها جایگاه عبادت و زیارت، نماد اقتدار معنوی و همبستگی مسلمانان بوده است. نویسندگان و مورخان قدیمی مانند ابن بطوطه در *رحله ابن بطوطه* (۷۲۶ ق) و نیز ابن فقیه همدانی در *مختصر البلدان* (قرن سوم هجری) به شکوه و اهمیت این اماکن در تحکیم هویت اسلامی اشاره کرده‌اند (ابن فقیه، ۱۴۰۳ ق: ۱۸۹؛ ابن بطوطه، ۱۳۸۴: ۷۲).

در عصر صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶ م) با رسمی‌شدن مذهب شیعه در ایران توجه به بازسازی و توسعه عتبات عالیات به اوج رسید. منابع تاریخی مانند *تاریخ عالم‌آرای عباسی* (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۰۳۸ ق: ۴۱۲) نشان می‌دهد که شاه‌عباس اول معماران و استادکاران ایرانی را به کربلا و نجف فرستاد و بودجه‌های کلانی را برای بازسازی و طلاکاری گنبدها تخصیص داد. به‌ویژه در سفرنامه‌های اروپاییان مانند «ژان شاردن» به مهارت هنرمندان ایرانی در تزیین اماکن مقدس اشاره شده است (شاردن، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۶۵).

این رویکرد در دوره قاجاریه ادامه یافت. ناصرالدین‌شاه در سفرنامه‌اش به عتبات که نسخه خطی و چاپ سنگی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان موجود است (شماره بازیابی: ۲۳۴۵ / ق)، به تفصیل به توسعه صحن‌ها و گنبدهای حرم‌ها و گسترش امکانات رفاهی برای زائران اشاره کرده است. او در این سفرنامه شرح می‌دهد که چگونه بودجه‌هایی برای مرمت گنبد حرم امام‌حسین (ع) و توسعه صحن حضرت عباس (ع) اختصاص یافته است و گروهی از معماران و هنرمندان ایرانی به کربلا اعزام شده‌اند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۲۸۷: ۵۴-۵۷). این گزارش‌ها با روایت کسروی (کسروی، ۱۳۱۹: ۷۵) درباره نقش دولت قاجار در بازسازی و زیباسازی اماکن مقدس هم‌خوانی دارد. عبدالله بن حسین شوشتری در کتاب *تحفة الزائرین* (۱۲۵۱ ق) نیز شرح دقیقی از توسعه صحن‌ها و افزایش زائران ایرانی ارائه می‌دهد (شوشتری، ۱۲۵۱: ۲۳).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در سیاست فرهنگی و مذهبی

جمهوری اسلامی ایران به این اماکن شد. عتبات عالیات به عنوان نماد وحدت شیعیان بار دیگر در مرکز توجه دولت و ملت ایران قرار گرفت. حمایت‌های مالی و فنی ستاد بازسازی عتبات عالیات، اعزام متخصصان ایرانی برای مرمت و توسعه اماکن مقدس و تلاش برای بهبود زیرساخت‌های رفاهی و امنیتی زائران بازتابی از این نگاه راهبردی بود (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰).

اهمیت این موضوع در شرایط معاصر به‌ویژه پس از حملات گروه‌های تکفیری مانند داعش که با تخریب حرم امامین عسکریین (ع) در سامرا همراه بود، دوچندان شد (اباذری، ۱۳۹۸). شهید حاج قاسم سلیمانی در بیانات خود بازسازی عتبات را یک اقدام فرهنگی-امنیتی و نشانه دفاع از هویت شیعی توصیف می‌کرد (ریحانی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

این اقدام‌های ایران در بازسازی عتبات از دیدگاه دیپلماسی مذهبی به عنوان ابزاری نرم برای تحکیم روابط فرهنگی-سیاسی ایران و عراق عمل کرده است (دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶). به گفته لانگریک این اماکن همواره در شکل‌گیری قدرت‌های مذهبی در منطقه نقشی حیاتی داشته است و امروز نیز به عنوان نمادی از نفوذ فرهنگی ایران در جهان تشیع شناخته می‌شود. با توجه به این اهمیت تاریخی و معاصر در پژوهش حاضر پرسش اصلی زیر بررسی می‌شود: «ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات پس از انقلاب اسلامی چه نقشی ایفا کرده‌اند و ابعاد مختلف این نقش چیست؟»

روش پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر تحلیل اسناد تاریخی و کتابخانه‌ای است؛ مانند متون قدیمی مانند *تحفة الزائرین و تاریخ عالم‌آرا* گرفته تا گزارش‌های جدید ستاد بازسازی و مقاله‌های علمی-پژوهشی (کریمی، ۱۳۹۴؛ ریحانی، ۱۳۹۵). هدف از این پژوهش ارائه تصویری جامع و علمی از مشارکت ایرانیان در بازسازی این اماکن مقدس و بررسی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی آنهاست.

پیشینه پژوهش

دوره‌های تاریخی: از صفویه تا قاجاریه

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که توجه ایرانیان به بازسازی و توسعه عتبات عالیات ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد. در دوره صفویه با رسمی‌شدن مذهب تشیع شاهان صفوی اهتمام

ویژه‌ای به عمران و آبادانی اماکن مقدس شیعیان در عراق داشتند. شاه اسماعیل اول، بنیان‌گذار سلسله صفوی، پس از فتح بغداد در سال ۹۱۴ قمری حرم‌های مطهر را در کربلا و نجف زیارت و دستور بازسازی و توسعه این اماکن را صادر کرد. او هنرمندان و معماران برجسته‌ای را برای ساخت صندوق‌های منقش و تزیین حرم‌ها به کار گماشت.

شاه عباس اول نیز در ادامه این مسیر ضریح مسی بر قبر مطهر ساخت و گنبد حرم را از داخل و خارج با کاشی‌های زیبا و طلاکاری نوسازی کرد. این اقدام‌ها نه تنها جنبه مذهبی داشت، به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به حکومت صفوی و رقابت با دولت عثمانی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

این روند در دوره قاجاریه ادامه یافت. فتح‌علی شاه قاجار در سال‌های ۱۲۲۷ و ۱۲۵۰ قمری بنای فرسوده حرم امام حسین (ع) را نوسازی و پوشش طلای گنبد آن را بازسازی کرد. همچنین، او ضریح نقره‌ای جدیدی را برای قبر مطهر ساخت و داخل ایوان گنبد را طلاکاری کرد. ناصرالدین شاه قاجار نیز در سفرنامه‌های خود به بازسازی گنبد حرم امام حسین (ع) و اختصاص کمک‌های مالی به صحن و گنبد حرم حضرت عباس (ع) اشاره دارد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۲۸۷ ق: ۵۴ - ۵۷).

در دوره پهلوی و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اگرچه حمایت‌های رسمی دولت نسبت به گذشته کاهش یافته بود، کمک‌های مردمی و نذرها همچنان نقش مهمی در مرمت و نگهداری این اماکن داشت. برخی خیرین و علما به‌ویژه مراجع تقلید نجف و قم با اعزام نمایندگان خود به عراق بخشی از پروژه‌های مرمتی مانند تعمیر گلدسته‌های حرم امام علی (ع) و بازسازی برخی رواق‌های حرم امام حسین (ع) را پشتیبانی می‌کردند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۸۷؛ ستاد بازسازی عتبات، ۱۴۰۰).

دوران معاصر: پس از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ توجه به بازسازی عتبات عالیات به عنوان راهبردی در سیاست فرهنگی و مذهبی جمهوری اسلامی ایران بیشتر شد. ستاد بازسازی عتبات عالیات با همکاری مهندسان و معماران ایرانی پروژه‌های متعددی را در زمینه بازسازی و توسعه حرم‌های مطهر اجرا کرده است.

پژوهش‌های متعددی این مشارکت را بررسی کرده‌اند.

کریمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «میراث هنر و معماری ایرانی در عراق» به مشارکت معماران و هنرمندان ایرانی در کاشی‌کاری و طراحی گنبدها و صحن‌ها پرداخته است. ریحانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تداوم افکار وهابیت در داعش و حمله به عتبات عالیات» به جنبه‌های امنیتی این بازسازی‌ها در مقابله با جریان‌های تکفیری مانند داعش می‌پردازد.

اباذری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی و نقش او در بازسازی عتبات نقش سلیمانی را فراتر از یک پروژۀ عمرانی و در چارچوب دیپلماسی مذهبی تبیین می‌کند.

فاصله مطالعات موجود و ضرورت پژوهش حاضر

هرچند محققان در پژوهش‌های گذشته ابعاد تاریخی، معماری و امنیتی بازسازی عتبات عالیات را پوشش داده‌اند، کمتر به تحلیل جامع نقش ایرانیان در بازسازی پس از انقلاب اسلامی از ابعاد فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک پرداخته‌اند. دبیری‌نژاد (۱۳۹۶) به اهمیت این موضوع اشاره کرده است و بر لزوم بررسی جامع‌تر تأکید دارد.

محقق در پژوهش حاضر در پی آن است که با مرور این پیشینه و تحلیل انتقادی منابع سهم جمهوری اسلامی ایران را در بازسازی عتبات به‌طور جامع و مستند بررسی کند. همچنین، می‌کوشد تا با بهره‌گیری از منابع دست اول و قدیمی تصویری دقیق از مشارکت ایرانیان را در این حوزه ارائه دهد.

در پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات در دوران پس از انقلاب اسلامی از رویکرد کیفی و روش تحقیق تاریخی-اسنادی استفاده شده است. این روش امکان واکاوی ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این مشارکت را در طول زمان فراهم می‌کند و مبتنی بر تحلیل محتوایی منابع دست اول و دوم است (گلپور، ۱۳۹۹: ۸۵).

نوع و رویکرد پژوهش

این پژوهش یک پژوهش کیفی با رویکرد تاریخی-تحلیلی است که محقق در آن تلاش می‌کند ضمن تبیین سیر تاریخی بازسازی عتبات عالیات ابعاد و پیامدهای این روند را از منظرهای مختلف بررسی کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۳). این رویکرد در پژوهش‌های تاریخی

معاصر برای شناخت تحولات اجتماعی-سیاسی و مذهبی رایج است.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

- اطلاعات این پژوهش با مطالعه و تحلیل منابع مکتوب گردآوری شده است؛ مانند:
- ۱- متون تاریخی و سفرنامه‌های دوره صفویه و قاجاریه («تاریخ مشروطه ایران»، کسروی، ۱۳۱۹؛ «تنبيه الامه»، غروی نائینی، ۱۳۲۷ ق)؛
 - ۲- گزارش‌های رسمی نهادهای ایرانی مانند «ستاد بازسازی عتبات عالیات» (۱۴۰۰)؛
 - ۳- مقاله‌های علمی-پژوهشی معتبر در مجله‌های علمی داخلی (ریحانی، ۱۳۹۵؛ کریمی، ۱۳۹۴)؛
 - ۴- کتاب‌های دانشگاهی و مقاله‌های تخصصی درباره دیپلماسی مذهبی و امنیت زیارتگاه‌ها (دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶).

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش شامل کلیه متون و اسناد معتبر مرتبط با موضوع است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند منابعی انتخاب شد که بیشترین ارتباط را با نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات داشته و از منظر اعتبار علمی و تاریخی غنی باشد (صمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. این روش پژوهشگر را قادر می‌کند مضامین اصلی (ابعاد اقتصادی، امنیتی، دیپلماتیک و مذهبی) را از دل متون استخراج و دسته‌بندی کند (فرهادی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). سپس یافته‌ها از طریق بهره‌گیری از روش تحلیل تطبیقی با پژوهش‌های پیشین مقایسه و نقاط قوت یا تفاوت‌های آنها شناسایی شد (گلپرو، ۱۳۹۹).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات پس از

انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف و در چارچوب‌های روابط فرهنگی، مذهبی، امنیتی و اقتصادی به صورت یکپارچه تجلی یافته است. این یافته‌ها با تحلیل اسناد تاریخی، گزارش‌های نهادهای رسمی و مقاله‌های علمی به دست آمده است و در چهار محور اساسی می‌توان دسته‌بندی کرد.

تأمین منابع مالی و پشتیبانی‌های مردمی

بازسازی عتبات عالیات به طور گسترده با اتکا به نذرهای مردمی و کمک‌های خیرین ایرانی انجام شده است. منابع تاریخی (ستاد بازسازی عتبات عالیات، ۱۴۰۰) تأکید دارند که حدود ۷۰ درصد هزینه‌های پروژه‌های بازسازی با کمک‌های مردمی و نهادهای مذهبی تأمین می‌شود. نقش نهادهایی مانند آستان قدس رضوی، سازمان اوقاف و امور خیریه و ستاد بازسازی عتبات عالیات در سازماندهی و هدایت این کمک‌ها بسیار مهم بوده است (کریمی، ۱۳۹۴: ۹۸).

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که سنت «وقف» و «نذر» در فرهنگ ایرانی از دوره صفویه تاکنون نقش مهمی در تأمین مالی این اماکن داشته و امروزه با استفاده از روش‌های نوین (وقف دیجیتال) ادامه یافته است (قدیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

اعزام نیروهای متخصص ایرانی

یکی از مهم‌ترین ابعاد مشارکت ایرانیان حضور گسترده معماران، مهندسان و هنرمندان ایرانی در بازسازی و مرمت اماکن مقدس است؛ برای مثال، بازسازی گنبد حرم امام علی (ع) و حرم امام حسین (ع) با استفاده از هنرهای سنتی کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری و تذهیب به دست استادکاران ایرانی انجام شده است (کریمی، ۱۳۹۴).

پس از اینکه داعش (۲۰۰۶) حرم امامین عسکریین (ع) در سامرا را تخریب کرد معماران و متخصصان ایرانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن بازسازی این حرم را آغاز کردند (ستاد بازسازی عتبات، ۱۴۰۰).

این اقدام‌ها ضمن حفظ هویت معماری اسلامی-ایرانی به نماد همبستگی فرهنگی ایران و عراق تبدیل شد (دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

توسعه زیرساخت‌های رفاهی و امنیتی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران با هدف حمایت از زائران و توسعه گردشگری مذهبی در پروژه‌های زیربنایی متعددی مشارکت کرده است؛ مانند

۱- ساخت و تجهیز زائرسراها و هتل‌ها برای اسکان زائران ایرانی و خارجی (ریحانی، ۱۳۹۵: ۱۳۰)؛

۲- بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل مانند جاده‌های مواصلاتی و سامانه‌های بهداشتی در اطراف عتبات (دادفر، ۱۳۹۸: ۱۰۹)؛

۳- ایجاد سامانه‌های حفاظتی و امنیتی در حرم‌ها به‌ویژه پس از حملات تروریستی داعش (اباذری، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

ابعاد فرهنگی، دیپلماتیک و امنیتی مشارکت ایرانیان

یافته‌ها نشان می‌دهد بازسازی عتبات عالیات تنها یک اقدام عمرانی نیست، بلکه بخشی از دیپلماسی مذهبی ایران است. به گفته شهید حاج قاسم سلیمانی این بازسازی‌ها موجب تقویت هویت شیعی، مقابله با جریان‌های تکفیری و ارتقای همکاری‌های ایران و عراق شده است (اباذری، ۱۳۹۸).

همچنین، گزارش‌های ستاد بازسازی عتبات (۱۴۰۰) و تحلیل‌های لانگریک (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که این بازسازی‌ها تأثیر بسزایی در تحکیم روابط ایران و عراق داشته و به‌عنوان نمادی از وحدت شیعیان و تقویت جایگاه ایران در جهان اسلام مطرح شده است.

در این بخش یافته‌های پژوهش درباره نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات پس از انقلاب اسلامی تبیین و تحلیل می‌شود. این نقش نه تنها در حوزه‌های مالی و عمرانی، در ابعاد فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی نیز درخور بررسی است. پیشینه تاریخی همکاری‌های مذهبی ایران و عراق به‌ویژه از دوره صفویه تاکنون زمینه‌ساز این مشارکت گسترده بوده است.

استمرار سنت‌های دینی و فرهنگی

سنت‌های دینی و فرهنگی همچون «وقف» و «نذر» از دیرباز در فرهنگ ایرانیان جایگاه ویژه‌ای و نقش مهمی نیز در حمایت از اماکن مقدس داشته است. در دوره صفویه با

رسمی شدن مذهب تشیع این سنت‌ها به‌طور چشمگیری گسترش یافت. شاهان صفوی به‌ویژه شاه اسماعیل اول و شاه‌عباس اول با تأکید بر پیوند خود با ائمه اطهار (ع) اقدام‌های عمرانی گسترده‌ای را در عتبات عالیات انجام دادند؛ برای نمونه، شاه اسماعیل اول در سال ۹۱۴ قمری/۱۵۰۸ میلادی پس از زیارت مرقد امام‌علی (ع) در نجف دستور حفر نهری از فرات به نجف را صادر کرد تا آب‌رسانی به این شهر مقدس بهبود یابد. این پروژه با هزینه‌ای بالغ بر دو هزار تومان و با نظارت قاضی جهان، معمار برجسته آن زمان، اجرا شد.

در دوره قاجاریه نیز ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۷۶ قمری دستور داد تا گنبد حرم امام حسین (ع) با طلاهای جدید پوشانده شود. اجرای این کار به شیخ عبدالحسین طهرانی واگذار و طلاهای قدیمی به آستان کاظمین منتقل شد.

سنت «وقف» نیز در دوره صفویه به اوج خود رسید. براساس منابع تاریخی، سفرنامه‌ها و اسناد دوره صفویه می‌توان استدلال کرد که پربرترین دوره وقف پس از اسلام در همین سده رقم خورده و موقوفات توسعه خوبی یافته است؛ حتی پادشاهان صفویه نیز املاک خود را وقف می‌کردند. موارد زیادی از این دست را در مشهد و قم وقف کردند. در زمان شاه‌عباس اول بیش از هر زمان دیگری به املاک موقوف اضافه شد. وقف در دوره قاجار به‌عنوان یکی از عوامل مهم توسعه نظام اجتماعی و فرهنگی ایران شناخته شد. در این دوره بیشترین نوع مصارف عواید موقوفات، مذهبی بود و بیش از ۷۰ درصد وقف‌نامه‌ها برای عزاداری مذهبی به‌خصوص سیدالشهداء (ع) اختصاص یافته بود.

این سنت‌ها در دوران معاصر در قالب نهادهای مدرن مانند ستاد بازسازی عتبات عالیات ادامه یافته است. این نهاد با بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی و نذرهای پروژه‌های عمرانی و فرهنگی متعددی را در عتبات عالیات اجرا کرده است؛ برای نمونه، ستاد بازسازی عتبات عالیات در سال ۱۴۰۰ اعلام کرد که حدود ۷۰ درصد هزینه‌های پروژه‌های بازسازی با کمک‌های مردمی و نهادهای مذهبی تأمین می‌شود.

درمجموع، استمرار سنت‌های دینی و فرهنگی مانند وقف و نذر از دوره صفویه تاکنون نقش مهمی در حمایت و توسعه عتبات عالیات داشته است. این سنت‌ها با تطبیق شرایط زمان همچنان به‌عنوان ابزارهایی مؤثر در حفظ و گسترش فرهنگ و هویت شیعی در منطقه عمل می‌کند.

نقش بازسازی عتبات در دیپلماسی مذهبی ایران

بازسازی عتبات عالیات به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان یک راهبرد مهم در دیپلماسی مذهبی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. پژوهشگران معاصر مانند اباذری (۱۳۹۸) و دبیری‌نژاد (۱۳۹۶) این بازسازی‌ها را فراتر از فعالیت‌های عمرانی و مذهبی دانسته‌اند و آن را ابزاری برای نفوذ نرم فرهنگی و ارتباطات دیپلماتیک معرفی کرده‌اند.

سنت حمایت و عمران اماکن مقدس از منظر تاریخی سابقه‌ای طولانی دارد و پیش از صفویه نیز وجود داشته است. به‌ویژه در دوره آل‌بویه (قرن چهارم هجری) که حاکمان شیعه‌مذهب ایرانی بر بخش‌های وسیعی از عراق و ایران حکومت می‌کردند، اقدام‌های گسترده‌ای برای بازسازی و توسعه حرم‌های اهل‌بیت (ع) صورت گرفت. عضدالدوله دیلمی به‌عنوان برجسته‌ترین حاکم آل‌بویه دستور داد حرم امیرالمؤمنین (ع) در نجف و حرم امام حسین (ع) در کربلا مرمت و تزیین شود، دیوارها و گنبد‌ها بازسازی شود، ضریح‌ها تعمیر شود و امکانات رفاهی برای زائران ایجاد شود. این اقدام‌ها به روایت مسعودی (۱۴۲۵ ق، ج ۴، ۱۰۹) نقطه عطفی در تاریخ عمران عتبات عالیات بود. ابن اثیر نیز در *الکامل فی التاریخ* (۱۴۱۷ ق، ج ۸: ۵۴۷) به تفصیل از بازسازی‌های گسترده عضدالدوله در نجف و کربلا و وقف املاک برای تأمین مخارج نگهداری این اماکن یاد می‌کند. همچنین، یاقوت حموی در *معجم البلدان* (۱۹۹۵ م، ج ۴: ۵۶۴) اشاره می‌کند که ایرانیان در این دوره علاوه بر بازسازی امنیت مسیرهای زیارتی را نیز تأمین می‌کردند و این امر باعث افزایش چشمگیر زائران شد.

در دوره صفویه شاه‌عباس اول صفوی ضمن ارسال کمک‌های مالی به عتبات معماران ایرانی را برای بازسازی حرم‌های مقدس اعزام کرد. به روایت ژان شاردن این اقدام‌ها باعث تحکیم نفوذ ایران در سرزمین‌های شیعه‌نشین عراق شد (شاردن، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۶۵). در دوره قاجاریه نیز سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه (به نقل از کسروی، ۱۳۱۹: ۷۵) به مشارکت مستقیم شاهان در توسعه عتبات و تأثیر آن در تثبیت جایگاه ایران در میان شیعیان عراق اشاره دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال اهمیت بازسازی عتبات به‌عنوان یک راهبرد فرهنگی و سیاسی بیشتر شد. ستاد بازسازی عتبات عالیات (۱۴۰۰) در گزارش‌های خود تأکید دارد که این بازسازی‌ها نماد همکاری‌های فرهنگی و سیاسی ایران و عراق است و به تحکیم وحدت شیعیان کمک می‌کند.

تحلیل‌های شهید حاج قاسم سلیمانی نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند. او بارها اعلام کرده بود که بازسازی عتبات نه تنها حفظ میراث مذهبی، بخشی از مقابله با جریان‌های تکفیری و حفظ امنیت زائران است (ریحانی، ۱۳۹۵: ۱۰۴). درحقیقت، این بازسازی‌ها به ایجاد فضای اعتماد و روابط دوستانه میان دولت‌ها و ملت‌های ایران و عراق انجامیده است و نقش کلیدی در تثبیت ژئوپلیتیک شیعه در منطقه دارد (دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

علاوه بر آن، این بازسازی‌ها تأثیر مستقیمی بر توسعه دیپلماسی مذهبی ایران داشته است؛ برای مثال، ستاد بازسازی عتبات عالیات در همکاری با دولت عراق توافقنامه‌هایی برای بهبود وضعیت اماکن مقدس و مدیریت زائران منعقد کرده است (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰).

از منظر فرهنگی-اجتماعی بازسازی عتبات عالیات به عنوان نمادی از هویت مشترک ایرانیان و عراقی‌ها زمینه‌ساز هم‌گرایی فرهنگی و مذهبی شده است. این هم‌گرایی در رویدادهایی مانند اربعین و پیاده‌روی میلیونی به‌خوبی مشاهده می‌شود. جایی که حرم‌های بازسازی‌شده به نقطه کانونی همبستگی شیعیان تبدیل می‌شود (اباذری، ۱۳۹۸).

درنهایت، بازسازی عتبات عالیات از دوره آل‌بویه تا عصر انقلاب اسلامی نه تنها ابزاری برای بازآفرینی هویت شیعی و مبارزه با جریان‌های تکفیری و مبارزه با تهدیدات مذهبی بوده، به‌عنوان یک راهبرد کلان فرهنگی-دیپلماتیک نقش مهمی در سیاست خارجی و تثبیت جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در جهان تشیع داشته است.

تأثیرهای اجتماعی و اقتصادی بازسازی عتبات

بازسازی عتبات عالیات در دوران پس از انقلاب اسلامی تأثیرهای گسترده‌ای در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کرده است. این روند با احیای اماکن مقدس و ارتقای زیرساخت‌های رفاهی موجب افزایش امنیت اجتماعی، رونق اقتصادی و تقویت گردشگری مذهبی شده است (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰).

تأثیر بر رونق گردشگری مذهبی

پژوهش‌های دادفر (۱۳۹۸) و دبیری‌نژاد (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که بازسازی عتبات جذابیت این اماکن را برای زائران داخلی و خارجی دوچندان کرده است. با بازسازی صحن‌های جدید، احداث گنبدهای طلاکاری‌شده و بهسازی امکانات رفاهی سالانه میلیون‌ها

زائر از کشورهای مختلف به‌ویژه ایران به عتبات سفر می‌کنند.

براساس گزارش رسمی سازمان حج و زیارت ایران (۱۴۰۱) در سال ۱۳۹۸ پیش از شیوع کرونا بیش از ۲/۴ میلیون زائر ایرانی به عتبات عالیات اعزام شدند و این رقم در ایام اربعین حسینی به بیش از ۳/۵ میلیون زائر ایرانی و غیر ایرانی رسید. همچنین، وزارت گردشگری عراق (۲۰۲۲) اعلام کرده است که پس از تکمیل پروژه صحن حضرت زهرا (س) و بخش‌هایی از صحن عقيله بنی‌هاشم (س) شمار کل زائران خارجی به کربلا و نجف در سال ۲۰۲۱ از ۱۷ میلیون نفر فراتر رفت.

اسناد تاریخی مانند *تاریخ عالم‌آرای عباسی* (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۰۳۸: ۴۱۲) اشاره دارد که در دوران صفویه نیز توسعه و بازسازی این اماکن باعث جذب کاروان‌های زیارتی و رونق اقتصادی منطقه می‌شد. این روند تاریخی در دوران معاصر نیز با سرمایه‌گذاری نهادهای ایرانی در پروژه‌های زیرساختی ادامه یافته است.

افزایش فرصت‌های شغلی و درآمدزایی

احداث صحن‌های جدید، زائرسراها، مراکز بهداشتی و سامانه‌های حمل‌ونقل فرصت‌های شغلی فراوانی را برای ساکنان شهرهای مقدس عراق ایجاد کرده است (ریحانی، ۱۳۹۵). برای مثال، ستاد بازسازی عتبات عالیات (۱۴۰۰) گزارش می‌دهد که در پروژه صحن حضرت زهرا (س) در نجف بیش از ۳۰۰۰ نیروی کار عراقی و ۴۵۰ نیروی متخصص ایرانی به‌طور مستقیم مشغول به کار بوده‌اند.

کسروی در *تاریخ مشروطه ایران* گزارش می‌دهد که حتی در دوره قاجاریه معماران و هنرمندان ایرانی در شهرهای مقدس عراق به کار گرفته می‌شدند و این تعاملات به رونق اقتصادی کمک می‌کرد.

امروزه نیز همکاری‌های میان کارگران، صنعتگران و بازرگانان ایرانی و عراقی در اجرای پروژه‌های بازسازی موجب ارتقای سطح معیشتی ساکنان این شهرها شده است. براساس گزارش وزارت کار و امور اجتماعی عراق (۲۰۲۲) پروژه‌های بازسازی عتبات در پنج سال گذشته بیش از ۱۵ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم در استان‌های کربلا، نجف و سامرا ایجاد کرده است.

اثرهای اجتماعی و همبستگی فرهنگی

بازسازی عتبات عالیات بُعد اجتماعی مهمی نیز دارد. به گفته ابادری (۱۳۹۸) این بازسازی‌ها به تقویت هویت مذهبی و همبستگی اجتماعی میان زائران ایرانی و عراقی کمک کرده است.

برگزاری آیین‌های مذهبی در حرم‌های بازسازی‌شده موجب ایجاد فضایی معنوی و افزایش تعاملات مردمی می‌شود. این تعاملات خود زمینه‌ساز تبادل فرهنگی و افزایش اعتماد اجتماعی است (دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

تقویت زیرساخت‌های شهری و منطقه‌ای

یکی دیگر از ابعاد مهم بازسازی بهبود زیرساخت‌های شهری و حمل‌ونقل است. ستاد بازسازی عتبات (۱۴۰۰) گزارش می‌دهد که پروژه‌هایی همچون بهسازی جاده‌های ارتباطی نجف، کربلا و سامرا، ساخت بیمارستان‌های صحرایی و توسعه خدمات عمومی نه تنها کیفیت زندگی زائران، ساکنان محلی را نیز ارتقا داده است.

این اقدام‌ها ادامه روندی است که از دوره صفویه آغاز شد؛ برای نمونه، ابن فقیه همدانی در مختصر البلدان می‌نویسد که کاروان‌های ایرانی در مسیر نجف و کربلا باعث رونق اقتصادی و آبادانی جاده‌ها و شهرها می‌شدند. امروزه، همین تعاملات با مشارکت نهادهای دولتی و خصوصی ایرانی تکرار می‌شود.

تقویت هویت شیعی و مقابله با تهدیدهای امنیتی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بازسازی عتبات عالیات نقش کلیدی در تقویت هویت شیعی و مقابله با تهدیدهای امنیتی داشته است. این اقدام‌ها نه تنها به ترمیم و توسعه کالبدی اماکن مقدس انجامیده، به عنوان نمادی از مقاومت فرهنگی و مذهبی در برابر جریان‌های افراطی مانند داعش مطرح شده است (ابادری، ۱۳۹۸؛ ریحانی، ۱۳۹۵).

بازسازی به عنوان ابزاری برای تثبیت هویت مذهبی

اسناد تاریخی و پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که از دیرباز حرم‌های مقدس شیعیان در نجف، کربلا، کاظمین و سامرا محور هویت دینی و سیاسی جامعه شیعه بوده است.

لانگریک در تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عراق تأکید می‌کند که حرم‌های شیعه همواره کانون مقاومت در برابر سلطه عثمانی و نماد مشروعیت شیعه در عراق بوده است. کسروی نیز در تاریخ مشروطه ایران اشاره می‌کند که شاهان قاجار با حمایت از بازسازی عتبات سعی در تقویت نفوذ شیعه در منطقه داشتند. این سنت تاریخی در دوره معاصر نیز ادامه یافته است. بازسازی‌های پس از انقلاب اسلامی نماد دفاع از هویت شیعی و مقابله با جریان‌های تفرقه افکن شده است (دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶).

مقابله با تهدیدهای امنیتی

حملات گروه‌های تکفیری به‌ویژه داعش به اماکن مقدس شیعیان در عراق تهدیدی جدی برای هویت و امنیت زائران ایجاد کرد. پس از تخریب حرم امامین عسکریین (ع) در سامرا در سال ۲۰۰۶ ایران به‌سرعت با اعزام مهندسان، معماران و متخصصان پروژه‌های بازسازی این حرم را آغاز کرد (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰). این بازسازی علاوه بر ترمیم ابنیه حاوی پیام روشنی به گروه‌های تکفیری بود: حرم‌های شیعه هرگز متروک یا نابود نمی‌شود. پژوهش‌های اباذری (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که این بازسازی‌ها با حمایت مردم و نهادهای مدنی ایرانی به ابزاری برای وحدت شیعه و مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی تبدیل شده است.

بعد اجتماعی-امنیتی بازسازی عتبات

تحلیل‌های ریحانی (۱۳۹۵) و لانگریک (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که بازسازی عتبات ضمن تقویت جایگاه مذهبی باعث بهبود وضعیت امنیتی شهرهای مقدس عراق نیز شده است. ایجاد سامانه‌های حفاظتی، توسعه راه‌های دسترسی امن و همکاری میان ایران و عراق در حفاظت از زائران بخشی از این سیاست امنیتی است (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰).

استمرار سنت تاریخی مقاومت

توجه به حرم‌های مقدس به‌عنوان نماد «امنیت اجتماعی» و «مشروعیت شیعی» در تاریخ

عراق ریشه دارد.

ابن بطوطه در *رحله ابن بطوطه* تأکید می‌کند که زیارتگاه‌های شیعه در قرن‌های گذشته نقش مهمی در همبستگی و هویت مذهبی داشته است. اسکندر بیگ ترکمان در *تاریخ عالم‌رای عباسی* نیز اشاره می‌کند که بازسازی‌های شاه‌عباس اول برای ایجاد احساس امنیت و آرامش در میان زائران شیعه صورت گرفت.

پاسخ به پرسش پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش عبارت بود از:
«ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات پس از انقلاب اسلامی چه نقشی داشته‌اند و ابعاد مختلف این نقش چیست؟»
یافته‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده در این مطالعه نشان می‌دهد که نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات یک راهبرد جامع و چندلایه است که ابعاد مختلفی را دربرمی‌گیرد:

(۱) بُعد مالی و حمایتی

تأمین منابع مالی و پشتیبانی نخستین و مهم‌ترین بُعد مشارکت ایرانیان در بازسازی عتبات بوده است.
سنت‌های مذهبی مانند وقف و نذر ریشه در تاریخ فرهنگی ایران دارد. به روایت کسروی (۱۳۱۹) شاهان و مردم ایران در دوره قاجار بودجه‌های مشخصی را برای توسعه حرم‌ها اختصاص می‌دادند.
در دوره معاصر، ستاد بازسازی عتبات عالیات (۱۴۰۰) اعلام کرده است که بیش از ۷۰ درصد هزینه‌های بازسازی با کمک‌های مردمی و نهادهای مذهبی تأمین می‌شود.
این مشارکت مالی نشان‌دهنده علاقه عمیق مردم ایران به عتبات و استمرار سنت‌های مذهبی و اجتماعی است.

(۲) بُعد فنی و تخصصی

بُعد دوم، نقش نیروهای متخصص ایرانی در بازسازی و مرمت اماکن مقدس است.
از دوره صفویه معماران و هنرمندان ایرانی در تزئین حرم‌ها با کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری و

هنرهای سنتی اسلامی مشارکت داشتند (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۰۳۸: ۴۱۲). در دوره معاصر نیز پس از تخریب حرم امامین عسکریین (ع) در سال ۲۰۰۶ متخصصان ایرانی بی‌درنگ وارد عمل شدند (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰). حضور استادکاران ایرانی در ساخت گنبدها و صحن‌ها به‌عنوان نماد هویت اسلامی-ایرانی در منابع معاصر مانند کریمی (۱۳۹۴) تأکید شده است.

۳) بُعد اجتماعی و فرهنگی

بازسازی عتبات عالیات فرصت‌های گسترده‌ای را برای توسعه گردشگری مذهبی و تبادلات فرهنگی ایجاد کرده است. براساس پژوهش‌های دادفر (۱۳۹۸) و دبیری‌نژاد (۱۳۹۶) این بازسازی‌ها باعث رشد اقتصادی شهرهای مقدس عراق، اشتغال‌زایی برای مردم محلی و افزایش تعاملات فرهنگی بین زائران ایرانی و عراقی شده است. همچنین، برگزاری آیین‌های مذهبی مانند پیاده‌روی اربعین بستری را برای تقویت همبستگی اجتماعی و گسترش نفوذ فرهنگی ایران در منطقه ایجاد کرده است (اباذری، ۱۳۹۸).

۴) بُعد دیپلماتیک و امنیتی

یافته‌ها نشان می‌دهد که بازسازی عتبات به ابزاری برای تحکیم روابط دیپلماتیک ایران و عراق و تثبیت امنیت منطقه تبدیل شده است. لانگریک در تحلیل خود از عراق اشاره می‌کند که اماکن مقدس شیعی همواره نماد قدرت سیاسی و مشروعیت بوده است. در دوره معاصر، شهید حاج قاسم سلیمانی بارها بر اهمیت بازسازی عتبات به‌عنوان ابزاری برای مبارزه با جریان‌های تکفیری و ایجاد امنیت پایدار تأکید کرده است (ریحانی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

همکاری‌های ایران و عراق در حفاظت از این اماکن باعث تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و مقابله با تهدیدهای مشترک شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات فقط یک اقدام

مذهبی یا عمرانی نیست، بلکه یک راهبرد جامع و چندلایه است که ابعاد مالی، فرهنگی، فنی، امنیتی و دیپلماتیک را دربرمی‌گیرد.

این اقدام‌ها ضمن حفظ هویت شیعی و احیای میراث اسلامی-ایرانی به تحکیم روابط دو ملت، توسعه اقتصادی شهرهای مقدس و تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در جهان اسلام کمک کرده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر به‌وضوح نشان می‌دهد که بازسازی عتبات عالیات در دوره پس از انقلاب اسلامی تنها یک پروژه عمرانی ساده نبوده است، به‌عنوان یک راهبرد کلان چندلایه در راستای هدف‌های فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است. این راهبرد ادامه و توسعه سنت‌های تاریخی ایرانیان در حمایت از حرم‌های مقدس شیعه است.

استمرار سنت‌های تاریخی «وقف» و «نذر»

از دوره صفویه به بعد سنت‌های «وقف» و «نذر» به‌عنوان ابزارهای مشروعیت‌بخش به نقش ایران در بازسازی عتبات در متون تاریخی و سفرنامه‌ها منعکس شده است؛ برای مثال، ابن فقیه همدانی در *مختصر البلدان* به اهمیت نذر و وقف در حفظ اماکن مقدس اشاره دارد. کسروی در *تاریخ مشروطه ایران* نیز به استمرار این سنت‌ها در دوره قاجار اشاره می‌کند. این سنت‌های دیرینه در عصر حاضر در قالب نهادهای مدرن مانند ستاد بازسازی عتبات عالیات، آستان قدس رضوی و سازمان‌های خیریه مردمی تداوم یافته است (ستاد بازسازی، ۱۴۰۰؛ کریمی، ۱۳۹۴).

ابعاد چهارگانه نقش ایرانیان

یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات را می‌توان در چهار بُعد اصلی دسته‌بندی کرد:

بُعد مالی و حمایتی

تأمین منابع مالی با نذرها و وقف نشانگر پایداری مردم ایران به حمایت از این اماکن مقدس است (قدیمی، ۱۳۸۹). این منابع پشتوانه اصلی اجرای پروژه‌های عمرانی، فرهنگی و امنیتی بوده است.

بُعد هنری و صنایع دستی ایرانیان در بازسازی

یکی از جلوه‌های برجسته مشارکت ایرانیان حضور استادکاران و هنرمندان برجسته در حوزه‌هایی همچون خطاطی، درب‌سازی، نقاشی، گچ‌بری و آینه‌کاری در حرم‌های مطهر است. در گزارش‌های تاریخی تحفة الزائرین (شوشتری، ۱۲۵۱: ۲۳) و تاریخ عالم‌آرای عباسی (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۰۳۸: ۴۱۲) آمده است که هنرمندان ایرانی در ساخت درب‌های خاتم‌کاری‌شده، کتیبه‌های خط ثلث، گچ‌بری‌های مقرنس‌دار و آینه‌کاری‌های نفیس در صحن‌ها و رواق‌ها نقش داشته‌اند. در دوران معاصر نیز ستاد بازسازی عتبات عالیات (۱۴۰۰) گزارش می‌دهد که خوشنویسان و هنرمندان ایرانی پروژه‌هایی همچون ساخت درب‌های حرم حضرت عباس (ع) و کتیبه‌نگاری صحن حضرت زهرا (س) را انجام داده‌اند. این آثار نه تنها به حفظ اصالت هنر اسلامی-ایرانی کمک کرده، باعث ماندگاری هویت فرهنگی مشترک ایران و عراق شده است.

بُعد فنی و تخصصی

حضور معماران، مهندسان و هنرمندان ایرانی در بازسازی حرم‌ها بازتابی از هنر اسلامی-ایرانی و استمرار سنت‌های هنری ملی است (کریمی، ۱۳۹۴؛ دبیری‌نژاد، ۱۳۹۶). در گزارش‌های اسکندر بیگ ترکمان در تاریخ عالم‌آرای عباسی به مشارکت استادکاران ایرانی در بازسازی اماکن مقدس اشاره شده است.

بُعد اجتماعی و فرهنگی

این بازسازی‌ها موجب رونق گردشگری مذهبی، اشتغال‌زایی در شهرهای مقدس عراق و افزایش تعاملات فرهنگی و اجتماعی میان ملت‌های ایران و عراق شده است (دادفر، ۱۳۹۸). به گفته ریحانی (۱۳۹۵) این تبادلات به هم‌گرایی فرهنگی و افزایش حس همبستگی منجر

شده است.

بعد دیپلماتیک و امنیتی

بازسازی عتبات نمادی از دیپلماسی مذهبی و نفوذ نرم ایران در عراق و منطقه است (ریحانی، ۱۳۹۵؛ اباذری، ۱۳۹۸).

این اقدام‌ها با تأمین امنیت زائران و مقابله با تهدیدهای گروه‌های افراطی مانند داعش به تثبیت موقعیت ایران در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای منجر شده است (لانگریک، ۱۳۷۸: ۵۳).

تقویت هویت شیعی و نقش ژئوپلیتیکی

بازسازی عتبات عالیات فراتر از یک پروژه عمرانی به‌عنوان ابزاری برای تحکیم هویت شیعی در منطقه عمل کرده است. این امر با احیای سنت‌های دینی، هنرهای ایرانی-اسلامی و توسعه زیرساخت‌های رفاهی برای زائران جلوه‌ای از قدرت نرم و نفوذ فرهنگی ایران است. به گفته شاردن حمایت ایران از اماکن مقدس در دوره صفویه به‌عنوان ابزار مشروعیت‌ساز و وحدت‌بخش عمل کرده و امروز نیز این نقش را حفظ کرده است.

درمجموع، بازسازی عتبات عالیات در عصر انقلاب اسلامی بستری برای گسترش نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران، تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی و تحکیم پیوندهای فرهنگی-مذهبی دو ملت ایران و عراق بوده است. این نقش‌آفرینی چندوجهی استمرار یک سنت تاریخی-مذهبی و بازتابی از راهبرد نرم فرهنگی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است.

راهکارهای فقهی و حقوقی

بعد فقهی

از منظر فقه اسلامی، بازخوانی دقیق احکام مرتبط با وقف و نذر می‌تواند به پایداری مالی پروژه‌های بازسازی کمک کند.

به استناد آثار میرزا محمدحسین غروی نائینی (۱۳۲۷ ق) در تنبیه الامه و تنزیه الملّه وقف

به عنوان یک نهاد دینی-اجتماعی ظرفیت چشمگیری در تأمین مالی و مشروعیت بخشی به این بازسازی ها دارد.

پیشنهاد می شود نهادهای فقهی و مراجع تقلید با صدور فتوای نوین درباره وقف های جدید (وقف دیجیتال و نذرهای مشارکتی) زمینه های مشارکت پایدار مردم را تقویت کنند (نائینی، ۱۳۲۷ ق؛ دبیری نژاد، ۱۳۹۶).

بُعد حقوقی

از منظر حقوقی، ضرورت دارد چارچوب قانونی شفاف و قابل اجرایی برای حمایت از خیرین، نهادهای مردمی و حتی ایرانیان مقیم خارج از کشور ایجاد شود.

قانون تشویق و حمایت از وقف (مصوب ۱۳۶۳) می تواند با اصلاحات جدید در حوزه وقف مشارکتی و دیجیتال بستر مناسبی را برای شفافیت مالی، تضمین حقوق شرعی و قانونی واقفان و خیرین فراهم کند.

همچنین، در سطح بین المللی (به ویژه در عراق) نیاز است با همکاری نهادهای رسمی مانند دیوان وقف شیعی عراق و ستاد بازسازی عتبات عالیات زمینه های حقوقی و اجرایی برای استمرار و گسترش این پروژه ها تدوین شود.

راهکارهای فرهنگی و اجتماعی

آموزش های خانواده محور و رسانه ای

پیشنهاد می شود برنامه های آموزشی و رسانه ای در ایران و عراق با هدف تبیین اهمیت تاریخی و فرهنگی عتبات عالیات به صورت خانواده محور تقویت شود (دبیری نژاد، ۱۳۹۶). در این مسیر رسانه های عمومی (رادیو و تلویزیون)، فضای مجازی و برنامه های آموزشی مدرسه ها می توانند نقش مؤثری در ارتقای آگاهی نسل جوان داشته باشند.

احیای هنرها و میراث معماری ایرانی-اسلامی

احیای هنرهای اصیل ایرانی-اسلامی در بازسازی عتبات عالیات نه تنها یک اقدام فنی و هنری، رویکردی فرهنگی-هویتی با پیامدهای بلندمدت است. استفاده از ظرفیت رسانه ها، نهادهای فرهنگی و هنری (سازمان میراث فرهنگی، حوزه هنری و انجمن خوشنویسان ایران)

برای معرفی و تبیین این ابعاد موجب افزایش آگاهی عمومی و جذب مشارکت مردمی می‌شود.

پروژه‌های بازسازی اخیر بستری برای احیای هنرهایی چون کاشی‌کاری معرق و هفت‌رنگ، مقرنس‌کاری، خوشنویسی کتیبه‌ای، گچ‌بری‌های اسلیمی، آینه‌کاری سنتی و درب‌سازی خاتم‌کاری فراهم کرده است. این هنرها که ریشه در شکوفایی فرهنگی ایران در دوره‌های صفویه و قاجاریه دارد، امروزه با بهره‌گیری از استادکاران برجسته ایرانی در پروژه‌هایی چون صحن حضرت زهرا (س) در نجف، صحن عقيله بنی‌هاشم (س) در کربلا و گنبد حرم امامین عسکریین (ع) در سامرا تداوم یافته است (ستاد بازسازی عتبات عالیات، ۱۴۰۰؛ شوشتری، ۱۲۵۱ ق: ۲۳).

نمونه‌های شاخص شامل کتیبه‌نگاری آیات قرآن به خط ثلث ایرانی، ساخت درب‌های چوبی خاتم‌کاری و منبت‌کاری شده برای ورودی‌های صحن‌ها و اجرای آینه‌کاری مقرنس‌دار در رواق‌هاست که بازتابی از مهارت‌های سنتی هنرمندان ایرانی است. این آثار نه تنها موجب ارتقای شکوه بصری و روحانی حرم‌ها شده، به‌عنوان سندی زنده از میراث مشترک ایران و عراق در تاریخ هنر اسلامی ثبت شده است (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۰۳۸ ق: ۴۱۲؛ شاردن، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۶۵).

تأکید بر این بُعد هنری در بازسازی‌ها از دو جهت اهمیت دارد:

- ۱- حفظ اصالت و هویت فرهنگی، جلوگیری از ورود سبک‌های بیگانه و پاسداشت سبک ایرانی-اسلامی در معماری مذهبی؛
 - ۲- دیپلماسی فرهنگی و نفوذ نرم، معرفی هنر ایرانی به میلیون‌ها زائر از سراسر جهان که سالانه به این اماکن مقدس مشرف می‌شوند.
- در نتیجه، رویکرد احیای هنرها و معماری سنتی نه تنها ارزش هنری و مذهبی بازسازی‌ها را افزایش داده، به تداوم سنت‌های معماری ایرانی-اسلامی در پروژه‌های بین‌المللی و تحکیم پیوندهای فرهنگی ایران و عراق انجامیده است (کریمی، ۱۳۹۴؛ ستاد بازسازی، ۱۴۰۰).

راهکارهای دیپلماتیک و امنیتی

تقویت همکاری‌های امنیتی

ایجاد سازوکارهای مشترک امنیتی میان ایران و عراق برای حفاظت از زائران و اماکن مقدس به‌ویژه در برابر تهدیدهای گروه‌های افراطی (داعش) امری ضروری است (ریحانی، ۱۳۹۵؛ اباذری، ۱۳۹۸).

در این زمینه تبادل تجربه‌های میان نیروهای امنیتی ایران (سپاه قدس) و نیروهای حشد الشعبی عراق نقشی کلیدی در حفاظت و پایداری امنیت دارد.

دیپلماسی فرهنگی و مذهبی

پیشنهاد می‌شود نشست‌های مشترک میان نهادهای مذهبی و فرهنگی ایران و عراق برای تدوین برنامه‌های فرهنگی-آموزشی و گسترش تعاملات مردمی برگزار شود (لانگریک، ۱۳۷۸).

این تعاملات علاوه بر ارتقای روابط دوجانبه به‌عنوان ابزاری برای تقویت وحدت شیعیان و تثبیت ژئوپلیتیک شیعه در منطقه عمل می‌کند (اباذری، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش حاضر ضمن ارائه تصویری جامع از نقش ایرانیان در بازسازی عتبات عالیات نشان‌دهنده برخی محدودیت‌ها (دسترسی محدود به اسناد داخلی ستاد بازسازی) است. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود:

- بررسی دقیق‌تر نقش دیپلماسی مذهبی ایران در گسترش بازسازی اماکن مقدس در سایر کشورهای منطقه (سوریه و لبنان)؛
- مطالعه تطبیقی تأثیر بازسازی عتبات بر تحولات ژئوپلیتیکی و امنیتی منطقه با بهره‌گیری از نظریه‌های روابط بین‌الملل؛
- تحلیل مدل‌های نوآورانه تأمین مالی (صندوق‌های وقف دیجیتال و مشارکت مجازی نذرها) و آثار اجتماعی-فرهنگی آنها بر استمرار بازسازی‌ها؛
- انجام دادن پژوهش‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق با دست‌اندرکاران ستاد بازسازی، نهادهای مذهبی و زائران ایرانی و عراقی برای شناخت بهتر ابعاد پنهان این همکاری‌ها.

منابع

- اباذری، عبدالرحیم (۱۳۹۸). بررسی شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی و نقش او در بازسازی عتبات. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بطوطه، محمد (۱۳۸۴). رحلة ابن بطوطه (ترجمه حسین زبده‌ای). تهران: امیرکبیر.
- ابن فقیه همدانی (۱۴۰۳ ق). مختصر البلدان. بیروت: دار صادر.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۴۱۷ ق). الكامل فی التاریخ. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اسکندر بیگ ترکمان (۱۰۳۸ ق). تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: امیرکبیر.
- دادر، سجاد (۱۳۹۸). تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات. فصلنامه اقتصاد و توسعه، (۲۴).
- دبیری‌نژاد، رضا (۱۳۹۶). عتبات عالیات از نگاه ایران‌شناسی بین‌فرهنگی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- ریحانی، جاسم (۱۳۹۵). تداوم افکار وهابیت در داعش و حمله به عتبات عالیات. پژوهشنامه مطالعات خاورمیانه، ۲۳(۱)، ۱۳۳-۱۵۳.
- ستاد بازسازی عتبات عالیات (۱۴۰۰). گزارش عملکرد و نقش ایران در بازسازی اماکن مقدس عراق. تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۶۶). سفرنامه شاردن (ترجمه محمد عباسی). تهران: امیرکبیر.
- غروی نائینی، محمدحسین (۱۳۲۷ ق). تنبیه الامه و تنزیه المله. قم: اسلامیه.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۹). فتح‌علی‌شاه قاجار و عتبات عالیات. دانشگاه تهران.
- کریمی، امید (۱۳۹۴). میراث هنر و معماری ایرانی در عراق. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، (۱۷).
- کسروی، احمد (۱۳۱۹). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- لانگریک، استیون همزلی (۱۳۷۸). تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عراق (ترجمه محمدجواد سلطانی). مشهد: آستان قدس رضوی.
- مدرسی طباطبائی، س. م. (۱۳۶۷). تاریخ حوزه علمیة نجف. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۵ ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. بیروت: دارالهجره.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۸۷ ق). سفرنامه عتبات عالیات. نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، شماره بازیابی ۲۳۴۵ / ق.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۹۵ م). معجم البلدان. بیروت: دارصادر.

بررسی اقدامات ناصرالدین شاه در بازسازی حرم مطهر امامین عسکریین (علیهما السلام)

حمیدرضا طاهری^۱

لقا نجاریان^۲

چکیده

حرم مطهر امامین عسکریین (علیهما السلام) در شهر سامرا از مهم‌ترین اماکن مقدس شیعیان است که در طول تاریخ به دلیل فرسایش طبیعی و همچنین علاقه ارادتمندان خاندان نبوت به آبادانی و زیبایی ظاهری، بارها بازسازی و مرمت شده است. هریک از این بازسازی‌ها علاوه بر جنبه‌های عمرانی، بازتابی از تفکرات فردی و اجتماعی حاکم بر دوران مختلف تاریخی است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که بازسازی‌های صورت گرفته در دوره قاجار، به‌ویژه در عصر ناصرالدین شاه، چه ابعاد و ویژگی‌هایی داشته است و نقش این شاه در تحولات عمرانی، هنری و بصری حرم چگونه تحلیل می‌شود. هدف اصلی مقاله، تبیین جایگاه اقدامات ناصرالدین شاه در بازسازی حرم عسکریین و روشن‌سازی نحوه بازتاب این اقدامات در ساختار معماری حرم و تزیینات آن است. این پژوهش با روش تحقیق تاریخی و از طریق گردآوری و تحلیل منابعی همچون کتیبه‌ها، طومارها، وقف‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها و اسناد، امکان، بازنمایی نسبی وضعیت حرم در دوره قاجار و ارزیابی دقیق اقدامات ناصری را فراهم می‌کند. با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، بازسازی عتبات عالیات جانی دوباره گرفت. در سال ۱۲۸۳ ق.، شاه مأموریت تذهیب گنبد و مرمت بخش‌های مختلف حرم را به شیخ عبدالحسین تهرانی محول کرد. براساس کتیبه‌های حرم و اسناد قاجاری، خشت‌های طلا از خزانه سلطنتی تأمین و به سامرا فرستاده شد و افزون بر گنبد، صحن‌ها، سرداب و تزیینات رواق‌ها نیز بازسازی شد. با این وجود، برخی از پژوهشگران متأخر معتقدند که هزینه‌های بازسازی حرم از

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) amidrezataheri995@gmail.com

۲. کارشناس ارشد زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی legha.najarian@gmail.com

ثلث اموال امیرکبیر تأمین شده است. بررسی دقیق منابع نشان می‌دهد که چنین دیدگاهی ناشی از خلط میان وصی امیرکبیربودن شیخ عبدالحسین و مأموریت رسمی او ازسوی شاه بوده است و هیچ سند هم‌عصری آن را تأیید نمی‌کند. درنتیجه، بازسازی و دگرگونی بصری حرم عسکریین علیهماالسلام در عصر ناصری را باید مهم‌ترین اقدام مذهبی ناصرالدین‌شاه دانست و تأمین هزینه‌های این بازسازی را نیز به خود او نسبت داد.

کلمات کلیدی: عتبات، بازسازی، سامرا، ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر

An Examination of Nāṣer al-Dīn Shāh's Initiatives in the Restoration of the Holy Shrine of the al-ʿAskariyyīn Imams (AS)

Hamidreza taheri¹ legha najarian²

Abstract

The Holy Shrine of the al-ʿAskariyyīn Imams (AS) in the city of Samarra is one of the most important sacred sites for Shi'a Muslims. Throughout history, due to natural decay as well as the devotion of believers eager to preserve its prosperity and outward beauty, the shrine has been repeatedly restored and renovated. Each restoration, in addition to its architectural aspects, also reflected the individual and social ideas prevailing in different historical periods. The central question of this study is what dimensions and characteristics the restorations of the Qajar era—particularly during the reign of Nāṣer al-Dīn Shāh—possessed, and how the role of this monarch in the shrine's architectural, artistic, and visual transformations can be analyzed. The primary aim of the article is to clarify the significance of Nāṣer al-Dīn Shāh's initiatives in the restoration of the al-ʿAskariyyīn shrine and to show how these measures were reflected in its architectural structure and decorative elements.

This research, conducted through the historical method, draws upon inscriptions, manuscripts, endowment deeds, travelogues, and archival documents, enabling a partial reconstruction of the shrine's condition in the Qajar period and a precise evaluation of Nāṣer al-Dīn Shāh's

1. M.A. Student in History, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

hamidrezatehri995@gmail.com (Corresponding Author)

2. M.A. in Ancient Iranian Languages, Department of Ancient Iranian Languages, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran legha.najarian@gmail.com

undertakings. With the beginning of his reign, the restoration of the sacred shrines in Iraq gained renewed vigor. In 1283 AH (1866 CE), the king entrusted Shaykh ‘Abd al-Ḥusayn Tehrānī with gilding the dome and repairing various sections of the shrine. According to inscriptions and Qajar documents, gold bricks were provided from the royal treasury and sent to Samarra; in addition to the dome, the courtyards, the crypt (sardāb), and the decorative elements of the iwāns were also restored. Some later scholars have argued that the costs of the restoration were financed from the estate of Amīr Kabīr. Careful examination of the sources, however, shows that this claim stems from confusing Shaykh ‘Abd al-Ḥusayn’s role as executor of Amīr Kabīr’s will with his official mission assigned by the king, and no contemporary evidence supports this assumption. In conclusion, the restoration and visual transformation of the shrine of the Imams al-‘Askariyyīn (AS) in the Nāṣerī era should be regarded as the most important religious initiative of Nāṣer al-Dīn Shāh, with the costs of the restoration attributable to the monarch himself

Keywords: Atabāt, Reconstruction, Samarra, Nāṣer al-Dīn Shāh, Amīr kabīr

حرم مطهر امامین عسکریین علیهما السلام در شهر سامرا یکی از کانون‌های مهم مذهبی و تاریخی شیعه است که در طول قرون متمادی بارها بازسازی و مرمت شده است. هریک از این بازسازی‌ها نه تنها در پاسخ به نیازهای عمرانی انجام شده، بلکه بازتابی از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر زمان خود نیز به شمار می‌آمده است و نشانگر ارادت شیعیان سرتاسر جهان به حضرت امام هادی علیه السلام و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و همچنین امام عصر بوده است. در میان ادوار متعدد بازسازی، دوره قاجار و به‌ویژه عصر ناصرالدین‌شاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ناصرالدین‌شاه باتوجه ویژه و منحصر به فردی که به سامرا داشت، نقشی مؤثر در بازسازی و سامان‌بخشی به حرم امامین عسکریین علیهما السلام ایفا کرد و میراثی ماندگار از خود بر جای گذاشت.

پیش از این پژوهشگران بسیاری راجع به بازسازی اعتبار مقدسه قلم فرسوده‌اند و کتاب‌ها و مقالات متعددی در این باره به زیور چاپ آراسته شده است. راجع به سامرا و حرم مطهر عسکریین نیز در بسیاری از این آثار سخن به میان آمده است. نقد و بررسی این آثار البته بایسته‌ای است که باید در وجیزه دیگری به آن پرداخته شود؛ اما آنچه در اینجا شایسته یادکرد و تحلیل است، آثاری است که تمام آن یا بخشی از آن راجع به خدمات ناصرالدین‌شاه قاجار و بازسازی‌هایی است که به دست شیخ عبدالحسین تهرانی انجام شده است. این آثار به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی آثاری که با رنگ و بوی قلم متقدمین و در حال و هوای طلبگی و غالباً به زبان عربی نوشته شده است و دودِ دیگر آثاری که معاصرین با روش‌های علمی جدید نگاشته‌اند. متأسفانه آثار دسته دوم در نهایت ایجاز است و به همین دلیل اطلاعات دست‌اول زیادی را در بر ندارد و به‌صورت کلی نگاشته شده است. به‌طوری‌که در بعضی از این آثار بخش راجع به ناصرالدین‌شاه قاجار به‌سختی به دو خط می‌رسد. در این بین مقاله «خورشید سامرا» تألیف موسی فقیه حقانی که در سال ۱۳۸۴ در شماره سی‌وشش نشریه تاریخ معاصر ایران چاپ شده است، با بهره‌مندی از سفرنامه ناصرالدین‌شاه، سفرنامه عضدالملک و سفرنامه ادیب‌الملک به‌صورت مفصل‌تر از دیگران سعی در بازنمایی وضعیت سامرا و بازسازی حرم در این دوره داشته است؛ اما به دلیل استفاده نکردن از منابع دیگر به‌خصوص طومارها و کتب تاریخ قاجاریه و تحلیل نکردن محتوای منابع و اتکای بیش از حد به نقل مستقیم از منابع،

از طریق علمی بیرون رفته است. به شکلی که عمده سطور این مقاله نقل قول مستقیم از این سفرنامه‌هاست و همین ضعف باعث شده است تا اطلاعات غلط این سفرنامه‌ها را نیز بدون نقد و بررسی به مخاطب ارائه کند؛ برای مثال ساخت مناره را نیز به ناصرالدین‌شاه نسبت می‌دهد که مسلماً از اشتباهات عضدالدوله است؛ زیرا براساس طومارها مشخص است که مناره‌ها پیش از شروع اقدامات شیخ عبدالحسین ساخته شده است. همین‌طور راجع به ابعاد گنبد و تعداد خشت‌ها بدون چون و چرا اطلاعات دایره‌المعارف الاسلامیه الشیعیه را پذیرفته و نقل کرده است که باتوجه به دیگر منابع صحیح به نظر نمی‌رسد.

مقاله دیگری که شایسته بررسی است، وجیزه‌ای است با عنوان حرم مطهر عسکریین علیهما السلام در گذر تاریخ که در شماره بیست و چهار و بیست و پنج فصلنامه فرهنگ زیارت منتشر شده است. مقاله‌ای که ادعا شده که ترجمه است؛ اما از چه اثری و چه زبانی یا براساس چه آثار و اسنادی مشخص نیست. این مقاله جمع‌آوری اطلاعات صحیح و غلطی است که حتی منبع هیچ‌یک از این اطلاعات نیز مشخص نشده است؛ اما بادقت می‌توان فهمید که مؤلف از هر کتاب و مقاله عربی و فارسی که در دست داشته، چند خطی گردآورده و این مقاله را به‌زعم خویش ترجمه کرده است؛ علاوه‌براین، در همین گردآوری‌ها نیز دقیق عمل نشده است؛ برای مثال خشت‌های طلای گنبد را ۷۲۰۰ عدد می‌داند، درحالی‌که در دایره‌المعارف الاسلامیه الشیعیه که منبعش در ترجمه بوده و البته ذکر از آن به میان نیاورده، ۷۲۰۰۰ عدد ذکر شده است. اغلاط و اشکالات این مقاله درحقیقت بیش‌ازآن است که به‌راحتی بشود احصای تاملش کرد.

باقی مقالات به دوره ناصری اشاره کوتاهی دارند. از این مقالات هم نام دو مقاله به این دلیل ذکر می‌شود که سخن از ثلث اموال امیرکبیر آورده‌اند: یکی «مدخل حرم عسکریین» در جلد بیست و دو دانشنامه جهان اسلام به قلم احمد خامه‌یار و دودیکر مقاله‌ای با عنوان «حرم عسکریین در بستر تاریخ» نوشته سیدجواد حسینی که در شماره هفتاد و هفت نشریه مبلغان منتشر شده است. البته این ادعا که بازسازی حرم مطهر عسکریین علیهما السلام با ثلث اموال امیرکبیر انجام شده، در مقالات دیگری نیز آمده است. جالب اینکه این ادعا آنقدر تکرار شده است که مؤلف مقاله «گذر و نظری به تاریخ و جغرافیای سامرا» از این موضوع اظهار تأسف می‌کند که برخی بازسازی حرم را به ناصرالدین‌شاه نسبت داده‌اند (گلی زواره، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

در جمع‌آوری ادبیات پژوهش به مطالعه و نقد این مقالات بسنده نشد و کتاب‌های متعددی

نیز بررسی شد. از میان این کتاب‌ها از «مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء» اثر مرحوم شیخ ذبیح‌الله محلاتی، «وشائج السراء فی شان سامراء» نگاشته مرحوم شیخ محمد سماوی و جلد دوازده «موسوعة العتبات المقدسه» استفاده شد. ایراد اصلی این کتاب‌ها توجه نکردن به منابع فارسی دوره ناصری و اعتماد بیش از حد به خاطرات شفاهی است.

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که با تمرکز بر خدمات ناصرالدین‌شاه، جایگاه اقدامات او در تداوم و تحول شکل ظاهری حرم روشن می‌شود. بدیهی است که برای فهم بهتر ابعاد این اقدامات لازم است تا به وضعیت حرم در دوره‌های پیش از عصر ناصری و نیز تحولات پس از آن توجه شود؛ از این رو، بررسی حاضر علاوه بر شرح خدمات ناصرالدین‌شاه، وضعیت حرم در مقاطع پیشین و پسین نیز توصیف خواهد شد تا تصویری جامع از روند دگرگونی‌های معماری این مکان مقدس به دست آید.

روش تحقیق در این مقاله بر تحلیل منابع تاریخی، سفرنامه‌ها، اسناد و نگاره‌های طومارهای خطی و چاپ سنگی استوار است. این منابع امکان بازنمایی نسبی وضعیت کالبدی حرم را پیش از بازسازی‌های ناصری فراهم می‌آورد و ازسوی دیگر، ابعاد اقدامات عمرانی ناصرالدین‌شاه را به‌طور روشن‌تری نمایان می‌سازد.

ساختار مقاله به این ترتیب سامان یافته است: در بخش نخست، وضعیت حرم پیش از دوره ناصری براساس شواهد مکتوب و نگاره‌ها بازنمایی می‌شود؛ در بخش دوم، اقدامات ناصرالدین‌شاه در بازسازی و توسعه حرم به تفصیل شرح داده خواهد شد و در بخش پایانی اثبات خواهد شد که منابع مالی این فعالیت‌های عمرانی اموال امیرکبیر نبوده است و از دارایی‌های شخصی ناصرالدین‌شاه یا منابع ملی مردم ایران بوده است.

وضعیت کالبدی حرم پیش از دوره ناصری

حرم مطهر امامین عسکریین (علیهماالسلام) در طول تاریخ همواره دستخوش تغییرات و بازسازی‌های متعددی بوده است. این روند نه تنها ناشی از ضرورت‌های عمرانی و فرسودگی طبیعی بنا بود، بلکه بازتابی از شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی دوره‌های مختلف نیز محسوب می‌شود. هر مرحله از بازسازی، افزوده‌های جدیدی به کالبد حرم اضافه کرده و درعین حال، بخشی از عناصر و نشانه‌های معماری پیشین را دگرگون ساخته است. اوج این دگرگونی‌ها در دوره حکمرانی خوانین دنبلی خوی و سلماس رخ داد. اقدامات عمرانی

گسترده‌ای که به دستور بزرگان این خاندان صورت گرفت، چنان وسیع و بنیادین بود که می‌توان از آن به‌عنوان تحولی کامل در سیمای حرم عسکرین یاد کرد. در این دوره، بخش چشمگیری از آثار و بناهای قدیمی تخریب شد و جای خود را به سازه‌های تازه‌ای داد که متناسب با نیاز زائران و ذوق خوانین دنبلی طراحی و ساخته شده بودند.

خوشبختانه نگاره‌ها و سفرنامه‌هایی وجود دارد که امکان بازنمایی نسبی وضعیت پیش‌ازاین تغییرات را فراهم می‌سازند. در رأس این منابع باید به طومار نیبور اشاره کرد؛ طوماری که سیاحی اروپایی در نیمه دوم قرن هجدهم در کربلا خریداری کرده است. براساس این طومار می‌توان دریافت که تا پیش از مداخلات دنبلی‌ها، صحن و رواق اصلی حرم از یک‌سو و گنبد سرداب مقدس حضرت صاحب‌الزمان (عج) از سوی دیگر، دو فضای مجزا بوده‌اند. هرچند مسیر ارتباطی دقیق میان این دو بخش در نگاره مشخص نیست، اما اصل جدایی آنها در نگاره نشان از سازمان فضایی مجزای این دو بنای مطهر است (شمس، ۱۴۰۳: ۱۱۰).

از دیگر اطلاعاتی که از این نگاره در دست است، این است که حرم مطهر گنبدی آوگون داشته که در نگاره رنگ گنبد و گریوش سفید است و روی آن نوارهای کمانی خاکستری‌رنگ کشیده شده است. این گنبد احتمالاً همان گنبدی است که در دوره شاه‌عباس ثانی ساخته یا تعمیر شده است و مؤلف تاریخ‌کاشان آن را به گنبد سلطانیه شبیه می‌داند (ضرابی، ۱۳۷۸: ۳۶۰). همچنین می‌دانیم که حرم در این دوره مناره نداشته و به‌احتمال قریب به‌یقین دو قبه کوچک در دو طرف گنبد اصلی بوده است (شمس، ۱۴۰۳: ۱۱۱).

ضریحی که در نگاره نیبور به تصویر درآمده نیز، بی‌تردید همان ضریح فولادی است که به دستور سلطان حسین صفوی ساخته شده است؛ ضریحی که خوانین دنبلی هم آن را حفظ کرده‌اند و تا زمان زیارت ناصرالدین‌شاه قاجار از حرم عسکرین همچنان سالم و پایرجا بوده است (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۱۷۰).

تنها ۱۹ سال پس از خریداری طومار نیبور (شمس، ۱۴۰۳: ۱۱۰) در کربلا، حرم عسکرین شاهد تخریب گسترده و ساخت بنایی کاملاً جدید شد. این بار، احمدخان دنبلی دستور بازسازی را صادر کرد و اجرای آن به‌دست وزیرش میرزارفیع سپرده شد. به گزارش فانی زنوزی، بنای جدید دارای صحن، صفه، ایوان و دو مناره بوده است (شمس، ۱۴۰۳: ۱۱۱). از بخت‌یاری ما طومارهایی از این دوره و دوره‌های جدیدتر نیز در دست است: یکی از این

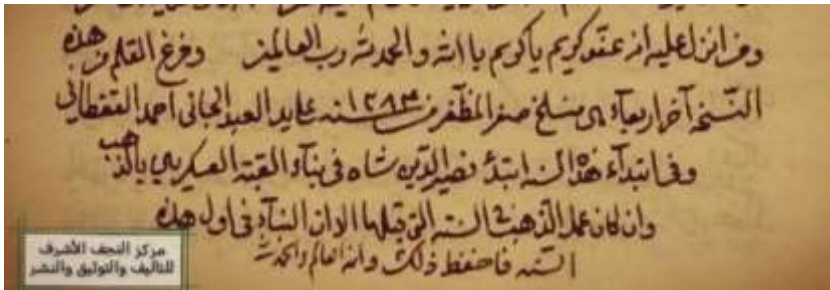
طومارها که مربوط به پس از بازسازی‌های احمدخان و پیش از تعمیرات ناصری است، در انجمن سلطنتی آسیایی بریتانیای کبیر و ایرلند (لندن) نگاه داشته می‌شود. در نگاره‌ای از این طومار که مربوط به حرم امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام است، گنبد با رنگ خاکستری تصویر شده است و چسبیده به گریوش کمربندی زیتونی‌رنگ وجود دارد. این دقیقاً همان گنبدی است که ادیب‌الملک آن را گچی توصیف می‌کند (ادیب‌الملک: ۱۳۶۴: ۱۰۰). آن کمربند چسبیده به گریو نیز خشت‌های طلایی است که به گزارش ادیب‌الملک سه بار از هندوستان برای تذهیب گنبد حرم آورده بودند و هر سه بار خشت‌های طلا به مصارف دیگری رسیده بود و فقط به مقدار همین نوار چسبیده به گریو نصیب گنبد مطهر شده بود (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴: ۱۰۰)؛ بنابراین، مشخص شد که گنبدی که ادیب‌الملک توصیف می‌کند، ربطی به نگاره‌ای که در طومار نیبور است ندارد و پژوهشگر ارجمند آقای شمس در این باره به اشتباه افتاده‌اند. البته قرینه دیگری نیز بوده است که ایشان را از حقیقت ماجرا آگاه کند و آن اینکه طومار نیبور مربوط به پیش از بازسازی احمدخان دنبلی است و ادیب‌الملک سال‌ها پس از آن بازسازی یعنی در سال ۱۲۷۳ سفرنامه‌اش را نگاشته است.

اقدامات ناصرالدین‌شاه

در سال ۱۲۸۳ هـ. ق، ناصرالدین‌شاه مأموریتی رسمی به شیخ عبدالحسین تهرانی (که پیش‌تر در کربلا سرپرست مرمت صحن حرم امام حسین (ع) بود) محول ساخت تا در سامرا مدیریت بازسازی حرم را بر عهده گیرد. این مأموریت نقطه عطفی در سیاست شاه در بازسازی عتبات عالیات به شمار می‌آید. به گواهی اسناد موجود، آغاز تذهیب گنبد منور حرم امامین عسکریین در ابتدای سال ۱۲۸۴ ق. ثبت شده است. مطابق تصریح ناصرالدین‌شاه در سفرنامه عتبات، بیشتر تعمیرات و بازسازی‌های حرم سامرا با اشراف شیخ عبدالحسین طهرانی و به فرمان مستقیم شاه انجام پذیرفته است. اقدامات وی علاوه بر تذهیب گنبد، شامل مرمت هر سه صحن حرم، کاشی‌کاری طاق‌نماها و بازسازی بخشی از سرداب می‌شد؛ بخشی که به‌دست شیخ محمد کاشی شد و نام ناصرالدین‌شاه نیز بر آن درج شد. همچنین به دستور شاه، همان شیخ محمد مأمور شد تا شبکه‌ای مطلقاً بر دهانه چاه سرداب نصب کند (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۱۶۵-۱۶۷)؛ افزون‌بر این اقدامات، ناصرالدین‌شاه چهل چراغی با هجده شاخه لاله به رواق حرم پیشکش کرد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۱۷۰).

پیش از سال ۱۲۸۳ ق. نیز ناصرالدین شاه مبالغ متعددی برای بازسازی عتبات تخصیص داده بود؛ برای نمونه، در فاصله پیش و پس از فتح هرات، در مجموع بیست هزار تومان برای هزینه‌های روضات مبارکه در اختیار شیخ عبدالحسین طهرانی قرار گرفت (سپهر، ۱۳۹۰: ۱۳۴۲)؛ بااین حال، اقدامات آغازشده در سال ۱۲۸۳ مهم‌ترین فصل از مشارکت عمرانی وی در عتبات عالیات تلقی می‌شود. برای تحقق این پروژه، افزون بر شیخ عبدالحسین طهرانی، شخصیت‌هایی چون عضدالدوله و معیرالمالک نیز به کار گرفته شدند. مطابق تصریح عضدالدوله در سفرنامه‌اش، در ابتدای سال ۱۲۸۳ ق. ناصرالدین شاه تصمیم به تذهیب گنبد حرم مطهر سامرا گرفت (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۲۰). پس از آنکه شیخ عبدالحسین تعداد خشت‌های لازم را تعیین کرد، خشت‌های طلا آماده شد و میرزا علی‌رضا خان عضدالدوله، دو شب مانده به تحویل ماه حمل، یعنی ۱۲ ذی‌القعدة همان سال، با کاروانی عظیم حامل خشت‌های طلا و دستورالعملی تفصیلی از سوی وزارت خارجه همراه با تشریفات گسترده به سوی عتبات حرکت کرد (عضدالدوله، ۱۳۷۰: ۹؛ ناصرالدین شاه، ۱۴۰۲: ۱۲۶).

در باب شمار خشت‌ها آنچه مسلم است، پیش از عزیمت عضدالملک تعداد ۲۷,۷۴۸ خشت طلا (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۵۶۷) آماده شده بود. به نظر می‌رسد پس از آن نیز خشت‌هایی دیگر ساخته و ارسال شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۵۶۷). این تعداد نه تنها برای پوشش کامل گنبد کافی بوده، بلکه خشت‌های مازاد برای تذهیب ایوان حرم مطهر جوادین نیز به کار رفته است (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۹۹)؛ افزون‌براین، ۱۶۰ قطعه کتیبه، ۳۲۰ قطعه حاشیه، یک سرطوق گنبد و هشت دایره ترنجی (که نام ناصرالدین شاه بر آنها نگاشته شده بود) به وسیله عضدالملک به سامرا منتقل شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۵۶۷) براساس انجامه نسخه‌ای از تفسیر فرات کوفی (تصویر یک) مطمئناً این اقدامات در آخرین چهارشنبه صفر سال ۱۳۸۴ شروع شده است.



تصویر یک

منابع مالی بازسازی حرم مطهر

براساس گزارش‌های متعدد قاجاری منابع مالی تعمیر و تذهیب و تزئین حرم مطهر عسکریین را شخص ناصرالدین شاه تأمین کرده است؛ برای نمونه اعتمادالسلطنه معتقد است که ناصرالدین شاه مخارج تذهیب گنبد را از اموال حلال و وجوه طیب پرداخت کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸۳). افضل‌الملک نیز این تذهیب را یکی از بزرگ‌ترین کارهای ناصرالدین شاه می‌داند. رحمت‌الله بخارایی هم در سفرنامه‌اش اگرچه تعداد خشت‌ها را به‌اشتباه ۳۰۰۰ عدد ذکر می‌کند، تأمین آن را به‌درستی به دستور ناصرالدین شاه می‌داند (جعفریان، ۱۴۰۱، ج ۴: ۱۰۰۰). مؤلف «وشائج السراء» همه اقدامات ناصرالدین شاه را در سامرا به نظم درآورده است (سماوی، ۲۰۱۴: ۳۲۴). مهم‌تر از همه اینها خود ناصرالدین شاه به‌صراحت همه این بازسازی‌ها را کار خود می‌داند (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۱۶۵)؛ علاوه‌براین، اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات، ذیل وقایع سال ۱۲۸۳ ق. به مأموریت عضدالملک اشاره می‌کند که مأمور شد تا خشت‌های طلا را از تهران به عتبات حمل کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۹۴)؛ این روایت نشان می‌دهد که پروژه از خزانه سلطنتی تأمین مالی شده و به‌صورت مستقیم زیر نظر دربار قاجار بوده است.

جعفر شهری نیز در «تاریخ اجتماعی تهران» به‌صراحت می‌نویسد که بازسازی سامرا بخشی از سیاست‌های ناصرالدین شاه در تحکیم مشروعیت مذهبی خود در میان شیعیان بود (شهری، ۱۳۷۰، ج ۳، ۴۱۷). بی‌تردید شیخ عبدالحسین تهرانی، از علمای پرنفوذ تهران و نجف، در این پروژه نقشی کلیدی داشته است. او به‌عنوان نماینده و وکیل شاه در عتبات عمل می‌کرد و نیز وصی بر ثلث اموال امیرکبیر بود. همین دو نقش بعدها منشأ خلط تاریخی شده

است. همان طور که اعتمادالسلطنه و مستوفی گزارش کرده‌اند، امیرکبیر وصیت کرده بود تا بخشی از اموالش در امور خیریه داخلی ایران مانند ساخت مدرسه و آب‌انبار مصرف شود (مستوفی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۹۵). هیچ منبع معتبری هزینه‌کرد ثلث امیرکبیر را در سامرا گزارش نکرده است.

اما چرا برخی مورخان معاصر این پروژه را به اموال امیرکبیر ربط داده‌اند؟ دلیل روشن است؛ شیخ عبدالحسین تهرانی وکیل شاه و نیز وصی امیر بود. در روایت‌های متأخر، این دو شأن در هم آمیخته و چنین انگاشته شده که هر اقدام بزرگ شیخ در عتبات، لابد از محل ثلث اموال امیرکبیر بوده است؛ درحالی‌که شواهد موجود از هزینه‌های اموال امیرکبیر، مانند گزارش کسروی در «تاریخ مشروطه ایران» همگی به مصارف داخلی ایران اشاره دارند (کسروی، ۱۳۶۲: ۴۹).

رسول جعفریان در مقاله‌ای درباره بازسازی عتبات در عصر قاجار، این فرضیه را مطرح کرده که احتمالاً بخشی از وصیت امیر در سامرا خرج شده است؛ اما خود او نیز اذعان دارد که اسناد مستقیمی در این باره در دست نیست و عمده استناد به نقش پررنگ شیخ تهرانی است (جعفریان، ۱۳۷۸: ۸۲). همچنین سیاست ناصرالدین‌شاه در بازسازی عتبات را باید در چارچوب گسترده‌تر مشروعیت مذهبی و سیاست‌های خارجی او فهم کرد. در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، دولت عثمانی در پی تحدید نفوذ شیعه در عراق بود. طلاکاری گنبد عسکریین اقدامی نمادین برای نمایش قدرت و نفوذ ایران در سرزمین‌های مقدس شیعیان به شمار می‌آمد. محمود محمود در «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس» می‌نویسد که این قبیل اقدامات ناصرالدین‌شاه نقش مهمی در تقویت وجهه ایران در برابر عثمانی داشت (محمود، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۶۵). از این منظر، ناصرالدین‌شاه به هیچ وجه حاضر نبود که پروژه‌ای چنین پرهزینه و حیثیتی را با مال شخصی صدراعظمی معزول و مقتول به انجام برساند. آنچه در کتیبه‌ها و اسناد رسمی آمده، دقیقاً بازتاب همین سیاست نمادین شاه است؛ به عبارت دیگر ناصرالدین‌شاه که نه تنها خود را متولی بازسازی و نگهداری از حرم مطهر عسکریین می‌دانست، بلکه حفظ موقعیت شیعیان و ایرانی‌ها را در سامرا لازم و واجب می‌پنداشت و به همین دلیل از کمک به طلاب ساکن سامرا به هیچ وجه مضایقه نمی‌کرد و افتخاری چنین بزرگ را از دست نمی‌داد. خاصه آنکه بخواهد این افتخار را به امیرکبیر عطا کند. به علاوه اگر این تذهیب و تعمیر از مال امیرکبیر بود، از چشم و گوش مردم حداقل خواص آن دوره پنهان نمی‌ماند. اینکه

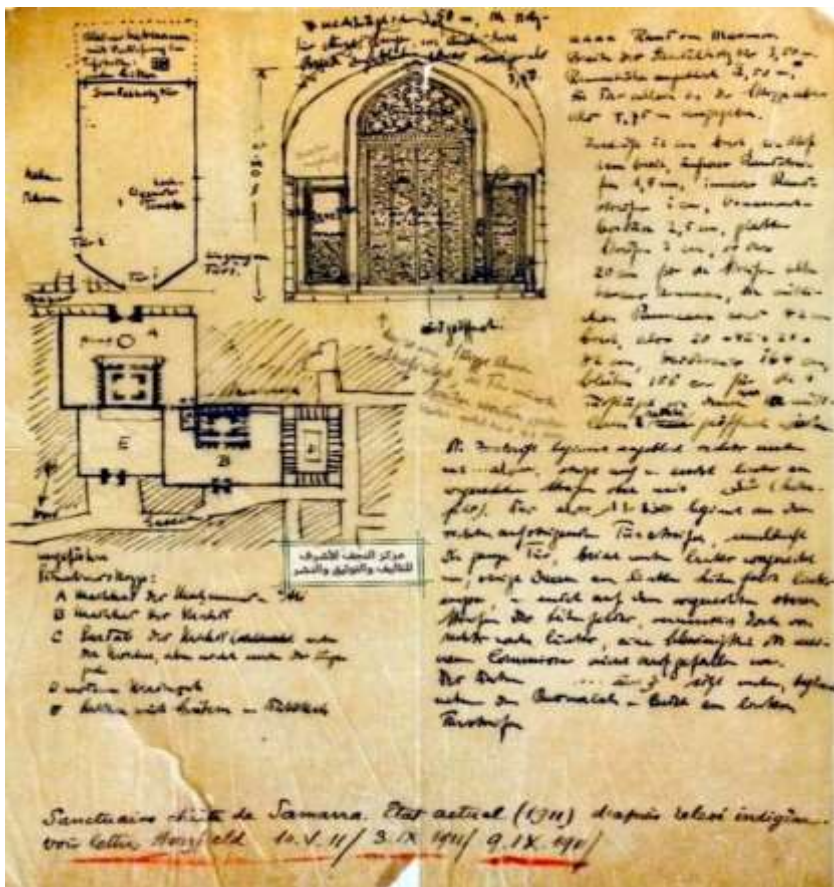
نه شیخ عبدالحسین چیزی بگوید و نه هیچ‌یک از معاصرانش، نشان‌دهنده این مسئله است که همه آنان به این نکته اذعان دارند که تمام مخارج این بازسازی را ناصرالدین‌شاه پرداخت کرده است و در ذهن هیچ‌یک از آنان این شبهه نیست که ناصرالدین‌شاه با ثلث اموال امیرکبیر برای خود در عراق آبرویی کسب کرده است؛ براین‌اساس طبیعی است که سخن محققانی که این فرضیه را مطرح کرده‌اند، بر اصلی استوار نیست.

وضعیت حرم مطهر پس از بازسازی‌های دوره ناصری

عمده تغییراتی که ناصرالدین‌شاه در حرم مطهر به وجود آورد، تا سال ۱۲۸۵ ق. به پایان رسید. این اقدامات گسترده شامل طلاکاری کامل گنبد با حدود ۳۰ هزار خشت طلا، کاشی‌کاری صحن‌ها و رواق‌ها، مرمت ایوان‌ها و به‌ویژه سنگ‌فرش و مرمکاری اطراف ضریح و مرقد مطهر بود. به نظر می‌رسد شاه قاجار با دقت و برنامه‌ریزی این کار را پی گرفته و در طول چند سال با تکیه بر نظارت و مدیریت مستقیم شیخ عبدالحسین تهرانی، پروژه‌ای در ابعادی وسیع را به سامان رسانده است. ناصرالدین‌شاه حتی فرمانی رسمی صادر کرد که براساس آن خشت‌های طلا تهیه و از تهران به سامرا ارسال شود. این خشت‌ها، که شمار آن‌ها براساس منابع بیش از بیست‌وهفت هزار عدد گزارش شده است، بنا را به شکوهی تازه رساند. شیخ عبدالحسین تهرانی، معروف به شیخ‌العراقین، که در سال ۱۲۸۶ ق. درگذشت، عملاً آخرین ناظر و مباشر این فعالیت‌ها بود. با فوت او کار به پایان رسید و میراثی از یک بازسازی گسترده در سامرا باقی ماند؛ ازاین‌پس، ارزیابی آنچه انجام گرفته بود و نیز چگونگی دوام مصالح به‌کاررفته تنها از طریق گزارش‌های سفرنامه‌نویسان، یادداشت‌های زائران و به‌ویژه تصاویر و اسنادی امکان‌پذیر شد که بعداً به دست آمد؛ از همین زمان به بعد، ایرانیان بسیاری که به سامرا سفر کرده‌اند، گزارش‌هایی از وضعیت حرم به جای گذاشته‌اند. در کنار آن‌ها، مستشرقان که به دلایل علمی و پژوهشی به عراق عثمانی سفر می‌کردند، نیز با ثبت تصویر، ترسیم پلان و نوشتن یادداشت‌های دقیق، برای ما منبعی ارزشمند پدید آورده‌اند. این منابع اگر با دقت بررسی شوند، نشان می‌دهند که اقدامات ناصرالدین‌شاه در عمل چگونه بر سیمای حرم اثر گذاشته و تا چه حد پایدار مانده است.

از میان این مجموعه آثار، بی‌شک اسناد و تصاویر هرتسفلد جایگاهی ممتاز دارد. ارنست امیل هرتسفلد، ایران‌شناس و باستان‌شناس آلمانی، در فاصله سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ م. در

سامرا فعالیت کرد. وی نه تنها به کاوش‌های باستان‌شناختی در ویرانه‌های شهر عباسی پرداخت، بلکه از اماکن مقدس و بناهای شاخص نیز عکاسی و مستندسازی کرد. شاید مهم‌ترین سند بین این اسناد پلانی باشد که احتمال داده می‌شود، خود هرتسفلد از حرم مطهر عسکرین ترسیم کرده است. اهمیت این پلان از آن جهت است که نشان می‌دهد حدود چهار دهه پس از پایان بازسازی ناصری، فضای صحن، ایوان‌ها، رواق‌ها و جای‌گیری دقیق گنبد و گلدسته‌ها به چه شکلی بوده است (تصویر دو).



تصویر دو

هرتسفلد در این پلان نه تنها ابعاد کلی بنا را مشخص کرده، بلکه جزئیات مربوط به ضخامت دیوارها، تناسب بین قطر گنبد و دهانه ایوان‌ها، و موقعیت دقیق ورودی‌های صحن را نیز ثبت

کرده است. از نظر تاریخی نیز اهمیت پلان هرتسفلد در آن است که تصویری مقایسه‌ای در اختیار ما قرار می‌دهد. با رجوع به این نقشه‌ها و مقایسه با پلان‌هایی که بعدها توسط معماران عراقی و ایرانی ترسیم شد، می‌توان تغییرات تدریجی بنا را در قرن بیستم دنبال کرد؛ برای مثال، برخی الحاقات و مرمت‌هایی که در نیمه دوم همان قرن صورت گرفت، با رجوع به پلان هرتسفلد شناسایی می‌شود؛ به این ترتیب، نقشه او نه تنها وضعیت پس از بازسازی ناصری را بازتاب می‌دهد، بلکه نقطه مرجع مهمی برای مطالعه تحولات بعدی به شمار می‌رود.

از جنبه علمی، دقت زیاد هرتسفلد در برداشت ابعاد و تناسبات شایان توجه است. او به عنوان باستان‌شناسی آموزش دیده، تنها به ثبت ظاهری بسنده نکرد، بلکه با وسواس علمی، جزئیات را اندازه‌گیری و ترسیم کرد. همین امر سبب می‌شود که پلان‌های او از اعتبار زیادی برای تحلیل‌های معماری برخوردار باشد.

عکس‌های او نیز از گنبد و بارگاه عسکریین، کمتر از پنج دهه پس از طلاکاری ناصری، امروز دقیق‌ترین مدرک تصویری برای شناخت وضعیت آن زمان به شمار می‌رود.

عکسی از سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ در دست است که آشکار می‌کند که سطح گنبد پوشیده از خشت‌های طلاست و در کلیت خود شکوه و درخشندگی دارد؛ اما در بخش‌هایی لکه‌ها و آثار فرسودگی مشاهده می‌شود و داریست‌های بازسازی مجدد نیز خودنمایی می‌کند. بخشی از کاشی‌های گنبد سرداب نیز در این عکس ریخته است (تصویر سه).

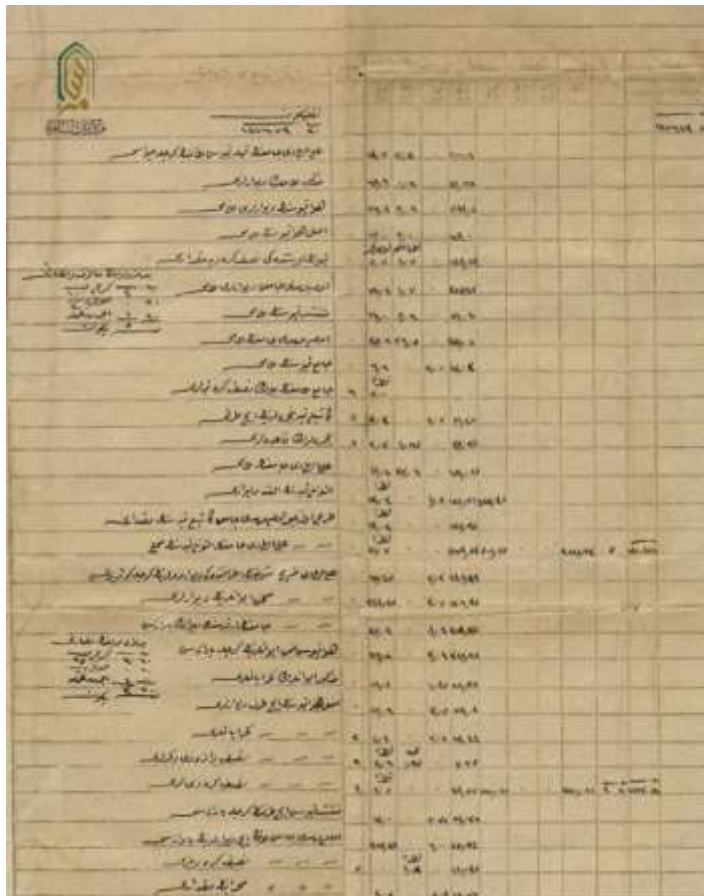


تصویر سه

براساس همین تصاویر احتمال داده می‌شود که خشت‌های طلا در اثر شرایط محیطی سامرا دچار تغییراتی شده بودند. باید توجه داشت که سامرا در اقلیمی گرم و نسبتاً مرطوب قرار دارد و گردوغبار به‌ویژه در فصول گرم سال بر سطوح بناها می‌نشیند. این امر در کنار باران‌های موسمی و تغییرات دما می‌تواند باعث رسوب نمک‌ها یا همان شوره‌زدگی بر سطح فلز شود. هرچند خود طلا به‌لحاظ شیمیایی فلزی مقاوم است و به‌سادگی اکسید نمی‌شود، اما وجود ناخالصی در آلیاژ خشت‌ها یا استفاده از لایه‌های میانی و ملات‌های حاوی مواد قابل‌واکنش می‌تواند به ایجاد لکه و تغییر رنگ بینجامد؛ بدین‌ترتیب، آنچه در عکس‌های هرتسفلد به شکل شوره دیده می‌شود، احتمالاً نتیجه واکنش‌های شیمیایی است.

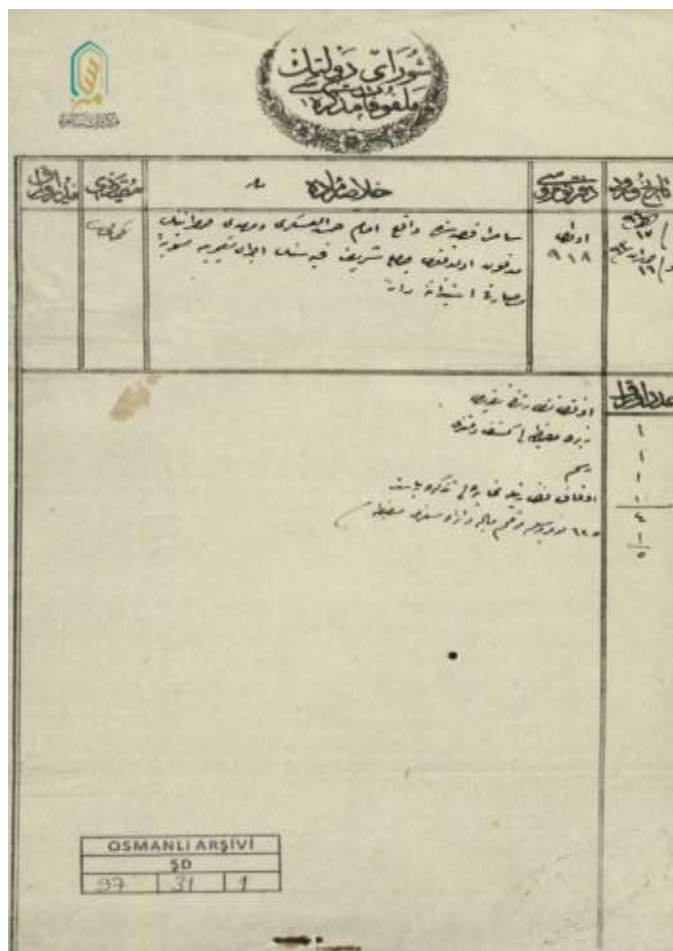
درواقع، فاصله زمانی کمتر از ۴۵ سال برای مشاهده چنین تغییراتی چندان عجیب نیست. نمونه‌های مشابه حتی در دوره معاصر نیز نشان داده‌اند که اگرچه طلا به‌خودی‌ود دیرپاترین فلز زینتی است، اما هنگامی که به‌صورت خشت یا ورق بر سطحی وسیع نصب می‌شود، در معرض عوامل گوناگون محیطی قرار دارد. از یک‌سو گردوغبار، رطوبت و تغییرات دما می‌تواند به سطح خشت‌ها آسیب وارد کند و ازسوی دیگر مراقبت‌نکردن، بی‌توجهی در نظافت دوره‌ای و حتی دستبرد و کندن خشت‌ها می‌تواند موجب از دست رفتن کیفیت اولیه شود؛ بنابراین، وقتی به عکس‌های هرتسفلد نگاه و در آن‌ها لکه‌ها، تغییر رنگ و شوره‌زدگی سطح خشت‌های طلا مشاهده شود، باید این پدیده را در بستر طبیعی و تاریخی آن تحلیل کرد. این

تصاویر نه تنها نشان دهنده فرسودگی بخشی از گنبد هستند، بلکه خود سندی زنده از این هستند که بازسازی ناصری چگونه تا چند دهه پس از اجرا دوام آورده و در عین حال چه چالش‌هایی داشته است. در حقیقت، وجود همین تغییرات سطحی، امروز برای ما ارزشمند است؛ زیرا امکان سنجش کیفیت مصالح و روش‌های اجرایی دوره قاجار را بهتر فراهم می‌کند. در اسناد عثمانی موجود (تصاویر چهار و پنج) نیز بیان شده که تعمیراتی در حرم در سال‌های ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ انجام شده است.



ردیف	شرح	مقدار	واحد	ملاحظات
۱	...	...	...	...
۲	...	...	...	...
۳	...	...	...	...
۴	...	...	...	...
۵	...	...	...	...
۶	...	...	...	...
۷	...	...	...	...
۸	...	...	...	...
۹	...	...	...	...
۱۰	...	...	...	...
۱۱	...	...	...	...
۱۲	...	...	...	...
۱۳	...	...	...	...
۱۴	...	...	...	...
۱۵	...	...	...	...
۱۶	...	...	...	...
۱۷	...	...	...	...
۱۸	...	...	...	...
۱۹	...	...	...	...
۲۰	...	...	...	...
۲۱	...	...	...	...
۲۲	...	...	...	...
۲۳	...	...	...	...
۲۴	...	...	...	...
۲۵	...	...	...	...
۲۶	...	...	...	...
۲۷	...	...	...	...
۲۸	...	...	...	...
۲۹	...	...	...	...
۳۰	...	...	...	...
۳۱	...	...	...	...
۳۲	...	...	...	...
۳۳	...	...	...	...
۳۴	...	...	...	...
۳۵	...	...	...	...
۳۶	...	...	...	...
۳۷	...	...	...	...
۳۸	...	...	...	...
۳۹	...	...	...	...
۴۰	...	...	...	...
۴۱	...	...	...	...
۴۲	...	...	...	...
۴۳	...	...	...	...
۴۴	...	...	...	...
۴۵	...	...	...	...
۴۶	...	...	...	...
۴۷	...	...	...	...
۴۸	...	...	...	...
۴۹	...	...	...	...
۵۰	...	...	...	...

تصویر چهار



تصویر پنج

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بررسی اسناد عثمانی، گزارش‌های سفرنامه‌نویسان ایرانی و به‌ویژه عکس‌های هرتسفلد آشکار می‌سازد که چیزی کمتر از ۴۵ سال پس از پایان تذهیب گنبد مطهر، خشت‌های طلای آن دچار شوره‌زدگی و فرسودگی سطحی شده بودند. این واقعیت این امکان را می‌دهد که نه تنها درک دقیق‌تری از اقدامات ناصری و نتایج آن به دست آید، بلکه از شرایط اقلیمی و چالش‌های نگهداری آثار معماری مذهبی در عراق عثمانی نیز آگاهی بیشتری پیدا شود.

در نهایت می‌توان گفت که ترکیب عکس‌های هرتسفلد و پلان او و دیگر عکس‌ها و اسناد

موجود تصویری جامع از وضعیت حرم به دست می‌دهد: عکس‌ها نمای بیرونی و کیفیت مصالح را آشکار می‌سازد؛ درحالی‌که پلان، ساختار کالبدی و تناسبات فضایی را نشان می‌دهد. در کنار هم، این دو دسته سند اجازه می‌دهند تا بازسازی ناصری نه تنها به عنوان اقدامی هنری و تزئینی، بلکه به مثابه پروژه‌ای معماری و مهندسی ارزیابی شود؛ پروژه‌ای که در زمان خود موفق و باشکوه بود؛ اما در برابر عوامل اقلیمی و کمبود مراقبت، نشانه‌های فرسایش آن کمتر از نیم قرن بعد آشکار شد.

نتیجه‌گیری

در دوره قاجاریه سیمای حرم مطهر سامرا به کلی تغییر کرد. ابتدا در دوره فتحعلی شاه خوانین دنبلی بناهای قدیمی حرم را تخریب کردند و با ساخت سه صحن، صفا و گنبد جدید و اضافه کردن مناره، چهره حرم را دگرگون کردند. پس از این دوره نیز رکن‌الملک ایوان حرم را آیینه‌کاری کرد. این تغییرات در دهه نهم قرن سیزدهم با توجه ویژه ناصرالدین شاه سرعت بیشتری گرفت. وی با استفاده از توانایی‌های شیخ عبدالحسین تهرانی و بذل مال فراوان بزرگ‌ترین بازسازی حرم مطهر عسکریین در طول تاریخ را به نام خود ثبت کرد و در میان همه خدمات ناصر، تذهیب گنبد از لونی دیگر بود. کار بزرگی که پیش از وی کسانی بارها بخت خود را برای انجامش امتحان کرده بودند و البته به مقصود نرسیده بودند. شواهد تاریخی متعددی نشان می‌دهد که ناصرالدین شاه مخارج تذهیب گنبد حرم را خودش تأمین کرده است و وصیت امیرکبیر به مصرف ثلث اموالش در امور خیریه مربوط به ایران بوده و هیچ سندی برای هزینه در سامرا وجود ندارد.

شیخ عبدالحسین تهرانی هم‌زمان وصی امیرکبیر و نیز نماینده ناصرالدین شاه در عتبات بود؛ خلط این دو وظیفه باعث نسبت دادن این بازسازی به اموال امیرکبیر شده است. از نظر سیاسی نیز دولت قاجار انگیزه‌ای نداشت که چنین سرمایه‌گذاری حیثیتی را به حساب فردی غیر از شاه ثبت کند. خاصه که این فرد امیر معزول و مقتولی باشد که سایه بزرگی‌اش حتی بعد از مرگ نیز بر سر درباریان و البته شخص شاه سنگینی می‌کرده است.

تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر ویژه از پدر بزرگوارمان، استاد دکتر ماجد نجاریان که با راهنمایی، حمایت

بی‌دریغ و همراهی همیشگی خود سهم بزرگی در نگارش و انجام این مقاله داشته‌اند.

فهرست منابع

- ادیب‌الملک، عبدالعلی (۱۳۶۴). *سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات؛ دلیل‌الزائرین* (مسعود گلزاری، مصحح). تهران: دادجو.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار؛ چهل سال تاریخ ایران* (حسین محبوبی اردکانی، مصحح). تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳-۷). *تاریخ منتظم ناصری* (محمداسماعیل رضوانی، ویراستار). تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷). *مرآت البلدان* (به اهتمام عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث). تهران: دانشگاه تهران.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ* (منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، مصحح). تهران: تاریخ ایران.
- حسینی، سیدجواد (۱۳۸۵). *حرم عسکریین (ع) در بستر تاریخ*. نشریه مبلغان، ۷۷، ۱۱-۱۹.
- خامه‌یار، احمد (۱۴۰۱). *سامرا (حرم مطهر عسکریین) در دانشنامه جهان اسلام* (زیر نظر حداد عادل؛ ج. ۲۲). ۵۸۹-۵۹۳.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک و کیان‌فر، جمشید (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ: تاریخ قاجاریه*. تهران: اساطیر.
- سماوی، محمد بن طاهر (۲۰۱۴). *وشائح السراء في شأن سامراء؛ أرجوزة في تاریخ سامراء*. کربلا: مکتبة ودار مخطوطات العتبة العباسية المقدسة، مرکز إحياء التراث.
- شمس، امید (۱۴۰۳). *معماری حرم عسکریین (ع) در سده دوازدهم هجری براساس طومار زیارتی نیبور*. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی، ص ۱۰۴، ۱۰۱-۱۱۶.
- شهری، جعفر (۱۳۵۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. تهران: رسا.
- ضرابی، عبدالرحیم کلانتر (۱۳۷۸). *تاریخ کاشان؛ مرآة القاسان* (به کوشش ایرج افشار). تهران: امیرکبیر.
- عضدالملک، علیرضا (۱۳۷۰). *سفرنامه عضدالملک به عتبات* (به کوشش حسن مرسلوند). تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- فقیه حقانی، موسی (۱۳۸۴). *خورشید سامرا*. نشریه تاریخ معاصر ایران، ۳۶، ۱۵۵-۱۷۴.
- کرمانی، مهدی (۱۳۹۴). *حرم مطهر عسکریین علیهما السلام در گذر تاریخ*. نشریه فرهنگ

- زیارت، ۲۴-۲۵، ۱۶۷-۱۸۰.
- کسروی، احمد (۱۳۶۲). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
 - گلی زواره، غلامرضا (۱۳۹۴). گذر و نظری به تاریخ و جغرافیای سامرا. نشریه فرهنگ زیارت، ۲۵-۲۴، ۱۶۶-۱۳۷.
 - محمود، محمود (۱۳۳۶). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس*. تهران: اقبال.
 - مستوفی، عبدالله (۱۳۶۱). *شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجاریه*. تهران: هرمس.
 - ملک المورخین، عبدالحسین (۱۳۸۶). *مرآت الوقایع مظفری (عبدالحسین نوایی، ویراستار)*. تهران: میراث مکتوب و سازمان میراث فرهنگی.
 - ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۲). *شهریار جاده‌ها؛ سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار به عتبات (به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
 - ناصرالدین شاه قاجار (۱۴۰۲). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ ق.* (مجید عبدالمین، مصحح). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری سخن.

References

- Marzolph, U., & Renauld, M. (2022). *An illustrated shi'i pilgrimage scroll in the collections of the royal asiatic society*. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 32(1), 187–211.
- Marzolph, U. (2017). The niebuhr scroll. In H. Anne Haslund (Ed.), *Arrivals: The Life of the Royal Danish Expedition to Arabia 1767–2017* (pp. 69–73). Copenhagen.

اقدامات ناصرالدین‌شاه قاجار در بازسازی عتبات عالیات

آتنا عربستانی^۱، علیرضا اکبری^۲

مرضیه کریمی‌زاده^۳

چکیده

ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه. ق)، چهارمین پادشاه سلسله قاجار بود و نزدیک به پنجاه سال در ایران حکومت کرد. او یکی از پادشاهان تجددخواه دودمان قاجار بود و اقداماتش تأثیر عمیقی بر روابط سیاسی و مذهبی ایران گذاشت. دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه هم‌زمان با فشارهای خارجی و تلاش برای تثبیت قدرت و تحکیم پیوند سلطنت با مذهب همراه بود. از اقدامات او در طول سلطنتش، سفر به عتبات عالیات در سال ۱۲۸۷ ق. و بازسازی حرمین شریف بود. این سفر که باهدف زیارت اهل قبور انجام شد، تأثیر عمیقی بر روابط ایران و عثمانی، مشروعیت‌بخشیدن به حکومت و پیوند آن با نهادهای دینی، و تقویت جایگاه مذهبی ایران داشت و نمونه‌ای از دیپلماسی مذهبی به شمار می‌رفت. او از این طریق، مذهب را ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی خود قرار داد. نتیجه اقدامات او باعث افزایش قدرت سلسله قاجار، پیوند آن با دین و مذهب و گسترش هنر اسلامی در ابنیه مذهبی عتبات عالیات شد. هدف این پژوهش بررسی انگیزه‌های ناصرالدین‌شاه در سفر به عتبات عالیات و تحلیل اقدامات او در جهت بازسازی و توسعه حرمین شریف است. پژوهش حاضر با اتکا بر اسناد دست اول و منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی به اقدامات ناصرالدین‌شاه در طول سفر می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش این است که ناصرالدین‌شاه چه اقداماتی در عتبات عالیات انجام داد و چگونه به‌واسطه این اقدامات توانست پایه‌های دینی

۱. گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

atenaarab221@gmail.com

۲. گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

alirezaakbari80@gmail.com

۳. گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

z59376685@gmail.com

حکومت خود را مستحکم کند. فرضیه پژوهش حاضر این است که به نظر می‌رسد شاه‌قاجار با سفر به عتبات عالیات و سرمایه‌گذاری مادی برای بازسازی و توسعه حرمین سعی کرد با کسب مشروعیت مذهبی برای سلطنت خود، حمایت علما را جلب کند و سلسله قاجار را حامیان شیعه معرفی کند.

کلمات کلیدی: عتبات عالیات، بازسازی، ناصرالدین‌شاه قاجار، سفرنامه‌نویسی، مشروعیت دینی.

The role of Nasser al-Din Shah Qajar in the reconstruction of the holy shrines

Atena Arabestani¹. Alireza Akbari². Marziyeh Karimizadeh³

Abstract

Nasser al-Din Shah Qajar (1264, 1313) was the fourth king of the Qajar dynasty and ruled Iran for nearly fifty years. He was one of the modernizing kings of the Qajar dynasty whose actions had a profound impact on political and religious relations in Iran. His interest in travel led to the writing of travelogues, which were a mixture of political, religious, and economic motives. One of his actions during his reign was a trip to the Holy Shrines in 1287 AH and the reconstruction of the Two Holy Mosques. This trip, which was undertaken with the aim of visiting the graves, had a profound impact on Iranian-Ottoman relations and legitimized the government and its connection with religious institutions, and was considered one of the fronts of religious diplomacy. During this trip, he made offerings and gifts to the Two Holy Mosques, which demonstrated his commitment to Islam, attracted the support of scholars, and introduced this dynasty as a supporter of Shiites. In addition to his vows, the Qajar Shah took significant steps to rebuild the two holy shrines in Samarra, Karbala, and Najaf with state funds and under his direct supervision. It seems that in this way, he tried to gain religious

1 Department of History. Faculty of Literature and Humanities. Kharazmi University. Tehran. Iran atenaarab221@gmail.com (corresponding author)

2 Department of History. Faculty of Literature and Humanities. Kharazmi University. Tehran. Iran alirezaakbari80khu@gmail.com

3 Department of History. Faculty of Literature and Humanities. Kharazmi University. Tehran. Iran z59376685@gmil.com

legitimacy for his government and made religion a tool to achieve his political goals. The result of his actions increased the power of the Qajar dynasty, its connection with religion and sects, and the spread of Islamic art in the religious buildings of the holy shrines.

This research, using library resources and a descriptive-analytical method, examines the role of Nasser al-Din Shah in the reconstruction of the holy shrines.

Keywords: holy shrines, reconstruction, Nasser al-Din Shah Qajar, travel writing, religious legitimacy.

مقدمه

ناصرالدین شاه قاجار چهارمین پادشاه سلسله قاجار بود که در ششم ماه صفر ۱۲۴۷ هـ. ق متولد شد و پس از فوت پدرش محمدشاه، در چهاردهم شوال ۱۲۶۴ در ۱۷ سالگی در تبریز به حکومت رسید. سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ سیاسی و مذهبی ایران به شمار می‌رود. در این دوره با حفظ ساختار سنتی جامعه ایران، نشانه‌هایی از میل به تجدیدخواهی و ارتباط با مفاهیم فرهنگ غرب نیز به چشم می‌خورد.

ناصرالدین شاه به تدریج سعی کرد با بهره‌گیری از ابزارهای مذهبی از دین برای تثبیت سلطنت خود استفاده کند. در اواسط سلطنت او عواملی مانند نزدیک‌تر شدن حکومت به علما و گسترش تشریفات مذهبی در دربار باعث بهبود رابطه او با قشر مذهبی شد. یکی دیگر از فعالیت‌های ناصرالدین شاه در جهت نزدیک شدن به علما، سفر او به عتبات عالیات در سال ۱۲۸۷ هـ. ق بود. نظام سیاسی در دوران حکومت او با بحران‌هایی مانند نارضایتی مردمی، فشارهای کشورهای خارجی و افزایش نقش علما همراه بود. هرچند که ناصرالدین شاه ساختار حکومت خود را در ظاهر به شکل سنتی معرفی می‌کرد، همواره یکی از چالش‌های او افزایش قدرت و نفوذ علما در جامعه بود.

شاه قاجار بقای سلطنت خود را علاوه بر افزایش قدرت نظامی، از طریق کسب مشروعیت مذهبی حکومت و انجام اعمال مذهبی ازسوی دربار می‌دانست. ناصرالدین شاه در سفرهایش به فرنگ و دیگر مناطق مانند عتبات عالیات چهره‌ای دوگانه از سلطنت را نشان می‌داد؛ او در سفر به فرنگ پادشاهی نوگرا و روشنفکر و در دیگر سفرها خود را به عنوان خادم دین و مطیع شریعت معرفی می‌کرد. او از یک سو اقداماتی برای اصلاحات ساختار دولت انجام داد و ازسوی دیگر، برای کسب رضایت حوزه‌های علمیه و علما، مراسم روضه خوانی، تعزیه خوانی، وقف در عتبات و ملاقات‌های رسمی با علما را افزایش داد. اقدامات او را می‌توان به مثابه دیپلماسی مذهبی در دوره قاجار دانست که با سفر عتبات عالیات به اوج رسید.

ناصرالدین شاه با حضور پررنگ در شهرهای مقدس شیعه و دیدار با علمای نجف و کربلا، بازسازی حرمین با درآمد دولت ایران و اهدای پیشکشی و نذورات، جایگاه سیاسی و مذهبی ایران را در جهان اسلام تقویت کرد. این سفر را می‌توان از جنبه‌های مذهبی و سیاسی بررسی کرد و نمی‌شود آن را تنها یک زیارت ساده دانست.

این پژوهش از این جهت دارای اهمیت است که پیوند شاهان قاجار و هنرمندان ایرانی را با مراکز شیعه نشان می‌دهد و با بازنمایی گذشته ایران این نکته را متذکر می‌شود که بخشی از بودجه دولت قاجار صرف بازسازی اماکن مقدس می‌شد و این امر نشان‌دهنده ریشه‌دواندن مذهب در بطن سلسله قاجار است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی اقدامات ناصرالدین‌شاه قاجار در عتبات عالیات، نقش او را در تحکیم بُعد مذهبی سلطنتش و تقویت رابطه دولت و علما تحلیل می‌کند.

در این پژوهش با تحلیل جامع اقدامات ناصرالدین‌شاه قاجار در عتبات عالیات، ابعاد سیاسی و مذهبی او در این سفر بررسی می‌شود. پژوهش حاضر با اتکا بر اسناد دست‌اول اداره آرشو عثمانی، سفرنامه ناصرالدین‌شاه که در طول سفرش نوشته شده است به عنوان سندی مستقیم و بی‌واسطه و همچنین گزارش رجال دربار که در این سفر او را همراهی کردند، اهداف و انگیزه‌های او را در این سفر مشخص می‌کند. هدف این پژوهش بررسی انگیزه‌های ناصرالدین‌شاه در سفر به عتبات عالیات و اقدامات او در جهت بازسازی حرمین شریف است. با تحلیل اسناد به دست آمده از اداره آرشو عثمانی نقطه‌های کور این سفر روشن می‌شود که در اسناد دولتی به عنوان سفر سیاسی و در سفرنامه و گزارشات، سفری زیارتی عنوان شده است.

بررسی اقدامات شاهان قاجار در عتبات عالیات همواره یکی از موضوعات مطالعه شده پژوهشگران و مورخان بوده و برخی مقالات در این زمینه نوشته شده است؛ اما در زمینه اقدامات ناصرالدین‌شاه قاجار در بازسازی عتبات عالیات و بانکیه بر اسناد آرشو عثمانی، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است.

حاجیان‌پور و شجاعی‌نسب (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش علمای ایرانی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی از آغاز دوره قاجار تا پایان عصر ناصری (۱۳۱۲-۱۲۱۰ ه.ق) / (۱۸۹۶-۱۷۹۵ م)»، تنها به نقش علما در عتبات عالیات و بررسی ابعاد ارتباط عثمانی و ایران درخصوص علمای ایرانی ساکن عتبات می‌پردازند و توجهی به اقدامات شاهان قاجار در عتبات عالیات ندارند.

کیانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی نقش و جایگاه راه عتبات در تحولات دینی و اجتماعی کرمانشاهان در عصر قاجار»، به صورت کلی برخی از اقدامات شاهان قاجار مانند آغامحمدخان را در عتبات عالیات بررسی کرده‌اند و با وجود اهمیت دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه، به اقدامات او پرداخته نشده است.

آبکنار و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل راهبردهای عمرانی حکام قاجار در حدفاصل سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۲۶۴ هـ. ق، از منظر شواهد معماری و منابع مکتوب» به اقدامات معماری شاهان قاجار با تمرکز بر اقدامات فتحعلی‌شاه و محمدشاه پرداخته‌اند و تنها به شاهان نیمه نخست قاجار مبادرت ورزیده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، تاکنون پژوهشی نظام‌مند و مستقل درباره اقدامات بازسازی ناصرالدین‌شاه قاجار در عتبات عالیات و اهداف او از این اقدامات انجام نشده است. امید است که این پژوهش اقدامات ناصرالدین‌شاه را که باعث گسترش هنر اسلامی در شهرهای مقدس شد، به خوبی تحلیل کند.

اهمیت عتبات عالیات نزد ایرانیان

پس از آنکه دولت صفویه دین رسمی را تشیع اعلام کرد، توجه مردم ایران به عتبات عالیات جلب شد و هرساله تعداد اتباع ایرانی که خواستار زیارت بودند، افزایش می‌یافت. ایرانیان مدعی مالکیت عتبات عالیات بودند و این ادعا را پس از جنگ جهانی اول و هنگامی مطرح کردند که عراق از عثمانی جدا شد و به انگلیس واگذار شد. بسیاری از علمای ایرانی به این مسئله اعتراض کردند و خواستار ملحق شدن عراق به ایران بودند. یکی دیگر از اهمیت‌های عتبات عالیات نزد ایرانیان حضور علمای ایرانی و مراجع در عراق بود. این مراجع رهبران مذهبی و غیررسمی شیعیان ایران در عراق بودند که در بسیاری از اعتراضات علیه حکومت قاجار حضور داشتند و فتوا صادر می‌کردند؛ اما با توجه به آنچه گفته شد، بیشترین دلیل توجه ایرانیان به عتبات عالیات حضور مقبره‌های امامان شیعه در آن سرزمین بود (حاجیان‌پور و شجاعی‌نسب، ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۴۴). طبق گزارش‌های به دست آمده در سال ۱۹۱۸، مجتهدان ایرانی و سایر گروه‌های دینی مستقیماً هدیه‌های متنوعی از جانب حاکمان، علما و وکلا به خصوص در هند و ایران به شهرهای عتبات عالیات اعطا می‌کردند. همچنین با این هدایا جایگاه مجتهدان ایرانی در عراق و شهرهای عتبات عالیات تقویت شد و این مسئله سبب تأثیر بر جایگاه مجتهدین بزرگ ایرانی شد؛ اما پس از تأسیس دولت جدید نجف و کربلا از جذب در داخل عراق ناتوان شدند و همین امر باعث فروپاشی اقتصادی و اجتماعی شد (نقاش، ۱۹۹۶: ۳۷۷).

سلسله قاجار و توجه به عتبات عالیات

ایل قاجار مجموعه‌ای از عشایر ترک‌زبان بودند که در سال ۱۱۶۵ هـ. ش تهران را به‌عنوان پایتخت انتخاب کردند و از سال ۱۱۷۵ به‌طور رسمی بر ایران به مدت یک سده حکومت کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۸). علمای ارشد در دوره قاجار علاوه بر مالکیت زمین، اقتدار فراوانی داشتند و جایگاه مرجع تقلید بسیار دارای احترام بود؛ زیرا مؤمنان در مسائل دینی، حقوقی، اخلاقی و شخصی با آنان مشورت می‌کردند. مجتهدین بخش اوقاف، اداره مساجد، زیارتگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مکتب‌خانه‌ها را به عهده داشتند و در مدارس دینی نیز تدریس می‌کردند و به‌عنوان قضات شرعی و پیش‌نمازان مساجد در جامعه حضور پررنگی داشتند. باتوجه به آنچه گفته شد، این مسائل باعث استقلال طبقه روحانیون و مجتهدین شده بود و شاهان قاجار برای مقابله با این مسئله خود را از حامیان شیعه و حافظان قرآن و ولی‌امر مؤمنین و حاملان شمشیر امام علی (ع) معرفی می‌کردند و سفرهای زیارتی و تبلیغی زیادی به‌خصوص به عتبات عالیات انجام دادند.

ازجمله اقداماتی که سلسله قاجار در امور مذهبی انجام داد، می‌توان به آبکاری طلای گنبد بزرگ حرم سامرا، بازسازی حرم امام رضا (ع) و ایجاد خط‌آهن از تهران به حرم عبدالعظیم اشاره کرد. شاهان قاجار سالانه در ماه محرم دسته‌ها، روضه‌خوانی‌ها، تعزیه‌ها و حسینیه‌ها را تأمین می‌کردند و این امر در دوره ناصرالدین‌شاه نمود بیشتری پیدا کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۱). هرچند روحانیون و مجتهدین در دوره قاجار از نظر درآمد و جایگاه اجتماعی مستقل بودند؛ اما پادشاهان قاجار همواره سعی داشتند که چهره‌هایی مؤمنانه و مذهبی برای کسب مشروعیت مذهبی داشته باشند و از روحانیون برای این امر استفاده می‌کردند (نصیری و قائدی باردهی، ۱۴۰۳: ۲۸۷).

در دوره قاجار عتبات عالیات باتوجه به گرایش‌های مذهبی این سلسله، جایگاه والایی داشت و اقداماتی در جهت مرمت و بازسازی مرقد امامان شیعه در عتبات انجام شد. این اقدامات باعث مشروعیت آنان و همچنین حمایت روحانیون از این سلسله می‌شد. به دلیل حضور جمعیت زیادی از ایرانیان در عتبات عالیات، شاهان قاجار برای رفع مشکلات زائران تلاش می‌کردند و مردم نیز از شاهان انتظار حمایت داشتند؛ ازجمله شاهانی که به عتبات عالیات توجه می‌کرد و اقداماتی در جهت بازسازی انجام داده بود، می‌توان به آغامحمدخان

قاجار اشاره کرد. آغامحمدخان برای صحن امام حسین (ع) ضریح طلا نصب کرد و حکم کرد تا بقایای اجساد اجدادش در نجف به خاک سپرده شود. او علاوه بر این اقدامات به عبدالرزاق کاشی دستور داد تا حرم امام حسین (ع) را توسعه دهد و خانه‌هایی را اطراف حرم خریداری کند. از دیگر شاهان قاجار که به مرمت و رسیدگی به عتبات عالیات مبادرت ورزید، فتحعلی‌شاه قاجار بود.

در دوره او صحن حضرت عباس (ع) به سبک جدیدی ساخته شد و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به فقرا و خادمین عتبات عالیات اختصاص داده شد. فتحعلی‌شاه قاجار از زمانی که به حکومت رسید تلاش‌هایی در جهت تزیین و تعمیر حرم‌ها برای نشان دادن خود به عنوان شاهی دین‌دار انجام داد. همچنین محمدشاه قاجار برای حرم امام حسین (ع) ضریح نقره‌ای خالص ساخت. در میان پادشاهان قاجار ناصرالدین‌شاه پیش از سایر شاهان به عتبات عالیات توجه کرد و از نزدیک شاهد مسائل و مشکلات مربوط به مرقد امامان و زائران بود و اقدامات حائز اهمیتی انجام داد که در ادامه این اقدامات بررسی خواهد شد (کیانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۰-۵۱).

مذهب و نمایش قدرت سلطنت در دوره ناصرالدین‌شاه

ناصرالدین‌شاه در تاریخ بیست و یکم ذی‌قعدة وارد تهران شد و بیست و دوم ذی‌قعدة تاریخ رسمی حکومت او اعلام شده است. (بامداد، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۴۶) او مردی خوش‌پوش بود و در علم جغرافیا و هیئت و نجوم ید طولایی داشت. همچنین او در مسائل پلتیکی، شاهی آگاه بود و هیچ‌کدام از دیپلمات‌های آن زمان به اندازه ناصرالدین‌شاه تبحر در این امور نداشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷). در باب عمل به شرع در دوره ناصرالدین‌شاه باید به این نکته اشاره کرد که در او به شرع توجه چندانی نداشت و کسی هم حق اعتراض نداشت. همچنین اقدامات امیرکبیر می‌توانست نجات‌دهنده جامعه باشد؛ اما با قتل او، تحولی در جهت توجه به مسائل مذهبی انجام نشد (سیاح، ۱۳۴۶: ۴۶۵-۴۶۶).

این شاه قاجار را می‌توان تجددخواه‌ترین پادشاه دودمان قاجاریه دانست. گرایش او به نوگرایی و تمدن اروپا باعث نزدیکی روابط ایران و کشورهای غربی شد و او برای تسهیل این روند باید سنت‌ها را کنار می‌گذاشت. تنها مانع او در این راه روحانیون بودند؛ زیرا از سنت و مذهب پشتیبانی می‌کردند و مدرنیته را با آیین اسلام ناسازگار می‌دانستند و اقدامات

ناصرالدین‌شاه را در راستای سست‌کردن پایه‌های اسلام و از بین بردن مذهب تشیع بیان می‌کردند.

تشریفاتی‌شدن آیین‌های مذهبی در دربار ناصرالدین‌شاه دو دلیل داشت: نخست کاهش تأثیر روحانیت بر دستگاه حکومت و جامعه بود که در پی این مسئله از نفوذ روحانیون بر توده مردم کاسته شده و در دربار سیاستی اعمال شد که هدف آن ایجاد مشروعیت مذهبی داخلی و جلب مردم به آیین‌های دینی دربار بود و این مسئله باعث مشروعیت حکومت می‌شد؛ دلیل دوم امنیت و ثروتی بود که از اسلاف ناصرالدین‌شاه به او رسیده بود و باعث می‌شد که دست او در اجرای برنامه‌های تشریفاتی در دربار باز باشد. تشریفات در اجرای دو مراسم مذهبی، عاشورا و تاسوعا شکل گرفت که به ساخت تکیه‌ها منجر شد (احمدی و پورمحمدی املشی، ۱۳۹۹: ۳۰-۳۱).

فقه‌های ساکن ایران شاهد غصب حقوقشان از جانب دولت بودند. شکاف بین مذهب‌یون و ناصرالدین‌شاه به تدریج زیاد شد و اعمال فقها توسط مشاوران شاه که با آنها آشنایی داشتند، پیگیری می‌شد. ریشه تجددخواهی ناصرالدین‌شاه را شاید بتوان در همراهی او با اصلاح‌طلبان به شیوه تمایل به اروپاییان دانست. از طرفی قشر محافظه‌کار جامعه که شامل مذهب‌یون هم می‌شدند، از هرچیزی که با افراط همراه باشد، اجتناب می‌کردند تا بافت سنتی جامعه از بین نرود. درواقع آنان مذهب را به مثابه آجر بنایی می‌دیدند که اگر نباشد ساختمان از بین می‌رود (آوری، ۱۳۶۳: ۱۷۶-۱۷۷).

عصر طلایی تعزیه‌خوانی مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه است که شامل شرکت همه گروه‌های اجتماعی در تعزیه می‌شد. تعزیه در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه مرتبط با روحیه خوشگذران و تجمل‌گرایی او بود. برخی معتقدند که او از هرچیزی تفریح می‌ساخت. در امر تعزیه هم بیشتر قصد داشت تجمل و شکوه و جلال سلطنتش را نشان دهد. برخی دیگر معتقدند که دلیل حضور گسترده مردم در تعزیه‌ها، از بین رفتن فاصله طبقاتی بین مردم به صورت موقت بود (اسکندری‌نژاد و خاکی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

باتوجه به گزارش‌های حاجیه خانم علویه کرمانی درباره تعزیه در عهد ناصرالدین‌شاه، در بیست و چهارمین تعزیه‌ای که برگزار شده بود، برای شاه از هند تخت فیلی و ۸۰ هزار تومان پول آورده شد و در شب آخر هم ناصرالدین‌شاه به روضه‌خوان‌ها و فقرا و سادات انعام داد و یک کیسه پول بین مردم پاشیده شد که این واکنش موجب غرور و خشنودی شاه می‌شد.

حاجیه خانم علاوه بر تعزیه درباره روضه خوانی زنان دربار هم گزارشاتی ارائه داده است که ۳ تا ۱۰ روز روضه می‌گرفتند (علویه کرمانی، ۱۳۸۶: ۳۴).

این گزارش‌ها نشان‌دهنده نمایشی بودن ابعاد مذهبی در دربار برای ایجاد مشروعیت دینی سلسله قاجار بود و اقدامات صورت گرفته به نظر می‌رسد بیشتر به منظور نشان دادن تشریفات و قدرت شاه بود تا اجرا کردن مراسم‌های دینی به مثابه پایبندی به اسلام و تشیع.

انگیزه‌های ناصرالدین‌شاه در سفر به عتبات عالیات

سفر ناصرالدین‌شاه به عتبات عالیات برای زیارت کربلا، نجف و کاظمین از نخستین سفرهای او بود و او در این سفر برای رفع مخاصمه با دولت عثمانی با سلطان عثمانی دیدار کرد (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۷۳). مقامات بلندپایه قاجار زیارت را بهانه رسیدن به اهداف سیاسی خود قرار می‌دادند و ناصرالدین‌شاه قاجار نیز از این قاعده مستثنی نبود. برخی معتقدند که سفر زیارتی ناصرالدین‌شاه به عتبات وجه تشریفاتی داشت. شاه قاجار به دلایلی مانند تحکیم روابط میان دولت قاجار و عثمانی و مشاهده نتایج و مزایای اصلاحات در عثمانی و همچنین تقویت مشروعیت به عتبات عالیات سفر کرد (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۶: ۱۰۶). علاوه بر کارکرد صلح‌جویانه سفرهای زیارتی می‌توان به این امر هم اشاره کرد که این سفرها فرصتی را برای مذاکره درباره مناقشه‌ها فراهم می‌ساخت. ناصرالدین‌شاه در سفرش به عتبات عالیات هنگامی که به خانقین رسید، زمینه را برای حل مشکلات و اختلافات ناشی از غارتگری بین عشایر مرزی مهیا کرد. او در طول سفر به عتبات عالیات با افرادی مانند وزیر امور خارجه، ناظم افندی، گفت‌وگوهایی در باب مسائل مرزی و دفن اجساد در اماکن مذهبی انجام داد.

مهم‌ترین شکایت روحانیون مقیم عراق، نادیده گرفته شدن و پایین آمدن منزلتشان و ملزم کردن آنها به تابعیت اجباری عثمانی بود. حکومت عثمانی حرمت روحانیون ایرانی را که در عراق ساکن بودند، نگه نمی‌داشت و گاهی آنان را به انجام خدمت نظام وظیفه در عثمانی وادار می‌کرد و روحانیون از سیاست‌گذارانی مانند فخرالملک تقاضا می‌کردند که دولت عثمانی رفتاری در شأن علما انجام دهد. از طرفی علمای ساکن شهرهای زیارتی مانند شمشیر دو لبه‌ای بودند که حکومت قاجار را نگران جلب شدن دیگر علما ضد حکومت و عثمانی‌ها و تحریک علمای شیعی ضد کارگزاران سنی عثمانی می‌کردند. کنترل خزانه عتبات و دریافت وجوهات باعث شده بود که موقعیت ویژه‌ای به علما داده شود و این مسئله باعث خودمختاری

شهرهای زیارتی در عراق شده بود. مجموع این مسائل باعث توجه ناصرالدین‌شاه و عثمانی‌ها به وضعیت و موقعیت چندوجهی علما می‌شد.

فرهاد میرزا معتمدالدوله که از سیاست‌مداران برجسته قاجار بود، در سفر زیارتی ناصرالدین‌شاه پیشنهاد اتحاد معنوی ایران و عثمانی را داد؛ در نتیجه می‌توان اندیشه اتحادگرایی و همگرایی ایران و عثمانی را یکی از نتایج سفر شاه قاجار به عتبات عالیات دانست. بازنگری در روابط ایران و عثمانی باعث شد که در دو ماده عهدنامه ارزنه‌الروم درباره چگونگی رفتار با حجاج ایرانی مواردی قید شود و عثمانی متعهد شد که تشریفات دیپلماتیک را برای مقام‌های دربار اجرا کند. هنگامی که ناصرالدین‌شاه برای زیارت به عتبات عالیات مشرف شد، تشریفات برای استقبال او برای نشان‌دادن جنگ‌گریزی عثمانی‌ها انجام شد و این عمل نشان‌دهنده این بود که دولت عثمانی تمایلی به تجدید معضلات سیاسی بین دو دولت ندارد. ناصرالدین‌شاه نیز برای نشان‌دادن روابط صلح‌جویانه با عثمانی با اعطای انعام به فوج‌ها و سواره‌ها، غبار تیرگی‌های سیاسی گذشته را از بین برد (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۱۲). براساس اسناد منتشرشده در تاریخ ۱۸ ذی‌الحجه سال ۱۲۶۱ هـ. ق از آرشیو عثمانی، گزارشاتی از رفتار نامناسب مأموران دولتی با ایرانیان ساکن استانبول نیز به چشم می‌خورد؛ در این گزارش به مأموران دولت عثمانی به جهت تحکیم رابطه دوستانه با دولت ایران توصیه شده بود که رفتارشان را با اتباع ایرانی اصلاح کنند و در عثمانی از حفظت و امنیت کامل برخوردار باشند (روابط عثمانی و ایران در اسناد آرشیوی: ۶۰).

آغاز سفر شاه به عتبات عالیات در بیستم جمادی‌الآخر سال ۱۲۸۷ هجری قمری

هیچ‌کدام از کارهای ناصرالدین‌شاه بدون مقدمه اتفاق نمی‌افتاد؛ اما به رسم حکومت استبدادی، همیشه مقدمات مهم در خفا نگه داشته می‌شد و طوری تدارک می‌دید که کسی از آن مطلع نشود. در سال ۱۲۸۷ هـ. ق ناصرالدین‌شاه تصمیم گرفت به بغداد برای زیارت عتبات عالیات سفر کند (مستوفی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۰۹). شاه ایران در تاریخ بیستم جمادی‌الثانی از باغ سلطنت‌آباد به سمت زیارت کربلا حرکت کرد و در دوشان‌تپه توقف کرد. او که از شایعه مریضی در کرمانشاهان ناخشنود بود، از مردم گله داشت که چرا اصرار دارند او به این سفر نرود (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۲).

نارضایتی مردم از سفر ناصرالدین‌شاه به کربلا را شاید بتوان به دلیل سیاست نمایشی او در

این سفر دانست که مردم هم متوجه آن بودند،

رسیدن به مرز عراق در بیست و یکم شعبان

ناصرالدین شاه پس از گذشتن از ساوه، همدان، کرمانشاهان، پل ذهاب و قصرشیرین در نهایت به خانقین عرب و عجم یعنی مرز عراق رسید. او در راه با برخی از بزرگان مملکت دیدار کرده بود و در منازل مختلف اتراق می‌کرد (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۲-۷۹). هنگامی که ناصرالدین شاه به خانقین رسید خدمتگزارانی را دید که با لباس رسمی حاضر بودند (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۹۶). به گزارش عضدالملک کاروان سلطنتی ناصرالدین شاه با عظمت و شوکت همراه با صندوقی حامل هدیه شاه و سواره نظام‌ها به همراه صدای موسیقی وارد خانقین شدند (عضدالملک، ۱۳۶۹: ۱۰۸). ناصرالدین شاه سپس وارد مرز ایران و عثمانی شد و در آنجا با توجه به تلاش‌های میرزا حسین خان مشیرالدوله که از استانبول به استقبال شاه آمده بود، مراسم تشریفاتی برای شاه ایران توسط عثمانی برگزار شد (مستوفی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۰۹). ابتدا صدای توپ‌های عثمانی از دور شنیده شد و سپس سواره نظام‌های عثمانی و شیپورچیان به استقبال ناصرالدین شاه آمدند. در این میان کمال پاشا و مدحت پاشا، والی بغداد، به حضور شاه رسیدند (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۸۰).

ورود ناصرالدین شاه به بغداد در تاریخ بیست و هشتم شعبان

ناصرالدین شاه پس از رسیدن به خانقین از جانب دولت عثمانی استقبال شد و پس از نزدیک شدن به مرز بغداد خبر تبریک سلطان عثمانی به مناسبت ورود شاه ایران اعلام شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۹۱۶). او پس از گذر از شهرهای یعقوبیه و مشیریه در نهایت روز سه‌شنبه بیست و هشتم شعبان به بغداد رسید و از دور مناره‌های کاظمین را مشاهده کرد. شاه قاجار پس از توصیفات درباره مردم بغداد به شرح تشریفات عثمانی‌ها در بغداد و اقامت او در قصر ناصری و دیدن مسجدی پرداخت که ابتدا گمان می‌کرد مسجد براسا است. او روز بعد به سمت کاظمین برای زیارت حرکت کرد (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۸۶-۹۶).

در اسناد مربوط به بازسازی پل مصیب در بغداد به این نکته اشاره شده است که سفارت ایران برای رفت و آمد آسان‌تر زائران ایرانی به عتبات عالیات خواستار تعمیر این پل با هزینه دولت عثمانی یا دولت ایران شده بود. از طرفی دولت عثمانی در پی این درخواست، از تعمیر

این پل برای زائران ایرانی حمایت کرد و اقداماتی در این جهت صورت گرفت (روابط عثمانی و ایران در اسناد آرشیوی: ۶۶-۶۷).

زیارت کاظمین و اقدامات شاه ایران در بیست‌ونهم شعبان

طبق گزارش ناصرالدین‌شاه، او پیش از ورود به کاظمین دستور بازسازی گنبد، ایوان و سقف حرم را به شیخ عبدالحسن تهرانی داده بود و پس از ورود به حرم از خشت‌های طلای گنبد و نمای آن لذت برد. شاه قاجار دستور داد تا فرش‌های حرم تعویض شوند و از قالی فراهمان در آنجا استفاده شود و سپس دستور تعمیرات دیوارهای دور صحن و طلاکوبی ایوان را صادر کرد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲: ۱۱۲) ناصرالدین‌شاه پس از دیدار با کنسول‌های فرانسه، انگلیس، ایتالیا و هلند در بغداد، برای زیارت حرکت کرد و در همین زمان بود که در نقره‌ای که به میراخور سفارش داده بود، به کاظمین رسید (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

از اقدامات چشمگیر ناصرالدین‌شاه که تاکنون بر ایوان شرقی حرم کاظمین باقی مانده است، کتیبه‌ای است که به دستور او در ایوان ناصری نصب شده است. بر روی این کتیبه اشعاری در ستایش بارگاه کاظمین، دین‌داری امام موسی بن جعفر و ذکر نام ناصرالدین‌شاه به عنوان بانی کتیبه و پادشاهی فروتن در برابر ائمه حک شده است (عضدالملک، ۱۳۶۹: ۱۲۵).

براساس سند شماره ۲۶۷ اسناد آرشیو عثمانی، ناصرالدین‌شاه قاجار مبلغی برای تعمیر مناره‌های حرم ارسال کرده بود و شیخ عبدالحسین افندی به عنوان نماینده کنسولی ایران به این نکته اشاره داشت که دولت عثمانی توانایی تعمیرات مربوط به مناره را داشت، اما با این حال، بازسازی را به دولت ایران واگذار کرد (روابط عثمانی و ایران در اسناد آرشیوی: ۱۲۴).

نکته‌ای که در این سند دارای اهمیت است، این است که دولت عثمانی با تأکید بر توانایی در تعمیرات مناره‌ها، در نهایت با تردید به مقامات ایران این امر را به آنان محول کرد. این تردید نشان‌دهنده رقابت سیاسی و مذهبی بین دولت‌های ایران و عثمانی در اماکن مقدس بود.

ورود ناصرالدین‌شاه به کربلا و اقدامات او در هفتم رمضان

ناصرالدین‌شاه پس از رسیدن به کربلا هنگام زیارت که رواق حرم را مشاهده کرد، دستور تعمیر آن و نوکردن فرش و قالی و نمد گنبد مطهر را صادر کرد. او پس از گشتن به دور حجرات

صحن که قبلاً دستور تعمیرش را به شیخ عبدالحسین داده بود، دستور جدیدی مبنی بر سنگ‌کردن ازاره‌های کاشی داد؛ زیرا بر اثر رطوبت ازاره ریخته بود و مقبره خود شیخ هم در یکی از حجرات قرار داشت (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲: ۱۳۸).

از دیگر اقدامات شاه قاجار در عتبات عالیات نصب چهل چراغ توسط اقا سیدجواد بود. او دستور داد در وسط هر سه طاق چهل چراغی نصب کنند تا در شب، رواق حرم را روشن کند. همچنین ناصرالدین‌شاه با مشاهده ازاره‌های شکسته دیوارهای حرم که از جنس سنگ مرصع بود، دستور داد با سنگ مرصع نو، ازاره‌ها را تعمیر کنند (عضدالملک، ۱۳۶۹: ۱۶۱). اقدامات ناصرالدین‌شاه در کربلا را می‌توان به‌منظور نمایش اقتدار مذهبی قاجار، حفظ تزئینات و شکوه حرم و حضور معماران ایرانی در اماکن مقدس دانست.

ورود ناصرالدین‌شاه به نجف و کوفه و اقدامات او در سیزدهم و پانزدهم رمضان

ناصرالدین‌شاه در سیزدهم رمضان وارد دروازه کوفه شد و پس از ملاقات با علمای نجف برای زیارت به حرم رفت. او در حرم ایوان طلا، مناره‌های طلا، نام نادرشاه بر بالای سر درب حرم، گنبد طلا که در زمان او طلاکوب شده بود و بنای گنبد را مشاهده کرد که در زمان صفویه بازسازی شده بود و در سفرنامه‌اش به این نکات اشاره شده است. ناصرالدین‌شاه که از رواق آیینه‌کاری شده در ضریح توسط حاجی حمزه تبریزی خوشش آمده بود، آن‌قدر از حاجی حمزه تعریف کرد که او ترغیب شد آینه‌هایی که ناتمام بود را بسازد و در این راه ناصرالدین‌شاه هم وعده کمک داد (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۱۲۴-۱۲۷).

شاه قاجار علاوه بر پیشکشی و نذوراتی که عطا کرد، بیست‌ودو قطعه قندیل طلای بزرگ و کوچک مرصع، هشت قطعه قبه بالای ضریح مبارک طلا و مرصع، دو قطعه مرصع بزرگ طرف قبله ضریح علاوه بر قبه‌های دیگر، شمعدان پیشکشی سلطان رم و دو تاج مرصع هندی را در بین یک قطعه آینه به حرم اهدا کرد. به گزارش عضدالملک، ناصرالدین‌شاه دستور داد چهل چراغ در حرم و در رواق آویخته شود که این نشان‌دهنده جلال و شوکت دولت جاوید ناصرالدین‌شاه بود (عضدالملک، ۱۳۶۹: ۱۵۴-۱۶۱). از دیگر پیشکشی‌های ناصرالدین‌شاه می‌توان به جیقه الماس برلیانی اشاره کرد که پس از زیارت نجف به آستانه مبارک حضرت پیشکش کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۹۱۶).

او در پانزدهم رمضان به مسجد کوفه و پس از نماز و زیارت به سمت مقبره مسلم بن عقیل

رفت و دستور داد ازاره در داخل گنبد سنگ شود، داخل و بالای گنبد نیز کاشی شود، فرش نو انداخته شود و برای مقبره هانی هم علاوه بر تعمیرات، ضریح چوبی گذاشته شود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲: ۱۵۶-۱۵۷). اقدامات ناصرالدین‌شاه در نجف و کوفه نشان‌دهنده نمایش ثروت و اقتدار سلطنت او بود. پیشکشی‌های گران‌قیمت او را می‌توان دلیلی بر تمایل او مبنی بر جاودانه‌کردن نام سلسله قاجار در شهرهای مذکور دانست. ناصرالدین‌شاه با مرمت و بازسازی مکان‌های مقدس یادشده در پی مشروعیت‌بخشی مذهبی به حکومت خود و پیوند سلسله قاجار با اماکن مذهبی بود.

ورود ناصرالدین‌شاه به سامرا و اقدامات او در پنجم شوال

ناصرالدین‌شاه در تاریخ ششم شوال به سامرا رسید. او سپس به زیارت امامین عسکریین رفت و گنبدی را مشاهده کرد که به دستور او طلاکاری شده بود. از دیگر اقدامات او می‌توان به تعمیر صحن‌ها و کاشی‌کاری طاق‌ناها اشاره کرد که توسط شیخ عبدالحسین انجام شده بود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲: ۱۹۷). به دستور او چهل چراغ برای نشان‌دادن عظمت حکومتش در میان رواق آویخته شد و دور گنبد ۷ ردیف از خشت‌های منور نصب شد که هدیه شاه بود و به‌طور تخمینی چهل هزار خشت کار شده بود (عضدالملک، ۱۳۶۹: ۱۹۴). شاه قاجار هنگام زیارت از مرقد امام هادی (ع) که گنبد مطهر ایشان را شاه طلاکوبی کرده بود، چهل چراغ ۱۸ لاله پیشکش حرم کرد (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۱۷۰). ناصرالدین‌شاه قاجار پس از زیارت حرم در تاریخ نهم شوال به سمت ایران حرکت کرد و در غره ذیحجه به تهران رسید (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۲۲۹).

اقدامات ناصرالدین‌شاه در سامرا شامل ابعاد مذهبی از حیث طلاکاری گنبد و ابعاد سیاسی از جهت نصب چهل چراغ به‌منظور نشان‌دادن اقتدار و شکوه سلطنتش می‌شد. او با مرمت و بازسازی حرمین درواقع قصد داشت خود را به‌عنوان پادشاهی معرفی کند که به وضعیت حرمین در شهرهای مقدس اهمیت می‌دهد و درنتیجه پیوند سلطنت خود را با اسلام اثبات کند.

جواهرآلات پیشکشی‌شده توسط ناصرالدین‌شاه قاجار به حرم امام علی (ع)

سرکار اقدس یک قطعه جیغه الماس برلیان آویزدار ۵ شاخه، یک قطعه جیغه الماس توسط

مهد اولیا، یک زوج شمعدان طلا توسط نواب ولیعهد، یک قطعه جواهر استامبولی ساز الماس، یک قطعه جیغه الماس استانبولی توسط نواب انیس الدوله، یک قطعه جیغه کوچک توسط تاج الملوک همسر نواب ولیعهد و یک قطعه جیغه استامبولی توسط عیال آستانه مبارکه امام علی (ع) اهدا شد (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۲۵۰-۲۵۱).

جمع بندی اقدامات ناصرالدین شاه در عتبات عالیات

ناصرالدین شاه در طول سلطنت خود در راه آبادانی، رفع ویرانی، تعمیر و بازسازی ابنیه مذهبی تلاش های فراوانی کرده است. یکی از اقدامات او تذهیب قبه مبارکه مشهد عسکرین بود که بقعه مطهر و گنبد مقدس ایشان را با خشت هایی از طلا بازسازی کرد. او ایوان مشهد مقدس کاظمین صلوات الله علیه را تذهیب کاری کرد و از اضافه طلاهای عسکرین در سامرا در این ایوانات به کار برد. در حرم امام حسین (ع) تعمیرات و تزیینات فراوانی توسط ناصرالدین شاه انجام شده است. این اقدامات در قسمت های مختلف حرم شامل ضریح، رواق، صحن، حجرات، معاهد، مواقف و ملحقات به حرم بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۳). ناصرالدین شاه صحن حرم امام حسین (ع) را به همراه زمین ها و خانه های اطراف آن و بنای حجرات فوقانی و تحتانی را توسعه داد و به تعمیر گنبد مطهر ایشان و مرمت بقعه مبارکه حضرت ابوالفضل العباس به وسیله مرحوم شیخ عبدالحسین در سال ۱۲۷۷ هـ. ق اقدام کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۹). طلاکاری گنبد امام حسن عسکری و امام علی النقی (ع) که با خشت های طلا در ماه ذیقده ۱۲۸۳ توسط علیرضاخان قاجار پیشخدمت خاصه عضدالملک به عراق برده شد، توسط ناصرالدین شاه صورت گرفت. خشت های طلا و سایر مصالح عبارت بود از: ۲۷۷۴۸ خشت، ۱۶۰ کتیبه و ۳۲۰ عدد حاشیه.

او در بیست و چهارمین سال حکومت خود، در کاظمین دستور تذهیب ایوان های حرم را با خشت های زرین صادر کرد که از تذهیب گنبد مطهر عسکرین اضافه آمده بود و همچنین به دوست علی خان معیرالممالک دستور مرمت مزار طفلان مسلم را داد که شامل صحن و گنبد و ایوان و غیره می شد. شاه قاجار صحن و حجرات و رواق را توسط مرحوم شیخ عبدالحسین قدس مرمت کرد و در مسجد کوفه تعمیراتی به دستور او انجام شد. یکی از مهم ترین اقدامات ناصرالدین شاه ساختن راه های عتبات عالیات از تهران تا خانقین بود که قبل از عزیمت او به کربلا به دستور موسیو کاستگرخان صورت گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰۳-).

(۱۰۷).

سیاست عمرانی و مذهبی ناصرالدین‌شاه در عتبات عالیات را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: از یک طرف اقدامات او در شهرهای یادشده نشان‌دهنده ارادت او به امامان بود و به این دلیل مبالغی را از بودجه دولتی برای بازسازی حرم‌ها اختصاص داد. از طرفی دیگر او برای بهبود رابطه خود با روحانیون، به‌وسیله اقدامات یادشده مشروعیت مذهبی برای سلطنت خود ایجاد کرد؛ درنهایت می‌توان گفت ناصرالدین‌شاه پس از رفع اختلاف با دولت عثمانی، زیارت و بازسازی عتبات عالیات را وسیله مشروعیت‌بخشی و رسیدن به اهداف سیاسی برای تقویت سلطنت خود قرار داد. این اقدام او نوعی دیپلماسی مذهبی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

سفر ناصرالدین‌شاه قاجار به عتبات عالیات در سال ۱۲۸۷ هـ. ق نه فقط یک سفر زیارتی، بلکه جلوه‌ای از پیوند سیاست، مذهب و نمایش قدرت سلطنت قاجار بود. ناصرالدین‌شاه قاجار با بهره‌گیری هوشمندانه از نمادهای مذهبی مانند نذورات سلطنتی و بازسازی گسترده حرمین مقدس کوشید تا چهره‌ای مشروع، دین‌دار و پایبند به سنت شیعی از خود ارائه دهد؛ این چهره از حکومت که در داخل، جلب حمایت علما و قشر مذهبی جامعه را تقویت می‌کرد، در خارج نیز پیامی را مبنی بر نفوذ مذهبی ایران در مناطق زیر نفوذ دولت عثمانی منتقل می‌کرد.

اقدامات عمرانی ناصرالدین‌شاه در بازسازی حرم‌های نجف، کربلا، کاظمین و سامرا نشان می‌دهد که هنر و معماری مذهبی، ابزاری برای تثبیت اقتدار شاه قاجار در قلمرو شیعه بوده است. اهدای جواهرات گران‌بها، طلاکاری گنبد‌ها، فرش‌های نفیس و ایجاد راه‌های ارتباطی برای زائران، همگی در راستای خلق هویتی مذهبی برای سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار به شمار می‌رود.

از منظر بین‌المللی، این سفر بستری را برای توسعه دیپلماسی مذهبی میان ایران و عثمانی فراهم ساخت. دیدار با مقامات عثمانی، تشریفات رسمی و تبادل هدایا را می‌توان نمونه‌ای از دیپلماسی مذهبی دانست که با هدف کاهش تنش‌های مرزی و تقویت جایگاه ایران در میان شیعیان عراق صورت گرفت. حتی مذاکراتی مانند موضوع تابعیت اجباری ایرانیان، دفن اموات و جایگاه علما نیز مؤید آن است که این سفر، ابعادی فراتر از یک سفر زیارتی داشت.

در بُعد داخلی نیز این سفر به مشروعیت سلطنت در برابر نفوذ روزافزون روحانیون تأکید می‌کرد. در دوره‌ای که علما از اقتدار مالی، اجتماعی و دینی چشمگیری برخوردار بودند، شاهان قاجار ناگزیر بودند با بهره‌گیری از نمادهای دینی، خود را در مقام پادشاهی دین‌دار و حامی و پایبند به تشیع معرفی کنند. اقدامات ناصرالدین‌شاه در بازسازی عتبات، پاسخی در جهت رفع ابهام در مسئله مشروعیت مذهبی حکومت او بود. درواقع او با این اقدامات سعی کرد خود را پادشاهی نشان دهد که علاوه بر سفر به فرنگ، مقداری از هزینه دولت را صرف امور مذهبی و عتبات عالیات می‌کند تا زائران ایرانی در آنجا به راحتی زیارت کنند و از طرفی حکم دین‌داری سلسله قاجار به‌ویژه دوره سلطنت خود را مهر کرد.

درنهایت، این سفر را باید نقطه عطفی در تعامل میان قدرت سلطنتی و نهاد دین در ایران دانست. سفری که در ظاهر زیارتی، اما درواقع سیاستی هوشمندانه برای تحکیم قدرت ناصرالدین‌شاه و تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان پشتیبان اصلی مذهب تشیع بود؛ ازاین‌رو، سفر ناصرالدین‌شاه به عتبات عالیات نه تنها بخشی از تاریخ مذهبی ایران، بلکه سندی روشن از بهره‌گیری از دین برای بقای سلطنت به شمار می‌رود.

شایان ذکر است که تحلیل فراگیر از اقدامات ناصرالدین‌شاه قاجار در عتبات عالیات، نیازمند دسترسی کامل‌تری به منابع و اسناد دولتی و خارج از کشور است. امید است این کوشش اندک، زمینه پژوهش‌های غنی‌تر آیندگان را فراهم سازد و تحقیقات عمیق‌تری در این حوزه صورت بگیرد.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۸). *تاریخ ایران مدرن* (محمدابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نشر نی.
- آوری، پیتر (۱۳۶۳). *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله صفویه* (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: نشر مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- احمدی، علیرضا و پورمحمدی املشی، نصرالله (۱۳۹۹). *تشریفات مذهبی دوره ناصرالدین‌شاه قاجار؛ با تأکید بر ساختمان تکیه دولت*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳ (۴)، ۲۹-۴۹.
- اسکندری‌نژاد، غزل و خاکی، محمدرضا (۱۳۹۴). *تأثیر عوامل اجتماعی تاریخی ایران عصر قاجار در شکوفایی تعزیه عهد ناصری*. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر*، ۵ (۱۰)،

۱۲۰-۱۰۹.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدخان (۱۳۸۰). *چهل سال تاریخ ایران* (به کوشش ایرج افشار). تهران: انتشارات اساطیر.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۸). *شرح حال رجال ایران* (ج. ۴). تهران: نشر زوار.
- حاجیان‌پور، حمید و شجاعی‌نسب، بهمن (۱۴۰۰). نقش علمای ایرانی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی از آغاز دوره قاجار تا پایان عصر ناصری. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام*، ۹ (۱۸)، ۱۶۸-۱۲۴.
- روابط عثمانی و ایران در اسناد آرشیوی (۲۰۱۰). مترجم علی ارغون چینار، آنکارا: اداره آرشیو عثمانی، اداره کل آرشیوهای دولتی.
- سیاح، حمید (۱۳۴۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت* (به کوشش سیف‌الله گلکار). انتشارات ابن سینا.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: بهزاد.
- عباسی، محمدرضا و بدیعی، پرویز (۱۳۷۲). *شهریار جاده*. تهران: انتشارات اسناد ملی.
- عضدالملک، علیرضا (۱۳۶۹). *سفرنامه عضدالملک به عتبات* (به کوشش حسن مرسلوند). تهران: مؤسسه پژوهش مطالعات فرهنگی.
- علویه کرمانی، حاجیه خانم (۱۳۸۶). *روزنامه سفر حج عتبات و دربار ناصری* (رسول جعفریان، محقق). قم: نشر مورخ.
- کیانی، محمدقربان؛ شیخ‌احمدی، سیدمحمد و دادفر، سجاد (۱۴۰۲). بررسی نقش و جایگاه راه عتبات در تحولات دینی و اجتماعی کرمانشاهان در عهد قاجار. *فصلنامه علمی پژوهشانه تاریخ*، ۱۸ (۷۰)، ۶۸-۴۷.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۹۹). *تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه؛ شرح زندگانی من* (ج. ۱). تهران: نشر زوار.
- ناصرالدین‌شاه (۱۳۶۲). *سفرنامه ناصرالدین‌شاه قاجار*. تهران: نشر کتابخانه سنائی.
- نصیری، ولی‌الله و قائد باردی، علی (۱۴۰۳). *مواجهه دین و مدرنیته در ایران قاجار*. *فصلنامه مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۸ (۲)، ۲۷۵-۲۹۶.
- نقاش، اسحاق (۱۹۹۶ م). *شیعه‌العراق*. بغداد: دارالنهضة العربیه.
- واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۹۶). انگیزه و پیامدهای سفرهای زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج. *فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، ۹ (۱)، ۱۲۲-۱۰۳.

جایگاه زیارت عتبات در سیره عملی و آرای امام خمینی (ره)

محمد قدرتی شاتوری^۱

چکیده

در پژوهش حاضر با روش تحلیلی-اسنادی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای جایگاه زیارت عتبات در سیره عملی و آرای امام خمینی (ره) بررسی شده است. زیارت معصومین (ع) به عنوان یکی از ارکان فرهنگ شیعی در منظومه فکری امام خمینی جایگاه ویژه‌ای دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تقیید امام به زیارت عتبات ابعاد چندگانه معنوی، سیاسی و اجتماعی دارد. ایشان با حضور منظم در حرم‌های ائمه (ع)، برگزاری مراسم عزاداری و خواندن زیارت عاشورا به صورت مستمر توانستند پیوندی ناگسستنی بین مبارزه سیاسی و معنویت شیعی ایجاد کنند. همچنین، تحلیل سیره عملی امام نشان می‌دهد که زیارت در نگاه ایشان وسیله‌ای برای تقرب به خدا، تجدید بیعت با آرمان‌های اهل بیت (ع) و تقویت روحیه انقلابی در جامعه بود. محقق در این پژوهش با استناد به منابع دست‌اول و خاطرات همراهان امام به این نتیجه می‌رسد که رویکرد امام خمینی به زیارت عتبات الگویی جامع از تلفیق معنویت و مبارزه را ارائه می‌دهد که می‌تواند برای پژوهش‌های بعدی در حوزه اندیشه سیاسی-مذهبی ایشان راهگشا باشد. یافته‌های این مطالعه بر اهمیت زیارت به عنوان یک سنت زنده شیعی و ابزاری برای حفظ اصالت فرهنگی در جهان معاصر تأکید دارد.

کلمات کلیدی: زیارت عتبات، سیره عملی امام خمینی، فرهنگ عاشورا، تبعید نجف،

معنویت

۱. دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اصفهان
mohamad.ghoodrati1373@gmail.com

The position of pilgrimage to shrines in Imam Khomeini's practical life and opinions

Dr. Mohammad Ghodrati¹

ABSTRACT:

The present study, using an analytical-documentary method and library tools, examines the place of pilgrimage to shrines in the practical life and views of Imam Khomeini (RA). As one of the pillars of Shiite culture, the pilgrimage to the Infallibles (AS) has had a special place in the Imam's intellectual system. The findings of the study indicate that the Imam's commitment to pilgrimage to the shrines had multiple spiritual, political, and social dimensions. By regularly attending the shrines of the Imams (a.s.), holding mourning ceremonies, and continuously reciting the Ashura pilgrimage, he was able to create an unbreakable link between political struggle and Shiite spirituality. Also, an analysis of the Imam's practical life shows that in her view, pilgrimage was a means of drawing closer to God, renewing allegiance to the ideals of the Ahl al-Bayt (a.s.), and strengthening the revolutionary spirit in society. This study, based on primary sources and the memoirs of the Imam's companions, concludes that Imam Khomeini's approach to pilgrimage to shrines presents a comprehensive model of combining spirituality and struggle that can pave the way for further research in the field of his political-religious

1. Department of Islamic Education and Training, Shahid Bahonar University of Education, Isfahan
E-mail: mohamad.ghodrati1373@gmail.com

thought. The findings of this study emphasize the importance of pilgrimage as a living Shiite tradition and a tool for preserving cultural authenticity in the contemporary world.

Keywords: Pilgrimage to shrines, Imam Khomeini's practical life, Ashura culture, Najaf exile, spirituality

مقدمه

حفظ اصالت یکی از وظایف اسلامی مردم و اهمیت اصالت، امری است که بیانگر واقعیت اسلام و تداوم آن در طول قرن‌هاست. اسلام به‌عنوان یک دین جهانی و کامل‌ترین آیین آسمانی همواره پایدار و جاودان مانده است. مسلمانان موظف هستند که میراث اصیل این دین را از گزند زمان محافظت و آن را به نسل‌های آینده منتقل کنند. زیارت قبور معصومین (ع) یکی از راه‌های حفظ این اصالت‌هاست. اگر این سنت فراموش شود، برکات و آثار معنوی آن به‌مرور کم‌رنگ می‌شود و حتی ممکن است به‌کلی از بین برود. در چنین شرایطی، وجود این شخصیت‌های بزرگ برای آیندگان به داستان‌هایی افسانه‌ای تبدیل خواهد شد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). نژاد ایرانی از دیرباز به‌عنوان نژادی پر جوش و تلاش شناخته می‌شود که عاشق فرهنگ و خدمت است و به این ویژگی‌ها شهرت دارد؛ از این رو جایگاه خود را در جهان باز کرده و حضور فعال و مؤثری از خود نشان داده‌اند. حضور این مردم با فرهنگ و اصیل در برخی مناطق مانند حرمین شریفین و عتبات عالیات بیشتر و جدی‌تر بود. بدیهی است که دلیل آن چیزی جز عشق و علاقه به حرم امن الهی و تربت پاک و مقدس رسول‌الله (ص) و محبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نبوده است (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۱۱: ۱۰۷).

در دنیای امروز، ملل زنده و آگاه به زیارت قبور شخصیت‌های بزرگ علاقه نشان می‌دهند و مزار آنها پیوسته مملو از زائرانی است که با دسته‌های گل به حضور آنان می‌شتابند و این همان انعکاس حکم فطرت است که باید از بزرگان و شخصیت‌هایی که خود را وقف جامعه کرده‌اند، تقدیر کرد. مسئله تشکر در لباس حضور در مزار و القای کلمه درباره خدمات آنان تجلی می‌کند. هدف از زیارت قبور معصومین (ع) آن است که از خدمات آنان تقدیر و مکتب و راه آنان در میان جامعه زنده نگه داشته شود (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۵۵). زیارت از جمله راه‌های تکریم مفاخر است که درحقیقت، موجب بقا و تداوم حیات علمی، هنری و معنوی آنان می‌شود. علاوه بر این، عاملی است که نسل حاضر و آینده را با نسل‌های گذشته پیوند می‌دهد و وسیله ارتباط معنوی با آنها و کمالات آنهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۳). ملت‌های زنده به زیارت مدفن پیشوایان و شخصیت‌های خود می‌شتابند که جان و مال خود را برای نجات مردم و رهایی از چنگال استعمارگران و ستمگران فدا کردند. آنها برای زنده

نگه داشتن یاد و خاطره آنان مجالس برپا می کنند و به ذهن هیچ یک از آنها نمی گذرد که این گونه بزرگداشت ها تجلیل از این شخصیت هاست. یاد و خاطره شخصیت ها کجا و تکریمشان کجا؟ این بزرگداشت ارج نهادن به تلاش های آنان است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

زیارت مرقد معصومین حکم نوعی بیعت با ایشان را نیز دارد. امام رضا (ع) در یکی از سخنان خود درباره زیارت حرم معصومین (ع) می فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ، وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ» هر امامی عهد و میثاقی بر ذمه دوستان و شیعیان خویش دارد و زیارت قبور امامان، بخشی از عمل به این تعهد است» (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۳۴۶). زائر هنگام زیارت قبور معصومین (ع) با آنها عهد می بندد که جزء راه و رسم آنان در راه دیگری گام بر ندارد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). زیارت ها یکی از برترین نعمت های الهی است که دل ها را نورانی می کند و به سوی خدا می کشاند. کسانی که فرستادگان قرب الهی هستند اطاعتشان اطاعت خداست، حبشان حب خدا و بغضشان غضب خداست و با حضورشان هر مکان رنگ خدا می دهد و همه را الهی می کنند. ما آنها را گرامی می داریم و مشتاقانه به سراغ همه آنها می رویم و آنها را دعوت می کنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵).

زیارت عتبات مقدس به عنوان یکی از ارکان فرهنگ شیعی همواره جایگاهی ویژه در منظومه فکری و عملی مسلمانان به ویژه شیعیان داشته است. این سنت دیرینه نه تنها به عنوان یک عمل عبادی، به عنوان ابزاری برای تقویت هویت دینی، حفظ میراث معنوی و ترویج ارزش های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، امام خمینی (ره) به عنوان یکی از برجسته ترین شخصیت های معاصر شیعه با نگاهی جامع به زیارت عتبات آن را در ابعاد مختلف معنوی، اجتماعی و سیاسی مورد تأکید قرار دادند. بررسی سیره عملی و آرای ایشان در این زمینه می تواند الگویی را برای تبیین نقش زیارت در تقویت هویت دینی و انسجام اجتماعی شیعیان ارائه دهد. این پژوهش با این پرسش اصلی آغاز می شود که جایگاه زیارت عتبات در سیره عملی و آرای امام خمینی چگونه تبیین می شود و چه ابعادی دارد؟ محقق در پژوهش حاضر درصدد است تا با نگاهی جامع سیره امام خمینی را در حوزه زیارت بازخوانی کند و نشان دهد که چگونه ایشان توانستند این سنت دینی را به ابزاری برای تحول اجتماعی و سیاسی تبدیل کنند.

از لحاظ جنبه نظری بررسی جایگاه زیارت در منظومه فکری امام خمینی می تواند به غنای

ادبیات پژوهشی در حوزه مطالعات دینی و سیاسی کمک کند. محقق در این پژوهش با ارائه چارچوبی تحلیلی به درک بهتر ارتباط میان معنویت و عمل اجتماعی در اندیشه ایشان می‌پردازد.

از لحاظ جنبه عملی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای نهادهای فرهنگی و مذهبی در راستای ترویج فرهنگ زیارت و تقویت هویت شیعی مفید باشد. همچنین، الگوبرداری از سیره امام خمینی می‌تواند به زائران در درک عمیق‌تر از زیارت و کارکردهای چندبعدی آن کمک کند. از لحاظ جنبه اجتماعی، در جهان معاصر که هویت‌های دینی با چالش‌های متعددی روبه‌روست، زیارت به‌عنوان یک سنت زنده می‌تواند عاملی برای انسجام اجتماعی و مقاومت فرهنگی باشد. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه امام خمینی از این سنت به‌عنوان ابزاری برای بسیج مردمی و تقویت روحیه انقلابی استفاده کردند.

این پژوهش با روش تحلیلی-اسنادی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های لازم از منابع دست‌اول شامل آثار مکتوب امام خمینی، خاطرات همراهان ایشان و منابع معتبر تاریخی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با رویکردی کیفی و با هدف تبیین ابعاد مختلف زیارت در سیره امام خمینی صورت گرفته است.

مفهوم‌شناسی

واژه زیارت از «زور» گرفته شده است. اصل این واژه به‌معنای «میل و عدول از چیزی» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۶). زائر را از آن جهت زائر می‌گویند که وقتی به تو می‌آید از غم غیر تو عدول می‌کند و رو برمی‌گرداند؛ از این رو برخی گفته‌اند، به‌معنای «قصد و توجه» است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۳).

فیومی نیز در تعریف واژه زیارت می‌نویسد: «زَارَه زیارَه و زوَاراً قَصْدَه... و الزَّیَّارَةُ فی العَرَفِ قَصْدُ المَزُورِ اِکْرَاماً لَهُ و اِسْتِثْنَاءً بِهِ؛ زیارت به‌معنی قصد دیدار کسی‌نمودن و در عرف به‌معنی کسی را قصدکردن و به دیدار شخصی شتافتن به‌منظور تکریم او و انس به او است» (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۵۴). همچنین، در فرهنگ ابجدی به‌معنای رفتن به اماکن مقدس برای زیارت پیشوایان دینی و مذهبی آمده است (بستانی، ۱۳۷۵: ۴۶۶).

واژه «عَتَبَة» در زبان عربی به‌معنای آستان و درگاه است (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۹۹). عَتَبَاتِ عَالِیَاتِ یا اَعْتَابِ مقدس (به‌معنای آستانه‌های بلندمرتبه) به اماکن مذهبی و مزارهای مقدس

امامان شیعه در عراق گفته می‌شود که در شهرهای زیارتی نجف، کربلا، کاظمین و سامرا واقع شده است.

سیره عملی امام خمینی

امام خمینی زیارت را نه تنها یک عبادت فردی، حرکتی انقلابی و میثاقی مبارزاتی می‌دانستند. ایشان با تأکید بر آداب معنوی و انقطاع از تعلقات دنیوی زیارت را به سنگری برای تقویت روحیه جهادی و پابندی به آرمان‌های الهی تبدیل می‌کردند. رفتار ایشان با زائران نیز ترکیبی از مهرورزی و قاطعیت بود؛ به گونه‌ای که زیارت را مکتبی برای تربیت مبارزان وفادار به آرمان‌های اسلام ناب می‌ساختند. در ادامه، سیره عملی ایشان بررسی خواهد شد.

کیفیت و آداب زیارت

در خاطرات سال‌های حضور امام در عراق آمده است که «برخلاف شیوه برخی علما در زیارت مراقده ائمه (ع) که به طور اختصار و با عرض سلام و خواندن دو رکعت نماز و خداحافظی برگزار می‌شد، امام شیوه خاصی داشتند. با وجود اینکه ایشان هر شب در ساعتی مشخص به حرم حضرت علی (ع) مشرف می‌شدند، اما آداب اذن دخول، خواندن نماز و زیارت و مفاتیح را به دقت در حدود نیم ساعت انجام می‌دادند. روش ایشان در انجام زیارت برای رفع تکلیف و ادای وظیفه نبود، بلکه دعا و حاجت‌خواهی از ائمه و نشستن کنار ضریح از آداب ایشان در زیارت مراقده متبرکه به حساب می‌آمد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۶۵).

رفتار امام بیانگر آن است که ایشان زیارت را به عنوان عمل عبادی تلقی نمی‌کردند، بلکه به عنوان فرصتی برای ارتباط عمیق با ائمه و تقرب به خداوند می‌دانستند. زیارت ایشان تنها برای رفع تکلیف یا ادای وظیفه نبوده است، بلکه نگاه عرفانی و معنوی ایشان به زیارت به گونه‌ای بوده است که از آن به عنوان تجربه‌ای روحانی و معنوی عمیق استفاده می‌کردند. تشرف در ساعت‌های مشخص نشان‌دهنده آن است که ایشان زیارت را بخش جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ای روزانه خود می‌دانستند و زیارت را یک عمل تشریفاتی نمی‌دانستند، بلکه با اختصاص زمان کافی به زیارت در راستای ارتباط عمیق استفاده می‌کردند که می‌تواند الگویی برای مردم باشد.

گاهی ممکن است افرادی که در عرصه‌های سیاسی و مبارزات فعالیت می‌کنند، از نظر ابعاد

دینی یا معنوی دچار تزلزل شوند؛ اما امام خمینی هر دو بُعد را حفظ کردند. کشمیری درباره توجه ویژه امام خمینی به زیارت حضرت علی (ع) می‌نویسد: «تشریف شبانه حضرت امام به حرم حضرت علی (ع) نشان از روحیه معنوی و توجه وافر به اهل بیت به‌ویژه امیرمؤمنان (ع) بود. این ویژگی ایشان برای کسانی که به‌خوبی با ایشان آشنا نبودند و بیشتر چهره سیاسی انقلابی امام را دیده بودند، تعجب‌برانگیز بود؛ چون انتظار نداشتند شخصیتی که با یک دیکتاتور درافتاده و داعیه مبارزه با آمریکا و اسرائیل دارد، ابعاد معنوی و روحانی‌اش هم اینقدر قوی باشد و هر شب وقت خاصی را وقف زیارت حرم مطهر حضرت علی نماید؛ زیرا به‌طور طبیعی، افرادی که جنبه سیاسی مبارزاتی قوی‌ای داشتند، ابعاد دینی و معنوی‌شان تزلزل می‌کرد؛ ولی امام این قاعده را درهم شکسته و در عرصه‌های مختلف، مجمع اضداد شده بود و همین ویژگی‌ها بود که طلباب و بعضی از مخالفان ایشان را مجذوب خود می‌کرد» (سید صادقی، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۳۲).

از برجسته‌ترین وجوه شخصیتی امام عرفان، عبادت و تزکیه ایشان است. آنچه در خاطرات از ایشان در زمان حضور در نجف آمده آن است که هیچ چیز مانع از زیارت امام نمی‌شد. مگر در مواقعی که مریض بود و بیشتر شب‌ها حدود دو ساعت و نیم پس از غروب به زیارت حضرت علی (ع) می‌رفته‌اند. در طول پانزده‌سالی که امام در نجف بودند، زیارت حضرت امیر (ع) را ترک نکردند و بیشتر هم زیارت جامعه را می‌خواندند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۸). خواندن این زیارت امام خمینی نشان‌دهنده اعتقاد عمیق ایشان به مقام ائمه (ع) و تبعیت از سیره آنهاست.

در خاطرات همراهان ایشان در نجف آمده است: «برنامه امام این بود که ساعت سه بامداد وارد حرم شود و معمولاً بعد از زیارت بر قبر شیخ انصاری فاتحه می‌خواند. ایشان در حرم روبه قبله می‌ایستاد و با دست پنجره ضریح را می‌گرفت و زیارت امین‌الله را از حفظ می‌خواند. پس از خواندن این زیارت به کنار دیوار می‌رفت و همان‌جا می‌نشست و زیارت جامعه کبیره را می‌خواند. آنگاه پس از خواندن دو رکعت نماز رهسپار منزل می‌شد. این برنامه هر شب به‌طور منظم اجرا می‌شد» (روحانی، ۱۳۶۴: ۳۰۲).

انتخاب ساعت‌های اولیه بامداد بیانگر اهمیت سحرخیزی و استفاده از زمان‌های قدس برای عبادت و زیارت است. امام خمینی به آداب زیارت نیز مقید بوده و گرفتن پنجره ضریح نشان‌دهنده ادب و احترام ایشان در برابر مضجع شریف حضرت علی (ع) است. گرفتن پنجره

ضریح نیز می‌تواند نمادی از ارتباط عاطفی و معنوی عمیق ایشان با امام علی (ع) باشد. امام خمینی با وجود جایگاه بلندش در فلسفه و عرفان تعهد و پایبندی عمیقی به ظواهر شرع داشت. ویژگی‌ای که کمتر در افراد یافت می‌شود. مرحوم حاج آقا مصطفی خاطره‌ای نقل می‌کند که شبی در نجف هوا طوفانی و بیرون رفتن از خانه بسیار دشوار بود. او به امام پیشنهاد داد: «امیرالمؤمنین (ع) دور و نزدیک نمی‌شناسد. زیارت جامعه‌ای را که معمولاً در حرم می‌خوانید، امشب در خانه بخوانید». اما امام در پاسخ گفتند: «مصطفی، لطفاً این روحیه عوامانه را از ما نگیر» و همان شب با وجود شرایط سخت به حرم مشرف شدند (رجائی، ۱۳۹۲، ج ۳، ۲۰).

از دیدگاه نگارنده پاسخ امام خمینی به فرزندانش نشان‌دهنده آن است که نباید به بهانه‌های مختلف از انجام دادن اعمال معنوی و زیارت ائمه سرباز زد. ایشان روحیه‌ای قوی و جدی در انجام دادن فرایض دینی داشتند و حاضر نبودند به دلیل شرایط سخت از برنامه‌های معنوی خود عقب بنشینند. محتمل است امام با عبارت «روحیه عوامانه» به نوعی نگرش سطحی و سهل‌انگارانه در انجام دادن عبادت‌ها اشاره می‌کند و نباید به بهانه‌های مختلف از انجام دادن اعمال معنوی باکیفیت و شرایط مطلوب کاست.

آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی، از شاگردان نزدیک امام خمینی در نجف، خاطراتی از تقیّد و نظم ایشان در زیارت حرم امام علی (ع) را نقل می‌کند. وی می‌نویسد: «امام هر شب به حرم امام علی (ع) مشرف می‌شدند. من شخصاً نظم و انضباط ایشان را مشاهده کرده‌ام. امام دقیقاً ساعت ۹ شب وارد صحن حرم می‌شدند و این برنامه منظم ایشان به قدری دقیق بود که حتی طلاب و شاگردانشان ساعت‌های مطالعه، مباحثه و دیگر فعالیت‌های خود را با زمان زیارت امام تنظیم می‌کردند». عمید زنجانی ادامه می‌دهد: «کیفیت تشرّف امام به حرم بسیار دیدنی بود و ما بارها شاهد این صحنه‌ها بودیم. وقتی امام وارد حرم می‌شدند، ابتدا می‌ایستادند و سلام کوتاهی می‌دادند. سپس به سمت ضریح حرکت می‌کردند و قسمت جلوی ضریح را می‌بوسیدند. پس از آن در ضلعی که روبه‌روی سر مبارک امام علی (ع) قرار داشت، می‌نشستند و سپس در ضلع پشت سر روبه‌روی قبر مطهر می‌ایستادند و زیارت امین‌الله را می‌خواندند. بعد از آن چند قدم به عقب برمی‌گشتند و در محلی که معمولاً برای ایشان آماده می‌شد، با استفاده از کتاب مفاتیح‌الجنان زیارت جامعه را قرائت می‌کردند». همچنین، او اشاره می‌کند: «با وجود اینکه در نجف مرسوم نبود علما از کتاب مفاتیح استفاده کنند و برخی آن را ناپسند

می‌دانستند، امام خمینی بدون توجه به این موضوع به خواندن زیارت‌ها از روی مفاتیح پایبند بودند» (موسوی، ۱۳۹۱: ۶۶).

به نظر می‌رسد برنامه منظم امام برای زیارت نه تنها در زندگی شخصی ایشان، بر زندگی طلاب و شاگردانشان نیز تأثیرگذار بوده است؛ زیرا آنها برنامه‌های خود را با زمان زیارت امام تنظیم می‌کردند. این موضوع نشان‌دهنده تأثیرگذاری اخلاق و رفتار امام بر اطرافیان است. خواندن ادعیه از روی مفاتیح بیانگر این است که امام خمینی به سنت‌ها و روش‌های مذهبی که به آنها اعتقاد داشتند، پایبند بودند و تحت تأثیر نظرهای دیگران قرار نمی‌گرفتند.

زیارت به مثابه تقویت مبارزه

امام خمینی (ره) پس از ورود به عراق در مهرماه ۱۳۴۴ یک ماه در کاظمین، سامرا و کربلا اقامت کردند و از وضعیت حوزه‌های عراق بازدید و عتبات عالیات را نیز زیارت کردند. در سیزدهم مهرماه ۱۳۴۴ دو روز بعد انتقال حضرت امام از ترکیه به عراق در دوران تبعید پس از زیارت حرم کاظمین در بغداد به زیارت حرم عسکریین در سامرا مشرف شد که اولین و آخرین زیارت ایشان در سیزده سال اقامت در کشور بود. امام دو روز و نیم در کاظمین بودند و عصر روز پنجشنبه پانزدهم مهرماه ۱۳۴۴ به همراه حاج آقا مصطفی، حاج شیخ نصرالله خلخالی و جمعی از روحانیون و طلاب نجف و کاظمین عازم زیارت سامرا شدند. در سامرا جمع کثیری علما و بزرگان و مردم شهر اعم از شیعه و سنی به استقبال امام آمدند و جشن ورود آن حضرت در مدرسه میرزای بزرگ شیراز برپا شد. این مراسم با حضور اقشار مختلف شهر برگزار شد (روحانی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۶۲).

تحلیل نگارنده آن است که زیارت عتبات امام خمینی در بدو ورود به عراق تنها یک سفر مذهبی نبود، ترکیبی از ارتباط معنوی با اهل بیت (ع)، بررسی وضعیت حوزه‌های علمیه و تقویت شبکه مبارزان شیعه بود. در اولویت قراردادن زیارت عتبات در بدو ورود به عراق با وجود شرایط سخت تبعید بیانگر اهمیت معنوی و دینی این اماکن نزد ایشان و عشق و ارادت عمیق ایشان به اهل بیت (ع) است. همچنین، بازدید از حوزه‌های علمیه عراق نشان‌دهنده دغدغه ایشان برای بررسی وضعیت علمی و مذهبی شیعیان در آن زمان است. این اقدام می‌تواند نشانه‌ای از نگاه استراتژیک امام به تقویت نهادهای دینی در مبارزه با رژیم پهلوی باشد.

یکی از یاران امام نقل می‌کند: «حضرت امام یک شب در سامرا ساکن شدند. در آنجا منزلی برای امام گرفتند و ایشان در منزل خود از دوستانی که به دیدنشان می‌آمدند، پذیرایی می‌کردند. درب منزل امام از صبح تا شب باز بود و همه دوستانی که همراه امام بودند برای شام و ناهار خدمت امام بودند و شب به جاهایی که گرفته بودند و یا به حسینه‌ها و مدارس می‌رفتند. عده‌ای همراه امام به زیارت می‌رفتند، در حرم سامرا هم همین جور بود. معمولاً نماز مغرب و عشا را به صورت جماعت در ایوان سامرا برگزار می‌کردند و بعد برای استراحت تشریف می‌آوردند. در بازدید از مدرسه مرحوم آیت‌الله العظمی محمدحسن شیرازی بزرگ، صاحب فتوای تنباکو هم ایشان پس از فاتحه‌خواندن ایستادند و دست‌ها را بلند کردند و برای ایشان دعا کردند» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶).

ظاهر آن است که حضور امام خمینی در سامرا نشان‌دهنده عمق ایمان و ارادت ایشان به زیارت ائمه است که رفتار و سیره ایشان الگویی برای برپایی شعارهای دینی و تقویت روحیه معنوی در میان همراهان و مردم بوده است. برگزاری نماز جماعت امام در ایوان حرم سامرا علاوه بر جنبه عبادی، بُعد اجتماعی و سیاسی نیز داشت. این کار نه تنها بر وحدت شیعیان تأکید می‌کرد، به عنوان یک حرکت نمادین، حضور روحانیت در کنار مردم و رهبری دینی آنان را به نمایش می‌گذاشت. این رفتار امام مشابه سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بود که نماز جماعت را محلی برای تجمع و همبستگی امت اسلامی می‌دانستند. حضور امام در حسینه‌ها و مدرسه‌ها نیز نشان‌دهنده ارتباط ایشان با مراکز فرهنگی و مذهبی جامعه است. ایشان همواره در تلاش بوده‌اند تا با حضور در این مکان‌ها روحیه دینی و انقلابی مردم را تقویت کنند. به نظر می‌رسد، اقامت کوتاه امام در سامرا اگرچه یک سفر زیارتی بود، در عمل، ترکیبی از کارکردهای عبادی، اجتماعی و سیاسی داشت. امام با باز نگه داشتن درب منزل، برپایی نماز جماعت و تجلیل از چهره‌های مبارز مانند آیت‌الله شیرازی شبکه‌ای از ارتباطات مردمی و انقلابی را تقویت می‌کرد.

ایشان پس از سپری شدن یک ماه در نجف عزیمت کردند. امام خمینی در دوران حضور در عراق تقیّد خاصی به زیارت مرقد‌های مطهر داشتند؛ به طوری که به طور مداوم و در ساعت‌های مشخصی برای زیارت راهی حرم و در آنجا مشغول عبادت می‌شدند. تعبد و تقیّد روحانی امام و دقت و بردباری ایشان در برپاداشتن آداب زیارت برای همه درس و الگوست. امام طی ۱۵ سال اقامتشان در نجف تنها دومرتبه به کوفه مشرف شدند. اولین بار زمانی

بود که از ترکیه به عراق آمده بودند. مرسوم است که همه زائران به کوفه سفر می‌کنند و قبر حضرت مسلم را زیارت می‌کنند و اعمال مسجد کوفه را انجام می‌دهند. امام هم برای زیارت قبر حضرت مسلم بن عقیل و انجام دادن اعمال مسجد کوفه تشریف بردند. بار دوم زمانی بود که آقای خوئی پس از بازگشت از لندن در خانه‌اش در کوفه بستری شد و امام به عیادت ایشان رفتند و پس از عیادت به نجف بازگشتند (رجائی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۰۱).

تحلیل نگارنده آن است که زیارت امام از قبر حضرت مسلم بن عقیل و انجام دادن اعمال مسجد کوفه ابعاد عمیق تاریخی-سیاسی دارد. این اماکن نماد قیام و شهادت در راه حق است. انتخاب امام برای زیارت این مکان‌ها در اولین فرصت می‌تواند نشانه‌ای از تأکید بر مبارزه و پایداری در راه عقیده باشد. همان‌گونه که حضرت مسلم تا پای جان در این راه ایستادگی کرد. این رفتار امام پیامی نمادین به همراهان و شاگردانش داشت.

الگوی رفتار با زائران

ایشان وقتی وارد حرم می‌شدند، رسمشان این نبود که به کسی بگویند، بلند شو، بگذار من اینجا بنشینم. هر جای خالی پیدا می‌کردند، می‌نشستند. به همین دلیل، برخی از طلبه‌ها زودتر می‌رفتند تا اگر جمعیت زیاد بود و جا برای ایشان نبود بنشینند و بعد جا خالی کنند تا امام بنشینند. ایشان به زیارت‌های مخصوص حضرت سیدالشهدا (ع) می‌رفتند؛ برای مثال، ماه رجب، شعبان، محرم، ذی‌حجه و اربعین به خانه‌ای که نزدیک حرم امام حسین (ع) و مرقد حضرت ابوالفضل (ع) بود، می‌رفتند. هرکسی هم با ایشان کاری داشت برای دیدن ایشان به آن خانه کربلایی‌شان می‌رفت (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷۷).

از دیدگاه نگارنده امام خمینی به جای استفاده از موقعیت اجتماعی یا جایگاه معنوی خود مانند دیگران رفتار می‌کردند و هر جای خالی پیدا می‌کردند، می‌نشستند. امام با این رفتار نشان می‌دادند که برای دیگران و حضور آنها در حرم نیز ارزش قائل هستند. ایشان نمی‌خواستند با درخواست جای خاص مزاحمتی برای زائران ایجاد کنند یا احساس برتری نسبت به دیگران داشته باشند.

در خاطرات همراهان ایشان آمده است: «امام هم برای این زیارت‌های مخصوصه به کربلا می‌رفت و حتماً روزی دو بار هم به حرم باوجود جمعیت زیاد مشرف می‌شد و معمولاً فردی که همراه امام به حرم می‌رفت - چه در نجف و چه در کربلا - آقای فرقانی یا آقای قرهی بود و

البته بیشتر اوقات آقای فرقانی با امام می‌رفت و گوشه‌ای می‌نشست تا وقتی که امام زیارتش را تمام کند و نمازش را بخواند. بعد دوباره باهم از حرم خارج می‌شدند. اگر عده‌ای می‌خواستند دنبال امام بروند، ایشان مخالفت می‌کردند؛ حتی صبر می‌کردند تا آنها برگردند، بعد می‌رفت. ایام عاشورا امام تا هفتم نجف بود و هر روز قبل از ظهر زیارت عاشورا می‌خواند. بعد یک ساعت و پنج شش دقیقه در حرم حضرت علی (ع) بالای سر می‌نشست و بعد نماز می‌خواند و به منزل باز می‌گشت. بعد از هفتم به کربلا می‌رفت. کربلا که بود در حرم حضرت ابا عبدالله زیارت عاشورا می‌خواند. عصر سیزدهم از کربلا حرکت می‌کرد و به نجف می‌آمد. این روش امام در زیارت بود و هیچ زیارتی از او ترک نمی‌شد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۹).

از دیدگاه نگارنده این رفتار بیانگر نظم، انضباط، عمق معنویت و اراده قوی امام خمینی در انجام دادن زیارت‌ها و عبادت‌هاست. ایشان با وجود شرایط سخت و جمعیت زیاد به برنامه‌های معنوی خود پایبند بودند و هیچ‌گاه زیارتی را ترک نمی‌کردند. رفتار ایشان در حفظ حریم شخصی و معنوی، همراهی با افراد مطمئن و پایبندی به برنامه‌های منظم الگویی برای دیگران در انجام دادن اعمال معنوی و حفظ نظم در زندگی است.

در خاطرات از ایشان آمده است: «روزی در حرم مطهر امام حسین (ع) مشرف بودیم. امام زیارت بالای سر را خواندند و پشت سر و به طرف پایین پا تشریف بردند که برنامه‌شان این بود که در آنجا زیارت علی اکبر را می‌خواندند. در مقطعی ایرانیان متوجه حضور امام در حرم شدند. صلوات فرستادند و به بوسیدن دست امام شتافتند. من هم مواظب بودم و جلو امام می‌رفتم. یک وقت جمعیت فشار آورد و پیرمردی را زیر دست و پا انداخت. بلافاصله امام خم شده زیر بغل این پیرمرد را گرفتند و از زمین بلند کردند و با کمال مهربانی او را نوازش دادند و بعد عبور کردند» (رجائی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۶۴).

ظاهر آن است که این رفتار نشان‌دهنده توجه امام خمینی به رفاه و امنیت زائران است. ایشان نه به صورت اتفاقی، بلکه با آگاهی کامل از جایگاه و فلسفه هر قسمت از حرم زیارت‌نامه مخصوص هر مکان را می‌خواندند. این رفتار بیانگر عمق معرفت امام به فرهنگ عاشورا و توجه به جزئیات زیارت است که فراتر از یک عمل معمولی نشان‌دهنده ارتباط عاطفی و اعتقادی عمیق با شهیدان کربلاست.

زیارت به مثابه میثاق

امام همیشه تا هفتم محرم را در نجف بودند و پس از آن به کربلا مشرف می‌شدند. قبل از ظهر یا عصر روز هفتم همیشه از نجف به کربلا می‌رفتند و زیارت عاشورا را در این روزها ترک نمی‌کردند. امام در ایام دهه محرم در نجف دومرتبه به حرم مشرف می‌شدند. روزها برای خواندن زیارت عاشورا به حرم می‌آمدند و شب‌ها هم که جزء برنامه همیشگی‌شان بود که به حرم مشرف شوند. بعد به کربلا می‌رفتند که تا سیزدهم محرم در کربلا مشرف بودند و بعد دوباره به نجف بازمی‌گشتند. این سیره مستمر ایشان در طول پانزده سال اقامتشان در نجف بود. امام در کربلا هم هر روز دومرتبه حرم می‌رفتند. قبل از ظهر و بعد از ظهر که در حرم امام حسین (ع) شلوغ بود؛ ولی امام به دلیل شلوغی بیش از حد با آن وضع جسمانی که داشتند زیارت امام حسین (ع) ایشان ترک نمی‌شد و با وجود آن جمعیت که دیوانه‌وار به سر و سینه می‌زدند، به حرم می‌رفتند. در ماه مبارک رمضان برنامه‌های درسی ایشان تعطیل می‌شد؛ اما برنامه نماز و زیارت حرم را انجام می‌دادند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴۸).

ظاهر آن است که تعدد دفعات زیارت امام در دهه محرم (روز و شب) نشان‌دهنده شدت علاقه و ارادت ایشان به امیرالمؤمنین (ع) است. اینکه این برنامه به صورت «همیشگی» بوده، بیانگر استمرار در عبادت و پایبندی به سنت‌های دینی است. زیارت دو بار در روز می‌تواند نشانه‌ای از نگاه تربیتی امام باشد که می‌خواستند با حضور مکرر در حرم اهمیت این ایام را به شاگردان و همراهان نیز بیاموزند.

قاطعیت و پایبندی در زیارت

در خاطرات همراهان ایشان آمده است: «در نزدیکی حرم حضرت ابوالفضل در کربلا منزلی در اختیار امام بود، امام هروقت به کربلا می‌رفت، در آنجا می‌ماند. امام شب‌ها در حسینیه آقای بروجردی نماز جماعت مغرب و عشا را اقامه می‌کردند. در شب‌های عزاداری هم بعد از نماز مرحوم آقای کوثری می‌آمد و روضه می‌خواند. روز اربعین هم دوباره امام را دیدیم که در آن شلوغی و جمعیت برای زیارت به سمت حرم امام حسین (ع) می‌رفت. بافاصله پشت سر امام بودیم. ایشان وارد حرم شدند و در بالای سر ایستادند و زیارت را خواندند و بعد از دقایقی به

منزل برگشتند» (روحانی، ۱۳۶۴: ۳۰۶).

به نظر می‌رسد، انتخاب منزلی در نزدیکی حرم حضرت ابوالفضل (ع) به جای اقامت در مکان‌های مجلل بیانگر قناعت و دوری از تشریفات است. همچنین، این انتخاب استراتژیک نشان می‌دهد که امام دسترسی آسان به حرمین را به رفاه شخصی ترجیح می‌دادند. این رفتار الگویی عملی از سبک زندگی اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

امام شب، قبل از عزیمت به پاریس در بغداد اعلام کرده‌اند: «من می‌خواهم زیارت کاظمین بروم. مأمورین عراقی دستپاچه شدند. گفتند: آقا زیارت می‌خواهید چه بکنید؟ پانزده سال شما اینجا بودید، مرتب زیارت می‌رفتید. دیگر امشب لازم نیست زیارت بروید. امام گفتند: من با شما کاری ندارم. من زیارت می‌روم. گفتند، حفاظت شما برایمان مشکل است. فرمود لازم نیست شما حفاظت کنید من محافظ دارم» (فردوسی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۲۵).

ظاهر آن است که این تصمیم نشان‌دهنده اهمیت زیارت و عبادت در زندگی ایشان است؛ حتی در شرایطی که در آستانه یک سفر مهم سیاسی بودند. پاسخ ایشان نشان‌دهنده قاطعیت و اراده قوی ایشان در انجام دادن کارهای معنوی است. ایشان حاضر نبودند به دلیل فشارهای سیاسی یا امنیتی از برنامه‌های معنوی خود دست بکشند.

زیارت آمیخته با انقطاع

حالت ذکر در ایشان مشهود و حالت حزن مداوم ایشان یادآور حالت انقطاع و احساسات عرفانی بود. مواردی را که در قم و در نجف مشاهده شده است، بدین شرح می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف - التزام ایشان به زیارت هر روزه حضرت معصومه (س) به هنگام تدریس در قم؛
ب- التزام به زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که شب‌ها پس از جلسه نیم‌ساعته بیرونی منزل در نجف اشرف انجام می‌دادند؛

ج- التزام به زیارت حضرت سیدالشهدا که معمولاً در شب‌های جمعه انجام می‌گرفت؛
د- کیفیت زیارت که بیشتر در کنار ضریح‌ها و به حالت ملکوتی و انقطاع و تضرع خفیه و سپس از روی مفاتیح با رعایت آداب مآثور انجام می‌گرفت. جالب این بود که هیچ‌کدام از مراجع به‌ویژه در نجف اشرف این نوع تعبد را نداشتند. معمولاً به همان روال ساده همگانی از روی مفاتیح می‌خواندند که به‌ویژه در نجف اشرف برای فضلا کاملاً روش غیرمعمولی بود

(بصیرت منش و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

اهتمام به تعظیم شعارهای الهی

امام خمینی (ره) برای زیارت سرور و سالار شهیدان (ع) از دور و نزدیک اهمیت زیادی قائل بودند. به گفته سیدهاشم رسولی محلاتی امام خمینی از آغاز ماه محرم تا تا اربعین زیارت عاشورا می‌خواندند (مظهری، ۱۳۸۷: ۹۹) که نشان‌دهنده التزام عملی امام به یک سنت عبادی-سیاسی مهم است. خواندن زیارت عاشورا در چهل روز اول محرم بیانگر آن است که امام با این عمل تداوم نهضت حسینی را در طول چهل روز نخست محرم حفظ می‌کردند و این برنامه مستمر روشی برای انتقال مفاهیم مبارزاتی نهضت عاشورا به یاران و شاگردان بود.

امام در دهه محرم و روز عاشورا در قم در تمام مجالس عزاداری شرکت می‌کردند و عده‌ای که همراه امام بودند، مردم را برای عصر عاشورا که امام در صحن حضرت معصومه (س) سخنرانی داشتند، دعوت کردند (ستوده، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۰۸). امام بیشتر در منزلشان در قم و یا در نجف اشرف روضه داشتند و به حالت حزن به ذکر مصیبت‌ها گوش می‌دادند و در لحظات روضه دستمالی بر چشمان خود می‌پوشاندند و گریه می‌کردند که از حرکت شانه‌ها مشخص بود. به‌ویژه در نجف اشرف آقایان ذاکرین که از قم می‌آمدند، در روضه امام شرکت می‌کردند و علاقه امام آنها را به ماندن در نجف و کربلا تشویق می‌کرد. علاقه حضرت امام به روضه‌های آقایان کوثری و اخوان چاووشی چنان بود که بیش از نصف سال را در نجف و کربلا می‌گذراندند. زیارت عاشورای حضرت امام شهرت داشت و می‌شنیدیم که امام بیشتر در ایام سوگواری زیارت عاشورا را در پشت‌بام منزل قم می‌خواندند (بصیرت منش و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

تحلیل نگارنده آن است که سیره امام خمینی در برگزاری مراسم عزاداری محرم و خواندن زیارت عاشورا تصویری جامع از شخصیت چندبُعدی ایشان را ترسیم می‌کند. امام با گریه‌های اصیل و خالصانه‌ای که در روضه‌های منزلشان در قم و نجف داشتند، نشان می‌دادند که عزاداری برای سیدالشهدا (ع) تنها یک رسم ظاهری نیست، بلکه تجلی ارتباط قلبی عمیق با معصومین است. این گریه‌ها که با پوشاندن چشم‌ها با دستمال و حرکت محسوس شانه‌ها همراه بود، بیانگر حزن واقعی و عشق ژرف ایشان به اهل بیت (ع) بود. در نجف اشرف توجه ویژه امام به ذاکرانی که از قم می‌آمدند و تشویق آنان به ماندن در عراق علاوه بر حمایت از این

قشر نشان‌دهنده نگاه استراتژیک ایشان به تقویت پیوندهای فرهنگی و شبکه‌سازی میان نیروهای مخلص بود. شهرت زیارت عاشورای امام و خواندن آن در پشت‌بام منزل در قم بُعد دیگری از شخصیت ایشان را آشکار می‌کند. این عمل که در فضایی آرام و به دور از هیاهو انجام می‌شد، هم نشانه خلوت‌گزینی عارفانه امام و هم الگویی عملی برای شاگردان و همراهان بود که عبادت را می‌توان در ساده‌ترین مکان‌ها با حضور قلب انجام داد. این سیره امام که ترکیبی از اخلاق عرفانی، سیاست‌مداری هوشمند، فرهنگ‌سازی اجتماعی و الگوسازی تربیتی بود، نشان می‌داد که ایشان چگونه از سنت عزاداری نه تنها به عنوان یک فریضه مذهبی، به عنوان مدرسه تربیت نیرو، کانال ارتباط با توده‌ها، ابزار حفظ هویت شیعی و زمینه‌ساز نهضت انقلابی بهره می‌بردند.

امام خمینی در محرم سال ۱۳۴۲ فرموده‌اند: «یکی از کسانی که بایستی در راه حضرت سیدالشهدا آغشته به خون خود شود، خمینی است. چه افتخاری بالاتر از اینکه در راه دین و راه حسین، در راه استقلال مملکت کشته شویم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۴۰). ایشان بیان کرده‌اند: «سینه‌زنی و نوحه‌خوانی رمز موفقیت و پیروزی ماست. در سراسر کشورهای اسلامی مردم در روزهای عاشورا، تاسوعا و دیگر مناسبت‌ها مانند بیست و هشتم صفر دسته‌ها و مراسم‌های بزرگ برپا می‌کنند. چه کسی می‌تواند چنین اجتماعات گسترده‌ای را سازماندهی کند؟ در کجای جهان می‌توان نمونه‌ای از این هماهنگی و اتحاد میان مردم یافت؟» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۹۹).

از دیدگاه ایشان این مجالس و گردهمایی‌ها مردم را به صورت یک جامعه منسجم و یکپارچه درمی‌آورند و به آنها هویتی واحد می‌بخشند. مسئله اصلی فقط گریه و سوگواری نیست، بلکه این موضوعی سیاسی است که ائمه ما با نگاه الهی خود قصد داشتند ملت‌ها را بسیج و متحد کنند تا در برابر آسیب‌ها و تهدیدها مقاوم و آسیب‌ناپذیر باشند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳۲۳). زنده نگه داشتن عاشورا یک مسئله بسیار مهم سیاسی - عبادی است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳۲۷). ازدیدگاه ایشان: «این خون سیدالشهدا (ع) است که خون‌های تمام ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دسته‌جات عزیز عاشوراست که مردم را به هیجان می‌آورد و آنها را برای دفاع از اسلام و تحقق اهداف اسلامی آماده می‌سازد. در این مسیر هیچ‌گونه سستی و کوتاهی جایز نیست» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۳۱).

نتیجه‌گیری

آنچه از سیره عملی و آرای امام خمینی به دست می‌آید، بیانگر آن است که زیارت عتبات در منظومه فکری امام خمینی جایگاهی والا و ابعاد مختلف عبادی، اجتماعی، سیاسی و عرفانی داشته است. امام به زیارت عتبات اهمیت زیادی قائل بودند و راه احیای اسلام را زنده نگاه داشتن یاد ائمه می‌دانستند. زیارت عتبات در سیره امام خمینی ترکیبی از معنویت، سیاست و اجتماع بود. ایشان با ترویج فرهنگ زیارت و عزاداری نه تنها به تقویت ایمان فردی پرداختند، این اعمال را به ابزاری برای بسیج مردم و پیشبرد هدف‌های انقلاب اسلامی تبدیل کردند. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تبیین نقش زیارت در تقویت هویت دینی و اجتماعی شیعیان مورد استفاده قرار گیرد. با نظر به آنچه گذشت به طور خلاصه می‌توان گفت:

۱- زیارت به مثابه عمل عبادی و عرفانی: امام خمینی زیارت را فرصتی برای تقرب به خدا و ارتباط عمیق با ائمه (ع) می‌دانستند. سیره ایشان در زیارت‌های منظم و باکیفیت مانند خواندن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا نشان‌دهنده نگاه عرفانی و معنوی ایشان به این عمل است؛ حتی امام در شرایط سخت تبعید یا پیش از سفرهای مهم سیاسی به زیارت پایبند بودند که این امر بیانگر اهمیت معنوی زیارت در زندگی ایشان است؛

۲- زیارت به عنوان ابزار تقویت هویت شیعی: امام خمینی با حضور در عتبات مقدس و تشویق دیگران به زیارت به تقویت هویت شیعی و حفظ میراث دینی کمک کردند. ایشان زیارت را نه تنها یک عمل فردی، راهی برای زنده نگه داشتن یاد و راه ائمه (ع) و انتقال آن به نسل‌های آینده می‌دانستند. این نگاه در دوران تبعید در عراق به وضوح مشهود بود. جایی که ایشان با حضور در حرم‌های مطهر به تقویت روحیه معنوی شیعیان پرداختند؛

۳- بُعد سیاسی و اجتماعی زیارت: امام خمینی از زیارت عتبات به عنوان ابزاری برای تقویت شبکه مبارزان شیعه و بسیج مردم استفاده می‌کردند. حضور ایشان در حرم‌ها و برگزاری نماز جماعت در اماکن مقدس علاوه بر جنبه عبادی ابعاد سیاسی و اجتماعی داشت. این اقدام‌ها به وحدت شیعیان و تقویت روحیه مبارزه با رژیم پهلوی کمک می‌کرد؛

۴- اهتمام به عزاداری و ترویج فرهنگ عاشورا: امام خمینی به عزاداری برای امام حسین (ع) و خواندن زیارت عاشورا اهتمام ویژه‌ای داشتند. ایشان این اعمال را نه تنها به عنوان

سنتی دینی، به عنوان ابزاری برای بیداری اسلامی و مقابله با استعمار می‌دانستند. برگزاری مراسم عزاداری در منزل شخصی ایشان و تشویق ذاکران به ادامه فعالیت‌های فرهنگی در عراق نشان‌دهنده نگاه استراتژیک امام به این موضوع است؛

۵- الگوسازی در سیره عملی: سیره عملی امام خمینی در زیارت‌های منظم، پایبندی به آداب زیارت و توجه به زائران الگویی را برای جامعه اسلامی ارائه می‌دهد. ایشان با رفتارهای خود نشان دادند که زیارت باید با حضور قلب و به دور از تشریفات صورت گیرد و در عین حال، پیوندی ناگسستنی با زندگی اجتماعی و سیاسی دارد.

منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- بصیرت‌منش، حمید؛ طاهری، مرتضی و میرشکاری، اصغر (۱۳۸۵). صحیفه دل: مطالب و خاطراتی از شاگردان امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بستانی، فوادافرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی (ترجمه کامل المنجد الابدی، ترجمه مهیار). تهران: اسلامی، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان [بی‌تا]. میقات حج. تهران: سازمان حج و زیارت، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). آفاق اندیشه. قم: اسراء، چاپ اول.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
- روحانی، حمید (۱۳۶۴). بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی. قم: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رجایی، غلامعلی (۱۳۹۲). برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۸). فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی. قم: توحید.
- _____ (۱۳۸۹). درسنامه گزیده سیمای عقاید شیعه. تهران: نشر مشعر.
- _____ (۱۳۸۷). راهنمای حقیقت. تهران: نشر مشعر.

- _____ (۱۳۸۸). وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ستوده، امیررضا (۱۳۹۱). پایه پای آفتاب. مؤسسه نشر پنجره.
- فردوسی پور، اسماعیل (۱۳۹۰). خاطرات حجت الاسلام و المسلمین فردوسی پور. تهران.
- مظهری، مرضیه (۱۳۸۷). رفتارشناسی امام خمینی. تهران: عروج، چاپ اول.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- مصطفی سیدصادقی (۱۳۸۷). خاطرات حجت الاسلام و المسلمین محمدجواد کشمیری. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۹). خاطرات سال های نجف. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- موسوی، سیدمحمدهاشم (۱۳۹۱). شرح حال و خاطراتی از حضرت آیت الله استاد عباسعلی عمیدزنجانی (ره). تهران: خرسندی.

جایگاه امام خمینی در پویایی و تقویت حوزه علمیة نجف

محمد قدرتی شاتوری^۱

چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و ابزار استفاده شده در آن از نوع کتابخانه‌ای است. در این پژوهش نقش امام خمینی در تقویت و توانمندسازی حوزه علمیة نجف اشرف بررسی می‌شود. مسئله اصلی پژوهش تحلیل تأثیرهای علمی، سیاسی و تربیتی ایشان بر این حوزه است. سؤال محوری این است که امام خمینی چگونه توانست تحولی بنیادین در ساختار و کارکرد حوزه نجف ایجاد کند؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که ایشان با ارائه روش‌های نوین تدریس، حمایت از حوزه‌های علمیه، تبیین نظریه ولایت فقیه و ایجاد شبکه‌های علمی - سیاسی این نهاد را به مرکزی پویا و پاسخگو به نیازهای جامعه تبدیل کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام خمینی نه تنها در احیای حوزه نجف نقش کلیدی داشتند، میراث او به عنوان الگویی ماندگار برای مراکز دینی و علمی شیعه باقی مانده است. در پژوهش حاضر بر اهمیت رویکردهای جامع و انقلابی امام در تقویت نهادهای حوزوی تأکید شده است.

کلمات کلیدی: امام خمینی، حوزه علمیة نجف، ولایت فقیه، تدریس نوین، احیای علمی،

سیاست دینی

۱. دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اصفهان
mohamad.ghoodrati1373@gmail.com

Imam Khomeini's position in the dynamism and strengthening of the Najaf Seminary

Mohammad Ghodrati¹

ABSTRACT:

The present article, using a descriptive-analytical method and library tools, examines the role of Imam Khomeini in strengthening and empowering the Najaf Ashraf Seminary. The main issue of the research is to analyze his scientific, political, and educational influences on this seminary. The central question is how Imam Khomeini was able to create a fundamental change in the structure and functioning of the Najaf Seminary? The research hypothesis is based on the fact that she transformed this institution into a dynamic center responsive to the needs of society by presenting new teaching methods, supporting seminaries, explaining the theory of guardianship of the jurist, and creating scientific-political networks. The findings show that Imam Khomeini not only played a key role in the revival of the Najaf seminary, but his legacy remains as a lasting model for Shiite religious and scholarly centers. This research emphasizes the importance of the Imam's comprehensive and revolutionary approaches in strengthening seminary institutions.

Keywords: Imam Khomeini, Najaf Seminary, Velayat al-Faqih, modern teaching, scientific revival, religious politics.

1. Department of Islamic Education and Training, Shahid Bahonar University of Education, Isfahan. E-mail: mohamad.ghodrati1373@gmail.com

مقدمه

حوزه علمی نجف اشرف به عنوان کانون های اصلی تعلیم و تربیت در جهان تشیع همواره نقشی اساسی در پرورش اندیشمندان و مجتهدان برجسته داشته است؛ با این حال این نهادها در دوره های مختلف با چالش هایی مانند رکود علمی، انفعال سیاسی و فاصله گرفتن از نیازهای جامعه مواجه بوده است. در این میان، امام خمینی با حضور مؤثر خود در نجف اشرف و به کارگیری رویکردهای نوین علمی و سیاسی توانست تحولی ساختاری و محتوایی در این حوزه ایجاد کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی سازوکارها و راهبردهایی است که امام خمینی برای تقویت و توانمندسازی حوزه نجف به کار گرفت و سپس پیامدهای علمی، سیاسی و تربیتی این تحولات را تحلیل کرد.

این پژوهش از چند منظر حائز اهمیت است: نخست، بررسی نقش امام خمینی در احیای حوزه نجف الگویی کاربردی را برای نوسازی سایر مراکز دینی ارائه می دهد؛ دوم، این پژوهش نشان می دهد که چگونه یک رهبر دینی می تواند با تلفیق علم و عمل تأثیری ماندگار بر نهادهای مذهبی بگذارد؛ سوم، در شرایط کنونی که حوزه های علمیه با چالش هایی مانند ضرورت پاسخگویی به مسائل نوپدید و تعامل با تحولات جهانی روبه رو هستند، بررسی تجربه های امام خمینی می تواند راهکارهای عملی را برای تقویت کارآمدی این نهادها پیشنهاد دهد.

موضوع پژوهش حاضر از جمله مباحثی است که اگرچه به صورت مستقیم و منسجم در قالب کتاب یا مقاله علمی مستقل بررسی نشده است، می توان ردپای آن را در برخی خاطره های شاگردان، اسناد تاریخی و آثار مرتبط با سیره علمی و تربیتی امام خمینی در دوران اقامت ایشان در نجف اشرف جست و جو کرد. بررسی منابع موجود نشان می دهد که تاکنون پژوهش مستقلی که در آن به طور تخصصی نقش امام خمینی در تحول حوزه نجف بررسی شده باشد، تدوین نشده است؛ با این حال در لابه لای خاطره های شاگردان و نزدیکان امام اشاره های ارزشمندی به شیوه تدریس، روش های تربیتی و تأثیرهای سیاسی - اجتماعی ایشان در نجف وجود دارد؛ بنابراین هدف اصلی از این پژوهش تحلیل نقش امام خمینی در تحول حوزه نجف با تمرکز بر سه محور علمی، سیاسی و تربیتی است. در این راستا، روش های نوین تدریس ایشان، نظریه ولایت فقیه، شبکه سازی علمی - سیاسی و برنامه های تربیتی بررسی می شود.

همچنین، در این پژوهش کوشش شده است تا نشان داده شود که چگونه این اقدام‌ها حوزه نجف را از یک نهاد سنتی به مرکزی پویا و اثرگذار تبدیل کرد. در ادامه این پژوهش خواننده ابتدا با پیشینه تاریخی حوزه نجف و جایگاه آن در جهان تشیع آشنا و سپس رویکردها و اقدام‌های امام خمینی در تقویت این حوزه در ابعاد مختلف تحلیل و در بخش بعدی، تأثیرهای علمی و سیاسی این تحولات بر حوزه نجف و جامعه شیعه بررسی می‌شود. سرانجام، میراث فکری و عملی امام خمینی به عنوان الگویی برای نهادهای دینی معاصر بررسی می‌شود.

تاریخچه حوزه علمیة نجف

واژه حوزه یا حوزه علمیة به‌ویژه در میان شیعیان اصطلاحی رایج است که به‌معنای مرکزی برای آموزش و یادگیری علوم دینی به کار می‌رود. این مراکز با در اختیار داشتن میراث ارزشمند به‌جامانده از خاندان نبوت و عترت علیهم‌السلام فرهنگی بی‌نظیر را در تمامی عرصه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به یادگار گذاشته‌اند. حوزه‌های علمیة همانند سایر نهادهای اجتماعی به‌تدریج و در گذر زمان شکل گرفته است و ریشه‌های تأسیس آنها به صدر اسلام و آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم بازمی‌گردد که براساس حدیث شریف: «و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فإنهم حجتی علیکم و أنا حجة الله، در عصر غیبت کبری مسئولیت اداره امور فرهنگی و مرجعیت دینی به فقهای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام واگذار شد و از همین‌جا، سازمان روحانیت شکل گرفت و در حوزه‌های علمیة ری، بغداد، حله، شام، نجف، مشهد، اصفهان، قم و برخی از شهرهای ایران تبلور یافت. (همتیان، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۹).

تاریخ حوزه‌های علمیة شیعه طی چهارده قرن گسترده‌تر و پرماحراتر از آن است که بتوان آن را در پژوهشی محدود گنجاند؛ زیرا این نهادهای علمی همواره به‌عنوان پاسداران بی‌بدیل میراث فرهنگی انبیا در سراسر جهان اسلام حضوری فعال داشته‌اند. این حضور در قالب مراکز، مدرسه‌ها و مجامعی متجلی شده که در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی و تحت‌تأثیر آموزه‌های قرآن و حدیث شکل گرفته است. هدف اصلی این مراکز آموزش، حفاظت و تفسیر این دو گوهر ارزشمند بوده که حاصل تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمندان مؤمن و پویای جامعه اسلامی است. (سیدکباری، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱) حوزه‌های علمیة به‌عنوان مراکز آموزشی، پژوهشی و تبلیغی در میان شیعیان شناخته می‌شوند که هدف اصلی آنها تربیت روحانیون

بر پایه دانش‌های اسلامی با تأکیدی ویژه بر فقه و اصول فقه است. ریشه تاریخی حوزه‌های علمی شیعه به مدرسه‌های صادقین (ع) در مدینه بازمی‌گردد و سپس این سنت در حوزه‌های علمی بغداد، نجف، حله، جیل عامل، اصفهان و بار دیگر نجف ادامه یافته است (مبلغی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۴).

حوزه علمی نجف در سال ۴۴۸ هجری با مهاجرت شیخ طوسی به این شهر تأسیس و به مرکز علمی شیعیان تبدیل شد. این حوزه سه دوره اصلی را پشت سر گذاشته است: دوره اول با حضور شیخ طوسی و شکل‌گیری فعالیت‌های علمی آغاز شد. دوره شیخ طوسی نقطه عطفی در تاریخ حوزه علمی نجف است. او با تأسیس مدرسه‌ها و تشکیل حلقه‌های درس زمینه را برای تربیت صدها مجتهد و دانشمند فراهم کرد. شیخ طوسی با نگارش آثار مهمی مانند «التهذیب» و «الاستبصار» در فقه و «الاقتصاد» در کلام پایه‌های علمی حوزه نجف را استوار کرد. تلاش‌های او نه تنها باعث رونق علمی نجف شد، این شهر را به یکی از مراکز اصلی علوم اسلامی و شیعی تبدیل کرد. به گفته منابع تاریخی در دوره او حدود سیصد مجتهد در نجف فعالیت داشتند که نشان‌دهنده عظمت علمی این حوزه در آن زمان است (فضلی، ۱۴۳۶: ۵۵). دوره دوم در زمان صفویان با حمایت سیاسی و اقتصادی احیا شد و دوره سوم در قرن سیزدهم با ظهور عالمانی مانند وحید بهبهانی و علامه بحر العلوم به اوج شکوفایی رسید (گلابگزینیک و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۲۶).

امام خمینی در دوره پایانی شکوفایی حوزه نجف حضور داشت و خود یکی از عوامل تأثیرگذار در تداوم نقش این حوزه در جهان اسلام بود. در این دوره آثار ارزشمندی همچون «اعیان الشیعه» (بزرگ‌ترین دائرةالمعارف تراجم شیعه) و «الذریعة إلى تصانیف الشیعة» (جامع‌ترین فهرست کتب شیعی) تألیف شد. همچنین، سید محمدباقر صدر با نگارش کتاب‌های انقلابی «فلسفتنا» و «اقتصادنا» گفتمان جدیدی را در فلسفه و اقتصاد اسلامی پایه‌گذاری کرد که اقتصاد اسلامی را به عنوان نظامی مستقل در کنار اقتصادهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی مطرح کرد. این دوره شاهد تحولات مهمی در روش‌های آموزشی و پژوهشی حوزه بود؛ به طوری که نجف به کانونی تأثیرگذار در جهان اسلام تبدیل شد (فضلی، ۱۴۳۶: ۶۰). حوزه نجف با وجود فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی شیعه در جهان است.

فعالیت‌های امام خمینی در نجف

امام خمینی با تأکید بر جایگاه رفیع حوزه علمی نجف ویژگی‌های ممتاز این حوزه را برشمرده‌اند؛ از جمله ایشان به پیشینه هزارساله و سابقه درخشان علمی و دینی آن اشاره کرده‌اند. همچنین، مجاورت این حوزه با مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان امتیازی والا یادآور شده‌اند. امام خمینی با توجه به این هم‌جواری مسئولیت علمای نجف را سنگین‌تر می‌دانستند؛ زیرا ادعای تشیع و پیروی از امیرالمؤمنین (ع) مستلزم التزام عملی به سیره و آموزه‌های ایشان است (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۵۰۶).

در ادامه، فعالیت‌های امام خمینی در دوران تبعید بررسی خواهد شد.

فعالیت‌های علمی

امام خمینی در سال ۱۳۴۴ شمسی زیر فشارهای حکومت پهلوی به نجف اشرف تبعید شد. ایشان در این شهر درس‌های خارج فقه و اصول را تدریس کردند که به دلیل عمق علمی و نوآوری‌های فکری با استقبال گسترده طلبان و علمای نجف روبه‌رو شد. تحلیل نگارنده آن است که ایشان با ارائه دیدگاه‌های تازه و شیوه‌ای نوین در مسائل فقهی و اصولی نقش مهمی در تحول روش‌های تدریس و پژوهش در حوزه‌های علمی نجف داشت. این تغییرات به تقویت جایگاه علمی حوزه نجف انجامید و طلبان بسیاری را از نقاط مختلف جهان اسلام برای تحصیل به این شهر جذب کرد. ایشان در این دوره شاگردان متعددی را تربیت کردند که بعدها برخی از آنها به عنوان علمای برجسته شیعه شناخته شدند. امام خمینی با تأکید بر نگارش و ترویج آثار علمی شاگردان خود سهم بزرگی در گسترش فرهنگ مکتوب و ارتقای سطح علمی حوزه‌های عتبات مقدسه داشت (رجبی، ۱۳۶۹: ۱۴۵).

از جمله فعالیت‌های امام خمینی در دوران اقامتشان در نجف اشرف تدریس و ارتباط با حوزه علمی نجف بود. اندکی پس از ورود ایشان به نجف جمعی از فضلا و علمای برجسته نجف چون آیت‌الله راستی، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله کریمی، آیت‌الله قدیری، آیت‌الله خاتم و آیت‌الله رضوانی و دیگران نزد امام رفتند. این افراد از امام درخواست کردند که در حوزه نجف تدریس کنند. امام ابتدا نپذیرفتند؛ اما پس از اصرار زیاد اطرافیان پذیرفتند که در مسجد شیخ انصاری، معروف به مسجد ترک‌ها که در بازار «حویش» و نزدیک به منزل ایشان قرار داشت،

تدریس کنند. این تصمیم به‌گونه‌ای گرفته شد که ساعت درس امام با زمان کلاس‌های سایر علمای برجسته منافاتی نداشته باشد. همچنین، خانه امام مسیری با کوچه‌ای مجاور به این مسجد داشت. گفتنی است که بیشتر علما در نزدیکی یا داخل حرم مطهر کلاس‌های خود را برگزار می‌کردند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۹، ج ۴۲: ۱).

تحلیل نگارنده آن است که درخواست جمعی از فضلاء برجسته نجف برای تدریس امام نشان‌دهنده جایگاه والای علمی امام در میان حوزویان بوده است. این موضوع بیانگر آن است که ایشان حتی در غربت نیز به‌عنوان یک شخصیت تأثیرگذار در حوزه علمیه شناخته می‌شدند. باوجود درخواست‌های مکرر امام ابتدا تدریس را نپذیرفتند که می‌توان این رفتار را نشانه تواضع و پرهیز از هرگونه جاه‌طلبی دانست؛ اما ایشان پس از اصرار علما با شرط تداخل نداشتن با برنامه‌های دیگر استادان این مسئولیت را پذیرفتند که بیانگر نظم و احترام ایشان به ساختارهای حوزوی است. برنامه‌ریزی امام به‌گونه‌ای بوده است که با کلاس‌های دیگر استادان تداخل نداشته باشد. این موضوع بیانگر نظم، انضباط و احترام ایشان به فعالیت‌های علمی دیگران است.

با آغاز تدریس امام در حوزه علمیه نجف تحول عظیمی در این حوزه ایجاد شد و علاقه‌مندی طلاب و فضلا برای شرکت در درس‌های ایشان به‌طور چشمگیری افزایش یافت. دیری نپایید که کلاس درس امام از نظر کمی و کیفی به یکی از برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین حوزه‌های درسی نجف تبدیل شد. یکی از شاگردان ایشان درباره این درس‌ها می‌نویسد: «امام با آغاز تدریس رسمی خود افق‌های جدیدی از ژرفای علمی خود را به روی دانش‌پژوهان نجف گشود. ایشان مطالبی ارزشمند و بی‌سابقه ارائه کردند که حتی عالمان باتجربه و کسانی که خود را بی‌نیاز از ادامه تحصیل می‌دانستند، شگفت‌زده و مبهور شدند. برخی از علما و مقامات برجسته روحانی نیز هنگامی که در این درس‌ها شرکت کردند، به‌صراحت اذعان داشتند که پیش از ورود آیت‌الله خمینی به نجف باور نداشتیم که همچنان مطالب تازه‌ای در علوم اسلامی وجود دارد که ما بی‌خبر از آن باشیم؛ اما پس از حضور ایشان و شرکت در کلاس‌هایشان دریافتیم که همچنان مباحث عمیق و پرازشی وجود دارند که تاکنون نشنیده‌ایم. درس‌هایی که امام در نجف ارائه کردند شامل مباحث خارج بیع، خيارات و مسائل مرتبط با خلل‌های نماز بود. آثار منتشرشده‌ای نظیر کتاب البیع و کتاب الخلل فی الصلاة نیز محصول همین دوره‌های تدریس است» (یوسفیان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۷).

تحلیل نگارنده آن است که امام نه تنها یک مرجع تقلید، یک مصلح آموزشی در علوم اسلامی بود. ایشان توانستند با ترکیب سنت و نوآوری تحولی اساسی را در نظام آموزشی نجف ایجاد کنند. این موفقیت ناشی از عواملی مانند تسلط کم نظیر بر مباحث فقهی، توانایی ارائه مطالب پیچیده به شیوه‌ای بدیع، جسارت علمی در طرح مباحث جدید، شخصیت کاریزماتیک و قدرت بیان مؤثر بود؛ بنابراین جایگاه علمی ممتاز امام و توانایی ایشان در ارائه مطالب نو و عمیق در حوزه علوم اسلامی به گونه‌ای بوده است که حتی عالمان بزرگ نیز از دانش و بینش ایشان بهره‌مند شدند و این موضوع بر اهمیت و تأثیرگذاری تدریس ایشان در نجف گواهی می‌دهد.

یکی از شاگردان امام خمینی درباره کلاس‌های درس ایشان چنین روایت می‌کند: «زمانی که امام تدریس خود را در نجف آغاز کردند، شخصیت‌های برجسته‌ای مانند آیت‌الله راستی، آیت‌الله کریمی مازندرانی و آیت‌الله خاتم یزدی که از استادان شناخته شده نجف بودند و سال‌ها در کلاس‌های آیت‌الله حکیم، آیت‌الله خویی و آیت‌الله شاهرودی شرکت کرده بودند، به کلاس امام آمدند. در آن زمان ما در درس آیت‌الله راستی حضور داشتیم. آیت‌الله راستی اعلام کرد که برای شرکت در کلاس امام زمان درس خود را تغییر خواهد داد. او افزود که به صورت آزمایشی یک هفته در درس امام حاضر می‌شود و اگر این تجربه نیاز علمی او را تأمین نکرد، برنامه را به شکل سابق ادامه خواهد داد. پس از گذشت یک هفته آیت‌الله راستی در جلسه درس اخلاق خود که چهارشنبه‌ها برگزار می‌شد، اظهار کرد: ما به کلاس امام رفتیم و اکنون متوجه شدیم که هنوز نکات بسیاری وجود دارد که باید فراگیریم. امام مطالبی بسیار نوین و عمیق ارائه می‌دهند که تاکنون نشنیده بودیم و برای درک این مفاهیم لازم است در این درس حضور داشته باشیم» (آب لشکری، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

این خاطره به وضوح نشان می‌دهد که امام خمینی نه تنها یک مرجع تقلید، یک استاد برجسته و نوآور در حوزه علوم اسلامی بود که توانست حتی عالمان بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد. درس‌های ایشان حتی برای عالمان بزرگ و باتجربه نیز تازگی داشت و آنها را به شگفتی واداشت. درس‌های ایشان نه تنها برای طلاب جوان، برای استادان بزرگ نیز آموزنده و الهام‌بخش بوده است. حضور استادان برجسته‌ای که خود شاگردان مراجع بزرگی مانند آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی بودند، نشان‌دهنده آن است که نخبگان حوزه نجف مقام علمی امام را پذیرفته بودند. این امر به نوعی مشروعیت بخشی به جایگاه علمی امام در سلسله مراتب حوزوی

نجف بود. این خاطره نشان‌دهنده فرهنگ علمی سالم در حوزه نجف آن دوره است که در آن حتی استادان برجسته نیز حاضر بودند در برابر برتری علمی دیگری تواضع نشان دهند و به شاگردی بپردازند. چنین رویکردی می‌تواند الگویی ارزشمند برای فضای علمی امروز باشد.

درس فقه امام در نجف از اول ربیع‌الاول ۱۳۴۴ شمسی آغاز شد و ایشان در مدت چهارده سال تبعید دوازده سال مکاسب محرمه و مباحث بیع و خیارات را تدریس کردند (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۰۵). ایشان پس از پایان یافتن بیع در دو سال آخر تبعید در عراق، یعنی سال ۱۳۵۵-۱۳۵۷ بحث‌های مربوط به خلل در نماز را تدریس کردند (خمینی، ۱۳۷۸: ۹).

از جمله شاگردان برجسته امام به جزء شخصیت‌ها و مجتهدان سرشناس در رده بعد از مراجع که برخی از آنان همچون آیات و حجج اسلام حاج آقا مصطفی خمینی، حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین قائینی در نجف اشرف تدریس خارج می‌کردند و برخی دیگر همچون اخوان مرعشی که از مشاهیر علما و مجتهدان نجف بودند و بعضی سطح‌های عالی فقه و اصول و فلسفه را تدریس می‌کردند، بیشتر شاگردان ایشان از فضلاء میرز حوزه علمیه نجف بوده‌اند که عبارت است از آقایان آیات و حجج اسلام: سید عباس خاتم یزدی، سید مرتضی مهری، شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی، شیخ محمود محمدی یزدی، شیخ مجتبی تهرانی، شیخ محمد صادقی تهرانی، شیخ عباسعلی عمیدزنجانی و ده‌ها نفر از علما و طلباء فاضل دیگر. افزون بر اینها، برخی دوستان و یاران حضرت امام نیز با عنوان «روحانیون مبارز خارج کشور نجف اشرف» فعالیت می‌کردند؛ مانند: شیخ محمدرضا رحمت، شیخ اسماعیل فردوسی‌پور، شیخ محمدرضا ناصری، سیدهادی موسوی، سیدمحمود دعایی، سیدحمید روحانی، سیدعلی اکبر محتشمی و... (فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

تحلیل نگارنده آن است که شاگردان امام از سطح‌های مختلف علمی تشکیل شده بودند. از مجتهدان و مدرسان سطح‌های عالی تا فضلاء میرز و طلباء فاضل. این تنوع نشان‌دهنده جامعیت و همه‌جانبه‌بودن محتوای درسی امام است که می‌توانست پاسخگوی نیازهای علمی مختلف باشد و تربیت بیشتر شاگردان از میان فضلاء میرز حوزه نجف نشان‌دهنده نفوذ گسترده امام در بدنه اصلی حوزه است.

صیانت از کیان حوزه و مرجعیت

یکی از نقش‌های برجسته امام خمینی در دوران حضورش در حوزه نجف پاسداری از حرمت

حوزه علمی و جایگاه مراجع تقلید بود. او احترام ویژه‌ای برای مراجع نجف قائل بود و با تمام وجود از شأن و جایگاه آنان دفاع می‌کرد. امام خمینی با تکریم به مراجع بزرگی همچون سید محسن حکیم، حسین حلی، سید ابوالقاسم خویی و دیگر شخصیت‌های برجسته حوزه اجازه نمی‌داد کسی به مقام آنان بی‌حرمتی کند. او تا زمانی که سید محسن حکیم در قید حیات بود، از ورود مستقیم به مسائل حوزه نجف خودداری کرد و امور مهم مرتبط با حوزه را همواره به ایشان ارجاع می‌داد (ملکوتی، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

تحلیل نگارنده آن است که امام خمینی در دوران اقامت در نجف با درک عمیق از جایگاه رفیع مرجعیت و حوزه‌های علمی سیاستی خردمندانه در پاسداری از حرمت نهاد مرجعیت درپیش گرفت. رویکرد ایشان ترکیبی از تواضع آگاهانه و مقاومت قاطعانه بود؛ به‌گونه‌ای که از یکسو با تکریم شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله سید محسن حکیم، آیت‌الله حلی و آیت‌الله خویی وحدت حوزه را تقویت می‌کرد و از سوی دیگر، با مواضع صریح مانع از هرگونه بی‌حرمتی به مقام علمی و اجتماعی مراجع می‌شد. این رفتار امام نه تنها نشان‌دهنده التزام عملی به سلسله مراتب دینی بود، حاوی پیامی سیاسی نیز بود و آن حفظ اقتدار حوزه نجف به عنوان کانونی مستقل در برابر جریان‌های تضعیف‌کننده. خودداری ایشان از دخالت مستقیم در امور حوزه تا زمان حیات آیت‌الله حکیم بیانگر نگاه استراتژیک امام به مسئله زمان‌شناسی و مرجع‌محوری در مدیریت دینی است. این سیاست هم انسجام درونی حوزه را تضمین می‌کرد و هم به امام این امکان را می‌داد تا بدون ایجاد تنش پایه‌های فکری نهضت خود را استوار کند. امام خمینی با این رویه ثابت کرد که احترام به نهادهای دینی پیشین نه تنها مانع تحول‌خواهی نیست، بستری امن را برای تکامل آرام اندیشه‌های انقلابی فراهم می‌آورد.

بسیاری از علمای برجسته نجف به جایگاه علمی امام احترام می‌گذاشتند؛ اما تعدادی از آنان با ورود روحانیون به عرصه سیاست مخالف بودند. برخی از شاگردان این دسته از علما حتی پا را فراتر گذاشتند و گاه به اظهار سخنان انتقادی علیه امام می‌پرداختند. با وجود این، امام به شاگردان خود اجازه نمی‌دادند که درباره هیچ‌یک از مراجع نظری منفی طرح کنند و حتی اگر فردی به یکی از مراجع سخنی ناپسند می‌گفت، او را توبیخ می‌کرد (داستانی بیرکی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۹).

تحلیل نگارنده آن است که موضع امام درقبال اختلاف‌نظرهای علمی و سیاسی در نجف حاکی از یک استراتژی هوشمندانه مبتنی بر وحدت حوزه درعین حفظ خط مشی انقلابی بود.

ایشان با وجود مخالفت بخشی از مراجع و شاگردانشان با فعالیت سیاسی روحانیت هرگز اجازه نمی‌دادند که اختلاف‌سنجی‌های فکری به بی‌حرمتی به شخصیت‌های علمی تبدیل شود. این رویکرد چندبُعدی بوده است: ۱- جنبه اخلاقی: امام با منع شاگردان از هرگونه نقد توهین‌آمیز به مراجع درس مرزبندی بین نقد علمی و تخریب شخصیت را تدریس می‌کرد. توبیخ افراد به دلیل اظهارهای ناپسند نشان‌دهنده التزام عملی ایشان به آداب حوزوی و پرهیز از ایجاد شکاف در بدنه علمای نجف بود؛ ۲- جنبه سیاسی: این سکوت تحلیلی در برابر مخالفان نوعی دیپلماسی انقلابی بود. امام می‌دانست که درگیری مستقیم با مخالفان فکری تنها به حاشیه‌سازی جریان انقلاب اسلامی منجر می‌شود؛ ۳- جنبه تربیتی: تأکید امام بر حفظ حرمت حتی مراجعی که با ایشان اختلاف داشتند، تربیت نسلی از روحانیون بود که بتوانند پروژه انقلاب را بدون تخریب هویت حوزوی پیش ببرند.

نکته مهم این است که امام درحالی از مواضع سیاسی خود عقب‌نشینی نمی‌کرد که هم‌زمان مانع از تبدیل حوزه به میدان جنگ داخلی شود. این تعادل ظریف بین ثبات عقیدتی و انعطاف رفتاری یکی از رازهای ماندگاری تأثیر ایشان در نجف بود. به عبارت دیگر، امام با این سیاست هم از انزوای جریان انقلابی جلوگیری کرد و هم اجازه نداد اختلاف‌نظرها به بحران مشروعیت‌سازی برای مرجعیت شیعه بینجامد.

حضرت امام اهمیت ویژه‌ای برای حفظ شأن و جایگاه علما و مرجعیت قائل بودند و تلاش می‌کردند فضا به‌گونه‌ای پیش برود که مبدا مردم به علما و مراجع بدبین شوند یا نقطه‌ضعفی برای آنها آشکار شود؛ حتی اگر آن دسته از علما در مسیر فکری ایشان قرار نمی‌گرفتند. در این راستا، ایشان حتی در مواردی که مطالب منتشرشده می‌توانست مظلومیت و شجاعت خودشان را نشان دهد، به دلیل حفظ احترام علما و مراجع دستور حذف بخش‌هایی از کتابی درباره نهضت خود را دادند. این کتاب به اختلاف‌نظرها و رفتار برخی علما از جمله آقای شریعتمداری پرداخته بود؛ اما امام معتقد بودند انتشار چنین جزئیاتی ممکن است جایگاه مرجعیت را تضعیف کند؛ بنابراین پس از بررسی دقیق، بخش‌های مربوط حذف و با مطالب دیگری جایگزین شد تا کتاب بدون خدشه‌ای به اعتبار روحانیت منتشر شود. هدف امام از این تصمیم حفظ آبروی مرجعیت و پیشگیری از هرگونه نگاه منفی به روحانیت بود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۷).

به نظر می‌رسد که موضع حضرت امام خمینی درقبال انتشار مطالب مرتبط با

اختلاف نظرهای درونی روحانیت نشان دهنده درکی ژرف از اولویت‌های راهبردی نهضت اسلامی است. ایشان با وجود امکان بهره‌برداری تبلیغاتی از مظلومیت خود یا تبیین مواضع انقلابی عامدانه از افشای کامل اختلافات داخلی پرهیز می‌کردند تا وحدت نهاد مرجعیت به مثابه سرمایه‌ای اجتماعی حفظ شود؛ زیرا امام به درستی تشخیص داده بودند که تضعیف اعتماد عمومی به مرجعیت (حتی درباره مخالفان فکری) در بلندمدت به آسیب‌پذیری کل ساختار دینی جامعه می‌انجامد. امام به درستی دریافته بودند که دشمن از هر شکاف درون حوزوی برای روان‌پیشی اجتماعی و القای بی‌اعتمادی به مراجع استفاده خواهد کرد؛ بنابراین با کنترل محتوای منتشرشده جبهه‌ی انقلاب را در برابر جنگ روانی دشمن مقاوم‌سازی کردند. این سیره امام ثابت می‌کند که امام خمینی نه یک انقلابی تک‌بعدی، بلکه استراتژیستی دوراندیش بودند که انقلاب را ذیل حفظ کيان تشیع تعریف می‌کردند.

ایشان در سال ۱۳۵۴ با نامه‌ای به حسن البکر، رئیس‌جمهور وقت عراق، به اخراج روحانیان ایرانی از عراق اعتراض کردند و این اقدام را برخلاف مصالح اسلام و مسلمانان دانستند. در این نامه به وضع نگران‌کننده‌ای اشاره شده است که در خیابان‌ها و بازارها علیه اهل علم رخ داده بود و روحانیان با شرایطی اندوه‌بار بازداشت شده بودند و به آنها ابلاغ می‌شد که ظرف یک هفته کشور را ترک کنند. ایشان تأکید داشتند که حوزه علمی نجف اشرف که بیش از هزار سال پیش برای ترویج فقه اسلامی شکل گرفته و در اصلاح فسادهای اخلاقی و اجتماعی نقشی مؤثر داشته است، نباید در دوران ریاست رئیس‌جمهور وقت نابود شود. همچنین، مناسب نیست بیش از هزار تن از رجال علم با دلی آزرده به این شیوه از کشور رانده و در دیگر سرزمین‌ها پراکنده شوند؛ زیرا فقها و مراجع جایگاه بالایی در قلب مسلمانان دارند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۹۴). نامه امام خمینی بیانگر نگرانی عمیق به سرنوشت حوزه‌های علمی و دینی و تأثیرهای منفی این اقدام‌ها بر جامعه اسلامی است. ایشان خواستار توجه به اهمیت حفظ این نهادها و احترام به جایگاه مراجع دینی است تا از آسیب‌های بیشتر جلوگیری شود.

احیای تفکر سیاسی درحوزه‌های نجف

یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای امام خمینی در نجف احیای رویکرد سیاسی درحوزه‌های علمیه بود. حوزه‌های نجف پیش از حضور ایشان بیشتر بر مباحث فقهی و فلسفی متمرکز بود

و کمتر به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه می‌شد. امام خمینی با هجرت به نجف اشرف و پانزده سال تدریس و تربیت صدها مجتهد و اندیشمند همراه با مبارزه‌ها و روشنگری‌های سیاسی و اجتماعی علیه رژیم استبدادی پهلوی نقشی بنیادین در تقویت و گسترش نگرش سیاسی - اجتماعی در حوزه‌های علمیه به‌ویژه در قم و نجف داشتند. ایشان برای نخستین بار موضوع حکومت اسلامی را برپایه نظریه ولایت فقیه مطرح کردند و با سخنرانی‌ها، تألیفات و کتاب‌هایی که در این زمینه ارائه دادند، به مفهوم حکومت اسلامی در میان علما و حوزه‌های علمیه جایگاه ویژه‌ای بخشیدند. به این ترتیب، امام خمینی با دانش گسترده در علوم اسلامی و خویش‌نژادی اخلاقی توانست نه تنها رژیم ضداسلامی پهلوی را به چالش بکشد، دین اسلام را به عنوان مکتبی پویا و کارآمد که اصول و روش‌های نوینی برای تأسیس حکومت اسلامی دارد، به جهان معرفی کند (پسندیده، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

به نظر می‌رسد امام با حضور فقیهانه در نجف و ارتباط مستمر با حوزه قم توانست پیوندی ناگسستنی بین این دو قطب علمی جهان تشیع ایجاد کند. این استراتژی هوشمندانه باعث شد نهضت اسلامی از پشتوانه فکری هر دو حوزه بهره ببرد. امام در نجف موفق شد مدرسه فکری تأسیس کند که هم‌زمان سه مأموریت را محقق کرد: ۱- نوسازی مبانی فقه سیاسی شیعه؛ ۲- تربیت نسل جدیدی از روحانیون آگاه به مسائل زمان؛ ۳- طراحی الگویی حکومتی که توانست در آزمون عملی انقلاب اسلامی ایران به ثمر بنشیند. این تحول فکری حوزه‌های علمیه را از نهادهای تنها آموزشی به کانون‌های تأثیرگذار در تحولات اجتماعی تبدیل کرد و میراثی ماندگار برای جهان اسلام به جای گذاشت.

امام خمینی با ارائه نظریه ولایت فقیه توانست ارتباطی استوار و ماندگار میان دین و سیاست برقرار کند. آغاز تدریس مباحث ولایت فقیه یا حکومت اسلامی ایشان در سال ۱۳۴۸ شمسی نقطه عطفی برای بازاندیشی رابطه ژرف و همه‌جانبه میان دین و سیاست بود. طرح چنین نظریه‌ای در جهان معاصر که به‌طور کلی از ورود دین به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فاصله گرفته است، ضمن برانگیختن تعجب اندیشمندان زمینه‌ای را برای بررسی بیشتر در این موضوع فراهم کرد (خواجeh سروی، ۱۳۸۰: ۹۲).

از منظر تحلیلی، مواضع علمای نجف نسبت به امام خمینی را می‌توان به سه جریان عمده تقسیم‌بندی کرد: دسته اول شامل علمایی می‌شد که با تمسک به رویکردی انزواگرایانه بیشتر به امور عبادی و دینی مشغول بودند و از موضع‌گیری سیاسی صریح به امام خودداری می‌کردند؛

درمقابل، جریان دوم متشکل از روحانیونی بود که با گرایش‌های انقلابی ضمن ابراز انزجار از نظام سلطنتی از امام خمینی (ره) حمایت فعالانه‌ای می‌کردند. برخی از این افراد که سابقه همکاری با حوزه علمیة قم را داشتند، نقش پررنگ‌تری در فعالیت‌های انقلابی داشتند. در قطب مخالف، شماری از وابستگان به آیت‌الله خویی مواضع ضدانقلابی آشکاری را اتخاذ کردند. هرچند که خود آیت‌الله خویی با وجود قطع ارتباط با امام بر اثر تحریکات خارجی هرگز به مخالفت علنی اقدام نکرد. نکته مهم آنکه سایر مراجع نجف از جمله آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی نیز موضعی بی‌طرفانه اتخاذ و از ابراز مخالفت صریح با امام اجتناب کردند (موسوی تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

اصلاح رسوم اشتباه

یکی از موضوعاتی که امام خمینی در نجف با آن مقابله کرد، رویارویی با سنت‌های نادرست و اصلاح آنها بود. ایشان به‌نوعی توانست بسیاری از این عادت‌ها را تغییر دهد؛ از جمله، امام پس از وفات آیت‌الله حکیم با اصرار شیخ نصرالله خلخالی شرط کرد که در مجلس ختم هیچ عنوان و لقبی ذکر نشود و تنها نوشته شد: «مجلس از طرف سماحه آیت‌الله خمینی برگزار می‌گردد». این رویکرد ساده و متفاوت توجه بسیاری را جلب کرد. همچنین، امام با وجود اینکه کتاب «تحریرالوسیله» در چاپ اول به‌صورت کامل چاپ و آماده‌سازی شده بود، دستور داد عنوان «زعیم حوزه علمیة» از روی جلد حذف شود. این اقدام‌ها نشان‌دهنده تلاش امام برای دوری از تشریفات و القاب غیرضروری بود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۱). این ساده‌زیستی عالمانه امام درس عملی برای شاگردان بود که از مریدپرستی پرهیز و به جای تکیه بر عناوین بر عمق علمی تکیه کنند و تشریفات را مانع ارتباط با توده مردم ندانند.

یکی دیگر از اصلاحات امام خمینی در نجف تأکید بر نقش فعال روحانیت در مسائل اجتماعی و سیاسی بود. در آن زمان، بسیاری از مراجع و روحانیون نجف رویکردی محافظه‌کارانه داشتند و از ورود به مسائل سیاسی پرهیز می‌کردند؛ اما امام خمینی با بیان اینکه حوزه‌های علمیه باید در خدمت مردم و جامعه باشند، این سنت را شکستند و نشان دادند که روحانیت نمی‌تواند در برابر ظلم و بی‌عدالتی سکوت کند. این نگرش بعدها به یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران تبدیل شد (داستانی بیرکی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۹).

تحلیل نگارنده آن است که امام خمینی در نجف با احیای نقش سیاسی-اجتماعی روحانیت

تحولی پارادایمی در کارکرد حوزه‌های علمیه ایجاد و با عبور از گفتمان سنتی حوزه به‌مثابه نهاد آموزشی صرف، الگوی حوزه به‌مثابه نهاد پیشران اجتماعی را تثبیت کرد. این تحول روحانیت را از حاشیه‌نشینی سیاسی به کانون تحولات اجتماعی منتقل کرد.

عدم تبعیض بین طلاب

جمعیت درس امام در نجف حدود سیصد تا سیصد و پنجاه نفر بوده است که نسبت به جمعیت دو هزار و پانصد نفری طلبه‌های نجف تعداد زیادی است (فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). یکی از یاران امام نقل می‌کند: «یکی از ویژگی‌های بارز امام این بود که تبعیض‌هایی که در حوزه‌های علمیه پیش از ورود ایشان به نجف اشرف وجود داشت، برطرف کردند. این تبعیض‌ها بین طلبه‌های افغانی، عرب، ایرانی و دیگر ملیت‌ها وجود داشت. ایشان فرمودند که اگر قرار است شهریه‌ای پرداخت شود، باید به‌صورت برابر باشد و فرقی نمی‌کند، طلبه واجب شرایط عرب باشد یا افغانی، هندی، پاکستانی یا ایرانی. این اقدام بزرگی بود که امام در نجف انجام دادند و بسیاری از طلاب را خوشحال کردند. این اقدام امام باعث شد که سایر مراجع نیز از این سیره پیروی کنند» (فردوسی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۳۳).

رفتار امام نشان می‌دهد که به‌دنبال ایجاد اصلاحات در ساختار سنتی حوزه‌های علمیه بودند. ایشان با حذف تبعیض‌ها گامی مهم در راستای عدالت‌محورکردن این نهاد برداشتند. ایشان با حذف تبعیض‌های ملیتی به تقویت وحدت میان طلاب از ملیت‌های مختلف کمک کردند و این موضوع می‌تواند به‌عنوان نمادی از وحدت اسلامی و فراتررفتن از مرزهای قومی و ملیتی در نظر گرفته شود.

انتشار کتاب‌ها

امام خمینی در دوران اقامتشان در نجف آثار علمی متعددی تألیف و انتشار کردند که به برخی از آنها به‌عنوان منابع ارزشمند در زمینه‌های فقه، اصول، عرفان و فلسفه توجه شده است. از مهم‌ترین آثار ایشان می‌توان به تحریرالوسیله، کشف‌الاسرار و ولایت‌فقیه اشاره کرد. پیشنهاد چاپ کتاب «تحریرالوسیله» که امام خمینی در دوران تبعید در ترکیه نگاشته بودند، مرحوم حاج شیخ نصرالله خلخالی مطرح کرد. او از امام درخواست کرد نسخه دست‌نویس را برای انتشار در اختیارش قرار دهند تا شیعیان عرب به‌ویژه عراقی‌ها بتوانند از آن استفاده کنند. امام ابتدا

با این درخواست موافقت نکردند و استدلال کردند که چاپ کتاب با هزینه بیت المال ضرورتی ندارد و اگر تقاضایی باشد، کتاب فروشان خود اقدام خواهند کرد. امام پس از اصرارهای حاج شیخ نصرالله و پیشنهاد او برای تقبل هزینه چاپ موافقت کردند؛ اما شرط گذاشتند که کتاب باید خلاصه شود تا برای عموم قابل استفاده باشد. ایشان دستور دادند تا کتاب در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ صفحه خلاصه شود. پس از سه ماه کار خلاصه‌ای با عنوان «زبدة الاحکام» تهیه و منتشر شد. (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

اخلاق‌مداری

امام خمینی (ره) با ورود به نجف اشرف با سلوک معنوی و رفتارهای جذاب اجتماعی به سرعت جایگاه ویژه‌ای در میان مردم و طلاب یافتند. برخلاف رویه معمول برخی مراجع که بیشتر محدود به حلقه نزدیکان بودند، ایشان پس از اقامه نماز به ملاقات عمومی با مردم می‌پرداختند و این تعامل صمیمانه موجب شد تا عموم شیعیان اشتیاق فراوانی برای زیارت و ابراز ارادت به معظم له پیدا کنند. در مواجهه با شاگردان تواضع علمی و حوصله در پاسخگویی به سؤال‌ها از ویژگی‌های بارز ایشان بود. حال آنکه در برابر دشمنان مواضعی قاطع و انعطاف‌ناپذیر اتخاذ می‌کردند. این ترکیب بی‌نظیر از مهربانی با دوستان و قاطعیت با مخالفان از ایشان شخصیتی کاریزماتیک در نجف اشرف ساخته بود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۳۱).

تحلیل سلوک امام بیانگر آن است که ایشان با خلق سبکی جدید از مرجعیت از الگوی رایج علمای نجف فاصله گرفتند؛ درحالی که بسیاری از مراجع خود را در حلقه‌ای محدود از شاگردان و نخبگان محصور می‌کردند، امام با ملاقات عمومی پس از نماز، حضور در میان مردم و پرهیز از تشریفات نشان دادند که مرجعیت می‌تواند مردمی‌تر و فراتر از چهارچوب‌های سنتی عمل کند. این رفتار نه تنها محبوبیت ایشان را افزایش داد، نقش اجتماعی مرجعیت شیعه را نیز دگرگون کرد. امام در محیط رقابتی نجف با حفظ تواضع درعین برخورداری از اقتدار علمی الگویی ارائه دادند که اخلاق و دانش را همراه هم می‌کرد. برخلاف برخی استادان که با فاصله‌گیری از شاگردان هیبت علمی خود را حفظ می‌کردند، امام با پاسخگویی صبورانه به پرسش‌ها و رابطه‌ای دوستانه با طلاب نسلی از شاگردان را پرورش دادند که هم‌زمان پایبند به اخلاق و انقلابی بودند. این ویژگی بعدها به یکی از ارکان تشکیل شبکه مبارزان انقلابی

تبدیل شد. اگرچه امام در برخورد با مردم و شاگردان مهربان بودند، در عرصه سیاسی هیچ سازشی با دشمنان اسلام نداشتند. این دوگانگی حساب شده (نرمش با مردم و صلابت با دشمنان) به ایشان اجازه می داد تا هم محبوب توده ها باشند و هم خط مشی انقلابی خود را بدون مماشات پیش ببرند.

تحلیل سلوک امام نشان می دهد که ایشان مرزبندی دقیقی میان دوستان و دشمنان قائل بودند؛ اما این مرزبندی هرگز به انزواگرایی منجر نشد. بلکه با ترکیب معنویت و مبارزه الگویی از رهبری دینی ارائه دادند که جذاب و انقلابی بود. این همان عاملی است که ایشان را از بسیاری از مراجع هم عصر خود متمایز می کند و نجف تحت تأثیر حضور ایشان به کانونی برای بیداری اسلامی تبدیل شد.

امام خمینی در آخرین جلسه های درسی خود در نجف به آموزش مباحث اخلاقی به طلباء اهتمام ویژه داشته اند و از نکات برجسته بیانات ایشان می توان به تذکرات اخلاقی ظریف مانند هشدار درباره پیامدهای رفتارهای ناپسند پیش از ماه رمضان که ممکن است آثار آن در طول ماه مبارک باقی بماند، اشاره کرد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷۴). آخرین جلسه های درسی امام در نجف درحقیقت، دوره تکمیلی تربیت نیروهای انقلابی بود که نشان می داد ایشان قیام سیاسی را بدون قیام اخلاقی ممکن نمی دانستند. امام با هوشمندی تشخیص داده بودند که انقلاب بدون تربیت نیروهای اخلاقی مقاوم محکوم به شکست است. تذکراتی مانند هشدار درباره آثار رفتار ناپسند پیش از رمضان نشان دهنده نگاه نظام مند به تربیت نفوس بود و این آموزش ها پایه ریزی فرهنگی برای نهضتی بود که نیازمند عناصری با ظرفیت اخلاقی بالا بود.

نتیجه گیری

یافته ها نشان داد که امام خمینی با حضور خود در نجف اشرف تحولی ساختاری و محتوایی را در مدرسه های علمیه نجف ایجاد کردند. ایشان با ارائه روش های نوین تدریس، تربیت شاگردان ممتاز و تألیف آثار علمی ارزشمند بنیان های علمی حوزه نجف را مستحکم کرد. همچنین، با تبیین نظریه ولایت فقیه و ورود به عرصه سیاست گفتمان جدیدی را درحوزه های علمیه شیعه پایه گذاری کرد که ترکیب علم و عمل را در پی داشت.

از منظر اجتماعی، امام خمینی با اصلاح رسوم نادرست، حذف تبعیض های ملیتی میان

طلّاب و تأکید بر نقش فعال روحانیت در مسائل جامعه ساختار سنتی حوزه نجف را متحول کرد. ایشان با حفظ احترام مراجع تقلید و هم‌زمان نقد رویکردهای انزواگرایانه الگویی از تعامل سازنده را بین نهاد دین و سیاست ارائه داد. این اقدام‌ها نه تنها جایگاه حوزه نجف را به عنوان کانون علمی جهان تشیع تقویت کرد، آن را به نهادی اثرگذار در تحولات سیاسی-اجتماعی تبدیل کرد. تحلیل خاطره‌های شفاهی از امام در نجف بیانگر آن است که تأثیرهای امام خمینی در حوزه نجف فراتر از دوره اقامت ایشان بود و به عنوان میراثی ماندگار در حوزه‌های علمیة شیعه تداوم یافت. شاگردان تربیت‌شده ایشان و آثار علمی منتشرشده مبانی فکری جدیدی را در فقه سیاسی و روش‌های آموزشی حوزه‌ها پایه‌گذاری کرد. این تحولات نشان‌دهنده نگاه جامع امام به کارکرد نهادهای دینی بود که هم‌زمان به ابعاد علمی، تربیتی و اجتماعی توجه داشتند.

درمجموع، پژوهش حاضر مؤید آن است که امام خمینی با ترکیب سنت و نوآوری حوزه علمیة نجف را از نهادی آموزشی به مرکزی پویا تبدیل کرد که از طرفی، پاسخگوی نیازهای علمی زمانه بود و از طرف دیگر، در تحولات اجتماعی-سیاسی نقش فعال داشت. تجربه‌های ایشان در نجف می‌تواند به عنوان الگویی کاربردی در مواجهه با چالش‌هایی مانند تعامل با مسائل نوپدید و حفظ هویت دینی در عین پاسخگویی به نیازهای جامعه مورد استفاده قرار گیرد. در پایان پیشنهادهایی برای پژوهشگران ارائه می‌شود.

۱- پیشنهاد می‌شود تأثیر امام خمینی بر سایر حوزه‌های علمیة نیز بررسی شود تا مقایسه‌ای جامع از نقش ایشان در نوسازی نهادهای دینی شیعه صورت گیرد؛

۲- استفاده از منابع دست اول مانند اسناد آرشیوی عراق یا خاطره‌ای شفاهی طلّاب نجف می‌تواند ابعاد جدیدی از این موضوع را روشن کند.

در پژوهش حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت که به شرح ذیل است.

۱- کمبود منابع مکتوب مستقیم درباره فعالیت‌های امام در نجف (به‌ویژه اسناد دولتی عراق) و اتکای پژوهش به خاطره‌های شاگردان که ممکن است، ذهنی باشد؛

۲- در این پژوهش بیشتر بر دوره تبعید امام تمرکز شده بود؛ بنابراین تأثیرهای پیشین یا پسین ایشان بر نجف را کمتر پوشش می‌دهد.

منابع

- آب لشکری، سید مجید (۱۳۸۶). خاطرات امام خمینی و سال‌های حضور در نجف. فصلنامه فرهنگ زیارت، ۲ (۶)، ۱۲۲-۱۳۷.
- پسندیده، محمود (۱۳۷۹). نگاهی گذرا به حوزه علمیة نجف اشرف. مشکات، (۶۹)، ۱۱۱-۱۳۰.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۸۹). خاطرات سال‌های نجف. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). منظومه فکری امام خمینی (ره). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). الخلل فی الصلوة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۰). وحدت دین و سیاست در اندیشه امام خمینی (ره). فصلنامه علوم سیاسی، (۱۶)، ۹۱-۱۰۴.
- داستانی بیرکی، علی (۱۳۹۳). پرسش‌ها و پاسخ‌ها (سید پرسش و پاسخ در حوزه اندیشه امام خمینی). تهران: عروج.
- رجایی، غلامعلی (۱۳۹۲). برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رجبی، محمدحسن (۱۳۶۹). زندگینامه سیاسی امام خمینی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ستوده، امیررضا (۱۳۸۰). پایه‌پای آفتاب. تهران: پنجره، چاپ اول.
- سید کباری، علیرضا و پژوهشکده باقرالعلوم (۱۳۷۸). حوزه‌های علمیة شیعه درگستره جهان. تهران: امیرکبیر.
- فراهانی، مجتبی (۱۳۸۷). سلسله موی دوست: خاطرات دوران تدریس امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- فردوسی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۰). کتاب خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین فردوسی‌پور. تهران: چاپ و نشر عروج.
- فضلی، عبدالهادی (۱۴۳۶). الحوزه العلمیه، تاریخ‌ها و نظام‌ها. قم: مؤسسه السیده المعصومه.
- گلابگیرنیک، محمود؛ حسینی، محسن؛ زنگنه، ابراهیم؛ پسندیده، محمود و احمدیان شالچی،

- نسرین (۱۳۸۳). *نجف کانون تشیع*. مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ملکوتی، مسلم (۱۳۸۵). *خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی* (تدوین عبدالرحیم اباذری). مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - موسوی تبریزی، حسین (۱۳۸۷). *خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 - همتیان، علی اصغر (۱۳۹۹). *آشنایی با نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های علمیه*. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
 - یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۷۹). *شخصیت و دیدگاه‌های فقهی امام خمینی (ره)*. قم: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

نسبت گفتمان شیعی آل‌بویه با آبادانی عتبات عالیات

زهراسادات کشاورز^۱

چکیده

تاریخ کلیتی یکپارچه است و مطالعات بُعدمحور نسبیتی با آن ندارند. برای واکاوی تاریخ در کلیت آن می‌توان به شیوه‌هایی روشمند روی آورد که یکی از آن‌ها روش تحلیل گفتمان فوکویی است؛ به همین منظور پژوهش حاضر با استفاده از این روش و با تمرکز بر این فرضیه که آبادانی عتبات در آن دوره در نسبیتی سیستماتیک با گفتمان شیعی آل‌بویه بوده است، به چهار رکن تحلیل گفتمان یعنی شناخت سوژه، ابژه، مفاهیم و بالأخره استراتژی‌های آل‌بویه پرداخته است تا موضوع عتبات عالیات را در بطن آنها مشخص کند و نظامی سامانه‌ای از آن ارائه کند و از برداشت‌های تاریخی منقطع فاصله بگیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که آبادانی عتبات عالیات در آل‌بویه ذیل ابژه‌ای گفتمانی طرح می‌شود و این ابژه در کنار ابژه دیگر یعنی توسعه شعائر محقق شده است؛ این دو ابژه ذیل سه استراتژی گفتمانی صورت‌بندی شده است که عبارت است از: تأسیس حکومت شیعی، گسترش تشیع و تأمین امنیت. تمهید این سه استراتژی توسط دو سوژه و کارگزار گفتمانی عملیاتی شده که عبارت از حکام و علما است؛ افزون‌براین، گفتمان شیعی آل‌بویه به ریتوریک گفتمانی نیز توجه داشته‌اند که عبارت از اذان، خطبات و تألیفات است. توسعه عتبات تنها در پرتو سه استراتژی شیعی گفته‌شده محقق شد و در غیبت این استراتژی‌ها بی‌ثمر می‌ماند. ضمن اینکه توسعه عتبات ذیل اقدامات شیعه‌محور علما و حکام با موفقیت همراه می‌شد و در غیبت آن‌ها عملاً ناممکن می‌گردید و همچنین توسعه عتبات و توسعه شعائر شیعی همچون دو بال، امکان حرکت در مسیر مربوط را فراهم کرد و بالأخره توسعه عتبات بدون توجه به بُعد ریتوریک تشیع یعنی خلق مفاهیم شیعی در اذان، خطبات و تألیفات آن دوره میسر نمی‌شد.

کلمات کلیدی: گفتمان شیعی، آل‌بویه، عتبات عالیات، تحلیل گفتمان.

۱. دکترای تخصصی گروه تاریخ تشیع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده

Zahra.sadat.keshavarz@gmail.com

مستول)

The relationship between the Shi'i discourse of the Buyid dynasty and the development of the sacred 'Atabāt

ZahraSadat Keshavarz¹

Abstract

History is an integrated totality, and dimension-oriented studies are unrelated to it. To analyze history in its entirety, one can employ methodical approaches, one of which is the Foucauldian method of discourse analysis. For this purpose, the present study, using this method and focusing on the hypothesis that the development of the 'Atabāt during that period was systematically related to the Shi'i discourse of the Buyid dynasty, examines the four pillars of discourse analysis—namely, the identification of the subject, object, concepts, and ultimately the strategies of the Buyids—to situate the issue of the 'Atabāt within their core, present a systematic order of it, and distance itself from fragmented historical interpretations. The findings indicate that the development of the 'Atabāt under the Buyids can be situated within a discursive object, and this object, alongside another object—namely, the expansion of Shi'i rituals—has been realized. These two objects have been formulated under three discursive strategies: the establishment of a Shi'i government, the spread of Shi'ism, and ensuring security. The implementation of these three strategies was operationalized by two subjects and discursive agents: the rulers and the religious scholars. Furthermore, the Shi'i discourse of the Buyids also attended to discursive rhetoric, which included the call to prayer (adhān), sermons (khutab), and authored works (ta'līfāt). The development of the 'Atabāt was achieved only in light of the aforementioned three Shi'i strategies and would have

- Ph.D. in History of Shiism, Faculty of Literature and Humanities, University of ¹ Isfahan, Isfahan, Iran, Zahra.sadat.keshavarz@gmail.com

remained futile in their absence. Moreover, the development of the ‘Atabāt, as part of the Shi‘a-centric actions of the scholars and rulers, was successful, and in their absence, it became practically impossible. Additionally, the development of the ‘Atabāt and the expansion of Shi‘i rituals functioned like two wings, enabling progress along the relevant path. Finally, the development of the ‘Atabāt could not have been achieved without attention to the rhetorical dimension of Shi‘ism—that is, the creation of Shi‘i concepts in the adhān, sermons, and authored works of that period.

Keywords: Shiite discourse, Buyids, holy shrines, discourse analysis.

مقدمه

تاریخ ایران عموماً تاریخی آمیخته با آیین‌ها، ادیان و مذاهب بوده و مفاهیم دینی یکی از پی‌رنگ‌های ممتد در تاریخ ایران بوده است. با ورود اسلام به ایران چه‌بسا این پی‌رنگ دینی، بن‌مایه‌ای مذهبی نیز به خود گرفته است؛ زیرا تعدد فرق اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی سبب شده تا مذاهبی چند از بطن دین اسلام ظهور کنند و هرکدام تأثیراتی بر تاریخ ایران پس از اسلام بگذارند. البته همواره مذهبی از مذاهب اسلام یعنی تسنن بر دیگر مذاهب اسلامی غلبه داشته است؛ اما در مقاطعی از جمله در سلسله آل‌بویه، طبرستان، ایلخانیان، صفویه و غیره این مذهب تشیع بوده است که غلبه داشته و یا دست‌کم بخشی از قلمرو سرزمینی ایران را پوشش داده است و به‌عنوان مذهب رسمی معرفی شده است. البته این مذاهب، خود فرق مختلفی را شامل می‌شده‌اند که عمدتاً ناشی از اختلاف بر سر مبحث امامت بوده است؛ اما به‌طور مشخص آل‌بویه مقطعی است که گستره وسیعی از ایران را شامل شده و از اقتدار لازم برای توسعه و تعمیق تشیع برخوردار بوده است؛ زیرا این دوره تاریخی ۱۵۰ سال به طول انجامیده و توانسته است جلوه‌های نسبتاً درخشانی را از سپهر فرهنگی، اجتماعی و علمی به نمایش بگذارد؛ یکی از این درخشش‌ها در زمینه آبادانی عتبات عالیات بوده است که جنبه فرهنگی داشته و نیز جنبه دینی و اجتماعی را قوت بخشیده است. این سلسله به دیلمیان و دیالمه هم معروف بوده است (مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۰۹؛ مشکور، ۱۳۶۳: ۱۷۵). بعضی محققان بر این باور هستند که آل‌بویه شیعه زیدی بودند؛ و مستند آنان این است که سرزمین دیلم عرصه فعالیت معتقدان به زیدی بوده که مذهب خود را در طبرستان تأسیس کرده بودند؛ اما در مجموع در این خصوص تردیدی وجود ندارد که آنان از محبان اهل بیت بوده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۱۱: ۳۰۷؛ ابن‌تغری بردی، بی‌تا، ج ۳: ۳۰۷)؛ اما در این خصوص که شیعه زیدی بوده‌اند یا اثناعشری اختلافاتی وجود دارد.

برخی مورخان فتح ارجان در سال ۳۲۱ قمری را نقطه آغازی بر تأسیس حکومت آل‌بویه معرفی کرده‌اند. در ادامه برادران بویه خطه فارس را فتح کردند و سپس در طول ۱۲ سال دو برادر یعنی حسن و احمد بر ری، کرمان و عراق عرب مسلط شدند. آل‌بویه توانستند تا سال ۴۴۸ هجری بخش‌های بسیاری از ایران و عراق تا مرزهای شام را به سلطه خود درآوردند (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ص ۳۷۸، ج ۱: ۲۷) و به تدریج دستگاه خلافت در تسلط آل‌بویه قرار

گرفت (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۷۰) و در مجموع دوران حکومت آل بویه، تقریباً ۱۱۰ سال به طول انجامید (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۹۰). در طول این دوران توجه ویژه‌ای به عتبات عالیات صورت گرفت که بنا بر روش‌شناسی پژوهش حاضر تنها ذیل یک صورت‌بندی گفتمانی طرح خواهد شد، نه به صورتی منفرد و جداافتاده از کلیت ساختار گفتمانی وقت؛ به همین سبب در ادامه ضمن توضیح بنیان روش‌شناختی پژوهش حاضر، به ارکان گفتمان آل بویه پرداخته می‌شود که منشأ و خاستگاه توجه به عتبات عالیات بوده است. درواقع توسعه و رونق عتبات عالیات، قطعاً در غیبت عناصر گفتمانی امکان‌پذیر نبوده است؛ گو اینکه هر امری در فقدان عناصر زمینه‌ساز ناممکن است. توسعه عتبات عالیات نیز بدون همراهی و زمینه‌سازی ارکان دیگر گفتمان شیعی آل بویه ناممکن بوده است و اگر موفقیت آل بویه در توسعه عتبات عالیات شاهد می‌شود، بی‌تردید ارکان گفتمانی این نوع از حکمرانی در آن، منشأ اثر بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

میشل فوکو از بنام‌ترین محققان حوزه تاریخ است که مکتب مطالعه تاریخی آنان عمیقاً متأثر از اوست. او دو روش کاوش تاریخی را بنا نهاد که یکی تبارشناسی و دیگری دیرینه‌شناسی بود. در روش دیرینه‌شناسی که روش پژوهش حاضر نیز خواهد بود، گفتمان غالب در دوره‌ای تاریخی بنا بر ویژگی‌هایی بررسی می‌شود که او برشمرده است. از اصلی‌ترین مفاهیم به‌کاررفته توسط فوکو صورت‌بندی گفتمانی^۱ است (فوکو، ۱۹۹۱: ۸۵). این صورت‌بندی گفتمانی شامل چهار عنصر و جزء کلیدی است که عبارت‌اند از ابژه، سوژه، مفاهیم و استراتژی (دیفوس و رابینو، ۱۹۸۳). به عبارتی هر گفتمان استراتژی‌هایی دارد که جنبه‌ای کلان دارند. این استراتژی‌ها هستند که سایر کارکردها و عملکردهای آن گفتمان را اجرایی می‌کنند (فوکو، ۱۹۷۱). متناسب با مبحث حاضر اگر آبادانی عتبات عالیات یکی از کارکردهای گفتمانی آل بویه دانسته شود، این کارکرد تنها در پرتو استراتژی‌های کلان آل بویه امکان ظهور داشته است؛ نکته دیگر اینکه تأسیس و دنبال‌کردن این استراتژی‌ها به افراد و کارگزارانی نیاز دارد که آنها را تعریف و دنبال کنند. درعین حال ابژه‌هایی در هر گفتمان وجود

^۱ discursive formation

دارد که متأثر از استراتژی‌ها به مثابه کارکرد در نظر گرفته می‌شوند. در کنار ابژه و سوژه‌ها مفاهیمی توسط گفتمان، مفصل‌بندی گفتمانی می‌شوند که به دال‌های کانونی استراتژی مربوط تبدیل می‌شوند. به عبارتی برای فهم یکپارچه و سیستماتیک یا ارگانیک از عصر آل‌بویه و چگونگی ممکن‌شدن توسعه عتبات ناگزیر باید به سازوکارهایی متوسل شد که چنین فهمی را مقدر سازند و یکی از این مکانیسم‌ها برداشت و خوانش گفتمانی از امر مدنظر است؛ زیرا وقتی امری در بطن گفتمان ملاحظه می‌شود، نسبت میان اجزای آن گفتمان مشخص شده و تأثیرات متقابل آنها آشکار می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعاتی موجود درباره عتبات عالیات در ادوار تاریخی مختلف نسبتاً پر دامنه و متکثر است و برخی مطالعات نیز به‌طور مشخص به وضعیت عتبات در دوره آل‌بویه پرداخته‌اند؛ اما آنچه از نظرها دور مانده است، قراردادن این موضوع و مقوله در یک سامانه و نظم گفتمانی و توجه به عتبات به مثابه امری جدابافته از سایر عناصر گفتمانی آل‌بویه بوده است. در این میان می‌توان به پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی طراحی و ساختار تزئینی کتیبه‌های کوفی آثار دوره آل‌بویه (در چوبی موجود در موزه ملی ایران و الواح چوبی آستان امام علی)» (تندرو و خزایی، ۱۴۰۰) اشاره کرد که نمونه‌ای مشخص از توجه انفرادی به عتبات دوره آل‌بویه بوده است و صرف نظر از اهمیت تطبیقی آن، به روابط ارگانیک این مقوله با سایر وضعیت‌های آل‌بویه نپرداخته است. نمونه دیگر پژوهشی با عنوان «بررسی نقش دولت آل‌بویه در گسترش تشیع و عمران عتبات عراق» (گلی زواره، ۱۳۹۷) است که به‌رغم اهمیت عنوانش، فقط برپایی مناسک و توجه به عتبات را به‌طور مستقل و غیرارگانیک مطرح کرده است. محقق در این پژوهش به‌رغم تلاش موجه، نتوانسته است نسبت این دو عامل را با گسترش تشیع روشن کند؛ اما از حیث داده‌ها وضعیتی بسنده دارد. در پژوهش دیگری با عنوان «نقش صفویان در بازسازی عتبات عالیات» (شریفی، ۱۳۹۷)، محقق بخشی را به وضعیت عتبات در دوره آل‌بویه تخصیص داده و به‌خوبی توانسته است سیر تاریخی وضعیت عتبات را در ادوار مختلف بازنمایی کند؛ اما در این پژوهش نیز، وضعیت عتبات به‌طور مستقل و فارغ از سایر عناصر آن عصر بررسی شده است. در پژوهش دیگری با عنوان «چگونگی و چرایی ایجاد، بازسازی و تعمیر بارگاه‌های شیعه در ایران و عراق در دوره آل‌بویه» (پوراحمدی و خاکرند،

(۱۳۹۴) چرایی توجه به عتبات از منظر تلاش برای کسب مشروعیت آل‌بویه نزد مردم عراق عنوان شده است و تا حدی توانسته است نسبت میان شیعی بودن حکومت مربوط را با بازسازی عتبات تبیین کند.

کتاب‌های «تاریخچه آستان مطهر حضرت علی (ع)» از فرطوسی (۱۳۹۳)، «تاریخ کربلا و حائر حسینی» از کلیدار (۱۳۹۰)، «تاریخ حرم کاظمین» از فیض (۱۳۲۷) و جلد دوم کتاب «دایره‌المعارف تشیع» از جوادی و همکاران (۱۳۶۹) نیز به عنوان منابعی بسیار ارزشمند و مراجعی به غایت گرانبها در بخش‌هایی به وضعیت عتبات عالیات در دوره آل‌بویه پرداخته‌اند که از حیث گردآوری داده‌های تاریخی درخور توجه هستند. درمجموع انباشت دانش در این باره وضعیتی نسبتاً مطلوب را نمایش می‌دهد و در مقام داده‌پردازی‌ها اهمیتی درخور توجه دارد؛ اما بیشتر این پژوهش‌ها تصویری یکپارچه از رویکرد آل‌بویه ارائه نکرده‌اند؛ این در حالی است که اقبال آنان به عتبات تنها در پرتو استراتژی‌های حکمرانی آل‌بویه قابل تئوریزه‌شدن است؛ براین اساس پژوهش حاضر تلاش دارد که تا حدی هرچند اندک بر این نقصان فائق آید.

عناصر چهارگانه گفتمان شیعی آل‌بویه

در طول دوران حکومت شیعی آل‌بویه یک گفتمان در سطح سامانه‌ای ارگانیک تأسیس شد که از عناصر چهارگانه استراتژی، مفاهیم، سوژه و ابژه برخوردار بود. توسعه و آبادانی عتبات عالیات به عنوان موضوع پژوهش حاضر تنها در این سامانه ارگانیک است که امکان تحقق یافت و در صورت وجودداشتن یکی از این شروط چهارگانه گفتمانی تحقق نمی‌یافت یا با این کیفیت محقق نمی‌شد.

استراتژی‌های گفتمانی؛ تأسیس حکومت شیعی، مبادرت به منش تسامح شیعی، تأمین امنیت

ازجمله عناصر و ارکان اصلی هر گفتمان، استراتژی‌هایی است که در آن گفتمان مورد توجه قرار گرفته و اجرا شده است. به‌طور مشخص در عصر آل‌بویه برخی رویکردها در مقام استراتژی‌های کلان طرح می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان احتمال تأثیرگذاری آن‌ها را بر سایر

عناصر و ارکان گفتمان مربوط از جمله بر عتبات عالیات مطرح کرد. یکی از استراتژی‌های اصلی که توسط آل‌بویه درباره آن تصمیم‌گیری شد، گسترش تشیع در حدود قلمرو سرزمینی آن دوره و به طریق اولی «تأسیس دولتی بزرگ بود که به دیلمیان یا دیالمه نیز معروف بود» (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۷۵). در گذار تاریخ پس از اسلام در ایران، اغلب، حکومت‌های سنی بر سر کار بوده‌اند؛ اما از معدود ادواری که تشیع گسترده شد، دوره آل‌بویه است. وسعت کمی و کیفی تشیع در این عصر به حدی است که بتوان آن را رویکرد کلان آل‌بویه دانست و به تأسیس گفتمان شیعی به مثابه استراتژی این دوره رأی حتمی داد. بنابر همین استراتژی، آل‌بویه آموزه‌های تشیع را در فضایی فراخ و امن توسعه بخشید و پویایی تشیع را از طریق برگزاری مجالس مناظره میان ادیان و مذاهب مختلف تضمین کرد (مکدرموت، ۱۳۸۴: ۴؛ یارشاطر، ۱۳۵۴، ج ۱: ۱۵۶) و علما و فقها تکریم شدند و از هر تخصصی اعم از فقه و ریاضیات و... گرد هم آمدند و این امر توسعه تشیع را سبب شد (قفطی، بی‌تا: ۲۷۳؛ ابن مسکویه، ۱۳۳۲ ق، ج ۲: ۴۰۸) و تشویق علما و فقها به گسترش تشیع، زمینه‌های شکوفایی فرهنگ شیعی را فراهم کرد (مکدرموت، ۱۳۸۴: ۲۱)؛ تاجایی که شوشتری تصریح می‌کند که حکام آل‌بویه از جمله معزالدوله در مقام ترویج مذهب حق ائمه اثنی‌عشری برآمدند (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۰۸)؛ بنابراین، به طریق اولی، این تأسیس حکومتی شیعی و ترویج و تبلیغ تشیع بود که زمینه‌های شکوفایی سایر عناصر گفتمانی آن عصر، از جمله آبادانی عتبات را فراهم کرد. گو اینکه آل‌بویه برای ترویج، تبلیغ و گسترش معارف شیعی مدارس برپا کردند (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۷: ۱۲۶).

افزون بر تکریم و فراهم‌سازی مقدمات کارگزاری فقها و علما، و تبلیغ و توسعه تشیع، جدیت در برخورد با فتنه‌انگیزی که در صدد ایجاد تفرقه میان فرق شیعی بودند نیز، در دستور کار آل‌بویه قرار گرفت و با افرادی برخورد می‌شد که خلاف سنت پیامبر در جهت تفرقه بودند؛ هرچند که جانب اعتدال رعایت می‌شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸)؛ درضمن از خطابه اشخاصی که به تفرقه‌ها دامن می‌زدند، جلوگیری به عمل می‌آمد (کرومر، ۱۳۷۵: ۷۹).

حتی می‌توان استراتژی کلان‌تری را از جانب آل‌بویه دید و آن رویکرد روادارانه آل‌بویه به گرایش‌های دینی، فارغ از نوع آن است؛ گو اینکه در نواحی تحت زعامت آل‌بویه، وجود معتقدان به ادیان و مذاهب مختلف ملاحظه می‌شد؛ ولی بیشتر در برپایی آیین‌ها و انجام فرائض خود آزادی عمل داشتند و حتی در صوص جزیه و خراج نیز، حمایت می‌شدند و طبق

منش تساحلی شیعی با این فرق رفتار می‌شد؛ برای مثال خوارزمی به نگاه مسامحه‌آمیز تشیع آل‌بویه به مذاهب متعدد شیعی، ذیل عنوان کلی پیروان اهل بیت اشاره می‌کند و می‌نویسد که آل‌بویه تلاش کردند تا معتقدان اهل بیت را از تقیدات و فشارهای مخالفان برهانند (خوارزمی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶۴). این تسامح آل‌بویه پای را از فِرَق شیعی فراتر نهاد و تا حدی به مساوات با پیروان سایر ادیان نیز رفتار می‌کرد؛ گو اینکه وقتی بین مسلمانان و زرتشتیان در شیراز منازعه‌ای درگرفت و به خانه‌های زرتشتیان هجوم برده شد و برخی از آنان کشته شدند، عضدالدوله عاملان را مجازات کرد (زرین کوب، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۸۰؛ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۶۴). در نمونه‌ای دیگر از این منش شیعی، در سال ۳۹۲ هجری منازعه‌ای شدید میان عیاران درگرفت و حاکم آل‌بویه در عراق کسانی را که در ایجاد این تفرقه و نفاق مؤثر بودند، صرف نظر از گرایش مذهبی آنان مجازات کرد (مکدموت، ۱۳۸۴: ۲۳) و حتی شیعیان از اهانت به شخصیت‌های دیگر فرق اسلامی منع می‌شدند (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۹۴؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۸۰)؛ بنابراین، در کنار استراتژی تشیع‌گرایی آل‌بویه، استراتژی منش تسامح‌آمیز شیعی نیز مورد توجه آل‌بویه بود.

در کنار دو استراتژی گفتمانی آل‌بویه، یعنی تأسیس حکومت دینی و صعه صدر در قبال دیگر مذاهب، استراتژی سومی نیز بر سایر عناصر گفتمان آل‌بویه از جمله بر وضعیت عتبات عالیات تأثیرگذار بود و آن استراتژی تأمین امنیت بود؛ زیرا در پرتو تأمین امنیت برای شیعیان بود که پیروان شیعه می‌توانستند به زیارت عتبات بروند؛ گو اینکه حتی خود «آل‌بویه نیز به‌رغم آنکه شیعه بودند، به سبب مخاطرات ابراز آن، باور خود را آشکارا بیان نمی‌کردند» (ابن کثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۱۱: ۳۰۷). این در حالی بود که معزالدوله وقتی بر تخت نشست، عقاید خاندان خود را علنی بیان کرد (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۰۷). گو اینکه بنابر همین استراتژی، این سلسله کوشید تا پیروان مذهب تشیع را از فشارها و محدودیت‌ها و آزار و اذیت‌های رایج در تاریخ برهاند و آزادی عمل را برای آنان به‌طور شایع و رایج فراهم کند (خوارزمی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶۴) و علما نیز توانستند به یمن همین فضای امن پدیدآمده به مناظره با پیروان دیگر ادیان بپردازند (مکدموت، ۱۳۸۴: ۶-۴)؛ هرچند که به‌رغم این تلاش‌ها گاه ناامنی‌هایی پدید می‌آمد؛ برای مثال در سال ۴۴۸ به فرمان طغرل‌بیک سلجوقی کتابخانه ابونصر شاپور طعمه حریق شد (ابن حوضی، ۱۳۵۸ ق، ج ۸: ۱۷۹). همچنین در سال ۳۹۸ عده‌ای به مسجدی هجوم بردند که محل فعالیت شیخ مفید بود (ابن جوزی، ۱۳۵۸ ق، ج ۷: ۲۲۷)؛ اما هر

تلاشی ازسوی آل‌بویه صورت می‌گرفت تا امنیت تأمین گردد و حتی برای مثال در سال ۳۸۹ هجری، اهل سنت در مقام رقابت با جشن غدیر شیعیان، ۲۶ ذی الحجه را جشن می‌گرفتند که سال ورود پیامبر (ص) به غار ثور است؛ اما آل‌بویه برای جلوگیری از منازعات و ناامنی برای پیروان، هر دوسو را از برپایی جشن‌ها منع کرد (ابن جوزی، ۱۳۵۸ ق، ج ۷: ۱۶ و ۲۰۷). آل‌بویه بنابر استراتژی تأمین امنیت برای زوار عتبات، فرامینی را برای رفاه و امنیت زوار صادر می‌کردند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۴۵۲) و عضدالدوله برای تضمین امنیت زوار، در سال ۳۷۲ ق، دیواری برگرداگرد آستان حضرت علی (ع) بنا نهاد (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۱۲).

در ادامه گفته خواهد شد که در پرتو این استراتژی گفتمانی آل‌بویه بوده است که سه رکن دیگر گفتمان یادشده، معنا و تحقق یافته است و برخی زیرمجموعه‌های آن ازجمله توجه به عتبات عالیات رخ نموده است. درواقع رویکرد گفتمانی پژوهش حاضر ناظر بر این نکته است که اگر رونق و توسعه عتبات عالیات با موفقیت همراه بوده است، این موفقیت تنها باتوجه‌به سه استراتژی گفتمان شیعی آل‌بویه امکان‌پذیر شده است و نمی‌توان نقش این استراتژی‌ها را در زمینه‌سازی برای آبادانی عتبات نادیده گرفت. نکته مهم در این میان، شیعی بودن این استراتژی‌ها است. به عبارتی توسعه عتباتی که متعلق به اهل تشیع بوده است، می‌باید زمینه‌هایی شیعی داشته باشد و استراتژی‌های سه‌گانه یادشده همگی بر رویکرد شیعی آن‌ها استوار است؛ زیرا یکی از آن‌ها تأسیس حکومتی با بنیان شیعی بوده و دومی در پیش گرفتن تسامحی از نوع تسامح شیعی و سومی ناظر بر تأمین امنیت برای اهل تشیع بوده است. در غیبت این سه استراتژی چگونه می‌توان موفقیت آل‌بویه را در آبادانی، رونق و استقبال از عتبات فرض گرفت.

سوژه‌های گفتمانی؛ حکام و علما

طبق مباحث تحلیل گفتمان، هر گفتمانی سوژه‌هایی دارد که آن گفتمان را کلید می‌زند و مدیریت می‌کند. اگر استراتژی گفتمان شیعی آل‌بویه آن‌چنان که در بخش قبل گفته شد، توسعه و گسترش تشیع فرض شود، این توسعه قطعاً نیاز به کارگزارانی داشته است که آن را اجرا کرده باشند. البته هر گفتمان از سلسله‌مراتبی از مجریان برخوردار است؛ اما در اینجا به اصلی‌ترین کارگزاران مؤثر در تحقق گفتمان شیعی آل‌بویه اشاره می‌شود. اولین و شاید مهم‌ترین این

کارگزاران همانا حکام آل بویه بوده‌اند که با گرایش شیعی خود و با تأسیس حکومت شیعی، زمینه‌ساز ظهور گفتمان یادشده را فراهم کردند. اقدامات آنان در اعلان مذهب شیعه به‌عنوان بنیان حکومت وقت، توسعه شعائر شیعی، آبادانی عتبات عالیات، گرد هم آوردن علما، فقها و تکریم دانشمندان حوزه مذهب شیعی از جمله مستنداتی است که نشان می‌دهد آنان اصلی‌ترین سوژه‌ها و کارگزاران گفتمان شیعی مذکور بوده‌اند.

گو اینکه در همین راستا، محدث، متکلم و فقیه جهان تشیع، شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ق)، با جلال و حشمت می‌زیست و حکام وقت او را تکریم می‌کردند (ابن جوزی، ۱۳۵۸ ق، ج ۷: ۲۲۷) و وقتی عضدالدوله از مناظره شیخ مفید و قاضی عبدالجبار معتزلی با خبر شد، هدایایی به او تقدیم کرد (موسوی خوانساری، ۱۳۹۲ ق، ج ۵: ۱۶۹-۱۵۹). در نمونه‌ای دیگر، حاکم وقت، معزالدوله، عالم و محدث عصر یعنی شیخ محمد صدوق را بسیار معزز می‌داشت و از او برای پیوستن به مرکز حکومت دعوت به عمل آورد تا به ترویج تشیع بپردازد (ابن مسکویه، ۱۳۳۲ ق، ج ۲: ۱۲۰). شیخ صدوق همچنین مورد توجه و عنایت رکن‌الدوله قرار داشت (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۸: ۳۰۳) و ارتباط این دو چنان تنگاتنگ بود که «شیخ صدوق هنگام عزیمت به مشهد از رکن‌الدوله اجازه گرفت» (صدوق، ۱۴۰۴ ق: ۳۸۱). معزالدوله نیز ابن جنید اسکافی را مرجع فقهی خود قرار داد و سؤالات کلامی و فقهی خود را از او می‌پرسید و از او مشورت می‌گرفت (قمی، ۱۳۶۳: ۱۱۲) و درمجموع علما و دانشمندان از حکومت حقوق مکفی دریافت می‌کردند (قفطی، بی‌تا: ۲۷۳).

تکریم، توجه و گرامی‌داشت علما و فقها که بعدها توسط سلسله صفویه نیز صورت گرفت، نمونه‌ای تاریخی در آل بویه و ریشه‌ای عمیق در آن دوره داشته است و پیش از صفویه این تنها عصر آل بویه است که علما و فقها این چنین مورد عنایت حکام وقت قرار می‌گرفتند؛ بنابراین، اگر علما و فقها از دیگر کارگزاران گفتمان شیعی وقت تصور شوند، به خطا نرفته‌ایم؛ چون اگر حکام وقت با دعوت و تکریم علما به‌عنوان یکی از سوژه‌ها و کارگزاران گفتمان شیعی مربوط در نظر گرفته شوند، علما نیز با لیبکی که به این دعوت داده‌اند و باتوجه به اقدامات علمی مؤثری که در ترویج آموزه‌های شیعی صورت داده‌اند، از دیگر سوژه‌های گفتمانی به شمار می‌آیند؛ گو اینکه علما با تألیفات و منابر خود به ترویج تشیع مبادرت می‌نمودند (علامه شریف رضی، ۱۴۰۶ ق: ۳۰۷). در نمونه‌ای مشخص، شیخ صدوق به‌منظور اشاعه معارف امامیه به تألیفاتی چون کتاب «من لایحضره الفقیه» اقدام کرد که از عداد کتب اربعه شیعه است و

همچنین کافی کلینی و دو کتاب «تهذیب و استبصار» شیخ طوسی از دیگر تألیفات است (ابن مسکویه، ۱۳۳۲ ق، ج ۲: ۱۲). شیخ مفید نیز با برگزاری جلسات مناظره، معارف شیعی را تبیین می‌کرد (ابن جوزی، ۱۳۵۸ ق، ج ۷: ۲۲۷)؛ درنتیجه، دو طبقه از جمله مؤسسان گفتمان شیعی آل‌بویه بودند که در اصطلاح‌شناسی تحلیل گفتمان، به سوژه‌های گفتمانی تعبیر می‌شوند: طبقه حکام و طبقه علما. این دو کارگزار که هر دو شیعه بوده‌اند، عملیاتی‌شدن توسعه عتبات عالیات را رقم زده‌اند. به عبارتی هر اقدامی حتی فارغ از بُعد گفتمانی آن امری تصادفی نیست و نیازمند عاملانی است که آن را اجرا می‌کنند. توسعه عتبات عالیات نیز بدون عاملانی که آن را دنبال و اجرا کنند، ناممکن بوده و به‌طور اتفاقی رخ نداده است. حکام شیعه، عاملان اجرایی توسعه عتبات و علمای شیعه نیز عاملان استقبال از عتبات بوده‌اند که با اقدامات خود، تقدس عتبات را یادآور شده و زمینه‌های استقبال از عتبات را فراهم کرده‌اند. درواقع اگر حکام و علمای گفته‌شده شیعه نمی‌بودند، بی‌گمان به عتباتی که متعلق به شیعیان بود، توجه نمی‌شد و این توجه موکول به شیعه‌بودن سوژه‌های گفتمانی گفته‌شده یعنی علما و حکام بوده است؛ گو اینکه حکام و علمای غیرشیعی تاریخ ایران پس از اسلام توجهی به عتبات اهل تشیع نداشته‌اند.

ابژه‌های گفتمانی؛ گسترش شعائر و آبادانی عتبات

از دیگر ارکان هر گفتمان موضوعاتی است که در آن گفتمان نقش کانونی داشته و مورد اهتمام کارگزاران و سوژه‌های گفتمانی بوده است. به عبارتی هر گفتمان به‌منظور اقداماتی تأسیس می‌شود که آن اقدامات به تثبیت گفتمان مربوط می‌انجامد و ازجمله نمودها و مظاهر آن گفتمان به شمار می‌رود. این اقدامات که مظاهر گفتمان مربوط هستند و رابطه‌ای دو سویه با استراتژی‌های گفتمانی دارند و به‌طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند، در اصطلاح‌شناسی تحلیل گفتمان، ابژه‌های گفتمان نامیده می‌شوند. ازجمله مهم‌ترین این ابژه‌های گفتمانی تشیع آل‌بویه، توجه به عتبات عالیات بوده است.

در نمونه‌ای معزالدوله آستان مطهر ائمه را در عراق به شکلی کم‌نظیر مرمت و بازسازی کرد و سبب‌ساز ترویج سنت زیارت این آستان‌ها شد (علامه شریف رضی، ۱۴۰۶ ق: ۲۲۱). او به آبادانی کربلای معلا بسیار اهتمام نمود و آن را با فنون معماری به بلادی پربرونق بدل کرد. در این دوره به آستان حسینی و عمارات فرعی آن بسیار توجه شده و حتی بازرگانی و کشاورزی

آن متحول شد و از حیث علمی به درجه‌ای رفیع رسید و به همین سبب بسیاری از مشاهیر به آن مهاجرت کردند (سلمان هادی الطعمه، ۱۴۰۳ ق: ۳۶).

عضدالدوله نیز به عمران عتبات عراق عرب پرداخت و آستان حضرت علی را به شکوه مرمت کرد. او هزینه‌های هنگفتی در این راستا تخصیص داد و از معماران و هنرمندان بسیاری برای بازسازی آن دعوت کرد و این بازسازی در سال ۳۷۴ هـ به سرانجام رسید (شوشتری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۱۲؛ الخلیلی، ۱۴۰ ق، ج ۶: ۱۹۵ و ۱۹۶؛ آل محبوه، ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۲۱۰ و ۲۱۱). او همچنین دستور داد که آستان حضرت امام حسین نیز در سال‌های ۳۶۹ و ۳۷۱ هـ مرمت و بناهای اطراف نیز بازسازی شود. او بارگاهی با گنبدی بلند بنا نهاد و رواق‌هایی برای آن در نظر گرفت و برای تأمین روشنایی حرم موقوفاتی تخصیص داد (سلمان هادی الطعمه، ۱۴۰۳ ق، ۱۱۰ و ۱۳۷؛ الانصاری، ۱۳۸۷: ۶۰). او ضمناً در سال ۳۶۹ هجری تعمیراتی گسترده در آستان کاظمین انجام داد و آن را توسعه بخشید و تزئینات بسیار به آن افزود و حصار امنی برای آن احداث و حتی مریض‌خانه‌ای در سال ۳۷۱ هجری برای کاظمین تأسیس کرد (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۰۷) و به عمارت چهارم آستان عسکریین در سال ۳۶۷ هجری توجه شد (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۳۷). در ادامه اقدامات او درخصوص آبادانی عتبات عالیات در سال ۳۶۸ هجری، آستان مقدس حضرت مسلم ابن عقیل واقع در جنب مسجد اعظم کوفه الحاقاتی یافت و تزئینات بسیار به آن افزوده شد و موقوفاتی برای آن و مقرری مستمر برای خدمه آن در نظر گرفت (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۱). این اقدامات به الگویی رفتاری برای سایر درباریان و طبقات جامعه نیز بدل شد؛ گو اینکه امیرارسلان بساسیری از سرداران آل بویه در ۴۵۰ قمری حرم کاظمین را تعمیر کرد و تزئینات بسیار به آن افزود و هدایایی را به حرم تقدیم کرد (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۹). حتی طبقات اجتماعی نیز به این الگوی رفتاری پیوستند؛ برای مثال چهل چراغی باشکوه از جنس برنج توسط مسگری به نام الناشی تقدیم حرم کاظمین شد (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۲۷). بنابر نمونه‌های بالا یکی از ابژه‌های گفتمان شیعی آل بویه توجه ویژه به عتبات عالیات بود؛ اما به ابژه دیگری نیز توجه شده که به بازتولید گفتمان مربوط کمک می‌کرد و آن، ترویج شعائر و آزادی عمل در برپایی مناسک شیعی بود.

برای نمونه می‌توان گفت که برپایی عید غدیرخم در طول تاریخ چه‌بسا با مشکلاتی همراه بوده است، اما با استقرار آل بویه گرامیداشت این روز با آزادی عمل صورت می‌گرفت و

معزالدوله شرایطی فراهم کرد که روز هجدهم ذی‌الحجه، عموم بتوانند این روز را جشن بگیرند. او دستور داد که خیمه‌هایی برپا و آن‌ها را تزئین کنند و به آتش‌بازی بپردازند و عوامل حکومت نیز طبل و شیپور بنوازند (ابن جوزی، ۱۳۵۸ ق، ج ۷: ۲۰۷).

در اقدام مشابه دیگر، معزالدوله مراسم عزاداری برای خامس آل‌عبا را ترویج کرد و در سال ۳۵۲ هجری افزون بر ترویج عزاداری‌های ماه محرم، فرمان داد که عموم در دهه اول این ماه کسب‌وکار خود را تعطیل و سیه بر تن کنند و تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی برپا شود؛ درضمن در روز عاشورا فرمان داده شد که خریدوفروش منع شود و حیوانی ذبح نشود و طبّاخان به پخت‌وپز نپردازند و مردم از نوشیدن آب بر حذر باشند و خیمه‌ها برپا شود؛ براین‌اساس زنان بر سر و صورت می‌زدند و مویه می‌کردند و بر سیدالشهدا ندبه می‌خواندند و مردم با حالی ژولیده تردد می‌کردند (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۷: ۲۵۷؛ محدث قمی، ۱۳۷۷: ۲۷۵).

یکی دیگر از مراسم مهم برای شیعیان، نیمه شعبان بود که در آن افزون‌بر مردم، حکام آل‌بویه و عوامل حکومت با فروتنی و خاکساری با پای پیاده به عتبات عراق می‌رفتند و به زیارت مرقد‌های معصومین مبادرت می‌نمودند و حکام برای رفاه حال زوار و مجاورنشینان حرم‌ها فرامینی صادر می‌کردند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۰۸).

درمجموع ابژه‌های گفتمانی، دو نوع ابژه مورد توجه گفتمان شیعی آل‌بویه بود که یکی بازسازی و مرمت عتبات عالیات و دیگری گسترش و رونق‌بخشیدن به شعائر، مراسم و آیین‌های شیعی بود. این ابژه‌ها به بازتولید گفتمان مربوط کمک می‌کردند. به عبارتی اهمیت ابژه‌های گفتمانی این است که استراتژی‌های آن گفتمان را بازتولید می‌کند و زیارت عتبات عالیات و برپایی شعائر نیز ازجمله عوامل بازتولیدکننده استراتژی گفتمان شیعی آل‌بویه، یعنی حکومت شیعی و منش تسامح شیعی بود؛ گو اینکه دورکیم در کتاب «صور بنیانی حیات دینی» می‌گوید که باورها به ایجاد نمادها می‌انجامند و نمادها به بازتولید باورها می‌انجامند (دورکیم، ۱۳۹۶). توسعه شعائر به ابزاری برای نمادین‌کردن و توسعه زیارت از عتبات انجامید؛ زیرا صرف آبادکردن عتبات بدون رونق‌بخشیدن به زیارت از عتبات بی‌ثمر بود؛ گو اینکه پیش از آل‌بویه نیز عتبات وجود داشتند، اما استقبال از آن‌ها این‌چنین رونق نداشت.

مفاهیم گفتمانی: اذان و خطبه؛ تألیفات به‌مثابه ریتوریک گفتمانی

یکی از جنبه‌های بسیار مهم در صورت‌بندی گفتمانی فوکو، جنبه ریتوریک آن گفتمان

است. منظور، آن نوع تعبیر، مفاهیم و ادبیاتی است که توسط آن گفتمان وضع می‌شود و به زبان یا ادبیات آن گفتمان و اعضای آن تبدیل می‌شود. جنبه ریتوریک برای هر گفتمان امری ضروری است؛ چون مرز میان آن گفتمان را با دیگر گفتمان‌ها مشخص می‌کند. از این منظر می‌توان به برخی جنبه‌های ریتوریک گفتمان شیعی آل‌بویه اشاره کرد که به نمادهای زبانی آن تبدیل شده‌اند و آن گفتمان و استراتژی‌هایش را نمایندگی می‌کنند.

نمونه مشخص در این باره اذان است که نمادی منحصر به دین اسلام است و بعد ریتوریک گفتمان اسلام را بازنمایی می‌کند و شناسنامه آن است. این وجه ریتوریک هم‌پوشانی گفتمان‌های مذاهب و فرق اسلامی را نشان می‌دهد؛ زیرا همه مذاهب و فرق اسلامی آن را به کار می‌برند و نیز توسط هر کدام از گفتمان‌های مذهبی اسلام و فرق مربوط، با دیگر گفتمان‌های اسلامی و مذهبی مرزبندی می‌شود؛ زیرا هر گفتمان مذهبی ذیل اسلام، ویژگی‌های خاص خود را به اذان به مثابه بعد ریتوریک گفتمان می‌افزاید یا می‌کاهد.

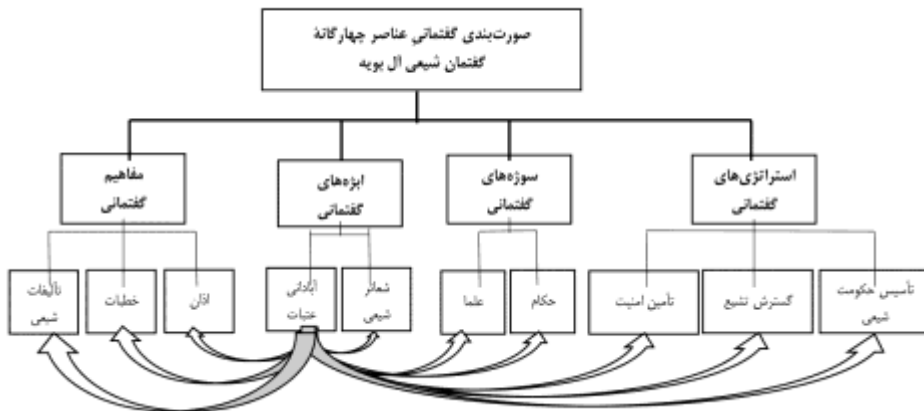
آل‌بویه بنابر نسبت و مرز مشترک گفتمان اسلامی خود با دیگر گفتمان‌های اسلامی، از این وجه ریتوریک استفاده و اذان را بیان و استفاده می‌کرده است؛ اما در عین حال برای مرزبندی گفتمان شیعی خود با دیگر گفتمان‌های اسلامی و شیعی، عناصری را به اذان افزوده است تا اذان مربوط، آن گفتمان را به طور خاص نمایندگی کند.

برای نمونه حکام آل‌بویه مؤذن‌ها را موظف کردند تا گزاره «حی علی خیر العمل» را بر زبان بیاورند تا به نمادی انحصاری برای تشیع آل‌بویه بدل شود. در همین رابطه، تنوخی به نقل از ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: مؤذنی در قطیفه بغداد و کاظمین عبارت «حی علی خیر العمل» را بر زبان می‌آورد. این در حالی بود که در دوره سلطه سلجوقیان بر آل‌بویه موظف بودند به جای آن عبارت «الصلاه خیر من النوم» را بر زبان بیاورند (قاضی تنوخی، ۱۳۹۱ ق، ج ۲: ۱۳۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۵ ق، ج ۸: ۱۷۲).

همان‌طور که دیده می‌شود، گفتمان اسلامی سلجوقی برای مرزبندی گفتمانی خود با دیگر گفتمان‌های اسلامی، گزاره‌ای مشخص را در اذان به مثابه وجه ریتوریک گفتمان انتخاب و اعمال کرده بودند و آل‌بویه نیز برای مرزبندی گفتمان خود با دیگر گفتمان‌های اسلامی از جمله گفتمان سلجوقی، گزاره خاص خود را بر اذان اعمال کردند. این امر و توجه هر گفتمان اسلامی و شیعی به اذان به مثابه بعد ریتوریک گفتمان، گویای اهمیت این عنصر ریتوریک برای هر گفتمان است؛ زیرا این وجه ریتوریک، کلیت آن گفتمان و بالأخص استراتژی‌های آن را

بازتولید و نمایندگی می‌کند.

در نمونه‌ای دیگر، مؤذن‌ها موظف شدند که عبارت «اشهد ان علیا ولی الله» را در زبان بیان کنند. این گزاره اهمیت ریتوریک مضاعفی برای گفتمان شیعی آل‌بویه داشت؛ زیرا به‌صراحت بر ولایت حضرت علی (ع) شهادت می‌دهد و مرزبندی قاطعی را با دیگر مذاهب اسلامی ایجاد می‌کند (قاضی تنوخ، ۱۳۹۱ ق، ج ۲: ۱۳۳). نمونه مشخص دیگر که حاکی از توجه گفتمان شیعی آل‌بویه به ریتوریک گفتمانی است، حمایت از برپایی خطبه‌ها و وعظ‌ها توسط وعاظ است؛ زیرا این ادبیات به توسعه آن گفتمان کمک می‌کرد و جلوه‌ای صریح به آن می‌داد؛ گو اینکه تا پیش از آن کسی مجال اعلان صریح به تشیع نداشت و نمی‌توانست به ولایت حضرت علی گواهی بیانی و زبانی بدهد (روملو، ۱۳۵۷، ج ۲: ۶۱)؛ اما برای مثال معزالدوله وعاظ را تشویق به بیان‌کردن، به زبان آوردن و گواهی‌دادن به تشیع کرد و خطیبان را در این خصوص حمایت کرد تا بر منابر از مکارم و فضایل اهل بیت (ع) بگویند و آن‌ها را نه فقط مکتوب، بلکه به زبان آورند؛ بر همین اساس محبان اهل بیت نیز در کوچه و بازار اشعاری در منقبت آنان به زبان می‌آوردند. حتی به قیمت اینکه گاه توسط مخالفان زبانشان بریده می‌شد (علامه شریف رضی، ۱۴۰۶ ق: ۳۰۷)؛ بر همین اساس عضدالوله مقرری مشخصی برای مؤذنان، قاریان و خطیبان در نظر گرفت (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۲۸). یکی دیگر از زمینه‌های ریتوریک گفتمان شیعی آل‌بویه تشویق علما و محققان به تألیفات و ابراز مکتوب گواهی به تشیع بود؛ گو اینکه حکام آل‌بویه توصیه می‌کردند که علما و واعظان آثاری منشور و منظوم در باب خاندان طهارت تدوین کنند و آنان را به سبب خطباتی که در منقبت ائمه ایراد می‌کردند، عزیز می‌داشتند (علامه شریف رضی، ۱۴۰۶ ق: ۳۰۷).



شکل ۱: نمودار صورت‌بندی گفتمانی عناصر چهارگانه گفتمان شیعی آل بویه با مرکزیت آبادانی عتبات عالیه

ابراز، بیان و گواهی‌دادن به تشیع از طریق ابداع و واردکردن مفاهیم خاص همچون امضایی است که شناسنامه امر مدنظر را ثبت می‌کند. با توجه به اینکه یکی از وجوه هر گفتمان، ریتوریک آن گفتمان یعنی جنبه بیانی آن است، سه اقدام ریتوریک شیعی، بر استقبال آزادانه از عتبات اثر گذاشته است که عبارت‌اند از: واردکردن تعبیری بر اذان که بر تشیع دلالت دارند، ایراد خطبه‌هایی که در آن‌ها بر شیعه‌بودن گواهی داده می‌شود، و تألیف آثاری که آموزه‌های شیعی را ترویج و تئوریزه می‌کنند. این سه که همگی بر گواهی شیعی دلالت داشته‌اند، ابراز، بیان و گواهی بر شیعه‌بودن را محقق کرده‌اند و زیارت عتبات نیز دیگر نوع گواهی‌دادن بر تشیع بوده است که توسط آن سه اقدام ریتوریک تقویت شده است. به عبارتی آن سه شیوه گواهی‌دادن به تشیع، گواهی‌دادن به تشیع از طریق زیارت عتبات را تسهیل کرده است؛ بنابراین، بُعد ریتوریک گفتمان شیعی آل بویه زیارت از عتبات را عادی‌سازی و متداول کرده است و در غیبت این وجوه ریتوریک، زیارت عتبات چنین رونقی نمی‌یافت؛ گو اینکه پیش از آل بویه، زیارت عتبات شیعی با توجه به محدودیت‌های موجود بسیار صعب بوده است.

نتیجه‌گیری

تشیع در عصر آل بویه در مقام پدیده‌ای گفتمانی مطرح می‌شود؛ زیرا اولاً سرکوب ممتد و

تاریخی تشیع، تنها از طریق تأسیس یک گفتمان با همه اجزا و عناصرش از قیدهای تاریخی میسر می‌شد؛ در ثانی هیچ‌کدام از اقدامات صورت‌گرفته از جمله توجه به آبادانی عتبات عالیات به صورتی منفرد و بدون ارتباط با سایر ویژگی‌های حکمرانی ثمربخش نمی‌بود و ثالثاً مرزبندی و همچنین هم‌پوشانی میان تشیع آل‌بویه با سایر مذاهب اسلامی مقدور نمی‌شد.

به این ترتیب پژوهش حاضر یک روش مطالعه تاریخی یعنی تحلیل گفتمان را به سازوکاری برای فهم سیستماتیک سایر اجزای حکمرانی شیعی آل‌بویه از جمله رابطه آبادانی عتبات عالیات با دیگر وجوه آن حکمرانی تبدیل کرد؛ زیرا از جمله رویکردهای تحقیقاتی که می‌تواند تصویری یکپارچه از یک وضعیت و جریان سیاسی-اجتماعی ارائه کند، برداشت گفتمانی از آن وضعیت و جریان است.

براساس روش تحلیل گفتمان، برای دستیابی به یک صورت‌بندی گفتمانی یکپارچه و منسجم به چهار رکن اصلی گفتمان باید توجه شود که عبارت بودند از: استراتژی‌ها (رویکردهای کلان)، سوژه‌ها (کارگزاران و عاملان استراتژی‌ها)، ابژه‌ها (نمادهای استراتژی‌ها) و مفاهیم (بازتولیدکنندگان استراتژی‌ها).

به این ترتیب براساس یافته‌های تحقیق، از جمله ابژه‌های گفتمان شیعی آل‌بویه عبارت بودند از: آبادانی عتبات عالیات و توسعه شعائر شیعی؛ اما این ابژه‌ها به‌طور مستقل امکان تحقق نمی‌یافتند، بلکه این ابژه‌ها در پرتو استراتژی‌های گفتمان شیعی آل‌بویه که عبارت بودند از تأسیس حکومت شیعی و اجرای آن به شکلی مسامحه‌آمیز، امکان‌پذیر شدند؛ زیرا در غیبت این استراتژی‌های گفتمانی، توسعه عتبات عملاً ناممکن می‌شد؛ زیرا بدون تأسیس حکومتی شیعی و توسعه تشیع، آبادانی عتبات مربوط، به‌خودی‌خود فاقد اثر می‌بود و عتبات نمی‌توانستند به‌مثابه نمادهای تشیع عمل کنند؛ زیرا ابژه‌های هر گفتمان، استراتژی‌های آن گفتمان را نمادپردازی می‌کنند؛ افزون‌براین، تنها در سایه استراتژی دوم گفتمان شیعی آل‌بویه، یعنی مواجهه مسامحه‌آمیز با سایر ادیان و مذاهب بود که رواداری میان این ادیان و مذاهب را سبب شد و در سایه این مسامحه بینامذهبی، شیعیان نیز توانستند تا حدی از اعمال تعصب پیروان دیگر مذاهب و آزار احتمالی آن‌ها در امان بمانند و بتوانند بی‌هراس به زیارت عتبات بروند. استراتژی سوم یعنی تأمین امنیت زوار نیز نقشی بسیار کلیدی در تأثیرگذاری آبادانی عتبات داشت؛ زیرا در صورت وجودداشتن این امنیت، صرف آبادانی عتبات نمی‌توانست مؤثر واقع شود. به عبارتی اگر حکومتی شیعی مستقر نشده بود، اگر تسامحی از نوع شیعی

توسط این حکومت اتخاذ نمی‌شد و اگر امنیت برای شیعیان توسط این حکومت برقرار نمی‌شد، صرف آبادانی عتبات به رونق زیارت از عتبات منجر نمی‌گردید؛ گو اینکه در اعصار دیگری که حکومت، شیعی نبوده است و تسامح شیعی حاکم نبوده و امنیت برای شیعیان برقرار نبوده، چنین استقبالی از عتبات نیز وجود نداشته است.

ضمن اینکه اثربخشی بازسازی عتبات در کنار ابژه گفتمانی دیگر، یعنی توسعه شعائر شیعی ثمربخش می‌بود؛ زیرا این شعائر با فعل زیارت پیوند داشت و این دو ابژه یکدیگر را تقویت می‌کردند؛ زیرا مناسک و شعائر به نمادپردازی برای مذهب مدنظر کمک می‌کند و برپایی شعائر توانست زیارت عتبات عالیات را نیز به مثابه امری مناسکی جا بیندازد و متداول کند.

افزون براین، آبادانی عتبات عالیات بدون وجود تصمیم‌گیران و سوژه‌هایی که استراتژی‌های گفتمانی را ایجاد و دنبال کردند، غیرممکن بوده است؛ زیرا هر کنشی نیاز به کنشگرانی دارد و این سوژه‌ها یا کنشگران، حکام آل‌بویه و همچنین علما و فقها بوده‌اند؛ چون حکام، حکومت شیعی را پایه‌ریزی کردند و فقها و علما نیز به تئوریزه کردن تشیع از طریق تألیفات خود مبادرت کردند. این دو کارگزار گفتمانی اساس توسعه عتبات را توجیه و فراهم کردند. شیعه‌بودن حکام در کنار شیعه‌بودن علمای مورد تکریم آل‌بویه، به یک هم‌افزایی و سینرژی برای رونق عتبات عالیات انجامید؛ زیرا وقتی حکام و علمایی که زیارت عتبات را ترویج می‌کنند، شیعه هستند، انتظار می‌رود که به عتبات شیعه توجه ویژه شود؛ گویا اینکه چنین شد؛ بنابراین، شیعه‌بودن سوژه‌ها و کارگزاران در عملیاتی‌شدن توسعه عتبات منشأ اثر بوده است.

در ادامه باید گفت که این سه عنصر گفتمانی یعنی استراتژی‌ها، سوژه‌ها و ابژه‌ها، بدون تأکیدات زبانی، بیانی و ریتوریک که استراتژی‌های گفتمان را بازتولید می‌کنند، ناممکن است؛ به این ترتیب گفتمان شیعی آل‌بویه نیز از بُعدی ریتوریک نیز برخوردار بود. مفاهیم یا تأکیدات زبانی گفتمان شیعی آل‌بویه عبارت بودند از: گواهی شفاهی به امامیت حضرت علی (ع) و سایر ائمه که در اذان و همچنین خطبات و موعظه‌ها صورت می‌گرفت و در غیبت این مفاهیم ریتوریک نیز بازسازی عتبات عالیات فاقد اثر می‌بود؛ چون از پشتوانه ریتوریک برخوردار نبود و این مفاهیم بودند که زمینه اقبال به زیارت عتبات را فراهم کردند و هراس شیعیان را از ابراز و بیان ارادت به حرم معصومین از بین بردند. گواهی‌دادن به تشیع، اصل اساسی این بُعد ریتوریک بود و در پرتو متداول شدن این گواهی و ابراز و بیان ریتوریک به شیعه‌بودن، زیارت

عتبات نیز به مثابه یکی دیگر از انواع گواهی‌دادن به تشیع ممکن شد و رونق یافت و در غیبت آن وجوه ریتوریک، گواهی‌دادن از طریق زیارت عتبات دشوار می‌نمود.

به این ترتیب بازسازی و مرمت عتبات عالیات توسط آل‌بویه تنها از منظری گفتمانی قابل درک است و درک جدابافته از آن، تصویر و چشم‌اندازی تاریخی را در اختیار ما نمی‌گذارد؛ به همین دلیل پژوهش حاضر تلاش کرد تا در راستای صورت‌بندی گفتمانی این موضوع حرکت کند.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۷۹ ق). شرح نهج‌البلاغه (به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم). قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی (بی‌تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة. مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۸۵ ق). المنتظم فی التاریخ الملوک و الأمم. حیدرآباد دکن: بی‌جا.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۰). تاریخ فخری (محمودحیدر گلپایگانی، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۸۶ ق). البدایة و النهایة. بیروت: مكتبة المعارف، از روی طبع مصر.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۳۲ ق). تجارب الأمم (به اهتمام و تصحیح د. ف. آمدرو). قاهره: بی‌جا.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (جواد فلاطوری، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی.
- آل یاسین، محمدحسن (۱۳۷۱). تاریخ حرم کاظمین (غلامرضا اکبری، مترجم). مشهد: کنگره جهانی.
- الانصاری، رئوف محمدعلی (۱۳۸۷). معماری کربلا در گذر تاریخ (به کوشش حسین احمدی). قم: انتشارات مسجد جمکران.
- پوراحمدی، حسین، و خاکرند، شکرالله (۱۳۹۴). چگونگی و چرایی ایجاد، بازسازی و تعمیر بارگاه‌های شیعه در ایران و عراق در دوره آل‌بویه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

- دانشگاه شیراز].
- تندرو، مهسا، و خزایی، محمد (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی طراحی و ساختار تزئینی کتیبه‌های کوفی آثار دوره آل بویه. *هنرهای صناعی ایران*، ۴ (۲)، ۳۷-۵۹.
 - جوادی، احمد، فانی، کامران، و خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۹). *دایره‌المعارف تشیع*. تهران: مؤسسه دایره‌المعارف تشیع.
 - الخلیلی، جعفر (۱۴۰۷ ق). *موسوعة العتبات المقدسة*. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الاعلمي.
 - خوارزمی، محمد بن عباس (۱۳۹۰ ق). *رسائل خوارزمی* (نسیب و هیبة الخازن، مصحح). بیروت: دار مکتبة الحياة.
 - دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۶۷). (زیر نظر سیدکاظم موسوی بجنوردی). تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
 - دورکیم، امیل (۱۳۹۶). *صور بنیانی حیات دینی* (باقر پرهام، مترجم). تهران: نشر مرکز.
 - دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه* (به کوشش محمد معین و سیدجعفر شهیدی). تهران: دانشگاه تهران.
 - رازی قزوینی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۹۱). *میرجلال‌الدین محدث ارموی* (محمدحسین درایتی، ویراستار). قم: دارالحديث.
 - روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). *أحسن‌التواریخ* (عبدالحسین نوایی، مصحح). تهران: بابک.
 - زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). *تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه*. تهران: امیرکبیر.
 - سلمان هادی (۱۴۰۳ ق)، *تراث کربلا*. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
 - شریفی، روح‌الله (۱۳۹۷). *نقش صفویان در بازسازی عتبات عالیات* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان].
 - شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین (۱۳۹۲). *مجالس‌المؤمنین* (ابراهیم عرب‌پور، مصحح). مشهد: آستان قدس رضوی.
 - شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). *عیون اخبار الرضا*. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
 - فرطوسی، صلاح مهدی (۱۳۹۳). *تاریخچه آستان مطهر امام علی (ع)* (حسین طه‌نیا، مترجم). تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
 - فیض، عباس (۱۳۲۷). *تاریخ کاظمین*. قم: انتشارات چاپخانه قم.

- قاضي تنوخي، محسن بن علي (۱۳۹۱). *نشوار المحاضرة اخبار المذاكرة* (عبود شالچي، محقق). بيروت: بی‌جا.
- قفطي، علي بن يوسف (بی‌تا). *اخبار العلماء باخيار الحكماء*. بيروت: دارالآثار.
- قمي، شيخ عباس (۱۳۶۳). *هدية الاحباب*. تهران: اميرکبير.
- کرمر، جونل (۱۳۷۵). *احياي فرهنگي در عهد آ بويه* (محمدسعید حنایي کاشاني، مترجم). تهران: نشر دانشگاهي.
- گلي زواره، غلامرضا (۱۳۹۷). بررسی نقش دولت آل‌بویه در گسترش تشیع و عمران عتبات عراق. *فصلنامه فرهنگ زیارت*، ۳۷، ۱۲۱-۱۶۳.
- محدث قمي، شيخ عباس (۱۳۷۷). *تتمة المنتهي*. تهران: مهتاب.
- مستوفي، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهة القلوب* (به اهتمام گاي لسترنج). تهران: دنيای کتاب.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۳). *تاريخ ايران زمين*. تهران: اشراقي.
- مظفر، محمدحسين (۱۳۶۸). *تاريخ شيعه* (سيدمحمدباقر حجتی، مترجم). تهران: فرهنگ اسلامي.
- مکدرموت، مارتین (۱۳۸۴). *اندیشه‌هاي کلامي شيخ مفيد* (احمد آرام، مترجم). چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- موسوي خوانساري، ميرزاحمدباقر (۱۳۹۲ ق). *روضات الجنات في احوال العلماء* (اسدالله اسماعيليان، محقق). قم: اسماعيليان.
- يارشاطر، احسان (۱۳۵۴). *دانشنامه ايران و اسلام*. تهران: نشر کتاب.

منابع انگلیسی

- Dreyfus, H. L., & Rabinow, P. (1983), *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*. Chicago: University of Chicago Press.
- Foucault, M. (1971), "Orders of discourse". *Social Science Information*, 10(2), 7-30.
- Foucault, M. (1991). *The Foucault Effect: Studies in Governmentality* (G. Burchell, C. Gordon, & P. Miller, Ed.). Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.

نقش برجسته تحمیدیه در سخن شیخ‌بهای برپایه دلبستگی به خدا و پیامبر (ص) و ارادتمندی به امامان و مضاجع شریف عتبات عالیات

خدایار مختاری^۱

مهدی وطن‌خواه^۲

چکیده

بهاء‌الدین محمد عاملی معروف به شیخ‌بهای (۹۵۳-۱۰۳۰) ادیب و دانشمند مشهور ایرانی - لبنانی از محبان حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است. او در موضوع تحمیدیه (شامل حمد خدا، نعت رسول خدا (ص) و منقبت امامان معصوم علیهم‌السلام) موجود در نثر و نظم فارسی و عربی به شیوه بزرگانی چون فخرالدین عراقی، حافظ، مولوی، ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری بوده است. در این میان، برپایه اظهار شوق به جایگاه رفیع آنها ارادت خود را در نوشتار به اثبات رسانده است و با بهره‌گیری از چاشنی عرفان (شامل قرآن، آموزه‌های دینی، احادیث، روایات، سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است) مراتب تحمیدیه را با توجه به طریقت، شریعت و فلسفه عشق به ائمه و دشوارپسندهای فقیهان قبل از خود به شیوه جدید بازآفرینی کرده است. محققان در پژوهش حاضر کوشیده‌اند تا ضمن بحث درباره مراتب ستایش و تفاوت آنها میزان تأثیرگذاری و کارآمدی سخن شیخ‌بهای را در منقبت امامان معصوم و به‌خصوص مضاجع شریف عتبات عالیات در متون نظم و نثر فارسی و عربی در موضوع‌هایی همچون شیوه تبلیغ، توسل، توکل و اظهار شوق در نثر و نظم به‌ویژه در قالب‌های شعری مثنوی، غزلیات، رباعیات، دوبیتی بررسی کنند.

۱. عضو هیئت‌علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

dr.khodayarmokhtari@gmail.com dr.mokhtari@cfu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

mahdivatan96@yahoo.com

کلمات کلیدی: شیخ بهایی، تحمیدیه، حمد، نعت، منقبت، مضاجع شریف

A prominent role of Tahmidism in the words of the Baha'i Sheikh is based on devotion to God and the Prophet (PBUH) and devotion to the Imams and the noble shrines of the Holy Shrines.

khodayar Mokhtari¹, Mahdi vatankhah²

ABSTRACT:

Baha' al-Din Muhammad al-'Amili, known as Shaykh Baha'i (953–1030 AH), was a renowned Iranian-Lebanese scholar and literary figure, deeply devoted to Imam Ali (AS). His works in both Persian and Arabic prose and poetry reflect the stylistic influence of great masters such as Fakhr al-Din 'Iraqi, Hafez, Rumi, Abu Sa'id Abu al-Khayr, and Khwaja Abdullah Ansari. Through his compositions in the genre of *Tahmidiya*—which includes praise of God, eulogy of the Prophet Muhammad (PBUH), and panegyrics of the infallible Imams (AS)—he expresses profound spiritual longing and reverence for their exalted status. Drawing upon mystical elements rooted in the Qur'an, religious teachings, Hadiths, and the traditions of the Prophet and his household, Shaykh Baha'i reinterprets the stages of *Tahmidiya* in light of *Tariqa*, *Shari'a*, and the philosophy of divine love. He innovatively adapts these themes to meet the expectations of earlier jurists while introducing a fresh literary approach. This study aims to explore the

1 Ph.D, Assistant Professor, Department of Humanities.
dr.khodayarmokhtari@gmail.com dr.mokhtari@cfu.ac.ir

2 Master of Arabic language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran mahdivatan96@yahoo.com
(Corresponding Author)

various levels of praise and their distinctions, while examining the impact and effectiveness of Shaykh Baha'i's expressions of devotion—particularly toward the sacred shrines of the Imams—in Persian and Arabic prose and poetry. Special attention is given to his use of literary forms such as *mathnawi*, *ghazal*, *ruba'i*, and *do-bayti*, in the context of religious propagation, supplication, reliance on God, and spiritual yearning.

Keywords: Baha'i, Tahmadiyah, Hamd, Naat, Manqabat, Muzajil'e Sharif

مقدمه

ادبیات فارسی در دوره صفوی با دگرگونی‌های گسترده در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی، سیاسی و حتی اقتصادی یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است. در این دوران شعر و شاعری جایگاه ویژه‌ای یافت و ادب فارسی به‌ویژه شعر به‌عنوان یکی از ارکان اصلی کمالات انسانی مورد توجه و استقبال بزرگان ایران، هند و روم قرار گرفت تا جایی که شاهان و امیران خود را ملزم به سرودن شعر و آراستگی به ادب می‌دانستند. این ادب مفهومی گسترده داشت که از دوران ساسانی به بعد در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده بود و شامل خط، انشا، شعر، دانش‌های ادبی و مقدمات علوم مختلف می‌شد. بسیاری از دانشمندان و شاعران مردمی نیز در راه کسب این ویژگی کمال‌جویانه تلاش می‌کردند و آن را با سرودن شعر، تألیف و تدوین آثار ادبی، تاریخی، تذکره‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها به نمایش می‌گذاشتند (صفا، ۱۲۸۸، ج ۱: ۴۴۴).

عصر صفوی از نظر تعداد شاعران از دوره‌های بسیار ممتاز ادبیات فارسی است؛ اما از نظر کیفیت آغاز دوره انحطاط شعر فارسی است. در این دوره شاعران از نظر معنی، لفظ و قالب از نوآوری ناتوان‌اند و بنای کارشاعران این دوره بیشتر بر تقلید و تکرار است. به همین سبب، در دوره صفویه شاعری بزرگ و صاحب‌سبک چون شاعران بزرگ گذشته ظهور نکرده است. آنها نتوانستند از بطن شاعرانی چون مولوی، حافظ و سعدی شاعرانی مهم را دنبال کنند تا به دنبال آن شاعرانی هم‌ردیف با این‌گونه شاعران در شعر فارسی ظهور کند (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۳۵۶). شعر دوره صفوی به‌جزء در آثار معدودی از شاعران برجسته در سطح لفظ و معنا نوآوری و خلاقیت چشمگیری ندارد. در بیشتر اشعار این دوره صفای اندیشه و شفافیت زبانی به‌ندرت دیده می‌شود. یکی از دلایل این ضعف را می‌توان در کمبود دانش و مهارت ادبی نویسندگان آن عصر دانست. به‌ویژه در زمینه تسلط بر زبان‌های فارسی و عربی و شناخت دقیق قالب‌ها و صنایع ادبی. از آنجا که تحلیل ادبیات کهن نیازمند معیارهای عمیق و تخصصی است، آشنایی کامل با ساختارهای زبانی و فنون بلاغی لازمه هر پژوهشگر فرهیخته در این حوزه است. از سوی دیگر، یکی از عوامل مؤثر در افول شعر صفوی حمایت کافی نکردن دربار از شاعران بود. مسئله‌ای که موجب شد بسیاری از آنان به‌سمت مخاطبان عام گرایش پیدا کنند و در نتیجه، سطح کیفی آثارشان کاهش یابد. هرچند در این دوره اندیشه‌ها و مفاهیم نوینی

وارد شعر شد، هم‌زمان با آن ضعف‌های بیانی، پیچیدگی‌های لفظی و فساد زبانی نیز در ساختار شعر نفوذ کرد. با بررسی آثار و احوال نویسندگان این دوره می‌توان اطلاعات چشمگیری را دربارهٔ وضعیت شعر صفوی به دست آورد. تأثیرهای سیاسی و مذهبی حکومت صفوی بر شعر به‌طور کامل مشهود است؛ به‌گونه‌ای که مرثیه‌سرایی و نوحه‌پردازی رواج یافت و مدح ائمه به‌ویژه با تأکید بر ولایت مطلق ائمهٔ شیعه به مضمون غالب شعر تبدیل شد و سپس حکومت از سراینندگان مراثی و مدایح اعقاب علی (ع) حمایت کرد؛ در نتیجه اشعاری در این زمینه ظهور کرد. تأیید چنین موضوعی در کتاب *عالم‌رای عباسی* اثر اسکندر بیک‌منشی به‌خوبی نمایان است و شعر محتشم کاشانی در مراثی و مدایح ائمهٔ اطهار گویی سبقت را از دیگر شعرا ربوده است. قطعاتی از اشعار محتشم کاشانی در کتاب *مجمع الفصحای رضا قلی خان* هدایت دیده می‌شود که الگوی شاعران این دوره شده است. در دورهٔ صفوی برخی شاعران تلاش کردند تا از زبان منقح و رسمی فاصله بگیرند و به زبان محاوره‌ای و سادهٔ مردم نزدیک‌تر شوند. این گرایش هرچند موجب تازگی در بیان و نزدیکی به مخاطب عام شد، در عین حال، با معیارهای سنتی شعر فارسی در تضاد بود و گاه به تضعیف جنبه‌های هنری و آرایه‌های لفظی انجامید؛ با این حال نمی‌توان این تغییر را فقط ضعف دانست؛ زیرا بسیاری از شاعران این دوره در پی نوآوری معنایی بودند و به جای پرداختن به تکلف و تصنع در کلام وقت خود را صرف کشف معانی تازه و دقیق کردند. مضامین غنایی در شعر صفوی ارتباط نزدیکی با عرفان داشت و بازتاب‌دهندهٔ آرمان‌ها، سخن شاعران و قصه‌ها و منظومه‌هایی بود که اغلب با الهام از آثار کلاسیک به‌ویژه *خمسهٔ نظامی* سروده می‌شد. در سراسر این دوره اشعار تاریخی و مذهبی در قالب حماسه بیان می‌شد و همین امر به توسعه و بقای این نوع ادبی کمک می‌کرد؛ ازجمله شاعران برجستهٔ این دوره می‌توان به عبدالله هاتقی خرجردی، خواهرزاده جامی، اشاره کرد. اثر مهم او *شاهنامهٔ حضرت شاه اسماعیل* یک منظومهٔ حماسی-تاریخی که دربارهٔ زندگی شاه اسماعیل صفوی است. همچنین، او آثاری در تقلید از نظامی خلق کرده است که ازجمله آنها می‌توان به منظومه‌های *خیروشر*، *لیلی* و *مجنون*، *هفت‌منظر*، و *تیمورنامه* اشاره کرد که درمقابل اسکندرنامهٔ نظامی قرار می‌گیرند. شاعر برجستهٔ دیگر این دوره میرزا قاسم گنابادی بود که با الهام از سبک نظامی آثاری چون *لیلی* و *مجنون*، *کارنامه* یا *چوگان‌نامه*، *خرد* و *شیرین*، *شاهرخ‌نامه*، *شاهنامهٔ ماضی* و *شاهنامهٔ نواب عالی* را سرود. اثر اخیر در ستایش سلطنت شاه طهماسب و دربارهٔ شاه اسماعیل صفوی است. یکی از شاعران دیگر این دوره باباافغان، امیری

تهرانی، اهلی ترشیزی، اهلی شیرازی (سحر حلال)، هلالی جغتایی (سه مثنوی لیلی و مجنون، شاه و درویش و صفات العاشقین)، وحشی بافقی (ترکیب‌بند و مثنوی فرهاد و شیرین)، محتشم کاشانی (مرثیه‌سرایی)، جمال الدین بدرالدین شیرازی، عرفی شیرازی (صاحب قصاید و مثنوی‌ها به تقلید از نظامی) هستند. از دیگر شعرای دوره صفوی که به شاعران قدوه ایران در این دوره معروف هستند، می‌توان به فیضی فیاضی صاحب مثنوی‌های مرکز ادوار، سلیمان و بلقیس، نل و دمن، هفت‌کشور اکبر اشاره کرد. شهابی استرآبادی، نظیری نیشابوری، ظهوری ترشیزی، زلالی خوانساری، طالب آملی، حکیم شرف‌الدین حسن صاحب مثنوی نمکدان حقیقت به تقلید از حدیقه سنایی، ابوالقاسم فندرسکی، ابوطالب کاشانی صاحب سفرنامه شاه جهانی، شیخ علی حزین تبریزی معروف به «صاحب» از جمله چهره‌های برجسته ادبیات منشور فارسی است که دو اثر مهم با عنوان تذکرة الاحوال و تذکرة المعاصرین از او به یادگار مانده است. همچنین، «قدری» با خلق دو منظومه حماسی تاریخی به نام‌های جرون‌نامه و جنگ‌نامه قشم سهم چشمگیری را در روایت‌های تاریخی منظوم داشته است. در پایان، می‌توان به بهشتی شکوکی صاحب شاهنامه بهشتی، میرزا محمد رفیع خان باذل مشهدی صاحب حمله حیدری اشاره کرد. در عصر صفوی نثر فارسی با وجود گستردگی نتوانست به تراز ولایی از ادبیات دست پیدا کند. در این دوره نوشتن داستان نیز رواج و رونق یافت؛ از جمله داستان اسکندر، طوطی‌نامه، رزم‌نامه و ترجمه دو حماسه مشهور هندی، رامایانا و مهابهاراتا از جمله این آثار هستند که نقش مهمی در انتقال مفاهیم فرهنگی و اسطوره‌ای داشته‌اند. همچنین، قصه‌هایی چون هزارگیسو، طالب پادشاه‌زاده و مطلوب و ده‌ها قصه دیگر از دیگر روایت‌های ادبی این دوره هستند که با بهره‌گیری از عناصر داستانی، حماسی و عاشقانه در شکل‌گیری ادبیات عامه و آیینی نقش بسزایی داشته‌اند. در عصر صفوی نویسندگانی نیز ظهور کردند که می‌توان به میرزا طاهر وحید قزوینی، غیاث الدین خواندمیر صاحب حبیب السیر، اسکندر بیک منشی صاحب عالم آرای عباسی، بهار دانش ابوالفضل صاحب آیین اکبری، هشت‌بهشت، تاریخ آل عثمان، مجالس المؤمنین، تحفه سامی، لطایف‌نامه، تذکرة النساء، تذکرة مذكر الأحباب، خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار، تذکرة هفت‌اقلیم، ریاضی‌الشعرا، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، غیاث اللغات، مؤید الفضلاء بهار عجم، چراغ هدایت، برهان قاطع اشاره کرد. در عصر صفوی تعدادی کتاب‌های علمی و مذهبی هم نوشته شد؛ از جمله ترجمه الخواص، شرح نهج البلاغه، مکارم‌الأخلاق، مکارم‌الکرام، طراوت الطایف، خلاص المنهج، منهج الصادقین، تنبیه الغافلین

و تذکرة العارفين، بحار الأنوار، مشکوة الأنوار، معراج المؤمنین، جلاء العیون، زاد المعاد، عین الحیات، کلمات مکنونه گوهر مراد. شیخ‌بهای از علما و شعراى معروف سده دهم و یازدهم هجرى است. او در سال ۹۵۳ هجرى قمرى در بعلبک شام ولادت یافته و پدرش از شاگردان شیخ زین‌الدین معروف به شهید ثانی است. پس از کشته‌شدن استادش خود به ایران آمد و در اصفهان سکونت کرد. سپس به دعوت شاه‌طهماسب به قزوین رفت و هفت‌سال در آن شهر ماند و به درجه شیخ‌الاسلامی رسید. بعد به مشهد و سپس به هرات رفت و هشت‌سال شیخ‌الاسلامی آن شهر را به عهده داشت. دو پسرش بهاء‌الدین محمد و ابوتراب عبدالصمد در ایران گذشت و به حج رفت و در سال ۹۸۴ هجرى درگذشت. شیخ‌بهای با برادرش عبدالصمد مدتی در محضر پدر و دیگر عالمان به تحصیل عربی، طب، ریاضی و فارسی پرداخت. پس از چندی شهرتی پیدا کرد و از ملازمان شاه‌عباس شد. یکبار در سال ۱۰۸ هجرى همراه شاه‌عباس پیاده به مشهد رفت. پس از تحصیل فقه به مسند قضا نشست. بعد از مدتی سفر حج درپیش گرفت و در مراجعه در لباس درویشی به سیاحت در عراق، شام و حجاز پرداخت و باز به اصفهان برگشت. در آنجا با علمایی چون میرداماد معاشرت داشت. در باب احاطه او بر مسائل مهندسی افسانه‌هایی ساختند؛ از جمله آنکه حمامی ساخته بود که با یک شمع گرم می‌شد. شیخ‌بهای شاگردانی را تربیت کرد که از معروف‌ترین آنها می‌توان از ملا محسن فیض کاشانی، محمد صالح مازندرانی و ملا محمدباقر سبزواری نام برد. شیخ‌بهای تألیفات زیادی در موضوع‌های مختلف دارد که به تعداد ۱۲۳ اثر می‌رسد. در این پژوهش تأکید بر آثار فارسی اوست. شیخ‌بهای در نثر فارسی آثار ارزشمندی دارد مانند

- ۱- جامع عباسی: این اثر یکی از مهم‌ترین آثار کلامی شیعه در فقه در ایران است که مولانا قریشی ساوجی با فوت او به دستور شاه آن را کامل کرد؛
- ۲- خلاصه الحساب؛
- ۳- کشکول: مجموعه‌ای در مطالب گوناگون است؛
- ۴- تشریح الافلاک در هیئت؛
- ۵- فواید الصمدیه: در نحو است که برای برادرش نوشته شده است؛
- ۶- مفتاح الفلاح: در احکام دین است؛
- ۷- حبل المتین: در احکام دین شیخ‌بهای است.
- در شعر تازی و فارسی آثاری به فارسی دارد که در آنها تخلص بهایی تخلص دارد؛ از جمله

۱- **مثنوی سوانح الحجاز:** مشهور به مثنوی نان و حلوا و هم وزن مثنوی مولوی اس. این مثنوی درزمینه عرفان و تعلیم و طبق نسخه کامل آن شامل ۴۰۸ بیت است و با این بیت آغاز می‌شود:

ایها اللاهی عن العهد القديم ایها اللاهی عن النهج القويم

۲- **مثنوی شیر و شکر:** شیخ بهایی خود آن را در کشکول درج کرده و در بحر خبب از بحور متداول در میان شعرای عرب است. پیش از شیخ بهایی کسی در زبان فارسی به این وزن مثنوی نسروده و شامل ۴۱ بیت است. این مثنوی نیز عرفانی-تعلیمی است و با این بیت شروع می‌شود:

ای مرکز دایره امکان وی بنده عالم کون و مکان

۳- **مثنوی نان و پنیر:** این مثنوی هم وزن مثنوی مولوی و نان و حلوا و شامل ۳۰۹ بیت و در مباحث عرفانی و تعلیمی است؛

۴- **غزلیات، قصاید، مخمس، مستزاد و رباعیات:** درمجموع، ۲۶۱ بیت است. او در غزل پیرو فخرالدین عراقی است؛ اما درمجموع ۲۵۵۳ بیت است.

شیخ بهایی اگر بهانه‌ای می‌یافت شعر می‌گفت. او نه شاعر درباری بود و نه عمر به شاعری می‌گذراند. او اهل علم بود که اوقاتش را به تعلیم و تربیت شاگردان صرف می‌کرد. شهرتی که او در شاعری کسب کرده از مقام علمی او ناشی شده است. شیخ بهایی در مضمون و در الفاظ از شعرای درجه اول عهد خود نیست؛ چون او زبان فارسی را از راه تتبع در آثار فارسی فرگرفته است، خواسته‌های درونی خود را با زبانی صحیح، ساده و روان چنانکه عصر او رایج بوده در قالب شعر ریخته است. هیچ‌یک از اندیشه‌های او در عالم ادب و عرفان ایرانی تازگی ندارد. یکی از علت‌های رواج شعر شیخ بهایی و تأثیرگذار بودن آن چاشنی عرفان موجود در اشعار اوست؛ البته این چاشنی در عرفان ایرانی تازگی ندارد، بلکه رسمیت مسئله در آن است که این سخنان از زبان یک عالم دینی جاری شده و اهل ذوق آن روزگار را مخاطب قرار داده است. گویا شیخ بهایی همیشه در ایران یاد گذشته می‌کرده است. پدرش نیز چون از دربار شاه طهماسب به دیار عرب رفت، شیخ بهایی نوشت اگر طالب دنیایی، به هند برو و اگر خواهان عقبایی، به نزد من در عربستان آی. اگر هیچ‌یک از این دو هدف را دنبال نمی‌کنی، در ایران

بمان. شیخ‌بهای در اغلب اشعار خود اصطلاحات عرفا و متصوفه را به کار برده و بسیاری از شعرهایش طنزآلود و نیشدار و ریا و تزویر را همیشه انتقاد کرده است. در ادامه، نمونه‌هایی از اشعار او با درون‌مایه‌های عرفانی-تعلیمی آورده شده است.

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی تا دمی بیاسایم زین حجاب جسمانی
بی‌وفا نگار من می‌کند به کار من خنده‌های زیر لب، عشوهای پنهانی
أَيُّهَا الْقَوْمُ الَّذِي فِي الْمَدْرَسَةِ كُلُّ مَا حَصَلْتُمُوهُ وَسَوَّاهُ (۱)
فِكْرُكُمْ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الْحَبِيبِ مَا لَكُمْ فِي النَّشَاةِ الْآخَرَى نَصِيبِ (۲)
(غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

همه اینها نشان می‌دهد که شیخ‌بهای از اندیشمندان صاحب‌دل و ارسته است که در علم و عرفان به جایگاه والایی دست یافته و در پرتو سیره، اندیشه، سخن و هدایت نبوت و امامت و نور محبت اهل بیت (ع) به معرفت دینی رسیده و آثار این محبت و معرفت در ادبیات او تجلی یافته است. تصوف در ایران را می‌توان اوج دانش و بینش انسانی دانست. مرتبه‌ای والا از تفکر که دستیابی به آن مستلزم پالایش روحانی و مادی است. این مسیر نیازمند طی مراحل پیچیده‌ای از معرفت و دانش است که تنها برخی افراد توان رسیدن به آن را دارند. شیخ‌بهای از جمله شخصیت‌هایی است که به این مقام دست یافته و آثار او به‌ویژه اشعار فارسی‌اش گواهی روشن بر اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه اوست؛ از این رو می‌توان او را یکی از برجسته‌ترین عرفای ایران در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری دانست. ظهور شیخ‌بهای در میان فضای فقهی و سخت‌گیری‌های شرعی آن دوران پدیده‌ای شگفت‌انگیز بود؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از معاصرانش نتوانستند جایگاه معنوی او را درک کنند و سخنانش را بفهمند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۹). از سوی دیگر، مهم‌ترین دستاورد شیخ‌بهای را می‌توان تلاش مستمر او در پیوند میان طریقت و شریعت دانست. این کوشش در تمامی آثار او به‌ویژه آثار ادبی فارسی‌اش به‌وضوح نمایان است. تلاشی که نشان‌دهنده دغدغه او برای تلفیق عرفان و فقه در قالبی هماهنگ و منسجم است.

شیخ‌بهای در آثار نظم و نثر فارسی در مناجات‌ها و تحمیدیه‌ها مراحل ستایش ذات اقدس

الهی را مرحله به مرحله آورده است. همچنین، مراتب حمد را از حمد زبانی شروع کرده و به حمد عملی و درنهایت، به حمد قلبی که همان شکرگزاری نعمات خداست، نائل شده است. ازجمله توجه به مناجات زیبای او در مثنوی شیر و شکر که بعد از حمد ذات اقدس الهی به نعت رسول اکرم (ص) پرداخته است و دست توسل و دعا به مضاجع شریف و امامان معصوم (ع) برمی دارد که درنهایت، قرب ایشان را به همراه دارد.

فی المناجات و الالتجاء الی قاضی الحاجات

زین رنج عظیم، خلاصی جو دستی به دعا بردار و بگو
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۴۵).

شیخ بهایی اشتیاق وافر به ائمه معصومین و توسلات داشت؛ بنابراین مکرر نام آنها را در آثار ادبی خود می آورد. او مناجات و راز و نیاز به ذات اقدس الهی و چهارده معصوم را در اندیشه و مسلک خود دارد؛ مؤلف روضات الجنات از محمدتقی مجلسی روایت کرده است که «شیخ بهایی گفت: پدران ما در جبل عامل پیوسته عبادت می کردند و از اصحاب کرامات بودند و مستمر زیارت مضاجع شریف را در فکر خود قرار داده بود و اکثر مناجات این توسلات را بیان می کرد؛ ازجمله در مثنوی های پراکنده».

توسل به ارواح طیبین

دلا تا به کی، از در دوست دوری گرفتار دام سرای غروری؟
سؤال علاج، از طیبیان دین کن توسل به ارواح آن طیبین کن
که بر حال زار بهائی عاصی سر دفتراهل جرم و معاصی
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

توسل به چهارده‌معصوم

الهی الهی، به حق پیمبر الهی الهی، به ساقی کوثر
 الهی الهی، به صدق خدیجه الهی الهی، به زهرای اطهر
 الهی الهی، به سبطین احمد الهی، به شبیر الهی! به شبیر
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

شیخ دانشمند در اشعارش از آیات قرآن احادیث و روایات امامان بهره می‌جست. به‌خصوص در مناجات‌های او از جمله مناجات زیر از مثنوی نان و پنیر که به‌طور مستقیم به سوره احزاب آیه ۷۲ اشاره دارد:

بار الها، ما ظلوم و هم جهول از تو می‌خواهیم، تسلیم عقول
 زانکه عقل هر که را کامل کنی خیر دارینی بدو واصل کنی
 تا به دل فائز شود، از فیض پیر مرگرسنه، آنچه از نان و پنیر
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

از نخستین آثار نظم و نثر پارسی تا زمان نگارش این پژوهش رسم و روش بسیاری از شاعران، نویسندگان و دانشمندان این بوده است که در صدر دیوان و در مقدمه کتاب منشور و یا اثر علمی خویش شکر و سپاس ذات اقدس الهی را به جای آورده‌اند و سخنانی پرورده و شیوا در حمد و تسبیح خدا به رشته نظم و یا در مسلک عبارت کشیده‌اند. بعد از حمد و ستایش خدا سپس به نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته و با همان کلام متین و مزین به صنایع در بیان آیات قرآن و مضمون احادیث در شأن و مقام و منزلت پیامبر و او سخن گفته‌اند (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۶) و در ادامه، کار ستایش را به مناقب علوی و چهارده‌معصوم و گاه مدح بزرگان را دنبال کرده‌اند. گفتنی است که شاعران در منقبت‌سرایی به آیات، احادیث، معجزات، شجاعت‌ها، سخاوته‌ها، ایثارها و ... توجه داشته‌اند که همگان به آنها معترف‌اند. شیخ‌بهای از دانشمندان بزرگ قرن‌های دهم و یازدهم است که به‌همراه پدر خود از جبل عامل لبنان به ایران آمد. او در فقه، حدیث، تفسیر و بسیاری از علوم دیگر به درجات

عالی نائل شد. این عالم برجسته گرایش‌های عرفانی والایی نیز داشت. سرچشمه اصلی عرفان او را آموزه‌های دینی احادیث و روایات و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) را تشکیل می‌دهد. درحقیقت، بیشترین سهم عرفان و طریقت او به شریعت اختصاص دارد و سایه فرهنگ دینی و مکتبی در عرفان و ادبیات او به‌طور کامل، قابل ملاحظه است. با توجه به کل آثار او نویسندگان این جستار تمرکز خود را بر آثاری همچون جامع عباسی، کشکول، مفتاح‌الفلاح و به‌خصوص اشعار فارسی ایشان شامل کلیات اشعار (غزلیات، قصاید، مخمس، مستزاد، رباعیات) و منظومه‌های پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش، نان و حلوا، سوانح‌الحجاز، شیر و شکر، نان و پنیر قرار داده‌اند.

شیخ‌بهایی در نظم و نثر در مقام ستایش، تحمیدیه، منقبت، نعت و زیارت مضاجع شریف از بزرگانی همچون فخرالدین عراقی، حافظ، مولوی، ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری تبعیت کرده است. در شعر و عرفان شیعی او نیز محورهای بارزی در سخن و اندیشه او نمایان است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- الف) ابراز اشتیاق به اماکن و حرم‌های شریف معصومین در شعر و نثر؛
- ب) ابراز اشتیاق وافر به ائمه معصومین (ع) و توسلات و نام‌بردن‌های مکرر در آثار ادبی؛
- پ) استفاده از احادیث و روایات امامان (ع) در همه آثار ادبی منظوم و منثور به‌خصوص در دیوان اشعار و کشکول (به‌طوری که بخش عظیمی از این آثار را سخنان رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) تشکیل می‌دهد)؛
- ت) آرزوی انتظار فرج امام زمان (عج) و ابراز امید و شوق فراوان به ظهور آن حضرت (عج).

مناجات و تحمیدیه در آغاز آثار عربی و فارسی تمام آثار شیخ‌بهایی آشکار است؛ اما تأکید محققان در این پژوهش بر آثار فارسی اعم نظم و نثر است که به شیوه ایجاز به آنها اشاره اندکی می‌شود. آقای محمدعلی همایون کاتوزیان در کتاب *تاریخ ایران‌یان* چندین بار این‌گونه بیان می‌دارد شیخ‌بهایی فلسفه خاصی داشت. فلسفه‌ای مبتنی بر عرفان خاص با درون‌مایه‌ای ائمه اطهار. او مدح هیچ‌کس را نگفت و در بسیاری از موقعیت‌ها شاه‌صفوی به‌ویژه شاه‌عباس از شیخ‌بهایی درخواست می‌کرد که در تمام سفرها و حضرها همراه من باشد. در بیشتر موارد که شاه‌عباس سوار اسب بود، هنگامی که شیخ‌بهایی را می‌دید به نشانه احترام از اسب پایین می‌آمد و احترام می‌گذاشت. فلسفه شیخ‌بهایی ارسطویی و افلاطونی نیست، بلکه فلسفه عشق

به ائمه اطهار، امامان معصوم (ع) و پیامبر بزرگ اسلام (ص) برمبنای حمد الهی بوده است.

نان و حلوا چیست، دانی ای پسر؟ قرب شاهان است، زین قرب، الحذر

می‌برد هوش از سر و از دل قرار الفرار از قرب شاهان، الفرار

(شعبانی، ۱۳۸۹: ۵۵).

در بیشتر مثنوی‌ها و به‌ویژه نان و حلوا خود بر تهذیب نفس تأکید داشت و شهوت، ثروت، قدرت و دنیاطلبی را مذمت می‌کند:

نان و حلوا چیست؟ جاه و مال تو باغ و راغ و حشمت و اقبال تو

نان و حلوا چیست؟ فرزند و زنت اوفتاده همچو غل در گردنت

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

غزلیات

در حمد ذات اقدس الهی

جاءَ البریدُ مُبشراً مِنْ بَعْدِ ما طَالَ المدا ای قاصد جانان تورا صد جان و دل بادا فدا

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

من آینه‌ی طلعت معشوق وجودم از عکس رخس مظهر انوار شهودم

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

در نعت رسول اکرم (ص)

الهی الهی، به حق پیامبر الهی الهی، به سبطین احمد

رفتیم به کعبه‌ی مبارک در حضرت مصطفی رسیدیم

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

در منقبت امامان معصوم (ع)

الهی الهی، به ساقی کوثر الهی الهی به صدق خدیجه
الهی الهی به زهرای اطهر الهی به عابد! الهی به باقر

رباعیات

حمد ذات اقدس الهی

ای صاحب مسئله! تو بشنو از ما تحقیق بدان که لامکان است خدا
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

نعت رسول اکرم (ص)

دوش از درم آمد آن مه لاله نقاب سیرش نه بدیدیم و روان شد به شتاب
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

مناقب امامان معصوم (ع)

این راه زیارت است، قدرش دریاب از شدت سرما، رخ از این راه متاب
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

مثنوی نان و حلوا (سوانح الحجاز)

حمد الهی

«أما بعدَ اللهِ عَلَى إِفْضَالِهِ: سپاس به درگاه خدا به سبب نعمت ها و ...» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

«أَشْفِ قَلْبِي، أَيُّهَا السَّاقِي الرَّحِيمُ بِأَلَّتِي يُحْيِي بِهَا الْعَظْمُ الرَّمِيمُ: قلب مرا شفا بخش! ای ساقی مهربان با چیزی که استخوان پوسیده از آن زنده می شود».

أَيُّهَا الْقَوْمُ الَّذِي فِي الْمَدْرَسَةِ كُلُّ مَا حَصَلْتُمُوهُ وَسَوَسَهُ

فَكُرِّمُوا إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الْحَبِيبِ مَا لَكُمْ فِي النَّشْأَةِ الْآخَرَى نَصِيبٌ

نعت رسول اکرم (ص)

«الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْخَلَائِقِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: وَبَا دُرُودِ بَرِگَرَامِی‌ترین آفریدگان محمد و دودمان او».

«زِیَارَةُ سَيِّدِ الْأَنَامِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ: زِیَارَتِ سُرُورِ بَنَدِگَانِ کِه بَرِ اَوِ وَآلِش بَرِترین درودها ارزانی باد» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

تأویل به فرمایش حضرت رسول اکرم (ص)

افسوس گذر عمر و تلف کردن عمر در آنچه نفعی قیامت ندارد (قول نبی صلی الله علیه و آله وسلم سور المؤمن الشفاء) بازمانده غذای مؤمن شفا بخش است.

وَه! چه خوش می گفت در راه حجاز آن عرب، شعری به آهنگ حجاز

كُلُّ مَنْ لَمْ يَعْشِقِ الْوَجْهَ الْحَسَنَ قَرَّبَ الْجُلَّ إِلَيْهِ وَالرَّسَنَ

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۵).

تأویل به سخن امامان معصوم (ع) در سایه منقبت

بندگی خالص خدا به استناد به کلام امیر سخن حضرت علی (ع) «وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ: تو را شایسته عبادت یافتم پس بندگیت نمودم».

نان و حلوا چیست؟ ای نیکو سرشت این عبادتهای تو بهر بهشت

نزد اهل حق، بود دین کاستن در عبادت، مزد از حق خواستن

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

سخن امام صادق (ع) در مذمت حب دنیا (حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ)

حُبِ دُنْیَا هَسْتِ رَأْسُ هَرِ خَطَا از خطا کی می شود ایمان عطا

زانکه از دنیا است، این اوطان تمام مدح دنیا کی کند «خیر الانام»
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

سخن امام سجاد (ع) در اهمیت طلب علم نافع «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ
لَطَلَّبُوهُ وَلَوْ بِسَفَكِ الْمُهْجِ وَخَوْضِ اللَّجَجِ»

اگر مردم می دانستند که علم چه فایده هایی دارد، هر لحظه در جست و جوی آن برمی آمدند.
گرچه در راه آن خون بریزند و در ژرفای دریاها فرو روند.

«خشية الله» را نشان علم دان! «انما يخشى»، تو در قرآن بخوان
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

قرب شاهان، آفت جان تو شد پایبند راه ایمان تو شد
جرعه ای از نهر قرآن نوش کن آیه «لا تتركوا» را گوش کن
می برد هوش از سر و از دل قرار الفرار از قرب شاهان، الفرار
الله الله، این چه اسلام است و دین شرک باشد این، به رب العالمین
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

مثنوی شیر و شکر

حمد الهی

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى جَزِيلِ الْإِثْمِ: سپاس خدای را به خاطر نعمت های فراوانش» (نفیسی،
۱۳۸۳: ۱۷۹).

ای مرکز دایره امکان وی زبده ی عالم کون و مکان
تو شاه جواهر ناسوتی خورشید مظهر لاهوتی
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

یارب، یارب، به کریمی تو به صفات کمال رحیمی تو
 زین رنج عظیم، خلاصی جو دستی به دعا بردار و بگو
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

در نعت رسول اکرم (ص)

«وَأُصَلِّيَ عَلَى أَشْرَفِ أَوْلِيَاءِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ: وَ دُرُودٌ مِی‌فَرَسْتَمُ بَرِ بَرْتَرِینِ یَارَانِ وَ پِیَامِبِرَانِش»
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).
 «یا رب به نبی و وصی و بتول» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

نی رو به شریعت مصطفوی نه دل به طریقت مرتضوی
 در راه طریقت او رو کن یانان شریعت او خو کن
 نه بهره ز علم فروغ و اصول شرمت باد ز خدا و رسول
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

در منقبت امامان معصوم (ع)

یارب، به نبی و وصی و بتول یارب، به تقرب سبطین رسول
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

مثنوی نان و پنیر

حمد ذات اقدس الهی

«الحمد لله» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

به تونزدیک‌تر ز جبل ورید تو در افتاده در ضلال بعید
 (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

نعت رسول اکرم (ص)

«و الصلاة على سيدنا و نبينا محمد صلى الله عليه وآله و على آله و صحبه الطيبين الطاهرين اجمعين» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۹۱).

منقبت امامان معصوم با بهره‌گیری از اندیشه آنها

حضرت علی (ع): فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ.

آنکه گشت آگاه و شد واقف ز حال داند از دنیا بود بس انفعال
حب دنیا، گرچه رأس هر خطاست اهل دنیا را در آن، بس خیرهاست
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

اشاره به توحید مفضل امام صادق (ع)

صافی این علمها خواهی اگر رو به «توحید مفضل» کن نظر
کاندر آن از خان علم اله بشنوی با حق، بیان ای مرد راه
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

کتاب پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش

حمد الهی

«الحمد لله رب العالمين» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

نباشد تا خدا راضی ز امت کسی را نیست امید شفاعت
«ای گربه! من توبه کنم تا خدای تعالی مرا بیاورد» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۲).
«موش گفت: ای شهریار! از کرم خدا امیدوار هستم که مرا ببخشد و جزای عمل تو را بدهد» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

نعت رسول اکرم (ص)

«والصلاه والسلام علی اشرف المرسلین و آله الطیبین الطاهرین» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

«و عاصیان امت را به شفاعت حضرت محمد (ص)» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

«گر به گفت: ای موش شنیده‌ام که در حدیث است، هرکسی از قول و حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله عمل کند، عبادت است» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۱۹).

«حضرت رسول (ص) فرمود: بلی، چرا که خداوند عالمیان ستار العیوب است و غفار الذنوب» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

«گر به گفت: آنچه تو را در دل است، مرا در خاطر است. به دلیل و حدیث سید کائنات، صلی الله علیه و آله، که ترک دنیا رأس کل عبادۃ حب دنیا کل خطیئة» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

سایر اشعار شیخ‌بهای

حمد الهی

دلا تا به کی، از در دوست دوری گرفتار دام سرای غروری؟
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

نعت رسول اکرم (ص)

از ناله عشاق، نوایی بردار وز درد و غم دوست، دوایی بردار
تا کی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۵۱).

در منقبت و توسل به چهارده معصوم (ع)

دو دست دعا را برآور، به زاری همی گو به صد عجز و صد خواستاری:

الهی به مهدی که سالار دین است شه پیشوایان اهل یقین است
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

اختصاصی در مضاجع شریف کربلا و نجف

شیخ بهایی، دیوان اشعار، مثنویات پراکنده «شماره ۸»

ای نسیم صبح، خوشبو می‌رسی از کدامین منزل و کو می‌رسی؟
تازه گردید از تو جان مبتلا تو مگر کردی گذر از کربلا؟
می‌رسد از تو نوید لاتخف می‌رسی گویا ز درگاه نجف
(نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۴۸).

اختصاصی در سفر حجاز و شام

از سـمـور و حـریـر بیـزارم باز میل قلندری دارم
ای خوش ایام شام و مصر و حجاز فارغ از فکرهای دور و دراز

کتاب جامع عباسی

حمد الهی

نعت رسول اکرم (ص)

«درود خدا بر سرورمان محمد و تبار او باد» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۳). «نزدیک به همین معنی که گفته‌اند پیامبر (ص) وقتی منتظر بود که وقت نماز شود و دائم بلال را صدا می‌زد. ای بلال، اعلام وقت نماز را نشان بده» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

«شیخ در کشکول مستقیم و غیرمستقیم ۱۴۷ بار از پیامبر یاد کرده است. امام علی (ع) حضرت علی فرمود: هرگاه شکم‌ها پر از مباح شود، قلب انسان از معرفت به درستی کور می‌شود. اگر سختی به تو روی آورد، آرام باش. چه قیام تو بهر تدارک آن بر آن فزون است» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع)

«مردی شنید که پیرامون چیزی وی را سود نمی‌داد. سخن گفت: فرمود: ای فلان، با این کار خویش فرشته کاتب اعمال نوشته‌ای همی‌کنی در کشکول شیخ‌بهای ۶۶ بار مورد به امام علی (ع) اشاره دارد».

امام حسین (ع)

«ابوحزمه ثمالی به امام صادق (ع) گفت: من دوستان را دیده‌ام که از خاک مدفن امام حسین (ع) برمی‌دارند و از آن شفا می‌خواهند. آیا آن خاک را شفایی دارد؟ فرمود: از خاک بین نور تا چهارمین می‌توان شفا جست. از خاکش برگیر که شفا دهنده درد است» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۸۷). در کشکول شیخ‌بهای مستقیم و غیرمستقیم ۱۱۰ بار نام امام حسین (ع) آمده است.

امام کاظم (ع)

«امام کاظم (ع) به ابن یقطين گفت: چیزی از من به عهده گیر. در عوض سه چیز را بهره تو به عهده گیر که هیچ‌یک از یاران ما در حکومت نبینی. مگر آنکه به انجام کارش قیام کنی. در عوض به عهده می‌گیرم که هرگز نوک شمشیرت نرسد. هرگز سایه زندان برسر نیفتد و هرگز تهیدستی به خانه‌ات گام نهد» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۱۹). در کشکول شیخ‌بهای ۴۵ مورد از اندیشه‌های امام کاظم (ع) آمده است.

امام جواد (ع)

«از سخنان امام جواد (ع) به کسی که کاری نازبیا را زیبا شمرد، در انجام آن شریک است. همچنین، کسی که بقا را دوست دارد باید دلی فراهم آرد که در مقابل مصیبت شکبیا بود.

همچنین، گفت: اگر نادان ساکت کند، بین مردم اختلافی به وجود نمی‌آید» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۴۰۵). سخنان امام جواد (ع) به تعداد ۴۱ مورد در کشکول مشاهده می‌شود.

امام‌هادی (ع)

«یکی از جالب‌ترین روایات داستانی مکالمه امام‌هادی (ع) با یک ترک زبان است. ابوهاشم جعفری می‌گوید: در مدینه بودم زمانی که بغا در زمان متوکل عباسی از آنجا می‌گذشت. امام‌هادی (ع) فرمود: برویم و گروه بخارا ببینیم» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۵۰۵). سخنان امام‌هادی (ع) در کشکول ۲۵ بار آمده است.

امام حسن عسگری (ع)

«به ابوهاشم جعفری فرمود: ای اباهاشم! زمانی فرامی‌رسد که علمای آن زمان بدترین جنبندگان روی زمین‌اند. به خدا سوگند که آنان جزء سرکشان و گمراهانند» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۴۸۲).

سخنان امام حسن عسگری (ع) در کشکول ۲۲ بار آمده است. در پایان، میزان حمد، نعت، منقبت و مدح در قالب تحمیدیه در آثار شیخ‌بهایی که در این پژوهش به کار رفته است، در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: میزان تحمیدیه در آثار شیخ‌بهایی در پژوهش حاضر

ردیف	آثار	حمد	نعت	منقبت	مدح
۱	غزلیات	✓	✓	✓	-
۲	رباعیات	✓	✓	✓	-
۳	مثنوی نان و حلوا	✓	✓	✓	-
۴	مثنوی شیر و شکر	✓	✓	✓	-
۵	مثنوی نان و پنیر	✓	✓	✓	-
۶	کتاب موش و گربه	✓	✓	✓	-
۷	کتاب جامع عباسی	✓	✓	✓	-

۸	سایر اشعار	✓	✓	✓	-
---	------------	---	---	---	---

نتیجه‌گیری

- از آنچه گذشت می‌توان نتایج زیر را در تحمیدیه شیخ‌بهای به دست آورد:
- ۱- مراتب تحمیدیه در آثار شیخ‌بهای از عالی‌ترین مرتبه، یعنی ذات اقدس الهی شروع می‌شود و تا مناقب علوی ادامه دارد؛ اما در کل آثارش مدح پادشاهی را نگفته است.
 - ۲- بیشترین فراوانی در تحمیدیه به ترتیب حمد ذات اقدس الهی، نعت رسول اکرم (ص) و مناقب علوی بوده است.
 - ۳- شیخ‌بهای در تحمیدیه از شیوه تبلیغ خاص، توسل به ائمه اطهار، توکل به خدا، اظهار شوق به چهارده معصوم (ع) و آرزوی دیدار امام زمان (عج) بهره برده است.
 - ۴- شیخ‌بهای در تحمیدیه و مناجات از قرآن و آموزه‌های آن، احادیث و روایات و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) استفاده کرده است.
 - ۵- فلسفه شیخ‌بهای افلاطونی و ارسطویی نیست، بلکه فلسفه مبتنی بر عرفان خاص با درون‌مایه عشق به خدا و ائمه اطهار بوده است.
 - ۶- در سخن او عشق، ایمان و عرفان راستین ستایش می‌شود؛ به گونه‌ای که اعتقاد دارد عشق انسان را از وارستگی دنیا می‌رهاند و به انوار الهی سوق می‌دهد تا اینکه انسان را به کلید خزاین الهی متصل می‌کند.
 - ۷- طبق جدول ۱ تحمیدیه با رنگ‌مایه‌های گوناگون از جمله حمد، نعت و منقبت به‌وفور در آثار شیخ‌بهای دیده می‌شود که نشان‌دهنده ارادت خالصانه به ذات اقدس الهی، پیامبر خدا (ص)، منقبت امامان معصوم (ع) است و مدح اختصاصی پادشاهان و بزرگان دنیوی در اندیشه شیخ‌بهای مشاهده نمی‌شود.

یادداشت

- ۱- ای کسانی که در مدرسه‌اید، حاصلتان چیزی جزء وسوسه نیست.
- ۲- اگر اندیشه غیر دوست دارید از جهان آخرت بهره‌ای نخواهید داشت.
- ۳- اشاره دارد به سوره الفجر آیه ۳۹-۲۷ یا أَيْتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً

مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي: تو ای نفس آرام گرفته، به سمت پروردگارت بازگرد؛ درحالی که هم تو از او خوشنودی و هم او از تو خشنود است. پس در سلك بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو.

۴- اشاره به سوره فاطر آیه ۲۸ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ: همانا از میان بندگان تنها دانشمندان اند که خدا ترس هستند».

۵- نشانه (۷) وجود رنگ‌های تحمیدیه از قبیل حمد، نعت، منقبت و نشانه (-) نبودن مدح پادشاهان در آثار شیخ بهایی است.

منابع

- احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۹). مناقب علوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۷). تاریخ ایران: دوره صفویان. تهران: چاپ قراین.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی. تهران: نشر علمی.
- زمانی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷). شناخت نامه شیخ بهاء‌الدین عامل. قم: پژوهش علوم و فرهنگ اسلامی.
- سبجانی، توفیق (۱۳۶۲). تاریخ ادبیات ایران ۳. تهران: انتشارات پیام‌نور.
- ستوده، غلامرضا (۱۳۶۹). تحمیدیه در ادب فارسی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲). ایران عصر صفوی (ترجمه کامبیز عزیزی). تهران: نشر مرکز.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۹). کتاب ایران گزیده تاریخ. تهران: نشر بین‌المللی الهدی.
- صفی، سیدمحمد (۱۳۷۴). کلیات آثار و اشعار شیخ بهایی. قم: نشر ارم.
- صفاخواه، محمدحسین (۱۳۸۸). چکیده مقالات کنگره بزرگداشت شیخ بهایی (به کوشش دبیرخانه مرکزی کنگره بین‌المللی بزرگداشت شیخ بهایی). مشهد: انتشارات فکر.
- صفت گل، منصور (۱۳۹۳). ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی. تهران: رسا.
- طغیانی، اسحاق و مختاری، خدایار (۱۳۸۷). مقام ادبی شیخ بهایی. مقالات کنگره بزرگداشت شیخ بهایی، مشهد: انتشارات فکر.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۸۵). جامع عباسی. تهران: انتشارات خراسان.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۳). ملحقات کلیات فیض کاشانی (به تصحیح و شرح و مقدمه مصطفی فیض کاشانی). تهران: انتشارات اسوه.

- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۰). دیوان شعر. قم: الهدی.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۸). ایرانیان دوران باستان تا معاصر (مترجم حسین شهیدی). تهران: مرکز.
- کاشانی، صائم (۱۳۹۲). بردوش آفتاب. تهران: همگام با هستی.
- معصومی، سیدجواد (۱۳۸۴). دیوان شیخ‌بهای. قم: طوبای محبت.
- نعمانی، شبلی (۱۳۷۵). المعجم تاریخ ایرانیان. تهران: مرکز.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). کلیات اشعار آثار شیخ‌بهای. تهران: چکامه.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). کلیات اشعار و آثار شیخ‌بهای. تهران: چکامه.

تبیین جایگاه هنر خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه در شهر کربلا

اصغر منتظرالقائم^۱

زهرافخمی^۲

چکیده

هنرهای اسلامی در عتبه حسینی و عباسیه کربلا تجلی‌گاه فرهنگ و تمدن اسلامی و شیعی است که با تاریخ غنی و معنوی خود جاذبه‌های بی‌نظیری را به نمایش می‌گذارد. هنر خوشنویسی به‌عنوان یکی از هنرهای اصیل اسلامی در عتبه حسینی و عباسیه در شهر کربلا جایگاه ویژه‌ای دارد. این هنر نه تنها به زیبایی فضای معنوی این مکان‌ها کمک می‌کند، پیام‌های فرهنگی و مذهبی را نیز منتقل می‌کند. خوشنویسان با استفاده از خطوط مختلف نظیر نستعلیق و ثلث آثار هنری را خلق می‌کنند که در آنها آیات قرآن، اشعار مدح اهل بیت و مضامین مذهبی به تصویر کشیده می‌شود. عتبه حسینی و عباسیه به‌عنوان مراکز تجمع زائران فضایی مناسب را برای نمایش این هنر فراهم می‌آورد. خوشنویسی در این مکان‌ها نمادی از عشق و ارادت به اهل بیت (ع) و تداوم فرهنگ اسلامی است. آثار خوشنویسی در این عتبات علاوه بر زیبایی بصری به‌عنوان ابزاری برای ترویج آموزه‌های دینی و اخلاقی نیز است. توجه به تاریخچه غنی کربلا و نقش آن در تاریخ اسلام بیانگر آن است که خوشنویسی به‌عنوان یک عنصر فرهنگی و هنری بخشی از هویت این شهر است. این هنر نه تنها در تزیینات داخلی و خارجی عتبات، در مراسم‌های مذهبی و مناسبت‌های خاص نیز حضور دارد.

کلمات کلیدی: خوشنویسی، عتبه حسینی، عتبه عباسیه، کربلا، هنر اسلامی

۱. استاد گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ایران

montazer@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه اصفهان، ایران

Zahraafkhani2236@gmail.com

The Significance of Calligraphy Art at the Hussainiya and Abbasiyya Shrines in the City of Karbala

Zahra Afkhami ¹

ABSTRACT

Islamic arts at the Hussainiya and Abbasiyya shrines in the city of Karbala are a manifestation of Islamic and Shia culture and civilization, showcasing their rich and spiritual history through unique attractions. Calligraphy, as one of the authentic Islamic arts, holds a special place at the Hussainiya and Abbasiyya shrines in Karbala. This art not only enhances the spiritual ambiance of these places but also conveys cultural and religious messages. Calligraphers create artistic works using various scripts such as Nasta'liq and Thuluth, depicting verses from the Quran, poetry in praise of the Ahl al-Bayt, and religious themes. The Hussainiya and Abbasiyya shrines, as centers for gathering pilgrims, provide an appropriate space for displaying this art. Calligraphy in these locations symbolizes love and devotion to the Ahl al-Bayt (AS) and the continuity of Islamic culture. The calligraphic works in these shrines not only offer visual beauty but also serve as a tool for promoting religious and moral teachings. Given Karbala's rich history and its role in Islamic history, calligraphy is considered an integral part of the identity of this city. This art is present not only in the interior and exterior decorations of the shrines but also during religious ceremonies and special occasions.

Keywords: Calligraphy, Hussainiya shrine, Abbasiyya shrine, Karbala, Islamic art.

1. BA student of History. University of Isfahan. Zahraafkhami2236@gmail.com

مقدمه

خوشنویسی از برجسته‌ترین هنرهای اسلامی است که از دیرباز نقشی مؤثر در انتقال مفاهیم دینی، اخلاقی و فرهنگی داشته است. این هنر به‌ویژه در مراکز مقدس و مذهبی همچون زبان بصری مقدسی عمل کرده است که در قالب فرم، به مفاهیم بلند عرفانی و اعتقادی تجسم می‌بخشد. عتبه‌های حسینی و عباسی در شهر کربلا از جمله مهم‌ترین مراکز نمود این هنر است. خوشنویسی در این فضاها نه تنها به‌عنوان عنصری تزئینی، به‌مثابه ابزاری ارتباطی برای بیان آموزه‌های دینی حضور یافته است. پیشینه تاریخی این هنر به‌ویژه در فرهنگ اسلامی-ایرانی ریشه‌هایی عمیق دارد و هنرمندان بزرگی از ایران‌زمین نقش مهمی در تکامل خطوط اسلامی داشته‌اند. ایرانیانی چون ابن‌مقله، ابن‌بواب، بایسنغر میرزا، میرعماد، علیرضا عباسی و بسیاری دیگر با ترکیب هنر خوشنویسی و عشق به اهل‌بیت (ع) آثاری را خلق کرده‌اند که امروزه نیز در زیارتگاه‌های مقدس درخور مشاهده است. بسیاری از این آثار در قالب نسخه‌برداری قرآن، کتابت ادعیه و خلق کتیبه‌هایی در اماکن متبرکه جلوه یافته است. محقق در پژوهش حاضر جایگاه هنر خوشنویسی را در حریم مطهر حسینی و عباسی بررسی و نقش آن را در تثبیت مفاهیم فرهنگی و معنوی تشیع تحلیل می‌کند.

پیشینه تاریخی خوشنویسی در کربلا

هنر خوشنویسی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های برجسته هنر اسلامی از همان سده‌های نخست اسلام با گسترش زبان و خط عربی رشد یافت و به‌مرور به شاخه‌ای تخصصی با قواعد و سبک‌های متنوع تبدیل شد (شریعتی، ۱۳۷۵). عراق به‌ویژه دو شهر مذهبی نجف و کربلا به‌عنوان مراکز تمدن شیعی نقش کلیدی در پرورش و شکوفایی هنر خوشنویسی داشتند. کربلا با پیشینه‌ای آمیخته به رویدادهای مذهبی و تاریخی بستر مناسبی را برای رشد این هنر فراهم آورد (رضایی، ۱۳۸۴).

در دوران میانه اسلامی نسخ خطی نفیس و کتیبه‌های ماندگاری در این شهر شکل گرفت که امروزه به‌عنوان گنجینه‌های تمدنی محسوب می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۸). هنرمندانی چون حسین بن علی و عبدالله الکربلایی در این عرصه شناخته شده‌اند و سبک‌هایی متمایز با ظرافت هنری را خلق کرده‌اند (میرزا، ۱۳۹۲). کتیبه‌های سنگی بر دیواره‌های اماکن مذهبی و تزئینات معماری نیز نشانه‌ای از جایگاه ویژه خوشنویسی در ساختار فرهنگی-دینی شهر کربلا

هستند (کریمی، ۱۳۹۰).

ویژگی‌ها و سبک‌های خوشنویسی در عتبه حسینه و عباسیه

در عتبه حسینه و عباسیه خطوط مختلفی از جمله نستعلیق، ثلث، نسخ و کوفی به‌عنوان بخش‌های مهم تزیینات هنری به کار رفته است که هریک نمایانگر جلوه‌ای از هنر اسلامی است (کریمی، ۱۳۹۰: ۹۵). خط ثلث به دلیل وضوح و زیبایی خاص خود بیشترین کاربرد را در نگارش آیات قرآن و متون دینی مرتبط با شهادت امام حسین (ع) در عتبه حسینه دارد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). خط نستعلیق معروف به خط شعر و ادبیات در بخش‌های داخلی و تابلوهای مذهبی عتبه عباسیه به چشم می‌خورد و فضایی سرشار از لطافت و معنویت را ایجاد می‌کند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). همچنین، خط کوفی که قدمت تاریخی بسیار زیادی دارد، بیشتر در کتیبه‌های سنگی و بخش‌های معماری این مکان‌ها استفاده شده و نشان‌دهنده ریشه‌های سنتی و اصالت تاریخی شهر کربلاست (میرزا، ۱۳۹۲: ۸۵). این تنوع در خطوط و سبک‌های خوشنویسی جلوه‌ای بی‌نظیر و متفاوت به فضای عتبات عالیات بخشیده است و بازدیدکنندگان را به تأمل در عمق مفاهیم هنری و معنوی دعوت می‌کند. خوشنویسان خبره و آشنا به اصول فنی و مفاهیم دینی با مهارت خود کیفیت و معنویت آثار را به سطحی بالا رسانده‌اند (آقایی، ۱۳۹۵: ۴۵).

جایگاه فرهنگی و دینی هنر خوشنویسی در عتبه حسینه و عباسیه

هنر خوشنویسی در حرم‌های مطهر حسینی و عباسی در کربلا تنها یک جلوه تزیینی نیست، بلکه به مثابه تجسمی زنده از فرهنگ و دین در تمدن اسلامی عمل می‌کند. این هنر مقدس ابزاری برای بیان آموزه‌های دینی، ارزش‌های عاشورایی و فرهنگ شیعی است که در قالبی زیباشناسانه و عمیق معنوی عرضه می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸). استفاده از خطوطی مانند ثلث، نستعلیق و کوفی در نگارش آیات، احادیث و اشعار مذهبی در معماری این مکان‌های مقدس نشانگر پیوند میان ساختار هنری و محتوای معنوی است (جعفری، ۱۳۹۵). از منظر دینی، اجرای خوشنویسی در این مکان‌ها نوعی عبادت هنری است. خوشنویسان در هنگام خلق آثار خود، نیت تقرب به خداوند و تکریم جایگاه اهل بیت (ع) را در دل دارند. دقت در اصول نگارش، رعایت نظم ترکیب حروف و انتخاب مضامین مقدس همه حکایت از آن دارد که این

هنر در بستر خود آیینی معنوی و جلوه‌ای از تسبیح بصری است (زنگنه، ۱۳۹۲). از بُعد فرهنگی، خوشنویسی جایگاه برجسته‌ای در هویت شیعی یافته است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را حافظی از میراث تصویری و دینی این آیین دانست. کتیبه‌ها، تابلوها و نقوش خوشنویسانه‌ای که قرن‌ها در این مکان‌ها بر جای مانده است، همچون پلی ارتباطی میان نسل‌ها فرهنگ شیعی را زنده و پویا نگاه داشته است (نجفی، ۱۳۹۹). علاوه بر جنبه‌های معنوی خوشنویسی به شکل ساختاری نیز در وحدت فضایی معماری عتبات نقش دارد. کتیبه‌های خطی هماهنگ با خطوط هندسی و عناصر معماری ترکیبی از نظم بصری و وحدت محتوایی را ایجاد کرده است که نماد کمال هنری در تمدن اسلامی است. این تعامل میان هنر و معماری ذهن زائر را به سمت تفکر و تدبیر در معانی مقدس سوق می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۸؛ جعفری، ۱۳۹۵).

تحلیل تطبیقی خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه

عتبات مقدس شیعی به‌ویژه عتبه حسینی و عتبه عباسیه در شهر کربلا نه تنها از نظر معماری و معنویت، از نظر هنرهای تزئینی نیز ویژگی‌های خاص و متفاوتی دارند. خوشنویسی در این دو مکان مقدس با هدف‌ها، سبک‌ها و حتی نمادهای متفاوتی اجرا شده است که می‌توان آنها را به لحاظ محتوایی، سبک هنری، کاربرد فضایی و پیام معنوی تحلیل تطبیقی کرد.

تفاوت در نوع خط و سبک هنری

عتبه حسینی بیشتر از خط ثلث در کتیبه‌های داخلی و خارجی استفاده کرده است. این خط به دلیل شکوه و قدرت بصری برای نوشتن آیات قرآن، زیارت‌ها و عبارت‌های مذهبی چون «یا حسین شهید» و «السلام علیک یا ابا عبدالله» به کار می‌رود. این انتخاب بی‌دلیل نیست. خط ثلث با ابهت و تعلیقات خود تجلی مفاهیمی چون جهاد، شهادت و فداکاری است؛ برای نمونه، سردر اصلی ورودی حرم امام حسین (ع) کتیبه‌ای به خط ثلث دارد که آیه «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله...» را نمایش می‌دهد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). عتبه عباسیه علاوه بر خط ثلث استفاده گسترده‌تری از خط کوفی ساده و کوفی مزهر دارد. کوفی به دلیل ساختار هندسی و استواری‌اش با شخصیت حضرت عباس (ع) که نماد وفاداری، پایداری و قدرت است، هماهنگی بیشتری دارد. همچنین، خط نستعلیق برای تابلوهای ادعیه و متون مذهبی

غیرقرآنی (اشعار مدح حضرت عباس (ع)) در فضاهای داخلی حرم دیده می‌شود.

تفاوت در محتوای خوشنویسی‌ها

محتوای خوشنویسی‌ها در عتبهٔ حسینه بیشتر حول مفاهیم شهادت، مصیبت، عدالت‌خواهی و قیام عاشورا است. آیات قرآنی با مضامین قیام در راه خدا و شهادت، زیارت‌نامه‌ها و روایات امام صادق (ع) در وصف امام حسین (ع) به‌وفور در خوشنویسی‌ها مشاهده می‌شود. محتوای خوشنویسی‌ها در عتبهٔ عباسیه نیز بیشتر بر وفاداری، رشادت، اطاعت و ادب حضرت عباس (ع) تأکید دارد. جملاتی مانند «السلام علیک ایها العبد الصالح» یا «باب الحوائج» در خوشنویسی‌ها نمود دارد.

کاربرد فضایی خوشنویسی

خوشنویسی‌ها در عتبهٔ حسینه نقش زیادی در القای شکوه و هیبت دارد و بیشتر در سردرها، گنبد و بالای محراب‌ها دیده می‌شود. همچنین، آنها بیشتر در قاب‌های منظم در فضاهای داخلی، محراب‌ها، ورودی‌های شبستان و ستون‌ها دیده می‌شود و گاهی با تذهیب و کاشی‌کاری تلفیق شده است. در اینجا نقش تزئینی آن برجسته‌تر از جنبهٔ خطابی یا آموزشی است.

. نمادپردازی و معنای هنری

خوشنویسی در عتبهٔ حسینه به‌عنوان ابزاری برای احیای فرهنگ عاشورا عمل می‌کند. خط با قدرتی که دارد، تجلی‌دهندهٔ ایستادگی در برابر ظلم است. خوشنویسی در عتبهٔ عباسیه به‌عنوان نماد اخلاص، سکوت در راه حقیقت و عبودیت است. انسجام و هندسهٔ خط کوفی در عتبهٔ عباسیه نشان از نظم و اطاعت محض در مسیر ولایت نیز دارد.

ترکیب با سایر هنرها

خوشنویسی‌ها در عتبهٔ حسینه بیشتر به‌صورت مستقل و قدرتمند اجرا و بیشتر با تذهیب، نقاشی گل و مرغ و کاشی معرّق ترکیب شده که نشان‌دهندهٔ جنبهٔ احساسی‌تر و روح‌افزای این بخش است.

تحلیل زیباشناختی تطبیقی

ویژگی‌ها	عتبه حسینی	عتبه عباسیه
نوع خط و غالب	ثلث، نسخ	کوفی، نستعلیق
محتوای متون	شهادت، قیام، مصیبت	وفاداری، ادب، اطاعت
کاربرد فضایی	سردر ها، گنبد	دیوارهای داخلی، شبستان
ساختار خط	عظمت، تحرک‌ها	هندسه و انسجام
تلفیق هنری	معمولاً مستقل	با تذهیب و کاشی‌کاری

نتیجه تحلیل تطبیقی

از آنجا که هریک از این دو حرم شریف نماد جنبه‌ای از واقعه عاشورا هستند، هنر خوشنویسی نیز با شناخت دقیق از مفاهیم شخصیتی امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) تلاش کرده تا با زبان تصویر این مفاهیم را منتقل کند. اگر در حرم امام حسین (ع) هنر به سمت تصویرگری حماسه و رهبری پیش می‌رود، در حرم حضرت عباس (ع) بیشتر به سوی تصویرگری وفا، ادب و بندگی حرکت کرده است.

تحولات هنر خوشنویسی در عتبه حسینی و عتبه عباسیه در بستر تاریخ: رویکرد مبتنی بر منابع دست اول و منابع دست دوم

هنر خوشنویسی از دیرباز یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های فرهنگی در معماری اماکن مقدس شیعی بوده است. عتبه‌های مطهر حسینی و عباسی در کربلا به عنوان کانون‌های معنوی جهان تشیع همواره بستری زنده برای تبلور و تحول این هنر بوده است. روند تاریخی خوشنویسی در این مکان‌های مقدس را می‌توان با تکیه بر اسناد اصیل همچون وقف‌نامه‌ها، کتیبه‌های معماری، نسخ خطی و منابع پژوهشی جدید بازشناسی کرد (کتیبه‌های عتبه حسینی، حدود ۱۰۹۵ هـ. ق؛ موسوی، ۱۳۸۸).

دوران صفویه: تثبیت نقش خوشنویسی در هویت مذهبی بناها

خوشنویسی در دوره صفویان با توجه به گسترش رسمی تشیع و حمایت حکومت از هنرهای مذهبی جایگاهی رسمی و بنیادین در تزیینات معماری حرم‌های مطهر یافت. کتیبه‌های موجود در ایوان‌های جنوبی و شمالی حرم حسینی که بیشتر با خط ثلث و نسخ نوشته شده است، نمونه‌ای از این روند است (کتیبه‌های صفوی عتبه حسینی، ۱۰۹۰-۱۱۰۰ هـ. ق). در وقف‌نامه‌هایی مربوط به سال‌های پایانی قرن یازدهم هجری، تأمین مالی منظم برای خوشنویسان و کاشی‌کاران ثبت شده که بیانگر نهادینه‌شدن این هنر در سیاست مذهبی-فرهنگی آن عصر است (وقف‌نامه ۱۰۹۵ هـ. ق). به باور موسوی (۱۳۸۸) این دوره نه تنها آغاز تثبیت خوشنویسی به عنوان یک هنر مذهبی بود، بنیانی را برای تحولات بعدی در قرن‌های بعدی پدید آورد.

عصر قاجار: تنوع سبک‌ها و بازآفرینی هنری

خوشنویسی در دوره قاجار وارد مرحله‌ای شد که در آن تنوع خطوط (به‌ویژه ورود گسترده‌تر نستعلیق در کنار ثلث) و تکنیک‌های نوین کاشی‌کاری به‌ویژه استفاده از کاشی هفت‌رنگ رواج بیشتری یافت. کتیبه‌هایی در صحن شرقی حرم عباسی با تاریخ ۱۳۱۰ هجری قمری نمونه‌های برجسته این تحولات است. وقف‌نامه‌های دوره قاجار که در آرشو عتبه عباسیه ثبت شده است، گواهی روشن بر تداوم و گسترش حمایت مالی برای خوشنویسان است (وقف‌نامه ۱۳۲۰ هـ. ق). آقایی (۱۳۹۵) با تحلیل محتوای این آثار دوره قاجار را زمان شکوفایی خلاقیت هنری در خوشنویسی مذهبی می‌داند که در آن سنت و نوآوری درهم آمیخته است.

دوران معاصر: هم‌زیستی سنت با فناوری

خوشنویسی در دهه‌های اخیر در دو حرم شریف با حفظ پابندی به اصالت‌های خطاطی اسلامی وارد فاز جدیدی از تعامل با فناوری شده است. استفاده از ابزارهای نوین همچون حکاکی لیزری، چاپ دیجیتال روی کاشی و فلز و متریال‌های مدرن در آثار خوشنویسی مشاهده می‌شود (بازدید میدانی، کربلا، ۲۰۲۲). در گفت‌وگویی با استاد علی شفیعی از هنرمندان فعال در پروژه‌های بازسازی عتبه‌ها اشاره شد که در این دوره توجه به ماندگاری و

وضوح خطوط در محیط‌های متنوع اصل راهبردی هنرمندان بوده است (مصاحبه، کربلا، ۲۰۲۲). این روند باعث شده است که خوشنویسی نه فقط در گنبد و ایوان‌ها، در طراحی داخلی، سنگ‌کاری، کتیبه‌های نورانی و گرافیک محیطی نیز حضور پررنگی داشته باشد.

نقش خوشنویسی در کاشی‌کاری‌ها و سایر اجزای معماری در عتبه حسینی و عتبه عباسیه: تحلیل تخصصی مبتنی بر منابع دست اول و دوم

هنر خوشنویسی در تمدن اسلامی جایگاهی والا دارد و در اماکن مذهبی شیعی از جمله عتبه حسینی و عباسیه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر هویت‌بخش معماری است. این هنر به‌عنوان زبانی بصری نه تنها در تزیینات کاشی‌کاری، در بخش‌های چوبی، فلزی و مقرنس‌کاری حضور دارد و در بستر تحولات تاریخی، فرهنگی و مذهبی به تکامل رسیده است (نجفی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

نقش خوشنویسی در کاشی‌کاری عتبه حسینی

کاشی‌کاری به‌ویژه در دوره صفوی به‌عنوان هنری اصیل و بی‌نظیر در عتبه حسینی به کار گرفته شد و خوشنویسی یکی از ارکان اصلی این هنر بود. کتیبه‌های خوشنویسی‌شده به خط ثلث و نسخ بر کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ شامل آیات قرآنی، احادیث اهل بیت (ع) و دعا‌های ویژه زیارت به زیبایی، فضایی معنوی را در این مکان ایجاد کرده است (وقف‌نامه‌های صفوی، ۱۰۹۵ هـ. ق).

تکنیک‌ها و سبک‌ها

خوشنویسان این دوره با تسلط بر خطوط ثلث و نسخ کتیبه‌هایی را با ضخامت متغیر خطوط و تعادل دقیق در فضای کتیبه ایجاد کرده‌اند که این تکنیک‌ها در کاشی‌کاری معرق به‌صورت برجسته‌کاری و در هفت‌رنگ به‌صورت نقاشی‌شده بروز یافته است (کاظمی، ۱۳۹۲: ۹۰).

جایگاه معنوی

انتخاب آیات و احادیث در کتیبه‌ها بازتاب‌دهنده محوریات اعتقادی و محور معنوی عتبه

حسینیه است که خوشنویسی با فرم و ساختار خود پیام این متون را تقویت می‌کند (نجفی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

خوشنویسی در سایر اجزای معماری عتبه حسینیه

خوشنویسی در عتبه حسینیه فراتر از کاشی‌کاری در بخش‌های چوبی، فلزی و مقرنس‌کاری نیز حضور مهمی دارد.

چوب‌کاری

خطوط ثلث و نسخ در درب‌ها و پنجره‌های چوبی عتبه حسینیه به صورت حکاکی‌شده روی چوب اجرا شده است. این خطوط بیشتر شامل آیات قرآنی و اسامی مقدسان است که جنبه تزئینی و بار معنوی دارد (گزارش میدانی، ۱۹۹۸: ۴۵). چوب‌کاری‌های مزین به خوشنویسی با سبک‌های مختلف خوشنویسی بیانگر استمرار هنر خوشنویسی در سطح‌های مختلف معماری است.

فلزکاری

خطوط خوشنویسی در فلزکاری‌های درب‌ها، نرده‌ها و پنجره‌ها به صورت حکاکی یا کنده‌کاری‌شده به چشم می‌خورد. این خطوط بیشتر شامل جمله‌های زیارتی، دعاها و نام‌های مقدس است که در فضای کلی معماری به تأکید بر تقدس مکان کمک می‌کند (وقف‌نامه عتبه حسینیه، ۱۱۰۰ هـ. ق).

مقرنس‌کاری

خوشنویسی نقاشی یا حجاری‌شده در کنار مقرنس‌ها به‌ویژه در بخش‌های سقف و گنبد به ایجاد عمق معنوی و زیبایی بصری بیشتر کمک کرده است. این کاربرد خوشنویسی در ترکیب با فرم‌های معماری به‌ویژه در دوره‌های متأخر به تکامل رسیده است (مطالعات معماری اسلامی، ۱۹۹۵).

نقش خوشنویسی در عتبه عباسیه

عتبه عباسیه به عنوان یکی از مراکز مقدس شیعی خوشنویسی را به صورت تخصصی و گسترده در کاشی کاری، فلزکاری و چوب کاری به کار گرفته است.

کتیبه های کاشی کاری

خطوط نستعلیق و ثلث در کاشی کاری های هفت رنگ و معرق عتبه عباسیه به طور گسترده ای دیده می شود. این کتیبه ها شامل دعاها، جمله های زیارتی و یادآور وقایع کربلاست که با دقتی هنرمندانه طراحی شده است (مرادی، ۱۳۷۵: ۱۰۴).

فلزکاری و چوب کاری

خوشنویسی در درب ها و پنجره های فلزی و چوبی عتبه عباسیه به صورت حکاکی و نقاشی شده حضور دارد که از نظر هنری و معنوی بسیار حائز اهمیت است (اسناد آرشیوی عتبه عباسیه، ۱۳۲۰ هـ. ق)

تلفیق هنرهای سنتی

خوشنویسی در این عتبه بیشتر با دیگر هنرهای سنتی مانند منبت کاری و خاتم کاری تلفیق شده که به صورت منسجم و هماهنگ در تزیینات به کار رفته است (مرادی، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

تحولات تاریخی و فرهنگی خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه

خوشنویسی در این عتبه ها طی دوره های مختلف تاریخی دستخوش تحولات زیادی شده است که نشان دهنده تأثیر متقابل عوامل فرهنگی، سیاسی و مذهبی است. خوشنویسی ثلث و نسخ در دوره صفوی به اوج خود رسید تا جایی که با پیشرفت کاشی کاری معرق و هفت رنگ از خطوط خوشنویسی به شکل کتیبه های برجسته و نقاشی شده به وفور در عتبه حسینی استفاده شد (وقف نامه های صفوی، ۱۰۹۵ هـ. ق).

در دوره قاجار سبک نستعلیق در کاشی کاری های هفت رنگ رواج بیشتری یافت و خوشنویسی به سمت ظرافت و رنگ آمیزی متنوع تر حرکت کرد (وقف نامه های قاجاری، ۱۳۱۰ هـ. ق). در این دوره مرمت های متعددی برای حفظ کتیبه های قدیمی انجام شد که به حفظ

میراث خوشنویسی کمک کرد (گزارش‌های مرمتی، ۱۹۵۰).
در دوره معاصر خوشنویسان معاصر در این اماکن مقدس با حفظ سنت‌ها و اصول خوشنویسی سنتی آثاری نوین را خلق کرده‌اند که ضمن رعایت قواعد قدیم با سبک‌های نوین تلفیق شده است (مطالعات هنر اسلامی، ۲۰۱۰).

اهمیت معنوی و نمادین

خوشنویسی در عتبه حسینه و عباسیه فقط جنبه زیبایی‌شناسی ندارد، بلکه به‌عنوان زبان مقدس حامل پیام‌های عمیق دینی و فرهنگی است. متن‌های خوشنویسی‌شده در کتیبه‌ها و سایر اجزای معماری نقش هدایت‌گرانه را دارد و یادآور واقعه کربلا، فضائل اهل بیت (ع) و مفاهیم مذهبی شیعی است (نجفی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). این نقش معنوی همراه با زیبایی بصری خوشنویسی به ایجاد فضای عرفانی و مذهبی در این اماکن مقدس کمک کرده است. به این ترتیب، خوشنویسی به‌عنوان عامل پیونددهنده میان هنر و دین در معماری عتبه‌ها شناخته می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

تحولات تکنیکی، خوشنویسان برجسته و نمونه‌های تاریخی خوشنویسی در عتبه حسینه و عباسیه

تکنیک‌های خوشنویسی در معماری عتبه‌ها

تکنیک‌های خوشنویسی به کار رفته در تزیینات معماری این دو عتبه بسیار متنوع است و بسته به جنس مصالح (کاشی، فلز، چوب، گچ) و دوره تاریخی تفاوت‌هایی در اجرا و سبک دارد.

تکنیک کاشی‌کاری معرّق و خوشنویسی

حروف خوشنویسی در این روش به‌صورت قطعه‌قطعه از کاشی بریده و سپس در کنار هم روی زمینه نصب می‌شود. این شیوه برای کتیبه‌های با خطوط درشت مانند ثلث و کوفی مناسب است (کاظمی، ۱۳۹۲: ۹۸).

کاشی‌کاری هفت‌رنگ

متن خوشنویسی در این تکنیک با رنگ‌های مختلف روی کاشی سفید نقاشی می‌شود. این روش در دوره قاجار به اوج رسید و در عتبه عباسیه به‌ویژه در سردرها و صحن داخلی کاربرد گسترده‌ای دارد (مرادی، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

حکاکی و منبت

حروف خوشنویسی در کتیبه‌های چوبی و فلزی اغلب به‌صورت برجسته (منبت) یا کنده‌کاری‌شده (حکاکی) اجرا شده است. این تکنیک را در درب‌های اصلی و پنجره‌های فلزی عتبه‌ها می‌توان مشاهده کرد (گزارش میدانی، ۱۹۹۸: ۵۳).

خوشنویسی گچی و مقرنس‌کاری

خوشنویسی در بخش‌های داخلی گنبد و سقف‌ها به‌صورت گچ‌بری و در کنار مقرنس‌کاری‌ها دیده می‌شود. در این آثار خطوط با نقش‌های گیاهی و اسلیمی تلفیق شده است که فضای مقدس را غنای معنوی می‌بخشد (مطالعات هنر اسلامی، ۲۰۱۰: ۷۵).

خوشنویسان برجسته آثار عتبات

اگرچه بسیاری از آثار تاریخی نام‌نویس ندارند، برخی از خوشنویسان برجسته که آثارشان در این عتبات شناسایی شده، عبارت است از:

میرزا حسین خوشنویس (دوره قاجار)

از جمله خوشنویسان دوره قاجار که کتیبه‌هایی به خط نستعلیق و ثلث در عتبه عباسیه از او باقی مانده است. آثار او اغلب شامل دعا‌های زیارتی بر کاشی‌های هفت‌رنگ است (اسناد آرشیوی، ۱۳۱۰ ه. ق.).

سید احمد علوی (قرن ۱۳ هجری)

او در پروژه بازسازی بخش‌هایی از ایوان طلای عتبه حسینی حضور داشته است که کتیبه‌های فلزی موجود در ورودی شرقی به او نسبت داده می‌شود (وقف‌نامه بازسازی، ۱۲۹۰).

هـ. ق).

استاد هاشم خطاط (دوران معاصر)

از خوشنویسان معاصر که در دهه‌های اخیر در مرمت و بازآفرینی خطوط سنتی مشارکت داشته است و آثار او در محراب‌ها و طاق‌نماهای داخلی عتبه‌ها به چشم می‌خورد (مطالعات میدانی، ۲۰۱۰).

نمونه‌های خاص از خوشنویسی تاریخی در عتبه‌ها

الف) کتیبه‌های نجف اشرف

ایوان طلا یکی از شاخص‌ترین عناصر معماری حرم مطهر علوی در سال ۱۰۲۴ هجری قمری به فرمان شاه‌صفی صفوی و به سرپرستی صدراعظم وقت، میرزا تقی مازندرانی، بنا شد. این ایوان که در بخش شرقی حرم و در امتداد پایین پای مبارک امام‌علی (ع) قرار دارد، با ابعادی در حدود ۴۵ متر طول و ۴۰ متر ارتفاع نمایی باشکوه از تلفیق هنر اسلامی و شکوه سلطنتی عصر صفوی را به نمایش می‌گذارد. روبه‌روی این ایوان در ورودی اصلی بازار بزرگ (باب السوق الکبیر) قرار دارد. روکش کامل طلا بر سطح‌های خارجی ایوان از جمله سقف، دیواره‌ها و قوس‌ها به فرمان نادرشاه افشار در سال ۱۱۵۶ هجری انجام شد. این تذهیب‌ات با هنرمندی تمام اجرا شده و نمایی یکپارچه و خیره‌کننده از طلای ناب ایجاد کرده است. ورودی ایوان به رواق داخلی حرم باز می‌شود و در وسط آن چلچراغی نفیس نصب شده که به ناصرالدین شاه قاجار منسوب است و یکی از معدود هدایای سلطنتی ثبت‌شده از دوره قاجار است.

ترکیب خوشنویسی فارسی، عربی و ترکی بر بستر زرین

در بخش مرکزی ایوان، در اطراف ورودی به رواق، دو قطعه خوشنویسی چشمگیر با محتوای قصیده‌ای فارسی از عرفی شیرازی نصب شده است. این اشعار در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) سروده شده است و با مطلع معروف «این بارگاه کیست که گویند بی‌هراس/ کای اوج عرش، سطح حضيض تو را مماس» آغاز می‌شود. این اشعار به خط

نستعلیق برجسته و با قلم استاد محمدجعفر اصفهانی روی خشت‌های زرین نگاشته شده است و تاریخ آنها به همان سال ۱۱۵۶ هجری بازمی‌گردد. در بالای این کتیبه‌ها دو قطعه میناکاری شده با عبارت «ناد علیاً مظهر العجائب» دیده می‌شود. این قطعات به خط نستعلیق کتابت شده و امضای هنرمند به شکل «کتبه العبد ابن ابدال محمد علی نقاش فی سنه ۱۱۵۶» در آن ثبت شده که سندی اصیل بر اجرای آنها در دوره نادرشاهی است.

تجلی هنر میناکاری در خوشنویسی عربی

در بالای درِ ورودی رواق گلدانی زرین و میناکاری شده با طراحی برجسته ۱۲ شاخه گل خودنمایی می‌کند. در بخش داخلی این گلدان قطعه‌ای از قصیده عربی شیخ‌بهای با مطلع «بَنَى عَرَبِيٌّ وَ رَسُولٌ مَدَنِيٌّ / وَ أَخِيهِ أَسَدٌ لِلَّهِ مُسَمَّى بِعَلَى» به خط ثلث ایرانی نگاشته شده که نمونه‌ای از تلفیق هنری ایرانی در ساختار خوشنویسی عربی است.

شعر فارسی در اوج ایوان

در قسمت فوقانی ایوان و در نزدیکی سقف دو خشت لوزی شکل میناکاری شده نصب شده است که روی آنها بیتی از محمد مجذوب تبریزی با محتوای «نجف است این، نجف! چه می‌پرسی؟! / عرش این جا نشسته بر کرسی» به خط نستعلیق کتابت شده است. این اشعار نمودی از استمرار جریان شعر شیعی در فضای مقدس حرم است.

کتیبه ترکی: ثبت فرمان سلطنتی نادری در قالب شعر

در بدنه خارجی ایوان کتیبه‌ای ممتد از کنار مناره جنوبی آغاز شده است و پس از عبور از قسمت بالای درِ رواق تا کنار مناره شمالی امتداد دارد. این کتیبه شامل ۲۸ بیت شعر ترکی اثر میرزا عبدالرزاق تبریزی جهانشاهی است که در آن فرمان نادرشاه برای تذهیب ایوان و گنبد مطهر توصیف شده است. خوشنویسان دوره افشار این اثر را به خط نستعلیق و روی خشت‌های زرین میناکاری شده نگاشته که و از نظر تاریخی و هنری سندی ارزشمند در حوزه خوشنویسی چندزبانه است.

خوشنویسی قرآنی و حدیثی بر گنبد مطهر

گنبد حرم علوی در آغاز عصر صفوی به دستور شاه طهماسب صفوی با کاشی‌کاری مزین شد. این پوشش تا دوره نادرشاه پایدار ماند تا آنکه در سال ۱۱۵۶ هجری به فرمان نادرشاه کاشی‌های فرسوده برداشته و گنبد با طلای ناب تذهیب شد. روی گریو گنبد کتیبه‌ای به عرض حدود ۱,۴۶ متر در قالب سه ردیف قرار گرفته است. ردیف میانی شامل سوره فتح به خط ثلث ایرانی و ردیف‌های بالا و پایین شامل اشعار فارسی در ستایش امام علی (ع) است. در نقطه‌ای میان گنبد داخلی و خارجی پنجره‌ای مشبک طراحی شده که در آن حدیث شریف نبوی «أنا مدینة العلم و علی بابها» با خط ثلث ایرانی و تزئینات اسلیمی نگاشته شده است. این کتیبه نه تنها کارکرد تزئینی دارد، با ساختار مشبک خود نقش تهویه و نورگیری فضای داخلی را نیز ایفا می‌کند.

کتیبه معاصر: استمرار سنت خوشنویسی

جدیدترین نمونه کتیبه‌نگاری ایرانی در حرم مطهر متعلق به فضای داخلی گنبدخانه و پیرامون ضریح است. این اثر برجسته به قلم استاد سید محمد حسینی موحد و با خط ثلث نگاشته و روی کاشی معرق نصب شده است. این کتیبه با وجود مدرن بودن ساخت آن کاملاً در امتداد سنت خوشنویسی مذهبی قرار می‌گیرد و نشانی از تداوم این هنر مقدس در عصر معاصر است.

ب) کتیبه‌های کربلای معلی

پادشاهان قاجار گنبد مطهر حرم حسینی را سه مرتبه طلاکاری کردند که آخرین بار به فرمان ناصرالدین شاه بوده و هم‌اکنون نیز موجود است. ناصرالدین شاه قاجار در ۱۲۷۳ هجری دوباره پوشش طلای گنبد را بازسازی و مرمت کرد. گریو گنبد را کتیبه‌ای به خط ثلث از سوره فجر آراسته است.

۱. کتیبه سردر ورودی ایوان طلای حرم شریف به رواق شامل حدیث شریف نبوی

«قال سید الکونین حسینٌ منّی و انا من حسین» است که حدود ۵۰ سال پیش به

خط نستعلیق استاد ابراهیم زرین قلم زنجان‌ی کتابت شده است. این کتیبه در

یورش ارتش بعثی در انتفاضه شعبانیه به شدت آسیب دید که هنوز هم آثار آن دیده می‌شود.

۲. جدیدترین کتیبه ایرانی موجود در حرم مطهر حسینی مجموع خطوط ضریح شریف است که به قلم استاد سیدمحمد حسینی موحد و به خط ثلث نوشته شده است.

ج) کتیبه‌های کاظمین

حرم مطهر امامین جوادین (علیهما السلام) در شهر کاظمین به عنوان یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در طول قرن‌های مختلف محل تجلی هنرهای اسلامی به‌ویژه خوشنویسی بوده است. کتیبه‌های باقی‌مانده در این آستان مقدس به‌ویژه از عهد صفویه و قاجار تا دوران معاصر بازتابی از جایگاه ممتاز این مکان در عرصه فرهنگ دینی و هنری است. خط غالب در این کتیبه‌ها ثلث ایرانی است که با مضامین قرآنی و زیارتی آمیخته شده و بیشتر بر کاشی‌های لاجوردی یا زرین اجرا شده است.

کتیبه ایوان شرقی برابر مقبره شیخ مفید: نخستین اثر برجای‌مانده از صفویه

ایوانی در ضلع شرقی حرم و برابر مقبره شیخ مفید وجود دارد که امروزه کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما حاوی یکی از ارزشمندترین آثار خوشنویسی قرن‌های نخستین دوران صفویه است. در بالای این ایوان کتیبه‌ای به خط ثلث با محتوای مذهبی دیده می‌شود که به نام شاه اسماعیل صفوی در تاریخ ۹۲۶ هجری قمری نگاشته شده است. این کتیبه با وجود کمبود رقم و امضا به لحاظ تاریخی اهمیت مضاعفی دارد؛ زیرا از نخستین نمونه‌های رسمی کتابت مذهبی در عتبات است.

کتیبه‌های صحن و رواق: تداوم هنر خوشنویسی در عصر قاجار

در سرتاسر صحن حرم مطهر کاظمین به‌ویژه در امتداد دیوارهایی که به سمت مسجد صفوی منتهی می‌شود، کتیبه‌ای کمربندی به خط ثلث و به عرض حدود نیم‌متر وجود دارد. این کتیبه‌ها که روی کاشی‌های لاجوردی با تذهیب‌های اسلامی نقش بسته است، شامل بخش‌هایی از آیات قرآن کریم است که از حیث وحدت بصری و انسجام ساختاری نمونه‌ای برجسته از خوشنویسی

دینی قاجاری است.

در انتهای این کتیبه‌ها، امضای هنرمند خوشنویس با این عبارت آمده است: «کتبه تراب اقدام الزائرین نصرالله مشهدی خادم الروضة الرضوی ۱۲۹۸ هجری». امضای فوق نه تنها نام خوشنویس (نصرالله مشهدی) را آشکار می‌کند، نسبت او با روضه رضوی (آستان قدس رضوی) نیز مهم است. این امر نشان از ارتباط فرهنگی و هنری میان عتبات عراق و ایران در دوره قاجار دارد. همچنین، جایگاه بالای هنرمندان ایرانی در پروژه‌های هنری اماکن مقدسه عراقی را نمایان می‌کند. افزون بر این، در پیشانی غرفه‌ها و ایوان‌های متعدد اطراف صحن کتیبه‌هایی مشابه با همان خط و سبک و با همان تاریخ (۱۲۹۸ هجری) دیده می‌شود که گویای اجرای هم‌زمان پروژه‌ای گسترده در تزیینات خطی حرم است.

کتیبه گریو دو گنبد مطهر: تلفیق هنر سنتی با مهارت معاصر

جدیدترین کتیبه‌ای که خوشنویسان ایرانی در حرم مطهر کاظمین نگاشته‌اند، مربوط به گریو دو گنبد مطهر امامین جوادین (ع) است. این کتیبه به خط ثلث و با قلم استاد سیدمحمد حسینی موحد، از خوشنویسان برجسته معاصر، کتابت شده است. محتوای آن مشتمل بر آیات قرآنی و عبارت‌های زیارتی بوده که به صورت دور تا دور گریو هر دو گنبد طراحی و اجرا شده است. این اثر نه تنها نمونه‌ای از تداوم سنت خوشنویسی مذهبی در دوره معاصر است، نشان از تعامل میان اصالت‌های هنری گذشته و استانداردهای فنی جدید در اجرای تزیینات معماری اسلامی دارد.

د) کتیبه‌های سامرا

در حرم مطهر امامین عسکریین (ع) گنبدی بر فراز بقعه شریف وجود داشت که از همه گنبد‌های عتبات عالیات بزرگ‌تر بود. به فرمان ناصرالدین شاه گنبد شریف را تذهیب کردند. محیط گنبد ۶۸ متر و کتیبه‌ای میناکاری به خط ثلث همچون کمربندی دور آن نصب شده بود. کتیبه دیگری در پایین این کتیبه در قالب ترنج نوشته شده بود که مضمون آن تاریخ طلاکاری گنبد و نام شاه قاجار بود. (شکل ۱۴) ضریح امامین عسکریین (ع) نیز در سال ۱۳۳۵ شمسی در اصفهان ساخته شده و مرحوم فضائی خطوط آن را کتابت کرده بود. متأسفانه عوامل تکفیری حرم مطهر و از جمله گنبد و ضریح را طی دو انفجار تروریستی در سال‌های

۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ ویران کردند. تنها نشان دیگری که از کتیبه‌های قاجاری در سامرا یافت می‌شود، عبارت «السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار» است که به خط ثلث در دو سوی باب‌القبلة حرم مطهر روی کاشی هفت‌رنگ نوشته شده است.

کتیبه گنبد طلای عتبه حسینی (دوره صفوی)

کتیبه‌ای برجسته به خط ثلث که با کاشی معرق اجرا شده و شامل بخشی از زیارت عاشورا است. ترکیب نور طلایی گنبد با رنگ آبی و سفید حد کاشی‌ها این اثر را از شاهکارهای هنر خوشنویسی مذهبی ساخته است (کتیبه صفوی، ۱۰۹۵ هـ. ق).

سردر شرقی عتبه عباسیه (دوره قاجار)

این سردر با خوشنویسی نستعلیق کاشی‌های هفت‌رنگ ترکیب شده و متن آن بخشی از دعای وارث است. ظرافت حروف و هماهنگی با نقوش اسلیمی اطراف، این اثر را ممتاز کرده است (مرادی، ۱۳۷۵: ۱۱۲).

درب فلزی رواق امام حسین (ع)

خوشنویسی این درب به صورت حکاکی بر برنز اجرا شده است. حروف ثلث به‌طور قرینه در دو لنگه درب آمده است و جمله‌هایی چون «السلام علیک یا ابا عبدالله» را دربر دارد (گزارش میدانی، ۱۹۹۸). آنچه از مجموعه مطالعات تاریخی، میدانی و مستندات مکتوب به دست می‌آید، نشان می‌دهد که خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه نقشی چندلایه دارد: از تزیین گرفته تا تعلیم، از یادآوری رویدادهای مقدس تا تزکیه بصری فضا. بهره‌گیری از خطوط اصیل اسلامی با تکنیک‌های دقیق در کاشی‌کاری، چوب‌کاری، فلزکاری و مقرنس‌کاری باعث شده است که این هنر به مهم‌ترین عنصر پیونددهنده میان فرم معماری و مضمون دینی در این مکان‌های مقدس تبدیل شود.

تحلیل نمونه‌های خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه کربلا

خوشنویسی در عتبات عالیات به‌ویژه در حرم‌های مطهر امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) نه تنها یک عنصر تزیینی، بخشی از هویت معماری و بیان معنوی آنهاست. نمونه‌های

برجسته‌ای از خوشنویسی در اجزا مختلف این اماکن وجود دارد که نشان‌دهنده تلفیق دقیق هنر، معنویت و معماری اسلامی است.

خوشنویسی گنبد طلای حرم امام حسین (ع)

روی گنبد مطهر کتیبه‌ای با خط ثلث برجسته به رنگ آبی فیروزه‌ای نوشته شده که در آن آیه ۲۳ سوره شوری (آیه مودت) آمده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». این آیه که مبنای محبت به اهل بیت در فرهنگ شیعه است با ترکیب‌بندی دقیق خط ثلث عثمان‌طه‌ای و با لعاب‌های کاشی زرین‌فام اجرا شده و نشانه‌ای از محتوای عمیق دینی و نمادین بودن گنبد به عنوان پرچم معرفت حسینی است (جعفری، ۱۳۹۵).

ضریح مطهر حضرت عباس (ع)

در بدنه ضریح حضرت عباس (ع) آیات متعدّد قرآنی با خط کوفی معقلی و خط ثلث برجسته کار شده که یکی از مشهورترین آنها آیه «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹) است. آیه‌ای که با ایثارگری حضرت عباس (ع) ارتباط معنایی مستقیمی دارد. این خوشنویسی‌ها در کنار نقش برجسته‌های نقره‌ای و طلاکاری هویتی ترکیبی از معنویت و شرافت ایثار را در ساختار ضریح منعکس می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۰).

کتیبه‌های درگاه‌های ورودی حرم امام حسین (ع)

سردرهای اصلی ورودی حرم به‌خصوص باب‌القبله کتیبه‌هایی به خط نستعلیق و ثلث دارد که اشعار فارسی و عربی در مدح امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) را دربر می‌گیرد؛ ازجمله نمونه‌های معروف این بیت است: «یا ساقی عطشان کربلا، عباس! / ای شیر دلیر مرتضی، عباس!» اجرای این اشعار با رنگ‌های لاجوردی، طلایی و سفید بر کاشی‌های معرق به قصد ایجاد پیوند بین زبان شعر فارسی و روح حماسه عاشورا صورت گرفته است (زنگنه، ۱۳۹۲).

لوحه‌های داخلی با مضامین حدیثی و دعایی

در راهروها و دیوارهای داخلی حرم لوحه‌هایی خوشنویسی‌شده با مضامین حدیثی چون

حدیث کسا و زیارت‌نامه‌ها (زیارت وارث و زیارت اربعین) دیده می‌شود که با خط نستعلیق روی چوب معرق یا کاشی هفت‌رنگ اجرا شده است. خوشنویسان عراقی و ایرانی معاصر اغلب این آثار را اجرا کرده‌اند و در آنها توازن حروف، رعایت قواعد سطرنویسی و هماهنگی رنگ و متن به‌خوبی رعایت شده است (نجفی، ۱۳۹۹). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که خوشنویسی در عتبه‌های حسینی و عباسیه نه تنها حامل پیام‌های الهی و حماسی است، با دقت و ظرافت تمام در خدمت ارتقا روح زیارت، ساخت هویت بصری مکان مقدس و انتقال گفتمان فرهنگی-دینی شیعه قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۸۸؛ جعفری، ۱۳۹۵؛ زنگنه، ۱۳۹۲؛ کاظمی، ۱۳۹۷؛ نجفی، ۱۳۹۹؛ ابراهیمی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

خوشنویسی در عتبه حسینی و عباسیه کربلا بیش از آنکه فقط یک هنر تزئینی باشد، به‌عنوان یک زبان معنوی و فرهنگی در فضای مقدس این اماکن است. این هنر با تلفیق زیبایی‌شناسی و مفاهیم عمیق دینی حامل پیام‌های قرآنی، حدیثی و عاشورایی است که نقش مهمی در تعمیق ایمان زائران و انتقال هویت شیعی دارد. تحلیل نمونه‌های خوشنویسی در گنبد، ضریح و کتیبه‌های ورودی نشان‌دهنده تسلط خوشنویسان بر اصول سنتی هنر اسلامی و ارتباط معنوی این هنر با مفاهیم توحیدی و ایثار حسینی است. علاوه بر این، خوشنویسی به‌عنوان یک عنصر فرهنگی در حفظ و ترویج میراث معنوی و هویتی جامعه شیعی نقش بسزایی دارد و به ایجاد فضای معنوی ویژه در عتبات عالیات کمک می‌کند. درنهایت، می‌توان خوشنویسی عتبه‌های حسینی و عباسیه را پلی میان هنر، دین و فرهنگ دانست که همچنان در تداوم فرهنگ عاشورایی و گسترش معارف اسلامی مؤثر است (مطهری، ۱۳۸۸؛ جعفری، ۱۳۹۵؛ زنگنه، ۱۳۹۲؛ کاظمی، ۱۳۹۷؛ نجفی، ۱۳۹۹؛ ابراهیمی، ۱۴۰۰).

منابع

- ابراهیمی، حسین (۱۴۰۰). خوشنویسی و هنر معنوی در عتبه‌های حسینی و عباسیه. مجموعه مقالات همایش هنرهای اسلامی، تهران: مؤسسه پژوهش‌های اسلامی.
- بنیاد محقق طباطبایی ایران، قم، میدان رسالت، ابتدای خیابان سمیه، شماره ۱۵.

- جعفری، علیرضا (۱۴۰۱). تحلیل خط و ترکیب‌بندی در خوشنویسی عتبات عالیات. *مجله هنر و تمدن اسلامی*، (۳۲)، ۵۴-۷۶.
- جعفری، محمدحسین (۱۳۹۵). خوشنویسی و نقش آن در انتقال مفاهیم دینی در عتبات عالیات. *مجله هنر و فرهنگ اسلامی*، (۱۲)، ۴۵-۶۲.
- رضایی، سارا (۱۳۹۸). مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی اسلامی در معماری مذهبی ایران و عراق. *مجله هنر و معماری اسلامی*، (۲۰)، ۱۰۲-۱۱۵.
- زنگنه، رضا (۱۳۹۲). خوشنویسی به‌عنوان عبادت در فرهنگ اسلامی. *پژوهش‌های هنر اسلامی*، ۱۱۵-۱۳۰، (۲)، ۸.
- صادقی، مرتضی (۱۳۹۶). خوشنویسی در هنر اسلامی معاصر: رویکردی تطبیقی. تهران: نشر هنر.
- کاظمی، سیدمهدی (۱۳۹۷). سنت‌های خوشنویسی در عتبات مقدسه عراق [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران].
- مطهری، علی‌اصغر (۱۳۸۸). هنر خوشنویسی اسلامی و جایگاه آن در معماری مذهبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، احمد (۱۳۹۴). نقش خوشنویسی در بازتاب فرهنگ عاشورایی. *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هنرهای اسلامی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- نجفی، فاطمه (۱۳۹۹). نقش خوشنویسی در حفظ هویت فرهنگی شیعی: مطالعه موردی کربلا. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و هنری*، (۵)، ۷۸-۹۳.

منابع پیشنهادی برای مطالعه علاقه‌مندان

۱. سعار ماهر، مشهد الامام معلى فى النجف و ما به الهدايا و التحف، (قاهره، نشر دارالمعارف بمصر، بی‌تا)
۲. محمدحسن مصطفی کلیددار، مدینه الحسین او مختصر تاریخ کربلا، (بغداد، نشر النجاج، ۱۳۶۷) ج ۱، ص ۳۴؛ سلمان هادی آل طعمه، تراث کربلا، (بیروت، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳)
۳. شیخ محمد حسن آل یاسین، تاریخ حرم کاظمین، ترجمه غلامرضا اکبری، (بی‌جا، نشر کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۱)
۴. ناصرالدین شاه، شهریار جاده‌ها، (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)، (تهران، نشر سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲)

۵. دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، (تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۶۹)
 ۶. مرتضی مطهری، ۱۳۷۹، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، صفحه ۳۲۳.
 ۷. استیون همزلی لانگریک، تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰ - ۱۵۰۰، ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی، (مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸) ص ۶۰.
 ۸. انتفاضه شعبانیه عراق عنوان قیام مردم عراق بر ضد حکومت صدام حسین بود که در ماه شعبان سال ۱۴۱۱ قمری مطابق با اسفند ۱۳۶۹ شمسی و مارس ۱۹۹۱ میلادی رخ داد. این قیام پس از شکست ارتش عراق در جنگ اول خلیج فارس رخ داد و چهارده استان از هجده استان عراق به دست معترضین افتاد، ارتش عراق به سرکوب روی آورد و هزاران نفر کشته و حدود دو میلیون آواره شدند. در اثر یورش وحشیانه ارتش بعثی، حرم امام علی در نجف اشرف و حرمین امام حسین و ابا الفضل العباس علیهم السلام در کربلا هتک حرمت شده و به شدت آسیب دید؛ به طوری که تا شش ماه حرم‌ها به روی زائران بسته بود. برای کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: تبرائیان، صفاءالدین، انتفاضه شعبانیه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
- (لطفاً توجه داشته باشید که شماره صفحات منابع ممکن است بسته به نسخه‌ای که استفاده می‌کنید متفاوت باشد.)

نقش حکومت قاجار در بازسازی و عمران حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع)

امینه مهربلو^۱

چکیده

عبارات عالیات به عنوان مهم ترین مراکز مذهبی، فرهنگی در طول تاریخ همواره مورد توجه حاکمان و سلاطین بوده که در این بین، تمرکز حاکمان قاجاری به ویژه بر حرم مطهر امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) چشمگیرتر بوده است. اقدام های مختلف حاکمان قاجار در راستای حفظ و بازسازی و توسعه حرم ها با توجه به شیعی بودنشان و نیز باورهای قلبی و عمیق پادشاهان قاجاری به ائمه اطهار (ع) در طول دوره حکومتشان همواره در متون تاریخی بازتاب گسترده ای داشته است. تلاش ها و فعالیت هایی که در راستای بازسازی و عمران حرم ها در طول حکومت قاجاریان شکل گرفته، موجبات زیبایی و شکوه این مکان های مقدس و نیز تقویت ایمان و اعتقاد مسلمانان را نیز فراهم آورده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که حاکمان قاجار چه اقدام هایی در عمران و توسعه حرم ها انجام داده اند؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که حاکمان قاجار با فعالیت هایی از جمله دستور به بازسازی، عمران، توسعه، اهدای هدایا به حرم ها و نیز وقف اموال تأثیر زیادی را در پابرجایی، باشکوهی و مصون ماندن حرم ها از تخریب و غارت طی دوره حکومتشان داشته اند.

کلمات کلیدی: کربلا، حرم امام حسین (ع)، حرم حضرت ابوالفضل (ع)، پادشاهان قاجار

The role of the Qajar government in the reconstruction and development of the shrine of Imam Hussein (AS) and the shrine of Hazrat Abolfazl

Amena mehrablw ¹

ABSTRACT:

The holy shrines, as the most important religious and cultural centers throughout history, have always been of interest to rulers and sultans. In the meantime, the focus of the Qajar rulers, especially on the holy shrines of Imam Hussein (AS) and Hazrat Abolfazl (AS), has been more significant. The various measures taken by the Qajar rulers to preserve, reconstruct and develop the shrines, considering their Shiite nature and their deep and heartfelt beliefs, The respect of the Qajar kings towards the Holy Imams (AS) during their reign has always been widely reflected in historical texts. And the efforts and activities that have been made to rebuild and develop the shrines during the Qajar rule have contributed to the beauty and splendor of these holy places and have also strengthened the faith and belief of Muslims. The main issue of this research is that the rulers What measures did the Qajar rulers take in the construction and development of shrines? This research was conducted using a descriptive-analytical method. The results of the research show that the Qajar rulers, through activities such as ordering the reconstruction, construction, and development of shrines, donating gifts to shrines, and also donating property, had a great impact on the stability and splendor of shrines and their protection from destruction and looting during their

1. university of Iran-zanjan, mhrablwamynh@gmail.com (Corresponding Author)

نقش حکومت قاجار در بازسازی و عمران حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع) ۴۱۹

reign.

Keywords: Karbala, the shrine of Imam Hussein (AS), the shrine of Hazrat Abolfazl, the Qajar kings

مقدمه

شهر کربلا واقع در کشور عراق از مهم‌ترین و مقدس‌ترین شهرها برای مسلمانان به‌ویژه شیعیان است. این شهر به‌دلیل روی‌دادن واقعه‌ی عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش در سال ۶۱ هجری به‌عنوان نماد ایثار و فداکاری در تاریخ اسلام است. در این میان، قرارگیری حرم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) از شخصیت‌های بسیار مورد احترام مسلمانان در این شهر ارزش و اعتبار آن را دوچندان کرده است. بخشی از شکوه و عظمت این حرم‌ها که امروزه بیش از همه مهم است، حاصل تلاش سلاطین و حاکمان در طول تاریخ است. از همان ابتدای شهادت امام حسین و یارانش در عاشورا نخستین تلاش‌ها برای زنده‌نگهداشتن ایثار و فداکاری آن امام و یارانش با مشخص کردن مکان شهادتشان صورت گرفت. در ادامه، با گذر زمان و با به قدرت رسیدن حاکمان مختلف نیز تغییر و تحولات زیادی در حرم‌ها صورت گرفت. یکی از حکومت‌هایی که در طی تاریخ به عتبات عالیات به‌ویژه حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل العباس (ع) توجه داشتند و اقدام‌های چشمگیری در راستای حفظ، بازسازی و عمران حرمین انجام دادند، پادشاهان قاجار بودند. این سلسله حدود صد و سی سال بر ایران حکومت کردند که با توجه به گرایش‌های مذهبی‌شان کارنامه‌ی درخشانی را درباره‌ی حرمین شریف از خود بر جا گذاشتند که همواره مورد توجه مورخان معاصر نیز بوده است. مؤسس این سلسله آقامحمدخان قاجار از همان ابتدای تاج‌گذاری خود توجه ویژه‌ای به حرم امام حسین و حرم حضرت ابوالفضل داشت که در ادامه‌ی دیگر پادشاهان قاجاری نیز هرکدام گام‌های مهمی را درباره‌ی عمران، توسعه و زیباسازی حرمین برداشتند. چنان‌که همسران شاهان قاجار نیز در بسیاری از موارد در این مسیر با آنها همراه شدند و خود نیز در این زمینه اقدام‌هایی را انجام دادند که محقق در این پژوهش درصدد است به انواع فعالیت‌های عمرانی، توسعه و بازسازی حاکمان قاجار بپردازد.

از کتاب‌هایی که در این زمینه نگارش شده است کتابی با عنوان میراث کربلا از سلمان هادی طعمه که در ۸ بخش تدوین و در بخش‌هایی از این کتاب به عمران و توسعه‌ی حرم‌ها توسط حاکمان اشاره شده است. او کتاب دیگری نیز با عنوان تاریخ مرقد الحسین (ع) و مرقد العباس (ع) تدوین کرده که در این کتاب نیز به‌طور مفصل به تاریخ حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع) پرداخته است. در ادامه، کتابی نیز با عنوان عتبات عالیات

عراق از اصغر قائدان موجود که در پنج فصل نوشته شده است. او در این کتاب به تاریخ شهرهای زیارتی عراق، یعنی کربلا، کاظمین و سامرا پرداخته است و تاریخ همه حرم‌های موجود در این شهرها را بحث و بررسی کرده که به همه این کتاب‌ها در این پژوهش استناد شده است.

موقعیت جغرافیایی کربلا

با توجه به قرارگیری مکان حرم‌ها در عراق واقع در شهر کربلا در ابتدا موقعیت جغرافیایی، تاریخ و وجه تسمیه شهر کربلا بررسی می‌شود. شهر کربلا در قسمت جنوب غربی رودخانه فرات و در میانه منطقه‌ای مشهور به سواد واقع شده است. به لحاظ جغرافیایی در قسمت شرق آن شهر باستانی بابل، در غرب آن صحرای غربی، در شمال غرب آن شهر تاریخی انبار و نیز در سمت جنوب غربی آن شهر حیره قرار گرفته است (قائدان، ۱۳۷۸: ۹۵). قرارگرفتن رودخانه فرات در نزدیک این شهر باعث شده است که این منطقه یکی از حاصلخیزترین و سرسبزترین نواحی بین‌النهرین واقع شود و نخلستان‌های واقع در پیرامون این شهر با این رودخانه آبیاری می‌شود (ابن بطوطه، بی‌تا: ۲۷۲-۲۷۳).

گذری بر تاریخ کربلا

در متون تاریخی به جا مانده از دوران آشور و بابل از این منطقه به نام «آوری» یاد شده است. چنان‌که این منطقه در دوره کلدانی‌ها محل اسکان مسیحی‌ها بوده است که آنها به این منطقه عنوان «کوربابل»، یعنی پرستشگاه خداوند داده بودند؛ زیرا در این منطقه معابد و پرستشگاه‌های زیادی وجود داشت. این منطقه در دوره ساسانیان در زمانی که حیره پایتخت منازره بود، اهمیت بیشتری پیدا کرد و زیر تابعیت ایران قرار گرفت و اهمیت آن به دلیل قرارگرفتن بر سر راه کاروان‌های تجاری انبار، حیره، شام و حجاز بوده است. در دوره اسلامی خالد بن عرفجه کربلا را فتح کرد. او پس از فتح این منطقه آنجا را به عنوان پایگاهی برای سپاهیان‌ش قرار داد و لشکریان اسلام در این منطقه و نیز کوفه ساکن شدند (قائدان، ۱۳۷۸: ۹۶).

وجه تسمیه کربلا

برخی واژه کربلا را عبری، آرامی و بابلی می‌دانند و معتقدند که از واژه «کرب وال» گرفته شده که در این دوره نام یکی از معابد بوده است. چنان‌که برخی نیز نام آن را برگرفته از «کربلاتو» به معنای چیزی که با آن سر را بپوشانند و عده‌ای نیز آن را از «کربل» (نوعی گیاه بوده است که در این منطقه به صورتی فراوان می‌روید) و یا «کربله» به معنای خاکی نرم که در زیر پاها فرومی‌رود و یا واژه فارسی «کاربالا» به معنای کار بلند و والا می‌دانند که این مفهوم بیشتر در دوره ساسانیان کاربرد داشته است (قائدان، ۱۳۷۸: ۹۸).

نقش پادشاهان قاجار در عمران و بازسازی حرم‌ها

آقامحمدخان قاجار

آقامحمدخان قاجار به عنوان رئیس ایل، بنیان‌گذار و نخستین پادشاه سلسله قاجار بود. هرچند درباره این دوره از تاریخ ایران در منابع به خوبی یاد نمی‌شود و علت آن بیشتر به دلیل ضعف عملکرد این پادشاهان در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است، از جنبه مذهبی آنچه از منابع به دست می‌آید حاکی از پایبندی این پادشاهان به امور مذهبی بوده است. چنان‌که آقامحمدخان با وجود بیماری جسمی که داشت، فردی مقتدر و علاقه‌مند به امور مذهبی بود. در برخی از منابع اقدام‌های پادشاهان قاجار در ارتباط با عتبات و دیگر مراکز مذهبی به نوعی سیاست مذهبی این پادشاهان عنوان و در برخی موارد تعمیر و بازسازی زیارتگاه‌های شیعیان فقط در راستای جلب نظر علما و مردم بیان شده است (یاری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵-۲۶). همچنان‌که در برخی منابع نیز درباره پایبندی آقامحمدخان به آداب و شعائر شیعه و اعتقادات و باورهای قلبی او مواردی مطرح شده است. آقامحمدخان در سال ۱۲۰۵ قمری که دچار سگته شد، پس از به دست آوردن سلامتی خویش چندین هزار تومان به صورت نقدی و جنسی خیرات و دستور ساخت ضریحی را برای امام حسین (ع) صادر کرد (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۷۳۴۷). چنان‌که در زمان تاج‌گذاری و بستن شمشیر مرّسع شاهی سوگند می‌خورد که وفادار به مذهب شیعه باشد؛ زیرا این شمشیر از سلسله صفوی که شیعی مذهب بود به یادگار مانده بود (آوری، ۱۳۷۳: ۶۸).

درباره پایبندی آقامحمدخان قاجار به دین و مذهب و شعائر شیعی می‌توان به سکه‌هایی

اشاره کرد که از دورهٔ او برجها مانده است. روی این سکه‌ها که از جنس طلا و نقره بود، همواره عبارت‌های «لااله الا الله محمد رسول الله، علی ولی الله» حک شده است. او هیچ‌گاه به نام خود سکه ضرب نکرد (مشیری، ۱۳۵۱: ۱۴). به نظر می‌رسد اقدام‌های آقامحمدخان قاجار دربارهٔ توسعه و عمران عتبات بیش از آنکه سیاست مذهبی باشد، بیشتر ارادت قلبی او به ائمهٔ اطهار بوده باشد. او علاوه بر توجه به مشاهد متبرک عتبات به ساخت مسجدها در داخل ایران و یا توسعهٔ حرم‌ها نیز توجه ویژه‌ای داشت و هزینه‌ها و نذرهای زیادی را نیز صرف نوسازی این اماکن کرد (قاجار، ۱۳۸۹: ۵۳). هرچند تمرکز اصلی او بیشتر روی مسائلی مانند لشکرکشی‌ها و یا سرکوب رقیبانش بر سر قدرت بود، گزارش‌هایی از توجه و اهتمام او به عمران و آبادانی مسجدها و اماکن مذهبی ارائه شده است. آقامحمدخان پس از تاج‌گذاری اقدام به بازسازی و مرمت حرم امام حسین (ع) کرد. از نخستین اقدام‌ها دربارهٔ توسعهٔ صحن حرم در دورهٔ قاجار مربوط به دورهٔ حکومت آقامحمدخان قاجار بوده است. به دلیل قرارگرفتن محل دفن پیکر مطهر امام حسین (ع) در یک مکانی گود آقامحمدخان از فردی به نام عبدالرزاق کاشی می‌خواهد که خانه‌های اطراف حرم را خریداری کند تا بدینوسیله بتوانند صحن را گسترش دهند (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۳۰). چنان‌که در سال ۱۱۹۶ هجری قمری به سفارش آقامحمدخان فرش‌هایی نفیس و بسیار گران‌قیمت به عتبات ارسال شد (حسینی صفائی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۶۲۶-۶۲۷). در ادامه، در این دوره طلاکاری گنبد امام حسین (ع) نیز در سال ۱۲۰۷ هجری قمری برای نخستین بار انجام شد و به دلیل علاقهٔ بیش از حد آقامحمدخان به عمران و آبادانی عتبات هزینه‌های زیادی را در راستای ترمیم و بازسازی حرم صرف کرد (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۰۳-۲۰۴). به دستور او ضریحی از جنس نقره روی قبر مطهر امام حسین (ع) احداث شد (ناصرالدین شاه، بی‌تا: ۱۱۹). همچنین، باتوجه به حملات دزدان و غارت حرم در این دوره آقامحمدخان پونصد نفر از تفنگچی‌های بلوچ را در اطراف کربلا ساکن کرد تا مأمور حفاظت از حرم، مردم و زائران در برابر حملات راهزنان باشد (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۳۰). آقامحمدخان باوجود طبیعت نظامی‌گری خویش و نیز حکومت کوتاه‌مدتش به دلیل باورهای شیعی خود به عتبات عالیات بسیار توجه کرد. چنان‌که او با اقدام‌هایش علاوه بر تقویت پایگاه دینی خود موجبات ترمیم و بهبود ارتباط ایرانیان را با اماکن مذهبی نیز فراهم کرد. هرچند در این دوره به دلیل دوران سلطنت کوتاه آقامحمدخان و نیز تمرکز بیش از حد او بر تثبیت قدرتش، انجام‌دادن فعالیت‌های عمرانی‌اش نیز بسیار محدود بوده است، در

این دوره قدم‌های مؤثری در راستای ارتباط منظم با عتبات درزمینه‌های مختلف سیاسی و مالی برداشته شد.

فتحعلی‌شاه قاجار

فتحعلی‌شاه قاجار به‌عنوان دومین شاه قاجار در سال ۱۲۱۲ قمری بر تخت سلطنت جلوس کرد. او توانست پس از آقامحمدخان ثبات را به کشور بازگرداند و حکومت قاجار را تثبیت کند. مورخان چهره‌ای بسیار مذهبی از فتحعلی‌شاه به نمایش گذاشته‌اند و او را جزء دیندارترین پادشاهان قاجار معرفی کرده‌اند (ناطق، ۱۹۸۹: ۳۶). به نظر می‌رسد او تمایل زیادی به تقویت وجه مذهبی خود در داخل ایران و خارج از ایران داشته و اقدام‌های عمرانی مهمی را در عتبات به‌ویژه کربلا داشته است. او سیاست آقامحمدخان را با توجه به مشاهد و مقبره‌های شیعه ادامه داد (قدیمی قیداری، ۱۳۸۹: ۹۲). به‌دلیل اعتقادهای درونی و یا در برخی مواقع مصلحت مذهبی و سیاسی به اماکن مذهبی بسیار توجه کرد (قدیمی قیداری، ۱۳۸۹: ۹۱). توجه ویژه فتحعلی‌شاه به عتبات عالیات از همان نخستین سال‌های حکومتش به‌وضوح آشکار بود و اقدام‌های ناتمام آقامحمدخان را درباره عتبات در تعمیر و تذهیب قبه امام حسین (ع) و تعویض آن با قبه‌ای جدید و زرین به اتمام رساند (خاوری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰۱). طبق گزارش‌های منابع، نخستین حرم ساخته‌شده برای حضرت ابوالفضل العباس (ع) مربوط به دوره قاجار و زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار بوده است که صدر اعظم فتحعلی‌شاه، یعنی حاجی محمدحسین اصفهانی در سال ۱۲۴۶ هجری قمری این امر را انجام داد (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۹۰). چنان‌که در این دوره علاوه بر صحن و حرم، ایوان، رواق و مناره نیز برای حرم ایشان بنا شد (ادیب‌الممالیک، ۱۳۶۴: ۱۶۴). در ادامه، قبه حضرت عباس نیز به دستور فتحعلی‌شاه و محمدحسین صدر اصفهانی که ساخت سایر قسمت‌های حرم را نیز عهده‌دار بود، بنا شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۹۰). همچنین، در این دوره ضریحی نیز به سفارش فتحعلی‌شاه به حرم حسینی اهدا که هزینه آن بیست هزار تومان برآورد شد (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۲۱) و محمدحسین خان صدر اصفهانی خود نیز مبالغی را برای تعمیر حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) اهدا کرد که مبلغ آن در منابع حدود ده هزار تومان عنوان شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۸۹). چنان‌که محمدعلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه، نیز پس از خسارت‌های وهابیون بر حرم مطهر افرادی را برای تعمیر حرم به کربلا اعزام کرد

(کلیددار، ۱۳۸۸: ۳۶۰). از دیگر اقدام‌ها در دوره حکومت فتحعلی‌شاه طلاکاری گنبد در سال ۱۲۷۷ هجری قمری بود و این پس از طلاکاری اولیه بود که در دوره آقامحمدخان قاجار انجام شده بود؛ زیرا طلای قبلی فرسوده و کدر شده بود (الگار، ۱۳۶۶: ۶۴). طلاکاری ایوان جنوبی حرم امام حسین (ع) در سال ۱۲۳۲ هجری قمری نیز با یکی از همسران فتحعلی‌شاه انجام شد و دستور داد که سقف ایوان را با آیه‌های قرآن مزین کنند (قریشی، ۱۳۹۱: ۴۴). روی مناره‌های گوشه ایوان طلا و نیز مجاور ایوان حرم حضرت ابوالفضل (ع) در سال ۱۲۲۱ هجری قمری نیز با کاشی پوشانده و روی کاشی‌ها با اسامی اعظم الله و محمد تزیین شد (قائدان، ۱۳۷۸: ۱۴۰). همسر فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۷۶ قمری طلاکاری مناره صحن امام حسین را عهده‌دار (اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۸) و آیینه‌کاری و تزیینات حرمین نیز از همین دوره و به دستور فتحعلی‌شاه آغاز شد (آل‌طعمه، ۱۳۷۸: ۳۶۰). همچنین، جواهرهایی نیز به حرمین ارسال کرد که از آن جمله صندوق‌هایی پر از طلا و نقره و مخزن‌هایی انباشته از مروارید بود (شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰۱).

از دیگر مواردی که در این دوره و به دستور فتحعلی‌شاه انجام شد، رسیدگی به امور مربوط به خادمان حرمین بوده است. چنان‌که مبلغ صد هزار تومان برای خدام عتبات در این دوره در نظر گرفته شد (قاجار، بی‌تا: ۱۵۴-۱۵۶). در آخرین روزهای سلطنتش دستور ساخت ضریحی سیمین برای مرقد حضرت عباس (ع) را صادر و دو تن از رجال دولتی، یعنی میرزا هدایت نوری و میرزا محمدتقی نوری را عهده‌دار انجام این امر کرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۰۶۳). با توجه به موارد پیش‌گفته به نظر می‌رسد فتحعلی‌شاه نیز همچون آغامحمدخان محبت ائمه را در دل داشت. چنان‌که از او دیوان شعری برجا مانده که در بسیاری از ابیات آن به نام خدای اعظم، ائمه اطهار، فرشتگان و برخی پیامبران اشاره و در برخی موارد مرثیه‌سرایی برای ائمه نیز کرده است (قاجار، ۱۳۷۰: ۱۳۲-۱۳۴). پس از مرگش نیز وصیت کرد که او را در نجف دفن کنند؛ به‌طوری که بقایای اجساد والدینش نیز در نجف دفن شده بود (وکیلی، ۱۳۶۸: ۱۹۷). با توجه به موارد فوق اقدام‌های فتحعلی‌شاه نیز در آغاز حکومت قاجار تأثیر زیادی در پیوند با جامعه شیعی عراق و ایران داشت.

محمدشاه

محمدشاه قاجار به‌عنوان سومین شاه قاجار و نوه فتحعلی‌شاه و فرزند عباس میرزا در سال

۱۲۵۰ قمری باوجود رقابت‌های شدید داخلی بر سر قدرت بر تخت سلطنت تکیه زد. با توجه به ضعف جسمانی محمدشاه و درگیربودن او با بیماری دوره حکومتش نیز با چالش‌هایی مواجه بوده است. بدین جهت، توسعه و عمران عتبات در این دوره شدت و گسترده‌تری نسبت به دوره پدرش داشته است؛ ولی محمدشاه نیز بیشتر به دلیل علاقه شخصی، اعتقادهای مذهبی خود و نیز جایگاه مذهب تشیع در مشروعیت حکومت درباره حفظ و توسعه اماکن مقدس شیعه بسیار اهتمام ورزید. او نیز همانند اعقاب خویش به بُعد مذهبی حکومتش توجه می‌کرد. چنان‌که منابع از وجود سکه‌هایی خبر می‌دهد که از این دوره برجا مانده و همواره روی آنها عبارت‌های «الملک الله، یا هو، یا علی» حک شده است (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). همچنین، روی سجع مهر محمدشاه نیز عبارت‌های مذهبی ضرب شده است (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۶۰) که مواردی از این دست می‌تواند گویای باورهای قلبی او نسبت به دین و مذهب باشد.

آنچه درباره اقدام‌های محمدشاه درباره حرمین به دست آمده مختصر و کوتاه است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. تکمیل بقعه حضرت ابوالفضل العباس پس از مرگ فتحعلی‌شاه قاجار به فرمان محمدشاه صورت گرفت (سپهری اردکانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹۲۲). در ادامه، منابع گزارش‌هایی از ساخته‌شدن ضریحی از جنس نقره برای حرم امام حسین (ع) به دستور محمدشاه ارائه می‌دهد. چنان‌که ضریح دیگری از جنس نقره نیز برای حرم حضرت ابوالفضل العباس (ع) به دستور او و حاج عبدالهادی استرآبادی ساخته شد. همچنین، در این دوره همسر محمدشاه در سال ۱۲۳۷ هجری قمری درباره طلاکاری حرم اقدام‌هایی انجام داد و نیمی از مناره جنوبی سیدالشهدا را با طلای خالص پوشش داد (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۳۲). محمدشاه عایدات به دست آمده از اجاره یک کارخانه در ایران را وقف مواردی مانند روشنائی روضات مقدس نجف اشرف و کربلا کرد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۴۱). ساخت ایوان برای حرم امام حسین (ع) نیز از جمله مواردی است که مربوط به این دوره است (پیرزاده، بی‌تا: ۳۵۵). نخستین گنبد برای حرم مطهر امام حسین (ع) نیز در این دوره و با دستور محمدشاه انجام شده است. چنان‌که وهابیان قبه مطلای امام حسین (ع) را که در سال ۱۲۱۶ هجری قمری تخریب کرده بودند در دوره حکومتی محمدشاه از نو ساخته شد (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۵۹). آنچه از این گزارش‌ها برمی‌آید در دوره قاجار وقف نیز از مواردی بود که بسیار مورد توجه بوده است. چنان‌که در برخی از دوره‌های حکومتی پادشاهان قاجار مسئله وقف و کارکرد آن در

راستای تأمین نیازهای حرمین، عمران و آبادی آنها پررنگ‌تر نیز بوده است. محمدشاه نیز با وجود بیماری و دوره به نسبت کوتاه حکومتش اقدام‌های مؤثری را در حفظ و تأمین مالی عتبات انجام داد و توانست جایگاه فرهنگی و مذهبی ایران را نیز در این مناطق بهبود بخشد. او توانست پروژه‌های عمرانی محدودی را تکمیل کند و بیشتر به فعالیت‌هایی از جمله تأمین هزینه‌های حرم و نیز پشتیبانی از اوقاف ایرانی در کربلا پرداخت.

ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه نیز به عنوان چهارمین پادشاه قاجار از سال ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ قمری به مدت نیم قرن در ایران حکومت کرد. با وجود کاستی‌های فراوان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دوره وی در منابع بسیاری به پایبندی او به اصول و شعائر دینی تأکید شده است. او در انجام دادن فرائض دینی خود بسیار دقت می‌کرد و نمازش را هیچ‌گاه ترک نمی‌کرد. همواره مهر کوچکی را در جیب خود حمل می‌کرد تا بتواند در هنگام نماز از آن استفاده کند (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۴۲). در اعیاد مذهبی مانند عید غدیر، قربان و یا عید فطر دستور برپایی جشن‌هایی باشکوه را صادر می‌کرد (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۹). در ماه محرم به برپایی درست مراسم‌ها بسیار تأکید داشت و در روز سوم محرم علم شاهنشاهی را به دستور او در میدان اصلی شهر با اجرای مراسم‌های خاص به حرکت درمی‌آوردند (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۶۸). روی سجع‌ها و مهرهای او عبارت‌های «الملک تعالی، الغره الله» حک شده است (شهبازی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۵۱). او به دلیل اعتقادهایش علاوه بر عتبات در دیگر اماکن مقدس نیز به برخی اقدام‌های عمرانی پرداخت که از جمله آنها به بنای مهمانخانه بزرگ برای زائران مشهد و آب‌انبار برای زائران، تذهیب ایوان حضرت معصومه، تعمیر مسجدشاه تهران و بنای امامزاده لواسان و... پرداخت (ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۵). بیشترین اقدام‌های عمرانی عتبات نیز مربوط به دوره ناصرالدین شاه قاجار بوده است. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۶ هجری قمری فرمانی در راستای توسعه حرم امام حسین (ع) صادر و این امر را بر عهده شیخ عبدالحسین طهرانی واگذار می‌کند. شیخ عبدالحسین طهرانی نیز ساختمان‌هایی را از حاکم کربلا برای توسعه حرم خریداری می‌کند؛ ولی این امر با ممانعت دولت عثمانی مواجه می‌شود. منابع علت این ممانعت را نگرانی عثمانی‌ها از گسترش حضور ایرانیان در کربلا عنوان می‌کنند؛ ولی در ادامه، به دلیل پایداری ایرانیان و فشار به باب عالی برای موافقت با

ساخت‌وسازها در کربلا عثمانی‌ها مجوز این امر را برای شیخ عبدالحسین طهرانی صادر می‌کنند (قادیا، بی‌تا: ۱۰۲). در این دوره اقدام‌هایی نیز برای توسعه حرم حضرت ابوالفضل (ع) اتخاذ می‌شود و شیخ عبدالحسین طهرانی توسعه سمت غربی و قسمتی از شمال صحن را برای توسعه فضای محدود حرم در دستور کار خود قرار می‌دهد (انصاری رئوف، بی‌تا: ۶۳). در سال ۱۲۷۵ هجری قمری نیز بنای ایوانی در جانب غربی صحن امام حسین (ع) به دستور ناصرالدین شاه انجام و این ایوان به نام سازنده آن، یعنی ایوان ناصری زده می‌شود (اصفهانی، بی‌تا: ۱۳۱). در همین سال در ضلع جنوبی حرم امام حسین (ع) نیز سکویی احداث می‌شود که شکل آن مستطیل و جنس ستون‌های آن از چوب بوده است (مدرس بستان‌آبادی، ۱۳۸۰: ۴۱۳).

ناصرالدین شاه و شیخ عبدالحسین طهرانی در سال ۱۲۷۷ هجری قمری دستور تعمیر صحن حضرت عباس (ع) را دادند (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۳۰). یک ضریح از جنس نقره روی قبر مطهر امام حسین (ع) قرار گرفت (ناصرالدین‌شاه، بی‌تا: ۱۲۰). ضریح‌های دیگری از جنس نقره نیز در این دوره برای دیگر شهدای کربلا از جمله قاسم بن حسن در جانب شرقی ضریح امام حسین (ع) قرار گرفت و انیس‌الدوله، همسر ناصرالدین شاه، نیز ضریحی از جنس نقره در پنج‌شبهه برای آرامگاه شهیدان اهدا کرد (اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۷). در سال ۱۲۷۳ هجری قمری نیز برای آخرین بار در این دوره طلاکاری گنبد امام حسین (ع) انجام و برای این امر مبلغ پانزده هزار تومان از خزانه خاصه صرف این امر شد (لسان‌الملک، ۱۳۵۳، ج ۳: ۳۷۱). احترام‌الدوله، دیگر همسر ناصرالدین شاه، نیز طلاکاری ایوان حرم حضرت ابوالفضل (ع) را با نام ایوان طلا عهده‌دار شد که طبق گفته منابع فقط نیمی از ایوان را طلاکاری کرد و نیمی دیگر یک شاهزاده هندی انجام داد (قریشی، ۱۳۹۱: ۴۴). در ادامه، کاشی‌کاری حجره‌های صحن امام حسین (ع) نیز به دستور ناصرالدین شاه انجام شد (مدرس، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۲۹). دیوارهای ایوان صحن حضرت ابوالفضل العباس نیز در سال ۱۳۰۴ هجری قمری با کاشی‌هایی زیبا مزین شد (مدرس، ۱۳۶۹، ج ۳: ۴۲). از دیگر اقدام‌های مربوط به این دوره ارسال فرش‌هایی نفیس و گران‌قیمت به حرم سیدالشهدا بوده است (قاجار، ۱۳۷۲: ۱۱۶). از دیگر هدایایی که در این دوره به‌سوی عتبات روانه شد، اهدا یک قطعه الماس به حرم امام حسین (ع) بود که روی این الماس سورة ملک حک شده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹، ج ۳: ۳۱۵). یک چهلچراغ نیز برای تأمین روشنایی به حرم اهدا شد (قاجار، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲).

۱۲۰). با توجه به موارد پیش گفته به نظر می‌رسید ناصرالدین شاه به دلیل دوره طولانی حکومت خویش اهتمام بیشتری در راستای توسعه و بازسازی و ایجاد تغییرات اساسی به‌ویژه تعویض برخی از وسایل حرمین و جایگزینی آنها با وسایل نو و نیز ارائه خدمات رفاهی بیشتر برای زائران داشته است. ناصرالدین شاه را می‌توان از بزرگ‌ترین حامیان عتبات به‌ویژه حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع) به شمار آورد. او با تعمیر ایوان‌ها و نیز توسعه صحن‌ها، اضافه کردن تزئینات جدید به حرم‌ها و ارسال هدایایی باارزش به حرم‌ها نقش چشمگیری در عمران عتبات داشته است.

مظفرالدین شاه

مظفرالدین شاه به‌عنوان پنجمین پادشاه قاجار در سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵ پس از کشته شدن پدرش ناصرالدین شاه به حکومت رسید. طبق گزارش‌های منابع، مظفرالدین شاه نیز به انجام دادن فرائض دینی و مذهبی متعصب بود. چنان‌که عین‌السلطنه به مواردی از اعتقادات و باورهای او در نوشته‌های خود اشاره کرده است. مواردی از جمله آنکه هیچ‌گاه نمازش را ترک نمی‌کرد و یا در ظروف طلا و نقره غذا نمی‌خورد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۰۲۷) و یا به مواردی از حضور او در مراسم روضه‌خوانی شهادت ابا عبدالله الحسین (ع) نیز اشاره کرده است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۰۴۱-۱۰۴۲). منابع گزارش‌هایی از اقدام‌های مظفرالدین شاه درباره تعمیر و بازسازی حرمین به دست می‌دهد. ناظم‌الملک به‌عنوان کارپرداز بغداد مواردی از مشکلات حرمین را مطرح کرده است که نیاز به تعمیر و بازسازی داشته است و به این موضوع اشاره می‌کند که مظفرالدین شاه به شدت پیگیر وضعیت حرمین و دستور مرمت و بازسازی آنها را صادر کرده است. چنان‌که در سال ۱۳۱۸ هجری قمری نیز به دستور مظفرالدین شاه، مشیرالدوله صدراعظم او اقدام به ترمیم و بازسازی حرم حضرت ابوالفضل العباس کرد و در سال ۱۳۱۹ هجری قمری نیز دستور ترمیم ایوان‌های حضرت عباس (ع) صادر شد (مرکز اسناد و وزارت امور خارجه، ۱۳۱۸ به نقل از قاسم‌زاده دهبه، ۱۳۹۸: ۱۶۸). (تصویر ۱) از دیگر اقدام‌های مربوط به دوره حکومتی مظفرالدین شاه تعیین مقرری به مبلغ پانزده هزار تومان برای مأموران جهت حفاظت از زائران بوده است (مرکز اسناد و وزارت امور خارجه، ۱۳۱۸ به نقل از قاسم‌زاده دهبه، ۱۳۹۸: ۱۰۰). او نیز وصیت کرده بود که پس از مرگش در حرم امام حسین (ع) دفن شود و جنازه‌اش پس از مدتی که در تکیه دولت به

امانت باقی‌مانده بود در حرم امام حسین (ع) مدفون شد (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۳۵). مظفرالدین شاه نیز دربارهٔ امور مذهبی ادامه‌دهندهٔ مسیر پدرش بود. هرچند اقدام‌های عمرانی بزرگ نسبت به دوره‌های قبل در این دوره کمتر بوده است، با وجود ضعف و ناتوانی‌اش در ادارهٔ کشور و وجود مشکلات اقتصادی و سیاسی اقدام‌های تأثیرگذاری در راستای حفظ جایگاه عتبات در نزد شیعیان برجا گذاشت و با تعمیر و بازسازی بخش‌هایی از حرم و نیز حمایت مالی از خادمان و طلاب حرم نقش ماندگاری از خود در عتبات به جا گذاشت. منابع اطلاعات زیادی دربارهٔ اقدام‌های محمدعلی‌شاه به دست نمی‌دهد. به نظر می‌رسد دورهٔ حکومتی کوتاه و پرهرج و مرج او باعث شد به جای فعالیت‌های عمرانی بیشتر در راستای سرکوب مشروطه‌خواهان اقدام‌هایی انجام دهد. این موضوع باعث شد او دربارهٔ عتبات اقدام‌های مؤثری انجام ندهد. به نظر می‌رسد درگیری‌های او با علما و مشروطه‌خواهان باعث تضعیف روابطش با نجف و کربلا شده باشد؛ بنابراین اقدام‌هایش در این زمینه محدود به ارسال کمک مالی با کمترین تأثیرگذاری بوده است. آنچه از دورهٔ حکومتی او دربارهٔ حرمین به دست آمده، اهدای یک چهلچراغ به حرم امام حسین (ع) بوده است (قاسم‌زاده دهبه، ۱۳۹۸: ۱۰۹). محمدعلی‌شاه نیز که در هنگام مرگ خود در بندری در ایتالیا به سر می‌برد بنا بر وصیتش جنازهٔ او را نیز به عتبات عالیات منتقل کردند و در همان جا دفن شد (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۴: ۴۱۴).

احمدشاه

احمدشاه نیز به عنوان آخرین پادشاه قاجار از سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴ حکومت کرد. در دورهٔ حکومت او قدرت سیاسی حاکمیت بسیار ضعیف شده بود و عواملی همانند جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط بیگانگان سلطهٔ دولت مرکزی را بسیار ضعیف کرده بود؛ ولی نیز همچنان سنت پدرانش را دربارهٔ عتبات با گستردگی کمتر ادامه داد. با توجه به گزارش‌هایی که دربارهٔ زندگی او برجا مانده است، نیز به شعائر مذهبی علاقه‌مند بود. سکه‌ای از دوران او برجا مانده که روی آن عبارت «یا صاحب‌الزمان علیه‌السلام» حک شده است (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). چنان‌که منابع گزارش‌هایی ارائه می‌دهد از اینکه احمدشاه در سال ۱۹۲۰ میلادی در زمان بازگشت از فرنگ به زیارت عتبات عالیات رفته بود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۷: ۲۵۷). احمدشاه قاجار نیز در دورهٔ حکومت خود هدایایی را به حرمین اهدا کرد که از

آن جمله دو دستگاه چهلچراغ است که یکی به حرم امام حسین (ع) و دیگری به حرم حضرت ابوالفضل (ع) ارسال شد و مبلغ چهل تومان نیز برای روشنایی این دستگاهها پرداخت کرد. در ادامه، در سال ۱۳۲۵ هجری قمری نیز چهلچراغی جدید به حرم امام حسین (ع) هدیه کرد و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری نیز مال الاجاره یک کارخانه صابون‌پزی به دستور او وقف نجف و کربلا شد. چنان‌که احمدشاه هرگونه استفاده غیر از عایدات این کارخانه را حرام اعلام کرد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۶ به نقل از قاسم‌زاده دهبه، ۱۳۹۸: ۱۷۳). (تصویر ۲) احمدشاه قاجار نیز پس از مرگش بنا بر وصیت خود در حرم امام حسین (ع) دفن شد (مکی، ۱۳۶۲: ۲۹۸). اقدام‌های احمدشاه درباره عتبات بیشتر جنبه ادامه سنت توجه به عتبات، احترام مذهبی و در برخی موارد تأمین مالی داشته است تا اقدام‌های عمرانی و بیشتر کمک‌ها به حرم در این دوره فقط در حد نگهداری از حرم بوده است. باوجود ضعف دولت قاجار در این دوره ادامه ارسال نذرها و حمایت‌های مالی نشان از ادامه سنت فرهنگی و مذهبی دیرینه ایرانیان در حمایت از عمران عتبات بوده است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان داد که بازسازی، توسعه و مدیریت زیارتگاه‌ها در دوره قاجار به شکل چشمگیری تحت تأثیر حکومت و نیز سلاطین مختلف بوده است. باورهای مذهبی شاهان قاجار نه تنها براساس جنبه فردی و اعتقادی، در برخی اوقات سیاست حاکمیتی آنها را نیز دربر داشت. چنان‌که در طول دوره قاجار دخالت سلاطین قاجار در بازسازی و عمران این مکان‌های مقدس عتبات عالیات را به نمادی از ارزش‌های اجتماعی و میراث تاریخی تبدیل کرد. آغاز فعالیت‌های بازسازی حرم‌ها پس از تاج‌گذاری آقامحمدخان قاجار به عنوان مؤسس این سلسله نشان از اهمیت حریمین برای پادشاهان قاجار دارد که تلاش‌های زیادی را در راستای حفظ و بازسازی این زیارتگاه‌ها به عنوان مراکز هویتی شیعیان انجام دادند. هرکدام از این سلاطین پس از منصوب شدن اقدام به برخی فعالیت‌های عمرانی حریمین کردند و با ایجاد سازه‌های باشکوه تأثیر چشمگیری در احیای این حرم‌ها که در طول تاریخ و با برخی وقایع تاریخی دچار برخی صدمات و خرابی‌ها شده بود، داشتند. همچنین، تلاش‌های گسترده‌ای در تزیین و استحکام ساختاری حریمین صورت گرفت. به‌ویژه در دوره ناصرالدین شاه قاجار اقدام‌های فراوانی در نوسازی، کاشی‌کاری و نیز بهبود زیباشناختی حریمین صورت پذیرفت. در

طول حکومت دوره قاجار اقدام‌های مختلف از جمله ساخت و توسعه حرمین، ساخت ضریح، مطلاکاری، کاشی‌کاری، اهدا پرده و فرش‌های نفیس ایرانی و انواع چهلچراغ‌ها، قراردادن نگهبان برای حراست از حرمین و نیز وقف برای حرمین برای تأمین هزینه‌ها صورت گرفت.

منابع

- آل طعمه، سلمان هادی (۱۳۷۸). کربلا و حرم‌های مطهر (ترجمه حسین صابری). تهران: نشر مشعر.
- آوری، پیتر (۱۳۷۳). تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه (ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی). تهران: انتشارات عطایی.
- ابن بطوطه [بی‌تا]. سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه محمدعلی موحد). بی‌نا.
- الگار، حامد (۱۳۶۶). دین و دولت در ایران (ترجمه ابوالقاسم سری). مشهد: انتشارات طوس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۹). صدرالتواریخ (به تصحیح محمد مشیر). تهران: انتشارات وحید.
- _____ [بی‌تا]. چهل سال تاریخ ایران (به کوشش ایرج افشار). تهران: انتشارات اساطیر.
- ادیب‌الممالک (۱۳۶۴). سفرنامه ادیب‌الممالک به عتبات (به تصحیح مسعود گلزاری). بی‌جا، نقش جهان.
- انصاری رئوف، محمدعلی [بی‌تا]. معماری کربلا در گذر زمان. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- اصفهانی، عمادالدین حسین [بی‌تا]. تاریخ و جغرافیای کربلای معلی. بی‌جا، بی‌نا.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح رجال ایران. ج ۴، تهران: زوار.
- پیرزاده، حاجی [بی‌تا]. سفرنامه حاجی پیرزاده (به کوشش حافظ فرنفرمائی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی صفائی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). فارس نامه ناصری. ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- خاوری، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین (به تصحیح ناصر افشار فر). ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه و مرکز اسناد شورای اسلامی.
- ربیعی، منیژه (۱۳۸۴). سرگذشت ناصرالدین‌شاه. تهران: اهل قلم.
- ساروی، محمدبن فتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱). تاریخ محمدی (به اهتمام غلامرضا طباطبایی). تهران: امیرکبیر.

- سپهری اردکانی، علی (۱۳۷۷). *عتبات عالیات*. ج ۱، قم: میراث ماندگار.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۴). *سفرنامه سیف‌الدوله*. بی‌جا: نشر نی.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰). *تاریخ سکه دوره قاجاریه*. تهران: نشر مرکز پژوهش‌های فرهنگ.
- شیخ الاسلامی، محمدجواد (۱۳۸۷). *سیمای احمدشاه قاجار*. تهران: ماهی.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات* (به اهتمام مسعود سالور و ایرج افشار). ج ۲، تهران: اساطیر.
- قائدان، اصغر (۱۳۷۸). *عتبات عالیات عراق*. تهران: مشعشع.
- قاجار، فتح‌علی‌شاه (۱۳۷۰). *دیوان کامل اشعار خاقان* (به اهتمام حسن گل‌محمدی). تهران: اطلس.
- قاجار، محمود میرزا (۱۳۸۹). *تاریخ صاحب‌قرائی* (به کوشش نادره جلالی). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۷۲). *شهریار جاده‌ها* (به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی). تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.
- قاجار، ناصرالدین شاه [بی‌تا]. *سفرنامه ناصرالدین شاه به قلم ناصرالدین شاه* (به خط میرزا رضا کله‌ر). انتشارات کتابخانه سنایی.
- قاسم‌زاده دهبه، گیتی (۱۳۹۸). *بازسازی و توسعه عتبات عالیات کربلا به دست ایرانیان در دوره قاجار* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء].
- قایا، دیلک [بی‌تا]. *کربلا فی الارشیف العثماني* (تعریب حازم سعید منتصر و مصطفی زهران). بیروت: الدار العربیه للموسوعات.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۹). *فتح‌علی‌شاه قاجار و عتبات عالیات*: ورق‌های از جهت‌گیری‌های مذهبی و سیاست خارجی دولت قاجار. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۲(۵)، ۹۲.
- قریشی، عبدالامیر (۱۳۹۱). *ترجمه المراقد المقامات فی کربلا* (ترجمه احسان مقدس). تهران: انتشارات مشعشع.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۴). *چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- کلیددار، عبدالجواد (۱۳۸۸). *کربلا و حائر حسینی* (ترجمه مسلم صاحبی). تهران: انتشارات مشعر.
- لسان‌الملک، میرزا محمدتقی (۱۳۵۳). *ناسخ التواریخ* (به تصحیح محمدباقر بهبودی). ج ۳،

- انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- مدرس، میرزا محمدعلی (۱۳۶۹). *ریحانه الادب*. ج ۳، تهران: انتشارات خیام.
 - مدرس بستان‌آبادی، محمدباقر (۱۳۸۰). *شهر حسین*. انتشارات دارالعلم.
 - مشیری، محمد (۱۳۵۱). *سکه‌های آقا محمدخان قاجار و پدرش*. تهران: گوتنبرگ.
 - معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰). *یادداشت‌هایی از زندگی ناصرالدین شاه*. تهران: تاریخ ایران.
 - مکی، حسین (۱۳۶۲). *مختصری از زندگی سیاسی احمدشاه قاجار*. تهران: امیرکبیر.
 - ناطق، هما (۱۹۸۹). *ایران در راهبایی فرهنگی*. پاریس: خاوران.
 - ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عهد قاجار*. تهران: انتشارات معین.
 - وکیلی، ابوالفضل (۱۳۶۸). *دلاورزند و خان قاجار*. تهران: رهنما.
 - هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضه الصفا (به تصحیح جمشید کیانفر)*. تهران: نشر اساطیر.
 - یاری، سیاوش؛ کرمی، شایان و بنشناخته، محمد (۱۴۰۱). *بازتاب گزارش عاشورا در متون تاریخ‌نویسی از ابتدای دوره قاجار تا زمان مظفرالدین شاه*. نشریه پژوهشنامه تاریخ/اسلام، ۱ (۴۷)، ۲۶-۵.



تصویر ۱ (منبع: مرکز اسناد و وزارت امور خارجه، سریال ۱۰، کارتن ۱۹، پرونده ۲۱، ۱۳۱۸، نقل در قاسم‌زاده دهبینه،

(۱۶۸: ۱۳۹۸)



وزارت امور خارجه

نمبره کتاب ثبت
کارتری دوسبه
نمبره های قبل
ضمیمه

سردار خان بہادر صاحب
تاریخ خروج
عزیز

سواد مغنیه فرمان پیر جبار کسبه رحیم
چون رحیم مرزا آقا صدر علم طایر ثواب الی الدجانه کمار غانه
صاحب بنیاد و قدود فایح درواز و محمدی را وقت معارف پیران
روضات نور و نجف از طرف در حدیث مست کرده بود و در آن سینه
شبهه سیم در اندام سینه بود این کلام را و حتی غایب در
بر صاحب بنیاد از سینه سینه از غایب در حدیث مست کرده بود و در آن
خطاب خطاب از دستور سیم غایب در حدیث مست کرده بود و در آن
بنای بقع صاحب بنیاد از غایب در حدیث مست کرده بود و در آن
از بهر حبس المور سیم و مرتب دار و نور سیم بنای سیم در حدیث مست کرده بود و در آن

زیارت اربعین در پرتو سیر تطور نظریه ولایت فقیه

زینب میرزایی^۱

چکیده

در پژوهش حاضر نسبت میان تحول تدریجی نظریه ولایت فقیه و روند تاریخی زیارت اربعین بررسی می‌شود. مناسکی که طی قرون اسلامی به پدیده‌ای اجتماعی و تمدن‌ساز با ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی بدل شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه تکامل مفهومی و ساختاری ولایت فقیه به‌ویژه در قالب «ولایت مطلقه» بستر گسترش و نهادینه‌سازی زیارت اربعین را فراهم کرده است؟ محقق در این مطالعه با رویکرد تحلیلی - تاریخی و مبتنی بر مبانی فقه و اصول نقش حاکمیت دینی را در سازمان‌دهی شعائر حسینی بررسی کرده است. بررسی سیر تاریخی زیارت در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام و عصر غیبت و تطور نظریه‌های فقهی علما نشان داد که زیارت اربعین به‌عنوان یکی از شعائر راهبردی شیعه در پشتیبانی ساختاری و تئوریزه‌سازی حوزوی و حکومتی متأثر از نظام فقه حکومتی ولایت‌مدار بوده است. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوبی نظری برای فهم مناسک شیعی در پیوند با ساختار سیاسی فقهی و تبیین جایگاه زیارت اربعین در روند امت‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی است.

کلمات کلیدی: زیارت اربعین، ولایت فقیه، فقه سیاسی، تمدن اسلامی، جمهوری اسلامی

۱. سطح ۳ فقه و اصول مرکز آموزش‌های غیرحضوری حوزه علمیه قم. zainabmirzaei1288@gmail.com

The Arbaʿīn Pilgrimage in Light of the Evolutionary Trajectory of the Theory of Wilāyah al-Faqīh

Zainab Mirzaei¹

ABSTRACT:

This study examines the correlation between the gradual evolution of the theory of Wilāyah al-Faqīh (Guardianship of the Jurist) and the historical trajectory of the Arbaʿīn pilgrimage—a religious ritual that has transformed over Islamic centuries into a sociopolitical phenomenon with regional and international dimensions. The central research question addresses how the conceptual and structural development of Wilāyah al-Faqīh, particularly in its formulation as Wilāyah Muṭlaqah (absolute guardianship), has provided an institutional framework that enabled the expansion and normalization of the Arbaʿīn pilgrimage. Employing a historical-analytical approach grounded in the methodologies of Islamic jurisprudence (fiqh) and principles (uṣūl), the study explores the role of religious governance in organizing Shiʿi commemorative rituals. Through an investigation of the pilgrimage’s progression during both the era of the Imams (ʿaṣr al-ḥuḍūr) and the occultation period (ʿaṣr al-ghaybah), alongside the jurisprudential developments proposed by Shiʿi scholars, the research demonstrates that Arbaʿīn—considered a strategic ritual within Shiʿi praxis—has been shaped and supported by a jurisprudentially anchored system of religious authority. The study’s novelty lies in offering a theoretical framework for understanding Shiʿi rituals in

1. Department of Islamic Jurisprudence and Principles, Faculty of Islamic Sciences, University Women's Hawzah Center (WHC), Qom, Iran,
E-mail: zainabmirzaei1288@gmail.com

conjunction with political jurisprudence, and in elucidating the role of the Arbaʿīn pilgrimage in processes of ummah-formation and Islamic civilizational development.

Keywords: Arbaeen Pilgrimage, Wilāyah al-Faqīh, Islamic Political Jurisprudence, Islamic Civilization, Islamic Republic

مقدمه

زیارت اربعین به مثابه یکی از برجسته‌ترین شعائر شیعه نه تنها کنشی عبادی، پدیده‌ای اجتماعی- تمدنی است که از بنیان‌های نهضت عاشورا سرچشمه می‌گیرد و ظرفیت تعامل برانگیز با مفاهیم دینی، سیاسی و فرهنگی دارد. این آیین مبتنی بر آموزه‌های حماسی امام حسین (ع) در هر عصر و نسل، بستر تبلور اندیشه مبارزه با ظلم، احیای عدالت و حفظ ایمان توحیدی را فراهم آورده است.

با وجود برخی دیدگاه‌ها که تلاش دارند زیارت را از ساحت سیاسی جدا کنند، مطالعات تطبیقی ادیان و تحلیل‌های جامعه‌شناختی نشان داده است که این مناسک نه تنها متأثر از مناسبات قدرت و گفتمان‌های غالب، واجد ظرفیت شکل‌دهی به نظم بدیل اجتماعی براساس اصول دینی است. زیارت امام حسین (ع) و آیین پیاده‌روی اربعین از سطح مناسک شخصی به صحنه‌ای عمومی، بین‌المللی و تمدن‌ساز ارتقا یافته است و نقشی کلیدی در بازخوانی آرمان‌های اجتماعی اسلام دارد.

در این میان، نظریه ولایت فقیه به عنوان محصول تحول اجتهادی در فقه سیاسی شیعه توانسته زمینه تأسیس نظام اسلامی و بازتعریف مناسک مذهبی را در چهارچوب حکومت دینی فراهم کند. به‌ویژه پس از استقرار جمهوری اسلامی، زیارت اربعین با حمایت‌های ساختاری، فرهنگی و اعتقادی به شعائری قدرت‌ساز در سپهر گفتمانی جهان تشیع بدل شده و زمینه جهانی‌سازی پیام عاشورا را رقم زده است.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، محققان در پژوهش‌های متعددی به ابعاد تمدنی و سیاسی زیارت اربعین پرداخته‌اند که نشانگر ظرفیت این شعیره در تولید قدرت نرم و شکل‌دهی به هم‌گرایی فراملی میان مسلمانان است.

پریوش (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «هم‌گرایی جهانی و راهکارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین» با رویکردی راهبردی، نقش زیارت اربعین را در تقویت انسجام اجتماعی در سطح بین‌المللی تحلیل کرده و آن را بستر تحول‌آفرین برای دیپلماسی فرهنگی اسلامی دانسته است.

بشیر (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «جهانی‌سازی راهپیمایی اربعین: سیاست‌ها و راهبردها» انجام داد. محقق این آیین را یکی از نمادهای تمدن‌سازی اسلامی ارزیابی کرده و بر نقش آن در تحول گفتمان سیاسی جهان اسلام تأکید کرده است.

خانی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «زیارت اربعین به مثابه قدرت نرم جهان اسلام» انجام داد. محقق با تمرکز بر مفهوم امت اسلامی و وحدت دینی زیارت را منبع مؤثری برای تولید قدرت نرم در عرصه گفتمان جمهوری اسلامی و تشیع جهانی معرفی می‌کند.

نیستانی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌های تمدنی کنگره عظیم اربعین حسینی» انجام دادند. آنها ضمن تأکید بر ارکان چهارگانه تمدن اسلامی (دین، علم، عقلانیت و اخلاق) زیارت را بستری برای تحقق امت واحد و بسط تعاملات دینی و اجتماعی در سطح جهانی تلقی کرده‌اند.

با وجود غنای این منابع اغلب پژوهش‌ها فاقد تبیین دقیق نسبت زیارت اربعین با روند تطور نظریه ولایت فقیه است. امری که محقق در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن است. به‌ویژه اینکه نقش حاکمیت ولی فقیه در ایجاد ظرفیت‌های ساختاری و اعتقادی برای توسعه جهانی مناسک عاشورایی، مسئله‌ای مغفول در پژوهش‌های موجود است.

محقق در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تاریخی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بر آن است تا ضمن بررسی سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه از عصر اهل‌بیت (ع) تا عصر حاضر تجلی و تحول زیارت اربعین را در پرتو حاکمیت فقیه جامع‌الشرایط تحلیل کند. همچنین، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از منابع علمی معتبر و تأکید بر مقاله‌هایی از صاحب‌نظران حوزه اندیشه سیاسی اسلامی نسبت میان زیارت، ولایت و تمدن‌سازی اسلامی به‌صورت دقیق و روشمند تبیین شود.

مفهوم‌شناسی

زیارت

با توجه به مباحث لغوی، قرآنی و بررسی متون روایی در فرهنگ اسلامی شاخص‌های مفهومی این واژه عبارت است از:

الف- دیدار در قالب زیارت زمانی واجد معناست که مبتنی بر قصد آگاهانه و اراده

معطوف به ارتباط صورت پذیرد؛

ب- تحقق زیارت مستلزم هدف‌های اصیل، نیت خالص و پرهیز از رفتارهای سطحی و غافلانه است؛ ازجمله آنکه زیارت برای رضای الهی و در مسیر صداقت و اخلاص شکل گیرد؛

ج- کاربرد واژه زیارت در تعامل با انسان‌های زنده و درگذشته و نیز نسبت به اماکن مقدس اطلاق معتبر و پذیرفته شده دارد.

بر این اساس، زیارت را می‌توان عملی معرفتی دانست که فارغ از قید حیات مخاطب بر پایه اراده معطوف به مطلوبی معنوی در مسیر تعالی الهی رخ می‌دهد. این تعریف وجه انسانی، عقلانی و رایج در سنت اسلامی را منعکس می‌کند و اسلام با ارائه این چارچوب مسیر تکامل چنین مفهومی را نیز تبیین کرده است (حکیم، سید محمدحسن. علوم قرآن و حدیث، ص ۲۳۸)

اربعین

واژه اربعین در زبان عربی از اربعون گرفته شده و به معنای عدد چهل است. این عدد در سنت اسلامی و عرفانی بار معنایی ویژه‌ای دارد و با دوره‌های تزکیه روح، تقوای فردی و سلوک معنوی پیوند خورده است. در برخی منابع لغوی فارسی ازجمله لغتنامه‌های معتبر «اربعین» به عنوان چله‌نشینی اهل طریقت یا مدت چهل‌روزه عبادت صوفیانه تعریف شده است. همچنین، در بافت تاریخی عاشورا به چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) مطابق با بیستم صفر اشاره دارد که در منابع لغوی فارسی نیز از آن به عنوان «چهل روز از عاشورا گذشته» یاد شده است (لغتنامه، ۱۳۷۷: ذیل مدخل اربعین).

در این زمینه، اصطلاح «اربعین» نه فقط یک عدد، نشانه‌ای از زمان نمادین برای تعمیق معنویت و احیای شعائر حسینی است و در سنت شیعه به عنوان روزی خاص برای زیارت امام حسین (ع) و بازسازی هویت دینی - اجتماعی تلقی می‌شود.

ولایت

«ولی» در لغت دلالت بر پیوند نزدیک و قرابت دارد و مشتقات متعددی از آن در معنای محبت، یاری، سلطه، تبعیت و سرپرستی کاربرد یافته است. باوجود تفاوت‌های ظاهری آنچه میان این مفاهیم وجه اشتراک تلقی می‌شود، همان قرب معنوی است (راغب اصفهانی،

۱۴۰۴: ۵۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۸، ج ۱۵: ۴۰۰-۴۰۲).

«ولایت» در اصطلاح فقهی به نوعی سلطه و سرپرستی بر فرد یا افراد اطلاق می‌شود که متضمن حق اعمال نظر و دخالت در امور ایشان از سوی شخصی خاص به حکم عقل یا شرع است. فقها ولایت را تسلط بر غیر در حوزه‌های بدن، مال یا هر دو در چارچوب عقلانی یا شرعی تعریف کرده‌اند (بحر العلوم، ۱۳۶۲: ۲۱۰).

مطلقه

واژه «مطلق» در لغت به مفهومی اشاره دارد که از هرگونه محدودیت و قید آزاد است. این معنا در آثار لغوی نظیر مقاییس اللغة که «طلق» را به معنای آزادی و رهایی تعریف می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۲۰) و نیز در صحاح اللغة جوهری آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۵۱۸). ابن منظور نیز در لسان العرب مفهوم «مطلق» را هرچیز رها و بی‌قید دانسته است (ابن منظور ۱۴۱۸، ج ۱۰: ۲۲۶-۲۲۷). در مقابل، واژه مقید» از ریشه «قید» برگرفته شده و در متون لغوی همچون العین الفراهیدی (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۹۶) و نیز لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۸، ج ۳: ۳۷۴)، به عنوان مفهومی همراه با تحدید و الزام معنا شده است.

این دوگانگی مفهومی در مباحث فقه سیاسی نیز نمود دارد. جایی که ولایت فقیه در دیدگاه مطلقه محدود به امور حسبه نیست، بلکه گستره آن به اجرا و تفسیر تمام احکام شریعت در عصر غیبت نیز تعمیم می‌یابد. همان‌طور که کعبی تأکید می‌کند اطلاق ولایت نافعی چارچوب‌های اسلامی نیست، بلکه مشروط به التزام به عدالت، تقوا، و موازین شرعی است (کعبی، ۱۳۸۰: ۶۱). همچنین، در شرایط تزاحم، اعمال قواعدی نظیر اهم و مهم نه تنها امری عقلانی، ضروری شرعی در فرآیند حکمرانی است.

فقیه

مجتهد جامع الشرایط واجد سه ویژگی اجتهاد مطلق، عدالت مطلق و قدرت، مدیریت و استعداد رهبری را فقیه گویند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۸). همین‌طور است در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که رهبری باید واجد ویژگی‌های سه‌گانه صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب فقه، التزام عملی به عدالت و تقوا و دارابودن بینش سیاسی، اجتماعی و

مدیریتی متکی بر تدبیر، شجاعت و قدرت لازم برای اداره شئون امت اسلامی باشد. (قانون اساسی، ۱۳۷۵: ۳۰).

امام حسین علیه السلام و عصر امویان

معاویه با این تصور که می‌تواند ارکان شریعت اسلامی و منزلت اهل بیت علیهم السلام را به صورت نظام مند تضعیف کند، واگذاری خلافت به یزید را به عنوان آخرین گام در پروژه تحریف دینی برگزید. اقدامی که هدف آن تثبیت ساختاری معارض با اصول ولایی و تسهیل گسترش بدعت‌ها و منکرات بود.

چنین وضعیتی ضرورت تحقق امر به معروف و نهی از منکر را بیش از پیش ضروری کرده بود؛ به گونه‌ای که جامعه نیازمند شخصیتی واحد مشروعیت الهی و ظرفیت ایثار تاریخی بود که با قیام خود نه تنها موج تحریف را فرونشاند، الگوی مقاومت دینی را در برابر انحراف‌های نهاده شده تثبیت و تنویر کند (مظفر، ۱۳۶۸: ۶۸ و ۶۷).

حادثه عاشورا مشروعیت سیاسی آل ابی سفیان را از بین برد. با قدرت یابی عبدالملک مروان و سقوط آل زبیر امام سجاد علیه السلام به شام فراخوانده شد؛ اما این اقدام به جای تحقیر موجب ارتقا جایگاه علمی و اجتماعی ایشان شد.

در کوفه که کانون فعال تشیع بود، تهدید مستقیم عبدالملک و انتصاب حجاج بن یوسف موجب سرکوب شدید شیعیان شد. طبق نقل امام باقر علیه السلام حجاج شیعیان را با کمترین تهمت‌ها دستگیر و اعدام می‌کرد؛ حتی زندقه نزد او از تشیع قابل تحمل‌تر بود (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۰ ق، ج ۳: ۱۵).

بیشتر دوران امامت امام باقر علیه السلام مصادف با حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک بود. امام باقر علیه السلام و یارانش در این دوران به شدت تحت نظر و سانسور قرار داشتند. مأموران، آن حضرت و پسرش امام صادق علیه السلام را از مدینه به شام بردند و سرانجام به زندان افکندند؛ اما چون زندانیان به سوی امام باقر علیه السلام جلب شدند، هشام دستور داد آن حضرت را تحت نظر به مدینه بازگردانند و سرانجام ایشان را مرموزانه و مخفیانه مسموم کردند و به شهادت رساندند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳: ۸۱-۷۲).

امامان شیعه در عصر عباسیان: از امام صادق تا امام رضا علیهم السلام

دوره امامت امام جعفر صادق علیه السلام با امتداد سی و چهار ساله در بستر تعارض قدرت میان بنی امیه و بنی عباس زمینه ساز توسعه نهاد علمی تشیع شد. بهره گیری از خلأ سیاسی ناشی از انتقال قدرت موجب تکوین منظومه ای معرفتی با بیش از چهار هزار شاگرد شد که به تبیین عقاید اسلامی از منظری اجتهادی پرداختند. در سال های پایانی، خلافت منصور دوانیقی با اعمال سیاست های انحصارگرایانه فرآیند تضعیف مرجعیت امام را دنبال کرد که سرانجام به مسمومیت و شهادت ایشان انجامید (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳: ۸۲-۸۸).

دوره امامت امام موسی کاظم علیه السلام در شرایط تشدید اختناق سیاسی عباسیان به خصوص در مواجهه با هارون الرشید به مدت سی و پنج سال امتداد یافت. طی بیش از بیست و سه سال از این دوره محدودیت های مضاعف امنیتی در قالب حصر خانگی و حبس فیزیکی اعمال شد که هدف آن انقطاع اجتماعی و حذف تدریجی مرجعیت شیعی بود. شدت فضای امنیتی به حدی بود که ذکر نام امام در نقل روایت ها تنها با القاب و اشاره های غیرمستقیم ممکن بود (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۰۳-۱۰۶). پایان این دوره نیز با صدور حکم مسمومیت ازسوی خلیفه عباسی رقم خورد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳: ۸۹).

سیاست حذف نمادهای شعائری در عهد عباسی با محوریت هارون الرشید شامل تخریب بناهای احداث شده بر قبرهای شهدای کربلا و از جمله قطع درخت سدر مجاور قبر امام حسین علیه السلام بود. این اقدام با هدف حذف عناصر هویتی و راهبردی شیعی صورت گرفت؛ درحالی که در منابع حدیثی قطع این نوع درخت به صراحت مورد لعن قرار گرفته است: «لعن الله قاطع السدره» (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴: ۶۴). تحلیل این روایت دلالت بر مذمت شدید هرگونه تعرض به نمادهای مقدس دارد و قابل تطبیق بر رفتار حذف گرایانه خلافت عباسی است (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۶۳-۱۶۴).

دوره امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به مدت بیست سال امتداد یافت و مطابق با تقسیم تاریخی ده سال آن مصادف با خلافت هارون الرشید و ده سال دیگر زیر سلطه مأمون عباسی قرار گرفت (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳: ۱۰۹). در این بازه آن حضرت نه تنها در جایگاه مرجعیت دینی و هدایت جامعه شیعی نقش داشتند، به عنوان محور سیاسی آل ابی طالب نیز شناخته شدند.

او با آغاز سلطنت مأمون و با هدف بهره‌برداری سیاسی از موقعیت امام رضا علیه السلام دعوت رسمی را برای حضور ایشان در خراسان صادر کرد. مأمون در ظاهر وعده تکریم و حتی واگذاری امر خلافت را مطرح کرد. حضرت مسیر هجرت به طوس را با بصره، اهواز و نیشابور طی کردند. سفری که با ظهور نشانه‌هایی از کرامت امامت همراه بود و موجب تعمیق اعتقاد عمومی به مقام ولایت ایشان شد (محمدی اشتهازی، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

او در جریان ملاقات با مأمون ادعای انصراف از خلافت را مطرح کرد و شایستگی علمی و اخلاقی حضرت رضا علیه السلام را دلیل این تصمیم برشمرد؛ اما امام در پاسخ به مبنای مشروعیت الهی خلافت استناد کردند و فرمودند: چنانچه خلافت موهبت الهی برای مأمون باشد، واگذاری آن فاقد وجه شرعی است و در صورت عدم مشروعیت واگذاری امر خلافت از اساس فاقد اعتبار است (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۰۹-۱۱۴). تهدید صریح مأمون به قتل در صورت نپذیرفتن ولایتعهدی امام را در موقعیت الزام‌آور قرار داد و ایشان با وضع شرط عدم مداخله در شئون حکومتی ولایتعهدی را با حفظ استقلال فکری و عملی پذیرفتند.

صدور فرمان ولایتعهدی، بیعت عمومی، ضرب سکه به نام حضرت و برگزاری مراسم رسمی مرحله‌ای از تطبیق قدرت سیاسی عباسی را با نمادهای معنوی شیعه رقم زد (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۰۹-۱۱۴). با این حال، مأمون در صدد بود تا با مناظره‌های عقیدتی و نمایش تعلقات دنیوی چهره‌ی علمی و زاهدانه امام رضا علیه السلام را تضعیف کند و مشروعیت خلافت خویش را تحکیم بخشد؛ اما حضور مؤثر امام در عرصه علمی، نشر معارف اهل بیت و جذب نخبگان و طبقات مردمی موجب بروز جنبش فکری نوین در میان شیعیان و تعمیق محبت و ولای اهل بیت شد. در پی ناکامی مأمون در نیل به هدف‌های سیاسی خود و افزایش نفوذ معنوی امام او به تمهید شهادت امام رضا علیه السلام با مسمومیت مبادرت ورزید و آن حضرت در سال ۲۰۳ هجری قمری در طوس به شهادت رسیدند (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۰۹-۱۱۴). از دیگر اقدام‌های مأمون در دوران خلافت او بازسازی و بازسازی مرقم مطهر امام حسین علیه السلام و یاران شهید ایشان است. امری که از حیث سیاست‌گذاری فرهنگی حاکی از تغییر تاکتیکی در مواجهه با جامعه شیعی و تلاش برای کاهش تنش‌های مذهبی تعبیر می‌شود.

امامان شیعه در عصر عباسیان: از امام جواد تا امام حسن عسکری علیهم السلام

دوره امامت امام محمد بن علی الجواد علیه السلام بیشتر در دوران خلافت مأمون و معتصم

عباسی سپری شد. مأمون با هدف کنترل سیاسی دختر خود ام‌الفضل را به عقد امام درآورد تا با پیوند خانوادگی فعالیت‌های ایشان را زیر نظر داشته باشد. پس از مأمون، معتصم با سیاستی ناپایدار و فاقد انسجام گاه امام را آزاد می‌گذاشت و گاه زیر فشار قرار می‌داد. درنهایت، امام جواد علیه‌السلام به دستور معتصم و با واسطهٔ ام‌الفضل مسموم و به شهادت رسیدند (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۲۰-۱۱۷؛ محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳: ۱۲۷-۱۲۸).

امامت امام علی بن محمد الهادی علیه‌السلام به مدت سی و سه سال ادامه یافت و سخت‌ترین بخش آن هم‌زمان با حکومت متوکل عباسی بود. متوکل با کینه‌ای عمیق به اهل بیت علیهم‌السلام اقدام‌های خصمانه‌ای نظیر تخریب قبر امام حسین علیه‌السلام و ممنوعیت زیارت آن را در دستور کار قرار داد (عزالدين ابن اثیر [بی‌تا]. *الکامل فی التاریخ*، ج ۷؛ طبری، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۴؛ ابن شاکر کتبی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۳۳). شدت فقر و فشار بر علویان به حدی بود که برخی زنان علویه تنها یک پیراهن سالم برای اقامهٔ نماز داشتند. متوکل امام‌هادی علیه‌السلام را از مدینه به سامرا احضار کرد و ایشان را زیر حبس خانگی قرار داد. درنهایت، با قتل متوکل به دست پسرش منتصر، فضای سیاسی اندکی تغییر یافت و منتصر با اتخاذ سیاستی ملایم‌تر اجازهٔ زیارت قبرهای اهل بیت علیهم‌السلام را صادر کرد (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۲۳-۱۲۷؛ عزالدين ابن اثیر [بی‌تا]. *الکامل فی التاریخ*، ج ۳۶).

امام‌هادی علیه‌السلام هجده سال در سامرا تحت مراقبت شدید بود و سرانجام در دوران خلافت معتز عباسی به صورت مخفیانه مسموم و به شهادت رسیدند. پس از ایشان امام حسن بن علی عسکری علیه‌السلام به امامت رسیدند و به مدت شش سال در دوران خلافت معتز، مهتدی و معتمد عباسی، زیر فشارهای شدید سیاسی و امنیتی قرار داشتند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۳: ۱۴۲-۱۴۴). خلفای عباسی با تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه امام را در حصر، زندان و محدودیت‌های شدید قرار دادند و درنهایت، معتمد عباسی با تدبیر مسمومیت موجب شهادت ایشان شد (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۳۱-۱۳۲).

با وجود این فشارها شهر قم به عنوان یکی از قطب‌های علمی شیعه نقش مهمی در حفظ و گسترش معارف اهل بیت داشت. تمرکز راویان حدیث و مؤلفان علوم اسلامی در این منطقه جایگاه علمی قم را تثبیت کرد. همچنین، با شکست سیاست‌های قهرآمیز عباسیان در حذف مکتب تشیع برخی خلفا ناچار به تغییر رویه شد و با اتخاذ سیاست‌های ظاهرگرایانه خود در قالب زائر به مشاهد مشرفه عزیمت کردند. این تغییر رفتار موجب رونق زیارتگاه‌ها و تثبیت

عزاداری‌های عمومی برای شهدای کربلا به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام در بغداد شد (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۴۳).

نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت امام زمان (عج) از قرن چهارم تا دهم هجری قمری

دوره امامت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف را می‌توان به چهار مرحله متمایز تقسیم کرد:

- ۱- دوران پدر بزرگوار ایشان، امام حسن عسکری علیه‌السلام (حدود پنج سال)؛
- ۲- دوران غیبت صغری که با ارتباط غیرمستقیم از طریق نواب خاص مانند عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری که با توقیع پایانی دستور عدم تعیین جانشین صادر شد؛
- ۳- دوران غیبت کبری که با قطع ارتباط ظاهری زمام امور به فقهای جامع‌الشرایط واگذار شد؛
- ۴- دوران ظهور و حکومت جهانی حضرت در عصر غیبت که با توجه به کمبود حضور ظاهری امام معصوم می‌توان مسئله زعامت دینی و سیاسی را در دو محور اساسی تحلیل کرد.

مواجهه فقهی با حکومت‌های جائر

فقه شیعه حکومت‌های جائر را فاقد مشروعیت می‌داند و فقها در مواجهه با آنها ضوابطی را برای تعامل مشروط و محدود تعیین کرده‌اند. شیخ مفید در آثار خود پنج مسئله مرتبط با حکومت‌های جائر را بررسی کرده و کمک به آنها را تنها در مسیر حق جایز یا واجب دانسته است؛ درحالی‌که همکاری در مسیر ظلم را ممنوع شمرده است. پذیرش مسئولیت در حکومت جائر مشروط به مرتکب‌نشدن گناه و ضرر به مؤمنان مجاز دانسته شده و حتی دریافت اموال و جوایز از آنان نیز با رعایت ضوابط فقهی حلال تلقی شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۰، ۱۲۱، ۳۷۶؛ طوسی، بی‌تا: ۳۰۱).

جایگاه ولایت فقیه در عصر غیبت

فقهای جامع‌الشرایط در غیاب امام معصوم به‌عنوان نواب عام مسئولیت اجرای احکام اجتماعی و حکومتی را برعهده دارند. این اختیارات شامل قضاوت، اجرای حدود، امر به

معروف و نهی از منکر، جهاد، اقامه نماز جمعه، تدبیر امور مالی شرعی و اداره شئون عمومی جامعه است. همچنین از منظر شیخ مفید در نبود سلطان عادل، فقیه متولّی تمامی وظایف حکومتی است (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۰). فقهای متأخر نیز با استناد به عبارتهای فقهای متقدم ولایت عامه فقیه را امری مسلم دانسته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱: ۳۹۵). ولایت فقیه در عرصه عمل نیز از زمان حضور ائمه علیهم السلام با اذن خاص ایشان آغاز شده است و فقها در عصر غیبت با توجه به مقتضیات سیاسی و اجتماعی وظایف حکومتی را به صورت مستقل و با رعایت مصالح شرعی اجرا کرده‌اند. همچنین، تطور تاریخی اجتهاد و بسترهای سیاسی را از منظر تاریخی (قرن‌های چهارم تا دهم هجری) می‌توان به دو دوره تفکیک کرد:

مرحله نخست: با تضعیف خلافت عباسی حکومت‌های شیعی مستقل نظیر آل بویه، حمدانیان، فاطمیان و علویان در طبرستان و حجاز ظهور یافتند. این حکومت‌ها با حمایت از فقهای شیعه زمینه بسط نظام اجتهادی و تقویت نهادهای دینی را فراهم کردند؛ مرحله دوم: پس از انقراض خلافت عباسی و تأسیس دولت ایلخانان مغول با نفوذ اندیشمندان شیعه در ساختار سیاسی گرایش حکام مغول به اسلام و تشیع تسریع شد. خواجه نصیرالدین طوسی با ارتباط مؤثر با هولاکو خان و علامه حلی و فخرالمحققین با تبیین مفاهیم ولایت فقیه و نیابت عامه نقش مهمی در تثبیت جایگاه فقه شیعه در ساختار قدرت داشتند.

نظریه ولایت فقیه و ترویج سنت زیارت در قرن‌های چهارم تا صفویه

مطالعه آثار فقهی برجای مانده از فقهای قرن‌های چهارم تا دهم هجری نشان می‌دهد که مبنای تعامل با حکومت‌های جائر مستند به اصل ولایت فقیه بوده است. پذیرش مسئولیت‌های اجرایی فقها نه از باب انتصاب سلطانی، بلکه به مثابه استیفای حقوق تفویض شده امامان معصوم علیهم السلام تلقی می‌شده است. چنانکه شیخ مفید تصریح می‌کند، نیت فقیه در پذیرش ولایت باید مبتنی بر تفویض شرعی و نیابت از امام باشد، نه مشروعیت بخشی به سلطان جائر (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق: ۸۱۲).

محقق حلی نیز با سلب مشروعیت از سلاطین جور ولایت در امور اجرایی شرعی نظیر قضاوت، حدود، امور مالی و اقامه نماز جمعه را فقط در صلاحیت فقیه جامع الشرایط به عنوان نائب خاص امام علیه السلام دانسته است (محقق حلی، ۱۴۰۳ ق: ۲۶۰).

حکام شیعی همچون آل بویه و صفویه در حوزه مناسک زیارت نقش مؤثری در ترویج این سنت داشتند. ابن جوزی گزارش می‌دهد که جلال الدوله در سال ۴۳۱ هجری مسیر کوفه تا نجف را با پای برهنه طی کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۱۰۵). در عصر صفویه اهتمام شاه عباس و علمای برجسته‌ای چون شیخ بهایی در ترویج فرهنگ زیارت پیاده جلوه‌ای از پیوند قدرت سیاسی با شعائر دینی شیعه بود.

با تثبیت اقتدار سیاسی صفویان و تبدیل شیعیان از اقلیت زیر فشار به اکثریت حاکم مسئله مشروعیت حکومت غیرمعصوم به یکی از مباحث بنیادین فقه سیاسی تبدیل شد. صفویان که در آغاز برپایه ساختار خانقاهی و نظام مرادی - مریدی شکل گرفته بودند، پس از دستیابی به قدرت ضرورت بهره‌گیری از نهادهای فقهی و مشروعیت شرعی را دریافتند. با اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی گروهی از فقهای برجسته از جبل عامل، عراق و لبنان به ایران دعوت شدند و مناصب مهمی در دستگاه حکومتی به ایشان واگذار شد (مهاجر، ۱۹۸۹ م: ۹۷).

در میان این فقها محقق کرکی با ارائه نظریه «نیابت عامه فقیه» نقش برجسته‌ای در تبیین فقهی ولایت غیرمعصوم داشت. او با استناد به اجماع فقها و مقبوله عمر بن حنظله تصریح کرد که فقیه جامع الشرایط در تمامی حوزه‌هایی که نیابت شرعی از سوی امام معصوم مطرح است، ولایت دارد. مگر آنکه دلیلی خلاف آن اقامه شود (برجی، ۱۳۸۰: ۶-۷).

محقق اردبیلی نیز با تحلیل عقلی ولایت انتصابی عامه فقیه را تبیین کرد. او با استناد به ضرورت حفظ نظام اجتماعی و رفع محرومیت‌های ناشی از فقدان رهبری مشروع نتیجه گرفت که عقل و شرع به صورت انضمامی ولایت مطلقه فقیه را ایجاب می‌کند (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۱۸ و ۲۸؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹: ۲۳۱؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۸: ۱۶۰-۱۶۱؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۵۴۵). همچنین، او مقبوله عمر بن حنظله را با وجود ضعف سندی مطمئن و مستند دانسته است (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹ و ۱۰).

در حوزه زیارت اهتمام صفویان به ترویج سنت پیاده‌روی زیارتی به‌ویژه در مسیر مشهد مهم است. شاه عباس صفوی و شیخ بهایی در سال ۱۰۰۹ هجری قمری از اصفهان عازم مشهد شدند و با پای پیاده به زیارت حرم امام رضا علیه السلام رفتند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۱۰۵).

علمای برجسته نیز به تأسی از اهل بیت علیهم السلام اهتمام ویژه‌ای به این سنت حسنه داشتند. نقل شده است که زیارت کربلا با پای پیاده تا زمان مرحوم شیخ انصاری مرسوم بوده است (نوری، ۱۳۹۹: ۲۵) و ایشان طبق نذر خود با پای پیاده به زیارت امام رضا علیه السلام رفتند (حسینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۷۵). مرحوم آخوند خراسانی نیز همراه با اصحاب خود با پای پیاده به زیارت کربلا رهسپار می‌شدند (حسینی طهرانی، ۱۳۸۷: ۵۵۳). میرزا حسین نوری نیز هر سال در روز عید قربان همراه با جمعی از زائران مسیر نجف تا کربلا را پیاده‌روی می‌کردند که این سفر سه روز طول می‌کشید (نوری، ۱۳۹۹: ۲۶).

استقرار دولت قاجار تا دوره مشروطه

در فاصله زمانی میان افول سلسله صفویه تا آغاز سلطنت قاجار فضای عمومی جامعه با ضعف نهادهای دینی، بی‌ثباتی سیاسی، کاهش منزلت اجتماعی فقها و تضعیف قدرت علمی و مذهبی تشیع مواجه شد. با تثبیت حکومت قاجار زمینه بازگشت اقتدار فقها فراهم شد و به تبع آن، امکان بسط نظری و بازخوانی اصول فقه سیاسی شیعه از جمله نظریه ولایت فقیه میسر شد.

در همین راستا، محقق نراقی برای نخستین بار نظریه ولایت فقیه را به شکل مستقل و مفصل در قالب دو قاعده بنیادین مطرح کرد:

- **نخست، قاعده ولایت عامه:** براساس این مبنا، فقیه جامع‌الشرایط در تمامی حوزه‌هایی که امام معصوم علیهم السلام ولایت داشته‌اند، ولایت دارد. مگر در مواردی که دلیل خاص مانع آن شود؛

- **دوم، قاعده ولایت در امور حسبیه:** به موجب این قاعده فقیه در تمامی مواردی که شارع مقدس از ترک آن خشنود نیست و در عین حال، متولّی خاصی برای آن تعیین نشده ولایت دارد (محقق نراقی، ۱۳۷۵: ۵۳۷).

یکی دیگر از ابتکارهای محقق نراقی در باب ولایت فقیه جمع‌آوری و تنظیم فهرستی از شئون و اختیارات فقیه در سرتاسر فقه در دوازده‌بخش بوده است که هریک را به صورت جداگانه بحث و بررسی کرده است (محقق نراقی، ۱۳۷۵: ۵۳۷). همچنین، با بررسی آثار شیخ انصاری می‌توان مبانی ایشان در باب ولایت فقیه را در دو سطح متمایز تحلیل کرد:

۱- ولایت تصرفیه (استقلال در تصرف)؛

۲- ولایت اذنیه (اذن در تصرف دیگری).

ایشان در کتاب *المکاسب* به اثبات وجوب اطاعت از فقیه به سان امام معصوم علیه السلام با دیده تردید نگریسته است و آن را دشوار می‌داند: «فأقامه الدلیل علی وجوب طاعه الفقیه کالإمام علیه السلام إلّا ما خرج بالدلیل دونه خطر القتاد!» (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۵۵۳).

در ادامه، ولایت اذنیه را به عنوان مدخلی برای تبیین نیابت فقیه در امور حسبیه معرفی می‌کند. اموری که مشروعیت آنها از سوی شارع مقدس مفروغ عنه بوده است و حتی در غیاب فقیه امت اسلامی موظف به اجرای آنها هستند: «و فی ما شک فی مشروعیه من الأمور، لا بد من دلیل خاص» (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۵۵۷).

در النکاح نیز مشابه همین تقسیم‌بندی آمده و به اثبات ولایت فقیه بر فرد سفیه بالغ با حضور ولی نسبی تصریح به ضعف مبنا کرده است: «فهو ضعیف جدا؛ لعدم الدلیل علیه... و إثبات ذلک دونه خطر القتاد» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۵۳). اما در آثار دیگر چون *القضاء* و *الشهادت* ایشان با استناد به روایات بر شمول مطلق حکم فقیه تأکید کرده است: «المتبادر عرفاً من لفظ «الحاکم» هو المتسلط علی الإطلاق...» (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸).

«حکومه المطلقه و حجیه العامه» (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۹).

در الزکاة نیز با استناد به ادله نیابت عامه مطالبه زکات از سوی فقیه را موجب وجوب پرداخت می‌داند: «فمقتضی أدله النيابة العامه وجوب الدفع؛ لأنّ منعه ردّ علیه» (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۵۶).

در الخمس با وجود تردید در شمول مصرف خمس ولایت فقیه در امور عامه را همچنان مستند می‌داند: «ظاهر تلك الأدله ولایه الفقیه عن الإمام علیه السلام علی الأمور العامه» (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۳۷).

بنابراین شیخ انصاری در مواردی چون *المکاسب* و *النکاح* در پذیرش ولایت تصرفیه فقیه محتاط ظاهر شده است؛ اما در آثار دیگر چون *القضاء*، *الزکاة* و *الخمس* دلالت‌های روشن‌تری به نفوذ حکم و ولایت عامه فقیه ارائه کرده است. این تفکیک نگاه اجتهادی و مدقق ایشان را به حوزه اختیارهای فقیه در عصر غیبت روشن می‌کند.

همچنین، علما و بزرگان در باب زیارت به تأسی از اهل بیت علیهم السلام اهتمام بسیار زیادی به این سنت حسنه داشتند؛ به گونه‌ای که آخوند خراسانی به همراه اصحابشان با پای پیاده رهسپار زیارت کربلا می‌شدند (حسینی طهرانی، ۱۳۸۷: ۵۵۳). همچنین، درباره میرزا حسین

نوری آمده است که هر سال به همراه جمعی از زائران در روز عید قربان به مدت سه روز پیاده از نجف تا کربلا می‌رفتند (نوری، ۱۳۹۹: ۲۶). نقل است که این سنت حسنه تا زمان شیخ انصاری مرسوم بوده است (نوری، ۱۳۹۹: ۲۵). اما پس از شیخ انصاری با وارد شدن اولین نوع اتومبیل سنت پیاده‌روی برای تشرّف به کربلا به تدریج کم‌رنگ شد؛ اما پس از مدتی آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی مجدد مسئله پیاده‌رفتن به کربلا را به عنوان یک سفر مقدس رواج داد (زندگی و مبارزات آیت‌الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی به روایت اسناد).

عصر مشروطه و تحولات ولایت‌فقیه

انقلاب مشروطه به عنوان مهم‌ترین رخداد سیاسی - اجتماعی این دوره منشأ تأملات تازه در نسبت میان فقه شیعه و ساختارهای حکومتی شد. شمار چشمگیری از فقها و مراجع با وجود ناسازگاری مشروطه با الگوی حکومت اسلامی آن را بستری برای اجرای بخشی از اندیشه‌های اعتقادی و تقلیل سلطه استبداد می‌دانستند. محقق نائینی ضمن تعریف مشروطه به مثابه حکومتی غاصبانه تفاوت آن را با استبداد مطلقه در محدوده غصب می‌داند؛ بدین معنا که در مشروطه تنها مقام امامت مورد غصب واقع شده است؛ اما در حکومت‌های مستبد مقام الهی حق ملت و امامت توأمان مغضوب می‌شوند (نائینی، ۱۳۷۸ ق: ۷۳).

در همین دوره، محقق لاری ساختار وظایف ولی‌فقیه را در چهار منصب اصلی تبیین کرد: منصب افتا، منصب قضا، اعمال مشروط به اذن امام در عصر حضور و اجرای حدود، تعزیرات و جهاد در عصر غیبت (لاری، ۱۴۱۸ م، ج ۴: ۱۳۸-۱۵۸).

از منظر فرهنگی و اجتماعی، زیارت با پای پیاده میان علمای نجف از جمله علامه امینی به یک سنت رایج تبدیل شد. ایشان بارها مسیر نجف تا کربلا را در غیر ایام خاص با پای برهنه پیمودند (محدثی، فرهنگ زیارت، ص ۶۷) سنتی که نماد عهدی دوباره با اهل بیت علیهم‌السلام و جلوه‌ای از احیای امر ایشان در شرایط سیاسی خاص آن دوران بود.

انقلاب اسلامی و دوره درخشش ولایت‌فقیه در میدان عمل

انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق عملی نظریه ولایت‌فقیه به عنوان نقطه عطفی در تطبیق تئوری سیاسی شیعه با واقعیت اجتماعی - سیاسی معاصر ظهور کرد. امام خمینی (ره)

با ارائه چارچوبی جامع و مبتنی بر مبانی عقلانی و نقلی جایگاه ولایت فقیه را در ساختار حکمرانی اسلامی تبیین کرد. ایشان در اثر *کشف الأسرار* ضمن اثبات ضرورت قانون و حکومت به واسطه عقل دلایل عقلی مستقل و غیرمستقل را تفکیک و براساس سیره معصومین علیهم السلام به لزوم تشکیل حکومت در کلیه دوره‌ها تأکید کردند.

در تحلیل عقلانی مستقل مبنای حاکمیت در نظام اسلامی بر حکمت ربوبی استوار است؛ به گونه‌ای که نداشتن تدبیر در عرصه حکومت‌داری با حکمت الهی در تعارض است. از سوی دیگر، تحلیل عقلانی غیرمستقل با تأکید بر ساختار تشریعی اسلام ضرورت اجرای احکام الهی را به دست ولی مشروع تبیین می‌کند. به همین اعتبار، وجود حاکم برای سامان‌دهی امور اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. در دوران حضور معصومین علیهم السلام این مأموریت بر عهده خود ایشان بوده و در عصر غیبت بنابر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) فقیه عادل تنها مرجعی است که مشروعیت خویش را از نصب عام معصومین دریافت کرده است (امام خمینی، ۱۴۱۸: ۱۸۴ و ۲۳۶).

در پی تحقق عملی نظریه ولایت فقیه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران زمینه‌های جدیدی برای تحول در سنت‌های دینی فراهم آمد. به‌ویژه سنت زیارت که در چارچوب اندیشه ولایی واجد بازتعریف مفهومی و تحول در عملکرد اجتماعی شد. از برجسته‌ترین مصادیق این تحول عبارت است از:

احیای امر اهل بیت علیهم السلام

از توصیه‌های مؤکد ائمه معصومین علیهم السلام به شیعیان، اهتمام به احیای امر ایشان است. مفهومی که در متون روایی، ابعاد معرفتی، اجتماعی و فرهنگی آن تبیین شده است. بنا بر نقل حمیری امام صادق علیه السلام در سفارش به خیثمه لزوم تقوای الهی، دیدار مؤمنان در منزل‌های یکدیگر را موجب حیات امر اهل بیت می‌دانست و در ادامه، ضمن بالابردن دستان مبارک فرمودند: «رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را احیا کند» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۲). این تعبیر مؤید آن است که اجتماع مؤمنان و تداوم ارتباط ولایی نقش بنیادین در حفظ و گسترش شعائر شیعی دارد.

در روایت دیگری امام رضا علیه السلام مفهوم احیای امر اهل بیت را با نشر علوم ایشان پیوند می‌زند. ایشان فرمودند: «رحمت خدا بر بنده‌ای باد که امر ما را احیا کند». راوی در

تفسیر پرسید: احیای امر شما چگونه تحقق می‌یابد؟ امام پاسخ دادند: «علوم ما را بیاموزد و به مردم تعلیم دهد؛ زیرا اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بشناسند، از ما پیروی خواهند کرد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۸۰). این روایت پیوند مستقیمی میان معرفت‌افزایی دینی و جذب اجتماعی نسبت به ولایت اهل بیت برقرار می‌کند.

پیاده‌روی اربعین در بستر اجتماعی معاصر به عنوان تجلی عملی این آموزه زمینه فعال احیای امر اهل بیت علیهم السلام را فراهم کرده است؛ به نحوی که در مسیر زیارت محتوای گفتاری و نوشتاری مبتنی بر معارف اهل بیت به زائران منتقل می‌شود و فراتر از آن، این آیین عبادی - سیاسی در دل‌ها یاد معصومین را زنده نگه می‌دارد. ترویج این فرهنگ موجب تربیت مؤمنانی می‌شود که زمینه‌ساز تحقق غایت نهایی تشیع، یعنی ظهور ولی مطلق حضرت مهدی (عج) خواهند بود.

جهانی‌سازی مکتب تشیع

مذهب تشیع با ماهیتی فرامکانی و جهان‌شمول واجد بنیان‌های نظری منسجمی است که ظرفیت بسط و به‌روزرسانی اسلام را در مقیاس جهانی فراهم می‌کند. بنا بر دیدگاه فولر تنها اندیشه شیعی است که واجد مؤلفه‌های امیدبخش در مواجهه با جهانی‌سازی اسلام است (فولر، ۱۳۷۸: ۳۱۱). توسعه فکری تشیع در مسیر تمدن‌سازی اسلامی با اتکا بر جامعیت معرفتی و غنای مبانی اعتقادی آن ضرورتی انکارناپذیر است.

اقتدار اجتماعی و سیاسی شیعه بر محورهایی چون انسجام حول محور امامت، تبعیت از ولایت، سازمان‌یافتگی در ساختار حکومتی و تثبیت نظام اعتقادهای مذهبی استوار است. اموری که بستری برای نهادهای سازی عقاید تشیع در روند جهانی‌سازی فراهم می‌کند. اگرچه در عصر صفویه برخی منابع قدرت‌زا بر مبنای هویت ارزشی شیعه موجب تحقق استقلال سیاسی در ایران شدند، نقطه آغاز حرکت شیعه‌محور با تأکید بر مردم‌سالاری دینی و مقابله با سلطه در انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بروز یافت و گفتمان شیعی را به سطح جهانی ارتقا بخشید.

براساس تحلیل نظری، نمادهای اجتماعی و آیینی شیعه با مبادی معرفتی این مکتب انطباق معنایی دارد و برخی از آنها به مثابه ایدئولوژی‌های قدرت‌ساز هستند (Kramer, 1984, P. 211). بی‌تردید، از جمله برجسته‌ترین این نمادها آیین پیاده‌روی اربعین است که با

ویژگی‌های توصیفی انقلابی خود به کانون هویتی و انسجام‌بخش شیعه در عرصه جهانی بدل شده است. این مناسک با تکیه بر مشارکت گسترده زائران و ارتقا شعور مذهبی در بستر اجتماعی ضمن تثبیت و ترویج مذهب تشیع مانع نفوذ قدرت‌های سلطه‌طلب در ساختار امت شیعی شده و نقش راهبردی در سازمان‌دهی بین‌المللی تشیع داشته است.

آرمان‌خواهی در اربعین

اصلاح ساختار امت اسلامی و احیای اسلام اصیل نبوی یکی از رسالت‌های بنیادین نهضت عاشورا است. پیام هنجارآفرینی که در طول تاریخ تداوم یافته و الگوی آرمان‌گرایانه ملت‌ها در جنبش‌های اصلاح‌طلبانه شده است. ازدیدگاه جامعه‌شناختی، آرمان‌خواهی عنصر ضروری شکل‌گیری اجتماع است. چنانکه دورکیم بر این اصل تأکید دارد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۶۳). مذهب تشیع نیز برپایه آرمان‌های عاشورایی ساخت اجتماعی ویژه‌ای یافته است که در قالب آیین‌ها و رسوم اخلاقی، نقش انتظام‌بخش و جهت‌دهنده به کنش‌های جمعی دارد (مندراس، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

نظام‌های انقلابی در راستای بقای ساختار خود نیازمند وضع قواعد اجتماعی و هنجارهای گروهی هستند که نهادهای اجتماعی را به پایداری سوق دهند. نهضت عاشورا با برخورداری از این خصیصه در شمار انقلاب‌های فرهنگی آرمان‌محور قرار می‌گیرد (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۳).

در عصر حاضر، تجلی نوین ظرفیت‌های عاشورایی در آیین پیاده‌روی اربعین مشاهده می‌شود. این مناسک دینی از سطح شعاری فراتر رفته و در قالب نظم فکری اجتماعی موجب تحریک اندیشه انتقادی و احیای آرمان‌طلبی در جوامع انسانی شده است؛ به نحوی که هر حقیقت‌جوی می‌تواند مؤلفه‌های ایدئولوژیک آن را در معماری تمدن نوین اسلامی تشخیص دهد و از آن در بازسازی فرهنگ دینی بهره‌مند شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل تاریخی-نظریه‌ای زیارت اربعین در پرتو تطور اندیشه ولایت فقیه نشان می‌دهد که این مناسک دینی نه تنها یک آیین عبادی، یک پدیده تمدنی با کارکردهای چندلایه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. زیارت اربعین در بستر تاریخ اسلام همواره با

محدودیت‌ها، ممانعت‌ها و فراز و فرودهایی مواجه بوده است. چه در عصر حضور اهل بیت (ع) که با سلطهٔ امویان و عباسیان امکان تحقق آزادانهٔ آن وجود نداشت و چه در دوران غیبت که کمبود حاکمیت دینی مانعی ساختاری در مسیر ترویج آن بود.

با تکامل تدریجی نظریهٔ ولایت فقیه به‌ویژه در قرن‌های چهارم تا دهم هجری و سپس تحقق عینی آن در عصر انقلاب اسلامی ایران زیارت اربعین از یک آیین محدود و گاه سرکوب‌شده به یک حرکت اجتماعی - دینی فراگیر بدل شد. نظریهٔ ولایت مطلقهٔ فقیه که امام خمینی (ره) در ساحت نظری و عملی تثبیت کرد، زمینهٔ تشکیل حکومت اسلامی را فراهم کرد. حکومتی که در آن مناسک شیعی از جمله زیارت اربعین نه‌تنها مشروعیت یافت، به‌عنوان ابزار احیای امر اهل بیت (ع)، تقویت هویت شیعی و بازتولید گفتمان مقاومت مورد حمایت ساختاری قرار گرفت.

در این چارچوب زیارت اربعین را می‌توان به‌مثابهٔ یک رسانهٔ تمدن‌ساز و راهبرد فرهنگی در عصر غیبت تلقی کرد. رسانه‌ای که در سایهٔ حاکمیت ولی فقیه ظرفیت‌های بالقوهٔ مکتب تشیع را در سطح منطقه‌ای و جهانی بالفعل کرده و بستری را برای جهانی‌سازی آرمان‌های حسینی فراهم آورده است. این مناسک با تحریک عقلانیت انتقادی، تقویت کنش جمعی و بازخوانی مفاهیم عدالت‌خواهی، ولایت‌مداری و انتظار نقش مؤثری در زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج) دارد؛ بنابراین زیارت اربعین در عصر غیبت نه‌تنها نماد وفاداری به ساحت سیدالشهدا (ع)، تجلی عملی نظریهٔ ولایت فقیه در عرصهٔ تمدن‌سازی اسلامی است. آیینی که در پرتو حاکمیت دینی به بستری برای تحقق آرمان‌های الهی و انسانی امت اسلامی بدل شده است.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، ابوحامد بن هبه‌الله (۱۳۸۰). شرح نهج‌البلاغه. قم: مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیین.
- ابن الجوزی، ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی (۱۴۱۲ ق). المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم. ج ۸، بیروت: دارالکتبه العلمیه.
- ابن شاکر کتبی، محمد بن شاکر (۱۴۲۱). فوات الوفيات. بیروت: دار صادر.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی [بی تا]. المناقب. ج ۴، قم: انتشارات علامه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم المقاییس اللغة (تصحیح عبدالسلام محمد هارون). قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۸). لسان العرب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابوالقاسم، حسین بن محمد (۱۴۰۴). مفردات الفاظ القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۴). مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). تحلیل تحول گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران در چارچوب انقلاب اسلامی. مجموعه مقالات / انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱). المکاسب. قم: دارالذخائر.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). الخمس. ارائه شده در کنفرانس بزرگداشت دویستمین سال تولد شیخ اعظم انصاری، قم: دبیرخانه کنفرانس جهانی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). القضاء و الشهادات. کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری - المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري، قم.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). الزکاء. قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). النکاح. تراث الشيخ الاعظم.
- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۴). مدنیت و معنویت اربعین. مجموعه مقالات مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین، تهران: سوره مهر.
- بحر العلوم، محمد بن محمد (۱۳۶۲). بلغه الفقیه. ج ۳، تهران: منشورات مکتبه الصادق.
- برجی، یعقوب علی (۱۳۸۰). سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه. مجله اندیشه صادق، ۲ (۲ و ۳).
- بنی اسدی، رضا و باقری نژاد یزدی، مریم (۱۴۰۱). تبلور عوامل تعجیل ظهور امام مهدی (عج) در پیاده روی اربعین. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۵ (۵۱)، ۲۲۱-۲۲۷.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). انگاره های فرهنگی عاشورا و فرهنگ سازی انقلاب اسامی. مجموعه مقالات دومین کنگره عاشورا پژوهی، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱). گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه. قم: نشر معارف.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. قم: اسراء.

- حسینی تهرانی، محمدحسین (۱۳۸۷). روح مجرد. مشهد: علامه طباطبائی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). جاذبه حسینی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- حسینی، سید نعمت الله (۱۳۸۵). مردان علم در میدان عمل. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حکیم، سید محمد حسن (۱۳۹۰). علوم قرآن و حدیث. نشریه حدیث و اندیشه، (۱۰ و ۱۱).
- حمیدی، سعید (۱۴۰۰). تجلی عناصر تمدن اسلامی در پیاده‌روی اربعین: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، (۴)، ۵۵-۸۳.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد (ط-الحديثه) (محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام). قم: ناشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین (تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای). قم: هجرت، چاپ دوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله. قم: اسماعیلیان، چاپ دوم.
- خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸). ولایة الفقیه. قم: تدوین و انتشار توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
- درودیان، محمدجواد (۱۳۹۷). تحلیل معنوی رخداد پیاده‌روی اربعین حسینی. فصلنامه منظر، ۱۰ (۴۵)، ۱۶۸-۱۴۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رجایی، سید مهدی و صدر، سید حسن (۱۳۹۸). نزهه/هل الحرم. نشر الخزانة الهالمیه للمخطوطات الاسلامیه.
- زارع خورمیزی، محمدرضا (۱۳۹۴). اربعین‌های خونین. مقالات پژوهشی اربعین، ج ۱، تهران: نشر مشعر.
- شمال نسب، سوسن (۱۳۹۴). مکتب تکفیر و مکتب اربعین. فرهنگ اسلامی، (۳۰).
- شیخ الاسلامی، محمد و شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۶). چیستی دیپلماسی زیارت و ظرفیت‌های ایران. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۹ (۳)، ۱۲۷.
- طبری، ابن جریر [بی‌تا]. تاریخ طبری. بیروت: مؤسسه عز الدین.
- طوسی، محمد بن حسن بن علی [بی‌تا]. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. قم: انتشارات قدس محمدی.
- _____ [بی‌تا]. کتاب الغیبه. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عزالدین ابن اثیر [بی‌تا]. الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.

- علامه حلی، حسن بن یوسف ابن مطهر [بی تا]. *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فولر، گراهام (۱۳۷۸). *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران* (ترجمه عباس مخبر). تهران: نشر مرکز.
- کعبی، عباس (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی مفهوم ولایت مطلقه فقیه*. قم: ظفر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- محمدی اشتهاوردی (۱۳۷۳). *سوگنامه آل محمد (ص)*. قم: انتشارات ناصر.
- محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۵). اربعین: مناسک اجتماعی در قواره‌ای تمدنی: ظرفیت‌ها و زیرسیستم‌های تمدنی. *مطالعات مسجد و مهدویت*، (۲)، ۹۷ - ۱۲۰.
- مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۵). *دیپلماسی عمومی و ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین*. تهران: اندیشکده راهبری تبیین.
- مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸). *تاریخ شیعه* (ترجمه و نگارش محمدباقر حجتی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴). *اوائل المقالات: سلسله مؤلفات الشیخ المفید*. ج ۴، بیروت: دارالمفید.
- مندراس، هانری (۱۳۸۴). *مبانی جامعه شناسی* (ترجمه باقر پرهام). تهران: امیرکبیر.
- منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
- مهاجر، جعفر (۱۹۸۹). *الهجره العالمیه الی ایران فی العصر الصفوی*. بیروت.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- محقق نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵). *عوائد الایام* (تصحیح دفتر تبلیغات اسلامی). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۹۹). *نجم الثاقب در احوال امام غایب*. قم.
- محدثی، جواد (۱۳۹۰). *فرهنگ زیارت*. تهران: نشر مشعر

تحلیلی بر هماهنگی آداب زیارت به عنوان سیری کمال‌گرایانه و هستی‌شناسانه با مقایسه معماری فضای قدسی حرم مطهر امام حسین (ع)

سید مجید هاشمی طغرالجردی^۱
فاطمه کوثر^۲

چکیده

زیارت برای زدودن حجاب غفلت از عقل و دیدار با اولی الامر است که از ارکان آن قرارگرفتن در معرض ذکر خداوند است. هنر و معماری اسلامی خلق فضایی است که انسان را از عوالم مادی به سوی ملکوت راهنمایی می‌کند. این معماری در فضای زیارتی به‌طور مداوم، ذکر را با بصری به‌صورت آیه مبارکه یا حدیث و نیز با بازتاب نور در مسیر یا مکان توقف زائر قرار می‌دهد. در این شیوه آوایی ملکوتی یا حتی رایحه و عطر شاخصی نیز وظیفه توجه و تمرکز بر قرارگیری در مکان قدسی همانند حرم مطهر امام حسین (ع) را به عهده می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف توجه‌کردن به هماهنگی آداب و ارکان زیارت در حرم مطهر امام حسین (ع) و نیز با نظام معماری آن شکل گرفته است. بررسی آداب و مفاهیم زیارت (به‌خصوص زیارت عاشورا) و چگونگی تطابق و هماهنگی عناصر هستی‌شناسانه (معرفت‌افزا) با ارکان معماری در فضای قدسی مهم‌ترین سؤال این پژوهش است. از آنجایی که اصول و مبانی معرفت‌شناسی در راستای رسیدن به معرفت و کمال الهی است، در این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیلی منطقی و کیفی مکاشفه‌ای ضمن جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای با برداشت میدانی و مشاهده و حضور میان زائران تلاش شده تا درکی عمیق از موضوع حاصل گردد. بررسی تأثیر

۱. استادیار دانشکده مهندسی معماری دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی، تهران، ایران

m.hashemi@sru.ac.ir

۲. پژوهشگر دکتری دانشکده مهندسی معماری دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

f.kowsar@yahoo.com

آیین زیارت در رسیدن به معرفت به حضرت امام حسین (ع) به عنوان انسان کامل و وجه الله در کنار حیات فرهنگی و اجتماعی زائران نشان از پیوند جان مؤمنان با رشته ایمانی است که به ریسمان الهی و محبت اهل بیت علیهم السلام پیوند خورده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طی کردن مسیر کمال با تفکر و وقوف در اذکار و زیارت‌نامه‌هایی همانند زیارت عاشورا چشمه‌هایی از معرفت را در درون زائر می‌گشاید و با حرکت در فضای شهری پیرامون اماکن مقدس (همانند بین‌الحرمین) و نیز با سیر از فضای مادی به سوی فضای قدسی حرم مطهر و سپس با اذن ورود از باب‌های حرم مطهر و حرکت به سمت گنبدخانه و ضریح مطهر زمینه تجلی حکمت الهی و بستر ارتباط با عالم غیب میسر می‌شود. مراسم، وقایع، کتیبه و نمادها به مثابه پنجره‌ای گشوده به عالم غیب، با تذکر ارزش‌ها و مفاهیم معنوی در کنار ضرورت سلسله‌مراتب تشرّف به حرم مطهر حسینی برای تربیت و خودتنظیم‌گری زائران به منظور کسب معارفی است که موجب رسیدن به مقام ملکوتی حامل «سلام الله» و روزی «شَفَاعَةُ الْحُسَيْنِ» می‌شود.

کلمات کلیدی: آداب زیارت، ارکان زیارت، حرم امام حسین (ع)، معرفت‌شناسی، زیارت

عاشورا

An Analysis of the Harmony of Pilgrimage Rituals as a Perfectionist and Ontological Journey Comparing the Architecture of the Sacred Space of the Holy Shrine of Imam Hussein (AS)

Seyed Majid Hashemi¹ | Fatemeh Kowsar²

ABSTRACT

Pilgrimage is to remove the veil of neglect of reason and to meet the authorities, one of the pillars of which is being exposed to the remembrance of God. Architecture in the pilgrimage space continuously places remembrance through visual means, whether in the form of a holy verse or hadith or the reflection of light, on the pilgrim's path or stopping place. In this way, heavenly sounds, or even a distinctive scent and fragrance, also take on the task of paying attention and focusing on being in a holy place such as the holy shrine of Imam Hussein (AS). The present study was formed with the aim of paying attention to the harmony of the customs and pillars of pilgrimage in the holy shrine of Imam Hussein (AS) with its architectural system. Investigating the customs of pilgrimage and how the ontological elements (knowledge-enhancing) of architecture in the holy space match and harmonize is the

1. Department of Assistant Professor, Faculty of Architectural Engineering, University Shahid Rajaei Teacher Trainin., Tehran. Iran, E-mail: m.hashemi@sru.ac.ir

2. Department of PhD Researcher in Architecture, Faculty of Architectural Engineering, University Shahid Rajaei Teacher Trainin., Tehran. Iran, E-mail: f.kowsar@yahoo.com. (Corresponding Author).

most important question of this research. Since the principles and foundations of epistemology are in line with achieving divine knowledge and perfection. In order to utilize the qualitative method, while collecting data based on observation, the focus of library resources with field impressions and presence among the pilgrims, the effect of the pilgrimage ritual on achieving knowledge of Imam Hussein (AS) as a perfect human being and the face of God is analyzed, and a brief model of the cultural and social life of the pilgrims is presented. The findings of this research show that following the path of epistemology that represents the movement from the material space to the sacred space of the Holy Shrine, by reminding the pilgrim of spiritual values and concepts through the urban space surrounding the holy places (between the two holy shrines), can provide the basis for entering the sacred and spiritual place of the Holy Shrine of Imam Hussein (AS). Instilling the remembrance and remembrance of God to the pilgrims and worshipers in the hierarchy of pilgrimage to Karbala in Iraq prevents the visitors from entering at once, without a gradual process of self-regulation for the purpose of pilgrimage.

Keywords: Pilgrimage etiquette, pillars of pilgrimage, shrine of Imam Hussein (AS), epistemology.

مقدمه

معماری خالق مکان قدسی در طول هزاره‌ها و از جنس «حکمت» است. معمار قصد دارد حقیقت را روی جهان ایجاد کند. هدف از امر قدسی عالم حقیقت است و حکایت از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی را دارد. منبع الهام امر قدسی عالم نفس یا ساحت روانی است. معماری قدسی، هنری معنوی و از جنس معناست. زیارت از نمودهای رایج مذهبی است که در زندگی بشر همواره حضور داشته و بیشتر انسان را به سوی امر قدسی رهنمود کرده است. دینداری و الگوهای دین‌ورزی که از مطالعات اصلی رشته جامعه‌شناسی است، توجه جدی و دقیقی به موضوع زیارت دارند که مورد توجه جامعه‌شناسان دین و پژوهشگران حوزه گردشگری است. اهمیت این موضوع در سال‌های اخیر علاوه بر جذب گردشگر نشان‌دهنده گسترش معنویت‌گرایی است. رشد و افزایش میل به زیارت به تبع میل به سفر در جوامع مختلف تقویت شده است؛ اما حوادث به سمتی رفته که زیارت‌های جمعی همراه با آداب خاص از جمله زیارت اربعین، تاسوعا و عاشورا علاوه بر مذهب شیعه مورد توجه و استقبال سایر ادیان قرار گرفته است. توجه به بُعد ادراکی زائران در قلمروهای زیارتی و مؤلفه‌های مؤثر بر حالات روحی، معنوی و تصویر ذهنی آنها یکی از عوامل حائز اهمیت و زمینه‌ساز آمادگی ذهنی در تشرّف به مکان قدسی است؛ بنابراین بررسی آداب زیارت در مکان‌هایی چون حرم مطهر امام حسین (ع) و چگونگی تطابق و هماهنگی عناصر هستی‌شناسانه (معرفت‌افزای) با عناصر و الگوهای معماری در فضای قدسی مهم‌ترین سؤال پژوهش حاضر است.

علاوه بر شناخت، معرفت و آمادگی روحی زائر، مکان تشرّف او برای درک و فهم زیارت اهمیت دارد. در زیارت جامعه کبیره امامان، پیشوایان هدایت، چراغ‌های تاریکی، پرچم‌های پرهیزگاری، صاحبان خرد و دارندگان زیرکی، پناهگاه مردمان و وارثان پیامبران و نمونه برتر و دعوت نیکوتر و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت هستند. ایشان «وجه‌الله» صاحبان آبرو و ریسمان الهی هستند. در دعای توسل آمده:

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ؛

ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن.

زائر در زیارت دلبسته و مشتاق حرم است که با صاحب مضجع شریف نجوا و خود و ایمان

خود را بر او عرضه می‌کند. رابطه‌ای دو طرفه است که امام همچون پدری مهربان وسیله و عروه‌الوثقی برای توجه به خداوند و هدایت بندگانش می‌شود.

وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى؛ هرکس توجه بی‌شائبه خویش را سوی خدا کند و نیکوکار باشد، به دستاویز محکمی چنگ زده (لقمان: ۲۲)

زیارت علاوه بر میل و حرکت به قلب زائر نیز نفوذ پیدا می‌کند و به مزوّر (زیارت شده) همراه با اکرام، تعظیم قلبی - روحی و انس همراه خواهد بود که در مرتبه برتر و ویژه خود، اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی نسبت به مزوّر را با خود به همراه دارد. زائر با حضور در زیارتگاه و مکان متبرک باعث آبادی و عمران فضا می‌شود که به این عمل زائر «عمره» می‌گویند؛ زیرا باعث آبادی آن مکان و مقدس بودن فضا می‌شود (زمانی و همکاران، ۱۴۰۲). سلسله مراتب ورود و نمادهای معنوی در کسب معرفت زائر دخیل و مهم است.

ارکان زیارت

زیارت واقعی و اصیل سه رکن اساسی دارد که عبارت است از:

- زائر: شخصی که به کسی یا چیزی میل و گرایش دارد. گرایش قلبی که با انس گرفتن با مزوّر و تکریم او همراه است.

- مزوّر: میل به سوی شخص یا چیزی وجود داشتن را مزوّر می‌نامند. شخصی که میل و گرایش به سوی اوست و انسان به محضر او شرفیاب می‌شود.

- مزار: مکانی که باید زمینه‌ساز زیارت شایسته باشد (نقره‌کار و صالحی، ۱۳۹۱).



شکل ۱: رابطه زائر و مزوّر (منبع: نقره‌کار و صالحی، ۱۳۹۱)

گرایش قلبی خصیصه‌ای نفسانی است که با تکریم، تعظیم و انس گرفتن با مزوّر همراه است. اگر هریک از این ارکان سه‌گانه باهم همراه نشود، زیارت شکل نمی‌گیرد و تنها خیالی

وهم از زیارت باقی می‌ماند. پس اگر زائر با امری خرافی خود را مشغول کند و امری موهوم و خیالی برای مزور شکل بگیرد، زیارت راستین تحقق نمی‌یابد و آثار عینی، ذهنی و قلبی مناسک زیارت نیز شکل نخواهد گرفت (پویافر، ۱۳۹۸).

جدول ۱: هدف‌ها و کارکردهای زیارت

زیارت به عنوان مسیری برای کسب معرفت به ائمه اطهار (ع) به‌ویژه امام حسین (ع) به عنوان «انسان کامل» و «وجه‌الله»	بُعد معرفتی
تأثیر زیارت در خودسازی، تذکر ارزش‌ها و مفاهیم معنوی	بُعد اخلاقی و تربیتی
ایجاد آرامش، امید و ارتقا روحیه ایمانی	بُعد روحی و معنوی
نقش زیارت در پیوند جامعه مؤمنان و احیای حیات فرهنگی و اجتماعی	بُعد اجتماعی و فرهنگی

انواع زیارت

زیارت برحسب زمان و مکان در ابعاد و از زوایای مختلف انواع متفاوتی دارد که عبارت است از: ۱- زیارت آیین‌مدار؛ ۲- زیارت دورادور؛ ۳- زیارت زنانه؛ ۴- زیارت کلان‌شهری؛ ۵- زیارت سیاسی (پویافر، ۱۳۹۸). در این پژوهش زیارت کلان‌شهر بیشتر بررسی می‌شود.

زیارت کلان‌شهری

انواع مختلف زیارت کلان‌شهری عبارت است از: زیارت شهری، زیارت صنعتی، زیارت تفریحی، زیارت مصرفی و زیارت تجاری که بر شیوه‌های تولید، توزیع خدمات‌رسانی، گفت‌وگو و به‌طور کلی، زیست اجتماعی توجه می‌شود. به عبارت دیگر، همه روش‌ها و صورت‌های گردشگری که به‌نحوی با زیارت در حرم امام حسین (ع) قابل تقسیم‌بندی است.

گردشگری زیارتی و تفریحی از کهن‌ترین و پایدارترین اشکال گردشگری است. سالیانه میلیون‌ها نفر گردشگر علاقه‌مند در نقاط مختلف جهان سفر می‌کنند. حرم مطهر امام حسین (ع) نیز هر سال میزبان بیش از بیست میلیون زائر و گردشگر است که اولین کلان‌شهر گردشگری کشور عراق و شهر مذهبی جهان اسلام شناخته می‌شود. خدمات‌رسانی با این حجم

از جمعیت حضور زائران و گردشگران علاقه‌مند و مقید نیازمند توسعه بسترهای صنعتی و نظام خدمات شهری است که در این راستا، اقدام‌های بهداشتی، درمانی، اقامتی و توسعه مبلمان شهری برای بهبود حال و رفاه زائران تدارک دیده شده است. همچنین، سیستم حمل‌ونقل شهری و رفاه کامل زائران به‌عنوان یک عنصر کلیدی در زیارت کلان‌شهری در نظر گرفته شده است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹). چهار وجه قابل شناسایی در بررسی زیارت عبارت است از: آداب و مناسک که مربوط به نحوه انجام دادن زیارت است (وجه عملی)؛ اعتقادهایی که در پس این اعمال نهفته است (وجه اعتقادی و معرفت شناسی)؛ شرایط جامعه و درک فرد (زائر) از این کنش. اندیشه‌ها ترکیبی از باورها و نگرش‌ها و بنیانی برای جهت‌دهی کنش‌های زیارتی یک زائر است که در چارچوب همان باورها و اعتقادهای انجام می‌شود و در محدوده جغرافیایی جایی به نام حرم امام حسین (ع) بروز و ظهور می‌یابد. این کنش‌ها تحت تأثیر چند عامل است: ابتدا شرایط محیطی و زمینه زندگی شخصی و ویژگی‌های فردی زائر است که بر شکل‌گیری تجربه دینی او در کنش زیارت اثر می‌گذارد. پس از آن فضای فیزیکی حرم، تزئینات، شرایط مربوط به اداره حرم اعم از نحوه تعامل خادمان، برگزاری مراسم‌ها و روال معمول برنامه‌های داخل حرم و همچنین، صداها و داخل حرم از جمله آنچه از بلندگوهای داخل حرم پخش می‌شود. در کنار حضور زائران دیگر میزان ازدحام جمعیت زائران و نحوه تعامل زائران با یکدیگر می‌توانند بر شکل‌گیری احساسات و عواطف زائر در مدت حضور در حرم که ات اصلی تجربه دینی است، تأثیر بگذارد. نسبت و نحوه رابطه بین سه بُعد تعریف‌شده برای تجربه زیارت از بالا به پایین است. باورها و نگرش‌ها چارچوبی برای کنش‌ها و اعمال زیارتی فراهم می‌آورند و کنش‌ها نیز در تعامل با فضای محیطی و البته تحت تأثیر زمینه شخصی زندگی زائر احساسات و عواطف زائر را شکل می‌دهد. این احساسات و عواطف دربردارنده عمیق‌ترین لایه‌های تجربه دینی یک زائر در حرم امام حسین (ع) است (پویافر، ۱۳۹۸).

ایجاد حس انتظار و اشتیاق در طریق تشرّف زائران

میزان دریافت حس انتظار و اشتیاق به قصد زیارت با ویژگی‌های محیطی قلمرو پیرامون مکان زیارتی و احساس تبدیل شدن تدریجی عرصه‌ها به محیطی صمیمی، مذهبی و مقدس در آمادگی ذهنی زائران پیش از تشرّف اهمیت دارد. همچنین، طی طریق پیاده به مکان قدسی

یکی از اصول ارزشی تشرّف گام‌به‌گام در همهٔ ادیان و یک رفتار قلمروپایی در راستای حرمت‌گذاری به جایگاه معنوی مکان مقدس است که در کسب این آمادگی تأثیر دارد. طی سلسله‌مراتب فضایی حین حرکت به سمت مرکزی مقدس نه تنها موجب حس نوعی تعلق به مکان در افراد می‌شود، منجر به شکل‌گیری هویت مکانی نیز می‌شود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۹). چارچوب مفهومی مناسب از تجربهٔ دینی زیارت براساس تعریف کلاسیک ویلیام جیمز از تجربهٔ دینی زیارت شامل سه بُعد است که عبارت است از: اندیشه‌ها و باورها، کنش‌ها (اعمال) و احساسات و عواطف (پویافر، ۱۳۹۸).

جدول ۲: ابعاد و مؤلفه‌های تجربهٔ دینی زیارت-ساخت و مبانی نظری مفهوم زیارت

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	شاخص
تجربه زیارت	اندیشه‌ها ذهنیات	باور قلبی به امام	امام حی ناظر و آگاه
		مفهوم طلبیدن و قسمت‌شدن	باور و ایمان قلبی به این مفهوم
		اعتقاد به ضریح و اشیا متبرک	سوغات متبرک
			مقدس بودن مضجع، در، دیوار و اشیا حرم
			متبرک و تبرک‌کردن وسایل
	کنش‌ها (اعمال)	الگوی گذران وقت در حرم	قبل از واردشدن
			اذن دخول به حرم
			داخل مکان مقدس
		نحوه انجام‌دادن اعمال زیارت	خواندن زیارت‌نامه، راز و نیاز و انس‌گرفتن
			تلاوت قرآن
			زبان دعا و نیایش و مناجات با پروردگار
	احساسات و عواطف	حس و حال زیارت	حس آرامش و ایمن بودن
			احساس تقرب به امام
رفع نگرانی و دغدغه			
احساس بخشش گناهان			
حس‌وحال به فضای فیزیکی حرم		نگرش و عواطف مثبت	
		نگرش و عواطف منفی	

منبع: پویافر، ۱۳۹۸

در این پژوهش برای رسیدن به درک عمیق‌تری از تجربه‌های زائران و حس معنوی آنان در فضای قدسی همانند حرم مطهر امام حسین (ع) از رویکرد تحلیلی منطقی و کیفی-مکاشفه‌ای استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، فلسفی و عرفانی، مشاهده و برداشت میدانی با یادداشت‌برداری، فیلم و عکس بوده است. از آنجایی که در فرآیند عملیاتی، مطالعه تحلیلی-منطقی (logical studies)، تحلیل مفهومی، تحلیل گزاره‌ای، تحلیل مبانی معرفتی و تحلیل لوازم منطقی اهمیت دارد، این پژوهش با استناد به این روش شروع و نتایج به صورت تفسیری مکاشفه‌ای شرح داده شده است.

جدول ۳: فرآیند عملیاتی مطالعه تحلیلی-منطقی

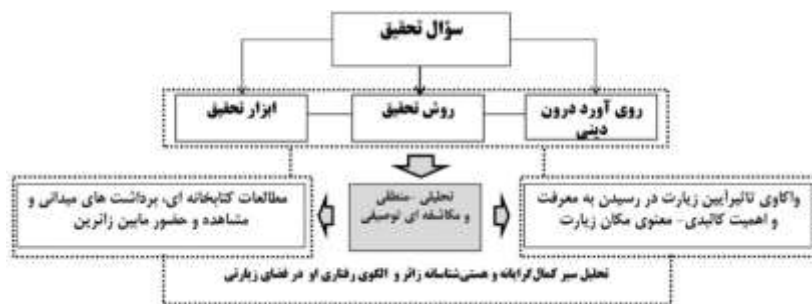
تحلیل مفهومی	برای فهم مفاهیم به بیان و تحلیل معنای واژه و ساختار مفهوم پرداخته می‌شود.
تحلیل گزاره‌ای	در آن هدف به دست آوردن معنای جمله است. پس شناخت زبان گزاره، ساختار صوری و محتوایی جمله و متن اهمیت داشته است؛ بنابراین جمله به صورت ساختار منطقی و زبانی تحلیل می‌شود. ساختار منطقی: جایگاه گزاره از نظر حملی (انحلال‌پذیر یا انحلال‌ناپذیر) و غیرحملی بودن (شرطی، فصلی، عطفی) آن بررسی می‌شود. ساختار زبانی: ساختار نحوی، عرضی و طولی زبان (عرفی، فلسفی، شهودی و سمبلیک) گزاره بررسی می‌شود.
تحلیل مبانی معرفتی	تحلیل اینکه گزاره یا نظریه بر چه مفاهیم بنیادی (مبادی تصویری) و چه گزاره‌های پایه‌ای (مبادی تصدیقی) استوار است.
تحلیل لوازم منطقی	در این قسمت لوازم منطقی نظریه تحلیل می‌شود (قراملکی، ۱۳۸۵: ۲۵۰-۲۶۰).

منبع: تخلص از نگارنده

در مشاهده میدانی با مشاهده رفتارها و احساسات زائران می‌توان نحوه دسترسی به مسیر، تعاملات اجتماعی، واکنش‌های عاطفی و رفتارهای خاص زائران را در مقابل نمادها و مکان‌های مقدس ملاحظه کرد. استفاده از روش دلفی و صحبت با متخصصان مربوط درباره مؤلفه‌های محیطی و مسیریابی صحیح به نتایج تحقیق عمق بیشتری داده است. جامعه آماری پژوهش زائران حرم مطهر امام حسین (ع) است که تجربه زیارت حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام را داشته‌اند. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. این روش براساس ویژگی‌ها و شرایط خاص زائران است که در آن به طور تقریبی از زائران برای مشارکت در تحقیق استفاده و از سه مؤلفه پیکره‌بندی، دسترسی بصری و عناصر شاخص فضایی به عنوان سیرآفاقی و بررسی مراحل آداب زیارت به عنوان سیر انفسی بهره گرفته شده

است.

در این مطالعه بررسی مراحل آداب زیارت به عنوان نماینده سیر انفسی در نظر گرفته شده است. آداب زیارت (غسل، اذن دخول، خواندن زیارت‌نامه، نماز، دعا) اعمالی است که به ظاهر فیزیکی است؛ اما با هدف تأثیرگذاری بر باطن و روح زائر انجام می‌شود و به تنظیم حالت درونی برای تجربه معنوی کمک می‌کند. این یک انتخاب هوشمندانه برای عملیاتی کردن مفهوم «سیر انفسی» است تا درک بهتری از تجربه‌های زائران مختلف ایجاد شود. دسترسی به نتایج تحقیق بیشتر مرحله‌ای و گاهی مکاشفه‌ای از تجربه محقق یا زائران است.



شکل ۱: روش پژوهش و نحوه جمع‌آوری اطلاعات

ابزار شناخت

زیارت دیدار خودخواسته زائر از اماکن مقدس است که دو بُعد عینی و ذهنی دارد. بخش عینی زیارت نیازمند نهاده‌سازی و توجیح‌کردن است پس انجام دادن عمل زیارت به چارچوب آداب و احکام خاص مذهبی نیازمند است. بخش توجیه شناخت نیز با مجموعه احادیث و روایات کسب می‌شود که با آگاهی از فضیلت و ثواب زیارت نتایج پرورش و یادگیری اجتماعی نیز در راستای هم نیز شکل می‌گیرد. هدف از بُعد ذهنی درونی‌سازی معنای آداب زیارت است که به حس خودآگاهی زائر از خاص بودن زیارت‌شونده و خشوع در برابر او می‌انجامد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱).

علاوه بر بُعد عینی و ذهنی میزان میل و کشش و حس قلبی زائر از مکان مطهر و زیارت شونده نیز مهم است (واعظ جوادی، ۱۳۸۸: ۱۹). پس زیارت امری دینی، معنوی و عرفانی است که برپایه معرفت دینی عمیقی پایه‌ریزی شده است. «مفاد دینی تجربه ناشی از معرفت

افزابدن آن است» (پراودفوت، ۱۳۸۳: ۲۴۷). بُعد بیرونی زیارت به ضریح مطهر و مکان مقدس توجه دارد و از جنبه درونی برای دستیابی به هدف‌های معنوی زائر حائز اهمیت است؛ بنابراین برای افراد مکلف نوعی عبادت تلقی شده و تحت شرایط معینی انجام‌دادن آن تکلیف شرعی است.

در راستای رسیدن به معرفت و کمال الهی می‌بایست به سلسله‌مراتب معرفت‌شناسی دست یافت (جدول ۳). هنگامی که زیارت با معرفت همراه شود، این ثمره را نیز در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هرکس را که خداوند به شناخت و معرفت و ولایت اهل بیت من موفق سازد، همانا خدای تمامی خیر را برای او فراهم نموده است» (عمادالدین طبری آملی: ۱۳۸۳).

جدول ۴: سلسله‌مراتب معرفت‌شناسی

معبودشناسی Vision	هستی‌شناسی Mission	انسان‌شناسی Strategy	جامعه‌شناسی Tactic	تاریخ‌شناسی History
غایات‌شناسی آرمان‌شناسی هدف‌شناسی نهایت	پهنه‌شناسی قلمروشناسی منظرشناسی منظرگاه	ایده‌شناسی راهبردشناسی مکتب‌شناسی دیدگاه	شیوه‌شناسی راهکارشناسی مذهب‌شناسی رویکرد	برنامه‌شناسی مأموریت‌شناسایی روندشناسی عملکرد

منبع: نگارندگان

مفهوم زیارت از منظر جامعه‌شناسی

زیارت کنشی وابسته به ارزش‌ها و هدف آن رستگاری و تقرب به خداوند است (بهروان، ۱۳۸۰). این تقرب با توسل به زیارت‌شوندگانی است که احترام ویژه‌ای دارند و زائران با «حس تعلق خاطر» به زیارتگاه‌ها می‌روند. پس زیارت یک پدیده آستانه‌ای بارگاهی است که فرآیند و مناسکی دارد. زیارت را مجموعه‌ای از فرآیندهای اجتماعی فضایی درنظر می‌گیرند که مبتنی بر شرایط تاریخی، فرهنگی و محلی است (Collins-Kreiner, 2010, P. 444). زیارت مظهر امرآرمانی و متعالی است. مفهوم‌سازی واقعیت اجتماعی زیارت طبق نظریه «برساخت اجتماعی» این‌گونه مطرح می‌شود که این واقعیت درسطح عینی و دیداری به‌علت تکرار کنش‌های افراد و برآیند حاصل از آن به نهاد تبدیل و ویژگی‌های آن کسب شده است. همچنین، توجه

به ویژگی‌های عقیدتی و نظم نهادینه‌شده زیارت باید برای زائران ملموس و قابل درک شود تا آن را پذیرفتنی کنند (Fureseth, 2006, P. 70). از مهم‌ترین ویژگی‌های عقل خودشناسی است. «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۲). فطرت انسان با شناخت خدا عجین و دعوت به خودشناسی دعوت به خداشناسی است. انسان ممکن‌الوجود است؛ یعنی وجودش از خودش نیست. پس وابستگی خود را به خدا احساس می‌کند. از نظر امام‌رضا (ع) نیز برترین مرحله خرد شناخت انسان از خود است (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۵۲). زیارت به مثابه کنشی معنادار مطرح است. ازدیدگاه جامعه‌شناسی تبیین کنش روی طیفی از نظریه‌ها استوار است. نگاه بیرونی به الزامات مناسکی توجه دارد و از طرف دیگر، زیارت به مثابه کنشی انسانی به درونی و انفسی انسان توجه دارد (طالبی و یراق علی‌پور، ۱۳۹۹).

مفهوم زیارت برپایه انسان‌شناسی

مرتبط بودن زائر با خالق در مفهوم عبادی نکته مهمی است و این موضوع انسان را از کارهایی که با مخلوق ارتباط دارد، جدا می‌کند. از وظایف اصلی و عبادی هر زیارت رسیدن به قرب الهی و اطاعت امر از دستورات خداوند است. زیارت دو بخش وجه ظاهری و باطنی (درونی) دارد. وجه ظاهری رعایت آداب و مناسک زیارت براساس دستورات مذهبی و دینی انجام می‌گیرد و بخش باطنی آن عقیده زائر به حس خارق‌العادگی زیارت شونده است که زائر را به سمت عبودیت یا توسل به زیارت‌شونده می‌کشاند (کلیم کیت، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

زیارت از بُعد تاریخ‌شناسی

وجه نهادی زیارت طی فرآیند تاریخی شکل می‌گیرد. نگاه تاریخ برای کشف حقیقت و رسیدن به سعادت و افق گسترده است. در جدول ۳ روند پیشرفت و تغییرات حرم امام حسین (ع) آمده است. امام‌علی (ع) تاریخ را همانند نوری می‌داند که می‌تواند ذهن و اندیشه انسانی را روشن کند. او دو فایده را درباره علم تاریخ در نهج‌البلاغه بیان می‌کند: نخست عبرت‌آموزی و دوم هویت‌بخشی که به عنوان اجزا مهم

تاریخ است (نصر، ۱۳۸۵). گسترش حرم مطهر هم بنا بر ضرورت جمعیتی بوده است و هم عاشقان حضرت در هر دوره تلاش کرده‌اند با تکمیل و زیباسازی بنا ارادت خود را به خاندان وحی به نمایش بگذارند.

جدول ۵: کرونولوژی عمارت حرم امام حسین (ع)

تصاویر	حرم امام حسین (ع)	
	سال	دوره تاریخی
	تا سال ۱۹۳ ه. ق	عمارت اول امویان
	۲۳۲ ه. ق	عمارت دوم عباسیان مأمون عباسی
	۲۷۳ ه. ق	عمارت سوم عباسیان (منتصر)

	محمد بن زید بن حسن بن محمد بن اسماعیل بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب، ملقب به «داعی صغیر» پادشاه طبرستان	عمارت چهارم
	۳۶۹ هـ. ق	عمارت پنجم دیلیمان عضدالدوله دیلمی
۴۱۲ هـ. ق		عمارت ششم حسن بن مفضل بن سهلان ابومحمد رامهرمزی، وزیر سلطان‌الدوله دیلمی
 موقع الروضة المحمدية المقدسة www.iamhussain.org الروضة المحمدية سنة ۱۹۳۵	عمارت هفتم به سال ۳۱۰ به دستور سلطان اویس ایلخانی ساخته شد. فرزندش احمد بن اویس در تکمیل آن کوشید. در سال ۷۶۷ هـ. ق. بعد از سرنگونی آل بویه در سال ۳۱۰ هـ. ق و تکمیل در سال ۷۸۹ هـ. ق	



عمارت هشتم
۱۴۲۶ ه. ق



منبع: مطالعات طرح توسعه حرم مطهر امام حسین (ع) قابل دسترس در ستاد بازسازی عتبات عالیات

زیارت از منظر فلسفی

زیارت کار و انجामी ارادی است که ابتدای آن صورت علمی (غایت)، شوق غایت تقویت شده اراده و حرکت است؛ در این معنا، غایت جزء مقدمات و مقومات این فعل است که فرد به آن آگاهی دارد. اساس این هدف نهایی رفص نقوص و رسیدن به کمال و قرب الهی است. این کمال و هدف متناسب با شرایط زائر متفاوت است (جدول ۵). در انجام دادن زیارت نیز زائر حقیقی کمال را طلب می‌کند و خواهان حاجت و شفاعت از زیارت‌شونده است که به‌عنوان تکامل یا غایت زیارت تعیین می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۲).

جدول ۶: دسته‌بندی واحدهای معنایی تجربه‌های زیارت امام حسین (ع)

واحد‌های معنایی	موضوع‌های معنایی	مقوله‌های معنایی
وضو، غسل، طهارت و پاکی‌گی، اذن دخول، سلام‌دادن، خواندن دعای زیارت‌نامه، لمس ضریح مطهر، خواندن نماز زیارت و آیات قرآن، وداع با امام.	مناسک	آداب‌مندی
القا حس معصومیت، ملجأ و پناه‌بودن امام به حال زائر.	تقدس‌داشتن	خارق‌العادگی
واسطه فیض و پر برکت‌بودن امام، شفا‌دهنده، اجابتگر دعا،	شفیع‌بودن	

		پذیرش توبه و طلب آمرزش برای گناه.
جذب	دلدادگی	اعتماد و علاقه تام به امام، خود را در محضر امام دیدن، به یاد امام بودن و جذب امام شدن.
	خضوع	عجز و زاری، خشوع و خضوع داشتن و احساس پناهندگی و تسلیم شدن در برابر خدا، مراقبه و سکوت، توبه و انابه.
	توسل جویی	شفاعت از امام طلب کردن، استغفار برای آمرزش گناه، درخواست دعا و حوائج، متبرک شدن.
	مناجات	ساکت بودن، خلوت و تنهایی، راز و نیاز کردن، نگرستن و گریستن.
	آرامش	سبک شدن و برخورداری از حس معنویت، آرام گرفتن، پایان اندوه و ناراحتی، احساس استغنا، حس خشنودی و شادی از زیارت.

منبع: یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱

معماری فضای قدسی

هنر مقدس بازتاب واقعیات ماورایی عالم صورت است که همه ریشه و اصل آسمانی دارد. زبان از وصف آن عاجز است و به همین دلیل، به زبان تمثیل بیان می‌شود. رمز فقط عبارتی قراردادی نیست، بلکه مطابق یک قانون هستی صورت نوعی یا رب‌النوع خود را متظاهر می‌کند (بورکهارت، ۱۳۴۷). معماری در ارتباط با ارزش‌هایی از قبیل عدالت، فراآگاهی در طراحی فضا و مکان، شرافت دادن به ماده‌گویی که خود ماده سخن به زبان آورد، ساخت‌وساز براساس امری بی‌زمان حامل مفاهیم اخلاقی توأم با معنویت است. ویژگی‌های هنر قدسی در معماری به‌گونه‌ای بوده است که باور به ملکوت و بیان معانی را با هنری انتزاعی، تزئینات، فرم و یا مسیر ممکن می‌کند و این امر انسان را از مرحله نفس (مرحله خودآگاه فردی) به مرحله شهودی بی‌زمان و بی‌مکان هدایت می‌کند (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۵). در زیارت هدف غایی، صاحب قدرتی است که انسان را در مقابل خود به خشوع و خضوع خالصانه وا می‌دارد. حضور یک قدرت شگفت‌انگیز که مارت نام آن را «مانا» می‌گذارد (همیلتون، ۱۳۹۰: ۸۴). امر قدسی در مکان‌های مقدس وجود دارد. الیاده معتقد است که «این حس و معنای قدسی بودن به درختان، سنگ، کوه و یا اشیای مشابه که قدرت اسرارآمیز در آن وجود دارد، نسبت داده شود» (همیلتون، ۱۳۹۰: ۹۰). پس امر قدسی قابلیت عینی شدن و فهم راحت‌تر را

به همراه دارد که با انجام دادن مناسک زیارت امکان‌پذیر است. کنش زیارت با سه رویکرد تفسیری درخور بررسی است:

۱- زیارت به مثابه کنش و حالات فردی و اعتقادی است که درون زائر ایجاد می‌شود و به حالات روانی، درونی و خاص زائر بستگی دارد؛

۲- زیارت در مقام کنش اجتماعی به کارکردهای درون‌گروهی و میان‌گروهی تأثیرگذار بر جامعه بستگی دارد؛

۳- زیارت به مثابه کنشی بینابین در فضای فردی-اجتماعی است که زائر در عین روبه‌روشدن با جامعه مقصود به دنبال رفع نیازهای شخصی از قبیل هویت و شخصیت وجودی خویش است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹).

زائران در زیارتگاه‌ها دنبال آرامش و سکون هستند؛ بنابراین به جنبه‌های عبادی زیارت توجه دارند که در نقش امور تربیتی و شخصیت‌سازی تأثیرگذار هستند. زیارت با هدف آشنایی و اتصال میان مؤمنان، صالحان و در اصطلاح صله رحم فضایی مناسب را برای پرورش و تربیت روحی-اجتماعی زائر فراهم می‌کند. در زیارت یاد خداوند و دعا کردن می‌بایست قلبی و درونی باشد. نه فقط ادای کلمات شکل گیرد. پس از زبان آغاز و به قلب منتهی شود. ذکر کلامی به ذکر قلبی تبدیل شود. در این خصوص امام صادق (ع) نیز فرمودند:

«أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ بِالْعَظِيمِ خَالِصاً ارْتَفَعَ كُلُّ حِجَابٍ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى: زمانی که بنده با عظمت و خلوص خداوند را یاد می‌کند، حجاب‌ها میان او و پروردگارش برداشته می‌شود (جعفر بن محمد صادق، ۱۴۰۰ ق).

هدف از این احادیث و محتوای تربیت انسانی است. زمانی که زائر با بیان قلبی و درونی این اذکار و ادعیه‌ها را تکرار می‌کند، وجود درونی زائر نیز با این مضامین هم‌صدا می‌شود و زائر به یک احساس درونی و تعادل روانی دست پیدا می‌کند. خضوع و خشوع در این مرحله وجود زائر را از خصلت‌های ناپسند مانند تکبر، خودخواهی، خودپسندی و غرور پاک می‌کند. الکسیس کارل اشاره می‌کند که «ستایش و نیایش به بُعد جسمانی و روحانی او اثر می‌گذارد و باعث تقویت احساس عرفانی و اخلاقی می‌شود. همچنین، در ظاهر افراد متواضع و مؤمن حس وظیفه‌شناسی، خیرخواهی و انجام کار خیر و ثواب به دیگران دیده می‌شود. از آثار مثبتی که بر فرد نمایان می‌شود عبارتند از: صفای دل، متانت رفتار، انبساط خاطر، شاد بودن، اعتماد به نفس بالا، راضی بودن به رضای خداوند و پذیرش حق» (آلکسیس، ۱۳۷۷: ۳۱). وقتی

پیوند نفس زائر و نفس زیارت‌شده (متوفی) کامل می‌شود، پس هرگاه زائر به‌سوی خدا تضرع کند، هنگام تضرع او حجاب‌های جسمانی از قلب زائل می‌شود و انوار جمال و جلال بر آن تجلی می‌کند. وقتی نفس او ارتباط محکمی با نفس پیدا کند، این نورهای فیضان‌شده به روح میت نیز منعکس می‌شود. نفس جداشده از بدن که کامل و صاف باشد، هرگاه با آن نفس قدسی پیوند حاصل کند، این دو نفس همانند دو آینه متقابل خواهد بود و هرگاه خورشید بر آنها بتابد، شعاع از هریک به دیگری منعکس می‌شود و در هریک تجلی می‌کند. نفسی که مفارق از بدن است، تجلی‌هایی بر او حاصل می‌شود که برای نفس مشغول به بدن حاصل نشده است. معارف پس از مفارقت نفس از بدن بهتر تجلی می‌کند و نفسی که همراه بدن است، هنگام زیارت برحسب تضرع و توجه کمالات کسبیه‌ای بر او حاصل می‌شود که برای نفس مفارق از بدن حاصل نشده است و پیشتر که نفس مفارق عالم به جزئیات بوده است. پس هنوز ارتباط مستحکمی با آن اجزای خاکی برایش باقی است. پس هرگاه انسان زنده نزدیک آن اجزای خاکی شود، در این هنگام این دو نفس تعلق به این اجزای خاکی پیدا خواهند کرد و به این جهت، مناسبتی بین این دو پدید می‌آید؛ بنابراین از آن نفس مفارق بر این نفس زنده مقداری نور فیضان می‌کند (چنارانی، ۱۳۸۸: ۹-۱۱).

تأثیر مبانی معرفت‌شناختی بر طراحی معماری قدسی

معماری قدسی در حرم امام حسین (ع) فقط یک بنای زیبا نیست، بلکه تجسم عینی و ملموسی از همین مبانی معرفت‌شناختی است. طراحی آن با هدف یاری‌رساندن به زائر برای ارتقا سطح معرفتی و معنوی صورت گرفته است (جدول ۵).

معرفت حضوری و شهودی

بالاترین سطح معرفت، معرفت حضوری است که در آن حقیقت بدون واسطه مفاهیم و استدلالات ذهنی برای قلب انسان آشکار می‌شود. این معرفت ناشی از حضور در محضر حق تعالی یا مظاهر اوست. زیارت بستری را برای ایجاد این حضور و شهود قلبی فراهم می‌آورد.

معرفت حصولی و استدلالی

شناختی است که با حواس، عقل و مفاهیم به دست می‌آید. معماری قدسی می‌تواند با ارائه نمادها، آیات و اشارات به این نوع معرفت حصولی نیز کمک کند.

فضاسازی برای حضور قلب

معمار با طراحی سلسله‌مراتبی فضا (از فضای بیرونی شهری به صحن‌ها، رواق‌ها، گنبدخانه و ضریح) سعی در ایجاد یک سفر معنوی می‌کند. هر مرحله از این سفر زائر را از دنیای کثرت به سمت وحدت و تمرکز بر حضور امام و خداوند سوق می‌دهد.

معرفت با وجه‌الله (انسان کامل)

در دیدگاه عرفانی و شیعی امام معصوم (ع) وجه‌الله و آینه تمام‌نمای صفات الهی است. شناخت ایشان به منزله شناخت خداوند است. زیارت محضر امام راهی برای نائل شدن به این معرفت والاست.

تمرکز بر وجه‌الله

جایگاه برجسته ضریح مطهر به عنوان کانون بصری و معنوی نمایانگر مقام وجه‌اللهی امام است. طراحی معماری به گونه‌ای است که نگاه و توجه زائر را به سمت این نقطه معطوف و حس حضور در محضر انسان کامل را تقویت کند.

معرفت ذکر و فکر

ذکر (به معنای یادآوری مداوم خداوند) و فکر (به معنای تدبیر و اندیشیدن در آیات الهی و نشانه‌های او) دو بال اساسی برای پرواز به سوی معرفت هستند. معماری قدسی و مناسک زیارت به گونه‌ای طراحی شده‌اند که زائر را در این مسیر ذکر و فکر یاری دهند.

استفاده از آیات و احادیث در کتیبه‌ها و نقوش

خطاطی و تذهیب آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع) بر دیوارها، گنبد و ایوان‌ها محیط را به یک کتاب معرفتی تبدیل می‌کند. این آیات پیام‌هایی مستقیم برای تفکر و ذکر هستند و به

معرفت حصولی زائر کمک می‌کنند.

بازتاب نور و استفاده از آینه‌کاری

نور و بازتاب آن نمادی از نور الهی و تجلیات حق است. آینه‌کاری و کاشی‌کاری با بازتاب نور فضایی رویایی و ملکوتی را ایجاد و زائر را به تأمل در عظمت الهی و عالم غیب فرامی‌خواند و به ایجاد حالت ذکر کمک می‌کند.

رایحه و عطر (در صورت وجود)

در برخی اماکن مقدس استفاده از عطر یا رایحه‌های خاص علاوه بر حس بینایی و شنوایی حس بویایی زائر را نیز درگیر می‌کند تا او را از دنیای مادی به فضای معنوی رهنمون و به ایجاد حالتی از توجه و حضور کمک کند.

حقیقت حجاب و رفع آن

در این دیدگاه غفلت و دنیاگرایی حجاب‌هایی بر قلب انسان می‌افکنند که مانع درک حقیقت می‌شوند. زیارت و فضای قدسی به دنبال زدودن این حجاب‌ها هستند.

تحول از فضای مادی به معنوی

زائر با ورود به حرم به تدریج از شلوغی و غفلت دنیای بیرون جدا می‌شود. طراحی معماری با ایجاد مرزهای بصری و حسی این جدایی را تسهیل می‌کند. این فرآیند به زائر کمک می‌کند تا از غفلت‌های روزمره رهایی یابد.

فراهم آوردن بستر ذکر و حضور

وجود آیات، نقوش، نورپردازی و حتی سکوت حاکم بر برخی فضاها زائر را به سمت درون‌نگری، یاد خداوند و امام حسین (ع) سوق می‌دهد و او را در وضعیت ذکر و حضور قلبی قرار می‌دهد. این حالت اولین گام برای زدودن حجاب‌های غفلت است (چنارانی، ۱۳۸۸). زیارت عاشورا به عنوان یک متن معرفت‌افزا در تحلیل چگونگی تفکر و وقوف چشمه‌هایی از معرفت را در درون زائر می‌گشاید. تبیین ارتباط این متن با هدف

زدودن حجاب غفلت و یادآوری ذکر الهی است.

جدول ۷: عناصر خلق فضای قدسی

عناصر	کارایی	نقش
عناصر بصری	آیات قرآنی و احادیث	قرارگرفتن در معرض ذکر خداوند با بصری
عناصر شنیداری	آوایی ملکوتی	قرائت قرآن، مداحی و تمرکز و توجه زائر
عناصر بویایی	رایحه و عطر شاخصی	تأثیر بر حس حضور در مکان قدسی
نمادهای متذکر ارزش	تبیین چگونگی استفاده از نمادها در معماری حرم	تذکر ارزش‌ها و مفاهیم معنوی
بازتاب نور	در مسیر یا مکان توقف زائر	یک عنصر نمادین و معنوی و کمک به تذکر الهی

منبع: نگارندگان

هنگامی که زائر وارد این فضای معمارانه می‌شود (براساس مبانی معرفت‌شناختی طراحی شده است)، تجربه‌ای عمیق و معرفت‌افزا را از سر می‌گذراند. معماری با ایجاد فضاهایی برای انجام دادن آداب خاص و ارائه نمادهای معنوی به زائر کمک می‌کند تا این آداب را درون‌سازی کند و به تدریج به یک خودتنظیم‌گری معنوی دست یابد. این خودتنظیم‌گری او را برای درک عمیق‌تر معارف زیارت آماده می‌کند. تجربه زیارت در چنین فضایی زائر را قادر می‌کند تا ابعاد بیشتری از مقام و معرفت امام حسین (ع) را درک کند و او را نه تنها به عنوان یک شخصیت تاریخی، به عنوان انسان کامل و وجه‌الله بشناسد (نقره‌کار و صالحی، ۱۳۹۱).

جدول ۸: شرایط مؤثر بر مسیریابی و ویژگی و مؤلفه‌های محیطی

ویژگی محیطی	مؤلفه محیطی	شرایط مؤثر بر مسیریابی	نمونه موردی
پیکره‌بندی	دانش پیکره‌بندی	استفاده نکردن از چند سیستم ترکیبی گمراه‌کننده، استفاده از فرم گشتالتی و قابل ساده‌سازی	

	کم کردن نقاط تصادفی مانند گره و تغییر جهت‌ها، ایجاد نقاط لنگرگاهی در سیرکولاسیون‌های نامنظم و شبکه‌ای	سیستم سیرکولاسیون (شبکه‌بندی راه سلسله‌مراتب عمق)	دانش مسیر	
	کاهش درب، تابلو تصاویر گیج‌کننده، کاهش تعداد تقاطع، چرخش گوناگونی و تنوع	تقسیمات فضایی (کاهش انتخاب‌های فضایی)	دانش نشانه	
	ایجاد گشودگی، حذف مانع، پیوستگی و دید به فضاها مرکزی، کاهش تغییر جهت در طول مسیر	پیوستگی فضایی (نحوه اتصال مسیر- گشودگی- کاهش عمق- اتصال به فضای مرکزی)	دانش پیکره‌بندی	
	حذف یا کاهش بن‌بست، افزایش روشنایی مسیر	ویژگی‌های بصری مسیر (عرض و نور مسیر، زاویه و شکل گره)	دانش مسیر	دسترسی بصری

	ایجاد بیرون‌زدگی و تورفتگی، ورودی و خروجی، قرارگیری خروجی در مسیرهای آشنا	جهت‌گیری عناصر شاخص	دانش نشانه	
	تغییر فرم و اندازه بنا، ایجاد زون‌های مختلف	الگوی فضایی (تغییر فرم، شکل، مقیاس، اندازه)	دانش پیکره‌بندی	تمایز
	تغییر رنگ و متریال، تغییر گرافیک، تغییر تناسبات	صفات فضایی (رنگ، نور، ابعاد)	دانش مسیر	
	چیدمان مختلف مبلمان، تمایز در عناصر دکوراتیو، وجود کتیبه‌های بامعنا و ارزشمند	فرم عناصر شاخص	دانش نشانه	

منبع: شریفی و همکاران، ۱۴۰۱. تصاویر از آرشیو عکاس عتبات عالیات آقای حسین حاجیلری و
تنظیم جدول از نگارنده

عملکرد مسیریابی با دسترسی بصری در فضاهای مذهبی رابطه مستقیمی دارد. هرچه میزان هم‌پوشانی سطح دید از نقاط مختلف بیشتر باشد، عملکرد افراد در مسیریابی سریع‌تر و خطای ناشی از یافتن مسیر درست کاهش می‌یابد. وجود زائران با فرهنگ و عقاید مختلف در این مجموعه در انتخاب گره‌هایی که به‌لحاظ ویژگی‌های دسترسی بصری، سطح دید و اطلاعات محیطی بیشتری ارائه دهند در اولویت انتخاب قرار می‌گیرند.

وضوح و خوانایی طریق تشرّف

ساماندهی فضایی خوانا در شهرهای زیارتی مستلزم ایجاد تصویری روشن و شفاف از ویژگی‌های شاخص آن در ذهن مردم است.

حرم امام حسین (ع) و عناصر بنیادین ساختار شهر زیارتی کربلا در قالب گره‌ها و نشانه‌های کلیدی هستند و در خوانایی شهر نقش مهمی دارند و در طول دوره‌های مختلف نیز حرم مطهر از ارکان اصلی شکل‌گیری نقشه ساختار ذهنی زائران بوده است؛ به نحوی که تصویر ذهنی مسیرهای اصلی در ذهن زائران متأثر از مرکزیت دربرگیرنده حرم و نواحی اطراف آن شکل می‌گیرد (زمانی و همکاران، ۱۴۰۲). در این خصوص خوانایی و نمایانی اماکنی که زمینه برگزاری آداب و مراسم عبادی هستند باید در ساختار و منظر شهر حفظ شوند. همچنین، منظر شهری در تعارض با هویت دینی آن نباشد. از ویژگی‌های شهرهای زیارتی هماهنگی فضایی در یک الگوی منظم سلسله‌مراتبی با اتصالات یکپارچه است که در اطراف هسته زیارتی متمرکز شده است و یک ساختار قابل فهم و خوانا را ایجاد می‌کند. ساختاری که بیشتر بر ساختار شعاعی با تأکید بر مرکزیت اشاره دارد. همچنین، از مشخصات دیگر شهرهای زیارتی وجود مسیر غالبی برای تشرّف زائران و انجام دادن مناسک آیینی و مذهبی است. وجود چنین مرکزیت محوره‌های شعاعی منشعب از آن به منزله نقاط تفوّق و تسلط با فرمی متمایز بر کل ساختار شهر زیارتی علاوه بر مرکزیت عینی مرکزیت ذهنی را نیز ایجاد می‌کند و موجب خوانایی، وضوح و ارتقای تصویرپذیری در طریق تشرّف زائران می‌شود (زمانی و همکاران، ۱۴۰۲). با بررسی شکل ۲ می‌توان به مراحل که یک زائر در بدو ورود تا پایان مسیر از یک فضای مذهبی که قابل انجام است به سیر انفسی معماری قدسی در مکان مطهر حرم امام حسین (ع) پی برد.

	حرکت به سمت حرم مطهر		دو رکعت نماز بعد از غسل زیارت		آمادگی روحی و جسمانی زیارت		نظافت و شستشو جهت پاکیزگی		نیت، مراقبت و طهارت	مرحله اول
	طواف کردن		دو رکعت نماز و صلوات زیر قبه		سلام دادن		وارد شدن به مکان مقدس		سلام و ادب حضور	مرحله دوم
	رسیدن به صحن اصلی		در آوردن کفش		تعبیه کفشداری و امانات		تعبیه فضای نیمه بزرگ و مسقف جهت خواندن دعای اذن و دخول		زیارت و توسل	مرحله سوم
	صدقه و نذورات		تعبیه کتبه ها دور تادور صحن		قفسه کتاب		صحن و شبستان مسقف		عبادت و تفکر	مرحله چهارم
	موزه		مهد قرآن		کتابخانه		مصلی		سلام و خروج	مرحله پنجم

شکل ۲: دیگرام مراحل زیارت و مکان معرفت افزا برای هر مرحله از زیارت زیارت امام حسین (ع)

در روایات برای زیارت آدابی ذکر شده که برخی از آنها مخصوص موارد خاصی است (جدول ۹).

برخی از این آداب که جنبه عمومی دارند و به همه اماکن مقدس مربوط است عبارت است از:

- ۱- ترک کلام بیهوده و مجادله در راه؛
- ۲- قبل از زیارت غسل کردن و خواندن دعای مأثور و پوشیدن جامه های پاکیزه و سفید؛
- ۳- گام کوتاه برداشتن و به آرامی حرکت کردن.
- ۴- گفتن ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هنگام رفتن به زیارت و صلوات بر پیامبر فرستادن؛
- ۵- دعای اذن دخول قبل از ورود به حرم مطهر، خضوع و خشوع داشتن و سجده شکر به جا آوردن؛
- ۶- هنگام زیارت، ایستادن، سر به زیر انداختن و توجه نکردن به اطراف، خواندن زیارت های مأثوره و نماز زیارت که دو رکعت است. به همراه تلاوت قرآن کریم و هدیه ثواب به صاحب مرقد شریف؛
- ۷- تقدم نماز واجب بر نماز و آداب زیارت؛
- ۸- زیارت و طلب مغفرت کردن به نیابت پدر و مادر، دوستان و نزدیکان؛
- ۹- وداع با صاحب آن مرقد شریف هنگام خروج (کلینی، ۱۳۷۹).

جدول ۹: مراحل آداب زیارت و مکان مناسب برای افزایش معرفت در زیارت

زیارت حالت انسانی			
مراحل زیارت	احکام فقهی	آداب (اخلاقی و عرفانی)	اذکار مربوط
نیت و مراقبت و طهارت	غسل زیارت	پاکی ظاهری، طهارت جسم و روح، جامه پاکیزه (پوشش مناسب یکی از ارکان زیارت است)	بسم الله و بالله، اللهم اجعله نورا و طهورا و حرزا و شفاء من کل داء و سقم و آفه و عاهه. اللهم طهر بی قلبی و اشرح به صدری و سهل لی به امری.
	لباس تمیز و آراستگی و خوش‌بویی	آراستگی کامل، لباس جدید و نظیف، استفاده از عطر به زیارت نائل شد.	
	نماز خواندن بعد از غسل	با جسم و روح پاک و لباس نو و جدید تشرّف یابد و توبه کند.	دو رکعت نماز بخواند. با ذکر خدا و الله اکبر و لا اله الا الله" و با قدم‌های کوچک به طرف مزار برود.
	وقار و طمأنینه	آرامش و وقار ظاهری، دوری از رفتار شتاب‌زده، قدم‌های کوچک برداشتن، ذکر گفتن درحین واردشدن به حرم.	سی بار ذکر الله اکبر گفته شود. سپس بگوید: السلام علیکم یا اهل بیت النبوه.
	خضوع و خشوع	حالت قلبی درونی، معرفت و محبت، خشوع قلبی.	لا اله الا الله وحده لا شریک له
	ذکر تکبیر و تسبیح	یاد خدا، حمد و ستایش، ستودن و بزرگ‌شمردن.	۱۰۰ مرتبه ذکر الله اکبر و ۱۰۰ مرتبه ذکر لا اله الا الله و ۱۰۰ مرتبه صلوات.

منبع: نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۱

پدیداری فضایی چندلایه از حرکت و توقف برای معرفت‌افزایی و تقرب در زیارت عاشورا همراهی با روح و متن زیارت عاشورا به‌خصوص در حرم امام حسین (ع) باعث بالارفتن مقام و رتبه خواننده زیارت می‌شود. در روایتی «قلب»، «حرم» خداوند نامیده شده است و وقتی مؤمن به زیارت حرم مطهر امام حسین (ع) نائل می‌شود، قلب یا همان حرم خداوند را در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) قرار می‌دهد؛ بنابراین اذن‌یافته تا در آخرین فراز زیارت

عاشورا می خواند. عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ: از طرف من سلام خداوند بر تو. به عبارتی، زائر شرافت می یابد تا سلام خداوند را به امام حسین (ع) برساند تا پاسخی دلنشین بر وجودش بنشیند (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۲). بالارفتن رتبه وجودی موجب ارتقای مقام نجواکننده زیارت می شود.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ: پروردگارا مرا در این مقام که هستم از آنان قرار ده که درود و رحمت و مغفرت شامل حال آنهاست. زیارت از مهم ترین مسیرهای ارتباطی بنده و معبود و خود یک عروه الوثقی است. همچنین، زیارت ریسمان الهی و فضایی است که بنده به دنبال وسیله است. امام را برای نزدیک شدن به مسیرها و برای تقرب به پروردگار و قرب الهی وسیله قرار می دهد.

در قسمتی از آیه ۲۵۶ سوره البقره کفر به طاغوت و ایمان به خدا به عنوان عروه الوثقی معرفی شده و چنین آمده است:

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى: پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است.

در آیه ۲۲ سوره لقمان چنین ذکر شده است: وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُور: و هر کس همه وجود خود را به سوی خدا کند، درحالی که نیکوکار باشد، بی تردید به محکم ترین دستگیره چنگ زده است و سرانجام و عاقبت همه کارها فقط به سوی خداست.

هرکس همه وجود خود را به سوی خدا کند و محسن باشد، به عروه الوثقی چنگ زده است؛ بنابراین زیارت شرایط مناسبی برای این عمل فراهم می کند و اکنون زیارت عاشورا است که برای خواننده و زائر فضایی چندبعدی و ارتباطی فراتر از رابطه دوسویه را می گشاید. دو فراز زیارت بسیار زیباست و پدیده های زمان و مکان را درهم می آمیزد.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ: پروردگارا مرا در این مقام که هستم از آنان قرار ده که درود و رحمت و مغفرت شامل حال آنهاست.

در این فراز فعل و انجام دادن کاری از خداوند متعال درخواست می شود. به معنای مقام توجه شود (در معنای منزلت، جایگاه و جای اقامه کردن). زائر در این مقام و در جایگاهی که

ایستاده، یعنی او آماده اقامه و برپاداشتن امری است؛ (رسیدن به مقام محمود و روزی شدن جهاد و خونخواهی امام حسین علیه‌السلام در کنار امام مهدی عجل‌الله) بنابراین برای توفیق در انجامش درخواست خاصی می‌کند. صلوات، درود و رحمت و مغفرت خداوند را. اینها نیاز مؤمن برای پایدارماندن در این مقام است و البته در معنای کلمه مقام هم بلندشدن و آماده انجام‌دادن و حرکت به هدفی متبادر است. در این فراز با قیام و بلندشدن زائر و زیارت‌کننده و حرکت او به سوی هدفی متعالی از خداوند درخواست بزرگ‌ترین خیر، یعنی رحمت و مغفرت می‌شود و صلواتی که خداوند در جایی مخصوص نبی خود فرموده:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا: همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می‌فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آنگونه که شایسته است، تسلیم او باشید (احزاب: ۵۶).

در فراز دیگر جریانی و پدیداری دیگر شروع می‌شود. موضوع حرکت زائر به سمتی است که هدف خلقت نامیده شده است. معرفت به خداوند و قرب الهی: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ).

در فراز مهمی از زیارت عاشورا زمان و مکان درهم تنیده می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي: پروردگارا من به شما در

این روز و در این مکان و در تمام دوران زندگانی.

بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: به بیزاری جستن و لعن بر آن ظالمان و دشمنی آنها و به دوستی پیغمبر و آل اطهار او صلوات الله عليهم اجمعین تقرب می‌جویم.

در این فراز موضوع زمان و مکان وقوف مطرح می‌شود. فراز قبلی زیارت عاشورا با مقام و بلندشدن همراه بود و در این فراز با محل توقف و وقوف و زمان تعریف شده در الان، امروز و محدوده حیات و زندگی همراه است. همچنین، در این فراز کاری برای رسیدن به مهم‌ترین هدف خلقت تعریف می‌شود که آن کار تبری از ظالمان و تولی و دوستی نبی و خاندانشان است.

پس زیارت عاشورا در جاهای مختلف فضاها و چندبعدی می‌گشاید و پدیدارهای جدیدی را جلوی زائر باز می‌کند. چه اینکه زائری در حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام زیارت عاشورا بخواند و چه در بیت‌الله دیگر و چه در خانه خود. این فضاها و چندلایه بهم پیوند می‌خورد.

در هر فضایی اقیانوسی و کهکشانی از نور پدیدار می‌شود که به دور خورشید آن فضا و همه به دور شمس الشموس و وجود مقدس امام حسین علیه‌السلام می‌چرخند و بدین ترتیب، انوارشان پیوند می‌خورد.

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست پیوند جان‌های مؤمنان باهم از طریق این رشته ایمانی است که به ریسمان الهی و محبت اهل بیت علیهم السلام پیوند خورده است و اظهار محبت با فعل زیارت و خواندن زیارت عاشورا پیوند جان‌های مؤمنان را فراهم می‌کند. امام حسین (ع) جان جانان است.

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی جسمشان معدود لیکن جان یکی بررسی سیر آفاقی و انفسی مسافر و زائر در مکان زیارتی در آیه شریفه:

«سُرِّیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ یَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»

عرفا از سفر به دو مرتبه «سفر آفاقی» و «سفر انفسی» یاد می‌کنند. در سفر آفاقی در عالم ظاهری مسافر و سالک به سیر و سلوک و مراتب بیرون از نفس توجه دارند که در برابر این سفر و عالم ظاهری سفر باطنی نیز وجود دارد که در آن مسافر به سیر و سلوک در مراتب درونی و نفس خویش می‌پردازد که به آن سیر انفسی می‌گویند. سیر انفسی بالاتر از سیر آفاقی است و بر سیر درونی تاکید دارد (کلینی، ۱۳۷۹). آیاتی که خدای متعال امر به سیر و سفر کرده است:

«قُلْ سَیْرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ» (العنکبوت: ۲۰). «قُلْ سَیْرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (الأنعام: ۱۱).

درحقیقت، به دستاوردهای مهمی از آفاق توجه شده است؛ زیرا عرفا به چنین سفرهایی تأکید دارند و آن را از ضروریات سیروسلوک معنوی می‌دانند. مراتب آفاقی بیرون از نفس و وجود انسان قرار دارد که معنایی والاتر از ترک ظاهری وطن، سیر و سفر به تن است (شریفی، ۱۳۹۹). شروع این مرتبه از سیر جهان طبیعت و نقطه پایانی آن عالم ملکوت است که در مراتب طولی عالم محقق می‌شود. سالک از مرتبه عالم ماده گذر می‌کند و وارد مرتبه ملکوت

عالم می‌شود (آملی، ۱۳۶۸).

سالک در مظاهر آفاقی تنها به اسما و صفات خدای متعال توجه می‌کند. به دلیل تماشای زیاد اسامی و صفات خداوند در عالم غلبه وحدت بر کثرت و ظهور حق باعث این امر می‌شود که در عرفان اسلامی از این مقام به «خلوت بارب» تعبیر می‌شود (ابن عربی، ۱۳۷۰). سالک در عین حضور در میان مردم حقیقتی جزء خدای متعال نمی‌یابد و نمی‌بیند. رسیدن به این مرتبه از سیر استکمالی صعودی با بررسی آیاتی از قبیل:

«أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری: ۵۳) و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶).

به پایان این سیر و سلوک «ختم وجود امکانی به بدو وجود امکانی» گفته می‌شود (مدرس زنوزی، ۱۳۷۶: ۱۰۵). به نظر اهل معرفت آیات شریفه «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (النجم: ۹-۸). با این مفهوم همخوانی دارد.

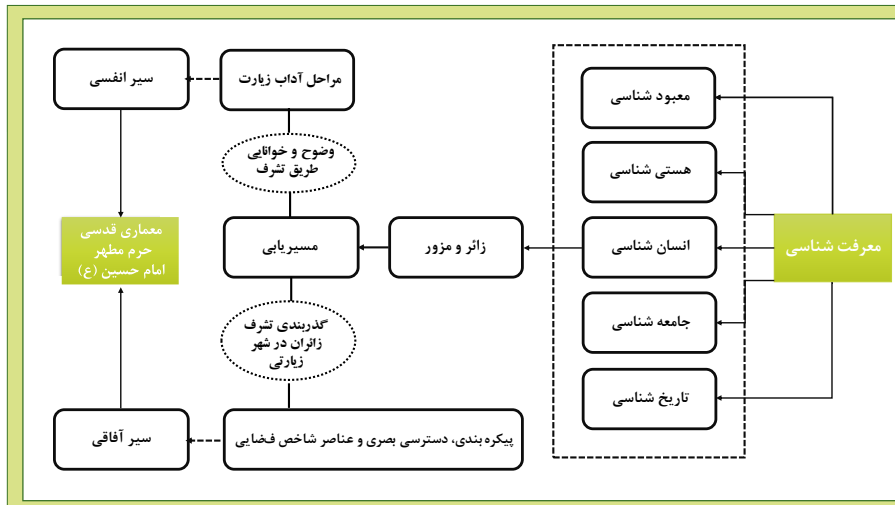
مراتب هستی در آیه «سَرِّبِهِمُ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ» به سیر نزولی و روبه پایین انسان و در بخش دوم آیه «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْهَتْكُ» به سیر صعودی و حرکت رو به بالا اشاره دارد. حضور زائر در فضای زیارتی موجب مجانست هر دو سیر آفاقی و انفسی برای او است؛ بنابراین سلسله مراتب حضور او در آفاق و انفس اهمیت دارد.

حاصل این مجانست یک تجربه معنوی یکپارچه است که در آن مرز میان خود و جهان بیرونی، مادی و معنوی، حس و معنا تا حدی محو می‌شود. زائر با قرارگرفتن در آفاق مقدس به کشف و شهود درونی می‌رسد و این کشف درونی نیز خود را در آفاق بیرونی (رفتار، گفتار، اشک و دعا) متجلی می‌کند. عارفان زیارت را تنها یک سفر به مکانی خاص نمی‌دانند، بلکه آن را فرصتی بی‌نظیر برای تجمیع سیر آفاقی و انفسی و رسیدن به حقایق عمیق‌تر وجودی می‌دانند. در این حالت، مکان زیارت فقط یک نقطه جغرافیایی نیست، بلکه به آینه‌ای برای بازتاب درون و دریچه‌ای برای رسیدن به بی‌کران تبدیل می‌شود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف توجه دادن به مبانی معرفت‌شناختی مانند نوری است که راه را برای طراحان معماری قدسی روشن می‌کند تا فضایی را بیافرینند که نه تنها از نظر بصری دلنشین باشد، به طور فعالانه زائر را در مسیر کسب معرفت الهی یاری دهد و حجاب غفلت را از پیش دیدگان او بردارد. این ارتباط متقابل میان فکر (مبانی معرفت‌شناختی)، شکل (معماری

قدسی) و تجربه (زیارت معرفت افزا) محور اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.



شکل ۳: ارتباط متقابل معرفت‌افزای کمال‌گرایانه با معماری قدسی حرم مطهر امام حسین (ع)

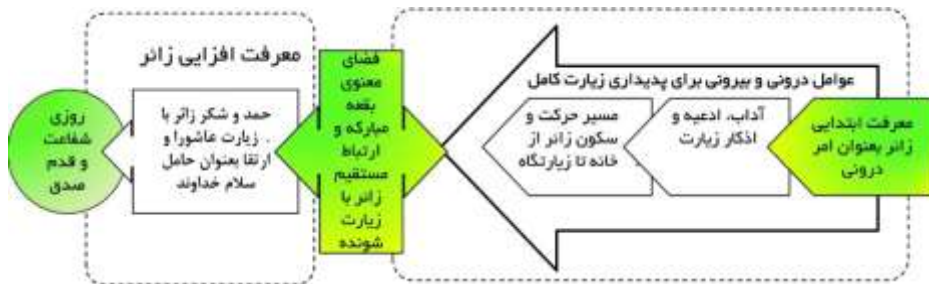
از مهم‌ترین نتایج این پژوهش می‌توان موارد ذیل را شرح داد:

- مسیر تشرف و سلسله‌مراتب آن برای درج و طی مراتب معرفت‌شناسی زائر تا ضریح مطهر و خواندن زیارت‌نامه همانند زیارت عاشورا اهمیت داشته است؛
- زیارت عاشورا به‌عنوان منشور و آیین‌نامه زندگی یک مؤمن و همراه با لایه‌های مکمل ازدیدگاه اسلام‌شناسی، معرفت‌شناسی، امام‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی است. مفاهیم معرفت‌شناسی گاهی با تفکر و وقوف در زیارت عاشورا چشمه‌هایی از معرفت را در درون زائر می‌گشاید؛
- زائر اگر در حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام، در بیت‌الله دیگر و یا در خانه خود زیارت عاشورا را بخواند، این فضاهای چند لایه بهم پیوند می‌خورد؛
- معماری قدسی و اصیل با تکیه بر اصول و عقاید اخلاقی باید فضای مادی را برای زائران سرشار از خلوص، تعادل، صمیمت و آرامش و انسان را از عوالم مادی به‌سوی ملکوت راهنمایی کند؛
- معماری در فضای زیارتی به‌طور مداوم ذکر را با بصری چه به‌صورت آیه مبارکه یا حدیث و چه با بازتاب نور در مسیر یا مکان توقف زائر قرار می‌دهد. عناصر معماری ضمن شرافت

یافتن مکمل یکدیگر و در تکامل و رشد زائر شریک می‌شود؛

- نمادهای ارزشی و مفاهیم معنوی در حرم حسینی در کنار ضرورت تعریف سلسله‌مراتب تشرف به حرم مطهر برای آمادگی زائران به منظور درک آداب و معارف زیارت ضروری است؛

- زمان و مکان در هستی‌شناسی زیارت به عنوان عوامل مهم در تجربه زیارت در نظر گرفته می‌شود. زمان‌های خاص ایام مذهبی مانند اربعین و مکان‌های خاص مانند حرم مطهر امام حسین (ع) می‌توانند تأثیر زیادی بر کیفیت و عمق تجربه زیارت داشته باشند.



شکل ۴: عوامل درونی و بیرونی برای پدیداری زیارت کامل در حرم مطهر امام حسین (ع)

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۴). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران و قم: دارالقرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۹). وحدت و کثرت وجود از دیدگاه حکمت متعالیه. مجله اندیشه صادق، (۸ و ۹).
- ابن عربی، محی‌الدین [بی‌تا]. نقش الفصوص. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- اکبری، زهرا؛ حسینی، آیین و فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). تحلیل فرهنگی نسبت میان زیارت و عرفی‌گرایی در جامعه معاصر ایران مطالعه مردم‌نگارانه زیارت امام‌رضا (ع) از منظر انسان‌شناسی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی/سلام و علوم/اجتماعی، ۱۲ (۲۳)، ۷۹-۱۰۶.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). مقدس و نامقدس (ترجمه نصرالله زنگویی). تهران: سروش.
- آملی، سیدحیدر (۱۳۳۸). جامع الاسرار و منبع الانوار. انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.

- بورکهارت، تیتوس (۱۳۴۷). مدالی بر اصول و روش هنر دینی. مجموعه مقالات هنر معنوی، تهران: مطالعات دینی هنر.
- بهروان، حسین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زیارت با تأکید بر نیاز زائران در حرم حضرت رضا (ع). مجله مشکوه، (۷۲ و ۷۳)، ۸۷-۱۰۲.
- پراودفوت، وین (۱۳۸۳). تجربه دینی (ترجمه عباس یزدانی). قم: کتاب طه.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۸). پدیدارشناسی تجربه زیارت: مطالعه‌ای در حرم امام رضا (ع). فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۶ (۸۵)، ۱۶۵-۲۰۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالكلم (شرح جمال الدین خوانساری). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفر بن محمد الصادق (۱۴۰۰ ق). مصباح الشریعه. بیروت: الاعلمی.
- چنارانی، محمد علی. حسینی زنجانی، عز الدین. ۱۳۸۸. شرح زیارت عاشورا. ۱ ج. مشهد مقدس - ایران: عروج اندیشه
- زمانی، بهادر؛ اسلامی، شیرین و نورایی، همایون (۱۴۰۲). سنجش تأثیر مؤلفه‌های ادراکی زائران در تشرف به حرم‌های زیارتی (مورد پژوهی: بافت پیرامون حرم مطهر حضرت معصومه). فصلنامه علمی معماری و شهرسازی صفا، ۱۰۳ (۴)، ۵۹-۷۶.
- شریفی، سروناز؛ بخارایی، صالحه و مظاهری تهرانی، محمدعلی (۱۴۰۱). معماری و مسیریابی: تحلیل اثر دسترسی بصری بر فرآیند مسیریابی درفضاهای اداری: مطالعات معماری ایران. دو فصلنامه معماری ایرانی، ۱۱ (۲۱)، ۱۵۹-۱۸۳.
- شریفی، عنایت‌الله (۱۳۹۹). مبانی هستی‌شناختی خودآگاهی در قرآن کریم. پژوهشگاه معارف قرآنی، ۱۱ (۴۲)، ۳۵-۵۸.
- شریفی، محمد؛ رامشت، محمدحسین؛ رفیعیان، مجتبی و قوی‌دل، یوسف (۱۳۹۲). هویت مکان و ادراک آن با رویکرد ژئوسیستمی. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۴ (۲)، ۱-۲۲.
- طالبی، ابوتراب و براق‌علی‌پور، الهه (۱۳۹۹). گونه‌شناسی زیارت و دینداری زائران معناکاوی کنش زیارت زائران امام رضا (ع). فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۲ (۶۹)، ۷۵-۱۰۶.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲). نه‌ایه/الحکمه (با تعلیق غلامرضا فیاضی). جلد ۲ و ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عظمتی، حمیدرضا؛ صادقی حبیب‌آباد، علی؛ مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و طاهر طلوع دل، محمدصادق (۱۳۹۵). جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری. پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۵ (۱۰)، ۳۱-۵۰.

- عمادالدین طبری آملی، محمد بن علی. ۱۳۸۳-۱۳۴۲. بشاره المصطفی لشیه المرتضی. ۱. ج. نجف اشرف. عراق: المطبعة الحیدریه
- فخارنوغانی، وحیده (۱۳۹۴). بررسی معانی سفر آفاقی و دستاوردهای آن از منظر عرفای مسلمان. فصلنامه عرفان اسلامی، ۱۲ (۴۳).
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو). مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کارل، آلکسیس (۱۳۷۷). نیایش (ترجمه علی شریعتی). تهران: الهام.
- کلیم کیت، هانس (۱۳۹۰). شناخت دانش‌ادیان. تهران: نقش جهان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹) فروع الکافی. دار التعارف للمطبوعات. ج ۶. ۳۲۱-۳۲۲.
- کلینی، فروع کافی (۱۳۷۹). ج ۶، ۳۲۱-۳۲۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحارالانوار. ج ۱، تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
- مدرس زنوزی، آقا علی (۱۳۷۶). بدایع الحکم (مقدمه احمد واعظی). قم: انتشارات الزهراء، چاپ اول.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۵). معرفت و معنویت. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم.
- نقره‌کار، سلمان و صالحی، هیفاء (۱۳۹۱). از آداب زیارت تا ادب معماری مزار در جست‌وجوی اصول طراحی مزارهای اسلامی-شیعی مبتنی بر رعایت آداب زیارت.^۱
- واعظ جوادی، مرتضی (۱۳۸۸). فلسفه زیارت و آیین آن. قم: اسراء.
- هاشمی، سیدمجید؛ نقره‌کار، سلمان و کوثر، فاطمه (۱۴۰۲). ارزیابی کمی و کیفی از کتیبه‌های زیارتگاهی، مطالعه موردی: باب القبله تا گنبدخانه حرم مطهر امام حسین (ع). نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، (۴۰)، ۱-۲۴.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۰). جامعه‌شناس دینی (ترجمه نحسن ثلاثی). تهران: ثالث.
- یوسفی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ کهنسال، علیرضا و مکرری‌زاده، فهیمه (۱۳۹۱). پدیدارشناسی تجربی زیارت امام‌رضا (ع). مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۶ (۳ و ۴)، ۱۸۰-۱۹۸.

References

- Collins-Kreiner. (2010). *Researching pilgrimage: Continuity and transformation*. annals of tourism researcher 37, 440-456

1. مقاله را در اختیار نگارندگان قرار دادند اما به چاپ نرسیده است

- Fureseth, I., & Pal, R. (2006). *Introduction to the sociology of Religion: Classical and contemporary perspective*. Abingdon.Oxon.GBR: Ashgate publishing.

**Collection articles of International
Conference Construction, Development,
and Reconstruction of the Holy Shrines
through History**

September 22, 2025

Volume 1: Farsi

Edited by: Prof. Asghar Montazerolghaem